

Publications of the
Institute for the History of
Arabic-Islamic Science

Edited by
Fuat Sezgin

ISLAMIC
GEOGRAPHY

Volume 115

The Áin-i-Akbarí
by
Abul-Fazl-i-'Allámí

Edited in the Original Persian
Vol. I

Reprint of the Edition Calcutta 1872
Second part (pp. 265-668)

1993

Institute for the History of Arabic-Islamic Science
at the Johann Wolfgang Goethe University
Frankfurt am Main

THE
Á Í N - I - A K B A R Í

BY
ABUL-FAZL-I-'ALLÁMÍ.

EDITED
IN THE ORIGINAL PERSIAN

BY
H. BLOCHMANN, M. A.
ASSISTANT PROFESSOR, CALCUTTA MADRASAH.

VOL. I.

PRINTED FOR THE ASIATIC SOCIETY OF BENGAL IN THE
BIBLIOTHECA INDICA.

CALCUTTA:
PRINTED BY C. B. LEWIS, AT THE BAPTIST MISSION PRESS.
1872.

الجغرافيا الإسلامية

المجلد المئة والخامس عشر

آئين أكبري

تصنيف: أبي الفضل علّمي (توفي ١٠١١هـ)

بتصحيح: هـ. بلخن

المجلد الأول من النص الفارسي

إعادة طبعة كلكتا ١٨٧٢م
القسم الثاني (ص ٢٦٥ - ٦٦٨)

١٤١٢هـ - ١٩٩٢م
معهد تاريخ العلوم العربية والإسلامية
في إطار جامعة فرانكفورت - جمهورية ألمانيا الاتحادية

منشورات
معهد تاريخ العلوم العربية والإسلامية

يصدرها
فؤاد سزكين

الجغرافيا الإسلامية
المجلد ١١٥

آئين أكبري

تصنيف: أبي الفضل علّمي (توفي ١٠١١هـ)

بتصحيح: هـ. بلخن

المجلد الأول من النص الفارسي

١٤١٢هـ - ١٩٩٢م
معهد تاريخ العلوم العربية والإسلامية
في إطار جامعة فرانكفورت - جمهورية ألمانيا الاتحادية

اللہ اکبر

جلد اول

آئین اکبری

تصنیف

شیخ ابو الفضل علامی فہامی بن مبارک ناگوری



بتصحیح

جناب ایچ بلخمن ام اے
اسسٹنٹ پروفیسر مدرسہ عالیہ کلکتہ



بحکم ایشیاتک سوسائٹی اف بنگال
در مطبع پبلسٹ مشن پریس واقع شہر کلکتہ

در سنہ ۱۸۷۲ ع

چاپ شد



Near
East
DS461.3
A28
1993
1:2

طبع فی ۸۰ نسخہ

نشر بمعهد تاریخ العلوم العربیہ والإسلامیہ
بفرانکفورت - جمہوریہ المانیا الاتحادیہ
طبع فی مطبعہ شتراوس، ہیرشبرج، المانیا الاتحادیہ

دفتر سوم در ملك آبادي *

چون لخته تازه روشهای شاهنشاهی که سپاه و منزل را بیاراید نگاشته آمد بهر خه شرف
طرزهای آن کارگاه که جهان را آباد سازد برمی نگارد *

آئین تاریخ الهی *

سرشته داد و ستد بے ماه و روز از دست برود و از فرامشی و ناراستی شورش آویزه برخیزد *
ازان رو هر گرسه چاره برسگالد و سرآغازے بر نهد * چون سگالش آموزش درستی و افزایش آسانی
است که تاریخ برداشتن و نو آئین بر نهادن ناگزیر جهانبدایی * بنا برین اورنگ نشین اقبال سال
بیست و نهم الهی بتازه ساختن آن سرایستان ملک و مال را آبیاری فرمود و گلشن سرای دولت
را سرسبز و شاداب گردانید *

پای بند ساختن سوانح بزمان معین را پارسی ماه روز گوید * تازی آنرا مؤرخ برگردانید
۱۰ و تاریخ ازان زبان زد روزگار * برخه عربی شمردن از اِراخ (بکسر همزه) گاو وحشی * بابِ تفعلیل برای
زدودن آید * چون نادانی هنگام سانحه کاسته گردد بدین نام اختصاص گرفت * چنده مقلوب
تاخیر اندیشند و آن نسبت دادن آخرین وقت باشد باولین زمان * و طائفه آخر وقت دانند که
حادثه بدر انجامد * گویند فلانی تاریخ قوم خود است یعنی شرف دودمان بدر نهایت پذیرد *
و در عرف روزے معین است که زمان سپس را بدر نسبت دهند و سرآغازے بدر قرار گیرد * و
۱۱ ازین رو آنرا روزے برگیند که بسترگ سانحه روشناس باشد چون کیش پیدایی و اورنگ نشینی و
جوش طوفانی و زمین لرزه * بسخت نگاو و یارویی سخت و دوام نیایش و آزمون روزگاران و فروغ پذیرد
خرد و ایمنی زمان و فراهم آمدن دانش منشان دربین و گوناگون شناسائی خاصه ریاضی
و ایندی توفیق صد برساختند شگرف خانهای زیر و بالا و دگرگونگی روزنها و زیغها در بلند زمین کم غبار
اساس یافت * و بمیانجی آن و نیروی آلات چون ذات الحلق و ذات الشعبتین و ذات التقبیتین و ربع

مجبیب و اضطراب و کوه و جزآن اخترشناسی چهره بزافروخت و شمارۀ افلاک و جای ستارگان و اندازۀ حرکات در طول و عرض و دوری از یکدیگر و از زمین و بزرگی و کوچکی اجرام و مانند آن هوندائی گرفت * این کار سترگ بے اقبال روزافزون فرمانروای دادگر و فراوان توجّه او صورت نگیرد * فراهم آمدن دانادان آزاد خاطر تنها بانزویی خواسته دست ندهد و خرد نامهای باستانی و دستور العمل پیشینان بے سخت کوشش ارزنگ نشین بچنگ نیاید * و با این همه سی سال باید که بر یک دورۀ هفت سیاره آگهی شود * هر چند زمانه دراز و کوشش فراوان کار شایسته تر *

دربین کهن دیر بر آشوب بسا کس را توفیق یابری نمود و بدین کار لخته چهره دستانی یافت چنانچه آرشمیدس و آپسرخس و أبرخس بمصر که درین سال چهارم الهی هزار و هفصد و شصت و نه سال از سپری شده * بطلمیوس باسکندریه هزار و چهارصد و ده و چنده میباشند و مأمون خلیفه در بغداد هفصد و نود سال گذشت * سدید بن علی و خالد بن عبد الملك المروزی بدمشق هفصد و شصت و چهار سال بسر آمده و حاکمی و ابن اعلم در بغداد پیش ازین بهفصد و دوازده سال رصد اساس نهادند و ناتمام ماند بتانی برقه بشش صد و پنجاه و چهار سال * خواجه نصیر طوسی در مراغه تبریز سیصد و شصت و دو سال شمسی میگذرد * و میوزا اُلغ بیگ در سمرقند صد و پنجاه و شش سال سپری شد و گزیده ترین بر شمرد * رصد بتاری زبان انتظار و منتظران سپس جمع که در خاص خانها چشم بر راه شناسائی اختر دارند و پژوهش حال آن نمایند * و آنچه بدین طرز بر گیرند و از علوی حقائق آگهی پذیرفته بجدول در آورند و بقید کتابت باز دارند آندرا زیج گویند * و او معرب زبانت است بیاری رشته های ست که نقشبندان را قانع است در بافتن نقشین پارچه * همان طرز زیج دستوره است منجم را در شناخت فلکی اوضاع و خطوط و جداول در طول و عرض بدان رسمانها مانده گویند معرب زده است از فراوان احتیاج که بر شناسا پوشیده نیست * و بر هر قوس را در برابر آن نهاده اند و آنرا بدین نام خوانند * و برخه فارسی برگذارند بمعنی رجۀ بذا * چنانچه او بدست آوین از راستی عمارت آگهی پذیرد اخترشناس بدین تقویم درستی پژوهد *

فراوان مردم از آن یادگارے گذشته * زیج ماجور ترک * زیج ابرخس * زیج بطلمیوس * زیج فیثاغورس * زیج زردشت * زیج ثابون اسکندرانی * زیج ساماط یونانی * زیج ثابت بن قوه * زیج حسام بن سنان * زیج ثابت بن موسی * زیج محمد بن جابر بتانی * زیج احمد بن عبد الله جبلا * زیج ابو یحیی * زیج خالد بن عبد الملك * زیج یحیی بن منصور * زیج حامد مروردی * زیج مغیثی * ۲۵

(۱) [ض د] رشیدش // (۲) همچنین در [۳] در دیگر نسخه بطلمیوس // (۳) [ف ش] نقشین در [ض د] نیست * [۴] [ف ش] و نیز هر قوس // (۵) [ش ف] زجه ۹ * [ض د] رشته // (۶) [ض د] اسکندری // (۷) [د] سباط // (۸) [ش ف] اشیان // (۹) در قاموس احمد // (۱۰) همچنین در [۸] * [ش ف] حسا // [و] احسا * [ض د] احبار // (۱۱) [ف] حامد بن مروردی //

زیج شرقی * زیج ابوالرؤف نورخانی * زیج جامع کیاکوشیار * زیج بالغ کیاکوشیار * زیج عضدی کیاکوشیار * زیج سلیمان بن محمد * زیج ابو حامد انصاری * زیج صفای * زیج ابو الفرح شیرازی * زیج مجموع ازبک * زیج مختار * زیج ابوالحسن طوسی * زیج احمد بن اسحق سرخسی * زیج غراری * زیج هارونی * زیج ادوار قرانی * زیج یعقوب بن طائوس * زیج خوارزمی * زیج یوسفی * زیج وافی * زیج جوزهری * زیج سمعانی * زیج ابن سحر * زیج ابو الفضل ماشاده * زیج عامی * زیج کبیر ابو معشر * زیج سند بن علی * زیج ابن اعلم * زیج شهریاران * زیج اوکند * زیج ابن مونی * زیج سهل کاشی * زیج اهلوازی * زیج عروس ابی جعفر بوشنجی * زیج ابو الفتح * زیج عکراهبی * زیج قانون مسعودی * زیج معتبر سنجری * زیج وجیز معتبر * زیج احمد عبد الجلیل سنجری * زیج محمد حاسب طبری * زیج عدنی * زیج طیلسانی * زیج اصابعی * زیج کومانی * زیج سلطان علی خوارزمی * زیج فخر علی نسبی * زیج علائی شیروانی * زیج راهری * زیج مستوفی * زیج منتخب یزدی * زیج ابورضای یزدی * زیج قیدری * زیج الکلیلی * زیج ناصری * زیج ملخص * زیج دستور * زیج مرگب * زیج مقله * زیج عصا * زیج شسله * زیج حاصل * زیج خطائی * زیج دیلمی * زیج مفرد * زیج محمد بن ایوب * زیج کامل ابورشید * زیج ایلخانی * زیج جمشیدی * زیج گورگانی * و آنچه سال بسال از زیج جزئی حرکات و شخصی ارضاع بر نویسند تقویم خوانند * و آن در اصل خرامش اختر باشد از سر آغاز حمل تا جای معین از فلک البروج بتوالی * و بهندی زبان بقوه خوانند (بفتح بای فارسی و سکون تایی فوقانی و فتح را و های مکتوب) * و هندی حکیم شناسائی اختر را بگذارش قدسی نفوس پندارد * مردم زاد از صفاتی گوهر و شایستگی اندیشه و گزیدگی کردار و گذارش جان و تن بپایه رسد که نقوش کونی و الهی کلی و جزئی علوی و سفلی آیند و گذشته بر پیشگاه خاطر او پیدائی گیرد * از مهربان دلی و دانش افزائی به پژوهندگان سعادت منبش بر آموزند و اینان پای بند خامه بر سازند * آن نگاشته را سدهانت نامند (بکسر سین و فتح دال مشدد و های خفی و الف و نون خفی و تایی فوقانی) * امروز نه نامه از آن شگرفی روزگار برگذار * برهم سدهانت (بفتح با و سکون را و های خفی و میم) * سورج سدهانت (بفتح سین و سکون واو و فتح را و سکون جیم) * سوم سدهانت (بضم سین و سکون واو و فتح میم) * برهم سدهانت (بکسر با و را و فتح ها

(۱) [ش ف و] شرقی // (۲) [ف ا و ض] نورخانی // (۳) [د] نیست // (۴) [د] حور مرین * [و] جوهرین // (۵) [ف] سحره * [۱] سحره // (۶) [د] ماشا * [ض] ماشاده // (۷) [ش ف ا] اموازی // (۸) [د] موشنجی // (۹) [ش و] راهی * [د] راهنی // (۱۰) [ش] معبودی // (۱۱) [ش د] فاجر // (۱۲) [ض] یثی * [د] لشی // (۱۳) [ض د] زاهدی * [۴] زاهری * [ا] راهی // (۱۴) [ش] مقله * [د] مقله // (۱۵) [۸] شسله یا شسله * در [ش] ب نقطه * [ض] شسله * [ف ا و د] سنبله * [۴] نثله // (۱۶) [د] نیست * [د] زیج مفرد * زیج محمد بن ایوب //

و سکون سین و فتح بای فارسی و کسر تایی فوقانی (بر گذاردن برهما و آفتاب و ماه و مشتری * و آغاز هر چهار بس دور * و فراوان اعتبار دارند خاصه دور اول * گرگ سدهانت (بفتح کاف فارسی و سکون را و فتح کاف فارسی) ، نار سدهانت (بنون و الف و فتح را و دال) ، پارس سدهانت (ببای فارسی و الف و را و الف و فتح سین و سکون را) پلست سدهانت (بضم بای فارسی و فتح لام و سکون سین و فتح تایی فوقانی) ، بشسته سدهانت (بفتح با و کسر سین منقوطة اول و سکون سین دوم و فتح تایی فوقانی هندی و های خفی) * و این پنج گذارش مردم زاد انگارند * ناشناسندگان زبان بیغاره کشایند و چنان پندارند از رصدی اوضاع آگهی یافته راز را نهفته اند و بروشه که دلها بشکون وانموده لیکن درویدین انصافگرا سرباز نژاد خامه که نیکوان آراسته ظاهر و باطن چندین لک سال یک پس از دیگرے بر یک نبط برگذارند *

و نژد همه شبانه روز که دستمایه تاریخ بود بر دو گونه بود * حقیقی و آن در توران و باختر از ۱۰ نیمروز تا نیمروز دیگر و در خطا و ایغور از نیم شب تا نیم شب و عامه از شامگاه تا شامگاه * و هندی حکیم در جگموت (پایان خاور) از آغاز طلوع تا طلوع دیگر ۱ و در رومک (منتهای باختر زمین) از غروب تا غروب ۱ و در لنکا (نهایت جنوب) از نیم شب تا نیم شب و در دهلی دیار همین شماره رود ۱ و در سده پور (پایان شمال) از نیمروز تا نیمروز * وسطی (و آنرا اصطلاحی نیز گویند) مقدار یک دور فلک اعظم با سیر وسطی شمس دران * برای کار آسانی همگی زمان گردش آفتاب را برگرفته اند ۱۵ و بر ایام دوره برابر بخش نموده و خارج قسمت را وسطی هر روز پندارند لیکن چون مدت دور مختلف یافته اند دران نیز دگرگونگی پدید آید ۱ زیج بتانی پنجاه و نه دقیقه و هشت ثانیه و هشت ثالثه و چهل و شش رابعه و پنجاه و شش خامسه و چهارده سادسه برگوید ۱ و ایلخانی دقیقه و ثانیه همان لیکن نژده ثالثه و چهل و چهار رابعه و ده خامسه و سی و هفت سادسه برگذارند ۱ و جدید گورگانی با خواجه تا ثالثه یکسان شمارد لیکن سی و هفت رابعه و چهل و سه خامسه گوید ۱ پس بطلمیوس ۲۰ در میسطی اگرچه در دقیقه و ثانیه موافق لیکن هفده ثالثه و سیزده رابعه و دوازده خامسه و سی و یک سادسه نویسد * و همچنین گوناگون گذارش کهن نامهها باز خواند * همانا از تفاوت آگهی و دگرگونگی آلات دوتی بر خیزد * مدار سال گردش و فصول بر آفتاب نهاده اند * از هنگام جدائی از نقطه معین تا بازگشت بدان یک سال نامزد * و زمان بودن او در یک برج شمسی ماه * و در پی ماه از وضع معین با خورشید چون اجتماع یا استقبال یا جز آن تا بازگردیدن بدو قمری ماه * و چون دوازده ۲۵ دور ماه نزدیک بیک دور آفتاب است آنرا سال قمری بر شمارند * پس هر یک از سال و ماه شمسی و قمری بود * و هر کدام ازین دو حقیقی که دران سیر معتبر بود نه شماره ایام و وسطی که درو روز شمارند

نه مدت گردش * و هندی دانا سال را چهار گونه بسان ماه برگذارند و هر کدام را بکارے برگزینند * چون از روز و شب و سال و ماه که دستمایه تاریخ بود لخته گذارش یافت چندے از پیشین تاریخ بر می نویسد و داستان را سیراب میکند اند *

تاریخ هند *

۵ آغاز از آفرینش برهما برگزیند و هر روز او سر تاریخ شود * گویند چون هفتاد کلب سپری گردد (بفتح کاف و سکون لام و بای فارسی ۱ چهار جگ باشد و همگی مدت آن چهل و سه لک و بیست هزار سال) یک من پدید آید * و آن فرزند خواهش برهما است و آفرینش را دستیار * چهارده من تا یک روز او پدیدار گردند * و درین روز که سر آغاز پنجاه و یکم سال او است شش من گذشته و از هفتم بیست و هفت کلب سپری شده و از بیست و هشتم سه جگ بسر آمد و از چهارم چهار هزار ۱۰ و هفتصد سال * در سر آغاز این جگ راجه جد هشتاد و یکم جیم و کسر دال و های خفی و سکون شین منقوطة و کسر تایی فوقانی هندی و های خفی و فتح را) همگی جهان بر کشاد * و بسرابای تاریخ فرا رسیده فرمان روائی خویش را سر آغاز گردانید و درین سال چهارم الهی چهار هزار و شش صد و نود و شش سال از گذشته * سه هزار و چهل و چهار سال روائی داشت * سپس بکرماجیت از اورنگ نشیدی خویش برگرفت و کار لخته بر مردم آسان ساخت * صد و سی و پنج سال فرمان روائی کرد * و درین سال هزار و شش صد و پنجاه و دس سال سپری شد * گویند سالباهن نام جوانی به نیروی معنوی چیره دستی ظاهر یافت و در آوردگاه آن راجه را دستگیر گردانید * چون گرفتار بجان شکر پی نسزد نوازش فرموده از خواهش باز پرسید * پاسخ گذارد اگرچه همگی عزت کُنْج نشینی و پرستش دار بیمهال لیکن این آرزو در سر که از جرائد روزگار تاریخ من ستوده نشود * گفته پذیرش یافت * اگرچه تاریخ خویش در میان آورد لیکن آن را از روائی باز نداشت * و امروز هزار و پانصد و هفده سال ۲۰ از گذشته و پندارند که هزده هزار سال روائی یابد * و سپس راجه بجایا بهنندن (بکسر با و جید و بای تختایی و لف و کسر با و های خفی و فتح نون و نون خفی و فتح دال و نون) از جلوس خویش تاریخ نو بر سارد و ده هزار سال بماند * و سپس ناکا ارجی مسند آرای گردد و بنام خویش تازه تاریخ بر نهد و چهار لک سال روائی یابد * و پس کلکی که آنرا اوتار اندیشد تازه گرداند * تا هشتصد و بیست و یک سال باشد * و این شش را برگزیده انگارند و ساکا خوانند (بسین و الف و کاف و ائف) * ورنه ۲۵ سر آغازها فراوان بود و هر کدام را سدهت گویند (بفتح سین و سکون نون و فتح بای فارسی و تایی فوقانی) * و چون سالباهن پدید آمد تاریخ بکرماجیت از ساکا بسدهت نام گرفت * و سپس سر آغاز است * جگ شود و ازین تاریخ نو برگزیند *

سورماس (بفتح سین و سکون واو و را و میم و الف و سین) بودن آفتاب در یک برج *
و هر سال سیصد و شصت و پنج روز و پانزده گهری و هی پل و بیست و دو نیم پیل *
چاند رماس (بجمع فارسی و الف و نون خفی و سکون دال و را) از پروا تا آمارس ۱
سال سیصد و پنجاه و چهار روز و بیست و دو گهری و یک پل * از حمل آغاز نهند * و اساس
این ماه برسی تنه باشد (بدو تایی فوقانی نخستین مکسور دوم ساکن و های خفی) * ماه از ۵
اجتماع چون دوری گزینند هر دوازده درجه را یک ازان بر شمرند * و از درنگ و شتاب ماه در گهرهای
هر بخش تفاوت رود از شصت و پنج افزون و از پنجاه و چهار کم نهند * اول را پروا نامند (بفتح بای
فارسی و کسر را و واو و الف) ۱ دوم دوج (بضم دال و سکون واو و جیم) ۱ سوم تیج (بکسر تایی فوقانی
و سکون یای تکتانی و جیم) ۱ چهارم چوته (بفتح جیم فارسی و سکون واو و فتح تایی فوقانی و های
خفی) ۱ پنجم پنجمین (بفتح بای فارسی و نون خفی و فتح جیم فارسی و کسر میم و سکون یای ۱۰
تکتانی و نون خفی) ۱ ششم چینه (بفتح جیم فارسی و های خفی و سکون تایی فوقانی هندی
و های خفی) ۱ هفتم سپتیمین (بفتح سین و سکون بای فارسی و فتح تایی فوقانی و کسر میم و سکون
بای تکتانی و نون خفی) ۱ هشتم اشمین (بفتح همزه و سکون شین منقوطه و فتح تایی فوقانی هندی
و کسر میم و سکون یای تکتانی و نون خفی) ۱ نهم نومین (بفتح نون و سکون واو و کسر میم و سکون
بای تکتانی و نون خفی) ۱ دهم دسین (بفتح دال و سکون سین و کسر میم و سکون یای تکتانی ۱۵
و نون خفی) ۱ یازدهم ایکادسی (بکسر همزه مجهول و سکون یای تکتانی و کاف و الف و سکون
دال و کسر سین و سکون بای تکتانی) ۱ دوازدهم دوادسی (بضم دال و واو و الف و سکون دال و کسر
سین و سکون بای تکتانی) ۱ سیزدهم نرودسی (بکسر تایی فوقانی و ضم را و سکون واو و فتح دال
و کسر سین و سکون بای تکتانی) ۱ چهاردهم چودس (بفتح جیم فارسی و سکون واو و فتح دال و سکون
سین) ۱ پانزدهم پورماسی (بضم بای فارسی و سکون واو و را و نون و میم و الف و کسر سین و سکون ۲۰
یای تکتانی) * و از شانزدهم تا بیست و نهم بدین نامها بترتیب بر خوانند تا چهاردهم * و بخش
سی ام را آمارس گویند (بفتح همزه و میم و الف و فتح واو و سکون سین) * از پروا اول تا پانزدهم را
شکل پنجه نامند (بضم شین منقوطه و سکون کاف و فتح ام و بای فارسی و جیم مشدد و های
خفی) و نصف دیگر را کش پنجه خوانند (بکسر کاف و سکون شین منقوطه و نون) * جمع آغاز
ماه را از اول کش پنجه گیرند * و در تقویم بیشتر سال شمسی آورند و ماه قمری * و چون سال قمری ۲۵
از شمسی ده روز و پنجاه و سه گهری و بیست و نه پل و بیست و دو نیم پیل کم باشد بحسب حرکت
وسطی پس از دو سال و هشت ماه و پانزده روز و سی گهری ازین کسر یک ماه فراهم آید و بحسب حرکت

تقریبی از سه سال زیاده و دو سال و یک ماه کم نباشد * بشماره نخستین در یک از دوازده ماه این کشور
فراهم آید و دران سال همان ماه را دوباره گیرند * و در پسین حساب در هر ماه شش سی که در اجتماع
شود * و آن ناگزیر از چیت تا کنوار باشد و بجز این هفت ماه افزوده نگردد * آنرا ادهک ماه گویند
(بفتح همزه و کسر دال و های خفی و سکون کاف) و عامه ماه لوند نامند *
ساون ماس (بسین و الف و فتح واو و سکون نون) از هر روز که خواهند آغاز نهند تا سی روز
باجام رسد * ساله سیصد و شصت روز *
نچتر ماس (بفتح نون و جیم فارسی و های خفی و سکون تایی فوقانی مشدد و سکون را) از
هر منزله که ماه ازو برگردد و باز بدو پیوندد * و ماه بیست و هفت روز و ساله سیصد و بیست و چهار روز *
فصول را شش بر شمارند و هر یک را رت نامند (بکسر را و ضم تایی فوقانی) * بودن خورشید
۱۰ در ماهی و بره بسنت گویند (بفتح با و سین و نون خفی و فتح تایی فوقانی) معتدل * در گو و در پیکر
گریهم (بکسر کاف فارسی و را و سکون یای تکتانی و فتح کاف و های خفی و سکون میم) گرم * در
خرچنگ و شیر برکها (بفتح با و سکون را و فتح کاف و های خفی و الف) هنگام بارش * در خوشه
و نوازو سرد (بفتح سین و را و سکون دال) زمان سپری شدن باران و در آمدن زمستان * به کزدم
و کمان هیمنت (بکسر مجهول ها و سکون یای تکتانی و فتح میم و نون خفی و تایی فوقانی) زمستان *
۱۵ به بوزغاله و دنو ششر (بدو شین منقوطه مکسور و فتح را) میان سرما و معتدل * و نیز سال را سه
بخش بر سازند * هر یک را کال خوانند (بکاف و الف و لام) و آغاز از پهاگ شود * چهار ماه گرما را
دهپ کال گویند (بضم دال و های خفی و سکون بای فارسی و کاف و الف و لام) و چار ماه بارش را
برکها کال (بفتح با و سکون را و فتح کاف و های خفی و الف) و چهار ماه سرما را سیت کال (بکسر
سین و سکون یای تکتانی و فتح تایی فوقانی) * و در معظم معموره و هندوستان افزون از سه فصل
۲۰ آشکارا نبود حوت حمل ثور جوزا گرما سرطان اسد سنبله میزان باران عقرب قوس جدی دلو زمستان *
و سال شمسی را دو بخش گردانند * از حمل تا آخر سنبله آترگول نامند بضم همزه و فتح تایی فوقانی
مشدد و سکون را و ضم کاف فارسی و سکون واو و لام) شمالی معادل النهار ازو * از اول میزان تا آخر حوت را
دتهن گیل خوانند (بفتح دال و کسر کاف مشدد و های خفی و نون) جذیری آن * و نیز از اول جدی
تا آخر جوزا را آتراین نامند (بضم همزه و فتح تایی فوقانی مشدد و را و الف و کسر یای تکتانی و سکون
۲۵ نون) آفتاب رو بشمال نهد * و از اول سرطان تا آخر قوس دجهناین (بفتح دال و کسر جیم فارسی
مشدد و های خفی و نون و الف و کسر یای تکتانی و فتح نون) خورشید جنوب ریه رود * فراوان
کار خاصه فروشدن در نخستین قسم گزیده شمرند *

و شبانروز را شصت بخش برابر کرده اند و هر يك را گهتي نامند (بفتح كاف فارسي و هاي خفي و كسر ناي فوقاني هندی و سکون ياي تختاني) و بعرفي زبان گهري (بفتح كاف فارسي و هاي خفي و كسر را و سکون ياي تختاني) و هر گهري را نيز بدان شماره قسمت کنند و هر يك را پل خوانند (بفتح ياي فارسي و لام) و پل را نيز بدانسان بخش کرده اند و هر کدام را ناري گویند (بنون و الف و كسر را و سکون ياي تختاني) و پل نيز خوانند (بكسر با و فتح ياي فارسي و لام) * و هر ناري مقدار شش نفس كشیدن آدمي معتدل المزاج كه بے دريدن و خشمناكي و مانند آن بود * آدمي تند رست سيصد و شصت نفس در يك گهري بر آرد و در شبانروز بيست و يك هزار و شش صد بر كشد * و برخه چنان بر گذارند نفس كه بر آيد آنرا سواس نامند (بضم سين و واو و الف و سين) و آنچه در آيد آنرا پرسواس (بفتح ياي فارسي و سکون را) و هر دو را يك پوران خوانند (بفتح ياي فارسي و واو و الف و نون) * و شش پوران را يك پل (بفتح ياي فارسي و سکون لام) و شصت پل را ۱۰ يك گهري * نجومی ساعت كه بيست و چهار بخش شبانروز است اندازه دو و نيم گهري است * و هر يك از شب و روز را چهار قسم بر سازند * هر قسم را پهر گویند (بفتح ياي فارسي و سکون ها و را) * و هر پهر برابر نباشد *

تاریخ خطائي *

سر آغاز از گديهان آفرينش بر سازند و بزعم اينان تا امسال هشت هزار و هشت صد و هشتاد و ۱۵ چهار ون (بفتح واو و سکون نون) و شصت سال سپري شده * و هر ونه ده هزار سال * بدانند بايد گي عالم سيصد هزار ون بود و نزد برخه سيصد و شصت هزار * سال شمسي حقيقي و ماه قمری حقيقي بر گيرند * و آغاز سال از ميانه دلو کنند * محي الدين مغربي از شانزدهم درجه برگذارند و برخه از شانزدهم تا هزدهم * شبانروز را بر دوازده چاغ بخش کرده اند و هر يك را بهشت كه و هر کدام را نامي بر نهاده اند * و نيز بده هزار فذگ بخش كند * و (۳) سال مه خويش سه دور دارند ۱ شانگ ون ۲۰ جونگ ون ۱ خارن * هر يك شصت سال * و هر سال آنرا بدو بايد گردانند * و گردش در برده و دوازده بود نخستين در سال و روز بكار برند و پسين دران و اجزای روز * و از تركيب اين دو دور دور ستين (۶) بر سازند و تفصيلها بر نهند *

تاریخ تركي *

ايغوري نيز گویند * بسان پيشين است ليكن دور اين جز بر دوازده نكرده * سالها و روزها ۲۵

- (۱) [ه ض] چاغ * [ف ش] جا || (۲) [د و] فذك * و در برهان پنگ نوشته ||
 (۳) [ه ض] در سال خويش || (۴) [ش ف و] سالك || (۵) [ه] اين دودو دور ستين || (۶) [ش] سيمين ؟ [ض د ا و] ستين ؟ ||

بدانسان شمارند * و برخه زيجات چنان برگذارند كه دور اينان برده نيز کرده * و سر آغاز سال پيدا ئي نكرنت * ابو رجحان گوید كه تركان نه عدد بر سالهاي ناقصه رومي افزايند و بر دوازده قسمت کنند * آنچه بماند از سال موش آغاز نهند * بهر حيوان كه رسد سال وي بود * ليكن به ترانوي آزمون سنجيدگي ندارد و يك سال كمی پذيرد * همانا مراد آنست كه آنچه باقي ماند بحيوانات دهند و از موش گرفته بهر جانور كه رسد نام آن اعتبار كنند * هر چند آغاز معلوم نكرده ليكن از بن حساب لخته شناسائي بدست افتد كه کدام سال است از بن دور و چه نام دارد * و اگر هفت سال بر تاريخ ناقصه ملكي افزايند و دوازده دوازده طرح كنند از سال موش گرفته بهر جانور كه رسد سال آن باشد و اين درست آيد بدین ترتيب ۱ شيخقان (بكسر سين و سکون ياي تختاني و جيم و قاف و الف و نون) موش ۱ اود (بضم همزه و سکون واو و دال) گا ۱ (پارس بباي فارسي و الف و سکون را و فتح سين) ۱۰ پلنگ ۱ توشقان (بفتح تاي فوقاني و كسر واو و سکون شين منقوط و قاف و الف و نون) خرگوش ۱ لويي (بضم مجهول لام و سکون واو و بدو ياي تختاني نخست مكسور درم ساكن) نهنگ ۱ ييلان (بدو ياي تختاني اول مكسور ثانی ساكن و لام و الف و نون) مار ۱ يونت (بضم ياي تختاني و سکون واو و نون خفي و سکون تاي فوقاني) اسب ۱ قو (بضم قاف و سکون واو) گوسفند ۱ بيچ (بكسر با و سکون ياي تختاني و جيم فارسي) بوزنه ۱ تخافو (بفتح تاي فوقاني و خاي منقوطه) ۱۵ و الف و ضم قاف و سکون واو) مرغ ۱ آيت (بكسر همزه و سکون ياي تختاني و تاي فوقاني) سگ ۱ تنكوز (بفتح تاي فوقاني و نون خفي و ضم كاف و سکون واو و زاي منقوطه) خوك * در انجام هر يك لفظ ايل كه بمعني سال است بر افزايند *

تاریخ منجم *

آغاز از آفرينش گيرند و گویند دران هنگام همگی سيّاره در اول حمل بود * سال شمسي باشد * ۲۰ و بشماره او درين سال يك لك و هشتاد و چهار هزار و شش صد و نود و شش سال گذشته *

تاریخ آدم *

آغاز از پيدا ئي او گيرند * سال شمسي و ماه قمری * درين سال بگذارش زيچ ايلخاني و ديگر كار آگاهان پنج هزار و سيصد و پنجاه و سه سال شمسي شود * و برخه اهل كتاب شش هزار و سيصد و شش سال شمسي بر گذارند * و چنده شش هزار و نصد و سي و هشت سال شمسي * جمعه شش هزار و نصد و ۲۵ و بيست سال شمسي * و آنچه از دانش اندوزان نصاري شنوده شد شش هزار و هفت صد و نود و سه سال *

تاریخ يهود *

آغاز از آفرينش آدم گيرند سال شمسي حقيقي و ماه قمری اصطلاحی * شماره ماه و روز

- (۱) [ه ض] بر || (۲) [ه ض] اختيار || (۳) در [ش] نيست * [د] از بن دو وجه نام دارد ؟ ||

تاری آسا بحسب امر اوسط * و سالها بر دو گونه بود بسیط که درو کبیسه نباشد و عبور که درو اعتبار کند *
و مانند هندیان در سه سال يك ماه افزایند *

تاریخ طوفان *

سر آغاز از آن حادثه گیرند * سال شمسی حقیقی و ماه قمری حقیقی * و اول سال از حمل گیرند *
و ابومعشر بلخی اوساط کواکب برین تاریخ نهاده * و درین سال چهار هزار و شش صد و نود و شش سال گذشته * ۵

تاریخ بُختِ نصر *

^(۲) اول از عذقوان فرماندهی خویش تازه تاریخ در میان آورد * سال شمسی اصطلاحی * سیصد و شصت و پنج روز بے کسر * و ماه نیز بدانسان هر یک سی روز * و پنج روز در آخر سال افزایند * و بطلمیوس در محسوطی حرکت سیاره را برین تاریخ نهاده * دو هزار و سیصد و چهل و یک سال ازو سپری شده * ۱۰

تاریخ پیلپس *

فیلپس و فیلقس نیز خوانند * او مشهور بسکندر مقدونی است * آغاز از فروشدن او گرفته اند *
سال و ماه شمسی اصطلاحی * ثابون اسکندرانی اصول اوساط کواکب در زیج قانون و بطلمیوس برخی اوصاف در محسوطی برین نهاده * هزار و نهصد و هفده سال گذشته * ۱۵

تاریخ قبطی *

سر آغاز از پیشین هنگام * بتانی برگزید سال شمسی اصطلاحی سیصد و شصت و پنج روز بے کسر * ۱۵
زیج سلطانی چنان سراید سال و ماه او بسان رومی است * و همچنان کبائس دارد لیکن کبیسه قبطی بشش ماه پیشی گذرد از کبیسه رومی *

تاریخ رومی *

سال و ماه شمسی اصطلاحی * سیصد و شصت و پنج روز و پنج ساعت بسان روم * پس از چهار سال و در ارمک مشهور کسر زاید کمتر از ربع است * نزد بطلمیوس چهارده دقیقه و چهل و هشت ثانیه ۲۰
برصد ایلخانی دقیقه همان و ثانیه سی و دو و ثلثه سی ۱ بارصاد خطایان دقیقه همان و سی و شش ثانیه و پنجاه و هفت ثلثه ۱ برصد جدید گورگانی دقیقه بدانسان و سی و سه ثانیه ۱ و برصد مغربی دوازده دقیقه ۱ برصد بتانی سیزده دقیقه و سی و شش ثانیه * محی الدین مغربی گوید ببری ارماد روم آن کسر افزون از ربع است و باخته کمتر از ربع * و ازین رو بامر اوسط ربع گرفتند * و طائفه بر آنکه اهل روم آن کسر را برصد ربع تمام یافته اند * پس سال شمسی حقیقی باشد * و ۲۵
علی قوشچی بر وجه نخستین نیز حقیقی برگذارد * و سر آغاز این از فروشدن اسکندر ثانی ذوالقرنین

(۱) این جمله در [د] نیست || (۲) در [ض د] نیست * [۵] تاریخ بخت نصر اول
از عذقوان || (۳) این جمله در [۵] نیست ||

است لیکن پس از دوازده سال قرار گرفت * و برخی بر آنند که در سال هفتم از اورنگ نشینی او از مقدونیه که بنگاه اوست برای تسخیر ملک برآمد و این تاریخ بر نهاده * و محی الدین مغربی بر آنکه عذقوان این تاریخ از اورنگ نشینی سولوتس است که آنطاکیه بنا نهاده اوست * چهودی و سریان ^(۱)
این تاریخ بکار بردے * گویند اسکندر فیلقوس چون از یونان بکشایش فارس میرفت بر بیت المقدس گذار افتاد * دانشوران یهود شام را طلب داشته فرمود تاریخ موسی بر انداخته از زمان ما گیرند *
پاسخ دادند که پیشینان نگهداشت یک تاریخ زیاده از هزار سال نکرده اند و امسال تاریخ ما بهزار میرسد ۱ از حال آینده فرمایش کار بسته آید * و چنان کردند * و آن بیست و هفتم سال از عمر سکندر بود * برخی بر آنند که تاریخ در روم عبرانی است * کوشیار در زیج جامع گوید تاریخ رومی و سریان ^(۲)
دگرگونگی ندارد مگر نام ماهها * و هر سال سریانان اول قشرین الاول * پیشتر بشماره در چهارم درجه ۱۰
میزان بود اکنون بیازدهم * و نزد رومیان آن زمان اول کانون ثانی است و آن در نزدیکی بیستم درجه جدی است * و بتانی این تاریخ را از فیلقوس پدر اسکندر ذوالقرنین گوید لیکن برای بلندنامی بنام پسر خود گردانید و اصول اوساط در زیج خود برین تاریخ نهاده * هزار و نهصد و پنج سال می شود *

تاریخ أغسطس *

نخستین فرمانروای قیصره است * ولادت عیسی در زمان اوست * سر آغاز از جلوس او گیرند *
۱۵ سال رومی و ماه قبطی * آخرین ماه را سی و پنج روز گیرند و در سال کبیسه سی و شش * و از آن هزار و ششصد و بیست و سه سال سپری شده *

تاریخ نصاری *

سر آغاز ولادت عیسی * سال سیصد و شصت و پنج روز و پنج ساعت بسان روم * پس از چهار سال در آخر ماه دوم يك روز افزایند * و ابتدای شبانه روز از نیم شب گیرند * و عرب آسا هفته را نام برگزیدند
۲۰ و آغاز از یکشنبه کنند * و سر سال برخی اول جدی گیرند و طائفه هشتم درجه او *

تاریخ انطونیس رومی *

از اورنگ نشینی اوست * سال رومی و ماه قبطی * بطلمیوس مواضع ثوابت را در محسوطی برین تاریخ نهاده * و ازو هزار و چهارصد و پنجاه و هفت سال *

تاریخ قلطیانوس رومی *

فرمانده ترسائ است از عذقوان فرمانروای او برگرفته اند * سال رومی و ماه قبطی * هزار و ده سال گذشت *

(۱) [۵] چهودی || (۲) [غ د] مگر نامها || (۳) [۵] بیانزدهم || (۴) [ش] اقسطس ||
(۵) [ش] برگیرند * [ف] گیرند || (۶) [ض د] انطیوخس ؟ || (۷) [د] دقلطیانوس ||

تاریخ هجری *

عرب را پیش از اسلام گوناگون تاریخ بود چون تاریخ بنای کعبه و ریاست عمر بن ربیع (در جزیره حجاز بت پرستی ازو بنیاد شد) و تا عام الفیل این تاریخ را داشت . سپس ساحت پیل را سرآغاز گردانیدند . هر قومی از عرب که ایشان را واقعه بزرگ دست داده آنرا سر سال بر ساخته . در زمان پیغمبر این رشته دوتائی نداشت لیکن از هنگام هجرت هرسال را نام نهاده بودند چنانچه آن سال را سال اذن گفته یعنی دستوری یافتن بر آمدن از مکه بدینده و سال دوم را سال امر گفتند یعنی فرمایش باویش ناگروندگان * و چون نوبت بدوم خلیفه رسید ابو موسی اشعری حاکم یمن عرض داشت * از بارگاه والا نوشتها آمد و بامه شعبان مقید * دریافتن نمیشود کدام شعبان است * خلیفه دانش پیشگان را فراهم آورد * برخی یهود تاریخ خود در میان آوردند * و حکیم هرمزان گفت عجم را حساب است که ماه روز گویند و آنرا برگذار * و چون در هر دو کیسه بود و نیروی حساب کمتر ۱۰ نپذیرفت و آغاز تاریخ از هجرت برگرفت * و ماه بطور اینان از دیدن هلال پس از غروب تمام از نذر اعظم تا رویت دیگر * و از سی روز زیاده و از بیست و نه کمتر نباشد * و گاه چهار ماه پیهم سی روز شود و سه ماه بیست و نه * و اهل حساب رویت را از نظر انداخته ماه قمری بر دگرگونه ساخته اند حقیقی و آن از هنگام دوری ماه از وضع معین با آفتاب چون اجتماع یا استقبال یا جزآن تا باز بدان رسد ۱ و اصطلاحی * چون حرکات قمر مختلف باشد و ضبط آن دشوار و همچنان احساس شکلها پس بحرکت ۱۵ وسطی قرار دادند و لخته کار آسان شد * و آن در زبج جدید بیست و نه روز و دوازده ساعت و چهل و چهار دقیقه * ضابطه آنست هر کسره که از نصف افزاید یک اعتبار کند و چون زیاده از نصف بود ماه محرم سی روز گیرند و ماه دوم بیست و نه و همچنین تا آخر * پس دی حجه بیست و نه باشد در سال غیر کیسه * و مدت سال قمری وسطی سیصد و پنجاه و چهار روز و هشت ساعت و چهل و هشت دقیقه * از شمسی اصطلاحی بده روز و بیست و یک ساعت و دوازده دقیقه کم باشد * میرزا ۲۰ الغ بیگ زبج جدید را برین تاریخ اساس نهاده * هزار و دو سال گذشت *

تاریخ یزدجرد *

این شهریار ابرویز بن هرمز بن انوشیروان * سرآغاز آن از اورنگ آرائی جمشید * پس ازو هر فرمانده از جلوس خود تازه ساخته و یزدجرد نیز از تخت نشینی خود نو گردانید * سال رومی آسا لیکن آن کسر زاید را فراهم آورده تا در هر صد و بیست سال یک ماه بانجام رسیده و آن سال ۲۵ را سیزده ماه گرفته نخست بر فروردین افزوده و بنام آن بر خوانده و درمبار بر آردی بهشت

- (۱) [ش] ناگروندگان || (۲) [ض د] هرمزان || (۳) در [ش] نیست ||
(۴) [ش] ناگروندگان || [ف ا ض د] بن پرویز ||

و همچنان * و چون بنام یزدجرد آن تاریخ تاری گرفت و کار او بناکامی سپری شد سر رشته کیسه از دست برفت * و سال و ماه شمسی اصطلاحی * نهصد و شصت و سه سال گذشت *

تاریخ ملکی *

جلالی نیز خوانند * دران زمان تاریخ فرس بکار برده ۱ از گسیختن رشته کیسه آغاز سالها دگرگون شده * بکوشش سلطان جلال الدین ملک شاه سلجوقی عمر خیام و برخی از دانشوران این تاریخ برگزیدند ۵ مبدأ سال از تحویل حمل قرار گرفت * سال و ماه حقیقی لیکن امروز ماه اصطلاحی معمول * هر ماه را سی سی گیرند و در آخر اسفندارمذ پنج یا شش روز افزایند * پانصد و شانزده سال سپری شد *

تاریخ خانی *

از آغاز اورنگ نشینی غازان خان ۱ مبتدی بر زبج ایلخانی * سال و ماه شمسی حقیقی ۱۰ پیشتر ازین وضع دفاتر قلمرو بتاریخ هجری بود و قمری سال روایی داشت * و ازین رهگذر سترگ سخته راه می یافت زیرا که سی و یک سال قمری سی سال شمسی میشود و بزرگ گزنده بکشاورز رسیده چه خواستین خراج بر سالهای قمری بود و مدار دخل بر شمسی * آنرا برانداخته بدین تاریخ معادلت افزود * نام ماهها همان ترکی است بافزایش لفظ خانی * دو بیست و نود و سه سال گذشت *

تاریخ الهی *

از دیوباز سر برآری اقبال بران بود که در آباد بوم همدستان تازه سال و مه بروی کار آید ۱۵ و دشواری بآسانی گراید * و نیز از تاریخ هجری که از ناکامی آگهی بخشد سرگرمی داشتند لیکن از انبوهی کوتاه بیدان کارشناس که روایی تاریخ را ناگزیر دین پندارند شاهنشاه ممدار ایزده پیوند دها گرمی شمرده اندیشه بیرون نمی فرستاد * هر چند بر انصاف منشان روزگار پیدا که این نقد چاروسی معامله دانی را با گوهر شب تاب دین چه نسبت و این هسله پیوندی صورت را با دوتائی رشته ۲۰ حقیقت چه انبازی لیکن جهان غبار آمای ناشناسانی * و دانندگان از داستان گریختن رویه از بازخواست شتر تن در زده * در نهصد و نود و دوی هلالی از فروغ خرد والا چراغ آگهی افروزش دیگر یافت و سترگ روشنائی جهانیان را فرو گرفت * سعادت بسیچان حق گرای سر از بالین ناکامی برگرفتند و کج حروفان غنوده رای به پیغوله ناروائی بر نشستند * درین بسیج شاهنشاهی بروی روزگار افتاد * یادگار پیشین حکما گزیده دودمان دانش امیر فتح الله شیرازی در انجام این کار همت بست و بر زبج ۲۵ جدید گزگانی اساس بر نهاده و اورنگ نشینی افسرخدیو را سرآغاز گرفت * شکوه والای ظاهر که بگیتی خداوند کرامت شده بدین گزیده کار بسند بود خاصه که پیشوائی جهان معنی فراهم شده باشد و برای

- (۱) [ض د] برگزیده * [۵] برگزیده || (۲) [ض د] مبتدی است || [ض د] رای سر بر آری ||
(۴) [د] غبار آمایی || (۵) [ض د] کج حروفان ||

نام ماههای هجری تاریخ در جدول بر نگاشت و آسانی افزون *

* جدول *

* جدول *

[illegible]

(۱) همچنين در [ل گ ش] * [د ۴] حَقَابَات • [اصطلاحات الفنون] چغسابا • [ض] اُون ايكنج اَی (يعني ماله دوزم) • در ديگر نسخه نقطه نيست • و در هر نسخه ترتيب ماها مختلف است • (۲) [ل ف ۴] مرحشوان • [ض] مرحشوان * [د] مرحشوان • (۳) همچنين در [د] • در نسخا پسليو • (۴) [غ د] شباط • (۵) [ض د] آزار • (۶) [د] ايار • (۷) [د] سيوان • (۸) [د] آب • (۹) [ض د] هانور • (۱۰) [ض د] مشير • (۱۱) [ض د] بش • (۱۲) در نسخا فارق يا فارقي يا فارقي • (۱۳) [د] فاختون • (۱۴) [د] فارني • (۱۵) در نسخا ابيقي •

تاریخ رومی	تاریخ اگستس	تاریخ نصارا	تاریخ انطونیوس	تاریخ قلطیانس	تاریخ هجری	تاریخ برز جرد	تاریخ ملکی	تاریخ خانای	تاریخ الهی
تشرین الاول	اگستس	(۱۱) شادرو			محرم	فروردین ماه قدیمی	فروردین ماه جلالی	آرام کی خانای	فروردین ماه الهی
تشرین الآخر		فدیرو			مهر	اردی بهشت ماه قدیمی	اردی بهشت ماه جلالی	ایکندی کی خانای	اردی بهشت ماه الهی
کانون الاول	موانق	مارسو			ربیع الاول	خرداد ماه قدیمی	خرداد ماه جلالی	اوجنج کی خانای	خرداد ماه الهی
کانون الآخر	نامهای	ابرل		همان نامهای	ربیع الآخر	تیرماه قدیمی	تیرماه جلالی	تورننج کی خانای	تیرماه الهی
شباله	تاریخ	مابو		ماههای تاریخ	جماد الاول (۲)	امرداد ماه قدیمی	امرداد ماه جلالی	یشنج کی خانای	امرداد ماه الهی
آزار	بخت	شونبو		بخت نصیر	جماد الآخر (۲)	شهریور ماه قدیمی	شهریور ماه جلالی	الندینج کی خانای	شهریور ماه الهی
نیسان	نصر	شولبو		که گذشت	رجب	مهرماه قدیمی	مهرماه جلالی	یغنیج کی خانای	مهرماه الهی
ایار		اگوستو			شعبان	امرداد ماه قدیمی	آبان ماه جلالی	سکسنج کی خانای	آبان ماه الهی
حزرتان		سندمرو			رمضان	آذرماه قدیمی	آذرماه جلالی	طوقسنج کی خانای	آذرماه الهی
تموز		اوی توورو			شوال	دی ماه قدیمی	دی ماه جلالی	اوننج کی خانای	دی ماه الهی
آب		نوروندرو			ذی قعدة	بهمن ماه قدیمی	بهمن ماه جلالی	اونبرنج کی خانای	بهمن ماه الهی
ایلول		دی زاندر			ذی حجه	اسفند ماه قدیمی	اسفند ماه جلالی	حسابات کی خانای	اسفند ماه الهی

(۱) نامهای ماهها موافق زبان پرتگال است • در [ض] نامهای انگلیسیه نگاشته * و در نسخه شیر

و فبریر و مایور نوشته ۱۱ (۲) همچنان در [۸] * [ش ف ۱] جمادی الاول - جمادی الآخر *

[ض د] جمادی الاول - الثاني

سوانح روزگار که پای بند سال مه شده در اوراق جای گیرد علم تاریخ برشمارند * و داننده را مؤرخ گویند * و اسفار این شناسائی هند و خطا و نرنگ و جهنم و دیگر امم فراوان دارند * و در احمدی کیش نخستین کسی که در حجاز بدین پرداخت محمد بن اسحق بود * سپس وهب بن منبه و اقلی اصمعی و طبری و ابو عبد الله مسلم بن قتیبه و اعثم کوفی و محمد مفتح و حکیم علی مسکویه و فخرالدین محمد بن ابی داؤد سلیمان بناکندی و ابوالفرج عمادالدین بن کثیر مقدسی و ابوحذیفه دینوری و محمد بن عبد الله مسعودی و ابن خلکان و یاقعی و ابونصر عتبی و در عجم فردوسی طوسی و ابوالحسن بیهقی و ابوالحسن مؤلف تاریخ خسروی و خواجه ابوالفضل بیهقی و عباس بن مصعب و احمد بن سيار و ابواسحق بزار و محمد بلخی و ابوالقاسم کعبی و ابوالحسن فارسی و صدرالدین محمد خدازند تاج المآثر و ابو عبد الله منهج جرجانی (طبقات ناصری ازوست) و کبیرالدین عراقی و ابوالقاسم کاشغری مؤلف زبده و خواجه ابوالفضل مصنف کتاب مخزن البلاغة و فضائل الملوك و عطاء الدین جوینی برادر خواجه شمس الدین صاحب دیوان (تاریخ جهانکشا برنگاشت) و حمد الله مستوفی قزوینی و قاضی نظام بیضاوی و خواجه رشید طبیب و حافظ آبرو و دیگر سخنی پروران حقیقت گذار *

و نیز از دیوباز سوانح حال را بسرآغاز پیوند بخشند و بشماره سنین بگل افط یا مصرع و جزآن پدید آرند و آن را نیز تاریخ گویند چنانچه در جلوس شاهنشاهی نصرت اکبر و کام بخش * یافته اند * و پیشینان کم می برداختند چنانچه در باب پور سینا گذارش رفته * قطعه *
حجت الحق ابو علی سینا در شجاع آمد از عدم بوجود *
در شصا کل علم حاصل کرد در تکیز کرد این جهان پدرود *

آئین سپه سالار *

جانشین خدیو عالم است * مباد صوبه و رعیت فرمان پذیر او * و آبادی این بداد گری او * ۲۰
هرکاره که پیش گیرد ایزدی رضا را طلبکار بود * نیایش و نیاز مندی بیشتر سازد * خیر اندیشی مردم زاد از دست نهد * از جدکاری زمانه نغنون بهرزه لائی و تلخ روئی نشتابد آگهی و قدردانی خوی بر سازد
(۱) [ض د] مقفع * و در دیگر نسخها مقفع بالنون و همچنین در تاریخ روضة الصفا که از مقدمه آن ابوالفضل نامهای مؤرخان عرب و عجم را بقریب نقل کرده * (۲) همچنین در هر نسخه * و در اکثر کتب تواریخ ابی سلیمان داؤد نوشته * (۳) [ض د] بزار بمعجمتین * (۴) همچنین در هر نسخه و نیز در روضة الصفا * و در تاریخ فیروزشاهی الجورجانی زیادت واد * و در طبقات ناصری الجورجانی بزای معجمه * (۵) در روضة الصفا کاشی نوشته * [ض د] کاشی * (۶) [روضة الصفا] خواجه ابوالفضل عبد الله بن ابونصر و احمد بن علی المنکال صاحب کتاب مخزن البلاغة و فضائل الملوك و علاء الدین عطاء الملك الجوبنی برادر الخ * (۷) [ض د] بلاغة و عطاء الملوك علاء الدین جوبنی * (۸) [روضة الصفا] قاضی ناصرالدین بیضاوی مصنف نظام التواریخ * [ض د] قاضی نظام الدین بیضاوی * (۹) [ض د] بو * (۱۰) [ض د] آن *

خاصه از پرستاران نزدیک و دوران خدمتگذار * آنچه از ملازمان آید بفرزندان نفرماید و آنچه ایمن تواند خود بدان بپردازد * و در کارکرد با دانایان از خود راز کشاید و اگر نیابد با چنده گزیده همزبانی کند و گذارشها بر سنجد *

گاه باشد ز پیر دانشمند بر نیاید درست تدبیر

گاه باشد که کودک نادان بغلط بر هدف زند تیر

۵ فراولان مردم را در انجمن راز نگذارند و دانای دلیبر دلسوز کم از نایاب * مبادا یکی خدک افزاید و بایست وقت از دست شود * سرداری را پاسبانی دانسته دوربینی بکار برد و مزاج شناسی را دست آویز دولت ساخته شایسته زندگی نماید * لطف و قهر را در فرمان خرد باز دارد و سرکشان را بکارشناسی و اندرز گوئی فرمان پذیر گرداند و زده بتلخ گوئی و بیم افزائی و بند و زدن و عضو بردن بادافراه * آماده گرداند * و در گسیختن عنصری پیوند فراولان اندیشه بجا آورد * زبان را بدشنام نیالاید که آئین هرزه راییان بازار نشین است * گفتار از سوگند باز دارد که خود را بدروغ گوئی و مخاطب را بدگمانی تهمت آلود ساختن است * در دادپرسی بگواه و سوگند بسند نکند و گوناگون پرسش و دید سواد پیشانی و دوربیدش نماید و بر دیگران گذاشته فارغ نرزد * بیت *

بدیوان میداد فریاد او که شاید ز دیوان بود داد او

۱۵ داد خواهان را رنج انتظار ندهد چشم از گناه پوشد و پوزش پذیرد * و چنان زندگانی نماید که مردمی و شکوه را گزیده نرسد * و بکیش مردم در نیاریزد * خردمند در کار دنیا که پایدار نبود زبان خود نگزیند دین پاینده را بدانستگی چگونگی گذارد * اگر حق با اوست شرورش نعویده بود و زده بیمار نادانی است بمهربانی درخور * هر لخته از ملک بجدکاران راستی منش سپارد و راهها را بدیدبانان پر دل ایمنی بخشد و زمان زمان خبر گیرد * نیک اندیشان دوربین راست گوی کم از بجاسوسی برگزیند * ۲۰ و اگر چنین فروهیده مردم بدست نیفتد در هر کاره چنده باهم نا آشنا را برگمارد و گذارش هریک را نگاشتم عیار راستی برگیرد * و همواره خرج را کمتر از دخل کند و اندوخته را لخته بمستمدان بردهد خاصه آنانکه زبان بخواهش نکشایند * از سامان سپاه و براق زمانه نغنون * خود را از سواری باز ندارد و به تیر و بند برق پردازد و مردم را بدان ورزش فرماید * در نزدیک ساختن مردم بخود و اعتبار افزودن دیده وری را با هستگی همدوش گرداند * بسا خراب دروان ناپارسا گوهر گفت اخلاص در میان ۲۵ آرند و به نوح گران خویشتر را بفرزیند * بافرزینی زراعت و آبادی زمین همت برگمارد * و براست پیمانی دلشکری نماید * و یاور بی کشاورزان گزیده پرستش ایزدی برشمارد * عمل گذاران

(۱) [ض د] شایستگی * (۲) [ض د] دادرسی * (۳) [ض د] ف ا نیست *

(۴) در نسخها ناوفقد یا نه او فند *

انصاف‌گرایی بازدارد و زمان زمان از کارکردن ایشان آگاهی بپذیرد * در ساختن حوض و چاه و کاریز و باغ و سرا و دیگر منازل خیر سعادت اندوزد و در تعمیر باستانی آثار دست همت برکشد * خلوت‌گزینی و پراگنده دل نباشد که آئین و ارستگان صحرانشین است * و نیز با عامه نشستی و در هنگامه بودن خو نکند که روش صورت پرستان نابینا است *

* بیت *

توبا همه منشدین و مبر از همگان نیز در راه خرد رونق مگس باش نه عفا
ایزدی گزیدگان را گرامی دارد و از گوشه نشینان خداجو و ژوئیده مویان برهنه‌ها در بوزگر باشد و نیایش آفتاب و چراغ خورشید معبودی و آتش پرستی نداند * به بیداری خوگر شود و خواب و خور از اندازه نگذارد و گریبان روز و دامن شب را با گهی بسرآرد و در دل روز و شب نیازمندی کند * چون از کار جهانیان و درونی شماره و برآورد در فرهنگ نامها ظرف در نگر و کار بندد * و اگر دل بدان نیارآمد مثنوی معنوی بر خواند و دل بنماینها نداده پی بمقصود برآورد * باز موده داستانهای کلیده دم ۱۰
طبیعت را میزبانی کند و بر نشیب و فراز جهان آگاهی یافته آزمون پیشینان تجربه خود سگالد * در روای حقیقی علوم توجه بر گمان و دیوانسانها بر کذره دارد * بشناسایی و نیل سگالی پیوندد و دستوری دهد که بر زمانچه حال او ظرف نگهی بکار برآورد * هر چه بترازی آگاهی او نکوهیده باشد بخلوتها باز گوید و اگر در شناخت لغزش رود بازار بر نخیزد که از دیرباز مردم از گذاردن راستی تلخ نما باز مانده اند خاصه در خشمناکی که خرد بغلوت و طبع بر جوشد * بیشتر همنشینان آهویزه - عیب آرا و اگر ۱۵
یکی را دل بسوزد از بیمناکی دم بر نیارد و آنکه سود دیگران بر زبان خویش گزیند کم یاب * از گذارش بدگو بخشم در نشود * و بره در بینی نشیند که بدگوهران سخن ساز بآئین بخته کاری داستان فروشی نمایند و خویشتن را بے غرض و انموده بجان آزاری پای کوشش افشردند * طرح اقامت نیندازد و همواره خویشتن را آماده طلب دارد * بکین تیزی ننشیند * آزره و مدددار برگزیند و دیرین خاندانها برنیزند و گذشتهگان شایسته را سفارش گذار و پس ماندگان ناهنجار داند^(۱) دیدبانی نماید که ارادت گزینان ۲۰
بهنگام در خوردن خرد آینه اکبر گوید و بزرگ جل جلاله بر خواند * کمتر از یکساله گوسفند و بز را غذا نسازد * و از روز زک خویش یک ماه از گوشت خوردن پرهیزد * کشته خود را نخورد * بعشرت زناشویی کمتر پردازد * آبستن را نزدیکی نکند * آشی که مردم پس فرودشدگان بکار برند هرسال روز زاد سامان نماید و تپی دستان را کامیاب گرداند *

* بیت *

برگ عیشه بگور خویش فرست کس زیار ز پس تو پیش فرست ۲۵

چون آفتاب از برجه ببرجه خرامد بسپاس گذاری بر نشیند و برای هشیار نمودن غنودگان بیخبری

(۱) [ض د] آفتاب ایزدی || (۲) [ض د] دانش پرستی || (۳) [ش ف] نیک سگال ||

(۴) همچین در [ف] * و در دیگر نسخهها ناهنجار را دیدبانی الخ ||

توب و بندوق را بخروش آورد * غنوان در رانریزی آفتاب عالم تاب و نیم شب که آغاز بر شدی آن باشد تقاره بر فوازد و آگاهی افزاید *

آئین فوجدار *

گیتی خداوند برای آبادی ملک چنانچه بهر صوبه سپه سالار نامزد کند از مزاج شناسی و کار آگاهی در جزء چندی پرنکات بدیدبانی یکی از دلداران دادگر کم آرد انداز شناسی دست پیمان باز گذارد * و آن را بدان نام خوانند * و او در فرمان پذیری و باوری نخست باشد * چون بزرگوار یا عمل گذار خالصه یا جایگزین سرکشی نماید بدلاویز گفتار رهگرای فرمان پذیری گرداند و رنه نگاشته اعیان برگزیده بمائش رو برآورد * نزد گروه سرتاب بنگاه بر سازد و گاه و بیگاه بآدمی و مالی اینان گزند رساند * و یکبارگی بآریزه در نشود * تا کار از پیکان برآید بسواران نفرماید * و بر قلعه تیز دستی نکند و بجائی که ۱۰
تیر و توب و تفنگ نرسد بر نشیند و آمد و شد راه باز دارد و از شب خون غنود و بنای بر سگالد و از یزک فرستادن فارغ نباشد * چون بنگاه سرکشان بتازد در بخش غنیمت هنجار نگاهدارد و پنجم بخش بخالصه باز گرداند * اگر در دیده باقی باشد نخست دران بر شمارد * پیوسته از اسب و براق سپاهی سراغ گیرد * چون یکی ببارگی شود بر همراهان سرشکن نموده سرانجام کند و آنرا که در پیگار فرو شود از سرکار و الاسمان نماید * و نسخه حاضر و غایب سپاه را بدرگاه فرستد و روای آئینهای مقدس پیش نهاد همت کند *

آئین میر عدل و قاضی *

۱۵

داوری و فریاد سی اگر چه کار فرماندهان والاشکوه است لیکن نیروی یلک تن بهمه فرار نرسد * ناگزیر آنکه یکی از آگاهان سیر چشم بداددهی نامزد گردد * و او بگواه و سوگند بسند فاکرده پزوهش را پایه بر افروزد * پسزنده نادان^۱ و آن دو دانا * بجز از سخت کاری و درست بیفش بر فراز آگاهی بر آمدن بس دشوار * از فزونی بدگوهری و آزمندی تکیه بر گواه و سوگند نتوان کرد * و از بے آزاری و مزاج شناسی ۲۰
ستم رسیده را از بیدادگر باز شناسد و به پردایی و حق دوستی در یافته را بکردار آورد * نخست سیراب پرسش کند * و از حال جاه آگاه * و آنچه در هر آویزه سزاوار باشد در میان نهد و سخن شاخ شاخ بر سارد و از گواهان نیز جدا جدا بدان نمط داستان داستان بر نویسد * چون بفهمیدگی و آهستگی و ظرف نگهی بانجام رساند زمانه بدیگر کار بردارد و از دیگران پوشیده دارد * بار دیگر همان پدیده برگردد و از سر نو پیرش و کاوش آغازد * و از دگرگونی و یکنوگی سخن بی بمغز کار برد * و اگر شناسایی با ۲۵
مردانگی فراهم نباشد در کس بر گمارد یکی در یابد آنرا قاضی نامند و دیگری بکار نشاند او را میر عدل *

(۱) [ض د] پسند || (۲) [ض د] بددلی || (۳) همچین در حاشیه [ض] و در [د]

در [ه] نیست * [ف ا ش] حال و آنجا آگاه * [و] حال آنجا آگاه * [۲۳] حال بیخاه آگاه ۹ ||

(۴) [ش ف] بنوشته بردارد || (۵) [ض د] پرسش || (۶) [ش ف] یکی در پایه عدلت آنرا ||

آئین کوتوال *

شایسته این پایه دلیر گاردان چابک دست عذر کشیده بردبار اشک فم نیک سگال * از بیداری و شب گردی او دیگران در خواب آسایش و بدگوهران در گری ناپیدائی * خانها و راههای معموره یکیل بر نویسد و پیمان یاور یی یکدیگر برگیرد و چنان قرار دهد که در غم و شادی انبازی نمایند * و از هر چند خانه محله برساند * و یکی از فروهیدگان را به بزرگی آن نامزد گرداند * و روزنامه آینه و رونده و دیگر آنچه روی دهد بمهر او برگیرد * و یکی از ان مردم بیگانه را که با هم آشنا نبوده بجاسوسی برگمارد و پیوسته گذاردنهای اینان بنگار و ژرف نگهی بکار برد * و سرای جداگانه اساس نهد و رسیدگان ناشناسا دران فرود آرد * و بدست آویز چند بیفنده عیار برگیرد * در دخل و خرج گوناگون مردم باریک بینش بکار بندد و نیک ذاتی را پیشکار ساخته کوش را پیرایه انتظام گرداند * در هر جوق پیشرو یکی را سرگروه کند و دیگری را دلال * خرید و فروخت باگهی ایقان صورت بندد * و ازین نیز روزنامه بستمه ^(۱) برساند * در فراخی کوچها کوشد * و سربند دارد و از آرایش پاسبانی کند * چون لخته از شب سپری گردد مردم را از آمدن باز دارد * و بیکاران را بهذر مندی برنشاند * پیشین ^(۲) ستمها بردارد و نگذارد که کسی بخانه مردم بزور فرود آید * دزدان و دزدیده را پیدا کند و رفته از عهده برآید * و چنان کند که کسی پیرامون باج و تمغا نگیرد مگر از سلاح و فیل و اسب و گاو و شتر و گوسفند و بز و قماش * در هر صوبه اندک در یکجا ستانند * و باستانی نقود را بگذازد دهد یا بارچ نا مسکوک بخزان سپارد * در زرو ^(۳) سیم بادشاهی تفاوت در نرخ نهد و آنچه از دست سائیدگی کاسته باشد باندازه کاهش باریافت نماید * و در ازانی نرخها آگهی بکار برد و نگذارد که از شهر پیش رفته بار خردند * توانگر افزون از ناگزیر برنگیرد * پاس سنگ ترازو نماید و سیر را از وزن سی دام کم و بیش نکند * و در گز چنانچه گذارد آید کمی و افزونی راه نهد * و از باده ساختن و پیمودن و خریدن و فروختن مردم را باز دارد * و از پزوغش درونی ^(۴) برکناره زند * خواسته فرو شده و ناپدید را اگر پس مانده نداشته باشد برنگاشته پاسبانی کند * و ^(۵) گذاردن دریاه و چاهها برای مردان و زنان جدا سازد * و برای کشیدن دولا ب پاکیزه روزگار نامزد گرداند * و زن را از اسب سواری باز دارد * و چنان کند که گاو و گاو میش و اسب و شتر تسلیع نشود * بند کردن و برده فروختن را روا ندارد * و نگذارد که زنی را بزور بسوزند * و سزاوار نیستی بر دار نکند * و نگذارد که کم از دوازده ساله را ختنه کنند * چون ازین پایه برگردد بدو گذارد * ملنگان و قلندران و دکانداران ریاکار را بیرون کند یا از روش باز دارد و آگاه باشد که درین میان گوشه نشین این پرست آرزو ^(۶)

(۱) [ش] شعار و در حاشیه پیشکار * [ف ۱] شعار و پیشکار * [۲] [د] برستانند *
 (۳) [ض د] پیشین رسماً پردازد * [۴] [د] نهند * [۵] [ش] سائیدگی * [۶]
 سائیدگی * [۶] [ض د] افزونی را * [۷] [ض د] نیست * [۸] [ض د] از *
 (۹) [د] نیست * [۱۰] در نسخها دوکانداران موافق عرف هند *

نگردد * و برهنه پایانی بادی طلب را گزند نرسد * قصاب و صیاد و غسال و کتاس را از مردم جدا بنگاه دهد و مردم را از آمیزه این سنگ دلال سینه درون بر کناره دارد * و هر که باجلان هم کاسه شود بدست او آسیب رساند و اگر کوچ ^(۱) او بانگشت * و گورستان را بیرون شهر مغرب رویه قرار دهد * و ارادت گزینان را در سوگواری از کمبود پوشی باز دارد و بسرخ پوشیدن کوشش نماید * فروردین ماه تا شرف ^(۲) همگی ^(۳) آبان ماه ^(۴) روزهای تحویل غره ماه شمسی شانزدهم آن ^(۵) الهی جشنها ^(۶) روز گرفتگی آفتاب و ماه یکشنبه ^(۷) مردم را از تسلیع باز دارد و شکازی جانور و بیمار را ناگزیر روا دارد * و جانشکری بیرون شهر کند * و الهی جشنها را کار بندد * شب نوروز و شب شرف چراغان افزون * سر آغاز شمع که آستان عید باشد و بروز آن هر پاس کوس را بلند آواز گرداند * و در تقویمات پارسی و هندی تاریخ الهی را رواج دهد * و نیز در هندی نامها سر آغاز ماه بر شکل بچه نهد *

آئین عمل گذار *

کشاورز دوستی باید که جدکاری و راست گفتاری آئین او بود * خود را جانشین پاسبان کل داند و جائی بر نشیند که هر کس بدو آسان رسد و آرزومند میانجی نگردد * تهر گزین و حیل فروش را باند زنگونی پیش آید و اگر سود ندهد بمالش پردازد * و از زمین افتادگی ^(۱) نهر اسد ^(۲) از باد افرازه راهزن و خونریز و تبهکار و بجرمانه ^(۳) سندن در نگذرد * و چنان کارکرد فراییش گیرد که آوای فریاد فرو نشیند * برزگران تهیدست ^(۴) را بولم دستگیری کند و بآهستگی برستاند * و چون بتگاپوی رئیس ده ^(۵) بجمع کامل رسد در هر بیگه نیم بسوه بدو گذارد و رفته باندازه خدمت بهره مند گرداند * چندگی زمین بژوهد و قطعه قطعه به ترازی بینش برسنجد و بر چگونگی آن شناسا آید * در مرزها بکشت و کار فراوان تفاوت رود و بهر فصل زمین بکار آید * بهر بزرگ جدا جدا فرا رسد و تیمارداری نماید * قراردادی پیشین عمل گذار باگهی برسنجد * اگر بیوقوفی و خیانت رفته باشد بچاره گری بر نشیند * در آبادی خرابه کوشد و پاس دارد که آباد بوی ^(۶) نیفتد * در افزونی گزین جنس کوشش نماید و برای افزایش لخته از دستور کم سازد * و اگر کشاورز از قرار کم کار و گزین و جبه باز گوید نه پذیرد * و اگر در ده زمین بجر نماند و دهقان را توانائی افزون کاشتن باشد زمین دیگر مریع برافزاید * در پیمودن دور بینی و دادگری فراییش دارد * سال بسال کشاورز را نیرو افزایش و در گرو قرارداد بوده از فزون کاشته چیزی نستاند * اگر لخته پیمایش خواهند و برخه نسق بپذیرد قرارنامه را زود بدرگاه فرستد * و نقد گرفتن خو نکند و غله نیز برستاند * و آن ^(۷) بر چند گونه بود ^(۸) کنکوت (بفتح کاف و سکون نون و ضم کاف و سکون واو و تایی فوقانی) ^(۹) کن بزبان هندی غله و کوت تخمین و قیاس باشد) * همگی اراضی را بجزیب یا بگام اندازد برگیرد * و غله را

(۱) [د] کوچ او باید گشت ؟ (۲) [ض د] تا آبان * (۳) همچین در [ض د] *
 [ف ۱] [۴] بهر اسد * (۵) حرف واو در [ش ف ۱] نیست * (۶) [ض د] آمد *
 (۷) [ض د] نیست * (۸) [ض د] نیست * (۹) [ض د] نیست *

بقرازی بینش برسجد * و کاریدگان چنان برگذارند که کم تفاوت رود * اگر اندیشه بخاطر راه یابد سه بار پشت را گزین و میانه و زبون درو کرده بسجد و نقش اشتباه بزاید * بسا هنگام زمین را نیز بتخمین بر کشند درست آید * بنائی (بفتح با و تاء فوقانی هندی و الف و کسر همزه و سکون یای تحتانی) بهاولی نیز نامند (بفتح با و های خفی و الف و سکون واو و کسر لام و سکون یای تحتانی) کشتزار بریده خرمنها برسانند و بقرارداد رو برو بخش بکنند * درین صورت پاسبانان آگاه فراوان باید ورنه بدگوهران ناراست دست خیانت بر آلائند * کهیت بنائی (بکسر کاف و های خفی و سکون یای تحتانی و تاء فوقانی) زمین کاشته بخش کنند * لاند بنائی (بلام و الف و نون خفی و کاف فارسی) غلها بریده پشتارها برسانند و با یکدیگر قسمت رود و هرکدام بخانه خود آورده پاک سازد و سود بردارد * و اگر برعیت گران نیاید زمین غله بخش را بذرخ بازار نقدی سازد * درین زمین اگر جنس کامل بکارند در سال اول چهارم حصه از دستور کم متانند * و در ضبطی اگر از سال گذشته گزین ۱۰ جنس زیاده و زمین کم آید و جمع موافق ازین کاستگی برنجوشد و در نیاویزد * همگی خشودمی خدیو کشت طلبند * نسق بگلانتران ده نکند که تن آسانی و کارشناسی برخیزد و چیره دستان ستم پیشه را نیرو بخشد بلکه بیک یک کشاورز فرارسد و از راه مهربانی نوشته سپارد و برستانند *

از جربکش و پیمایند و دیگر عمل گذاران ضامن بگیرند * خداوندان پیمایش را روزی که بکار پردازند سیزده دام و سی و یک سیر رساند و در ماهواره برشمرد بدین آئین پنج سیر آرد نیم سیر روغن ۱۵ هفت سیر دانه و بجهت توکاری و جز آن چهار دام * بتکچی چهار سیر آرد نیم سیر روغن پنج سیر دانه چهار دام * جربکش و تپانه دار هر چهار نفر را هشت سیر آرد و یک سیر روغن پنج دام * پیموده را نشانمند سازد * و از کلاتر مچکا گیرد که زمین پوشیده ندارند و مختلف الفصول را باز گویند * در تکاپوی پیمایش اگر قطعه زبون بنظر در آید اندازه آنرا همان زمان بگیرد و قدر آنرا روز بروز نوشته بکشاورز سپارد * و اگر پس از برداشتن محصول چنین آگهی رسد از همسایگان و کاغذ خام شناسائی ۲۰ پذیرد و میانروی بکار برد * چنانچه کارکن سوانه ضبطی را بر نویسد مقدم و پتواری نیز هم قلم باشند * نگاشتها را برابر کند و بمهر خویش نگاه دارد و نقل آنرا بدان بتکچی سپارد * چون موضع بانجام رسد در ضمن منتخب نگارد و تازه تصحیح نماید و کارکن و پتواری تصدیق نویسند و این نسخه را هفته بهفته روانه درگاه سازد و از پانزده روز نگذراند * و پس از فرستادن نسخه نسق بدرگاه والا اگر آفته بکشت و کار رسد همان وقت نیلک و آید اندازه نابود بگیرد و آنرا نگاشته بے تاخیر روانه سازد تا بپذیرد یا ۲۵

- (۱) [ض د] قرار || (۲) [ض د] باهم || (۳) [د] سرخ || (۴) [د] نیست ||
 (۵) [ض د] آمد || (۶) [د] نه بخش || (۷) [ض د] تپانه دار * [د] تپانه دار ||
 (۸) [گ] منتجی || (۹) [ش] تصدیق نمایند نویسند * [ض د] نویسد ||

امین فرستند * مال را بنیکوئی برستانند و بے هنگام دست خواهش دراز نگرداند * و تحصیل ربیع از هولی آغازند (آن هندی عید است در پایانی دلو یا عنفوان حوت یا میانه او) * و خریف را از دسره (و آن جشن است در اواسط یا اواخر سنبله یا اوائل میزان) * پاسبانی نمایند که خزینہ دار زر خاص نخواهد * آنچه در وزن و عیار برابر باشد بگیرد و قدر کمی را بنرخ مسکوک صرف گیرد و تفاوت را در قبض بنگارد * و قرار دهد که کشاورز چند بار خود رساند و آزار بجایان خواهشگر از میان برخیزد * غله که بکمال رسد مال آنرا بشایستگی بگیرد و موقوف برسیدن جنس دیگر ندارد * هر که اراضی خراجی را نگارد و بجهت علف قرق گرداند از گاو میش شش و از گوسه دام سالیانه باریافت کند و از گوساله و گاو میش که بزادن نرسیده باشد بازخواست نکند * و در هر قلعه چهار گاو نر و دو ماده گاو و یک گاو میش مقرر دارد و در برابر آن چیزه نطلبند * آنچه در خزینہ آورند خود واریسد ۱۰ شماره کند و برزناسچه کارکن برابر سازد * تصدیق خزانچی نویساند و بخریطها کرده سر بمهر بخانه استوار گذارد و بر دروازه چند قفل دگرگون برنهد * کلید یکی پیش خود دارد و دیگری نزد گنجور * و آخر ماه روزناسچه جمع و خرج را از بتکچی گرفته بدرگاه فرستد * و چون دو لک دام فراهم آید بدست معتمدان روانه سازد * و به پتواری هر دین اهتمام نماید آنچه از رعیت بر آید در یاد داشته که برعیت میدهد بتفصیل نویسد * آنچه باقی ماند اسم باسم طومار درست کرده بنشان اعیان رساند و باسانی در فصل دیگر برستانند * بفرامین سیورغال وارسد و همواره بدفترخانه نقل فرستاده برابر سازد * و چک نامها مشخص گرداند * و بخش فرو شده و غایب و نوکر بازیافت کند و پاس دارد که زمین خود کاشته رعیت کاشته نباشد زمین بازیافت از زراعت نیفتد مال غایب و فرو شده بے وارث را بشایستگی پاسبانی کند و حقیقت عرض دارد * و دیده بانان نماید که جز به نگیرند * و در بخشورده مصلحت ملک روائی باستانی خلل نیندازد * و سفر و سور و ماتم را سرمایه چیز گرفتن نسازد * و از ۲۰ سلامی برکناره باشد * هرگاه مقدم یا پتواری زر آرد یا بجدیوتره آمده یک دام سلام گویند آورد دست بدان نیارد * و همچنان از بل کتی که چون کاشته بدو رسد از هر موضع چیزه برستانند دوری گزیند * و نیز پیشه دوری و بازار نشینی و چوکیداری و راهداری و حاصل باغات و مددوری و قرق و ماهی گیری و میربحری و دستور روغن زرد و روغن کنجد و کذبلی و چرم و پشم و دیگر اشکلهای آرمندان ناخدا اترس را پیرامون نکرده * یک از شناسندگان آن مرز را نوبت قرار دهد تا بدرگاه همایون بوده از نقیر و قطیر آگهی بخشد * هر ماه احوال رعایا و جاگیردار و همسایگان و ایل شدن سرکشان و نرخ اشیا و وجه ۲۵

- (۱) [د] آئین || (۲) [ض] در اواخر سنبله در اواسط یا اوائل [د] در اواخر سنبله و اواسط || (۳) [ش] خالص * [ف] و در حاشیه ش [خایه] || (۴) [ض د] بخوراند ؟ ||
 (۵) [ف ا د] نطلبند || (۶) [د] نو ستاند || (۷) [ض د] رعیت کاشته ||
 (۸) [ش ف ا] ملکی روائی || (۹) [د] مددوری || (۱۰) [د] همچنین در هر نسخه ||

کرایه و حال درویشان و هذریشان و دیگر هوانج معروض دارد *

و اگر کوتوال نباشد روائی آئین او را بر خود گیرد *

آئین بتکچی *

راستی منش در ست قلم شماردن جدگزی عمل گذار را ازو ناگزران * موازنه ده ساله نقدی و جنسی مواضع را از قانون گو بر گیرد و از راه و رسم آن سرزمین آگاهی پذیرفته دلنشین عامل گرداند و بیادری و تیمارداری پای همت افشرد * و هرچه با بزرگان قرار یابد بر نویسد * حدود هر دیه جدا گرداند و سپس زمین آباد و خرابه را اندازه گیرد * و نام مُنصِف و ضابط و جریب کش و تهانه دار بر نویسد و نام کشاورز و نبالگ او را و جنس زراعت پایان آن نگارد * و دیه و برگنه و فصل نیز برگذارد * و نابود را جدا کرده بود را باز آرد یا بدستور اهل هند اسم و جنس و نابود را در تحت تاریخ بر نویسد * و چون ضبط موضع بانجام رسد جمع هر بزرگ درست نماید و محصول موضع را قرار دهد * و عامل بدست آویز آن تحصیل کند و نسخه ضبط را که بهندی خسر گویند روانه درگاه سازد * در وقت توجیه (۷) اگر نسخه پیشین نداشته باشد کشت و کار بزرگ را نام بنام از پتواری نویساند و کامیاب مقصود آید و نسخه توجیه و باقی و اصل را بهنگام میفرستاده باشد و نام تحصیلدار پای نام هر موضع در روزنامه نویسد * و هر کشاورز که مال آورد نام بزرگوار و بخط گنچور رسانیده بدو سپارد * و نقل توجیه پتواری و مقدم که بدست آویز آن تحصیل نموده اند و سرخط یعنی یاد داشته که بر عایا سپرده اند از پتواری بگیرد و ۱۵ واریسده ژرفنگهی بکار برد * اگر ناراستی پدید آید جرمانه ستاند و اصل و باقی هر دیه را هر روز بعمل برگوید و او را در انجام کار تیزتر گرداند * هرگاه رعیت رجوع بحساب آورد ب انتظار بانجام رساند و آخر هر فصل اصل و باقی هر موضع بنوشته پتواری برابر کند و روزنامه جمع و خرج را نام بنام صیغه بصیغه روز بروز نویسد و بدستخط خزانچی و مهر عامل رساند * و چون ماه بآخر رسد در خریده سر بمهر عمل گذار بدرگاه روان نماید * و نرخنامه مهر و روپیه و دیگر اجناس را روز بروز بمهر اعیان فرستد و جمع و خرج خزانچی را در آخر هر فصل نوشته بدستخط او رساند * و مجمل و جمع بندی در آخر هر سال بمهر عمل گذار روانه گرداند * موضع را که تاخت و تاراج نمایند مال و مواشی بقم گرفته داخل روزنامه نماید و حقیقت را عرضه داشت کند * و آخر سال چون هنگام تحصیل سپری گردد باقی موضع را نگاشته بعمل سپارد و نقل آن بدرگاه فرستد * و در وقت عزل نسخه خود از وجه باقی و تقاوی و جز آن بعمل حال سپرده خاطر نشان کند و فهرست برگرفته رو بدرگاه آورد * ۲۵

(۱) [۴] آن عمل گذار » (۲) [ض د] منصب » (۳) [ض ۴] تهیه دار »
(۴) همچنین در [ش ف ا] * و در حاشیه [ش] نیاك بمعنی سردار نوشته * [گ] نایک - و اهل هند سردار ده را چنین خوانند * [ض ۴] نیاك * [د] کشاورز نیاك » (۵) در [ض د] نیست »
(۶) در لغات هندی کهسرا نوشته » (۷) [ف] توجیه » (۸) در [۴ د] نیست »

آئین خزانه دار *

بزیان وقت فوطه دار گویند * خزینه خانه را نزد حاکم اساس نهد و چنان سرزمینی گزیند که گزنده بدو نرسد * هر قسم مهر و روپیه و زر سیاه و جز آن که بزرگوار آورد بگیرد * و زر مخصوص طلب ندارد * و از سکه مقدس آنچه بوزن برابر باشد صرف آن نخواهد و نفارت وزن مسکوک بستاند * و باستانی مسکوک را بنام مسکوک بر گیرد * زر بوقوف شقدار و کارکن درگزی جا دارد و آخر روز بر شمارد و سرخط بمهر عمل گذار رساند و روزنامه را با نسخه کارکن برابر کند و بخط خود نشانمند سازد * در خزانه را چنانچه عامل (۲) نماید يك قفل از خود نیز بر نهد * و با آگاهی عامل و کارکن در خزانه بکشاید * زر از کشاورز بشناسائی عامل و کارکن بهتاند و قبض دهد و خط پتواری بر بیاضچه حساب که بعرف هندوستان بهی گویند (بقیه با و کسر ها و سکون یای تحتانی) نویساند تا غبار خلاف بر خیزد * هیچ گونه بدست آویز دیوان پسند خرج نکند * و دکانچه سود بر نساند * و اگر خرج ناگزیر روی دهد که درنگ بر نتابد بنوشته کارکن و شقدار عمل نماید و حقیقت بموقف عرض رساند *

کارکن سپه سالار تا کردار این نخست بر ذمه آگاهی فرماندهان روزگار است و چون نیروی يك تنه بهند نیاید بهر شغل نائیب بر گذارند و رشته بایست را دوتائی بخشند *

روائی روزی *

از آنجا که فیض پذیری و نیروی کارکن مردم زاد بخورش باز گردد و باندازه نیکوئی آن تفرمندی دل فراهم آید و زنده تن فربه و جان نزار گردد و سگالشها ازو بگزیدگی گراید و کردارها بشایستگی سعادت پزوهان هشیار خرام نخست در سرانجام لقمه ژرفنگهی بکار برند * و بهر خورش دست نیالایند * و ساد لوحان خدا ترس را کار دشوار باشد و روزی تنگ * آن فروغ بینش نیست که بمغز کار رسیده بآسانی زیند و از بیم ناراضمندی ایزدی از رنج گرسنگی بجانگهی در شوند * چنانچه یکی را گوی چند از وجه ۲۰ حلال بود * شیر آن را دستمایه روزی ساخت * از نیرنگی روزگار بیغما رفت * و چند روز بناشنا گذشت * بیدار بختی بسخت تگاپو آورد * نپذیرفته پاسخ داد ندانیم که درین چند روز خوراک این مشت خاموش از کجا بود * بکمتر زمانه کشاده پیشانی جان بسپرد * و داستان این فرودگان دشوار اندیش بس فراوان * و تحت تعلقیان آزمند مال دیگران از خود باز ندانند و بزیان زدگی دین و دنیای کام دل بگیرند * بیدانسان آشفته رای احتیاج خود را سرمایه گرفت و گیر گردانیده ابدی نکال اندوزند *

۲۵ سلیم دلان سعادت منش آن دیدند زمین خرابه که از کس نباشد ناپدید * و اگر پیدا شود دست افزار کشت و کار بهم رسانیدن دشوار * و اگر فراهم آید بهم رسیدن قوتی که به نیروی آن کار کند ناپیدا * کان ندوان

(۱) [ض د] خزینه جا را » (۲) [ض د] بمهر » (۳) [د] پای »
(۴) [ض د] بخشد » (۵) در [ض د] نیست » (۶) [د] فروشندگان »

یانت و اگر نشان دهند و خداوند بید کامیاب شدن بدو بس دشوار^۱ و از سپاهگری نیز برکنار
شدند باندیشه آنکه جان گرامی بدل مال^۲ خسیس نگردد^۳ از بازارگانی نیز دامن برچسبند از آنکه
بیشتر کلاهی خود را گران ارز خواهند و آهوی آن بپوشند و بدانچه درو نبود بستایند و آنرا که
بخیرداری بر خیزند از نکوئیهای پیدا چشم بر بزدند و بدانچه ندارد نکوهش کنند و سود خود بزبان
دیگران برگزینند و آنکه مال مخالف کیش را روا داشته دم آسایش برگرفته اند پسند شان نیامد و چنان
سرایندند اگر رودار دوربین آگاه دل است داستان بیم افزائی است نه حلال ساختن مال دیگر^۴
و چگونه از دگرگونگی کیش بے دستوری مال بکدر شدن شایسته بود ورنه دیوانسانه ایست سرمایه
خواب آزمندان باشد و بگوش نیکوان در نشود - اکنون چراغ بر رهگذر همگنان می نهد تا راه از چاه
دانسته بگو زبان اندرزی در نشوند و گرامی انفاس را بنابایست نگذارند *

از آنجا که در نهاد مردم زاد فراوان دگرگونگی سرشته اند و شورش درونی و برونی روز افزون و خواهش^۵
گران پای دواسه رود و خشم سبکسر عنان گسل درین دیوسار نامرئمی دوستی کییاب و انصاف
بس ناپدید^۶ هر آئینه در چنین آشوبگاه چاره بجز قهری^۷ وحدت صورت نه بزد^۸ و آن جانداروی انتظام
بجز شکوه فرمانروایان دادگر فراهم نیاید * هرگاه خانه و محله بے بیم و امید پیشوائی دیده در منتظم
نگردد بے سطوت آن پذیرنده^۹ فرایندی شورش زنبورخانه دنی چگونه فرو نشیند * نگاهبانی مال و جان
و ناموس و دین جهانیان چنان^{۱۰} شود اگرچه برخی تجردگزیان بدست آویز خارق عادت این عزیمت^{۱۱}
در سر گرفتند لیکن بے یاورتی سلاطین والا حسن انتظام نگرفت * و نیز دران آتشین دشت طلسم کار و زیرنجی
و شعبه باز راه دارد و طوفانهای شورش ازین دریای بے تمیزی برخاست و برخیزد و بسا زمانیان
از ساده لوحی و کم بینی دران موج خیز ناشناسائی فرو شده و شوند^{۱۲} و آنکه بفروغ خرد از پذیرائی عنان
باز کشیدند و توشه سفر دراز سرانجام یانت درین چهارسوی پر آشوب بدیوانگی و بے دینی و کابری
که و مه را طنزگاه گشتند * دران بزم ناشناسائی اگر خرد پزوه کاران را گذاره شود ناگزیر آئین دیوانگان^{۱۳}
برگیرد و از بیغاره فرومایگان و ارهده پیداست در هر آبادیوم خداوندان مال فراوان باشند و زمینهای
کشت و کار پدر بر پدر دارند لیکن از بدسگالی و تبه اندیشی غبار آموذ شک گردد و دست همت بران
دراز نشود * اگر کشاورز را یارچی گیهان پیرای و جان داروی زندگان اندیشه باشد و بازارگان از تبه بسیجی
باز آید و یارچی فرمانده روزگار و شمول ایزدی فیض در دل آرد هر آئینه خواسته او خردگزی باشد * پس
شایستگی مال در گرو نیت بود * و کارکیای معدلت اندر چون نمکسار ناپاک را پاک سازد و بد را^{۱۴}

(۱) [ض د] برخند || (۲) [د] نیست || (۳) [ض د] ناپدید آید ||
(۴) [ف] قهری ؟ * [ض د] قشری ؟ || (۵) [ض د] چنان ؟ ||
(۶) [ض د] او شوند || (۷) [د] دیوانگاه ||

نیک * و او بے یاوران اخلاص گرای و فزونی اسباب شوکت و فراوانی خزینده کار^{۱۵} نتواند بر ساخت
و جهان پرستاری و فرمان پذیری غازه انتظام برنگیرد * پس هرکرا تنومندی باشد نخست سپاهگری
پیشه سازد و یاروی را در سرگیرد تا جان را در برابر فراهم آمدن برگذگی زمانیان داشته باشد * و روزی
چون علف ستور کشاورز را فراوان * و اگر بدان نیارد پرداخت بزنگه خربشتن را در گره یاوران در آرد *

پس روایی روزی بدو چیز باز گردد^{۱۶} دادگری فرماندهان روزگار و اندیشه آبادی فرمان پذیران سعادت سگال *
فرومایگان طبیعت پرست زبان معقول ندانند و همواره از محسوس برنگذرند * درین شوره زمین آب
شمشیر بکار آید نه زلال دلیل * از شکوه او نخوت فروشان کج گرای بخمولستان در شوند و نیکوان
انصاف پزوه را روز بازار شود *

هر آئینه آنچه دست مزین پاسبانی آن چار گوهر بے بها قرار دهد سزاوار و شایسته بود و رضامندی
۱۰ ایزدی را هم آغوش * نگاهبانان خانه را خداوند آن دست رنج قرار دهد و یتاق داران عالم را پاسبانان^{۱۷}
اگر همه مال در پاس ناموس بکار رود باید که شکرانه بوام آید چه جای آنکه یتاق داری چهار
سترگ گوهر نماید * لیکن فرمانروایان دادگر افزون از آنچه بدو کار شان سرانجام یابد نستانند و دست
خواهش نیالایند * و از نجاست که این وجه باختلاف زمان و مکان دگرگونگی پذیرد چنانچه گذارده آید *
و ازین دلاویز گفتار روشن گشت هرچه فرماندهان هشیار خرام از راه زرف نگهی و معدلت افزائی
۱۵ از رعیت برگیزند و بفرمان پذیران خدمتگذار بر دهند گزین شایستگی برکمال و جاویدروائی دارن *
و نیز پیدائی گرفت که روزی سپاهی فراوان تر و گزیده تر باشد * سپس کشاورز و دیگر پیشه وران *
و کهن نامه های یونانی چنان برگزید که پیشه وری از سه گونه در گذرد شریف خسیس میانه *
نخستین بنفیس باز گردد و از سه بیرون نباشد * یکم بگوهر خرد چون دوربینی و حسن تدبیر * دوم
بدانش پذیری چون کتابت و بلاغت * سوم بے نیروی دل چون سپاهگری * و خسیس نیز بر سه گونه
۲۰ باشد اول مضافی مصلحت عموم مردم مانند احتکار^{۱۸} دوم مخالف فضیلتی از فضائل چون مسخرگی^{۱۹}
سوم آنچه طبع ازو نفرت گیرد چون حجامی و دبائی و کداسی * و میانه گوناگون مکاسب و حرفها^{۲۰}
بود برخی ناگزیر چون کدبوری و لخته چنانکه بے آن بسر رود چون زنگریزی^{۲۱} لخته بسیط چون در دگری
و آنگری^{۲۲} و بعضی مرکب چون ترازوگری و کارگری *

و ازین گذارش نیز بلند پایگی سپاهگری پیدا * و بالجمله بهترین دستمایه روزی پیشه بود که
۲۵ بعدالت و پارسائی و مردمی نزدیک باشد و از بدکاری و بد نفسی دور * نیکوان در پیشه سه چیز را
ناگزیر دانند * دوری از متمکاری^{۲۳} پرهیز از عار^{۲۴} یکسو شدن از دناوت * آنچه بدو عار پیوندد چون

(۱) [ض د] حق نتواند || (۲) [ض د] نیست || (۳) [ض ف] گرم شود ||
(۴) [ض د] حرفها || (۵) [ض د] همچنین در هر نسخه ||

مسخرگی و دیگر خوارگی کسبها^(۱) و آنچه بدنامت باز گردد دل نهادن بصناعتی خسیس *

و چون گزیده روزی فراهم آید ناگزیر تعلقی آنست لخته خواسته را نگاهبانی کند بشرطی که اهل منزل در زندگانی تنگی نکشد و چون حاجتمند رو آورد بناگامی برگردد و بیغاره رفتی و آزمندی نکشد^(۳) و بقاداری مال بآن نشود که خرج کمتر از دخل سازد و لخته بسودا پردازد و دست در مُثمرزند و قدری را نقد و ائمان دارد و شطری را اجناس و امتعه و برخی را بسودای دیگران برآمیزد و بعضی را ضیاع و عقار سازد و باز را به نیکوان وام گویان سپارد و خرج را بر آگهی و حق پژوهی و آزرمدوستی قرار دهد * داد و ستد بکشاده پیشانی چهره افزود و پشیمانی در نهانخانه دل راه نیابد * پیش نهاد همت رضامندی الهی باشد نه توقع شکر و نشر ذکر و انتظار جزئی * و بیشتر بدویشان نهفته نیاز دهد * و در گونه دادن دیگر هست که اگر هنجار رود شایستگی اندوزن نخست آنکه برسم سخاوت و ایثار دهند چون ارمغانی و جز آن * باید که زود و پوشیده باشد و افزونی و بزرگی آن از چشم براندازد و گسسته حال و بیجان نبود * دوم آنچه از روی ضرورت اتفاق افتد در طلب ملایم و دفع مضرت چنانچه بستمگاران و سفیهان دهند تا نفس و مال و عرض از گزند اینان رهائی یابد * و در اینجا میانه روی بکار برد * در خوشی ملایم همان بهتر که بافزونی نزدیکتر باشد *

و جهانیان در حال معاش از سه گونه بیرون نه * برخی از غنودگی چنان در افتند که بایست معنوی بخاطر نیاید تا بکارکرد چه رسد * و لخته از روشن ستارگی چنان در حقیقی مراد شیفته که یاد روزی بدل نگذرد * و جوتی سعادت پزوهان هشیار خرام شناسائی از دست نهند و ظاهر را سرمایه آبادی باطن گردانند امید که تا در دل بستگان جای دارد بسومین پایه سعادت اندوزد و چون بدشت و راستگی گذاره شود بدومین آرامش گزیند *

دست مزد جهانبانی گذارش یانت * روائی روزی در گرو دادگری اورنگ نشینان فرهنگ آرای و نیک بسیجی دستیاران سعادت پزوه است * و ازین رو که سامان شکوه و فرماندهی بهر مرز ۲۰ دگرگون بود و زمینها بتفاوت باشد برخی بکمر کوشش فراوان بر دهند و لخته بر عکس * و از دوری و نزدیکی آب و آبادی نیز اختلاف رود * کاریبای هر بوم آن را پاس دارد و باندازه برگردد * و در فراخوانی هندوستان که بهر زمان چندین فرمانده کار آگاه می بودند ششم بخش برگزیده و در رومستان و توران و ایران پنجم و ششم و ده یک برگزیده * در باستان از سر آدم چیزه برگزیده و خراج برخوانده * قباد نکوهیده بر شمرد و بسیج آن کرد که از زمین کشتند پیموده بازخواست رود * بیشتر ۲۵ از انجام خواهش روزگار او سپری شد * نوشیروان روائی داد و جریب را ده قبضه در ده قبضه بر ساخت *

(۱) همچنین در [ش] * در دیگر نسخها خوارگی کسبها (۲) [ش] بیغاره روی و آزمندی *

(۳) [ض د] نکند (۴) [ض د] بود ؟ (۵) [ض د] ندهند (۶) [د] پارسستان *

شصت در شصت گز بود بگزهای کسری * و ربع آن يك قفیز برگرفت به نرخ سه درهم * و سوم بخش پانچ فرماندهی گردانید * قفیز پیمانه ایست آنرا صاع نیز گویند بوزن هشت رطل و جز آن نیز برگذارند * و درهم بوزن مثقال * چون خلافت بعمر رسید بگذارش دانشوران رای نوشیروان پیش گرفت و از نیرنگی روزگار روشهای دیگر در میان آورد چنانچه باستانی نامها باز گوید * و در توران و ایران از دیرباز ده يك ستانند لیکن چندان بر آید که از نصف برگزید و از خوی ستم کیشی بد ننماید * و بمصر در يك قدان گزیده سه ابراهیمی و در میانه دو در بون يك ستانند * و آن مقدار زمین است صد قصبه در صد قصبه هر يك باندازه باغ^(۱) و ابراهیمی بچهل کبیر رود و چهارده کبیر يك روپیة اکبرشاهی * در برخی رومی بوم از بزرگترین جفت گوسی آنچه ستانند^(۲) و آن سیمین نقد است هشتاد و یک ابراهیمی * و در خالصه چهل و دو آنچه باز خواهند و از سپاهی بیست و يك و پانزده ۱۰ آنچه دیگر خداوند صوبه ستاند * و در برخی جا از قلبه بیست و هفت آنچه از سپاهی^(۳) و شش حاکم برگزید * و در لخته جا بیست و هفت آنچه سنجق بیگی و دوازده آنچه سوباشی^(۴) (یعنی کوتوال) * و دیگر روشها نیز از ان ملک باز گذارند *

و در احمدی کیش اراضی گرفته سه گونه بر شمارند عشری خراجی صلیبی * دوی نخستین پنج پنج باشد و پسین را دو * اول زمین تهامه که مکه و طائف و یمن و عمان و بحرین^(۵) و ربه بود * دوم زمین که خداوند آن بد بخوشی بآن دین گراید * سوم بومی که بزور گرفته باشند و بخش کرده * چهارم هرگاه پذیرای آن کیش در زمین خانه بنا کند یا تالک برنشانند یا باغ سازد و یا بآب باران شاداب گرداند * ورزۀ تفصیل نهاده اند * پنجم زمین خرابه که بدستوری مرزبان آباد شود * و خراجی زمین فارس و کومان * دوم ذمی خانه خود را بستان سازد * سوم مسلم زمین خراب آباد کند و آب از چشمه دهد که اساس آن از بیت المال بود * چهارم کشوری که باشتی کشایش یابد * پنجم زمین

(۱) [ض د] ستم کشی (۲) [ش ف ا] ننماید (۳) [ض د] قلان (۴) [ش] قبضه *

و در صفحه ۲۹۲ سطر ۲۶ قبضه بجای قصبه بغلط نوشته * و در کتب لغات مسطور است که شش جورا يك اصبع نامند * و چهار اصبع را يك قبضه بتقدیم بای مؤحده وضاد معجمه * و شش قبضه را يك ذراع * و ده ذراع را يك قصبه بتقدیم صاد مهمله * و ده قصبه را يك اشل * و جریب يك اشل درك باشد یعنی ده قصبه در ده قصبه یا صد ذراع * و در قدومه نوشته که چهار اصبع برابر يك قبضه باشد و ده قبضه برابر يك ذراع * و شصت ذراع یک اشل * و بدینسان يك جریب شصت ذراع در شصت ذراع باشد *

(۵) در همه نسخه باغ (۶) همچنین در لغت ترکیه و [ض] * [ش ف ا]

او قبه * [د] اقه * و در برهان اقه (۷) [ض] وجه در برخی ؟

(۸) [ف] هفت او قبه سه او قبه سنجق بیگی * [ض د] هفت اقه و سه اقه بر سنجق بیگی *

(۹) [ش ف ا] سوباشی (۱۰) [د] بحرین در و بود * [ض] بحرین و رنه بود ؟

(۱۱) [ش ف] آید (۱۲) [ض د] دوم زمین خانه ؟

که بآب خراج کشته شود * ملکی زمین بنی نجران و بنی ثعلب * و شرح آن باستانی نامها باز گوید *
و در برخی نامها زمین را چهار گونه ساخته اند نخست آنکه خداوندان این کیش آباد کرده باشند
و آنرا زمین عشر انگارند * دوم آنکه صاحبان زمین پذیرای این کیش گردند * نزد بعضی عشری و پیش
برخی بسگالش (۲) امام عشری یا خراجی گردد * سوم آنکه بزور گرفته باشند * گروهی عشری گویند
و طایفه خراجی و اختی بر بسیج (۳) امام باز گذارند * چهارم آنکه بیگانگان دین بران صلح نموده باشند *
و آنرا خراجی شمرند *

و خراج خراجی را بر دو گونه پندارند * مقاسمه از پنجم (۵) تا ششم بخش * خراج وظیفه آنکه
درخور توانائی و سودمندی قرار دهند * و طایفه اصل مال ارتقاعی را خراج گویند * و چون حصه آن
گروه از خرج ایشان افزون آید بشرط چند زکوة ازان برگیرند و آنرا عشر نامند * و در هر یک ازین
فراوان خلاف * عمر در زمان خود از بیگانگان آئین خویش در اعلیٰ چهل و هشت درهم و اوسط ۱۰
بیست و چهار و ادنی درازده گرفت و آنرا جزیه نام نهاده *

و در هر ملکه جز کشت و کار از مال مردم چیزه خواهند و آنرا تمغا گویند * در توران و ایران
برخی را بعنوان مال برگیرند و طائفه را بآئین جهات برستانند و اختی را بطرز سایر جهات طلب رود
و چندی را بنام وجوهات و فروعات * خلاصه سخن آنکه آنچه بر اراضی مزروعی از راه ربع قرار یابد
آنرا مال گویند و از انواع محترقه گزیده جهات خوانند و باقی را سایر جهات * و آنچه متفرع بر مال
باشد آنرا وجوهات گویند اگر بدیوان رود در نه فروعات نامند *

در هر سرزمین چنین خواهشها آشوب آورد و مردم آزاد * گیتی خداوند از کار آگهی و
جهان پروری ژرف نگهی فرمود و همگی باز خواستههای بی حساب را برانداخت * و خوگرفتین مردم
بدین ستمگاری نه پسندید * نخست گز و طناب و بیگه را عیار گرفت و شگرف اساس بر نهاده *
و سپس گوناگون زمین را بر فراز پیدائی آورد و اندازه وجه پاسبانی برگرفت *

و آئین الهی گز *
پیمایند مقدار است و گذارند حال * که و مه را بدو بازگشت و نیک و بد بار آرزومند * در
فراخای هندوستان بر سه گونه روانی داشت دراز میانه کوتاه * و هر یک بیست و چهار بخش برابر *
هر کدام را طسوج خوانند لیکن از اولین هشت جو معتدل بود که در پهنا بیروسته بهم باز دارند و دوی
دیگر هفت و شش * بگز بزرگ کشت زار و کوه و شهر و قلعه و حوض و گلین دیوار پیموده * و بمیان ۲۵

- (۱) [ش ف د] نجران || (۲) [ش] نام عشری یا خراجی گیرد * [۸] ایام * [۱] ایام *
[ض د] ایام || (۳) [۸ ش ف ا] ایام || (۴) در [۸ ض د] نیست || (۵) [۸]
مقاسمه پنجم یا ششم || (۶) همچون در [۸] * در دیگر نسخها خراج || (۷) [ض د]
امین || (۸) [۸ ض د] چیز || (۹) در [ض د] نیست || (۱۰) [ض د] ربع ؟

سنگین و چوبین عمارت و بنی بست خانها و پرستش جاها و چاهها و باغها پیمایش نموده * و به خرد
پارچه و سلاح و بانگ و سنگس و چودول و دلی و صندلی و عرابه و مانند آن *
و در دیگر دیار اگرچه گز را بیست و چهار طسوج گردانند لیکن هر طسوج را دو حبه شمرند *
و هر حبه دو جو و هر جو شش خردل * و هر خردل دوازده فلس * و هر فلس شش فتیله * و هر
فتیله شش نقیر * و هر نقیر هشت قطمیر * و هر قطمیر دوازده ذره * و هر ذره هشت هبا (۳) * و هر
هبا ده و هه (۴) اعتبار نمایند *

و نیز چهار طسوج را یک دانگ و شش دانگ را یک گز گویند * و برخی گز را به بیست و
چهار انگشت اندازه گیرند و هر یک شش جو معتدل پیموده پهنا و هر جو شش موی یال یابو *
و نیز در کهن نامها گز را بدو شبر و دو گره انگشت ابهام بر سنجند * و پیمایش آن بشانده گره کنند و
۱۰ هر گره چهار حصه و آنرا چهار پهر نامند و هر پهر شصت و چهار بخش گز باشد *

در بعضی دیرین اسفار گز را هفت گونه بر شمارند * گز سودا بیست و پنج انگشت و دو ثلث *
هارون الرشید عباسی بدست حبشی غلامی که در پیشان خدمت جائ داشت پیمانه گرفت *
و مقیاس رود خانه نیل مصر بران * و خانه و تماش نیز بدو پیمایند * ذراع قصه (ذراع عامه و
ذراع دور نیز گویند) بیست و چهار انگشت * ابن ابی لیلی او را بروی کار آورد * یوسفی مرزبانان
۱۵ بغداد خانه بدان اندازه گیرند - بیست و پنج انگشت * هاشمی صغری بیست و هشت انگشت و
ثلث * بلال پورانی برده در میان آورد و برخی گذارند ابو موسی اشعری بزرگ نیاب او * هاشمی کبری
بیست و نه انگشت و دو ثلث * منصور عباسی اعتبار نمود * و ذراع ملک و زیاده نیز گویند * زیاد
پسر خوانده ابو سفیان * زمین عراقی عرب بدان پیمود * عمریه سی و یک انگشت * عمر در خلافت
خویش گزهای کوتاه و میانه را پژوهش نمود * سه را برگزید و بر سه یک مجموع قبضه و ابهام
۲۰ ایستاده برافزود * هر دو طرف او را بقلمی مهر کرده بخدیفه و عثمان بن حذیف فرستاد و سواد عراق
عرب بآن پیمودند * مأمونیه هفتاد انگشت ثلث کم * مأمون عباسی روانی داد * رود و صحرا و
فرسخ بدان پیموده *

برخی گذشتگان گز کریاس را هفت قبضه انگارند هر قبضه چهار انگشت بسته * و نزد برخی یک
انگشت کم * و گز مساحت نزد بعضی همان هفت قبضه باشد و نزدیک گروه هفت قبضه با

- (۱) [ف] سنهاسن || (۲) [ش] شش || (۳) [ض د] هبا ؟ ||
(۴) [ض د] دهیمه ؟ || (۵) [۸ ض د] پهر * [۸ ش] بحر * [ف] پهر ||
(۶) همچون در هر نسخه || (۷) [ض د] شبستان || (۸) [ش ف] ||
دو * [و] دوز * در [۸] نیست || (۹) [د] بورایی * [ض] بورایی * [۸] بورایی *
[و] تورانی || (۱۰) [ض د] عراق و عرب || (۱۱) [ف ا ض د] هر ||

یلک انگشت ایستاده در قبضه هفتم * و طبقه در قبضه آن یلک انگشت افزایشند * نزد جمع هفت قبضه بانگشت موضوع در هر قبضه *

سلطان سکندر لوده‌ی در هندوستان نیز گزے در میان آورد و آنرا چهل و یلک و نیم اسکندری اندازه گرفت * و آن مسین نقدے است گرد نقره آمیز * جدت آشپانی نیم دیگر افزود و بچهل و دو قرار گرفت * مقدار آن سی و دو انگشت بود * و از پیشین حکما نیز بدینسان برگذارند * و در زمان شیرخان و سلیم خان که هندوستان از غلبه بخشی و مقطعی بضبط آمد بهمین گز پیمودند * تا سال سی و یکم الهی اگرچه در کرپاس گز اکبرشاهی بود و بچهل و شش انگشت برابر لیکن در زراعت و عمارت اسکندری بکار داشته * شهریار دانش پزوه چون دگرگونگی گزها را سرمایه پراگندگی دلها اندیشید و دست آویز نادروستان پنداشت همه را از میان بر آورد و معتدل گزے را روانی بخشید (۳) چهل و یلک انگشت * بید کرد ایزدی الهی گز نام نهاد و امروز در همه کار دست آویز مردم *

آئین طناب *

گیتی خداوند در جریب همان پیشین شماره گز قرار داد و شصت در شصت گزیده آمد لیکن الهی قرار گرفت * درین آباد بوم طناب پیمایش از رسنه که سن گویند (بفتح سین و سکون نون) بافته و در خشکی و تری دراز و کوتاه شده * بشبم گذاشته و ببهائیا تر کرده * و بسا هنگام صبح آغاز کرده و تری بر گرفته و لخته خرد گشته و آخرهای روز خشک شده دراز شده * در نخستین صورت کشاورز زبان کشیده و در پیشین دست مزد جهانبانی کاسته * سال نوزدهم الهی جریبه از نی انتظام یافت و باغذین حلقها پیوند گرفت * کم و افزون نشود و جهان در جهان مردم را آسودگی بدید آمد و آزمندان خیانت گرای را دست کوتاه شد *

آئین بیگه *

(بکسر با و سکون یای تحتانی و کاف فارسی و های خفی و های مکثوب) جریب را گویند * ۲۰ قطعه زمینی است در درازا و پهنا شصت گز * و اگر در طول یا در عرض کمی پذیرد و در دیگر افزونی در شماره مکسر در آید و همگی سه هزار و شصت گز شود * و بوم را اندازه بدو گیرند * هر بیگه بیست بخش سازند و هر یکی را بسوه بامزد (بکسر با و سکون سین و فتح واو و های مکثوب) * و آنرا نیز بیست قسم گردانند و هر یک را بسوانسه گویند (بکسر با و سکون سین و فتح واو و الف و نون خفی ۲۵

(۱) در [ض د] نیست || (۲) در [ه] نیست || (۳) [ش سی] || (۴) [ض د] پیمان || (۵) [ض د] گز الهی || (۶) [ض د] و پیمانها پر کرده * و در حاشیه [ش و ف] نوشته که بهان بهندی بمعنی صبح آمده * [و] به نه آبا || (۷) در [ش ف] نیست ||

و فتح سین و های مکثوب) در پیمودن ازین برنگردن * تا نه بسوانسه زمین را مال نطلبند و اگر ده باشد یک بسوه باز خواهند * برخه بسوانسه را نیز بیست حصه بر سازند و هر حصه آنرا تسوانسه خوانند (بفتح یای فوقانی و سکون سین و واو و الف و نون خفی و فتح سین و های مکثوب) * و آنرا نیز بیست بخش کنند و هر یک را تپوانسه (بفتح یای فوقانی و سکون بای فارسی و واو و الف و نون خفی و فتح سین و های مکثوب) * و آنرا نیز بیست بخش کنند و هر کدام را آندسوانسه خوانند (بفتح همزه و نون خفی و سین و واو و الف و نون خفی و فتح سین و های مکثوب) *

یلک بیگه بطناب سن از بیگه طناب بانس بدو بسوه و دوازده بسوانسه کم بود * و در هر صد بیگه سیزده بیگه تفاوت کند * اگرچه طناب سن نیز شصت گزی بود لیکن در تاب زدگی پنجاه و شش گز می آید * و گز الهی از گز سکندری یلک بسوه و شانزده بسوانسه و سیزده تسوانسه و هشت تپوانسه ۱۰ و چهار انسوانسه افزون * و تفاوت هر دو نقصان در یلک بیگه چهارده بسوه و بیست و سیزده تسوانسه و هشت تپوانسه و چهار انسوانسه باشد * و در صد بیگه از هر دو وجه بیست و دو بیگه و سه بسوه و هفت بسوانسه شود *

آئین زمین و پایها و اندازه پانچ فرماندهی *

شهریار کاراگه چون گز و طناب و بیگه را قرار داد بزرگ نگهی بومها جدا بر ساخت و از هر یلک دگرگون خراج باز خواست * پانچ (بضم مجهول بای فارسی و سکون واو و فتح لام و سکون جیم) ۱۵ سال بسال فصل فصل کشت پذیرد و از زیرو نیفتد * پانچ (بفتح یای فارسی و واو و سکون واو و کسر یای فوقانی هندی و سکون یای تحتانی) چنده نگارند و بدین روش قوت افزایشند * چچر (بدو جیم فارسی مفتوح و سکون را) سه چهار سال بزراعت نرسد * پنچر (بفتح با و نون خفی و فتح جیم و سکون واو) پنج سال و افزون آباد نبود *

۲۰ در دوی نخستین گزیده و میانه و زیون * هر جنس را فراهم آورند * سوم بخش آن محصول پندارند * و سه یلک آن دست مزد جهانبانی بر ستانند * و ریه که شیرخان برگرفته بود و امروز در همه صربها از کمتر نشان ندهند پذیرش یافت * و برای آسودگی سپاه و رعیت ارج بر ساخته زر بازخواست نمایند * ربیعی ربیع پانچ *

بزیان هندی اسادهی گویند (بفتح همزه و سین و الف و کسر دال هندی و های خفی و ۲۵ سکون یای تحتانی) *

(۱) در [د] نیست || (۲) [ض د] چهار || (۳) [ش] هشت || (۴) [د] بسوانسه || (۵) [د] تسوانسه || (۶) در [ش ف] نیست || (۷) [ض د] یک زمین || (۸) [ش] یک چنده || (۹) [ض د] بکارند || (۱۰) همچنین در [د] * در دیگر نسخها ربیع ۹ ||

گندم در يك بيگهٔ اعلیٰ هژده من ، میانه دوازده ، زبون هشت من و سی و پنج سیر ، جمله می و هشت من و سی و پنج سیر * و ثلث او دوازده من و سی و هشت سیر و یک پا محصول قرار گرفت و سه يك آن چهار من دوازده سیر و سه پا پانزج جهانبانی *

نخود سیزده من ، ده و نیم ، هفت و نیم * ثلث - ده من و سیزده و نیم سیر و سه من و هژده سیر از آن برگیرند * هندسی مسور گویند (بفتح میم و ضم سین و سکون واو و را) * هشت من و ده سیر ، شش و نیم ، چهار من و بیست و پنج سیر * سه يك - شش من و هژده سیر و يك پا * دو من و شش سیر طلب دارند *

جو هژده من ، دوازده و نیم ، هشت من و پانزده سیر * و چهار من و دوازده و نیم سیر قرار گرفت * کتان هندسی زاد السی گویند (بفتح همزه و سکون لام و کسر سین و سکون یای تحتانی) شش و نیم من ، پنج من و ده سیر ، سه من و سی سیر * يك من و بیست و نه سیر باز خواهند *

نخمسف هندی نژاد کرر گویند (بفتح کاف و واو سکون رای دیگر) هشت من و سی سیر ، شش من و سی سیر ، پنج من و ده سیر * دو من و دوازده سیر خواهش رود *

ارزن هندی بوم چینه نامند (بکسر جیم فارسی و سکون یای تحتانی و فتح نون و های مکتوب) ده و نیم من ، هشت و نیم ، پنج من و پنج سیر * دو من و بیست و هفت و نیم سیر باز دهند *

سرف اهل هند سرسون گویند (بفتح سین و سکون را و ضم سین و سکون واو و نون خفی) ده و نیم من ، هشت و نیم ، پنج من و پنج سیر ، دو و نیم من و هفت و نیم سیر قرار گرفت *

مشنگ هندوستانی مئر گویند (بفتح میم و تایی فوقانی هندی و سکون را) سیزده من ، ده و نیم ، هشت من و بیست و پنج سیر ، سه و نیم من و سه سیر بدیوان رسانند *

شمایت در هند میتھی نامند (بکسر مجهول میم و سکون یای تحتانی و کسر تایی فوقانی و های خفی و یای تحتانی) و ناری حلبه گویند (چهارده من ، یازده ، نه و نیم من و پانزده سیر * سه و نیم من و پانزده سیر بر ستانند *

شالی کور زبون قسمی است * بیست و چهار من ، هژده من ، چهارده من و ده سیر * شش من و ده سیر خواهش رود *

خریزه و ناخواه (هندی اجواین گویند - بفتح همزه و سکون جیم و واو و الف و کسر یای تحتانی و سکون نون) و پیتار دیگر سیزده را ربع قرار نداده دستور العمل نقدی بر نهاده اند چنانچه گفته آمد * ۲۵

(۱) در [ش] نیست || (۲) در [د] نیست || (۳) [ض د] قوم ||

(۴) همچنان در [ه] در دیگر نسخها نیست ||

خریفی ربع *

هندی سادنی گوید (بسین و الف و فتح واو و کسر نون و سکون یای تحتانی) *

قند سیاه سیزده من ، ده و نیم ، هفت و نیم * سه من و هژده سیر برگیرند *

پنبه ده من ، هفت و نیم ، پنج من ، دو و نیم من مقرر شد *

شالی مشکین ریزه دانه و بس سفید و خوش بو و زردپز و گوارا * بیست و چهار من ، هژده ، چهارده من و ده سیر * شش من و ده سیر قرار گرفت *

شالی ساده بدانسان نبود ، هفده من ، دوازده و نیم ، نه من و پانزده سیر * چهار من و سیزده سیر برستانند *

ماش هندی مرنگ گوید (بضم میم و سکون واو و نون خفی و کاف فارسی) ده و نیم من ، هفت و نیم ، پنج من و ده سیر * دو من و بیست و سه و نیم سیر قرار یافت *

ماش سیاه ، اهل هند ارد نامند (بضم همزه و سکون را و دال) بدستور مونگ *

موته (بضم مجهول میم و سکون واو و تایی فوقانی هندی و های خفی) از ماش سبز زبون و از سیاه بهتر * شش و نیم من ، پنج من و ده سیر ، سه من و سی سیر * يك من و بیست و نه سیر بدیوان گذارند *

جرت درهن مرز جوار گویند (بضم جیم و واو و الف و را) سیزده من ، ده و نیم ، هفت و نیم ، سه من و ده سیر باز خواهند () *

شامخ دهن بوم هانوان گویند (بحین و الف و نون خفی و واو و الف و نون خفی) ده و نیم من ، هفت و نیم ، پنج من و پنج سیر * دو من و بیست و هفت و نیم سیر برگیرند *

کودرون شامخ مانا لیکن پوست برون مائل به تیره سرخی * هفده من ، دوازده و نیم ، نه من و ده سیر * چهار من و دوازده و نیم سیر وجه دیوان *

کنجد بهندی تل گویند (بکسر تایی فوقانی و سکون لام) هشت من ، شش ، چهار ، دو من برخوهند * کال اهل هند کنگنی گویند (بفتح کاف و نون خفی و ضم کاف فارسی و کسر نون و سکون یای تحتانی) شش و نیم من ، پنج من و ده سیر ، سه من و سی سیر * يك من و بیست و نه سیر برستانند () *

نوریا (بضم تایی فوقانی و سکون واو و کسر را و یای تحتانی و الف) سرف مانا لیکن بسرخی گراید * شش و نیم من ، پنج من و ده سیر ، سه من و سی سیر * يك من و بیست و نه سیر باز جویند () * ارزن بیشتر از ربع شود * شانزده من ، سیزده و نیم ، ده من و بیست و پنج سیر * چهار من و ده سیر خواهش رود *

(۱) در [د] نیست ||

(۲) [ش] کودون * [ض د] کودرم ||

لَهْدَرَه (بفتح لام و ها و سکون دال هندی و فتح را و های مکتوب) در خوشه و دانه بگل ماند *
 ده و نیم ا هفت و نیم ا پنج من و ده سیر^(۱) دو من و بیست و سه و نیم سیر جواب گویند *
 مَنْدَوَه (بفتح میم و نون خفی و سکون دال و فتح واو و های مکتوب) خوشه او شاماخ آسا و دانه چون
 سرشفت لیکن برخه سرخ و بعضی سفید * یازده و نیم^(۱) نه من ا شش و نیم سه من برستانند *
 لَوْبَا (بضم مجهول لام و سکون واو و کسر با و یای تختانی و الف) بناقلا ماندلخته خرد * ده و نیم من ا
 هفت و نیم ا پنج من و ده سیر * دو من و بیست و نیم سیر بر جویند *
 کُودَرِي (بضم کاف و سکون واو و کسر دال و را و سکون یای تختانی) شاماخ آسا زیوتر از * شش و نیم^(۲)
 و پنج من و ده سیر * سه من و سی سیر * یک من و بیست و نه سیر باز خواهند *
 کُلْت (بضم کاف و سکون لام و نای فوقانی) عدس آسا لخته سیاه تر * آب^(۳) او بقاته سودمند *
 و سنگ را بدو تر سازند بریدن آسان گردد * ده و نیم ا هفت و نیم ا پنج من و ده سیر * دو من^(۴)
 و بیست و نیم سیر بدیوان باز گردد *
 بَرْتِي (بفتح با و سکون را و کسر نای فوقانی هندی و سکون یای تختانی) بشاماخ ماند سفیدتر
 از * شش و نیم ا پنج من و ده سیر * سه من و سی سیر * یک من و بیست و نه سیر
 بر گیرند *

و در بارخواست مزد پاسبانی برخه جا چهار یک سیر اندازند و در بعضی برافزایند چنانچه از ۱۵
 گذارده پدید آید *

نیل و کونار و بان و زرد چوب و سنگاره و سن و کچالو و کدو و حنا و خیار و باد رنگ و باد نجان
 و ترب و زردک و کريله و کنور و تیندس^(۵) و کچره را ربع قرار نداده دستور العمل نقدی بر نهاده اند
 چنانچه نگاشته گردد *

و بر همین آئین پروتی کشتند بسان پولج خواهش رود *

شهریار آگاه دل در مال بدانسان که گذارش یافت نوازش فرمود * در جهات^(۶) يك بخشوده ده نیم
 قرار داد و صد و نیمی پتواری نصفه بدو و نیمه بقانون گو باز گردد * نخستین نویسنده ایست از طرف
 بزرگان ا خرج و دخل نویسد و هیچ دیه بے او نباشد * و پسین ملاذ کشاورزان ا و در هر برگنه یک بود *
 و امروز حصه قانونگو برانداختند و بشرط خدمت گزینی سه گونه از درگاه یابند * ماهواره اول پنجاه
 روپیه ا دوم سی ا سوم بیست * و بشماره این جاگیرتی شود * و آئین چنان بود که گماشتهای ۲۵

(۱) [د] پانزده ؟ (۲) [ض د] شش و پنج و نیم من و ده سیر (۳) [ش] شراب
 (۴) [ض د] نه ؟ و حصه نهم دو من و بیست و سه و نیم من و ده سیر (۵) همچنین در هر نسخه
 و در صفحه ۷۱ نیند و (۶) [ض د] دو نیم (۷) [ض د] پتواری بدو نیم بقانونگو ؟

شقدار و کارکن و امین^(۱) وزه پنجاه و هشت دام ضابطانه میگرفتند بشرط که در ربع کم از دو بیست
 بیگه و در خریف کم از دو بیست و پنجاه بیگه نه پیمایند * شهریار دریادل بخشش فرمود و یک
 دام در بیگه قرار داد *

و بیشتر وجوهات که برابر محصول هندوستان بود بایزیدی شکرانه بخشایش یافت بسان
 ۵ جزیه و میربحری و کر^(۲) یعنی گروهه در معابد حاضر شده از هر یک چیزه برگرفته و گوشماري
 و سردختی و بدشکش و قروق^(۳) و اقسام پیشه ور و داروگانه و تحصیلداری و نوطه داری
 و سلامی و وجه کرایه و خریده و صرافی و حاصل بازار و نخاس^(۴) و سن و کنبل
 و روغن و ادهری و کبابی^(۵) و وزانی^(۶) و قصابی و دباغی و قماربازی و قنلقه^(۷) (۹)
 و سادری (۹) و راه داری و پگ^(۸) (که عوض سر دستار چیزه ستانند) و دودی (هر که آتش
 ۱۰ امروز چیزه بر دهد) و رسم خانه (چون فروشند یا خردند از هر دو چیزه برگیرند) و نمکی
 (که از شوره زمین بر سازند) و بلنگی (یعنی هنگام رخصت درو از کشاورز زر برگرفته) پتی^(۹) نمد
 و چونه گری و خماری و دلائی و ماهی گیری و حاصل درخت آل و آنچه با مصلاح این طائفه
 سایر جهات خوانند بخشش یافت *

آئین چپر *

۱۵ چون از بارش ابرو و شورش سیلاب زمین از کار افتد کشاورزان در سرانجام آن سختی کشند *
 سال اول دو بخش از پنج ستانند ۱ دوم سه ۱ سوم چهار ۱ پنجم بدستور برگیرند * و باندازد جانند
 یا جنس خواهش رود * سال سوم خواهش ده و نیم ۱ و یک دام برافزایند *

آئین بنجر *

چون از سیلابی بودن فراوان تفاوت رود بدین گونه باز خواست نمایند *

۲۰ * ربیعی * گندم سیلابی ۱ سال اول از بیگه نیم من ۱ دوم یک من ۱ سوم دو ۱ چهارم سه ۱

(۱) [د] آئین ؟ (۲) این جمله در [د] نیست (۳) [د] گره [۴ و] کوب گروهه *
 و این لفظ در حاشیه [ش ف] هم نوشته و وکر بهندی بمعنی محصول (۴) [ف ۴ و] قروق
 (۵) حرف واو در [۴ و ض د] نیست (۶) [د] نخاس ؟ (۷) [ش]
 کبابی * [د] کبابی (۸) [ض د ۴ و] درانی * در [و] نیست (۹) [د] قنلقه
 (۱۰) [۴ و] پک * [ش] پکه * [ض ۴ و] یک * [د] یک * و خسرو در قران السعدین فرماید
 * بیت * ای دهلای وای بتان ساده پگ بسته و ریشه کج نهاده * و در شرح این بیت نوشته اند
 که پگ ببا و گاف فارسی مخفف پاک و این لفظ هندیست بفارسی دستار گویند و بهر بی سبب بکسر میین و
 تشدید مؤخده و ریشه کنایت از طرء دستار (۱۱) [ش و] فروشنده و خرزنده
 (۱۲) [ض د ف] پتی و نمد * و در [۴ و] پتی بنای فوقانی هندی نوشته
 (۱۳) در [ض د] نیست

پنجم بدستور * سرشَف باراني ۱ سال اول پنج سیر ۱ دوم بیست و پنج ۱ سوم سی و پنج ۱ چهارم یک من و ده سیر ۱ پنجم بسان پولج * فخر ۱ سال اول از سیلابی ده سیر و از بارانی پنج ۱ و دوم از هر دو سی سیر ۱ سوم از هر دو یک من و ده سیر ۱ چهارم دو من و ده سیر * پنجم چون پولج * جو سال اول از سیلابی نیم من و از بارانی پنج سیر ۱ دوم از سیلابی یک من و از بارانی سی و پنج سیر ۱ سوم از سیلابی دو من و از بارانی یک من و نیم ۱ چهارم از سیلابی سه من و از بارانی دو من و نیم ۱ پنجم بدستور * عدس سال اول از سیلابی ده سیر و از بارانی پنج سیر ۱ دوم از هر دو سی سیر ۱ سوم از هر دو یک من و ده سیر ۱ چهارم از هر دو یک من و سی سیر ۱ پنجم بآئین پیش * ازن سال اول از سیلابی ده سیر و از بارانی پنج ۱ دوم از هر دو بیست و پنج سیر ۱ سوم سی و پنج ۱ چهارم یک من ۱ پنجم بسان پولج * کتان سال اول از سیلابی ده سیر و از بارانی پنج ۱ دوم از سیلابی نیم من و از بارانی پنج سیر ۱ سوم از هر دو سی سیر ۱ چهارم یک من و ده سیر ۱ پنجم بدستور * خرفی * ماش سال اول از سیلابی نیم من و از بارانی پنج سیر ۱ دوم از سیلابی یک من و از بارانی نیم من ۱ سوم از سیلابی یک من و نیم من و از بارانی یک من ۱ چهارم از سیلابی دو من و از بارانی یک من ۱ پنجم چون پولج * تجار سال اول از سیلابی نیم من و از بارانی پنج سیر ۱ دوم از سیلابی یک من و از بارانی نیم من ۱ سوم از سیلابی دو من و از بارانی یک من ۱ چهارم از سیلابی سه من و از بارانی دو * پنجم پولج آسا * موته از بارانی سال اول پنج سیر ۱ دوم نیم من ۱ سوم سی سیر ۱ چهارم یک من و ده ۱ پنجم بسان پولج * لَهْدَر از بارانی سال اول پنج سیر ۱ دوم نیم من ۱ سوم یک من و ده سیر ۱ چهارم دو من ۱ پنجم بدستور * کودرون سال اول از سیلابی نیم من و از بارانی پنج سیر ۱ دوم از سیلابی یک من و از بارانی نیم من ۱ سوم از سیلابی دو من و از بارانی یک من و نیم ۱ چهارم از سیلابی سه من و از بارانی دو و نیم ۱ پنجم بطرز پیش * منده سال اول از سیلابی نیم من و از بارانی پنج سیر ۱ دوم از سیلابی یک من و از بارانی سی سیر ۱ سوم از سیلابی دو من و از بارانی یک من و نیم ۱ چهارم از سیلابی سه من و از بارانی دو و نیم ۱ پنجم موافق دستور * کودری سال اول از سیلابی ده سیر و از بارانی پنج ۱ دوم از هر دو بیست و پنج ۱ سوم از هر دو سی و پنج ۱ چهارم یک من و ده سیر ۱ پنجم بسان پیش * کال سال اول از سیلابی ده سیر و از بارانی پنج ۱ دوم از هر دو بیست و پنج ۱ سوم سی و پنج ۱ چهارم یک من و ده سیر ۱ پنجم بدانسان * توربا سال اول از سیلابی نیم من و از بارانی پنج سیر ۱ دوم از سیلابی یک من و از بارانی بیست و پنج سیر ۱ سوم از سیلابی یک من و ده سیر و از بارانی سی و پنج سیر ۱ چهارم از سیلابی یک من و نیم من و از بارانی یک من ۱ پنجم بدستور * شاماج سال اول از سیلابی ده سیر و از بارانی پنج

دوم از هر دو بیست و پنج ۱ سوم سی و پنج ۱ چهارم یک من و ده سیر ۱ پنجم بدان آئین * ازن سال اول از سیلابی ده سیر و از بارانی پنج ۱ دوم از هر دو سی سیر ۱ سوم یک من ۱ چهارم یک و نیم ۱ پنجم بسان پیش * گنجَد از بارانی سال اول پنج سیر ۱ دوم بیست ۱ سوم سی ۱ چهارم یک من و ده سیر ۱ پنجم بدان گونه *

۵ و در سال چهارم ده و نیم و یک دام بازیانت شود * و امروز چنان قرار گرفت ۱ در پنجر سال اول هر یک یک سیر یا دو سیر برگیزند ۱ دوم پنج سیر ۱ سوم ششم بخش ۱ چهارم چهارم حسمه و یک دام ۱ و دیگر سنوات بسوم بخش بسند افتند * و لخته در سیلابی تفاوت رود * و در همه مراتب کشاورز از نقد و غله هر چه آسان داند برگذارد * و زمین بنجر دامن کوه و سیلابی برگذارد سرکار سبیل و بهر این بنجر نماند چندان بسیلابها خاک نو در آید که از پولج آسان و ۱۰ افزون برده * گیتی خداند از وفور مهربانی برابر آن شمرن * و در نقد یا کنکوت یا بهارلی خواهش مال اختیار کشاورز را باشد *

آئین نوزده ساله *

همواره کاردانا آگاه برنشسته و نرخنامه‌های ملک برگرفته و زرف‌نگهی کرده ازان ارز غله گرفته * زمین پولج که گذارش یانت زر قرار داده * از سال ششم الهی موافق نهصد و شصت و هشت ۱۵ هجری تا سال بیست و چهارم بفران کارش بدست آورد و برای شناسائی بجدول درکشید * و هر سال را به ندرسه نشانمند گردانید *

(۱) [ض د] این جمله در [ض د] چنین نوشته - از سال ششم الهی تا سال بیست و چهارم بجدول درکشید فقط (۲) این جمله در [ض د] نیست (۳) این جمله در [ض د] نیست

خزینہ^۹ صوبہ^۸ الہاباس

[illegible]

خزینہ^۹ صوبہ^۸ الہاباس

[illegible]

ربيعي وخریفی صوبہٴ اجمیر
[درآمدہ نسخہٴ خانہٴای جداول خالی است]

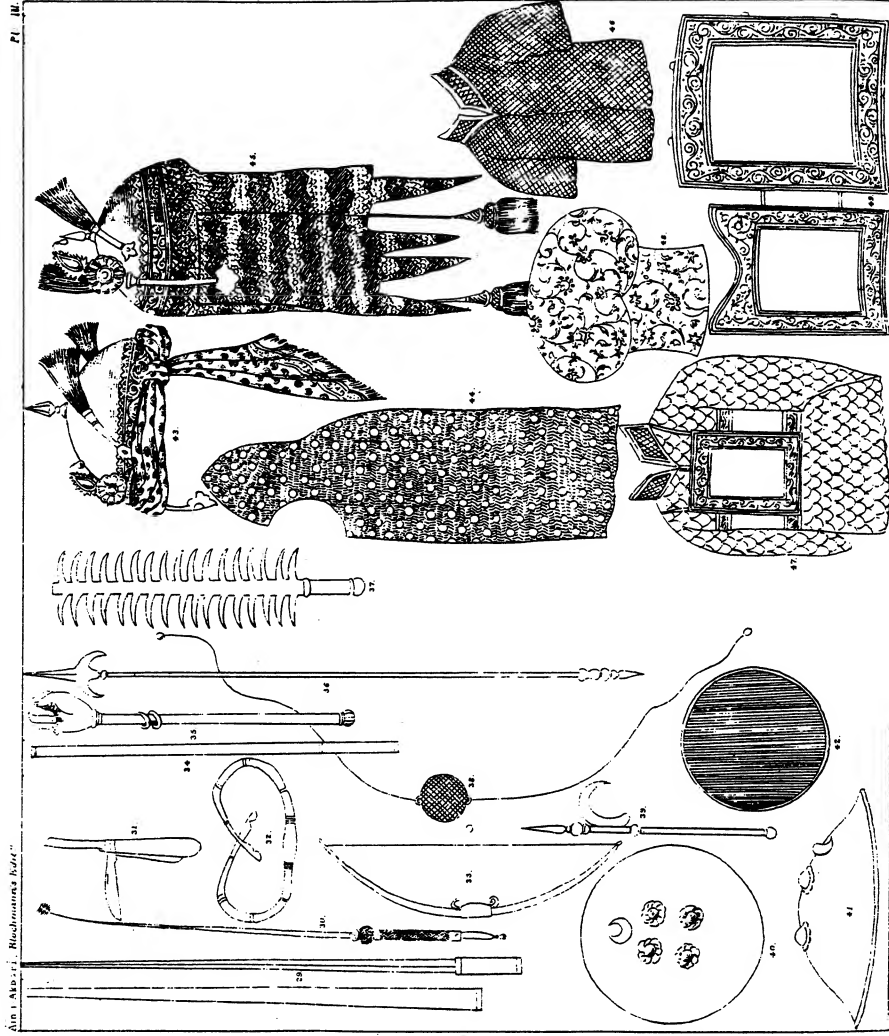
ربیعہ صوبہ اولہ

[illegible]

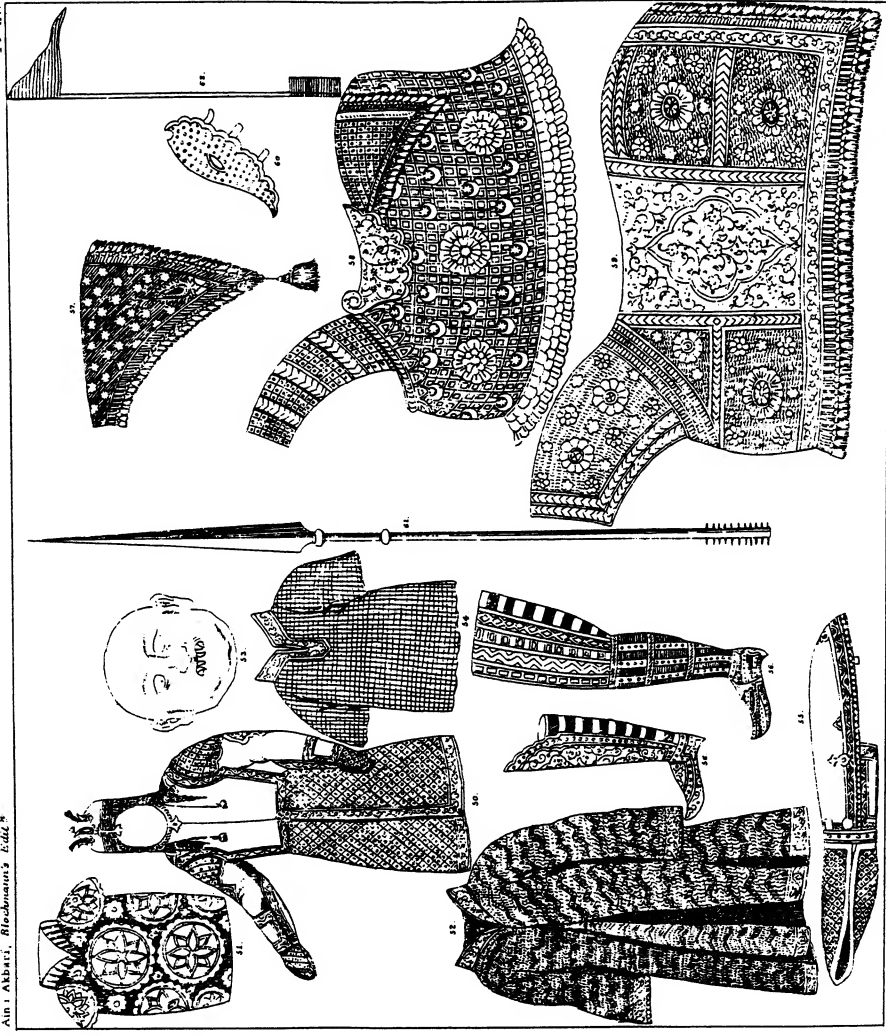
(FIA)

(੨੧੯)

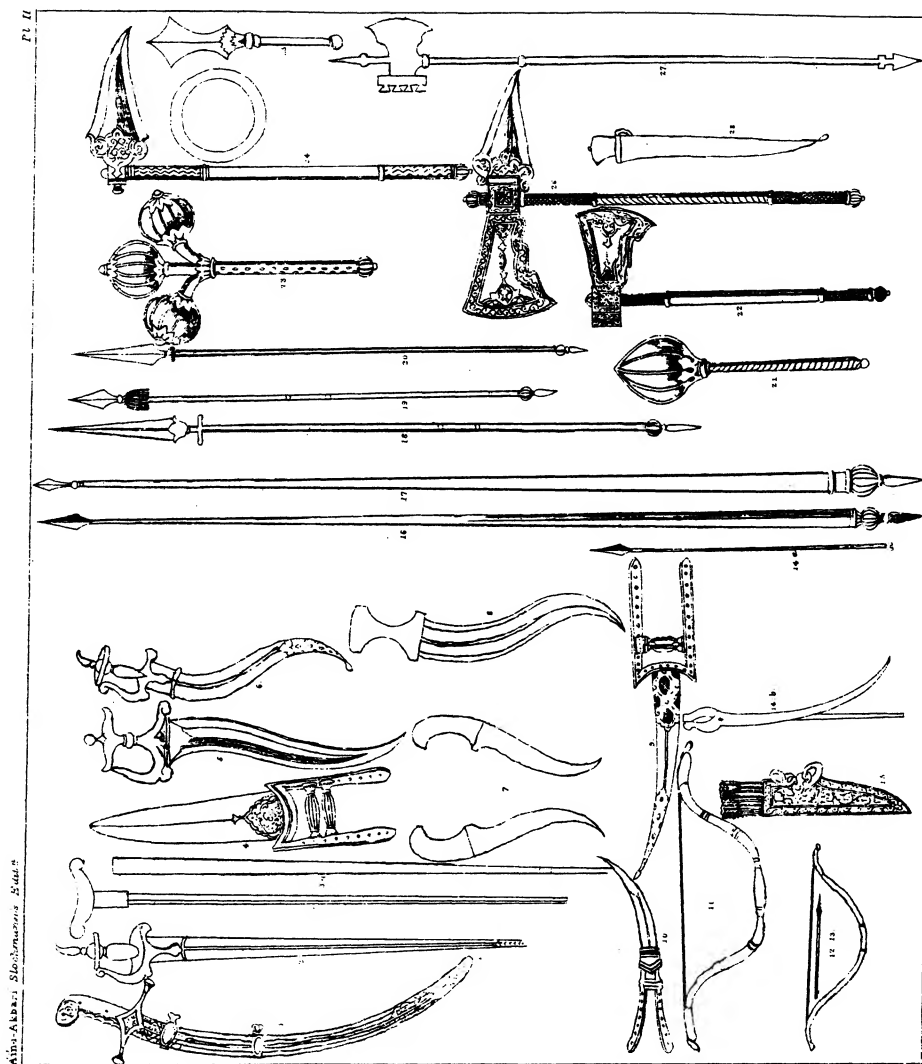
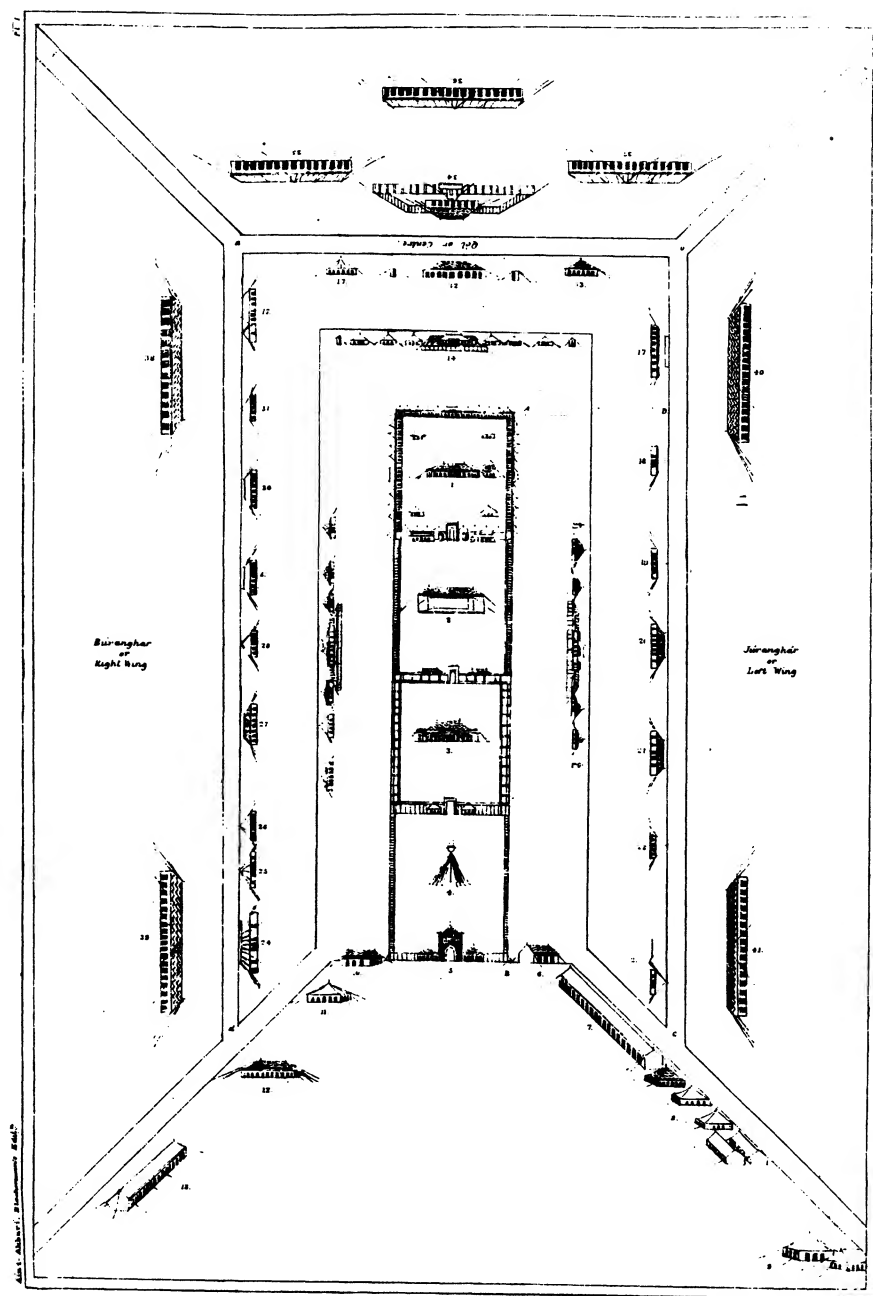
[illegible]



Ain i Akbari, "Blacksmiths' tools."



Ain i Akbari, "Blacksmiths' tools."



سنگھارہ ارہو آل برنی

(viii)

(۱۳۹)

[illegible]

ارزن	بیست و دو دام	بیست و دو	شانزده	سیزده	بیست	شانزده تا سی و هفت	سیزده و نیم تا چهل	ده تا شانزده	سیزده تا بیست	هفده تا بیست و چهار
مشنگ	پانزده دام	پانزده	نوزده تا بیست	بیست و شش تا سی	پانزده و نیم	نوزده	نوزده	هزده و نیم	بیست و دو	بیست و شش تا سی
خریزه ولایتی	بیست و دو دام	بیست و دو	بیست و دو	هشتاد و دو	هشتاد و شش	هشتاد تا هشتاد و شش	هشتاد و شش	هشتاد و شش	هشتاد و شش	هشتاد و شش
خریزه هندی	سیزده دام	سیزده	سیزده	سیزده	سیزده	سیزده	دوازده تا نوزده	دوازده تا چهل	دوازده تا شانزده	دوازده
شالی کور	چهل و چهار دام	چهل و چهار	چهل و چهار	بیست و چهار	بیست و هفت	بیست و شش	بیست و هشت تا سی و شش	چهل	چهل	چهل
اجوین	هفتاد و سه دام	هفتاد	هفتاد	هفتاد	هفتاد	هفتاد و چهار تا هفتاد و شش	چهل و چهار تا هفتاد و شش	پنجاه و دو تا هفتاد و چهار	پنجاه و شش تا هفتاد و شش	چهل و چهار تا شصت
پراز	هفتاد دام	هفتاد	هفتاد	هفتاد	هفتاد	هفتاد تا هفتاد و چهار	چهل و چهار تا هفتاد و چهار	پنجاه و دو تا هفتاد و چهار	پنجاه و شش تا هفتاد و شش	چهل و چهار تا شصت
شملیت	هفتاد و دو دام	هفتاد	هفتاد	هفتاد	هفتاد	هفتاد	سی و پنج تا چهل و پنج	چهارده و نیم تا پنجاه و دو	چهل تا هفتاد	چهل تا نیم

(۳۳)

گزر	بیست و چهار دام	بیست و چهار	بیست و چهار	بیست و چهار	بیست و چهار	بیست و چهار	بیست و چهار	بیست و چهار	بیست و چهار	بیست و چهار
کیو	بیست و پنج دام	بیست و پنج	بیست و پنج	بیست و پنج	بیست و پنج	بیست و پنج	بیست و پنج	بیست و پنج	بیست و پنج	بیست و پنج

[صفحه ۳۳۸] * (۱) نرخهای نخلدر کابل در [ده] ۷۷ تا ۱۶ نوشته و برای جینل چهل خوانده [صفحه ۳۴۱] * (۱) [ده] هشت [(۲)] [ده] پنج []

خریفي صوبه ملتان *

سنه ۷۶	سنه ۸	سنه ۹	سنه ۱۰	سنه ۱۱	سنه ۱۲	سنه ۱۳	سنه ۱۴	سنه ۱۵	سنه ۱۶	سنه ۱۷	سنه ۱۸	سنه ۱۹	سنه ۲۰	سنه ۲۱	سنه ۲۲	سنه ۲۳	سنه ۲۴
نیشکر سیاه								دوستان دام	دوستان	دوستان	دوستان	دوستان	دوستان	دوستان	دوستان	دوستان	دوستان
نیشکر ساد								صد و پنجاه دام	صد و بیست و بیست	صد تا صد و بیست	صد تا صد و بیست	صد تا صد و بیست	صد تا صد و بیست	صد تا صد و بیست	صد تا صد و بیست	صد تا صد و بیست	صد تا صد و بیست
شالی مشکین								شصت دام	چهل و شش	چهل و شش	چهل و شش	چهل و شش	چهل و شش	چهل و شش	چهل و شش	چهل و شش	چهل و شش
شالی ساد								پنجاه دام	چهل و دو	چهل و دو	چهل و دو	چهل و دو	چهل و دو	چهل و دو	چهل و دو	چهل و دو	چهل و دو

(۳۴)

شالي موزي									شصت و پنج دام	شصت و پنج	شصت و پنج	شصت و پنج	شصت و پنج	پنجاه و دو	پنجاه و شش	پنجاه
پنجه									صد و بيست دام	صد و چهار	صد و چهار	صد و چهار	صد و چهار	چهل و چهار	چهل و چهار	چهل
ترکاري									هفتاد و شش دام	هفتاد و شش	هفتاد و شش	هفتاد و شش	هفتاد و شش	هفتاد و شش	هفتاد و شش	هفتاد
کنجه									پنجاه و هشت دام	چهل و هشت	چهل و هشت	چهل و هشت	چهل و هشت	چهل و هشت	چهل و هشت	چهل
مونه									سي و يك دام	بيست و پنج	بيست و پنج	بيست و يك	بيست و يك	بيست و يك	بيست و يك	بيست
ماش									سي و شش دام	سي	سي	بيست و پنج	بيست و پنج	بيست و پنج	بيست و پنج	بيست
موزنگ									سي و دو دام	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي
جوار									سي و نه دام	سي و دو	سي و دو	بيست و هفت	بيست و پنج	بيست و پنج	بيست و پنج	بيست

(۱۰۰)

لهکړه									سي دام	بيست و هشت	بيست و هشت	بيست و شش	بيست و يك	بيست و نه چهل و هشت	بيست و نه چهل و هشت	بيست و نه چهل و هشت
لويدي									سي و دو دام	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو
گودرم									سي و دو دام	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو
کورې									سي و دو دام	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو	سي و دو
شماخ									هژده دام	دو	شانزده	دو	پنج	دو	دوازده	پنج
کال									شانزده دام	دو	دو	دو	هفت	دو	دو	دو
ارزن									بيست دام	بيست و چهار	بيست و چهار	بيست و چهار	چهارده	بيست و چهار	بيست و چهار	بيست
منډره									سي دام	بيست و هشت	بيست و هشت	بيست و چهار	بيست و يك	بيست و پنج	بيست و پنج	بيست

(۱۰۰)

نیل	سی	توریا	زرد چوبه	کچالو	کلت	حنا	کچڑا هندوانه
صد وسی و چار	صد وسی و چار	صد وسی و چار	صد وسی و چار	صد وسی و چار	صد وسی و چار	صد وسی و چار	صد وسی و چار
هفتاد تا هشتاد ودو	شصت تا هفتاد	چهل تا هشتاد ودو	چهل تا هشتاد ودو	چهل تا هشتاد ودو	چهل تا هشتاد ودو	چهل تا هشتاد ودو	چهل تا هشتاد ودو
بیست و سه تا سی و چار	بیست و چار تا سی و چار	سی و چار	سی و چار	سی و چار	سی و چار	سی و چار	سی و چار
صد و چار	صد و چار	صد و چار	صد و چار	صد و چار	صد و چار	صد و چار	صد و چار
هفتاد	هفتاد	شصت و هشت تا هفتاد	شصت و هشت تا هفتاد	شصت و هشت تا هفتاد	شصت و هشت تا هفتاد	شصت و هشت تا هفتاد	شصت و هشت تا هفتاد
بیست و چار تا سی	بیست و چار	بیست و چار	بیست و چار	بیست و چار	بیست و چار	بیست و چار	بیست و چار
هفتاد	هفتاد	هفتاد	هفتاد	هفتاد	هفتاد	هفتاد	هفتاد
د	د	د	د	د	د	د	د

پان										صد و هشتاد و دهم	شش رویه پاو بالا	شش رویه پاو بالا	شش رویه پاو بالا	شش رویه پاو بالا	صد و هشتاد و دهم	دوایست	دوایست	دوایست	دوایست	دوایست
سنگهازه										صد و دهم	صد	صد	صد	صد	صد	صد	صد	صد	صد	صد
لهر																بیست و دهم	بیست	بیست	بیست	بیست

آل برنی

رَبِيعِيْ صَوْبُهُ مَالُوهُ *

[illegible]

سه مظفري تا هفتاد و پنج دام	هفتاد و پنج دام					پنجاه دام					پنجاه دام					پنجاه دام					نوکاري
																					کوکدار
																					گل موصوف
																					قنار
																					مرششف
																					عدس و ارزن
																					مشنگ
																					خربزه
																					ولايي
																					خربزه هند
																					شالي کور
																					اجوئين
																					پاز شملت
																					وگزر و کدو
دو مظفري تا پنجاه																		هشتاد دام			
سه مظفري تا هفتاد و پنج																					
سه مظفري تا هفتاد و پنج																					
دو مظفري تا پنجاه																					
خریفي صوبه مالوه *																					
سنه ۲۴	سنه ۲۳	سنه ۲۲	سنه ۲۱	سنه ۲۰	سنه ۱۹	سنه ۱۸	سنه ۱۷	سنه ۱۶	سنه ۱۵	سنه ۱۴	سنه ۱۳	سنه ۱۲	سنه ۱۱	سنه ۱۰	سنه ۹	سنه ۸	سنه ۷ و ۶	شک سیاه			
هفت مظفري تا هفتاد و پنج				شش مظفري تا صد و پنجاه				صد و پنجاه دام												شکر ساده	
هفت مظفري تا هفتاد و پنج				شش مظفري تا صد و پنجاه				صد و پنجاه دام												شالي مشکين	
سه مظفري تا هفتاد و پنج				دو و نیم مظفري تا شصت و دو و نیم				شصت و دو و نیم دام													

یک مظفری تا چهل و سه و نیم		دو مظفری تا پنجاه		پنجاه دام		شالی ساده
یک مظفری تا چهل و سه و نیم		دو مظفری تا پنجاه				شالی مونی
دو و نیم مظفری تا شصت و دو و نیم		دو مظفری تا پنجاه		پنجاه دام		پنبه
سه مظفری تا هفتاد و پنج				هفتاد و پنج دام		ترکاری
یک مظفری تا چهل و سه و نیم		دو مظفری تا پنجاه		پنجاه دام		کچد موته
						ماش
						مشنگ
						جوار لہندره
						لوبیا کوردم
						کوری
						شماغ مال
						ارزن مندوز
		شش مظفری تا صد و پنجاه		صد و پنجاه دام		نیل
		دو مظفری تا پنجاه دام		پنجاه دام		سن و تریا
زرد چوبه کچالو کلات حنا کچن همدونه پان سنگهازه ارمر آل برتی						

* آیدین ده ساله *

از سر آغاز این جاوید دولت هر سال کاروانان کم آرز و شناسندگان جد گزین فرخا بر گرفته و بالا درگاه آورده و ربع جنس و ارج آن برگرفته دستور قرار داده و فراوان رنج رفته • دران هنگام که خواجه عبد المجید آصف خان بوزارت سرلندی داشت جمع ولایت رقمی بود و آنچه بخاطر می رسید بقام افزوده تن می نمودند • از آن رو که ملک فراخی نداشت و هندگان خدمتگذار را زمان زمان پایه افزوده از پاره ستانی و غرض پرستی بیش و کم شده • و چون این مهین خدمت بمظفر خان و راجه تدریشل باز گردید پانزدهم سال الهی از قانون گویان تقسیمات ملک بر گرفته محصول را بر قیاس و تخمین گذاشته تازه جمیع بروی کار آمد • ده قانون گویان نامزد شد که از قانون گویان جزو نسخه بدست آورده بدفترخانه سپرده • اگرچه از پیش لخته نرود آمد لیکن از آن تا حاصل فراوان راه بود • و چون از نیک سگالی کشور خدا قلمو بس فراخ شد هر سال برای ارج شناسی فراوان

رنج برد و از دیرسامانی گوناگون آشوب برخاسته * گاه کدیور از افزون خواهی بفریاد آمده و زمان
اقطاع دار نالش بقایا نموده * گیهان خدیو بچاره گری برنشست و بفروغ ضمیر گیهان پیرای جمع ده ساله
قرار گرفت * زمانیان بر آسودند و سپاس گذاری را روزیازار شد * از آغاز پانزدهم سال الهی تا بیست
و چهارم محصول ده ساله فراهم آوردند و ده یک آن هر ساله قرار گرفت لیکن سال بیستم تا بیست
و چهارم از راه تحقیق برگرفتند و پنج پیشین را از گذارش راستی مژشان * و هر سال جنس کامل
اعتبار نمود * سال که افزون بود برگرفتند چنانچه جدول آنرا بر گذارد *

صوبه الهاباس مشتمل بر نه سرکار * پانزده دستور العمل دارد *

۱ سرکار الهاباس * پانزده محل و سه دستور العمل *

حویلی الهاباس و غیره سه محل * یک دستور * حویلی الهاباس * کنتت * پرگنه از بابت آگوه *
جلال آباس و غیره چهار محل * یک دستور *

۱۰ بهدوئی و غیره هفت محل * یک دستور * بهدوئی * سکندر پور * سرانو * سنگور * مه * کوائی *
هدهاباس *

۲ سرکار بنارس * هشت محل * یک دستور العمل *

افراد * حویلی بنارس * بلد بنارس * پندرها * کسوار * هرهوا * بیالسی *

۳ سرکار جونپور * چهل و یک محل * دو دستور *

۱۵ حویلی جونپور و غیره سی و نه محل * یک دستور * الدیمو * انگلی * بهتری * بیدانو * تلنپی *
جونپور * حویلی جونپور * چاندی پور بدو * چانده * چریاکوت * چکسور * خرید * خاص پور نانده *
خانپور * دیوگنو * راری * سنجهولی * سکندر پور * سگدی * سرهر پور * شادی آباد * ظفر آباد *
قزیات متو * قزیات دوست پور * قزیات میزده * قزیات سربته * کوله * گهیسو * گهوسی * کودیه *
گویال پور * کراکت * منڈیاہو * محمد آباد * مجبورا * مو * نظام آباد * نیکون * نقهر پور *
مونگره و غیره دو محل * یک دستور * مونگره * گدواره *

۴ سرکار چناده * چهارده محل * یک دستور *

حویلی چناده * اهیرواره * بهوئی * بدهول * نانده * دهوس * راگه پور * قزیات این روی آب *

(۱) همچنین در هر نسخه * و در نامهای برگزین این سرکارها بسیار اختلاف واقع است (۲) نامهای
این چهار محل در نسخا ننوشته (۳) [سرهبری ایوت] کنوایی (۴) در احوال ص ۱۹ باس سوای
این هفت محل نام کهاراگده ([ایوت] کهاراگده) نوشته (۵) در اکثر نسخا بلهتی (۶) در نسخا
داری یا واری (۷) [ایوت] سجهویی (۸) [ایوت] مریاهو (۹) در اکثر نسخا مو (۱۰)
(۱۰) [ف ۱] گرواده (۱۱) [ایوت] بهولی (۱۲) همچنین در هر نسخه * و امروز نام این محل
را لندپور است بللم //

مجبوراره * مهاج * مهوری * مهوری * سیلپور * نرون *

۵ سرکار غازی پور * هژده محل * یک دستور *

حویلی غازی پور * بایا * بچوتر * بلهباباس * بهریاباد * بهلیج * چوسا * دیبدا * سیدپور نمدهی *
ظهور آباد * قزیات بلی * کوپاچیت * گندها * گندها * گندها * لکهنیسر * مدن بنارس * محمدآباد * پرهاری *

۶ سرکار کوه * دوازده محل * یک دستور *

بلده کوه * حویلی کوه * انچهی * اتهرین * ایاسا * راری * کراری * کوتلا * کونرا عرف کوسون *

فتح پور هندسوه * هتگنو * هندسوه *

۷ سرکار کورره * هشت محل * سه دستور *

حویلی کورره و غیره در محل یک دستور * حویلی کورره * گهاتم پور *

کوتیا و غیره سه محل * یک دستور * کوتیا * گنیر * کیرن پور کنار *

جاجم و غیره سه محل * یک دستور * جاجم * محسن پور * مجهون *

۸ سرکار کالنجر * ده محل * یک دستور *

کالنجر با حویلی * اگواسی * اجیکده * سیندها * سمونی * شادی پور * رس * کهریله * مهربا * مودها *

۹ سرکار مانک پور * چهارده محل * دو دستور *

حویلی مانک پور و غیره * ده محل * یک دستور *

مانک پور با حویلی * اردل * بهلول * ساون * جلال پور بلکهر * قزیات کراره * قزیات پایگاه * کهوت *

نصیرآباد *

رای بریای و غیره * چهار محل * یک دستور * رای بریای * تلنندی * جیس * دلمو *

(۱) این نام در احوال صوبه الهاباس و در [ایوت] ننوشته و در نسخا سلپور و سیلپور و سلور نگاشته //

(۲) در نسخا مرون یا سرول * و در ایوت بعد نرون نام هنوا موجود است //

(۳) [ایوت] بلهباباس (۴) همچنین در هر نسخه * و در [ایوت] برایج (۵) [ایوت]

چونسا (۶) همچنین در [۸] * و در [ایوت و نقشه] دهیه نوشته (۷) در نسخا ب

نقط (۸) همچنین در هر نسخه * در [ایوت و نقشه] گدها (۹) [ایوت] کریندا //

(۱۰) در نسخا لکهنریا لکهنر نوشته (۱۱) در [ایوت] پرهاری بلا را (۱۲) [ایوت]

بنچهی * [ش] انچهی (۱۳) [ایوت] ایاسا (۱۴) در اکثر نسخا کوترا یا کوترا

نوشته (۱۵) همچنین در اکثر نسخا * [ایوت] کوسون (۱۶) همچنین در هر نسخه لیکن

در [ایوت] کیرت پور کذا نوشته (۱۷) همچنین در هر نسخه * در [ایوت و نقشه] اوگاسی //

(۱۸) [ایوت] سهوندا (۱۹) همچنین در هر نسخه * در [ایوت] کهنده (۲۰) در نسخا

اردل یا ارول (۲۱) در اکثر نسخا ب نقط * [ش] تالگنو //

(-00-)

[illegible][illegible]

(۱۳۱)

ج ۱۵۵۲۲۲	ج ۲۰۵۲۲۲	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۱	ج ۹۵۲۴۰	ج ۱۵۵۲۲۲	ج ۳۵۲۴۰	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۲	ج ۲۰۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۰۸	ج ۲۰۵۲۳۱	ج ۹۵۲۴۰	یشکر پنده
د ۱۲۳	ج ۶۵۱۲۶	ج ۱۷۵۱۳۴	ج ۳۵۱۳۴	ج ۱۷۵۱۰۲	ج ۳۵۱۳۴	ج ۱۷۵۱۰۹	د ۱۲۳	ج ۹۵۱۲۳	ج ۹۵۱۲۶	د ۱۲۳	د ۱۲۳	ج ۹۵۱۲۶	یشکر میده
ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۲۵۷۱	ج ۲۵۷۳	ج ۱۴۵۸۱	ج ۲۵۷۱	ج ۱۴۵۸۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	شای مشکین
ج ۲۴۵۴۶	ج ۱۲۵۴۶	ج ۲۴۵۴۶	ج ۲۴۵۴۳	ج ۲۴۵۴۳	ج ۲۴۵۴۶	ج ۱۸۵۴۶	ج ۵۵۴۹	ج ۵۴۹	ج ۱۲۵۴۳	ج ۵۵۴۹	ج ۵۵۴۹	ج ۱۲۵۴۶	ج ۱۸۵۴۶	شالی میده
.....	ج ۱۸۵۲۰۵	ج ۱۸۵۲۰۵	آل
ج ۲۳۵۹۳	ج ۱۷۵۹۱	ج ۱۷۵۹۱	ج ۳۵۹۳	د ۸۹	ج ۱۷۵۹۱	ج ۱۵۵۸۹	ج ۴۵۹۱	ج ۴۵۹۱	ج ۱۷۵۹۱	ج ۴۵۹۱	ج ۴۵۹۱	ج ۱۷۵۹۱	ج ۱۵۵۸۹	پنده
ج ۸۵۳۱	ج ۲۱۵۲۶	ج ۱۱۵۱۴	ج ۲۳۵۲۲	ج ۱۸۵۲۵	ج ۱۵۵۲۳	ج ۱۸۵۲۵	ج ۱۴۵۳۳	ج ۱۴۵۳۳	ج ۲۱۵۲۶	ج ۱۴۵۳۳	ج ۱۴۵۳۳	ج ۲۱۵۲۶	ج ۱۸۵۲۵	مونه
ج ۱۸۵۲۴	ج ۲۰۵۱۷	ج ۱۵۵۲۴	ج ۲۱۵۲۶	ج ۱۶۵۲۳	ج ۱۵۵۲۴	ج ۱۲۵۲۳	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۲۵۱۷	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۴۵۱۷	ج ۱۲۵۲۳	ازون
ج ۶۵۱۶۲	ج ۶۵۱۶۲	ج ۶۵۱۶۲	ج ۶۵۱۶۲	ج ۶۵۱۶۲	ج ۶۵۱۶۲	ج ۵۵۱۶۲	ج ۳۵۱۶۲	ج ۳۵۱۶۲	ج ۳۵۱۶۲	ج ۳۵۱۶۲	ج ۳۵۱۶۲	ج ۳۵۱۶۲	ج ۶۵۱۶۲	نیل
ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۵۵۸۳	ج ۲۰۵۶۱	ج ۱۵۵۸۹	د ۸۹	ج ۲۰۵۷۹	د ۷۶	ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۵۵۸۹	د ۷۶	حنا
ج ۲۴۵۸۴	ج ۴۵۸۴	ج ۱۵۵۸۹	ج ۲۴۵۸۴	ج ۲۴۵۸۴	ج ۲۴۵۸۹	ج ۲۴۵۸۴	ج ۲۴۵۸۴	ج ۲۴۵۸۴	ج ۲۴۵۸۴	ج ۲۴۵۸۴	ج ۲۴۵۸۴	ج ۲۴۵۸۴	ج ۲۴۵۸۴	سن
د ۴۷	ج ۵۵۸۷	ج ۲۰۵۸۴	ج ۷۵۸۷	ج ۱۸۵۸۴	ج ۲۳۵۸۴	ج ۱۸۵۸۴	ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۵۵۸۹	ج ۵۵۸۷	ج ۱۵۵۸۳	ج ۱۵۵۸۳	ج ۵۵۸۷	د ۸۰	تورکای
ج ۲۰۵۲۶۷	ج ۲۰۵۲۶۷	ج ۲۰۵۲۶۷	ج ۲۰۵۲۶۸	ج ۴۵۲۱۰	ج ۲۰۵۲۶۷	ج ۴۵۲۱۰	ج ۱۴۵۲۶۸	ج ۱۴۵۲۶۸	ج ۲۱۵۲۶۴	ج ۲۰۵۲۶۸	ج ۲۰۵۲۶۸	ج ۲۱۵۲۶۴	د ۲۱۰	پان
ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۲۰	ج ۱۸۵۱۲۰	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۱۸۵۱۲۰	سنگمازه
د ۳۸	ج ۸۵۳۵	ج ۷۵۳۷	ج ۱۵۵۳۲	ج ۱۷۵۳۴	ج ۷۵۳۳	ج ۴۵۳۳	ج ۶۵۴۰	ج ۶۵۴۰	ج ۲۰۵۳۵	ج ۶۵۴۰	ج ۶۵۴۰	ج ۲۰۵۳۵	ج ۱۷۵۳۴	جورای
ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۸	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۵	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	کوری
ج ۲۵۱۰۵	ج ۲۵۱۰۵	ج ۲۵۱۰۵	ج ۲۵۱۰۵	ج ۲۵۱۰۵	خزین ولایتی

ربيعي صوبہ اولہ *

انام وغیرہ	لکھنؤ وغیرہ	حویلی گورکھپور	بہاول وغیرہ	پالی وغیرہ	حویلی خیرآباد وغیرہ	کھروٹسا وغیرہ	فیروز آباد وغیرہ	ہراج وغیرہ	کشتی وغیرہ	ابراہیم آباد وغیرہ	برگنڈ حویلی اورڈہ وغیرہ	گندم
						ج ۲۰۵۵	ج ۲۳۵۵	ج ۲۰۵۴	ج ۳۵۵۸	ج ۱۵۵۶۲	ج ۲۰۵۴	
						ج ۱۴۵۳۳	ج ۱۱۵۳۲	ج ۱۴۵۳۳	ج ۳۵۳۹	ج ۳۵۳۹	ج ۱۷۵۳۴	نچون ہندی
						ج ۶۵۴۰	خردل
						۵۳۸	ج ۲۰۵۳۵	۵۳۸	ج ۱۲۵۴۲	ج ۲۱۵۴۵	ج ۳۵۳۹	جو
						ج ۱۰۵۲۲	ج ۶۵۲۱	ج ۹۵۲۲	ج ۱۲۵۲۳	ج ۲۰۵۳۵	ج ۱۲۵۲۳	عس
						ج ۱۴۵۷۱	ج ۸۵۶۹	ج ۱۴۵۷۱	ج ۲۱۵۸۳	۵۷۲	ج ۱۴۵۷۱	گل معصفر
						ج ۱۱۵۱۲۷	ج ۱۱۵۱۲۷	ج ۱۲۵۱۲۷	ج ۱۳۵۱۵۶	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۱۵۵۱۲۷	کونار
						ج ۱۲۵۵۶	ج ۲۰۵۵۴	ج ۱۲۵۵۶	ج ۵۵۶۸	ج ۱۵۵۶۹	ج ۹۵۶۹	ترکاری
						ج ۲۴۵۲۷	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۴۵۲۷	ج ۱۵۵۳۲	ج ۲۰۵۳۵	۵۲۹	کڈاں
						ج ۲۵۲۹	ج ۲۵۲۹	ج ۲۵۲۹	ج ۲۴۵۲۷	۵۳۸	ج ۵۵۳۰	سرشف
						ج ۳۵۲۰	ج ۲۲۵۷	ج ۳۵۱۵	ج ۱۹۵۱۶	ج ۱۵۵۲۴	ج ۳۵۲۰	ارزن
						ج ۱۵۵۲۵	ج ۱۵۵۲۴	ج ۸۵۲۵	ج ۲۵۲۹	۵۳۸	ج ۲۵۲۹	مشنگ
						ج ۲۵۲۹	ج ۲۵۲۹	ج ۷۵۲۸	ج ۲۱۵۳۶	ج ۲۱۵۳۶	ج ۵۵۳۰	گزر
						ج ۷۵۷۸	ج ۷۵۷۸	ج ۷۵۷۸	ج ۱۰۵۷۹	ج ۱۸۵۸۰	۵۷۸	پیاز
						ج ۲۰۵۷۸	ج ۴۵۵۸	ج ۴۵۵۸	ج ۲۰۵۵۴	ج ۲۲۵۵۵	شہلیت
						ج ۳۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۰	ج ۱۵۱۵۰	ج ۲۴۵۲۳۰	ج ۲۰۵۱۱۵	خریزہ ولایتی
						ج ۱۶۵۱۵	ج ۱۶۵۱۵	ج ۱۶۵۱۵	ج ۲۲۵۱۷	ج ۲۳۵۱۴	ج ۱۳۵۱۴	خریزہ ہندی
						ج ۱۲۵۶۱	ج ۱۵۵۷۹	زیرہ

(۳۵۴)

						ج ۲۵۱۵۰	سیاہ دانہ
						ج ۲۱۵۴۵	ج ۱۸۵۴۴	ج ۲۱۵۴۵	ج ۲۴۵۴۶	ج ۲۴۵۴۶	شالی کور
						ج ۲۱۵۸۳	ج ۲۱۵۸۳	ج ۲۱۵۸۳	ج ۱۰۵۷۹	ج ۵۵۹۷	اچوائیں

خریفہ صوبہ اولہ *

ج ۳۵۵۲۳۱	ج ۱۵۵۲۳۱	ج ۹۵۲۴۰	ج ۹۵۲۴۰	ج ۱۵۵۲۳۱	ج ۱۵۵۲۲۰	ج ۹۵۲۴۰	ج ۱۵۵۲۰۳	ج ۹۵۲۴۰	ج ۸۵۲۴۰	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۹۵۲۴۰	شکر بوندہ
ج ۳۵۱۳۱	ج ۱۵۵۱۲۷	۵۱۲۳	ج ۱۵۵۱۹۰	ج ۲۳۵۱۳۱	ج ۴۵۱۳۴	۵۱۲۳	ج ۴۵۱۳۴	۵۱۲۳	۵۱۲۶	۵۱۲۳	ج ۱۵۵۱۹۰	شکر سادہ
ج ۲۰۵۷۳	ج ۲۰۵۷۴	ج ۱۵۵۶۲	ج ۲۵۶۷	ج ۲۰۵۷۳	ج ۲۴۵۶۵	ج ۱۵۵۶۲	ج ۴۵۶۵	ج ۵۵۶۲	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۲۵۶۷	شالی مشکین
ج ۲۴۵۴۶	ج ۱۸۵۴۴	ج ۶۵۴۰	ج ۱۷۵۴۳	ج ۲۴۵۴۶	ج ۹۵۴۱	ج ۹۵۴۰	ج ۹۵۴۱	ج ۹۵۴۰	ج ۱۲۵۴۲	ج ۲۴۵۴۶	ج ۱۵۵۴۳	شالی سادہ
ج ۱۷۵۳۴	ج ۲۵۶۲	ج ۸۵۳۱	ج ۱۵۵۳۳	ج ۱۷۵۳۴	ج ۱۵۵۳۲	ج ۸۵۳۱	ج ۱۵۵۳۲	ج ۸۵۳۱	ج ۶۵۴۰	ج ۱۷۵۳۴	ج ۱۵۵۳۳	اش
ج ۲۳۵۹۳	ج ۱۷۵۹۳	ج ۱۵۵۸۹	ج ۲۱۵۸۳	ج ۲۳۵۹۳	ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۷۵۹۱	ج ۲۳۵۹۳	ج ۲۱۵۸۳	پنہ
ج ۲۳۵۲۲	ج ۱۵۵۲۴	ج ۱۵۵۲۴	ج ۱۸۵۲۵	ج ۲۳۵۲۲	ج ۱۲۵۲۳	ج ۱۵۵۲۴	ج ۱۲۵۲۳	ج ۱۵۵۲۴	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۰۵۴۱	ج ۱۸۵۳۵	موٹہ
						ج ۱۶۵۱۵	ج ۱۶۵۱۵	ج ۱۶۵۱۵	ج ۱۶۵۱۵	ج ۶۵۲۱	ج ۱۹۵۱۶	گال
						ج ۶۵۳۱	ج ۱۴۵۳۳	ج ۸۵۳۱	ج ۲۰۵۳۵	۵۳۸	ج ۸۵۳۱	توریا
						ج ۹۵۲۲	ج ۱۵۵۲۴	ج ۹۵۲۲	ج ۲۲۵۱۷	ج ۱۵۵۲۴	ج ۱۸۵۲۵	ارزن
						ج ۶۵۱۶۲	ج ۶۵۱۶۳	ج ۶۵۱۶۳	ج ۳۵۱۶۲	ج ۳۵۱۶۲	ج ۱۵۵۱۶۳	نیل
						ج ۲۰۵۶۹	ج ۱۴۵۷۱	ج ۸۵۶۹	ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۵۵۷۰	حنہ
						ج ۱۵۵۸۹	ج ۱۵۵۸۹	ج ۲۱۵۸۵	ج ۲۴۵۸۴	ج ۲۴۵۸۴	ج ۱۵۵۸۹	من
						ج ۲۱۵۸۳	ج ۱۶۵۸۲	ج ۱۸۵۸۲	ج ۵۵۸۷	ج ۵۵۴۷	ج ۲۵۷۹	ترکاری
						ج ۸۵۱۲	ج ۴۵۱۴	ج ۸۵۱۲	ج ۱۵۵۱۳	ج ۳۵۱۴	ج ۲۰۵۱۲	کچڑہ
						ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۲۱۵۲۴۴	ج ۲۱۵۲۶۰	ج ۱۴۵۲۳۰	پان
						ج ۸۵۱۱۵	ج ۸۵۱۱۵	ج ۸۵۱۱۵	ج ۸۵۱۱۵	ج ۸۵۱۱۵	ج ۸۵۱۱۵	سنگھارہ

(۳۵۵)

سرکار گوالیار سیزده محل یک دستور * سرکار نور پنج محل ، یک دستور * سرکار بیانوان ، بیست و هشت محل ، یک دستور *

۱۰ سرکار کالیبی شانزده برگنده ، یک دستور *

اولی (۳۳) * بلاس پور * بدھدینه (۳۴) * دیرابور * دیوکلی * رائه * رای پور * سکن پور * شاه پور * حویلی کالیبی * کنار * کهندوت * کهندیلہ (۳۶) * بلدا کالیبی * محمد آباد * دیرپور *

۱۱ سرکار کول چهار دستور *

تھانه فریدا و غیره ده محل ، یک دستور * تھانا فریدا * پھاسو (۳۷) * کھنڈی * مالک پور * شکار پور * ذبح * چندروس * خرجه * اھار * تھل *

حویلی کول و غیره چهار محل ، یک دستور * کول * جالی * سکندره راؤ * گنگیری *

ماره و غیره پنج محل ، یک دستور * ماره * بلرام * سوزن * بچلا و سیدھپور ۲ محل *

اکبر آباد دو محل ، یک دستور * اکبر آباد * اترولی *

۱۲ سرکار نازول چهار دستور *

حویلی نازول و غیره هشت محل * حویلی نازول با بلده * باره * کورت پوتلی * بابائی * کهندیلہ * سنگھانا * کانوری * مواضع دامن کوه *

برودہ رعنا و غیره دو محل * برودہ رعنا * لاپوتی *

چال کلانہ و غیره ، دو محل * چال کلانہ * کھوڈانا *

کانودہ و غیره ، سه محل * کانودہ * نرھو * جھوجیون (۳۸) (۳۹) *

(۱) همچنین در اکثر نسخہ * [ایوٹ] جوتوار پنجم تازی (۲) [ایوٹ] اودھی (۳) [۸] ابواسہار * و در احوال صوبہ آگرہ اود نوشته (۴) همچنین در هر نسخه * [ایوٹ] مونکر سونکھری (۵) همچنین در [ض] و [ایوٹ] * [۸] تھیکر و در احوال صوبہ آگرہ بهیکر * [ش] بهیکو * [ف] هیکو (۶) [۸] [ف] بجواره تا دوازده تپہ (۷) در [ایوٹ] و در احوال صوبہ آگرہ نیست . بحتمل که غلط باشد * [۸] روپری * [ف] دوبری * [ش] دوبری * [ض] دوی (۸) همچنین در [۸] * [ض] [توکر] * [ش] ددیکرہ [ف] رونکر (۹) همچنین در [۸] * [ض] پتاین * [ش] سائن * [ف] سائن پور (۱۰) [ض] [بیرات] * [ش] بیرات * [ف] [ف] [ش] بدھر حسن پور و گوری حسن پور (۱۲) [ض] [دبوتی] (۱۳) همچنین در [۸] * [ض] ف و در احوال صوبہ آگرہ [سوون] (۱۴) در اکثر نسخہا مندوار یا مندوار (۱۵) [۸] و غیره (۱۶) [۸] اون * [ش] اومرن * [ف] اومرن (۱۷) [ف] [ش] مندوار * [ض] [بھادور] (۱۸) [۸] [بھاندھر و پھنڈر] (۱۹) [۸] [کھکس و کھکس] (۲۰) [ایوٹ] اومری اومرا (۲۱) همچنین در هر نسخه * در [ایوٹ] نیست (۲۲) همچنین در هر نسخه * [ایوٹ] بیگوان پور (۲۳) همچنین در هر نسخه * [ایوٹ] [بھورا] (۲۴) همچنین در [ایوٹ] * [۸] مونکونا و در دیگر نسخہا مونکونا (۲۵) همچنین در هر نسخه * [ایوٹ] [کھسیرا] (۲۶) [ض] [کھور] [ف] [کھوڑا] * [ایوٹ] [کھوڑا] (۲۷) [ایوٹ] شیولی (۲۸) [ایوٹ] [سورک] * و همین املا در جلد دوم تاریخ بدوئی صفحہ ۱۱۹۲ (۲۹) [ایوٹ] [ملکونسا] (۳۰) [ایوٹ] [مکت] (۳۱) [۸] [بھوگانو] * [ایوٹ] [بھوگانو] (۳۲) همچنین در هر نسخه * [ایوٹ] [بھوگانو] (۳۳) [ایوٹ] [اورٹی] (۳۴) همچنین در هر نسخه * [ایوٹ] [بھدھیک] (۳۵) [ایوٹ] [سورگ پور] (۳۶) [ایوٹ] [کھریلہ] (۳۷) همچنین در [۸] در احوال صوبہ آگرہ * [۸] [کنھانی] * [ض] [دھانی] [ایوٹ] [دھانی] (۳۸) [۸] [نرھو] (۳۹) [ض] [چوچھون] *

* ربعی صوبہ دار الخلافت آگرہ *

حویلی آگرہ	اتارہ	حویلی بیانہ	مندانور	الور	بچھره	مبارکپور	اثرج	نچھره	کھوار کانھانہ	بیسرو	سہار	پھاری	نوبھڑہ	قنوج
گندم	ج ۲۵ ۶۷	ج ۹ ۵	ج ۲۵ ۶۷	ج ۲۵ ۶۷	ج ۲۱ ۶۴	ج ۱۰ ۶۳	ج ۱۷ ۶۳	ج ۲۱ ۶۳	ج ۲۵ ۶۷	ج ۲۵ ۶۷	ج ۲۵ ۶۷	ج ۲۵ ۶۷	ج ۲۵ ۶۷	ج ۲۱ ۶۷
نخود کالیبی	ج ۹ ۵ ۶۷	ج ۲۳ ۵۵
نخود ہندی	ج ۱۸ ۴۴	ج ۲۰ ۳۵	ج ۱۲ ۴۲	ج ۱۲ ۴۰	ج ۲۳ ۳۶	ج ۲۰ ۳۵	ج ۱۷ ۳۳	ج ۲۳ ۳۶	ج ۲۵ ۳۶	ج ۲۳ ۳۶	ج ۲۳ ۳۶	ج ۲۳ ۳۶	ج ۲۳ ۳۶	ج ۱۵ ۳۷
جو	ج ۵ ۵ ۴۹	ج ۶ ۵ ۴۰	ج ۱۷ ۳۴	ج ۱۸ ۳۴	ج ۱۸ ۳۴	ج ۱۲ ۳۲	ج ۱۲ ۳۱	ج ۱۲ ۳۱	ج ۱۷ ۳۳	ج ۱۲ ۳۲	ج ۱۲ ۳۲	ج ۱۲ ۳۲	ج ۱۲ ۳۲	ج ۱۷ ۳۴
عس	ج ۲ ۵ ۲۹	ج ۱۷ ۲۵	ج ۱۷ ۲۹	ج ۲۱ ۲۶	ج ۲۱ ۲۶	ج ۲۱ ۲۶	ج ۲۱ ۲۶	ج ۲۱ ۲۶	ج ۲۱ ۲۶	ج ۲۱ ۲۶	ج ۲۱ ۲۶	ج ۲۱ ۲۶	ج ۲۱ ۲۶	ج ۱۷ ۲۵
نخیم معصفر	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۵ ۱۲۰	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷
کونکار	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۲۰ ۵ ۱۲۰	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷	ج ۱۱ ۵ ۱۲۷
نرکاری	ج ۲ ۵ ۶۷	ج ۴ ۵ ۵۸	ج ۱۲ ۵ ۶۱	ج ۱۵ ۶۰	ج ۷ ۵ ۵۹	ج ۷ ۵ ۵۹	ج ۲۳ ۵۵	ج ۷ ۵ ۵۹	ج ۷ ۵ ۵۹	ج ۷ ۵ ۵۹	ج ۷ ۵ ۵۹	ج ۷ ۵ ۵۹	ج ۷ ۵ ۵۹	ج ۱۲ ۵ ۶۱
سروش	ج ۱۴ ۵ ۳۱	ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۱۴ ۵ ۳۱	ج ۱۴ ۵ ۳۱	ج ۱۴ ۵ ۳۱	ج ۱۴ ۵ ۳۱	ج ۱۱ ۵ ۳۲	ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۱۴ ۵ ۳۱	ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۱۴ ۵ ۳۱
ارزن	ج ۱۵ ۵ ۲۴	ج ۳ ۵ ۲۳	ج ۳ ۵ ۲۰	ج ۶ ۵ ۲۱	ج ۹ ۵ ۲۲	ج ۹ ۵ ۲۲	ج ۳ ۵ ۲۳	ج ۹ ۵ ۲۲	ج ۹ ۵ ۲۲	ج ۹ ۵ ۲۲	ج ۹ ۵ ۲۲	ج ۹ ۵ ۲۲	ج ۹ ۵ ۲۲	ج ۹ ۵ ۲۲
مشنگ	ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۲ ۵ ۲۹	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۱ ۵ ۳۲	ج ۱۱ ۵ ۳۲	ج ۲۰ ۵ ۳۱	ج ۲ ۵ ۲۹	ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۱۱ ۵ ۳۲	ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۲ ۵ ۲۹
گزر	ج ۲ ۵ ۲۹	ج ۲ ۵ ۲۹	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۲ ۵ ۲۹	ج ۲ ۵ ۲۹	ج ۱۸ ۵ ۲۵	ج ۲۱ ۵ ۲۶	ج ۲۱ ۵ ۲۶	ج ۱۸ ۵ ۲۵	ج ۲۱ ۵ ۲۶	ج ۲۱ ۵ ۲۶	ج ۲۱ ۵ ۲۶	ج ۲۱ ۵ ۲۶	ج ۲۱ ۵ ۲۶
پیاز	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۱۲ ۵ ۸۰	ج ۱۱ ۵ ۸۰	ج ۱۸ ۵ ۸۰	ج ۱۷ ۵ ۸۲	ج ۱۶ ۵ ۸۱	ج ۱۶ ۵ ۸۱	ج ۱۶ ۵ ۸۱	ج ۱۶ ۵ ۸۱	ج ۲۵ ۸۰	ج ۱۶ ۵ ۸۱	ج ۱۶ ۵ ۸۱	ج ۱۶ ۵ ۸۱	ج ۱۸ ۵ ۸۲
شملیت	ج ۱۸ ۵ ۴۴	ج ۸ ۵ ۵۰	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۸ ۵ ۵۰	ج ۲۹ ۵ ۵۵	ج ۲۴ ۵ ۸۳	ج ۱۶ ۵ ۸۱	ج ۲۴ ۵ ۸۳	ج ۱۸ ۵ ۸۲
خریدہ ولایتی	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱	ج ۱۷ ۵ ۸۷	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱	ج ۲۰ ۵ ۱۱۱
خریدہ ہندی	ج ۱۱ ۵ ۱۵	ج ۱۳ ۵ ۱۴	ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۱۳ ۵ ۱۴
زردہ	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۲۱ ۵ ۸۳	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۱۷ ۵ ۸۲	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۲۴ ۵ ۸۴
شالی کور	ج ۲۳ ۵ ۵۵	ج ۵ ۵ ۳۹	ج ۷ ۵ ۷۸	ج ۱۱ ۵ ۵۱	ج ۱۱ ۵ ۵۱	ج ۱۷ ۵ ۵۳	ج ۱۱ ۵ ۵۱	ج ۸ ۵ ۵۰	ج ۱۷ ۵ ۵۳	ج ۱۱ ۵ ۵۱	ج ۱۷ ۵ ۵۳	ج ۱۷ ۵ ۵۳	ج ۱۷ ۵ ۵۳	ج ۲۳ ۵ ۵۵
جوابین	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۲۱ ۵ ۸۳	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۱۷ ۵ ۸۲	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۲۴ ۵ ۸۴	ج ۲۱ ۵ ۸۳

کشان ۵ یا ۵ دانہ

خريفی صوبہ آگرہ *

.....	۵۲۱۷	ج ۱۵۵۲۲	۵۲۱۷	ج ۱۸۵۲۱۸	۵۲۱۷	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	۵۲۰۵	ج ۱۸۵۲۰۰	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۸۵۲۳۱	ج ۶۵۲۳۱	شکر پونڈہ
ج ۲۳۵۱۳۱	ج ۴۵۱۳۴	ج ۶۵۱۲۵	ج ۶۵۱۳۸	ج ۱۶۵۱۳۸	ج ۴۵۱۳۴	ج ۶۵۱۸۵	ج ۳۵۱۷۳	ج ۱۱۵۱۲۰	ج ۶۵۱۲۵	ج ۴۵۱۳۴	ج ۴۵۱۳۴	ج ۱۷۵۱۳۸	ج ۴۵۱۳۴	ج ۱۱۵۱۳۷	شکر سادہ
ج ۲۰۵۷۳	ج ۱۴۵۷۱	ج ۷۵۷۸	ج ۱۵۷۶	۵۷۶	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۵۷۸	ج ۲۵۷۶	۵۷۶	ج ۷۵۷۸	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۷۵۸۲	ج ۹۵۶۰	ج ۲۰۵۸۴	شالہ مشکین
ج ۲۴۵۲۶	ج ۱۷۵۶۳	ج ۱۸۵۶۳	ج ۵۵۸	ج ۴۵۵۸	ج ۱۷۵۶۳	ج ۱۸۵۶۳	ج ۴۵۵۸	ج ۱۷۵۶۳	ج ۱۸۵۶۳	ج ۱۷۵۶۳	ج ۱۸۵۶۳	ج ۴۵۵۸	ج ۱۷۵۶۳	ج ۹۵۶	شالہ سادہ
.....	آل
ج ۱۷۵۳۳	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۳۵۳۶	ج ۲۳۵۳۶	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۰۵۳۵	ج ۱۹۵۳۵	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۰۵۳۵	ج ۱۹۵۳۵	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۰۵۳۵	ج ۳۸	ج ۱۷۵۳۳	ماش
ج ۲۳۵۹۳	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۱۵۸۹	۵۹	ج ۱۵۹۵	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۷۵۹۱	ج ۱۵۵۹۱	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۵۵۸۹	ج ۵۵۷	پنبہ
ج ۲۳۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۲۵۲۹	موٹہ
ج ۱۹۵۱۵	ج ۱۹۵۱۶	ج ۱۹۵۱۶	ج ۱۶۵۱۵	ج ۱۶۵۱۵	ج ۱۹۵۱۶	ج ۱۹۵۱۶	ج ۱۹۵۱۶	ج ۱۹۵۱۶	ج ۱۹۵۱۶	ج ۱۹۵۱۶	ج ۱۹۵۱۶	ج ۲۲۵۱۷	ج ۱۳۵۱۴	ج ۳۵۲۰	گال
ج ۱۷۵۳۴	ج ۳۵۳۹	۵۳۸	ج ۱۳۵۴۲	ج ۱۲۵۴۲	ج ۳۵۳۹	۵۳۸	۵۳۸	ج ۲۰۵۳۵	۵۳۸	ج ۳۵۳۹	ج ۳۵۳۹	ج ۶۵۴۰	ج ۱۷۵۳۴	ج ۱۲۵۴۰	نوریا
ج ۲۱۵۲۶	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۳۵۲۳	ج ۱۲۵۲۳	ج ۱۲۵۲۳	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۲۵۲۳	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۲۵۲۳	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۱۵۵۲۲	ج ۲۵۲۹	ارزن
ج ۱۵۱۶۳	۵۱۶۱	۵۱۶۱	۵۱۶۳	ج ۶۵۱۶۳	ج ۱۶۱	۵۱۶۱	۵۱۶۳	ج ۱۸۵۱۵۹	۵۱۶۱	۵۱۶۱	۵۱۶۱	ج ۱۹۵۱۵۸	ج ۲۲۵۱۵۹	ج ۱۳۵۱۵۹	نیل
ج ۱۵۷۶	ج ۷۵۷۸	ج ۷۵۷۸	ج ۷۵۷۸	ج ۷۵۷۸	ج ۷۵۷۸	۵۷۸	ج ۸۵۷۹	ج ۷۵۷۸	ج ۷۵۷۸	ج ۷۵۷۸	ج ۷۵۷۸	ج ۲۵۷۶	ج ۷۵۷۸	ج ۷۵۷۰	حنا
ج ۲۴۵۸۴	ج ۱۱۵۷۹	ج ۸۵۸۸	ج ۸۵۸۸	ج ۸۵۸۸	ج ۱۱۵۸۹	ج ۸۵۸۸	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۱۵۸۹	ج ۲۰۵۸۸	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۱۵۸۹	ج ۲۳۵۹۳	من
ج ۷۵۷۸	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۷۵۷۲	ج ۷۵۷۸	ج ۷۵۷۸	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۷۵۷۲	ج ۲۳۵۷۳	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۷۵۷۲	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۲۵۸۰	ترکاری
ج ۵۵۱۱	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۱۵۱۳	ج ۷۵۱۲	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۱۵۱۳	ج ۵۵۱۵	ج ۸۵۱۲	ج ۱۵۵۱۳	کچڑ
ج ۲۰۵۲۶۸	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	۵۲۶۸	۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۱۵۵۲۲۳	ج ۲۰۵۲۲۳	پان
ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۱۵۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۲۰۵۱۱۵	سنگھارہ
.....	ج ۲۴۵۲۷	ج ۵۵۳۰	ج ۱۴۵۳۳	ج ۱۴۵۳۳	ج ۲۴۵۲۷	ج ۵۵۳۰	ج ۱۴۵۳۳	ج ۸۵۳۱	ج ۵۵۳۲	ج ۲۴۵۲۷	ج ۲۴۵۲۷	۵۳۸	ج ۱۵۵۳۰	ج ۸۵۳۱	لوبیا
ج ۱۵۵۳۲	ج ۱۵۵۳۲	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۳۵۳۶	ج ۲۳۵۳۶	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۰۵۳۵	ج ۷۵۳۸	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۰۵۳۵	ج ۶۵۴۰	ج ۶۵۴۰	ج ۱۸۵۴۴	جولہ

(۳۶۰)

.....	ج ۱۵۵۱۳	ج ۸۵۱۲	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۲	ج ۱۵۵۱۳	ج ۸۵۱۲	ج ۱۵۵۱۳	ج ۸۵۱۲	ج ۸۵۱۲	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	کڑی
ج ۱۸۵۲۵	۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۱۵۵۲۶	ج ۸۵۳۱	ج ۸۵۳۱	لہڈرہ
ج ۸۵۳۱	ج ۲۰۵۳۵	ج ۱۷۵۳۴	ج ۱۴۵۳۳	ج ۱۴۵۳۳	ج ۲۰۵۳۵	ج ۱۷۵۳۴	ج ۲۴۵۲۷	ج ۱۴۵۳۳	ج ۱۷۵۳۴	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۰۵۳۵	ج ۸۵۳۱	ج ۲۴۵۲۷	ج ۸۵۳۱	ج ۸۵۳۱	کودرم
ج ۲۵۲۹	ج ۲۴۵۲۷	ج ۲۱۵۲۶	ج ۱۰۵۲۷	ج ۱۰۵۲۷	ج ۲۴۵۲۷	۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۱۷۵۲۵	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۴۵۲۷	ج ۲۴۵۲۷	ج ۸۵۳۱	ج ۸۵۳۱	منڈوہ
ج ۱۷۵۳۴	ج ۱۸۵۳۴	ج ۱۵۵۳۹	ج ۵۵۳۹	ج ۷۵۳۹	ج ۱۸۵۳۹	ج ۹۵۳۹	ج ۲۴۵۳۶	ج ۱۸۵۳۴	ج ۱۷۵۳۴	ج ۱۷۵۳۴	ج ۱۸۵۳۴	ج ۱۷۵۳۴	ج ۶۵۶۰	ج ۱۸۵۳۴	ج ۱۸۵۳۴	کنچد
ج ۱۰۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	ج ۸۵۱۲	ج ۸۵۱۲	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	ج ۵۵۱۵	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	ج ۸۵۱۲	ج ۱۷۵۱۵	ج ۱۷۵۱۵	شماخ
ج ۹۵۴۱	۵۳۸	ج ۲۳۵۳۶	ج ۶۵۴۰	ج ۶۵۴۰	۵۳۸	ج ۲۳۵۳۶	ج ۶۵۴۰	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۳۵۳۶	۵۳۸	۵۳۸	ج ۱۷۵۳۴	ج ۲۴۵۳۶	ج ۲۴۵۳۶	ج ۲۴۵۳۶	مونگ

شالی مولجی زردک ترنڈی ولایتی ارہر زرد چوہہ کلت

تمہ ربیعی صوبہ آگرہ *

چال کالانہ	برودہ رعنا	نارنول	مارہرا	اکبر آباد	تھانہ فرنہا	کول	کالپی	گوالیار وغیرہ	پہپوند	سکندر پور	بھوگانو	سکیتہ	
ج ۱۲۵۶۱	ج ۱۸۵۶۳	ج ۱۵۵۶۲	ج ۹۵۶۰	ج ۱۸۵۶۳	ج ۴۵۵۸	ج ۹۵۶۳	ج ۱۸۵۶۳	ج ۸۵۶۹	ج ۱۸۵۶۳	ج ۹۵۶۰	ج ۴۵۵۸	ج ۲۱۵۶۴	گندم
.....	ج ۲۳۵۵۵	ج ۲۳۵۵۵	نخود کابی
ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۰۵۳۵	ج ۲۲۵۳۶	۵۳۸	ج ۲۰۵۳۵	ج ۱۷۵۳۴	ج ۲۰۵۳۵	ج ۱۷۵۳۴	ج ۱۲۵۴۲	ج ۱۷۵۳۴	۵۳۸	ج ۱۴۵۳۳	ج ۳۵۳۹	نخود دندی
ج ۹۵۴۱	ج ۹۵۴۱	ج ۶۵۴۱	ج ۶۵۴۰	ج ۱۲۵۴۰	۵۳۸	ج ۹۵۴۰	ج ۶۵۴۰	ج ۶۵۴۰	ج ۶۵۴۰	ج ۶۵۴۰	۵۳۸	ج ۱۲۵۴۰	جو
ج ۱۵۵۲۴	ج ۱۵۵۲۳	ج ۱۵۵۲۴	ج ۱۵۵۲۴	ج ۱۵۵۲۴	ج ۹۵۲۲	ج ۲۱۵۲۶	ج ۱۵۵۲۴	ج ۲۵۲۰	ج ۱۵۵۲۴	ج ۱۵۵۲۴	ج ۱۵۵۲۴	ج ۲۱۵۲۶	عدس
ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۷۵۷۲	ج ۲۳۵۷۳	ج ۱۴۵۷۱	ج ۲۱۵۸۳	ج ۱۴۵۷۱	ج ۱۷۵۷۲	ج ۸۵۶۹	ج ۱۷۵۷۲	ج ۲۳۵۷۳	ج ۲۰۵۷۳	ج ۲۰۵۷۳	گل معصفر
۵۱۲۳	ج ۱۵۵۱۲۷	ج ۱۷۵۱۱۹	ج ۱۲۵۱۲۸	۵۱۲۳	ج ۹۵۱۴۵	۵۱۲۳	ج ۱۵۵۱۲۷	ج ۱۵۵۲۷	ج ۱۵۵۱۲۷	ج ۱۵۵۱۲۷	ج ۱۵۵۱۲۷	ج ۱۵۵۱۲۷	کوکدار
ج ۹۵۶۰	ج ۹۵۶۰	ج ۴۵۶۵	ج ۴۵۵۸	ج ۲۵۶۳	ج ۲۱۵۶۴	ج ۴۵۵۸	ج ۲۳۵۵۰	ج ۹۵۶۰	ج ۲۳۵۵۵	ج ۴۵۵۷	ج ۴۵۵۷	ج ۹۵۶۰	ترکاری
ج ۸۵۳۱	ج ۸۵۳۱	ج ۲۵۳۷	ج ۱۵۵۳۰	ج ۲۵۲۹	ج ۵۵۳۰	ج ۲۵۲۹	ج ۱۵۵۳۲	ج ۱۴۵۳۳	ج ۱۵۵۳۰	ج ۱۵۵۳۰	ج ۵۵۳۰	ج ۱۵۵۳۲	سروش
ج ۳۵۲۰	ج ۹۵۲۲	ج ۹۵۲۰	ج ۶۵۲۱	ج ۹۵۲۲	۵۱۹	ج ۹۵۲۰	ج ۳۵۲۰	ج ۱۲۵۱۶	ج ۳۵۲۰	ج ۶۵۲۱	ج ۳۵۲۰	ج ۶۵۲۱	ارزن

(۳۶۱)

مشنگ	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۹۵ ۲۰	ج ۸۵ ۳۱	ج ۹۵ ۲۲	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۳ ۵۲۷	ج ۲۱ ۵۲۹	ج ۲۱ ۵۲۶
گذر	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹
پداز	ج ۵ ۵۸۷	ج ۱۸۵ ۸۰	ج ۵ ۵۸۷	ج ۱۸۵ ۸۲	ج ۲۴۵ ۸۴	ج ۱۸۵ ۸۲	ج ۲۴۵ ۸۴	ج ۱۸۵ ۸۲	ج ۱۸۵ ۸۲	ج ۲۴۵ ۸۴	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹
شمايت	ج ۱۵۵ ۸۹	ج ۱۵۵ ۸۹
خوبزه ولايتي	ج ۱۹ ۵۱۰	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۱۴ ۵۱۰	ج ۱۴ ۵۱۰	ج ۱۴ ۵۱۰	ج ۱۴ ۵۱۰	ج ۱۴ ۵۱۰	ج ۲۰ ۵۱۱
خوبزه هندی	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵	ج ۱۶۵ ۱۵
زرد	ج ۲۴۵ ۸۴	ج ۱۸۵ ۸۲	ج ۵ ۵۸۷	ج ۱۸۵ ۸۲	ج ۱۴۵ ۸۴	ج ۱۴۵ ۸۴	ج ۱۸۵ ۸۲	ج ۱۴۵ ۸۴	ج ۱۴۵ ۸۴
شالی کور	ج ۱۵۵ ۵۱	ج ۱۵۵ ۵۱	ج ۸۵ ۵۰	ج ۷۵ ۵۹	ج ۲۰ ۵۵۰	ج ۵ ۵۴۱	ج ۲۳ ۵۵۹	ج ۱۷ ۵۵۳	ج ۲۰ ۵۴۶	ج ۲۰ ۵۴۶	ج ۲۰ ۵۴۶	ج ۲۰ ۵۴۶
اجواين	ج ۲۴۵ ۸۴	ج ۱۸۵ ۸۰	ج ۵ ۵۸۷	ج ۲۰ ۵۸۲	ج ۲۰ ۵۸۲	ج ۲۰ ۵۸۲	ج ۲۰ ۵۸۲	ج ۲۰ ۵۸۲	ج ۲۰ ۵۸۲	ج ۲۰ ۵۸۲	ج ۲۰ ۵۸۲	ج ۲۰ ۵۸۲	ج ۲۰ ۵۸۲	ج ۲۰ ۵۸۲

ک ان سيال دانه • نرخهاي برگذنه کانونه در نسخها موجود نيست ||

تسه خرفني صوبه اگزه *

نیشکر پوند	ج ۵ ۵۲۳	ج ۱۵۵ ۲۲۳	ج ۶۵ ۲۳۹	ج ۱۸۵ ۲۲۳	ج ۲۰ ۲۱۹	ج ۱۵۵ ۲۲۳	ج ۲۲ ۵۲۱	ج ۱۵۵ ۲۲۳	ج ۱۵۵ ۲۲۳
نیشکر ساده	ج ۱۶ ۵۱۳۸	ج ۳ ۵۱۴۶	ج ۱۶ ۵۱۴۷	ج ۳ ۵۱۴۳	ج ۱۵۵ ۱۴۷	ج ۱۴۳	ج ۱۴۵ ۱۳۴	ج ۱۴۵ ۱۳۴	ج ۱۴۵ ۱۳۴	ج ۱۴۵ ۱۳۴	ج ۱۴۵ ۱۳۴	ج ۱۴۵ ۱۳۴	ج ۱۴۵ ۱۳۴	ج ۱۴۵ ۱۳۴
شالی مشکين	ج ۱۴ ۵۷۰	ج ۷ ۵۵۹	ج ۱۴۵ ۷۱	ج ۲ ۵۶۷	ج ۱۲۵ ۸۰	ج ۲ ۵۶۷	ج ۲۱ ۵۶۷	ج ۲۱ ۵۶۷	ج ۲۱ ۵۶۷	ج ۲۱ ۵۶۷	ج ۲۱ ۵۶۷	ج ۲۱ ۵۶۷	ج ۲۱ ۵۶۷	ج ۲۱ ۵۶۷
شالی ساده	ج ۵ ۵۴۰	ج ۱۸۵ ۴۴	ج ۵ ۵۴۹	ج ۲۴۵ ۴۶	ج ۲۰ ۵۵۵	ج ۲۴۵ ۴۶	ج ۲۴۵ ۴۶	ج ۲۴۵ ۴۶	ج ۲۴۵ ۴۶	ج ۲۴۵ ۴۶	ج ۲۴۵ ۴۶	ج ۲۴۵ ۴۶	ج ۲۴۵ ۴۶	ج ۲۴۵ ۴۶
آل
ماش	ج ۲۰ ۵۳۵	ج ۱۷ ۵۳۴	ج ۱۷ ۵۳۴	ج ۱۷ ۵۳۴	ج ۱۷ ۵۳۴	ج ۱۷ ۵۳۴	ج ۱۷ ۵۳۴	ج ۱۷ ۵۳۴	ج ۱۷ ۵۳۴	ج ۱۷ ۵۳۴	ج ۱۷ ۵۳۴	ج ۱۷ ۵۳۴	ج ۱۷ ۵۳۴	ج ۱۷ ۵۳۴
پنبه	ج ۲۳ ۵۹۳	ج ۲۴۵ ۸۴	ج ۲۳ ۵۹۳	ج ۱۷ ۵۹۱	ج ۵ ۵۸۷	ج ۱۷ ۵۹۱	ج ۱۷ ۵۹۱	ج ۱۷ ۵۹۱	ج ۱۷ ۵۹۱	ج ۱۷ ۵۹۱	ج ۱۷ ۵۹۱	ج ۱۷ ۵۹۱	ج ۱۷ ۵۹۱	ج ۱۷ ۵۹۱
موته	ج ۱۸۵ ۴۵	ج ۱۸۵ ۴۲	ج ۱۸۵ ۴۲	ج ۱۸۵ ۴۲	ج ۱۸۵ ۴۲	ج ۱۸۵ ۴۲	ج ۱۸۵ ۴۲	ج ۱۸۵ ۴۲	ج ۱۸۵ ۴۲	ج ۱۸۵ ۴۲	ج ۱۸۵ ۴۲	ج ۱۸۵ ۴۲	ج ۱۸۵ ۴۲	ج ۱۸۵ ۴۲
کال	ج ۱۹ ۵۱۶	ج ۱۶۵ ۴۵	ج ۱۶۵ ۴۵	ج ۱۶۵ ۴۵	ج ۱۶۵ ۴۵	ج ۱۶۵ ۴۵	ج ۱۶۵ ۴۵	ج ۱۶۵ ۴۵	ج ۱۶۵ ۴۵	ج ۱۶۵ ۴۵	ج ۱۶۵ ۴۵	ج ۱۶۵ ۴۵	ج ۱۶۵ ۴۵	ج ۱۶۵ ۴۵

توربا	ج ۱۷۵ ۳۴	ج ۲۰ ۵۳۵	ج ۸۵ ۴۰
ارزن	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۶ ۵۴۱	ج ۱۲۵ ۲۳	ج ۶ ۵۴۰	ج ۲۴۵ ۲۷	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۱۵۵ ۲۴	ج ۱۵۵ ۲۴
نیل	ج ۳۵ ۱۶۰	ج ۱۹ ۵۱۵۸
حنه
سن	ج ۱۱ ۵۸۲	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸
ترکاري	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸
کچره	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۸۵ ۱۲	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳
پان
سنگهارة
لوبيا	ج ۵ ۵۳۰	ج ۲۴۵ ۲۷	ج ۸۵ ۱۳۱	ج ۱۷ ۵۳۳	ج ۸۵ ۳۱	ج ۸۵ ۳۱	ج ۸۵ ۳۱	ج ۸۵ ۳۱	ج ۸۵ ۳۱	ج ۸۵ ۳۱	ج ۸۵ ۳۱	ج ۸۵ ۳۱	ج ۸۵ ۳۱	ج ۸۵ ۳۱
جوارى	ج ۳ ۵۳۹	ج ۲۰ ۵۳۵	ج ۳ ۵۳۹	ج ۳ ۵۳۹	ج ۳ ۵۳۹	ج ۳ ۵۳۹	ج ۳ ۵۳۹	ج ۳ ۵۳۹	ج ۳ ۵۳۹	ج ۳ ۵۳۹	ج ۳ ۵۳۹	ج ۳ ۵۳۹	ج ۳ ۵۳۹	ج ۳ ۵۳۹
کورى
له‌زرد	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۵ ۵۲۴	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶
کودر	ج ۵ ۵۳۰	ج ۲۴۵ ۲۷	ج ۵ ۵۳۰	ج ۲۴۵ ۲۷	ج ۸۵ ۳۱	ج ۲۴۵ ۲۷	ج ۲۴۵ ۲۷	ج ۲۴۵ ۲۷	ج ۲۴۵ ۲۷	ج ۲۴۵ ۲۷	ج ۲۴۵ ۲۷	ج ۲۴۵ ۲۷	ج ۲۴۵ ۲۷	ج ۲۴۵ ۲۷
منذره	ج ۵ ۵۳۰	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶
شماخ	ج ۱۸۵ ۴۵	ج ۸۵ ۱۲	ج ۱۱ ۵۲۴	ج ۵ ۵۱۱
مشنگ	ج ۶ ۵۴۹	ج ۲۴۵ ۲۶	ج ۵ ۵۴۹	ج ۶ ۵۴۰
زرد چوبه	ج ۱۱ ۵۸۹

شالی مویجی زردک تریزه ولایتی ارهر کلمچد نلت • این جدول موافق [۸] است ||

صوبه اجمیر مشتمل بر هفت سرکار * نه دستور العمل دارن *

۱ سرکار اجمیر، دو دستور *

حوبلی اجمیر و غیره بیست و چهار پرگنه - یک دستور *
 حوبلی اجمیر با بلده ۲ محل * آران * پریت * بهانی * بهارنه * پال * باهل * باندھن * سدھری * بهرنڈا * توسینا * جونیئر * دیوگنڈو * روشن پور * ساندر *
 سرور * سٹیلا * سلیمان آباد * کیکی * کھیرو * ماهرورت * مسعود آباد * نراینه * هرسور *
 انبیر و غیره چهار پرگنه یک دستور * انبیر * بهکوی * جهاگ * موزآباد *

۲ سرکار جونیئر، بیست و یک پرگنه - یک دستور *

حوبلی جونیئر با بلده * آسپ * ایندراوٹی * بنوڈھی * پاپاره * بیلار * پالی و غیره ۳ محل * باهله * پٹنه * بهادران * حینارن * دونارا * سوچیت * سائل میر *
 سیوانا * کھیروا * کھیون سر * کوندوج * مپیوه *

۳ سرکار جونیئر، بیست و هشت پرگنه - یک دستور *

حوبلی جونیئر با بلده ۲ محل * اسلام پور عرف رام پور * اودی پور و غیره ۳ محل * ابرمال * ارتود * اسلام پور عرف موهن * بونھنور * بهولیا * بنهڈرا * پور * بهین سرور *
 باگور * بیگن * پتی حاجی پور * جیون * سانور کھاتی * ساندری * سمیل با مززع * کوسیانہ * مانندل گڈه * مانندل * مداریا * نیمچ و غیره ۳ محل *

۴ سرکار رتندهور چهار دستور *

رتندهور و غیره چهل و شش پرگنه - یک دستور * حوبلی رتندهور * آلی پور * اٹاڈا * آنون * اسلام پور * ایوان * بوسامیر * برده * بدلان * بکلاڈت * پلانیه * بهوسور * بیدانه *
 بالا کھیری * بهیری پھاری * باران * نل * جیت پور * جھاین * خلجی پور * دھری * سنساری * کوتا * کھنڈار * کھانولی * کڈارڈ * لاکھری * لونڈه * لہارن *
 مانگرور * مومیدانه و غیره ۱۶ محل *

چانسو و غیره شانزده پرگنه - یک دستور * چانسو * برور * ارنیارا * پائن * بنهڈا * سارسوب * بولی * بیجری * کھرنی * نراھی * جھلاره * کھنڈه * سوی سوپر * ملارنه *
 کور * بوندی *

دیلهواره و غیره هفت پرگنه - یک دستور * دیلهواره * ریواندهنه * نگر * اندروه * دیلانہ * امکھوره * لوهرواره *

تودا و غیره سه پرگنه - یک دستور * تودا * تونک * توری *

۵ سرکار ناگور، سی پرگنه - یک دستور *

حوبلی ناگور * امر سرناین * ایندانه * بهدانه * بکدر * باترڈھا * برود * باره گاین * چایل * چارڈه * چاکرڈه * خارج کھنڈو * دیندرانہ * دن پور * ریواسا * رن * رسول پور *
 رھوت * سادیلہ * فتحپور * کاسلی * کایله * کرجور * گولیور * کمھاری * گڈن * لادن * میرنه * مذوهرنگر * تودکا *

۶ و ۷ سرکار سرهیی و سرکار بیکانیر، دستور العمل این دو سرکار مشخص نیست *

(۱) [ک] پریت * [ف] ۱ پهریت * (۲) [ف] پهنای * (۳) [ض] سیدری * (۴) همچنین در [ک] * [ش] ف [بهرنڈا] * (۵) همچنین در [ک] * و در تورتین
 گزیر * و در نسخها چونیور یا جونیور یا جونیور نوشته * (۶) [ک] کھرده بدال * (۷) [ف] ۱ بهاکوشی * (۸) همچنین در [ش] و در احوال صوبه اجمیر *
 [ک] ایندراولی * [ف] ۱ ایندراولی * [ک] ارنندروٹی * (۹) [ض] و در احوال صوبه اجمیر بهودھی * [ک] بهولیا * (۱۰) همچنین در [ک] * [ف] ۱ تودهیه *
 (۱۱) [ض] د [ج] پور * (۱۲) [ض] بودهور * (۱۳) [ک] بنهڈرا * [ک] در احوال صوبه اجمیر پنیرا * [ک] پنیرا * [ف] بهنیرا * [۱] بهنیرا * (۱۴) همچنین در [ض] *
 [ک] بلی حاجی پور * [ک] در احوال صوبه اجمیر برسلی * [ف] ۱ بیس * [ک] بیسی * (۱۵) [ف] ۱ جیپور * (۱۶) [ک] کھانی بان * (۱۷) [ف] ۱ تمپل * (۱۸) همچنین در
 [ک] و در فرهنگ جهانگیری * در دیگر نسخها رتندهور یا رتندهور * (۱۹) همچنین در [ک] * [ش] بوسامی * (۲۰) [ض] بهدلان بغیر نون غنه * [ش] بهدلانه * [ف] ۱
 بهدلان * (۲۱) [ک] پکلانت * (۲۲) [ض] ف [ک] کھیری * (۲۳) [ض] ف [ک] سنساری * (۲۴) [ض] کھانوی * [ک] کھانولی * در تورتین گزیر نوشته که کتوبی
 قصه ایست در کوتا * و همچنین در نقشها * (۲۵) [ک] در احوال صوبه اجمیر کڈارڈ * (۲۶) [ش] لاکھیری * (۲۷) [ف] ۱ لپور * (۲۸) [ف] مومندانه [ش] مومیدانه *
 (۲۹) همچنین در [ض] * در دیگر نسخها ۶ نقط * (۳۰) [ض] کھرنی بنای فوقانی * (۳۱) [ض] نواہی * (۳۲) همچنین در [ک] * [ض] کھیکور و کھیکوره * [۱]
 کنکری * [ش] کیلہری * [ف] کھکری * [د] کھکری * (۳۳) [ف] لونڈی * [ش] لونڈی * [ک] در احوال صوبه اجمیر پوندی بیای فارسی * (۳۴) [ک] مکز * و در احوال
 صوبه اجمیر بکڑه * [ف] فکر * (۳۵) [ش] ف [ک] ایلانہ * (۳۶) [ض] انکھوره * (۳۷) همچنین در [ک] و در نقشها * [ض] ک د ف و در احوال صوبه اجمیر [تور] *
 (۳۸) [ش] ف [ک] بهلانہ * (۳۹) [ض] در احوال صوبه اجمیر و ش ف [ک] بلو بلام * (۴۰) [ض] در احوال صوبه اجمیر چایل بیا * [ک] چاگل * (۴۱) [ف] ۱ چاکره *
 (۴۲) در چند نسخه دیدوانه بغیر نون غنه * (۴۳) [ک] جیپور * و در صفحہ ۲۰۷ جیپور گذشت * (۴۴) [ف] ۱ کولسود * (۴۵) در چند نسخه مکاری * [ف] ۱
 نکساری * [ش] نکھاری * (۴۶) [ک] کھرن * [ض] در احوال صوبه اجمیر کھرن * [ک] در احوال صوبه اجمیر کرن * (۴۷) [ش] لونکا بلام * [ف] ۱ نواکا *

ربيعي صوبہ اجمير *								
پرگنہ ناگور و غیرہ	پرگنہ تودہ و غیرہ	پرگنہ دیلموارہ و غیرہ	پرگنہ چانسو و غیرہ	پرگنہ رنندہور و غیرہ	پرگنہ چنور و غیرہ	پرگنہ جودھپور و غیرہ	پرگنہ الہپور و غیرہ	حوالی اجمير و غیرہ
ج ۱۶۵۱۰۰	ج ۲۴۵۱۴۶	ج ۲۵۵۶۷	ج ۱۸۵۵۳	ج ۲۳۵۵۵	ج ۲۳۵۵۵	ج ۱۶۵۱۰۰	ج ۸۵۳۱	ج ۵۵۴۹
ج ۲۳۵۵۵	ج ۲۴۵۲۷	ج ۱۲۵۴۲	۵۳۸	ج ۸۵۳۱	ج ۸۵۳۱	ج ۲۳۵۵۵	ج ۳۵۲۰	ج ۱۴۵۳۳
ج ۲۵۵۶۷	ج ۱۱۵۳۲	ج ۵۵۴۹	۵۳۸	ج ۱۴۵۳۳	ج ۱۴۵۳۳	ج ۲۵۵۶۷	ج ۳۵۲۰	ج ۱۴۵۳۳
.....	ج ۳۵۲۰	ج ۱۵۵۲۴	ج ۹۵۲۲	ج ۹۵۲۲	ج ۱۱۵۱۳	ج ۳۵۲۲
ج ۲۵۵۶۷	ج ۲۹۵۳۶	ج ۴۵۵۹	ج ۹۵۵۸	ج ۲۲۵۵۵	ج ۲۳۵۵۵	ج ۲۵۵۶۷	ج ۹۵۳۸	ج ۱۵۵۶۲
ج ۲۵۵۱۱۵	ج ۴۵۵۷۷	ج ۸۵۱۱۶	ج ۲۵۵۱۱۵	ج ۲۴۵۸۴	ج ۲۴۵۸۹	ج ۲۵۵۱۱۵	ج ۹۵۶۰	ج ۱۵۵۸۵
ج ۱۵۵۶۲	ج ۲۴۵۳۶	ج ۲۲۵۵۵	ج ۸۵۴۶	ج ۲۳۵۵۵	ج ۲۳۵۵۵	ج ۱۵۵۶۲	ج ۲۵۳۵	ج ۲۳۵۵۵
ج ۸۵۳۱	ج ۲۵۲۹	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۱۵۲۶	ج ۸۵۳۱	ج ۳۵۲۰	ج ۸۵۳۱
ج ۲۳۵۵۵	ج ۱۱۵۱۸	ج ۲۴۵۲۷	ج ۱۵۵۲۴	ج ۲۱۵۲۶	ج ۲۳۵۵۵	ج ۲۱۵۲۶	ج ۱۸۵۴۴
ج ۲۳۵۵۵	ج ۱۵۵۱۴	ج ۲۲۵۱۷	ج ۲۲۵۱۷	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۱۵۱۳	ج ۲۳۵۵۵	ج ۱۱۵۱۳	ج ۹۵۲۰
.....	ج ۹۵۲۰	ج ۲۵۲۲	ج ۳۵۲۰	ج ۹۵۲۶
.....	ج ۱۱۵۱۸	ج ۲۴۵۲۷	ج ۲۱۵۲۲	ج ۹۵۲۲	ج ۱۶۵۱۵	ج ۲۱۵۲۶
ج ۲۵۵۶۸	ج ۱۷۵۵۳	ج ۱۳۵۸۹	ج ۱۳۵۸۰	ج ۲۱۵۵۹	ج ۲۱۵۵۹	ج ۲۵۵۶۷	ج ۱۸۵۴۴	ج ۲۵۵۶۷
.....	ج ۲۳۵۵۵	۵۶۷	۵۵۵
.....	ج ۷۵۵۹	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۱۵۸۹	ج ۱۱۵۸۳	ج ۲۵۶۷	ج ۱۶۵۱۰۰
ج ۲۴۵۵۸	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۸۵۶	ج ۵۵۱۱
.....	ج ۱۷۵۵۳	ج ۱۳۵۸۰	ج ۱۳۵۸۰	ج ۲۵۵۶۷	ج ۲۵۵۶۷	ج ۸۵۵۷۷	ج ۱۷۵۵۳	ج ۷۵۵۷۰
.....	ج ۱۴۵۳۳	ج ۶۵۴۰	ج ۲۴۵۵۲	ج ۱۴۵۵۲	۵۳۳	ج ۱۱۵۵۱

ربيعي صوبہ اجمير *								
پرگنہ ناگور و غیرہ	پرگنہ تودہ و غیرہ	پرگنہ دیلموارہ و غیرہ	پرگنہ چانسو و غیرہ	پرگنہ رنندہور و غیرہ	پرگنہ چنور و غیرہ	پرگنہ جودھپور و غیرہ	پرگنہ الہپور و غیرہ	حوالی اجمير و غیرہ
.....	ج ۶۵۲۳۹	ج ۶۵۲۳۹
ج ۲۵۵۱۱۵	ج ۱۶۵۸۱	ج ۲۵۵۱۱۵	ج ۴۵۱۳۴	ج ۸۵۱۱۵	ج ۸۵۱۱۵	ج ۸۵۱۱۵	ج ۱۵۸۶	ج ۲۵۵۱۱۵
.....	ج ۱۸۵۴۴	ج ۲۲۵۶۷	ج ۲۵۵۷۲	ج ۲۵۶۸	ج ۲۵۶۷	ج ۲۳۵۵۵	ج ۲۵۳۵	ج ۲۳۵۵۵
ج ۱۸۵۴۴	ج ۸۵۳۱	ج ۲۴۵۴۶	ج ۲۵۵۶۷	ج ۱۷۵۵۰	ج ۱۷۵۵۳	ج ۲۴۵۴۴	ج ۲۵۲۳	ج ۲۵۵۴۴
ج ۸۵۳۱	ج ۱۵۵۱۸	ج ۲۴۵۲۷	ج ۳۵۳۹	ج ۱۴۵۳۳	ج ۱۴۵۳۳	ج ۷۵۳۱	ج ۲۵۲۹	ج ۱۴۵۳۳
۵۶۷	۵۵۴	ج ۱۸۵۸۲	ج ۸۵۵۸	ج ۱۵۵۶۱	ج ۱۵۵۶۱	ج ۲۵۵۶۷	ج ۹۵۴۰	ج ۱۵۵۶۰
ج ۳۵۲۰	ج ۲۱۵۲۶	ج ۶۵۴۰	ج ۹۵۲۲	ج ۱۵۲۶	ج ۱۵۲۶	ج ۳۵۲۶	ج ۱۶۵۱۵	ج ۱۵۵۲۴
ج ۸۵۳۸	ج ۱۶۵۱۰	ج ۱۶۵۱۶	ج ۱۶۵۱۵	ج ۱۵۵۱۳	ج ۱۵۵۱۳	ج ۲۱۵۳۸	ج ۲۴۵۸	ج ۱۵۵۱۳
.....	ج ۵۵۱۵	ج ۱۴۵۳۳	ج ۱۴۵۳۳	ج ۱۶۵۲۴	ج ۱۵۵۳۸
ج ۶۵۵۵	ج ۲۴۵۱۷	ج ۹۵۲۲	ج ۲۲۵۱۷	ج ۲۲۵۱۷	ج ۲۲۵۱۷	ج ۲۱۵۵۵	ج ۷۵۱۲	ج ۲۴۵۱۷
ج ۴۵۱۳۴	ج ۱۱۵۸۹	ج ۴۵۱۳۴	ج ۴۵۱۳۴	ج ۴۵۱۳۴	ج ۴۵۱۳۴	ج ۴۵۱۳۴	ج ۱۱۵۸۵	ج ۴۵۱۳۴
ج ۲۵۵۶۷	ج ۲۱۵۴۰	ج ۱۵۵۶۲	ج ۲۵۵۶۷	ج ۲۳۵۵۵	ج ۲۳۵۵۵	ج ۲۵۵۶۷	ج ۱۸۵۴۴	ج ۲۵۵۶۷
ج ۱۷۵۵۳	ج ۱۳۵۷۶	ج ۱۳۵۷۶	ج ۱۵۵۸۹	ج ۷۵۷۸	ج ۸۵۷۸	ج ۷۵۸۷	ج ۸۵۵۳	ج ۱۹۵۸۲
ج ۱۵۵۶۲	ج ۹۵۲۶	ج ۱۳۵۷۶	ج ۱۵۵۶۲	ج ۲۳۵۵۵	ج ۲۳۵۵۵	ج ۱۵۵۶۲	ج ۲۵۳۵	ج ۲۲۵۵۵
ج ۱۱۵۱۳	ج ۲۴۵۸	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۱۵۱۳	ج ۵۵۱۵	ج ۵۵۱۱	ج ۱۱۵۱۳	ج ۲۴۵۸	ج ۲۵۵۱۳
ج ۲۵۵۱۱۵	ج ۲۵۵۱۱۵	ج ۲۵۵۱۱۵	ج ۲۵۵۱۱۵	ج ۲۵۵۱۱۵	ج ۲۵۵۱۱۵	ج ۲۵۵۱۱۵	ج ۲۵۵۱۱۶	ج ۲۵۵۱۱۵
ج ۹۵۲۲	ج ۱۴۵۱۳	ج ۹۵۲۲	ج ۱۱۵۳۲	ج ۸۵۳۱	ج ۸۵۳۱	ج ۹۵۲۲	ج ۹۵۲۰	ج ۲۵۵۳۱

تهانیسر و غیره - هشت پرگنه * تهانیسر * ساقه‌ور * شاه‌آباد * خضرآباد * مصطفی‌آباد * بهرادر * سلطان پور * پوندری *
تهار و غیره - دو پرگنه * تهار * لوده‌یانه *

سمانه و غیره - نه پرگنه * سمانه * ستام * منصور پور * مال نیر * هاپری * پوندری * فخرپور و بهنده * ماحی‌واره *
۸ سرکار سبیل * چهل و هفت محل - سه دستور *

بلده سبیل و غیره - بیست و سه پرگنه * بلده سبیل * حویلی سبیل * سرسی * نروایی * منجه‌ور * جدوار * گنور * نیوده‌نه * دیوره * تبه‌ارسی * دهک * رجب پور *
امرویه * اوجهری * کچه * اعظم پور * اسلیم‌پور درگو * اسلام پور بهرو * افغان پور * چوپاله * کندری * بچه‌رانور * گذور *
چاندپور و غیره - سیزده پرگنه * چاندپور * شیر کوت * بیچنور * منداور * کیرت پور * جلال آباد * سنس پور * نه‌تور * ندینه * [نگینه ؟] * اکبرآباد * اسلیم آباد *
سیوها و جهاو ۲ محل *

لکهنور و غیره - یازده پرگنه * لکهنور * شاهی * کابر و کهانری ۲ محل * همدنه * راجپور * دودیله * ایسمو * سرساره * بسارا * پروئی [بروئی ؟] *
۸ سرکار کماور *

(۱) یعنی بلده دهلی مع چهل و هفت پرگنه (۲) [ض] جهارمه (۳) همچنین در هر نسخه * در احوال صوبه دهلی و در [ایوت] اسلام آباد پاکل نوشته (۴) [در احوال
صوبه دهلی] جلال‌پور بروت (۵) در چند نسخه چهرولی بغیر بای فارسی (۶) [ایوت] تانده بهوگانه (۷) [۵] کادهله بغیر نون غنه (۸) همچنین در [۵] * [ض] کیکر کیهو * [ایوت]
گنکرو فقط (۹) همچنین در [۵] * [ض] هتلاو * [ایوت] هتلاپور (۱۰) [ایوت] دوبله‌ن ییری (۱۱) در چند نسخه بدآور بغیر نون غنه (۱۲) [ایوت] برسیور (۱۳) همچنین
در هر نسخه * [ایوت] پونر (۱۴) همچنین در هر نسخه * [ایوت] بلالی. و در غاطنامه بلهائی (۱۵) [۵] سناس * [ض] سناسی * [ایوت] سناسی بنای فوقانی (۱۶) در احوال
سرکار حصار فیروزه بیست و هفت محل موجودست (۱۷) همچنین در [ایوت] * در نسخه اهروی یا اهروی بغیر نون (۱۸) [ایوت] دهات (۱۹) [ایوت] مهیم (۲۰) همچنین
در هر نسخه * پرگنه رهنک [ایوت] - رهنک در سرکار دارالملک دهلی گذشت و در احوال سرکار فیروزه نیست (۲۱) [ایوت] کهنده (۲۲) [۵] ثوانه (۲۳) همچنین
در [ایوت] و در نقشها * در نسخه پادل یا پادل نوشته (۲۴) [ایوت] بهوره (۲۵) [۵] کهنار (۲۶) [ایوت] پورچار (۲۷) در نسخه چراسی بجم فارسی (۲۸) [ایوت] بهورکری (۲۹) [ایوت] رورکی بواو * [د] رزکی (۳۰) در احوال صوبه دهلی و در [ایوت] نیست * [ض] نهانه بهون * و در [ایوت] نوشته که نهانه بهیم عرف بهون
(۳۱) [ایوت] اصبهته (۳۲) همچنین در هر نسخه و نیز در احوال صوبه دهلی * [ایوت] بنت بقع با و نون و سکون تای فوقانی (۳۳) [ایوت] سبیل‌هیرا *

و معنی بهون بخانه است (۳۱) [ایوت] اصبهته (۳۲) همچنین در هر نسخه و نیز در احوال صوبه دهلی * [ایوت] بنت بقع با و نون و سکون تای فوقانی (۳۳) [ایوت] سبیل‌هیرا *

ربيعي صوبه دهلي *													
گندم	حویلی قدیم	پانی پت و غیره	میرله و غیره	بون و غیره	چچهر و غیره	پاول	رهنگ	سرکار بدانون	حویلی حصار	گوخانه و غیره	سرسا	مهم	تاورو
۱۶۵۶۳	۵۶۳	۴۵۵۸	۴۵۵۸	۴۵۵۸	۱۲۵۶۱	۲۱۵۶۳	۴۵۵۸	۸۵۵۰	۱۵۵۶۲	۴۵۵۷	۴۵۵۸	۴۵۵۸	۱۰۵۶۳
.....
نخورد کابل
نخورد هندی	۳۵۳۶	۲۳۵۳۶	۶۵۴۰	۱۱۵۳۲	۱۴۵۳۳	۱۶۵۲۹	۵۵۳۰	۲۵۲۹	۱۶۵۲۹	۵۵۳۰	۵۵۳۰	۱۹۵۵۷	۲۰۵۳۵
جو	۱۲۵۴۲	۶۵۴۰	۳۸	۳۸	۹۵۴۱	۱۲۵۴۲	۱۷۵۳۳	۲۰۵۴۵	۶۵۴۰	۱۴۵۴۲	۱۴۵۴۲	۱۲۵۴۲	۱۲۵۴۲
عدس	۱۵۵۲۴	۱۵۵۲۴	۱۱۵۲۵	۹۵۲۴	۱۵۵۲۴	۱۵۵۲۴	۱۱۵۲۴	۲۵۱۵	۱۵۵۲۴	۹۵۲۲	۱۶۵۲۴	۱۱۵۲۴	۲۱۵۲۶
گل معصفر	۱۴۵۷۱	۱۴۵۷۱	۲۴۵۸۴	۲۱۵۸۳	۱۴۵۷۱	۱۴۵۷۲	۲۰۵۶۳	۱۱۵۷۰	۲۵۶۷	۲۵۶۷	۲۵۶۷	۲۰۵۶۰	۱۴۵۷۱
کونکار	۱۲۳	۳۵۱۲۵	۹۵۱۴۵	۳۵۱۲۳	۱۱۵۱۲۳	۱۱۵۱۲۳	۱۶۵۱۱۹	۱۲۵۱۱۹	۱۶۵۱۱۹	۱۶۵۱۱۹	۱۶۵۱۱۹	۱۶۵۱۱۹	۱۱۵۱۲۷
ترکاری	۲۵۶۷	۲۳۵۵۵	۲۱۵۶۴	۲۱۵۶۴	۹۵۶۰	۷۵۵۹	۴۷	۱۵۵۷	۲۵۶۰	۲۳۵۵۵	۱۲۵۵۱	۵۵۷	۹۵۶۰

کتاب	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۷ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۱ ۵۳۲	ج ۲۱ ۵۳۶	ج ۵ ۵۳۶	ج ۱۳ ۵۲۵	ج ۱۸ ۵۲۵	ج ۱۵ ۵۲۴	ج ۲۱ ۵۲۳	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۱۷ ۵۳۴
موشف	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۵ ۵۳۵	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱
ازرن	ج ۹ ۵۲۲	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰
مشنگ	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶
گزر	ج ۲۳ ۵۲۱	ج ۱۵ ۵۲۴	ج ۱۲ ۵۲۳	ج ۱۱ ۵۲۴	ج ۱۷ ۵۲۳	ج ۱۷ ۵۲۳	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹
پناز	ج ۱۶ ۵۲۱	ج ۷ ۵۲۸	ج ۱۶ ۵۲۱	ج ۱۶ ۵۲۱	ج ۷ ۵۲۷	ج ۱۶ ۵۲۱	ج ۷ ۵۲۷	ج ۷ ۵۲۷	ج ۷ ۵۲۷	ج ۷ ۵۲۷	ج ۷ ۵۲۷	ج ۷ ۵۲۷	ج ۷ ۵۲۷	ج ۷ ۵۲۷
شمالیت	ج ۱۵ ۵۲۲	ج ۵ ۵۳۹	ج ۵ ۵۳۹
خرنوبه ولایتی	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۱۶ ۵۱۰	ج ۹ ۵۱۴	ج ۱۶ ۵۱۰	ج ۱۶ ۵۱۰	ج ۱۶ ۵۱۰	ج ۱۶ ۵۱۰	ج ۱۶ ۵۱۰	ج ۱۶ ۵۱۰	ج ۱۶ ۵۱۰	ج ۱۶ ۵۱۰	ج ۱۶ ۵۱۰	ج ۱۶ ۵۱۰	ج ۱۶ ۵۱۰
خرنوبه هندو	ج ۱۶ ۵۱۱	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۷	ج ۲۲ ۵۱۷	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵
شالی کور	ج ۱۷ ۵۵۳	ج ۱۷ ۵۵۳	ج ۱۷ ۵۵۳	ج ۲۳ ۵۵۵	ج ۹ ۵۶۰	ج ۱۷ ۵۵۰	ج ۲۴ ۵۴۶	ج ۲۴ ۵۴۶	ج ۲۴ ۵۴۶	ج ۲۴ ۵۴۶	ج ۲۴ ۵۴۶	ج ۲۴ ۵۴۶	ج ۲۴ ۵۴۶	ج ۲۴ ۵۴۶
اجودین	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۱۲ ۵۸۹	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۲۴ ۵۸۴

زیر صیاد دانه

خرنوبی 'صوبه' دهلی *

نیشکر پوند	ج ۵ ۵۲۱۰	ج ۱۷ ۵۲۰۴	ج ۲۲ ۵۲۱۶	ج ۳۵ ۲۱۹	ج ۱۸ ۵۲۵۰	ج ۵ ۵۲۱۸	ج ۲۱۷	ج ۹ ۵۲۱۶	ج ۲۰ ۵۲۱۴	ج ۲۰ ۵۲۱۴	ج ۲۰ ۵۲۱۴	ج ۲۰ ۵۲۱۴	ج ۲۰ ۵۲۱۴	ج ۲۰ ۵۲۱۴
نیشکر ساد	ج ۱۱ ۵۱۲۷	ج ۱۲۳	ج ۱۲۳	ج ۱۲۳	ج ۱۲۳	ج ۱۲۳	ج ۱۲۳	ج ۱۲۳	ج ۱۲۳	ج ۱۲۳	ج ۱۲۳	ج ۱۲۳	ج ۱۲۳	ج ۱۲۳
شالی مشکین	ج ۷ ۵۷۸	ج ۶۷	ج ۱۸ ۵۲۳	ج ۲۰ ۵۲۳	ج ۸ ۵۷۳	ج ۱۸ ۵۲۳	ج ۱۸ ۵۲۳	ج ۱۸ ۵۲۳	ج ۱۸ ۵۲۳	ج ۱۸ ۵۲۳	ج ۱۸ ۵۲۳	ج ۱۸ ۵۲۳	ج ۱۸ ۵۲۳	ج ۱۸ ۵۲۳
شالی ساد	ج ۷ ۵۵۵	ج ۱۸ ۵۲۴	ج ۲۰ ۵۲۴	ج ۲۰ ۵۲۴	ج ۱۷ ۵۵۳	ج ۱۴ ۵۵۸	ج ۱۴ ۵۵۸	ج ۱۴ ۵۵۸	ج ۱۴ ۵۵۸	ج ۱۴ ۵۵۸	ج ۱۴ ۵۵۸	ج ۱۴ ۵۵۸	ج ۱۴ ۵۵۸	ج ۱۴ ۵۵۸
شالی	ج ۲۰ ۵۳۵	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۷ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳
پنجه	ج ۱۱ ۵۸۹	ج ۱۷ ۵۹۱	ج ۱۱ ۵۸۹	ج ۲۳ ۵۹۳	ج ۱۱ ۵۸۹	ج ۱۱ ۵۸۹	ج ۱۱ ۵۸۹	ج ۱۱ ۵۸۹	ج ۱۱ ۵۸۹	ج ۱۱ ۵۸۹	ج ۱۱ ۵۸۹	ج ۱۱ ۵۸۹	ج ۱۱ ۵۸۹	ج ۱۱ ۵۸۹
صوبه	ج ۱۲ ۵۲۳	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۹ ۵۲۲	ج ۱۴ ۵۲۳	ج ۱۳ ۵۲۳	ج ۱۳ ۵۲۳	ج ۱۳ ۵۲۳	ج ۱۳ ۵۲۳	ج ۱۳ ۵۲۳	ج ۱۳ ۵۲۳	ج ۱۳ ۵۲۳	ج ۱۳ ۵۲۳	ج ۱۳ ۵۲۳	ج ۱۳ ۵۲۳

گال	ج ۱۵ ۵۱۶	ج ۱۵	ج ۱۹ ۵۱۶	ج ۱۴ ۵۱۴	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵	ج ۱۶ ۵۱۵
ازرن	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰	ج ۳ ۵۲۰
نیل	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱	ج ۱۶۱
حنا	ج ۷ ۵۷۷	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۱۴ ۵۷۱
سن	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۱۸ ۵۸۹	ج ۲۱ ۵۸۳	ج ۵ ۵۸۷	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۱۸ ۵۸۹	ج ۲۱ ۵۸۳	ج ۵ ۵۸۷	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۱۸ ۵۸۹	ج ۲۱ ۵۸۳	ج ۵ ۵۸۷	ج ۲۴ ۵۸۴	ج ۱۸ ۵۸۹
نرکاری	ج ۱۷ ۵۷۰	ج ۱۴ ۵۷۱	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۸	ج ۷ ۵۷۱	ج ۷ ۵۷۱	ج ۷ ۵۷۱	ج ۷ ۵۷۱	ج ۷ ۵۷۱	ج ۷ ۵۷۱	ج ۷ ۵۷۱	ج ۷ ۵۷۱	ج ۷ ۵۷۱	ج ۷ ۵۷۱
کچر	ج ۱۱	ج ۱۱	ج ۷ ۵۱۲	ج ۲۰ ۵۱۴	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳
پان	ج ۱۵ ۵۲۳	ج ۱۵ ۵۲۰	ج ۱۱ ۵۲۰	ج ۱۱ ۵۲۰	ج ۱۱ ۵۲۰	ج ۱۱ ۵۲۰	ج ۱۱ ۵۲۰	ج ۱۱ ۵۲۰	ج ۱۱ ۵۲۰	ج ۱۱ ۵۲۰	ج ۱۱ ۵۲۰	ج ۱۱ ۵۲۰	ج ۱۱ ۵۲۰	ج ۱۱ ۵۲۰
سنگهارة	ج ۱۵ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۱
لویا	ج ۳۱	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶
جوار	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۱۴ ۵۳۳
کوری	ج ۵ ۵۱۱	ج ۵ ۵۱۱	ج ۲۰ ۵۱۲	ج ۵ ۵۱۱	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳
نربزه ولایتی	ج ۹۵۰۰	ج ۹۵۰۰	ج ۲۰ ۵۱۲	ج ۲۰ ۵۱۲	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳	ج ۱۱ ۵۱۳
لهذره	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۹ ۵۲۲	ج ۱۱ ۵۲۴	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶	ج ۲۱ ۵۲۶
کودم	ج ۱۱ ۵۳۲	ج ۱۴ ۵۳۳	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۵ ۵۳۲	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۲۹
منذره	ج ۲۰ ۵۲۹	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱	ج ۲۰ ۵۳۱
کنجد	ج ۱۲ ۵۴۲	ج ۱۸ ۵۴۴	ج ۱۸ ۵۴۴	ج ۱۸ ۵۴۴	ج ۱۸ ۵۴۴	ج ۱۸ ۵۴۴	ج ۱۸ ۵۴۴	ج ۱۸ ۵۴۴	ج ۱۸ ۵۴۴	ج ۱۸ ۵۴۴	ج ۱۸ ۵۴۴	ج ۱۸ ۵۴۴	ج ۱۸ ۵۴۴	ج ۱۸ ۵۴۴
شماخ	ج ۵ ۵۱۱	ج ۵ ۵۱۱	ج ۸ ۵۱۲	ج ۵ ۵۱۱	ج ۱۹ ۵۱۱	ج ۱۹ ۵۱۱	ج ۱۹ ۵۱۱	ج ۱۹ ۵۱۱	ج ۱۹ ۵۱۱	ج ۱۹ ۵۱۱	ج ۱۹ ۵۱۱	ج ۱۹ ۵۱۱	ج ۱۹ ۵۱۱	ج ۱۹ ۵۱۱
مونگ	ج ۵۳۸	ج ۴۲	ج ۱۱ ۵۴۳	ج ۶ ۵۴۰	ج ۲۳ ۵۳۶	ج ۲۲ ۵۳۶	ج ۲۲ ۵۳۶	ج ۲۲ ۵۳۶	ج ۲۲ ۵۳۶	ج ۲۲ ۵۳۶	ج ۲۲ ۵۳۶	ج ۲۲ ۵۳۶	ج ۲۲ ۵۳۶	ج ۲۲ ۵۳۶

شالی مرغی آل نربزه زردک ارهر زردچوبه کلت * این جدول موافق [ض] است و در دیگر نسخهها بسیار اختلاف واقع است //

تتمہٗ ربیعِ صوبہٗ دہلی *

(۳۷۶)

(१५०)

هزاره • چندنوت از درامد چنار • بهیروز • کهوکهروال • خوشاب • کل بهیلمت • کهار دروازه • تارل • شور • شمش آباد از بهیروز جدا شده • شور پور از چندنوت جدا شده •
شکرپور از شور جدا شده •

- (۱) [ض د] دو (۲) همچنین در [س] • [ض] برهات • [ش] برهات • [۱] برهات • [ف] برهات • [و] برهات • و در احوال صوبه لاهور موجود نیست
(۳) [س] برمی (۴) [ض د] شانزده محل • یک دستور (۵) [ک] بهیوال بغیر و • در احوال صوبه لاهور و در دیگر نسخا بهیوال (۶) [ض د] کهری (۷) در
اکثر نسخا بهیوال بیای تازی (۸) [ف] پنج کرائی (۹) در [ض د] نیست • [ش] سند هودال بدال • و در احوال صوبه لاهور در هر نسخه سند هودال بنون نوشته • و
در نقشها سیندوالا (۱۰) همچنین در احوال صوبه لاهور در هر نسخه • [س] شاه ملی • [ف] شاهلی • در [ض د] نیست (۱۱) در چند نسخه سند هودال بغیر بیای تختانی
(۱۲) [ض د] درک بدال (۱۳) در [ض د] نیست • و در احوال صوبه لاهور امرای بهی بیای تختانی نوشته (۱۴) در اکثر نسخا برسرور بیای تازی نوشته
(۱۵) در چند نسخه سند هودال بغیر یا نوشته (۱۶) [س] دهمیری یا دهمیری (۱۷) [ض] توری • [ش] بورنه • [ض] در احوال صوبه لاهور نوشته • [ف] پوره (۱۸) [ض]
کهوکهروال یوا و یا • [س] کهوکهروال • [ض] و در احوال صوبه لاهور کرکراون (۱۹) در چند نسخه باری آباد (۲۰) [ش] باجیوار • (۲۱) در چند نسخه پهنکا بیای فارسی
(۲۲) [ف] اش دهات (۲۳) [س] صوٹ • [ض] باوت (۲۴) همچنین در [ض] در احوال صوبه لاهور • [ش] ض [ض] اندرور بتقدیم رای مہملہ • [س] ایدرہ
(۲۵) [ض] دوال - و در احوال صوبه لاهور دوال • [ف] اش دیال • [س] در احوال صوبه لاهور و [ک] دبال (۲۶) همچنین در [س] • [ض] کردهاله • در دیگر
نسخا بهرک ؟ (۲۷) همچنین در [س] • [و] مہرکر • [ض] مہرکر • [ف] اش و دو دیگر نسخه [ک] فقط • بحتل کہ شیرگڈہ درست باشد (۲۸) [ف] اش
جرباسی بدو رای مہملہ (۲۹) همچنین در [ض] در احوال صوبه لاهور • [س] لوسکل • [ض] لوسکل • [ش] لوسکل • [و] لوسکل • (۳۰) در اکثر نسخا نوی یا
لونی نوشته • [ف] اش لوی (۳۱) همچنین در [س] • در دیگر نسخا کانداهن بدال نوشته و در نقشها کانوون (۳۲) همچنین در [س] • [ض] حراد و ماما • [ف] اش و
جواد و ماما - بحتل کہ نام اول چندراو باشد • و این دو نام در صوبه لاهور موجود نیست (۳۳) همچنین در هر نسخه • در سرکار هزاره کهوکهروال برای مہملہ (۳۴) همچنین
در [س] • [ض] پنپال • [ف] مہپال • [۱] مہسال • [و] مہسال • [ش] سال (۳۵) [ف] اش کانہوا بنون (۳۶) همچنین در [ض] • [۱] ملتان • [ش] مہان •
[و] ملہان (۳۷) در احوال صوبه لاهور اسلام آباد بالف موجود است (۳۸) این نام در احوال صوبه لاهور موجود نیست • [س] دنوسریا دنوسہ • [ف] اش و دنوسہ • [ش]
دبوسہ [ض] دنوسہ (۳۹) [ض] هشت • و در نسخا فقط شش محل موجود است (۴۰) [ش] افوض در احوال صوبه لاهور منکری (۴۱) [ک] و [ض] در احوال صوبه لاهور
مہرور بلا سین • [ف] و مہرورک • [۱] مہرورک • [ش] مہرورک (۴۲) [ش] فظ آباد (۴۳) این نام در احوال صوبه لاهور موجود نیست • [ض] پنی بارمک
یا بارمک - و در [س] نقطہ • [۱] مرمک • [ف] و [ش] مرمار ؟ (۴۴) [ش] ض کرمالی • [ف] کرمالی (۴۵) همچنین در [ض] • [ش] لپی • [ف] لپی (۴۶) [ض]
اندیچل • [ش] او اندیچل (۴۷) این نام در احوال صوبه لاهور موجود نیست • [ش] اف او اسدہ (۴۸) [ش] کنداری • [ف] کنداری (۴۹) [ف] بدن پور بیای تازی
(۵۰) [ف] سیزده • [ش] پانزده • و در نسخا فقط هشت محل موجود است (۵۱) [ض] در احوال صوبه لاهور سدرہ (۵۲) [ش] اف و سروت بسین (۵۳) [س] چٹہ جہمہ
(۵۴) این نام صرف در [س] نقطہ نوشته است (۵۵) در اکثر نسخا خوشات نوشته (۵۶) [ض] در احوال صوبه لاهور بهالک

(۳۷۸)

ربیع صوبه لاهور

لاهور وغیرہ	بنالہ وغیرہ	پورسور وغیرہ	پتی ہیبت پور وغیرہ	جالندھر وغیرہ	رہتاس وغیرہ	میداکوٹ وغیرہ	هزاره وغیرہ
گندم	۱۳۵۵۰	۵۵۵۴۹	۱۷۵۵۳	۱۷۵۵۳	۱۸۵۴۴	۱۷۵۳۳	۲۳۵۵۵
نخود کابی	۲۱۵۶۴	۱۰۵۶۰	۱۵۵۷۰
نخود ہندی	۲۰۵۳۵	۱۴۵۳۳	۲۰۵۳۵	۱۴۵۳۳	۸۵۳۱	۲۰۵۳۵	۱۷۵۳۴
جو	۵۴۶	۲۰۵۳۵	۵۳۸	۵۳۸	۸۵۳۱	۵۳۸	۵۳۸
عدس	۲۱۵۲۶	۱۵۵۲۴	۱۵۵۲۴	۱۵۵۲۴	۹۵۲۲	۲۱۵۲۳	۲۵۲۹
گل معصفر	۱۰۵۷۹	۱۰۵۷۸	۱۰۵۷۸	۲۵۷۹	۲۵۷۸	۷۵۷۸	۱۰۵۷۹
کونکر	۱۷۵۱۲۹	۱۷۵۱۲۹	۱۷۵۱۲۹	۱۷۵۱۲۹	۲۰۵۱۱۵	۱۸۵۱۲۹	۱۷۵۱۲۹
ترکاری	۱۴۵۷۱	۲۵۶۷	۲۵۶۷	۲۵۶۷	۲۰۵۵	۶۷	۴۵۶۷
کنان	۸۵۳۱	۲۴۵۲۷	۲۴۵۲۷	۸۵۳۱	۹۵۲۲	۲۲۵۲۹	۸۵۳۱
سروش	۸۵۳۱	۲۵۲۹	۸۵۳۱	۸۵۳۱	۲۱۵۲۶	۸۵۳۱	۲۱۵۳۵
ارزن	۶۵۲۱	۵۱۹	۵۱۹	۶۵۲۱	۱۶۵۱۵	۳۵۲۰	۳۵۲۰
منگ	۱۵۵۲۴	۲۱۵۲۶	۲۱۵۲۶	۲۱۵۲۶	۲۱۵۲۶	۸۵۳۱	۲۴۵۲۷
گزر	۱۵۵۲۴	۱۸۵۲۵	۱۵۵۲۴	۱۵۵۲۴	۵۱۹	۱۵۵۲۴	۱۵۵۲۴
پداز	۲۱۵۸۳	۲۱۵۸۳	۱۸۵۸۲	۲۱۵۸۳	۱۳۵۷۱	۲۱۵۸۳	۲۱۵۸۳
شمایت	۸۵۵۰	۲۴۵۴۶	۱۲۵۶۱	۶۵۴۰	۱۰۵۶۰	۲۵۶۷	۲۳۵۳۶
خربزہ ولایتی	۲۰۵۱۱۵	۲۰۵۱۱۵	۲۰۵۱۱۵	۲۰۵۱۱۵	۱۵۵۸۹	۲۰۵۱۱۱	۲۰۵۱۱۱
خربزہ ہندی	۱۶۵۱۵	۱۶۵۱۵	۱۶۵۱۵	۱۶۵۱۵	۱۱۵۱۳	۱۶۵۱۵	۱۶۵۱۵
زیرہ	۵۵۵۷	۲۴۵۸۴	۵۵۸۴	۵۵۸۷	۳۵۷۱	۲۴۵۸۴	۵۵۸۷

(۳۷۹)

اچواين	ج ۵ ۵ ۸۷	ج ۴ ۵ ۸۴	ج ۴ ۵ ۷۱	ج ۵ ۸۷	ج ۵ ۸۴	ج ۴ ۵ ۸۴	ج ۵ ۵ ۸۷
مياڻه دانہ	شالی							
خريفی 'مونی' لاهور *								
نیشکر پونڈہ	ج ۱۲ ۵ ۲۴۰	ج ۱۲ ۵ ۲۴۰	ج ۱۲ ۵ ۲۴۰	ج ۱۲ ۵ ۲۴۰	ج ۱۲ ۵ ۲۴۰	ج ۱۲ ۵ ۲۴۰	ج ۱۲ ۵ ۲۴۰	ج ۱۲ ۵ ۲۴۰
نیشکر سادہ	ج ۱۵ ۵ ۱۷۰	ج ۱۵ ۵ ۱۷۰	ج ۱۵ ۵ ۱۷۰	ج ۱۵ ۵ ۱۷۰	ج ۱۵ ۵ ۱۷۰	ج ۱۵ ۵ ۱۷۰	ج ۱۵ ۵ ۱۷۰	ج ۱۵ ۵ ۱۷۰
شالی مشکین	ج ۶۶	ج ۶۶	ج ۶۶	ج ۶۶	ج ۶۶	ج ۶۶	ج ۶۶	ج ۶۶
شالی سادہ	ج ۵ ۵ ۴۹	ج ۵ ۵ ۴۹	ج ۵ ۵ ۴۹	ج ۵ ۵ ۴۹	ج ۵ ۵ ۴۹	ج ۵ ۵ ۴۹	ج ۵ ۵ ۴۹	ج ۵ ۵ ۴۹
کلت	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹
ماش	ج ۲۵ ۳۶	ج ۲۵ ۳۶	ج ۲۵ ۳۶	ج ۲۵ ۳۶	ج ۲۵ ۳۶	ج ۲۵ ۳۶	ج ۲۵ ۳۶	ج ۲۵ ۳۶
پنبہ	ج ۱۷ ۵ ۹۱	ج ۱۷ ۵ ۹۱	ج ۱۷ ۵ ۹۱	ج ۱۷ ۵ ۹۱	ج ۱۷ ۵ ۹۱	ج ۱۷ ۵ ۹۱	ج ۱۷ ۵ ۹۱	ج ۱۷ ۵ ۹۱
موٹہ	ج ۱۲ ۵ ۲۴	ج ۱۲ ۵ ۲۴	ج ۱۲ ۵ ۲۴	ج ۱۲ ۵ ۲۴	ج ۱۲ ۵ ۲۴	ج ۱۲ ۵ ۲۴	ج ۱۲ ۵ ۲۴	ج ۱۲ ۵ ۲۴
گال	ج ۱۱	ج ۱۱	ج ۱۱	ج ۱۱	ج ۱۱	ج ۱۱	ج ۱۱	ج ۱۱
نوریا
ارزن	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹	ج ۲۵ ۲۹
نیل	ج ۱۶ ۵ ۱۵۸	ج ۱۶ ۵ ۱۵۸	ج ۱۶ ۵ ۱۵۸	ج ۱۶ ۵ ۱۵۸	ج ۱۶ ۵ ۱۵۸	ج ۱۶ ۵ ۱۵۸	ج ۱۶ ۵ ۱۵۸	ج ۱۶ ۵ ۱۵۸
حنا	ج ۲۴ ۵ ۷۷	ج ۲۴ ۵ ۷۷	ج ۲۴ ۵ ۷۷	ج ۲۴ ۵ ۷۷	ج ۲۴ ۵ ۷۷	ج ۲۴ ۵ ۷۷	ج ۲۴ ۵ ۷۷	ج ۲۴ ۵ ۷۷
سن	ج ۲۳ ۵ ۹۳	ج ۲۳ ۵ ۹۳	ج ۲۳ ۵ ۹۳	ج ۲۳ ۵ ۹۳	ج ۲۳ ۵ ۹۳	ج ۲۳ ۵ ۹۳	ج ۲۳ ۵ ۹۳	ج ۲۳ ۵ ۹۳
نرگاری	ج ۱۲ ۵ ۸۰	ج ۱۲ ۵ ۸۰	ج ۱۲ ۵ ۸۰	ج ۱۲ ۵ ۸۰	ج ۱۲ ۵ ۸۰	ج ۱۲ ۵ ۸۰	ج ۱۲ ۵ ۸۰	ج ۱۲ ۵ ۸۰
کچڑہ	ج ۱۱ ۵ ۱۳	ج ۱۱ ۵ ۱۳	ج ۱۱ ۵ ۱۳	ج ۱۱ ۵ ۱۳	ج ۱۱ ۵ ۱۳	ج ۱۱ ۵ ۱۳	ج ۱۱ ۵ ۱۳	ج ۱۱ ۵ ۱۳

پان	ج ۱۵ ۵ ۱۲۳	ج ۱۵ ۵ ۱۲۳	ج ۱۵ ۵ ۱۲۳	ج ۱۵ ۵ ۱۲۳	ج ۱۵ ۵ ۱۲۳	ج ۱۵ ۵ ۱۲۳	ج ۱۵ ۵ ۱۲۳
سنگھارہ	ج ۲۰ ۵ ۱۱۵	ج ۲۰ ۵ ۱۱۵	ج ۲۰ ۵ ۱۱۵	ج ۲۰ ۵ ۱۱۵	ج ۲۰ ۵ ۱۱۵	ج ۲۰ ۵ ۱۱۵	ج ۲۰ ۵ ۱۱۵
جواہی	ج ۶۵ ۴۰	ج ۶۵ ۴۰	ج ۶۵ ۴۰	ج ۶۵ ۴۰	ج ۶۵ ۴۰	ج ۶۵ ۴۰	ج ۶۵ ۴۰
لہڈہ	ج ۷۵ ۳۱	ج ۷۵ ۳۱	ج ۷۵ ۳۱	ج ۷۵ ۳۱	ج ۷۵ ۳۱	ج ۷۵ ۳۱	ج ۷۵ ۳۱
کودم	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۴ ۵ ۳۳
منڈوہ	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۴ ۵ ۳۳	ج ۱۴ ۵ ۳۳
کنچد	ج ۲۴ ۵ ۴۶	ج ۲۴ ۵ ۴۶	ج ۲۴ ۵ ۴۶	ج ۲۴ ۵ ۴۶	ج ۲۴ ۵ ۴۶	ج ۲۴ ۵ ۴۶	ج ۲۴ ۵ ۴۶
شماخ	ج ۱۵ ۵ ۱۳	ج ۱۵ ۵ ۱۳	ج ۱۵ ۵ ۱۳	ج ۱۵ ۵ ۱۳	ج ۱۵ ۵ ۱۳	ج ۱۵ ۵ ۱۳	ج ۱۵ ۵ ۱۳
موانگ	ج ۱۲ ۵ ۱۴۰	ج ۱۲ ۵ ۱۴۰	ج ۱۲ ۵ ۱۴۰	ج ۱۲ ۵ ۱۴۰	ج ۱۲ ۵ ۱۴۰	ج ۱۲ ۵ ۱۴۰	ج ۱۲ ۵ ۱۴۰
کوزی	ج ۱۵ ۵ ۱۳	ج ۱۵ ۵ ۱۳	ج ۱۵ ۵ ۱۳	ج ۱۵ ۵ ۱۳	ج ۱۵ ۵ ۱۳	ج ۱۵ ۵ ۱۳	ج ۱۵ ۵ ۱۳
زرد چوہہ	ج ۱۳۳	ج ۱۳۳	ج ۱۳۳	ج ۱۳۳	ج ۱۳۳	ج ۱۳۳	ج ۱۳۳

آل لوبیا زردک ترننگ ولایتی ارہر • این جدول موافق [۵] است

* مونیہ مالوہ *

سرکار آجین * دہ محل *

بلدہ آجین با حویلی * دیپالپور * رٹلام * نولائی * بدھنار * گڈیل * انہل * کھچرود * سانور * پان بہار *

سرکار ہندوہ بیست و دو محل * سرکار کوتری نہ محل * سرکار سازنگپور - بیست و سہ محل * سرکار بیجاگڈہ - سی و دو محل * سرکار کاکورن - یازدہ محل *

سرکار رایشن و چڈیری * یگ دستور *

سرکار رایشن * (۴) اسانپوری وغیرہ شش محل * بہیلہ * بہوہی * بہوجپور * بالابہٹ * تہانہ میٹر خان * جاجوی * جہانوی * جلودہ * خلجی پور * دھاموٹی *

دیگوارہ * دیورود * دھانیہ * رایشن با حویلی * سیوانی * سزیہ * شاہ پور * کھلاسہ * کھیرا * کیسورہ * کھامگڈہ * کرگڈہ * کورای * لاهورپور * ماسمڈہ *

سرکارِ مَندُو * دارِده (۹) * محل *

بلده مَندُو * مسجِد * مَهِیسَر * دَکْکَهان * دَهرم گانو * سانکر * بَنمان * دَهار * بَرد * حامل پور * سَناسی * کوثر * مَذار * نَعلِچ * و نوالی ۲ * محل *

* صوبه ملتان *

سرکارِ دیپالپور و غیره *

دیپالپور و غیره چاره محل - یلگ دستور * دیپالپور * لکھی بابا بهوج * لکھی کلناری * لکھی یوسفانی * لکھی ۱۷ * لکھی ۱۸ * لکھی ۱۹ * لکھی رحیم آباد * لکھی چینی *

لکھی قیام پور * لکھی جنگلی * لکھی عالم پور * جلال آباد *

تپه صد کره و غیره ۲ * محل * تپه صد کره * شهراده بلوچ * کرل * خانپور * رسولپور * شهراده هلیچرا * سوندي *

(۳۸)

- (۱) همچنین در [۸] در احوال صوبه مالوه * [ف] نوای * [ض] تلهای و تولای * [ف و] ولای * [۱] دلای * [۲] ولای * [ش] ولای * [۲] [ض ف د] کاپل *
 [۱] کهل * [ف] کویل * (۳) همچنین در نقشها * در هر نسخه کهاجور بدو رای ممله * (۴) [۵] اساری * (۵) [ض ش] دهامونی بون * (۶) [ض ش] کهیملاسه بیا *
 (۷) [ض] مکهام گده * (۸) در احوال صوبه مالوه شانزده محل موجودست * (۹) [۱۰] مهیسر * و در احوال صوبه مالوه در اکثر نسخها چولی مهیسر یا جولی مهیسر نوشته *
 (۱۰) همچنین در [۸] و [ض] در احوال صوبه مالوه * [ف] دکویان * [۸] در احوال صوبه مالوه * [و] [ض] دکهان بلا تائی و توائی هندی * (۱۱) در چند نسخه دهرم گانون نوشته *
 (۱۲) همچنین در [۸] * [ض] بیمان یا بیمان * در دیگر نسخها ۲ نقط * (۱۳) [ض] بغاچه * (۱۴) پرگنجات دیگر سرکارها مشخص نیست * (۱۵) همچنین در [۸] *
 [ش ف او] کلنار * [ض] کلیان نی * [۸] در احوال صوبه ملتان [کلناری] * (۱۶) همچنین در [۸] * [ش] یوسف ۲ * [ف] یوسفالی * [ض] لوسفانی * [ض] در احوال صوبه
 ملتان [لوسفانی] بقاف * (۱۷) [۸] نکیا * (۱۸) [۸] کوهکهر هراویل * [ف] کوهکهر هراویل * [ش] کوهکهر هراویل * و در احوال صوبه ملتان در [۸] لکھی کوهکهر هراویل *
 (۱۹) [۸] و [فرله] * (۲۰) [ض] جنی * [ض] در احوال صوبه ملتان [جنی] * (۲۱) [۸] بنکلی * [ش ف] منکلی * [۸] در احوال صوبه ملتان [جنگل] *
 (۲۲) در چند نسخه کهره نوشته * (۲۳) همچنین در [۸] و در [۸] در احوال صوبه ملتان * [ض] بهوج * [ش ف] حنوح * (۲۴) [ش ف] و [کول بواو] * [۸] در
 در احوال صوبه ملتان [کهرل بهای خفی] * (۲۵) [ف ش] و [هنجارد بدال] * این نام و نام آخر در [ض] نیست *

(۳۹)

رَبِعی صوبه ملتان *			رَبِعی صوبه مالوه *		
مد کره و غیره ۱۱ محل	دیپالپور و غیره ۱۴ محل	ملتان و غیره ۲۶ محل	مَندُو و غیره	رای سَین و غیره	اُجین و غیره
ج ۱۱ ۵ ۵۱	ج ۱۸ ۵ ۴۴	ج ۱۷ ۵ ۵۳		ج ۲۰ ۵ ۲۹
.....		ج ۱۲ ۵ ۴۰
ج ۲۰ ۵ ۳۵	ج ۵ ۵ ۳۰	ج ۵ ۵ ۴۹		ج ۲۴ ۵ ۴۶
ج ۱۴ ۵ ۴۷	ج ۱۵ ۵ ۲۴	ج ۵ ۵ ۴۴		ج ۵ ۵ ۳۰
ج ۸ ۵ ۷۰	ج ۲۰ ۵ ۷۸	ج ۲۰ ۵ ۷۳		ج ۲۰ ۵ ۲۹	سپا و عدد مظفری ۱۳۵۲
ج ۱۲۹	ج ۱۵ ۵ ۱۲۸	ج ۲۰ ۵ ۱۱۵		ج ۱۵ ۵ ۱۲۷	سپا و عدد مظفری ۲۰۵۵
ج ۲ ۵ ۶۷	ج ۱۵ ۵ ۷۰	ج ۲ ۵ ۶۷		ج ۹ ۵ ۶۰	سپا و عدد مظفری ۱۳۵۲
ج ۸ ۵ ۳۱	ج ۲ ۵ ۲۹		ج ۸ ۵ ۳۱
ج ۲ ۵ ۳۱	ج ۲ ۵ ۲۹	ج ۱۸ ۵ ۴۴			سپا و عدد مظفری ۱۳۵۲
ج ۳ ۵ ۲۰	ج ۱۷ ۵ ۲۰	ج ۲ ۵ ۲۹		ج ۱۲ ۵ ۱۶
ج ۱۸ ۵ ۲۵	ج ۱۲ ۵ ۲۳		ج ۸ ۵ ۳۱
ج ۱ ۵ ۳۶	ج ۹ ۵ ۲۲		ج ۲۴ ۵ ۴۷
ج ۱۸ ۵ ۸۲	ج ۷ ۵ ۷۴	ج ۱۴ ۵ ۷۱	
ج ۱۸ ۵ ۴۴	ج ۹ ۵ ۳۹	ج ۲۰ ۵ ۶۹	
ج ۲۰ ۵ ۱۱۵		ج ۲۰ ۵ ۱۱۵	سپا و عدد مظفری ۳۵۱
ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۱۶ ۵ ۱۵	ج ۹ ۵ ۲۲	ج ۱۶ ۵ ۱۵
ج ۱۱ ۵ ۷۷	ج ۷ ۵ ۷۴	ج ۲۰ ۵ ۷۳		ج ۲ ۵ ۴۶
.....

شالی کور

اجوائیں					 ج ۲۵۸۶		
								نہجود کا بیلی	
خریفی صوبہ ملتان *				خریفی صوبہ مالوہ *					
ج ۱۱۵۲۴۰	ج ۱۲۵۲۴۰	ج ۶۵۲۳۹	ج ۷ عدد مظفری اد ۲۱	نیشکر پونڈہ			
ج ۳۵۱۴۳	ج ۹۵۱۲۶	ج ۴۵۱۳۴	ج ۱۵۵۱۴۸	ج ۴ عدد اپار مظفری ۸۵۵	نیشکر سادہ			
ج ۲۱۵۶۴	ج ۳۵۶۰	ج ۱۳۵۷۰	شالی مشکین			
ج ۵۵۴۹	ج ۱۵۵۴۹	ج ۵۵۴۹	ج ۳۵۵۵	شالی سادہ			
ج ۸۵۳۱	ج ۲۴۵۲۷	ج ۶۵۴۶	گات			
ج ۲۰۵۳۵	ج ۱۱۵۳۲	۵۴۰	ماش			
ج ۱۱۵۸۹	ج ۵۵۸۷	ج ۲۳۵۹۳	ج ۵۵۸۷	ج ۲ عدد پار مظفری ۳ باراد	پنبہ			
ج ۱۲۵۲۳	ج ۹۵۲۲	۵۳۸	ج ۲۱۵۲۶	موٹہ			
۵۱۹	ج ۲۲۵۱۷	ج ۲۱۵۲۶	ج ۳۵۸	مال			
ج ۹۵۲۲	ج ۱۲۵۲۳	ج ۲۰۵۳۱	اوزن			
ج ۲۲۵۱۵۹	ج ۱۹۵۱۵۸	ج ۹۵۱۴۵	ج ۲۴۵۳۵	ج ۲ عدد پار مظفری ۲۵۱	نیل			
۵۷۶	۵۷۶	۵۷۶	حنّا			
ج ۲۳۵۹۳	ج ۱۷۵۹۱	۵۸۵	سن			
ج ۱۸۵۸۲	ج ۴۵۷۷	ج ۲۰۵۷۳	ترکاری			
.....	۵۱۲۳	پان			
.....	۵۱۱۱	ج ۲۰۵۱۱۵	ج ۴ عدد پار مظفری ۵۰۵	منگھازہ			
ج ۱۴۵۳۳	۵۳۸	۵۳۸	لوزیا			

۵۳۸	ج ۲۰۵۳۵	ج ۱۲۵۴۲	ج ۱۸۵۴۵	جوارى
ج ۸۵۱۲	ج ۱۱۵۱۳	ج ۱۹۵۱۵	کورى
ج ۲۵۳۱	ج ۲۵۲۹	ج ۱۸۵۴۵	لهڙو
ج ۱۴۵۳۳	ج ۱۴۵۳۳	کودرم
ج ۸۵۳۱	ج ۱۹۵۳۰	ج ۸۵۳۱	منڊو
ج ۱۸۵۴۴	ج ۱۵۵۴۳	ج ۹۵۴۱	ج ۱۲۵۴۰	کنڇو
ج ۱۱۵۱۳	ج ۸۵۱۲	ج ۸۵۱۲	شماخ
.....	ج ۵۵۴۰	موزنگ

آل نوریا حمزہ زردک نریمزہ ولایتی ابرہ زردچوہہ این جدول موافق [۴] است ۥ

صوبه بنگاله *

از آنجا که سگالش شاهنشاهی جهانگیر است آغاز از بنگاله که پایان هند است مینماید * و
بزابلستان می برد * امید که توران و ایران و جز آن افزوده آید * هرچه از سرکار شرقی بوده پیشتر
آورد - سپس شمالی - جنوبی - غربی *

۵ این صوبه از اقلیم دوم است درازا از بندر چائگانوتا گدهی^(۱) چهار صد کوه * پهنه از شمالی
کوه تا پایان سرکار مدارن دویست * و چون ملک اودیسه برین صوبه افزایش یافت چهل و سه
کوه در طول و بیست و سه در پهنه برافزود * خاور شور دریا - شمال و جنوب کوه - باختر صوبه بهار -
آفتاب برآمد ولایت ست بهائی نام - ازین ملک شماره کذند * عیسی افغان بران چیره دست *
منبر و سکه بنام شاهنشاهی آراند * در آنجا درخت انده بقدر آدمی و کمتر شود و نیک بار آورد * و
۱۰ پیوست آن فراخ ملک ست - الوس تیره در آنجا بسر برد * بجای مانک نام مرزبان * و هر که
راجگی یابد خطاب او به مانک انجام گیرد و نام امرا به نراین * دو لک پیاده و هزار فیل دارد * اسپ
کمیاب * شمالی این صوبه ولایت ست آنرا کوچ گویند * بزرگ آن سرزمین خداوند هزار سوار و یک
لک پیاده * کامروپ که این و آن کانور خوانند و کامتا بدست اوست * در آنجا نکورویی بس فراوان
و جانگوری از اندازه بیش * شگرف داستانها برگذارند * گویند خانه سازند ستون و دیوار و سقف
۱۵ از آدم باشد * برخی را به نیروی سحرپردازی برین دارند و گناه اندوزان نیستی سزاوار نیز بکار روند * و
هر که بخواهد خود تن بدین کار دهد یک سال بکار کرد او بازخواست نرود - گوناگون نعمت برو
آمده دارند * و چون هنگام رسد چنده شمشیر برگرفته اینان را از هم گذارند * و از جنبش و
آرامش و دیگر حال برگرانی و ارزانی و افزونی عمر و دراززندگانی مرزبان و گاهش غنیم آگهی
یابند * و نیز آبستن تمام شهر را شکم دریده فرزند بیرون آورند و از آن نیز لخته بر آینده پی برند *

۲۰ شگرف درختی ست - چون شاخ ببرند شیرین آید از توارد و تشنگان را سیراب سازد *

انده ایست که تنه ندارد - چون بیارند انگور بد درخت بر آید و بر دهد *

و گله ست پس از برکندن افزون از دو ماه به پرمردگی نگراند و از رنگ بو نیفتد * از حمایل بر سازند *
و پهلوی این ولایت ملک راجه آشام است * فراوان شکوه از برگذارند * چون روزگار او
سپری شود خاصان او مرد و زن کشاده پیشانی زنده در گور شوند * و پیوست آن پایان تبت و چپ
۲۵ این ختا * ازو بهماچین گذارش رود و عامه ماچین گویند * از خان بالغ که دارالملک است تا

احوال دوازده صوبه *

سال چهارم الهی در هزار و هفتصد و سی و هفت قصبه از صد و پنج سرکار در قلمرو بود *
چون جمع ده ساله قرار گرفت (و آن سه ارب و شصت و دو کرو و نود و هفت لک و پنجاه و پنج^(۲)
هزار و دویست و چهل و شش دهم و دوازده لک برگ تبول) گیتی خداوند آن را دوازده بخش
بر ساخت * هر یک را صوبه نام نهاد و بنام آنکا یا شهر روشناس گردانید - اله آباد - آگره - اوده
اجمیر - احمد آباد - بهار - بنگاله - دهلی - کابل - لاهور - ملتان - مالوه * و چون برار و خاندیس و
۵ احمدنکر کشایش یافت پانزده قرار گرفت * لخته از هر کدام بر می نویسد * و داستان فرماندهان
و سال مه اینان بگزین قول بر میگذارد *

(۱) احوال دوازده صوبه یعنی از آنجا تا ابتدای دفتر چهارم در [د] نیست || (۲) در [۴] داند ؟ ||
(۳) همچنین در [۴] * و در دیگر نسخها سال و مه ||

(۱) صاحب سیرالمتاخرین قلیا گدهی نوشته || (۲) در [۴] نیست || (۳) [۴] داند ؟ ||

بدریای شور چهل منزل رودی بریده اند و هر دو کناره بسنگ و چونه بر آورده * سکندر رومی ازین حدود بآن دیار شتافت * ونیز راه نشان دهند که بچهار شبانه روز توان رفت *

میان شرق و جنوب بنگاله فراخ ملکی ست ارننگ نام * بندر چائگانو ازوست * فیل بسیار شود و اسب کم و خرد - شترگران ارج - گاو و گاو میش نبود * جانورے ست ابلق که بهر ازین در ۵ دارد بگونگون رنگ بر آید و شیر اورا بخورند * و کیش اینان برخلاف هندو و مسلمان نشان دهند * خواهر خصوص توام را بگیرند و تنها از مادر حقیقی پرهیزند * دانش اندوز ریاضت کیش را راولی گویند * و از به دید او بیرون نشوند * رسم آنست که در دیوان زنان سپاه حاضر شوند و مردان بکوننش نیایند * بیشتر سیه نام و کوسه *

نزدیک بدین گروه پیگو و آنرا چین خوانند * در برخه باستانی نامها دارالملک چین ۱۰ نویسند * فیل و پیاده فراوان دارد و سفید فیل نیز پدید آید * یکسوی ولایت او خشکی^(۳) است * کان یا قوت و الماس و طلا و نقره و ممس و نفط و گوگرد در آن * و اورا بقوم مکه بر سر کان آویزش رود و به آلبوس تیره نیز کارزار شود *

نام اصلی بنگاله بنگ * فرماندهان باستانی به پهنای بیست و بلندی ده گز در همگی آنکا خیابانے بسته اند آنرا آل گویند (بهمه و الف و لام) * از پیوستگی آن به بنگاله زبانزد آفاق * گوما ۱۵ باعثدال نزدیک و سرما بس کم * میانۀ نور آغاز بارش شود - تا شش ماه افزون ریزش باشد و زمینها بآب فرو شود و جز آن خیابان نماند * از دیرباز بایان باران هوا تباه شده و گزند بچانداران رسیده * از خجستگی این جاوید دولت آن شورش فرونشست * رده باران از شماره افزون و گزین دریای این صوبه گنگ (بدو کاف فارسی مفتوح و میان نون خفی) * سرچشمه آنرا که نشان نهد * هندی حکیم بر آنکه از موی سرمهادیو فرو میروزد * از شمالی کهسار پدید آمده بصوبۀ دهلی و دارالخلافه ۲۰ آگوه و اله آباد و بهار گذشته بدین صوبه در آید و نزد موضع قاضی هته از سرکار باریک آباد دو بخش شود - یک بسموی خاور رفته نزد بندر چائگانو بدریای شور در شود * درین جدائی بد هارائی نام گیرد و دیگرے رو بجنوب آورد * سه بخش گردد - یکرا سرستی گویند و دیگرے را جون - و سوم را گنگ * بهندی زبان تربیتی خوانند (بکسر تایی فوقانی و سکون را و کسر با و سکون یایی تحتانی

(۱) [ش] اسپ کمباب - و خرو و شتر الخ || (۲) [گ] و صاحب سیر المتأخرین [و لی] و در [ش ف] در حاشیه نوشته که راولا درویش باشد * تحفة الهند * در چند نسخه و در خلاصه التواریخ راوتی بتای فوقانی || (۳) همچنین در هر نسخه و در خلاصه التواریخ که از آئین نقل کرده * و صاحب مهر ارننگ نوشته || (۴) همچنین در [۴ و ۳] * [ش ف] پدماوتی - و یحتمل که این درست باشد * [ف] پدماوتی || (۵) [گ] تربیتی ||

و کسر نون و سکون یایی تحتانی) و بس گرامی دارند * و سرمین نزد ساتگانو هزار شعبه شده بدریای شور پیوندد * و سرستی و جون نیز در شوند * و برستایش این رود بار دانشوران هند نامها برنگاشته اند * و از آغاز تا انجام معبد شمرند * برخه جاها را گزین خاصیت - و آب اورا ارمغانی بدور دستها برند * ۵ مرجۀ از بحر قدم شناخته در بزرگ داشت آن ایزدی پرستش اندیشند * و از کهن دستانها یکسو - شیرینی و سبکی و گوارائی بنقد جوهر بزرگی برگزید * و با این سالها در آوند بماند و دگرگونگی نپذیرد * و دیگر بهر پتر (بفتح با و سکون را و های خفی و میم و ضم یایی فارسی و سکون تایی فوقانی و ز) - از خطا بکچ آید و از انجا بسرکار باتوها * سیراب سازد و بشور دریا در شود *

و دیگر دریای شور و آن خلیجی است از محیط - یکسوی او بصرة رسد و جانب دیگر بقلزم مصر و از انجا بعجم گراید و بحبشه شتابد که دهلک^(۱) و سواکن انجاست و عمان و بحر فارس بر خوانند * ۱۰ بیشتر کشت و کار شالیست و چندین گونه شود * اگر از هر یک دانۀ برگیزند بزرگ سبزی برآمده گردد و در یک قطعه زمین ساله سه بار کارند و دروند * کمتر گزند رسد و چندانکه آب افزاید تنه ببالد و خورش بآب در نشود چنانچه کار آگاهان بالش یکشبه را شصت دست انداز بر گرفتند * رعیت فرمان پذیر و مال گذار * ساله هشت ماه خواسته پایه پایه باز دهند - رویه و مهر خودها بقرابجا رسانند و رسم غله بخشی نباشد * و همواره از زانی بود و در پیمودن آن باز نگیند و خواهشگری مال بر نسق رود * گیتی خداوند از مهربان دلی همان آئین برجا داشت * بیشتر خورش برنج و ماهی - ۱۵ گندم و جو و جز آن گوارا نیاید * و بسیاری مرد و زن برهنه باشند و جز لنگ نپوشند * و مدار کار بر زنان بود * بنگه نی بست و لخته چنان بر سازند که در یک پنج هزار رویه و افزون بخرج رود و دیرها بپاید * آمدش بر کشتی باشد خاصه هنگام بارش * برای آویزه و بار و تیز روی گوناگون بر سازند و قلعه گیری را چنان آماده گردد که چون بساحل پیوندد سر از قلعه برافرازد و باسانی چیره دستی ۲۰ رو دهد * و در خشکی بر سکها سن (بضم سین و کاف و های خفی و الف و فتح سین و سکون نون) - بسترے ست هلال پیکر از صوف و سقراط و جز آن بپوشند و بهر دو طرف از گوناگون کانی بستگی^(۲) (؟) نهند و تیرے بر انراز داشته بقلاب پیوند دهند و در راه نور دی نشستن و دراز کشیدن و خوابیدن بشابستگی رو دهد - و برافرازان جهت تابش و بارش گزین پناه برگذارند و گاه بردارند * و لخته بر فیل عشرت اندوزند و اسب سواری بس کم * و برخه حصیر آنجا بابریشمی بافته ماند *

۲۵ و خواجه سرا ازین دیار بر آید - و آن سه گونه بود مذللی بادامی کانوری * نخست راه رسه عضو از بیج برند و اطلسی نیز گویند * دومین را قدرے آلت فعلی باشد * سومین آنکه خصبتین

(۱) در نسخا ده لك * و در تقویم البلدان نوشته که جزیره سواکن (بفتح سین و کاف المکسره) فی بحر القلزم - و جزیره دهلك (بفتح الدال المهملة و سکون الهاء ثم لام مفتوحة و کاف) من جزائر بحر القلزم || (۲) [۴] مشکي ؟ [ف] مسکی ؟ [غ] بستگی ||

اورا هنگام خردی بمالش نابود گردانند یا برآوند * چنان برگذارند جز آدمی هر جانداری که خصی کنند از آن سرکشی فرو نشیند و مردم زاد را برافزاید *

نملک بس عزیز باشد و از دوردست آورند * و الماس و زمرد و مروارید و عقیق و یشم از بنادر آید * میوه و گل فراوان بود * و فوفل چنان شود که بخوردن آن لبها بسرخ می گراید *

جنت آباد شهر یست باستانی * چندگاه دارالملک بود و به لکنوتی زبان زده آفاق * و برخی زمان به گور * جهانبانی جنت آشیانی بدین نام روشناس گردانیدند * گزین قلعه دارد و شرقی او گولایست چهلپایه نام - بس جزیره درو * اگر در بند او شکسته رود شهر باب در شود * و شمال او بیلک کوهی عمارت و حوض بانگار باستان * از دیوار آب آنجا خاصیت زهر داشت - آنرا بیاباری گویند * گناهکاران نیستی سزاوار بدانجا بند کرده - در کمتر فرصتی از آن آشخور راه عدم گرفته و امروز از خجستگی زمان شاهنشاهی نه چنان *

محمود باد * گرد قلعه او خلاصه استواری افزوده * مرزبان این دیار در زمان چیره دستی شیرخان برخی فیان خود را بچنگل این بوم سر داده بود - از آن باز فراوان فیل * درو فلفل دراز شود * و در سرکار خلیفت آباد بس درخت و صحرائی فیل درو *

سرکار بگلا ساحل دریای شور * گرد قلعه درخت زار * سرآغاز هر هلالی ماه تا چهاردهم دریا بموج خیز در آید و از پانزدهم تا آخر پایه پایه بکاهد * و در سال بیست و هشتم الهی سیوم پهر ۱۵ روز شگوف سیلاب آمد و همگی سرکار را فرو گرفت * مرزبان آنجا جشن داشت * خود را بر فراز کشتی رسانید و پرمانداری پور او با برخی بر بختخانه برآمد و بازگانه بر تالار شتامت * تایلک و نیم پهر جوش دریا و شورش ابر و باد بود - خانه ها و کشتیها فرو شد و بختخانه و تالار را گزند نرسید * نزدیک دو لک جاندار در آن طوفانی جوش فرو شد *

در سرکار دهوه گهات ابریشم و پارچه تات بند * و خواجه سرا و اسپ گوت فراوان بود * ۲۰ و هندی میوه بسیار خامه لکن * میوه ایست برابر جوز بمزه نار و سه دانه درو *

در سرکار باربلک آباد پارچه گنگاجل گزین بافند * میوه کوله بسیار شود *

و در سرکار بازوها شگوف درخت زار * بس چوبهای سطر دراز پدید آید و از آن تیر کشتی بر سازند * کان آهن در آنجا *

و در سرکار سنارگانو پارچه خاصه فراوان و گزین شود * و قصبه کیاده سندر حوض بزرگ ۲۵ دارد و هر پارچه را که در آن شست و شو دهند صفای دیگر بخشد *

(۱) [۵] بیاباری یا پیار باری * [۶] پیاز باری * [۷] بیاباری * [۸] سال باری *
(۲) [۱] لکن * [۲] کتاره *

و سرکار سلطه درو نه کهسار * خواجه سرا بسیار بر سازند * و میوه ایست سون تیره نام نازکی رنگ لیکن ازو بالیده تر و بص شیرین * و چوب چینی فراوان * در پیشین زمان پیدائی نداشت و از گذار کار بدگان روم که و مه بر شناخت * درخت عود درین کوه بس فزون - در انجام بارش بریده بر زمین اندازند * بسپری شدن زمانه باندازه خامی و پختگی نامها برگیرد * و بهنگراج (بفتح با و هاء خفی و نون پنهان و کاف فارسی و را و الف و جیم) جانوریست سیاه فام سرخ چشم درازدم - دو پروایک گزی - بدام برگیزند و رام سازند - زبان هر جانور که شنود یاد گیرد و گوشت خورد * شیر گنج (بکسر مجهول شین منقوط و سکون یای تحتانی و را و ضم کاف فارسی و نون خفی و جیم) بد انسان لیکن منقار و پا سرخ - در تقلید اندوزی همپای او - گنجشک و مانند آن بشکند و بخورد *

و چانگانو بزرگ شهر یست بر ساحل شور دریا و گرد او درخت زار * از گزین بنادر بر شمرد *

۱۰ نصاری و دیگر باترگان فراهم آید *

در سرکار شریف آباد گزیده گاو پدیدار شود سفید فام و شایسته سنجی شتر آسا - نشانه بار کنند - پانزده من کشد * بربری بز و جنگی خروس نامور شود *

در سرکار ساتگانو دو بندر است بدوری نیمه کوه یک ساتگانو و دیگر هوگلی - پسین تاجور - هردو بدست نرنگ * و انار گزیده شود *

۱۵ و در سرکار مدارن موضع هرپه * کان الماس بیشتر ریزه ریزه بهم رسد *

اوایسه *

پیشتر جداگانه ملکه بود * آب و هوای او بس سازگار * خدیو جهان پنج سرکار فرمود - سرکار جلیسر - سرکار بهدرک - سرکار کنگ - سرکار کلنگ دندپات - سرکار راجه مهذره * امروز هر پنج داخل صوبه بنگاله * صد و بیست و نه قلعه پخته * مرزبان او را گچ پتی گفته * هشت ماه بارش شود و سه ماه زمستان یکماه تابستان * بیشتر کشت و کار شالی و خوراک برنج و ماهی و بادنجان و سبزی * برنج پخته در آب سرد نگاهدارند و دوم روز غذا بر سازند * مردان زن آسان بصندل اندایند و زیور بربندند * و زنان جز عورت نپوشند و بسیاری پوشش از برگ درخت سازند و دیوار از تواره و بتخانها سنگین و بس بلند * فیل بسیار شود * زبان این مرز بنگالیان هم نفهمند * و یک زن چند شوهر برگیرد * و برگ درخت تاز بولادی قلم نامها نریسند و خامه بمشت برگیزند * کاغذ و سیاهی کمتر بکار رود * سکه اس و پارچه و خواجه سرا و گل و میوه فراوان - خاصه گل نسوین بس نازک خوشبو برونی برگها سفید - درونی زن * کیوه صحرا صحرا و گوناگون برگ تنبل * و درو داده اند

(۱) [۵] و باندازه * [۲] [۳] پسین تاجور * [۴] سمن ناحور ب نقطه * [۵] پسین آجور *

بکودی شود (بفتح کاف و سکون واو و کسر دال هندی و سکون یای تختانی) ریزه مهره سفید نام
بیشتر میان چاک- از شور دریا پدید آید * چهار اورا گنده گویند (بفتح کاف فارسی و نون خفی و دال
هندي و هاي مکتوب) و پنج گنده بودی (بضم با و سکون واو و کسر دال هندی و سکون یای
تختانی) و چهار بودی را پن گویند (بفتح باي فارسی و سکون نون) و شانزده پن را کهار (بکاف
و هاي خفی و الف و فتح واو و سکون نون) * و برخه بیست را * و ده کهارن یک رویه *
کَلک سنگین قلعه ایست میان دو رود مهندی که هندی نژاد بدو نیایش کنند و گنجری و مرزبان نشین
و دران والا کاخها * هنگام بارش هرسی او پنج شش کروه فرو گیرند * و راجه مکند دیو عمارت نه آشیانه
بر ساخته در نخستین فیلخانه و اصطبل - دوم توپخانه و برخه کشکداران و شاگرد پیشه - سیوم بقاق داران و
دربانان - چهارم برخه کارخانه - پنجم مطبخ - ششم دولتخانه بزرگ - هفتم خلوتخانه - هشتم حرم سرای - نهم
آسایش گاه مرزبان * و در جنوب آن بتخانه ایست از باستان * مشرف برو در شهر پستوم بر ساحل دریای ۱۰
شور معبد جگنآته (بفتح جیم و کاف فارسی و نون مشدد و الف و فتح تاي فوقانی و هاي خفی) *
نزد او پیکر کشی و برادر و خواهر او از مندل بر ساخته اند * گویند پیشتر ازین چهار هزار سال و کسری
راجا اندر دمن مرزبان فیلکر پیریت دانشور برهنه را بگزیدن سرزمین برای شهر آبادی فرستاد * او تنگاد
و پژوهش درآمد - کنار شور دریا گزین جائی یافت و او را بدیگر جاها می سنجد * ناذه زان دید که بدریا
در شد و نین شویی کرده نیایشگری نمود و از کارکرد او بشگفت ماند * چون زبان جانوران میدانست از ۱۵
حال پرسش نمود * پاسخ یافت من از گروه دیوته بودم نفرین ریاضتگره مرادین پیر آورد و
یک از رهنمون آگاه چنان برگذار این جهان آفرین بدینجا نظریه خاص دارد - هر که چنده درین
سرزمین بسربرد و در الهی پرستش روی دل آورد زود بمراد گراید * و چند سال است که بدین
روش در یوز رهایی میکنم و گاه آن شده که خواهش بانجام گراید چون گوهر شایستگی داری نظارگی
می باش و شگرفی آن بوم بر شناس * برهن را در کمتر زمانه شنوده بچشم درآمد * راجه را ازین آگهی ۲۰
داد و بزرگ مصره آباد شد * جایی خاص را عبادتگاه بر ساخت * راجه شی دادگری نموده بر بستر
نیایشگری بر آسوده چنان نمودند که در فلان روز بر ساحل دریا چشم انتظار برکشا - چو بدرازی پنجاه
و دو انگشت و عرض یک ونیم دست خواهد آمد - آن پیکر خاص ایزد بیست - برگیر و بتخانه در بسته
هفت روز نگاهدار و بهر صورتی که بر آید در بتخانه داشته محراب پرستش بر ساز * همچنان در بیداری
یافت و آنرا بیاروی الهام جگنآته نام نهاد و بزر و جواهر در گرفت * نیایش گاه که و مه آمد و فراوان ۲۵
خارق عادت ازو برگذارند * کلا بهار نوکر سلیمان کرانی چون برین دیار چیره دستی یافت آن چوب را

در آتش انداخت و بسوخت و سپس در دریای شور افکند * و امروز بار بر آورده اند و چنین دیوانسانهای
هنگامه آرا برگذارند * و آن سه پیکر را هر روز شش بار بر شویند و تازه رخت پوشانند *
پنجاه شصت زبانه دار استاده خدمتگداری کنند و هوبار شولان بزرگ بر کشیده پیش آن صورتها آورند
تا بیست هزار کس از اولش بهره بگیرند * و عرابه شانزده پایگی بر سازند - هندی رتبه گویند (بفتح
ه و تاي فوقانی و هاي خفی) و برو سوار گردانند و پندارند هر که آنرا بکشد از نکوهیدگی پاک گردد
و سختی روزگار نبیند * و نیز نزدیک جگنآته بتخانه ایست منسوب بافتاب * خراج دوازده ساله آن مملکت
بخرچ رفته * و در بینان دشوار پسند از دید آن بحیرت در شوند * بلندی دیوار صد و پنجاه دست و پهنای
نوزده - سه دوازده دارد - شرقی رویه پیکر دو فیل خوش سنج تراشید، اند - هر یک آدمی را در خرطوم در آورده *
و بغری صورت دو سوار پنداخته اند با ساز و پیرایه و جلودار * و بشمالی تمثال دوشیر - هر کدام فیل را
۱۰ شکار کرده بر فراز نشسته * و در پیش ستونی از سنگ سیاه هشت پهلودار از پنجاه گز * چون از نه رینه
بر گردند صحنه دلکشا و سترگ طاقی از سنگ پدید آید * دران خورشید را باد دیگر ستارگان برکنده * و بر
گرد آن گوناگون پرستار هر گروه بنمطه سرزمین ایستاده نشسته افتاده خندان گریان حیران آگاه *
سپس رنگارنگ خنیاگر و شگرف جانداران که هستی شان جز در خیال نباشد * گویند پیشتر
ازین بهفت صد و سی سال و کسری راجه نرسنگ دیو این بنای عالی بانجام رسانید و سترگ
۱۵ یادگار بر گذاشت * و بیست و هشت بتخانه دران نزدیک - پیش دروازه شش و بیرون محاطه بیست
و دو و از هر یک داستانها برگذارند * برخه بر آنکه کبیر مؤحد آنجا آسوده * بسا حقایق از زبان گفت
و کارکرد او امروز در میانست - از فراخی مشرب و بلندگی نظر مسلمان و هندو دوست داشته * چون
خانه استخوانی و پرداخت برهن بسوختن رو آورد و مسلمان بگورستان بردن *
این صوبه بیست و چهار سرکار دارد و هفتاد و هشتاد و هفت محل * جمع پنجاه و نه کور
۲۰ و هشتاد و چهار لک و پنجاه و نه هزار و سیصد و نوزده دام همه نقدی * زمیندار بیشتر کابنه * بیست و
سه هزار و سیصد و سی سوار * هشت لک و یک هزار و صد و پنجاه پیاده - هزار و صد و هفتاد فیل -
چهار هزار و دویست و شصت توپ - چهار هزار و چهار صد کشتی *
و پرگنجیات بتزیین حروف ابدت در جداول طولانی نگاشته آمد - هر صفحه دو لخت
گردید و برخه احوال گذارش یافت *

سرکار اوتنیر عرف تانقه *

۳۱۴۱۰ د	خانپور *	۲۴۰۷۹۳۹۱ د	نقدی
۲۵۰۵۹۷ د	دهاره *	۱۳۳۰۱۷ د	آسی محل *
۵۵۹۵۵۷ د	دیویا پور ^(۷) *	۴۰۴۲۸۷ د	اچلا درس پاره اشرف نهال ۳ محل *
۲۴۲۸۰۲ د	دارد شاهي *	۳۶۰۳۵۷ د	ابراهیم پور *
۲۲۵۷۴۵ د	دگچي ^(۸) *	۲۳۱۹۵۷ د	اجيال گهاتي *
۱۱۵۵۳۲ د	رام پور *	۳۶۹۳۵۷ د	آنگچي ^(۳) *
۱۳۸۱۲۲ د	رویس پور ^(۹) *	۶۶۶۲۰۰ د	بدنه گنگل *
۱۳۶۸۸۷۷ د	سروپ سنگه *	۴۱۵۴۷۰ د	بهتال *
۴۵۶۳۹۴ د	سلطان پور اجيال *	۳۱۴۷۸۰ د	بهادر پور *
۱۹۸۷۴۲ د	سلیمان شاهي *	۲۴۶۵۵ د	باهراري ^(۴) *
۱۹۷۷۶۰ د	سلیمان آباد ^(۱۰) *	۱۹۳۰۲۵ د	پیلواری *
۱۸۷۰۹۷ د	سلیم پور *	۱۳۸۱۰۲ د	بهادر شاهي *
۱۷۶۴۵۰ د	سبلا ^(۱۱) *	۴۳۲۶۱۰۲ د	ثانده با حویلي *
۱۷۸۲۳۰ د	شیرشاهي *	۲۰۱۹۹۷ د	تاج پور *
۳۶۱۹۵۲ د	شمس خاني *	۱۱۷۲۵ د	تعلق بر بهاکر *
۱۶۳۰۹۷ د	شیر پور *	۱۹۶۳۸۰ د	تنولي ^(۵) *
۳۴۷۷۸۷ د	فیروز پور *	۵۸۹۴۶۷ د	جونا گهاتی *
۱۶۰۷۲۰۰ د	کنور پرتاپ *	۱۹۰۰۲۷ د	چاند پور *
۱۵۸۹۳۳۲ د	کانگ جول ^(۱۲) *	۱۹۰۲۰۵ د	جیقني ؟ ^(۶) *
۱۲۶۵۶۳۲ د	کانه گده *	۱۴۵۳۰۵ د	چونگ ندیا *
۸۹۴۰۲۷ د	گنکره ^(۱۳) *	۱۰۶۲۵۵ د	حاجی پور *
۳۶۲۴۰ د	کاشی پور *	۲۶۶۵۴۵ د	حسین آباد *

(۱) معنی حرف د دام است و یک روپیہ اکبرشاهی چهل دام باشد (۲) [غ] اچهل (۳) در چند نسخه امگاچی بمیم نوشته و همچنین در نقشا (۴) [غ و ش] باهراري * [۳] پلهزاري (۵) [ض] تنولي * [ش و ۳] هولی برخلاف ترتیب حروف ابنت (۶) [۴] یقینی * [گ ف و س] نصیبی * [۴] پفسی (۷) [غ و] دیویا پور بیای عربی * و در نقشا دیویا پور بنای فوقانی (۸) [ش ف و س] درگاچی (۹) همچنین در [۴] * در دیگر نسخه رویس بیای تختانی * [ض] رویس فقط * [ش] درویش پور (۱۰) [۴] سلیم آباد (۱۱) همچنین در [۴] * [ض و ۳] سنبل * [ف ۴] سنبل بنون * [ش گ] سنبل (۱۲) [ش] چونگ * در دیگر نسخه جوی بکاف (۱۳) در نقشا گنکر بغیرها (۱۳)

۳۶۲۴۰ د	کچلا *	۴۵۸۳۷ د	ندکورین *
۱۴۴۰ د	کانور دیا *	۸۲۵۹۸۵ د	نرانگر *
۱۵۰۳۵۲ د	مولیسر *	۳۷۷۷۵۰ د	نصیب پور *
۲۲۶۷۷۰ د	مذگل پور *		

سرکار جنت آباد یعنی لکهنوتی *

۱۸۸۴۶۹۶۷ د	شصت و شش محل *	۱۸۸۴۶۹۶۷ د	قوم کابته
۱۷۰۰۰ د	و زفاردار * سوار * ۵۰۰ پیاده *	۷۸۶۹۴۰۲ د	جنت آباد عرف گور *
۷۸۶۹۴۰۲ د	قلعه خشتین دارد * جوار متضمن ۱۴ پرگنه	۱۵۷۳۲۹۶ د	بدین تفصیل
۱۳۸۹۲۵ د	اجور ^(۲) *	۱۳۸۹۲۵ د	اجور ^(۲) *
۱۹۴۵۰۸ د	بارکهور ^(۳) *	۱۲۷۰۶۰ د	بلیر *
۲۱۱۲۶۰ د	حویلی اکرا *	۲۱۱۲۶۰ د	حویلی اکرا *
۱۴۰۳۴۰ د	دهن پور *	۱۱۲۲۰۸ د	دیویا *
۷۱۰۰۰ د	سیرهور *	۹۸۴۰۰ د	شاه بالا *
۸۰۰۰ د	شاه لکسری ^(۴) *	۵۰۲۰۰ د	کیمکتر *
۱۵۱۸۹۰ د	مدنارنی *	۶۹۸۰ د	مودی هات *
۲۴۲۷۱۰ د	ناهت *	۲۸۵۱۵ د	هست گنج پور ^(۵) *
۲۸۵۱۵ د	براری پنجر *		
۲۰۰۹۳۴۴ د	جوار در سرک ۱۶ محل بدین تفصیل	۷۸۰۰ د	اچاری خانه که آنجا ادراک میفرشند
۸۲۶۱۴۳۴ د	بهتیا *	۹۱۵۶۰ د	بیل باری *
۳۷۶۰ د	بازار قدیم *	۶۲۸۳۵ د	در سرک *
۳۲۰۰ د	رایکاماتی *		سایر از گنگاپت و اطراف
۱۷۰۸۰۰ د	هندوی و غیره *	۲۰۰۰ د	شیرپور و گنگل پور ۲ محل
۴۰۰۰ د	شهباز پور درون شهر *	۴۱۹۲۰ د	غیاث پور *
۱۶۳۷۷ د	کملا ^(۶) *	۱۲۰۰۰ د	کالها چپایا ^(۷) *
۱۳۰۰۰ د	مودی محل *	۳۶۰ د	میو محل ^(۸) *
۱۱۷۶۰ د	حاصل بازار جدیدی *	۸۶۹۰۰۰ د	جوار دهی کورت ۷ محل *
۶۶۸۹۰۰ د	براری پنجر *		

(۱) همچنین در [ض گ] * [ف] جوار کهر * [۳] جوار اکهر * [۴] جوار اکرا - و این درست باشد (۲) در نقشا اجهور (۳) [ش ف و ۳] بارکهور برای مهمله و دو های خفی (۴) [ف و ۳] شاهسری * [غ] شالکسری (۵) [۳] هشت * [گ] هست گنج (۶) در نقشا کملا باری (۷) [غ] چپایا بیای تختانی (۸) [ض ش] میو محل * [گ] میذا محل (۱۳)

۱۳۱۹۲۳۷۷ ۵	جوار سرتآباد - جمع ۵۰ مصل *	۳۷۷۲۰ ۵	پاکور *
۹۷۳۶ ۵	اکبرپور *	۳۱۶۲۴۰ ۵	دھي کوٹ *
۸۵۲۸۰ ۵	بار دیار *	۱۳۰۹۲۰ ۵	دھل گانو *
۳۹۶۱۰۰ ۵	خضرپور *	۸۴۳۶۰ ۵	شاهزادہ پور *
۵۵۳۰۸۰ ۵	سرتآباد *	۱۴۱۴۶۰ ۵	مالی گانو *
۷۸۸۴۲۷ ۵	کوٹوالی *	۶۱۸۸۰ ۵	مردی پور *
۳۳۴۸۸۰ ۵	گرہند ^(۳) *	۷۴۹۷۹۵ ۵	جوار راموتی ۷ مصل *
۲۰۰۰۰۰ ۵	گدھی *	۲۰۷۵۰۰ ۵	بدھنی ^(۱) *
۱۰۶۴۸۰ ۵	مکرائی *	۱۹۴۷۶۷ ۵	راموتی *
۶۳۰۷۷۰ ۵	مانکپور و ہند ^(۴) ۲ مصل *	۱۰۳۰۰۰ ۵	سیل کھریا *
۲۰۰۰۰۰ ۵	جوار مالده ۱۱ مصل * باہک پور * بازار یوسف ^(۵) *	۹۳۳۲۰ ۵	سنگ کلکر ^(۲) *
۲۰۰۰۰۰ ۵	حوبلی مالده * دھیر پور * سوچا پور * سربان دھل پور ^(۷) *	۲۹۲۱۰ ۵	سلطان پور *
۲۰۰۰۰۰ ۵	سنگودیا ^(۸) * شالیسری * شان مندوی ^(۹) * فتح پور *	۱۴۴۴۷ ۵	سنگ دوار *
۲۰۰۰۰۰ ۵	معز اندین پور *	۱۰۷۵۵۰ ۵	ماہی نگر *

سرکارِ فتح آباد *

چوہانہی *	۳۰۲۰۰ ۵	۳۱ محل نقدی ۷۹۹۵۹۸ * سیورغال نڈارن *	۱
حوبلی فتح آباد با بلده	۹۰۲۶۶۴ ۵	سہ فرقہ زمیندار * ۹۰۰ سوار ۵۰۷۰۰ پیادہ *	۲
حاصل نمک *	۲۷۷۷۵۸ ۵	ایسر اچارج *	۳
حضرت پور *	۱۱۶۴۰ ۵	بہولیا بیل *	۴
حاصل بازار *	۱۱۴۶۷ ۵	بلور *	۵
رسول پور *	۱۰۳۷۶۷ ۵	بھاگل پور *	۶
سون دیپ *	۱۱۸۲۴۵۰ ۵	باتھادیا *	۷
سرهار کل ^(۱۰) *	۷۸۷۴۳۰ ۵	تیل ہٹی *	۸
سری سانہی *	۱۷۳۲۲۷ ۵	چرن لکھی *	۹

(۱) همچنین در [ش ۵ گ] * [۳ و] بدھلی * [۴ ۲] بدھیلی || (۲) همچنین در [ض ۳] * [ف ۴] کلکولواو * [گ ۵] ککرا || (۳) همچنین در [۵ ۴] ودر نقشا * در دیگر نسخه کوه‌دها * [گ ۵] گره مند || (۴) [ض ۵] هتندا || (۵) نقدی این یازده محل در نسخه مشخص نیست || (۶) [۵ ۴] بارنک پور بنون * [ف ۵] بایک‌پور || (۷) [۳ ۳] سیراپهل || (۸) [۵ ۴] سنکندوبای بقای فوقانی * [ش ۵] سکوما || (۹) همچنین در [۵ ۴] * [ض ۳ و] شاه مندوی بها * [ش ۵] شاه مندوی * [۴ ۵] شاه مندوی || (۱۰) [۵ ۴] مدهارل بدال ||

۵۵۳۱۲ د	مسند پور *	۵۳۸۸۲ د	سوديا *
۲۲۱۷۲ د	ميران پور *	۳۷۱۴۷ د	سدهوا *
۱۳۳۳۶۵ د	نذکرين *	۱۸۵۷۲۳۰ د	سوايل عرف جلال پور *
۴۹۴۲۴۵	نقیلسر ^(۱) *	۷۳۳۱۷۲ د	شهباز پور *
۲۰۹۹۰ د	نعمت پور *	۱۱۸۱۳۵ د	کهرک پور *
۲۱۵۹۷ د	هزارهتی *	۱۰۴۱۰۵ د	کسوديا *
۲۵۸۰۲۵ د	يوسف پور *	۶۸۳۵۰ د	کوسا *
		۳۱۵۷ د	مکورگانو *

سرکار محمود آباد *

۲۶۱۵۵ د	بندوال *	۱۱۶۰۲۲۵۶ د	قوم کابته *	هشاد و هشت محل *
۲۲۷۱۰ د	پاتي کا مارا ^(۶) *	۵۸ هزار و یکصد پیناد *	دوست سوار *	
۱۴۸۹۵ د	بابهن کړلا ^(۷) *	۷۶۱۱۳ د	ادنيا ^(۴) *	
۱۲۵۷۲ د	پران پور *	۴۴۳۶۵ د	انوتم پور *	
۶۷۱۷ د	برمه پور ^(۸) *	۳۷۳۰۷ د	اجيال پور *	
۳۵۶۷ د	پتکا ماري *	۱۱۲۵۰ د	اندركگي *	
۲۰۴۵ د	پنپل پريا *	۱۹۲ د	آمده *	
۲۱۷ د	باكهوتيا *	۶۵۲۵۰۷ د	بازو راست *	
۱۲۳۳۸۷ د	بيل كسي *	۲۷۱۲۴۰ د	بازو چپ *	
۶۷۵۷۹۰ د	تاراكنيا ^(۹) *	۶۰۴۱۲۲ د	برادي ^(۳) *	
۹۲ د	تيا گهاټي *	۲۵۲۴۷ د	بيسي *	
۳۹۱۳۶۵ د	تارا اجيال *	۱۰۲۲۱۰ د	برين جمله *	
۹۱۲۵ د	چهار ديا [يا چهار ديا] *	۹۶۱۱۷ د	بيست پريا ^(۴) *	
۱۱۵۰۵ د	جياروگهي ^(۱۰) *	۸۵۴۴۷ د	باهنان *	
۷۶۲ د	جمناته پور *	۴۱۳۱۷ د	بانگان ^(۵) *	
۴۴۰۰۷ د	جيدی بر يا ^(۱۱) *	۸۰۱۹۵ د	بيل واري *	

(۱) [س] نقلیسرو * [ض] نقلسرو * [ک] نقلتسر * (۲) یا ادینا * [ش] آدینا * [ض] اونیوا بواو *
(۳) [ک] پزاری * (۴) [گ] بیت بریا * (۵) [ڄ] باکار * [ف] بانکا * [گ] بانکا بنون *
(۶) [ف] شی * [پانی بنون] * [ڄ] پالی کامار * (۷) [ش] باڙین * [ف] باهن * [گ] باهیین *
(۸) [ش] فگ * [برنه بنون] * (۹) یا تاراکینا * (۱۰) [ش] غس * [جهاو رکھی] * (۱۱) [ڄ] چندی پونا *

جیدیا *	۱۴۷۰۰ د	شاه اجیال ^(۸)	۶۴۷۸۷ د
جستن بازو *	۹۵۲۹۵۰ د	شیرپور پری	۹۴۰۲ د
حسین اجیال *	۳۴۵۱۳۵ د	شیرپور وناشوی؟ ^(۹)	۲۷۹۷ د
حویلی *	۹۱۵۷۵ د	عظمت پور	۱۴۴۲۲ د
خالص پور *	۵۶۸۰۵ د	غزنی پور	۱۲۳۶۷ د
خضرا خانی *	۱۰۹۲ د	فرحت پور	۳۰۱۷۹۰ د
خرم پور *	۲۶۵ د	فتحپور نوشیکا ^(۱۰)	۱۰۲۵۲۵ د
دکاسی *	۵۱۷۴۰ د	قطب پور	۲۳۳۵۲ د
درلبه پور *	۱۳۷۷۵ د	قاضي پور	۲۶۵۲ د
دشویی *	۱۳۶۶۵ د	کندلیا	۲۰۴۱۷ د
دیورا *	۱۰۷ د	کپیل پیاتی ^(۱۱)	۱۹۹۴۰ د
دهلت جلال پور	۱۲۰۰ د	کندی نوئی	۸۴۷۷ د
دوستیپنا ^(۱۲)	۱۰۵۲ د	کول بریا	۶۵۱۷ د
دهومرهات	۴۲۵۰۵ د	کودسا ^(۱۳)	۶۴۳۵ د
سدکی چال کوتیا ^(۱۴)	۸۲۰۵ د	کلیان پور	۲۶۲۳۵ د
سارونیا	۶۵۳۰ د	کلی محل	۲۶۷۱۷ د
سوسریا	۷۲۱۴۷ د	لانیان	۳۱۳۲۸۶ د
سنکودیا	۱۰۲۱۲ د	لون کومال	۱۵۴۲۵ د
سلیم پور	۳۳۶۳۷ د	مهمان شاهی	۵۷۵۷۲۷ د
سون تارا اجیال عرف کوما ^(۱۵)	۷۸۹۲۲۰ د	مکھیا	۱۴۵۰۵ د
سروپ پور	۷۴۸۲ د	محمود شاهی	۲۲۶۵۵۲ د
سالی بریا ^(۱۶)	۶۷۹۰ د	میرپور	۲۳۷۰ د
ساتور	۲۹۰۷۲۷ د	مهدیس پور	۴۲۸۵۲ د

(۱) همچین در [۵] * [گش] چیتن * [ضف] حسین * [۳] چین || (۲) [۳] ف [۳] دگاری *
 [گ] دگاری * [ش] گارسی || (۳) [گ] دهکت بکاف * [ش] دیکت * [۳] دهکت || (۴) [۵]
 دوستینا * [ض] دوستیا * [ش] دوستینا * [ف] دوشینا * [گ] دوشینا * [۳] دوشینا || (۵) [۳]
 کوتیا * [ف] کوتا * [ض] کوشا || (۶) [۳] کوتا * [ف] کوتا * [گ] گوما || (۷) [۵]
 ساتی * [۳] ساقی * [ش] سانی || (۸) [۵] شاددا || (۹) همچین در [۵] * [گ]
 شیرپور وناشالی * [ض] ماور سالی * [ش] ناسارنی * [ف] ناسانی || (۱۰) [۳] ف [۳] سیکا *
 [ض] سنکا || (۱۱) [۵] پانی * [ش] پاراننی * [گ] پاراننی * [۳] پاراننی * [ف] پاراننی ||
 (۱۲) [۵] کودسا * [ش] ف [۳] کاودا * [۳] کاودا * [ض] کاودا * [گ] کودا ||

مدهودیا	۶۹۵ د	ناشی پور که اجین هم گویند ^(۳)	۹۱۰۸۰ د
معروف دیه	۲۳۰۲ د	هم تن پور	۴۷۷۳۶۰ د
نلدنی ^(۱)	۸۰۴۴۴۰ د	هلدا	۱۲۴۵۶۶ د
نصرت شاهی	۲۷۲۴۵۰ د	هوال گهانی	۶۶۲۱۷ د
نکرچال کرتیا	۶۱۲۳۵ د	هتاپان ^(۴)	۳۶۶۵ د
نکر بانکا ^(۲)	۳۳ ۸۲ د	هوسی پور	۱۷۴۲۵ د

سرکار خلیفت آباد *

سی و پنج محل *	۵۴۰۲۱۴۰ د	تعلق سری پت کیراج ^(۸)	۸۶۷۵ د
مد سوار * پانزده هزار و صد و پنجاه پیاده *		جیسر عرف رسولپور	۱۷۲۳۸۵۰ د
بیال باقصه	۴۷۵۱۰۲ د	چرولا	۹۹۵۵۰ د
بهاگا	۲۳۰۵۱۵ د	چیلرا ^(۹)	۶۰۹۲۰ د
پونگا	۱۳۵۹۳۲ د	حویلی خلیفت آباد	۳۱۴۴۲ د
پونگا ^(۱۰)	۱۰۴۲۰۵ د	خالص پور	۳۲۷۷۰ د
باگه مارا ^(۱۱)	۸۱۸۰۷ د	دانیلا	۵۲۲۸۸۵ د
بهاندا	۲۵۳۰۰ د	رانگ دیا	۱۲۹۹۱۰ د
بهیدیس	۱۱۲۲۵ د	سپس پور ^(۱۲)	۲۶۰۳۴۰ د
بهیلیانه	۹۵۲۷ د	سلیمان آباد	۱۶۸۵۰۴ د
بیولنگر *	۶۶۶۶۰ د	ساحس	۹۱۵۰۰ د
تعلق کاسیناته	۲۹۷۷۲۰ د	سوپهنا ته	۵۱۶۶۲ د
تالا	۱۷۴۶۷۶ د	سالیسرپی ^(۱۳)	۱۱۴۸۴ د
تعلق سری رنگ	۲۶۴۲۷ د	عماد پور	۹۷۱۰۲ د
تعلق مهیس مندل	۲۳۷۲۷ د	کهورال	۱۰۵۵۲۰ د
تعلق پرمودر بهتا چارج ^(۱۴)	۱۳۸۶۰ د	کنگیس تعلق پرماند	۱۶۶۳۶۰ د

(۱) [۵] نلدنی * [ش] نلدنی || (۲) [۵] بانکا بهای هوز || (۳) [ف] اوچین * [۵] ف [۵]
 (۴) [۵] هتاپان * [ش] هتاپان || (۵) [گ] ض [گ] پونکا بنون * [ش] پونکا * و مبلغهای نقدی ازین
 جا تا موند اگاه موافق [ض] است || (۶) [۵] باگه بارا بیا || (۷) [۵] ف [۵] نقطه * [گ] نرسودر ||
 (۸) [ف] کراج * [۳] کراج * [گ] کرج بیا || (۹) [ض] چیلرا * [۳] چیلرا * [ش] چیلرا *
 [گ] چیرا || (۱۰) [۵] سهاپور * [ض] سهاپور || (۱۱) [ش] گ [سالیسری] || (۱۲) [گ]
 کنگیس * [ف] کنکش * [ض] کیس * [ش] کیکش ||

۶۴۸۳۸۵۷ د	بیسٹ ونہ محل *	۱۲۶۳۶۰ د	موندا کاچہ
۶۱۳۲۷ د	قوم مختلف * صد سوار * پنچا ہزار پیادہ *	۶۱۳۲۷ د	ملک پور
۳۳۰۷۸۸۵ د	بنگٹ (۵)	۴۵۰۰۷ د	مدھریا
۲۳۸۸۵۵ د	بدوکھر	۱۶۸۴۲ د	مانگور گہات
۶۰۸۶۰ د	پھولی	۱۱۱۷۰ د	مہرپسا (۱)
۱۹۰۸۳۰ د	بندول	سرکار بگلا *	
۲۳۱۹۲ د	بوبرا	۷۱۵۰۶۰۵ د	چہار محل
۱۱۸۲۹۵ د	بھونہرا	* قوم مختلف * ۳۲۰ فیل ۱۵۰۰۰ پیادہ *	
۹۳۳۰ د	بڈگانو	۴۳۴۸۹۶۰ د	اسماعیل پور عرف بگلا (۲)
۱۰۴۴۹۲ د	باہی گانو	۲۵۲۰۰۰ د	سری رام پور
۱۱۵۹۹۰ د	بڈگانو	۹۷۷۲۴۵ د	شاہزادہ پور
۹۶۰۱۲ د	بہادر پور	۱۵۵۳۴۴۰ د	عادل پور
۹۱۶۳۰ د	بہانگر	سرکار پورنیہ *	
۷۱۵۶۴ د	بڈلکا	نہ محل * ۶۴۰۸۷۷۵ د * قوم مختلف * صد سوار *	
۲۰۸۵۴۰ د	تال دوار	پنچ ہزار پیادہ *	
۵۲۴۳۵۵ د	چہاپرتال	۷۳۴۲۲۵ د	اسونجا
۸۸۶۲۵۴ د	حویلی تاجپور با بلکہ	۴۶۷۷۸۵ د	جیرام پور
۹۴۴۰۵۵ د	دلور پور	۲۶۸۶۹۹۵ د	حویلی پورنیہ
۱۲۴۱۹۶ د	دبھت (۶)	۶۷۱۵۳۰ د	دل مال پور
۳۷۶۶۰ د	سیسہرا	۵۰۲۲۰۶ د	سلطان پور
۲۴۴۵۰۷ د	سوجاپور	۳۹۰۴۰۰ د	سری پور (۳)
۱۲۶۲۳۵ د	شاہ پور	۸۵۰۰۰ د	سایر از حاصل فیلان ہرن (۴) (۵)
۴۰۶۰۰۰ د	کوارپور	۵۹۰۱۰۰ د	کٹھیری
۲۵۸۷۴۲ د	کسارگانو	۲۸۰۵۹۴ د	کڈوان
۲۳۳۱۶۰ د	گویال نگر	سرکار تاجپور *	

- (۱) [۵] مہر سیا || (۲) همچین در [ش گ] * [ف] بنگلا * [۵] بنگلا * [ض] کلا * [۳] نکلا ||
 (۳) [۵] سیر پور * [ف] سر پوری || (۴) در [گ ف] نیست * [ش] ہوتا * [۳۵] پے نقط ||
 (۵) [گ] پنگٹ || (۶) [گ] دیہت بیای تختانی ||

۶۵۸۰ د	پہلواری (۵)	۱۴۷۸۹۲ د [۱۴۷۳۹۲]	گوکھرا
۸۴۹۵۲ د	باریک پور	۱۹۴۴۷۵ د	مہون (۱)
۳۴۹۰۷۰ د	بامس پور	۲۶۷۶۱۲ د	ذیل نگر
۳۳۶۴۵ د	بلدہ نصرت آباد	۱۴۷۵۱۰ د	فیلون
۲۳۳۶۸۰ د	برسلا	۱۴۶۲۴۰ د	یوسف
۱۴۶۷۶۷ د	بری سابلک بالا (۶)	۷۸۴۸۷ د	زکوۃ
۱۶۵۸۲۷ د	بری گھور گہات	سرکار گھور گہات *	
۱۴۴۲۲۷ د	بایزید پور	ہشتاد و چہار محل * ۸۰۸۳۰۷۲۴ د * قوم مختلف *	
۴۱۳۶۵ د	پاتال دیہ	نہ صد سوار * پنچا فیل * ۳۲۸۰۰ پیادہ *	
۳۰۳۳۵ د	بالکا (۷)	۹۱۲۹۲ د	ادھوا
۱۲۰۴۰ د	بھولی	۷۵۰۱۰ د	اندھر
۷۹۰۰ د	باچ پٹاری (۸)	۱۵۴۳۳۷ د	اندل گانو
۱۴۵۴ د [۱۴۵۲]	بنوار کجر	۳۱۰۲۲۵ د	انوریان (۴)
۳۲۴۵ د	بیل گہاتی	۱۷۱۶۹۵ د	آل گانو
۳۸۷ د	بازار چہنگاہات	۲۵۳۲۶ د	ابٹھورا (۳)
ندارد (۹)	بلاس باری	۱۸۵۱۷۵ د	احمد آباد
۵۳۴۰ د	بانج مانکا (۱۰)	۹۲۰۰ د	انبلا کاچھی
۱۶۳۳۴۰ د	تلسی گہات	۸۰۲۰ د	انور ملک
۳۵۴۱۰ د	تعلق حسین	۷۵۰۸ د	آل ہات
۲۷۹۶۲ د	تعلق بالذاتہ	۲۱۹۰ د	الہداد پور
۱۵۴۹۰ د	تعلق سیوان (۱۱)	۷۳۵۸۳۵ د	بارو ظفر شاہی ۲ محل
۱۵۲۶۷ د	تعلق کسائی	۷۱۱۴۱۲ د	بارو فولاد شاہی
۶۰۲۹۰ د [۸۲۹۰]	تاجپل	۱۰۲۴۴۰ د	پاگ دوار (۱۲)

- (۱) [گ] مہسون || (۲) [ف] انوریان بیای تختانی || (۳) [گ] انبھورا * [ض ۲]
 انھور * [ش] انھور || (۴) [ض ۳] باک دوار * [ف ش گ ۳۲] تاک بنای فوقانی برخلاف حروف
 تہجی || (۵) [گ] پھولواری * [ض ۳] بھواری || (۶) [گ] جامک * [۲] سالک * [ش ۴]
 سانک || (۷) [ض] بانکا بنون || (۸) [۵] تیاری * [ض] بتاری * در دیگر نسخہ بتاری یا
 تیاری || (۹) همچین در [۵] * [گ] ۷۰۰۰ * [ض] ۵۳۴۰ || (۱۰) [ش] بانکا * [ض ۳]
 مالکا بلام || (۱۱) [ض] ستوان * [ش ۲۴] ستوان * [ف] سنڈوان ||

۲۳۸۴۷۵ د	تعلق احمدخان	کهلسي *	۲۹۴۳۲۲ د
۶۵۸۰ د	حامله	گندني باري *	۱۲۵۷۹۷ د
۵۶۰۲ د	خيرآبادي	کولي بازار عرف چورپوري *	۱۱۵۹۸۰ د
۲۷۳۵ د	خاص باري	گوبندپور کهڅ *	۳۰۹۷۵ د
۱۰۹۵۰ د	رکن پور	کنځال *	۴۰۳۹۷ د
۱۰۸۳۷۷ د	سلطان پور	کانک سکهر *	۲۸۰۶۵ د
۹۳۰۷۱ د	شهر سبککه *	گهات نگر *	۲۷۹۲۲ د
۴۹۵۷۰ د	سانهي پور *	کرا کاجهي *	۲۵۶۰۰ د
۳۴۴۰۹۷ د	سرهنا *	گهاتي باري *	۲۴۸۱۴۷ د
۲۰۹۲۲۴ د	سبدي *	کورا از سائر زکوة *	۱۸۰۰۰ د
۱۲۸۷۷۵ د	سيت پور *	کوکرن *	۱۳۱۲۰ د
۲۴۶۲۲ د	سروا گاندي *	کابل *	۱۵۶۹۰ د [۱۱۶۹۰]
۱۶۴۱۲ د	صا هات *	گدهيا *	۱۰۹۸۰ د
۱۵۶۷۵ د	شيرپور کوي باري *	گوکړن پارا *	۹۸۵۰ د
۳۵۳۳۵۵ د	فتح پور *	مگت پور *	۱۲۴۰۰۵ د
۱۳۴۳۲۸۰ د	کهندياري *	محبت پور *	۴۶۵۱۲ د
۱۰۷۲۰۵ د	گياپور *	مسجد حسين شاهي *	۲۸۹۴۵ د
۹۸۴۶۵ د	کابل پور *	مسجد افدرخاني *	۳۴۴۷ د
۹۸۴۶۵ د	گنج ساکمالا *	ملير *	۲۴۸۰۰ د
۸۱۵۶۵ د	کهڅکهي *	ننډهرا *	۶۱۰۵۰ د
۵۶۸۶۵ د	گوکل *	نوپارا *	۱۹۲۰۲ د
۴۸۸۰۷ د	کوتلي باري ۲ محل *	نهه جون بوزور *	۴۹۰۱۰ د

(۱) [۵] سبککه [ض] بيشيکه [ش] سيکه [گ] سيک شهر [ف] سيله [۲۴] سبکه [۲] هچنين در [۵] * در ديگر نسخا سانهي بني فوقاني [۳] (ض ف) سيدي بيبي تختاني [۴] [نش ۲۳] شاک [۵] (ض) کوشی * [ش] کوری * [۳] کولي [۶] [کف] کهندياري * [۲] کندياري * [ض ش] کندياري [۷] [۵] کوشي * [۴] کوبهي * [۲] کوري [۸] [کف ش] ناري [۹] [ش ض ف] کيدي بيبي تختاني [۱۰] [۲] چورپوري * [ف] حويڙي * [ض] کوري [۱۱] [ش] اکو * [گ ف] اکهند * در [ض] نيست [۱۲] [گ] گاتنال [ض] کنان * [ف] کنشال * [ش] کنال * [۲] کنال [۱۳] [ف ض] کالي * [۲] کالا [۱۴] [ش] کور * [ف] کوزا * [۲] کنر [۱۵] [ک] مکش پور * [۲] مکشور [۱۶] [ش] بانور * [۴] بالوار * [ض] باپور [۱۷]

۳۰۶۴۶ د	واکړ حاضر *	سلطان پور *	۲۰۳۲۹۲ د
۱۶۸۳۲ د	رچهي *	سانسبير *	۱۶۵۱۸۰ د
۴۲۳۰ د	وهراذب *	سليمان آباد *	۴۲۵۳۲ د
	سرکار پنجه *	کهڅا *	۷۷۷۲۵۵ د
	بيست وېک محل *	کيداباري *	۲۱۳۳۸۲ د
	۵۰ سوار * ۷۰۰۰ پياده *	سرکار بارېک آباد *	
۱۰۵۸۷۲۵ د	انځيل *	سي و هشت محل *	۱۷۴۵۱۵۳۲ د قوم مختلف *
۳۶۵۲۵ د	اندياري *	پنجاه سوار *	هفت هزار پياده *
۱۰۱۸۲۲ د	انگوجه *	امرول *	۵۶۰۳۸۴ د
۶۳۵۳۹۰ د	بارنگ پور *	بلده مذکور *	۳۱۵۳۴۰ د
۷۱۹۱۰۷ د	بيجانگر *	باسدول *	۱۹۰۸۸۵ د
۲۵۵۴۴۵ د	بايزيد پور *	پولارهار *	۱۳۶۷۱۲ د
۱۱۹۷۲۰ د	بهرنگر *	بستول *	۶۵۲۳۶۷ د
۸۴۲۷۷ د	باري گهير *	بريريا *	۶۴۳۳۵ د
۵۵۴۰۵ د	بدوگر *	بنکانو *	۳۱۹۰۰۰ د
۳۷۴۴۹۰ د	تکسي *	بالتا پور *	۱۷۹۸۴۰ د
۸۲۱۴۲ د	حالون *	چهنديا بارو *	۷۵۵۵۲۲ د
۹۳۹۶۷ د	حويلي پنجه *	چورا *	۱۵۹۸۳۲ د
۱۴۹۸۳۷ د	ديکها *	جهاسند و جوا ۲ محل *	۴۰۷۰۰۷ د
۱۰۷۷۲۷ د	ديورا *	جنډلاني *	۲۸۹۳۴۰ د
۲۷۳۰۴۵ د	سدهر باري *	جناسو *	۸۵۷۸۷ د
۲۵۱۴۱۰ د	سنکنا *	حويلي سيکه شهر *	۱۶۲۹۱۷۵ د

(۱) [ف ۲ ش ۳] واکړه [۲] [گ ۵] وهرېب * [ش ۴] واهرب * [ف] واهريت * [۳] واهريت * [ض] واهرت [۳] [ک] امپول [۴] [۵] اکوجه [۵] [ف] بارېک * [ض ش ۳] بارېک [۶] [۴] جالون بچيم [۷] (ض) جهديا بارو * [ف] حريربا بارو * [گ] جيريابارو [۸] [ف] چور * [ض] جورو * [۳] خورد [۹] [ش] جهکند * [گ] جسند و چوگانو [۱۰] [ک] بچيم فارسي [۱۱] [۵ ش ۲] حناسو بجا * [ک] حيناسو [۱۲] (ض ف) [۳] سکه [۱۳]

دهار من *	۳۵۰۸۹۵ د
داؤد پور *	۸۹۰۲ د
سنگار دل عرف نظام پور *	۳۸۹۹۸۵ د
شکار پور *	۳۲۷۳۴۲ د
شیر پور و بهرام پور محل *	۳۹۱۶۲۵ د
طاهر پور *	۵۰۵۸۲۵ د
قاضي هئي *	۶۲۰۴۷۷ د
کردها *	۱۳۹۰۵۷۲ د
گذر هانت *	۱۲۹۶۲۴۰ د
کهاش *	۸۸۱۰۸۰ د
گنج مشهور به جکدل *	۶۹۴۶۵۵ د
گوبند پور *	۴۱۰۵۳۵ د
کالی گای کونھیا *	۳۴۱۰۵۷ د
کهرال *	۲۱۰۱۳۲ د
کوتانگر *	۱۲۹۵۵۰ د
کالی گای *	۱۹۶۹۳۲ د
لشکر پور *	۱۰۵۵۰۹۰ د [۲۵۵۰۹۰]
مالجی پور *	۹۴۵۶۸۰ د
مسدها *	۶۸۹۷۱۲ د
من سمالی *	۵۹۴۷۹۲ د
محمود پور *	۱۲۴۵۳۲ د
وزیر پور *	۱۶۹۱۹۰ د
* سرکار بازوها *	
سی و در محل *	۳۹۵۱۶۸۷۱ د
۱۷۰۰ سوار * ۱۰ فیل * ۵۳۰۰ پیاده *	
الاب شاهي *	۷۶۰۶۶۷ د
بدمار - نصرتشاهی - مهورنه - وغیره *	
۵ محل *	۴۱۷۸۱۴۰ د
بهریابازو *	۲۸۲۰۷۴۰ د
بهوال بازو *	۱۹۳۵۱۶۰ د
پرتاب بازو *	۱۸۸۱۲۶۵ د
بکهریابازو *	۱۷۱۵۱۷۰ د
حسین شاهي *	۱۸۲۷۵۰ د
دسکھان یابازو *	۱۹۴۵۶۰۲ د
تکھابازو *	۱۹۰۱۲۰۲ د
سلیم پرتاب بازو - چاند پرتاب بازو -	
سلطان بازو *	۴۶۲۵۴۷۵ د
سونا گهاتی بازو *	۱۹۱۰۴۴۰ د
سونابازو *	۱۷۰۵۲۹۰ د
سبل برگ *	۱۴۸۴۳۴۰ د
سایر جلکر *	۲۶۱۲۸۰ د
شاه اجیال بازو *	۴۰۵۱۲۰ د
ظفر اجیال بازو *	۶۵۰۰۴۷ د
کتار مل بازو *	۲۸۰۴۳۹۰ د

(۱) [۵] بهرام پور * [ض] هراپور || (۲) [ض] ش ۲۴ [۲۴] کونھا * [ض] کانھیا ||
 (۴) [۵] سمانی بنون || (۵) [گ] بر بازو - نصرتشاهی - مهورنه - کهرانه - هراونه - سیرالی * [ش] بدبار -
 نصرتشاهی - مهورنه - کاهروانه - سیرالی * [ف] بدبار - نصرتشاهی - مهورنه - کاهروانه - هراونه سیرالی *
 [۲] بدبار - نصرتشاهی - مهورنه - هردانه - سیرالی * [۵] بدمار - نصرتشاهی - مهورنه - کاهرا ۹ - هرا بوهو ؟ ||
 (۶) [گ] ش [۳] بهسوریا * [۳] بهورنا بازو || (۷) [گ] [۷] دسکھونا || (۸) همچین در
 [۵] [گ] [۴] سبل برس بیا و سین * [۲] سبل برس بیا * [ش] سبل برس * [ف] سبل بری *
 [۳] سبل برس || (۹) [۵] [۵] کتابل بیا * [ش] کتابل ||

کھتابازو *	۱۳۷۷۲۰ د
مهمان شاهي مشهور به شیر پور *	۲۲۰۷۷۱۵ د
من منی سنگه - نصرتشاهی - حسین سنگه -	
نصرت اجیال - ۴ محل *	۱۸۶۷۶۴۰ د
مبارک اجیال *	۴۶۸۷۸۰ د
هریال بازو *	۳۴۴۴۴۰ د
یوسف شاهي *	۱۶۷۰۹۰۰ د
* سرکار سنارگانو *	
پنجاه و دو محل *	۱۰۳۳۱۳۳۳ د
۱۵۰۰ سوار * ۲۰۰ فیل * ۴۶۰۰ پیاده *	
اؤتو شاه پور *	۳۸۸۴۶۲ د
آل جهات *	۵۳۰۹۰ د
اوتر عثمان پور *	۲۴۸۸۰ د
بکرم پور *	۳۳۳۵۰۵۲ د
بهلول اجوار *	۱۸۳۱۴۸۰ د
بلد اکھال *	۶۹۴۰۹۰ د
بوالیا *	۲۳۷۳۲۰ د
برجندی *	۱۲۰۱۰۰ د
باتهکرا *	۴۰۸۰ د
بلاس کاتھی وغیره *	۴۳۲۶۵ د
بردیا *	۳۶۳۱۲ د
پهلری *	۱۹۰۰۰ د
پانھتا *	۶۷۰۶۷ د [۷۳۶۷ د]
تورا *	۱۰۴۹۱۰ د
تاج پور *	۶۰۰۰۰ د
ترکی *	۱۸۲۷۰ د
جوگی دیا *	۵۱۲۰۸۰ د
جوار بندر *	۷۲۶۳۲ د
چوکنندی - از حاصل دکانها *	۱۷۸۲۷ د
چند باحر ؟ *	۳۰۳۲۲ د
چاند پور *	۱۲۰۰۰۰ د
حویلی سنارگانو با بلده *	۳۵۹۵۳۲ د
خضر پور *	۴۰۳۰۸ د
دوهار *	۴۵۸۵۲۴ د
داندرا *	۴۲۱۳۸۰ د
دکین شاه پور *	۲۳۹۹۱۰ د
دلور پور - حاصل زکوة *	۱۲۷۲۰۷ د
دکین عثمان پور *	۸۸۴۰ د
رای پور *	۴۵۳۵ د
سکھرگانو *	۳۴۰۳۶۵ د
سکری *	۱۸۴۷۸۰ د
سلیم پور *	۹۱۰۹۰ د
سالی سوری مع سایر جلکر رعیتی وغیره *	۴۰۷۲۵ د
سکھا * از رعیتی د ۲۸۰۰۰۰ و از سایر *	۲۸۰۰۰ د
سکھادیه *	۲۸۰۰۰ د
سیوجال *	۱۳۰۰۰ د
شمس پور *	۲۲۰۰۰ د
کیر پور *	۲۹۳۴۰۲ د

(۱) [۵] کھتابا کھتا || (۲) [گ] سیر پور مورچه * [ش] ف [شیر پور مورچه] (۳) [ض] مومنی *
 [گ] سنگه دمن * و غرض مصنف همچون سنگه باشد || (۴) در [ض] نیست * [گ] ش [میر حسین فقط] ||
 (۵) [۳۲] اوپر || (۶) در [۵] نقطه [گ] چناب || (۷) [گ] پلاس گهاتی || (۸) [ف] بکری ||
 (۹) همچین در [۵] گ [ش] [چندر یاخر * [۲] چندر یاخر * [ض] چندر یاخر * [۳] جند باجه ||
 (۱۰) [ف] [۳] دلکش || (۱۱) [۵] سانی بان * [ف] سال هری * [۳] سال سیری ||
 (۱۲) [گ] صبرچال || (۱۳) [ش] ف [۳۳۲] کوراپور * [گ] کوراپور ||

کوردی * (۱)	۸۹۵۹۰ د	سرکهندل *	۳۹۰۴۷۲ د
کاتک پور *	۸۰۰۰۰ د	لانو * (۹)	۲۴۶۲۰۲ د
کباندی *	۴۰۱۴۰ د	هرنگر *	۱۰۱۰۸۵۷ د
کونهری * (۲)	۳۴۱۶۰ د	سرکار چانگانو *	
گهاتی ندهی * (۳)	۲۰۰۰۰ د	هفت محل *	۱۱۴۲۴۳۱۰ د
مهرکول *	۱۰۳۹۴۷۰ د	اقوام مختلفه * ۱۰۰ سوار * ۱۵۰۰ پیاده *	
معظم پور *	۲۳۶۸۳۰ د	تانگانو * (۱۰)	۵۰۶۰۰۰ د
مبار *	۶۰۸۰۰ د	چانگانو *	۶۶۴۹۱۰ د
منوهر پور *	۵۳۳۰۱ د	دیوگانو *	۷۷۵۵۴۰ د
مهی جال * (۴)	۲۵۰۰۰ د	سالیمن عرف شیخ پور *	۱۵۷۲۴۰۰ د
نراین پور * از سایر وزکوة و رعیتی	۹۴۰۷۶۰ د	سایر از نمکسار *	۷۳۷۵۲۰ د
ناواکوت *	۱۶۰۸۰ د	سپوا *	۵۰۷۹۳۴۰ د
همد بازو *	۲۸۱۲۸۰ د	نواپارا *	۷۰۳۳۰۰ د
هات گهاتی *	۱۰۲۸۵ د	سرکار شریف آباد *	
سرکار سلهت *		بیست و شش محل *	۲۴۸۸۷۵۰ د
هشت محل * ۲۶۸۱۳۰۸ د * قوم مختلف ۱۱۰۰		اقوام مختلفه * ۲۰۰ سوار * ۵۰۰۰ پیاده *	
سوار * ۱۹۰ فیل * ۴۲۹۲۰ پیاده *		بروان *	۱۸۷۶۱۴۲ د
پرتاب گده که پنچ کهند هم گویند *	۳۷۰۰۰۰ د	بهرور *	۱۷۳۶۷۹۵ د
بنیان چنگ *	۱۶۷۲۰۸۰ د	بارنگ سیل * (۱۲)	۵۴۰۳۹۵ د
باجرا بیاجو * (۷)	۸۰۴۰۸۰ د	بهرکونده و اکبرشاهی عرف ساندل محل * ۲۷۶۱۹۵ د	
جیسا (جینتیا) *	۲۷۲۲۰۰ د	باکها * (۱۴)	۵۰۹۳۴۰ د
حوای سلهت *	۲۲۹۰۷۱۷ د	بهات سیلا *	۳۰۷۳۴۰ د

(۱) [گ] گردی * [ف] کزدی * [س] کزوی * [ش] کروی || (۲) [ش] گ ف ۳ [ک] کولهری بلام *
 [۲] کولهری * [۴] کولهری || (۳) [ف] ۳ ش گ [د] دنائی || (۴) [ش] خال * [ف] ۲ ش [حال] ||
 (۵) در [ک] نیست * [ش] ۳ [ل] لهد بلام * [ف] کندا || (۶) همچنین در [ض] ۵ [در نقشها] *
 [ک] بیان خنگ * [ش] میان چنگ * [۲] میان چنگ * [۳] شان چنگ || (۷) [ک] باجو بیاجو *
 [۲] باجو بیاجو * [ف] ۳ باجو ساجو * [ک] باجو ساهر || (۸) [ک] جیسا یا جیا * [ض] [جیتا] * [ف] چنار * [۴] جیتار یا جیتار * [ک] جینتار * [۳] جینتار یا جینتار || (۹) یا لود *
 در نقشها موضع لاتو نام نوشته || (۱۰) [ک] مالگانو || (۱۱) همچنین در [ض] ۵ * در دیگر نسخها
 سلیمان بغیر الف || (۱۲) [ف] ۳ گ [باریک] بیای تختانی || (۱۳) [ک] بهرگوده || (۱۴) امروز
 در بردوان * [ک] پاکها * [ف] ۳ باکبت * [۴] باکبا ||

بازار ابراهیم پور *	۱۵۷۴۰ د	اندراین *	۵۹۲۱۲۰ د
جنگی *	۹۳۷۷۰۵ د	اسماعیل پور *	۱۸۴۵۴۰ د
خوت مکند؟ * (۱)	۲۳۱۵ د	انلیا * (۸)	۱۲۴۵۷۷ د
دهانیان *	۱۵۰۸۸۵۰ د	آولا *	۸۹۲۷۷ د
سلیمان شاهي *	۷۲۱۳۳۵ د	بسندهری * (۹)	۲۲۶۶۲۸۰ د
سرنیا * (۲)	۹۰۳۷۰ د	بهوست * (۱۰)	۱۹۶۸۹۹۰ د
حوای شیر پور عطائی *	۸۱۶۰۶۸ د	پندره *	۱۸۲۳۲۹۲ د
عظمت پور *	۱۶۶۰۰۴۵ د	پاچنور * (۱۱)	۶۰۱۴۹۵ د
فتح سنگه *	۲۰۹۶۴۶۰ د	بالی بهنگا - ۲ محل * (۱۲)	۴۱۷۱۸۵ د
حسین اجیال *	۳۹۳۳۴۵ د	چهری پور *	۵۵۴۹۵۲ د
کرگانو *	۳۴۸۲۶۰ د	چوئها *	۴۵۵۹۰۱ د
کرت پور *	۲۲۵۷۷۵ د	جی پور *	۴۴۲۵۰ د
کهند * (۳)	۱۹۶۳۸۰ د	حسین پور *	۳۵۵۰۹۰ د
کهند * (۴)	۱۸۴۳۶۰ د	دهازسه *	۹۵۲۵۰ د
کودلا * (۵)	۶۳۱۴۵ د	رایسا [راینه؟] * (۱۳)	۶۸۲۵۷ د
مهلند *	۱۸۳۱۸۹۰ د	حوای سلیمان آباد *	۲۰۵۱۰۹۰ د
منوهرشاهی *	۱۷۰۹۹۲۰ د	سات سیگا * (۱۴)	۷۵۷۱۱۱ د
مظفرشاهی *	۱۵۵۲۱۷۵ د	سپس پور * (۱۵)	۳۱۱۸۴۲ د
نسک * (۶)	۷۸۲۵۱۷ د	سنگه لوی * (۱۶)	۷۲۷۴۷ د
نهران [هتران؟] * (۷)	۲۰۳۵۶۰ د	سلطان پور *	۴۴۵۷۵ د
سرکار سلیمان آباد *		عمر پور *	۲۲۳۳۲۰ د
سی و یک محل * ۱۷۶۲۹۹۶۴ د * اقوام مختلفه *		عالم پور *	۳۸۲۸۰ د
۱۰۰ سوار * ۵۰۰۰ پیاده *		قبا پور *	۷۴۷۲۰۰ د

(۱) باخوت کمند * [ف] ۲۱ خوت * [ض] ش حوت * [ک] مکند || (۲) [ک] سوتبا * [۱] سوتبا ||
 (۳) امروز کهند گهوش || (۴) [ض] کهندا * [۱] کنکا * [ض] کینکا * [ش] کهندکا || (۵) [ض] [کودکا] || (۶) [۴] نسک * [ف] ۳ گ ۱ نسک * [۲] نسک * [ض] نسک || (۷) [ک] نهران ||
 (۸) [ض] ف ۱۳ اینا یا اینا * [۴] انلیا || (۹) [ک] ۴ [پسندهری] || (۱۰) در نقشها بهوست ||
 (۱۱) [ف] ۲۸ باجنور * [ک] باجمور * [۴] تاجپور * [۳] باخور * [ض] باجنور * و امروز
 پاچنور در ندیا || (۱۲) [ک] بالی چنگا * [ض] بالی دهنگا * [ف] بالی و نهیکا * [۱] بالی دهنگا *
 و امروز بالی دنگا در ندیا || (۱۳) [ک] رایسا * در دیگر نسخها رایسا * و یختم که رایسا درست باشد و این
 شهره است در حوای سلیمان آباد || (۱۴) امروز در ضلع بردوان * [ک] سات سینکالا بنون غده * در دیگر
 نسخها سات سنکا بنون || (۱۵) [ض] ۳ سهنس پور || (۱۶) [ض] سکوتی * [ش] سنکوی * [ف] ۱۳ سنلونی ||

- (۱) بانه بوم * ۱۱۴۲۰۸ د ژناردار * ۲۰ س * ۴۰۰ پ *
 (۲) قلیه با قصبه جلیسر * قلعه خشت بخته دارد *
 ۱۲۰۰۷۱۱۰ د کهندیت * ۳۰۰ س * ۶۲۵۰ پ *
 (۳) قندیرک * قلعه سنگین دارد * ۲۵۷۱۴۳۰ د از قوم
 کهندیت * ۵۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 ترکول [ترکوا؟] * قلعه در جنگل دارد * ۷۲۰۵۷۰ د
 ۳۰ س * ۱۷۰ پ *
 (۴) داور شور بوم عرف باره * ۱۳۴۳۶۰ د * ۱۰۰ س *
 ۱۰۰ پ *
 (۵) پنجه قلعه دارد - یک در حوبلی است - دوم
 رامچندپور - سیوم رانکا؟ - چهارم دوت - پنجم
 سله * ۵۰۶۲۳۰۶ د جمعیت پنج قلعه مقدار
 ۷۰۰ س * ۳۵۵۰ پ *
 رین - داخل سرحد اردیسه * سه قلعه دارد *
 ۲۱۸۸۰۶۵ د * ۱۵۰ س * ۱۵۰۰ پ *
 رای پور * شهرست عظیم - قلعه مستحکم دارد *
 ۹۸۶۹۷۰ د * ۲۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 سینگ * قلعه مستحکم دارد - در جنگل واقع است *
 ۱۲۵۷۱۴۰ د * ۱۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 سیاری * ۱۰۸۵۷۰ د * ۱۰۰ س * ۲۵۰۰ پ *
 کاسی جوزا * ۸۹۳۱۶۰ د * ۲۰۰ س * ۲۵۰۰ پ *
 تفنگچی و دهاندار [و دهانک ؟] *
 کهرک سور [پور ؟] * قلعه دارد در جنگل و کوه واقع
 مستحکم * ۵۲۸۵۷۰ د * ۵۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *

سرکار بهدرک

- هفت محل * ۱۸۶۸۷۱۷۰ د * اقوام مختلفه *
 ۷۵۰ س * ۳۷۳۰ پ *
 (۱۱) بروا * دو قلعه مستحکم دارد - اول قلعه بانک -
 دوم رس کوی * ۳۲۴۰۰۰ د * از کهندیت
 واکینه * ۵۰ س * ۴۰۰ پ *
 جوجکری * ۵۷۱۴۰ د * ۱۰۰ س * ۲۵۰۰ پ *
 حوبلی بهدرک * قلعه دارد که آنرا دهام نگر گویند
 حاکم نشین * ۹۵۴۲۷۶۰ د * کهندیت * ۲۰۰ س *
 ۳۵۰۰ پ *

(۱) یعنی برهمن پور در صدناپور || (۲) [ف] تلنیز * [۳] نلته * [ض] بلنه * در [ش] نیست ||
 (۳) در نقشها توملوک || (۴) همچنان در [ض] * [گ] ش [داور سور] * [۳] داور باره عرف
 سر بوم * [ف] بارن عرف داود سر بوم * [ض] داور شور باره مشهور || (۵) [گ] کهنا ||
 (۶) [۸] دوهاکدار * [ف] و دهاکدار || (۷) [گ] کیری || (۸) [۸] ش [کوهی] * [گ] کوهی *
 [ض] کوهی || (۹) [گ] جیکنا || (۱۰) این عبارت در [۳] * [ض] وسیله خویشتن دیوانه
 میکنند ؟ در [گ] ش نیست || (۱۱) [ض] بردا بدال ||

- سهنسو * دو قلعه محکم دارد * ۳۵۱۴۲۸۰ د *
 از کهندیت * ۳۰۰ س * ۱۷۰۰ پ *
 کایمان * قلعه دارد سنگین از کمال استحکام *
 ۱۵۱۵۸۴۰ د * کهندیت * ۱۰۰ س * ۴۰۰ پ *
 (۱) کلسو * ۷۳۰۴۳۰ د * ۱۰۰ س * ۷۳۰۴۳۰ پ *
 مذکورین * سه قلعه دارد - اول پنجم دنلک؟ - دوم
 کهندیت - سوم مجوری * ۸۵۷۲۰ د *
 کهندیت در هر سه قلعه * ۱۰۰ س * ۳۰۰ پ *
سرکار کتک
 بیست و یک محل * ۹۱۴۳۲۷۳۰ د * اقوام مختلفه *
 ۹۰۰ س * ۱۰۸۱۶۰ پ *
 آل * ۶۱۰۰ د * ۶۱۴۹۱۳۰ د * ۶۱۰۰ پ *
 آسکه * ۳۱۶۰۳۸۰ د * ۱۵۰۰ پ *
 اته گره * قلعه استوار دارد * ۱۱۸۴۹۸۰ د * ژناردار *
 ۲۰۰ س * ۷۰۰۰ پ *
 پورب دیکه * چهار قلعه دارد * ۲۲۸۸۱۵۸۰ د *
 ۲۰۰ س * ۶۰۰۰ پ *
 پنجم دیکه * ۶۲۴۹۰ د * ۱۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
 بهار * ۵۱۲۹۸۲۰ د * ۱۰۰ س * ۵۱۲۹۸۲۰ پ *
 بسای دیورمار؟ * ۲۷۴۶۶۵۰ د * ۱۰۰ پ *
 برنگ * نه قلعه دارد و هم در کوه و جنگل واقع شده *
 ۲۱۳۳۹۴۰ د * ۲۰ س * ۳۰۰ پ *
 (۳) بهیچ نگر * قلعه استوار دارد * ۸۶۰۳۹۰ د * تلینگه *
 ۵۰ س * ۲۲۰۰۰ پ *

سرکار کلنگ دند پات

- بیست و هفت محل * ۵۵۶۰۰۰۰ د * ۵۰۰ س *
 ۳۰۰۰۰ پ *

سرکار راج مهندره

- شانزده محل * ۵۰۰۰۰۰۰ د * ۱۰۰۰ س * ۵۰۰۰۰ پ *

(۱) [گ] گرسو || (۲) [۸] بسای دیورمار * [ض] بسای بوریا * [گ] بسای دیورپور ||
 (۳) یا بهیچ نگر * [گ] بهیچ نگر * [ض] پنچ نگر || (۴) [۸] گ [بنحو بجای حطی] || (۵)
 [ض] پرسونم بنای فوقانی || (۶) این جمله صرف در [۸] || (۷) یا حبش - و این در [گ] است ||
 (۸) [ض] کهره بیای نختانی ||

ناصر غلام او - هفت روز و نقول نیم روز *	شیر خان *
ناصر شاه از احفاد شمس الدین بنگره - دو ^(۱) *	حضرت جدت آشیانی *
باریک شاه - هفده سال *	شیر خان - بار دیگر *
یوسف شاه - هفت سال و شش ماه *	محمد خان *
سکندر شاه - نیم روز *	بهادر شاه پور او *
فتح شاه - هفت سال و پنج ماه *	جلال الدین برادر او *
باریک شاه - دو و نیم روز *	غیاث الدین *
فیروز شاه - سه سال *	تاج خان *
محمود شاه پسر او - یک سال *	سلیمان برادر او ^(۲) *
مظفر حبشی - سه سال و پنج ماه *	بایزید پور او ^(۳) *
علاء الدین - بیست و هفت سال و چند ماه *	داؤد برادر او ^(۴) *
نصیب شاه پسر او - یازده *	

پنججاه نفر سیصد و پنجاه و هفت سال تخمینا فرمانروائی نمودند. یک صد و یازده نفر قریب چهار هزار و هشت صد و سیزده سال شمع فرماندهی افروخته در عدم آباد غنودند *

راجه نخستین بدوستی راجه جرجودهن بدھلی دیار آمد و پیشتر ازین بچهار هزار و نود و ۱۵ شش سال در آویزه مہابھارت بمردانگی فرو شد * و راجه نوجہ را چون پیمانہ زندگی لبریز گشت بزرگی بہ لکھنویہ پسر راجی لکھن قرار گرفت * دران هنگام دار الملک بنگالہ شہر ندیا بود و گوناگون دانش را بنگاہ * و امروز لختہ آباد * نشان دانائی پیدا * اختر شناسان او را از برگشتن دولت و دگرگون شدن کیش خبر دادند و از کسے کہ این دو کار ازو آید در محمد بختیار خلجی یافتند * اگرچہ راجہ دیوانسانہ پنداشته بگوش درنیاورد لیکن بسیاریہ بدور دستہا پناہ بردند * دران هنگام کہ ۲۰ قطب الدین ایبک از جانب شہاب الدین در ہند بود آن خلیفہ زاد بہ نیروی مردانگی بہار برگرفت و چون رو بہ بنگالہ آورد راجہ بکشتی راہ گریز سپرد و او بآن ملک در آمدہ فراوان غنیمت اندوخت و آن شہر را ویران ساختہ لکھنوتی آباد گردانید * و ازان باز این ملک بفرمانروائی دھلی باز گردید * و در مرزبانی سلطان تغلق قدر خان از جانب او در بنگالہ بود * ملک فخر الدین سلاحدار او از آزمندی و بے آزموی بجان شکر خداوند خویش ہمت بست و کمین گرفته از ہم گذرانید و بدستان سرائی ۲۵ و حیلہ فروشی نام بزرگی بر خود نہاد و از فرماندہان دھلی سر باز کشید * ملک علی مہارک

(۱) همچون در نسخہ و [گ] * لیکن در تواریح سی و دو سال (۲) [گ] محمد ؟
(۳) همچون در ہر نسخہ * و در اکثر تواریح نصرت (۴) در [ش] نیست

کہ از برکشیدگان قدر خان بود سلطان علاء الدین خود را نام کردہ بآویزہ فخر الدین برخاست و در کارزار زندہ برگرفته بگوئیستی فرستاد * حاجی الیاس علائی کہ از آمرای بنگالہ بود چندہ را ہمدستان ساختہ علاء الدین را جان بشکود و خود را شمس الدین لقب نہاد * و او را بہنگرہ نیز گویند * سلطان فیروز از دھلی بمالش او رفت و سخت آویزش نمود * ازانکہ بارش نزدیک بود آشتی گونہ کردہ باز گردید * و چون روزگار شمس الدین بسر آمد سران لشکر بزرگ پور او را اسکندر شاه خطاب دادہ بسری برداشتند * سلطان فیروز باز بہ بنگالہ شد و بصلح باز گردید * و چون او در گذشت پسر او را برگرفتند و بسلاطین غیاث الدین زبان زد آفاق گشت * خواجہ حافظ شیرازی غزل بدو فرستاد - و این بیت ازوست *

شکرشکی شوند ہمہ طوطیان ہند زمین قند پارسی کہ بہ بنگالہ میدرد

۱۰ کانسی نام بومی از حیلہ اندوزی بر شمس الدین ندیہ او چیرہ دستی یافت * و چون کار او سپری شد پور او باحمدي کیش در آمد - سلطان جلال الدین نام گرفت * و رسم این دیار آن بود کہ چند ہزار پیادہ پایک پیرامن دولت خانہ کشک دادہ * شیعہ خواجہ سرائے بآن پیدانگان ہمزیان شدہ فتح شاه را از ہم گذرانید و خود را باریک شاه خطاب نہاد * فیروز شاه را نیز پایکان از ہم گذرانیدند * پور او محمود شاه بسری برداشتند * حبشی غلام مظفر نام بدستیاری پایکان او را جانشکری نمود ۱۵ و خود سر بر آرای شد * و علاء الدین یکے از نوکران مظفر بدان پیدانگان ہمزای گشتہ او را بہ نیستی ہرا فرستاد و خود بفرماندہی برنشست * از شگرف کاری روزگار چندہ درین ملک سرہنگان فرومایہ را روز بازار بود * او دادگری را پایہ برتر نہاد و پایکان فتنہ اندوز را پراگندہ گردانید * نصیب شاه را نیز بسان پدر بداد و دھش برگذارند - برادران را نوازش فرمود * چون در آویزہ فردوس مکانی سلطان ابراہیم را روزگار بسر آمد برادر او و سران لشکر بدو پناہ بردند و برآسودند * جدت آشیانی ۲۰ جہانگیر قلی بیگ را بمرزبانی برگذاشت * چون شیرخان بار دیگر چیرہ دستی یافت او را بہ پیمان آوردہ بہ نیستی سرا فرستاد * و در زمان سلیم خان محمد خان خویشاوند او پرستاری را با دادگری ہمدوش داشت * چون در آویزہ ممربز خان در گذشت خضر خان پور او کارکیائی یافت و خود را بہادر شاه خطاب بر نہاد و ممربز خان در کارزار او نقد زندگی بسپرد * تاج خان کہ از آمرای سلیم خان بود جلال الدین را جان بشکود و خویشتن آرای گشت * ہمیں برادر خورد او ۲۵ سلیمان اگرچہ تباہ اندیشی داشت لیکن برخے خطبہ شاہنشاهی برخواند و سپس فرزندان او بایزید و داؤد از بے آزموی سیم و منبر را برآلودند چنانچہ لختہ گذارندہ آمد * و للہ المنہ کہ این آباد ملک بدانگری شاہنشاهی فروغ والا دارد *

صوبه بهار *

از دوم اقلیم - درازا از گدھی تا رهناس صد و بیست کوه - پهنا از ترهت تا شمالی کهسار صد و ده • خاور رویه بنگاله باختر سو الہ آباد و اودہ - شمال و جنوب کوه بزرگ دریا گنگ و سون • هرچه از چوب و چرم و جزآن درین رود افتد سنگ شود • چشمه این و نریدہ و جہلا ہر سہ از یک بوتہ - نی (۱) نرید گدہ جوش برزند بس نیک مزہ و گوارا و سرد • از شمال آمدہ نزد منیر بگنگ پیوندند • گہندک از شمال آید و نزد یک حاجی پور بگنگ آمیزد • ہر کہ بفوشد گلو آماسد - رفته رفته برابر نارچیل شود خاصہ خردان را •

سالگرام (بسین و الف و لام و کسر کاف فارسی و را و الف و میم) سیاه سنگی است خرد • از ایزدی مظاهر شمردند و فراوان نیایشگری نمایند • اگر گرد و خرد و روغنی بود بس گزیدہ پندارند و بدگرگونی پیکر نامہا برنہند و خاصیتها برگذارند • بیشترے یک سوراخ دارد و برخ افزون و لختے را • نبود • از درون طلا برآید • گویند کومے درو پیدا شود و سوراخ کردہ بیرون شتابد • و گروے برآنکہ از بیرون رخنہ کردہ در شود • در گذارش حال این بزرگ نامہ برنوشته اند • در کیش برہمن آنست ہر بت نہ بشکنند دیگر بدان کار نیاید و این چنین نبود • میان شمالی (۲) این رودبار و جنوبی کوه تا چہل کوه پیدائی گیرد •

کرم ناسا از جنوب رسیدہ در گذر چوسا بگنگ پیوندند • آب آن بس فکھیدہ برشمردند • ۱۵ پُن پُن از جنوب آید و نزد بٹنہ بگنگ در شود • و خورد رودهای این صوبہ بنجامہ درنگنجد • تابستان بس گرم شود و زمستان نزدیک باعتدال - بیش از دو ماہ بجامہ بختہ دار آومند نگرند • و ریزش ابر شش ماہ کشد • و ہمہ سالہ این مرز سبز و شاداب باشد • تندباد نوزد و گرد برنخیزد • کشت و کار گزیدہ شود خاصہ شالی - در چونی و چندگی کم ہمتا • کساری نام غلہ شود مگر آسا - تہ بدستان بکار برند و رنجوری آورد • نیشکر فراوان و گزین باشد • برگ تذبیل خاصہ مکھی بس نازک و خوش رنگ • ۲۰ و کم جرم و خوشبو نیک مزہ • میوہ و گل بس فراوان • در منیر گلے است میچند نام بسان گل دھاتوہ بس خوشبو و جای دیگر نشان ندهند شیر بس گزیدہ بود و اززان • رسم غلہ بخش نبود - کدیور زر پشت خود رساند - بار اول بساز و پیرایہ آید • خانہ بیشتر سفال پوش • قیل شایستہ و بسیار بہم رسد - و کشتی نیز • اسپ و شتر کم • طوطی و بز خاصہ بریری و خصی بس گزین - از فرہی نیارد رفت و بچاپائی برداشته برند • جنگی خروس نامور شود • گوناگون شکار درو • شیشہ زرافشان • ۲۵

(۱) همچین در [۵] • [س] بی نزد • [۱] بی نزد • [ف] بی نزد • [۳] بی نزد • (۲) یعنی سون ۱۱

بر سازند • و در سرکار بہار نزدیک موضع راج گران سنگ مرمر آسا - از زیورہا بر سازند • کاغذ خوب شود • و معبد گیا در بنجامت و آندرا برہم گیا گویند و بہ برہمہا منصوب دارند • و ہموارہ از بنادر جواہر آورند و خرید و فروخت شود • در سرکار منگیر از دریای گنگ تا کوه سنگین دیوارے کشیدہ اند و سرحد بنگالہ شمارند • در سرکار حاجی پور میوہ کٹہل و بڑہل فراوان شود - نخستین چنان بزرگ باشد کہ یک کس بدشواری بردارد • در سرکار چنپارن تخم ماش در زمین ناراندہ بریزند و بے رنج شدکار بروند • در جنگل او فلغل دراز شود •

ترہت از دیربار بنگالہ ہندی دانش • آب و هوا بس گزین • جغرات تا یکسال دگرگون نشود • شیر فروش اگر باب آمیزد از غیب بدو گزندے رسد • گومیش چنان شود کہ شیر بشکود • گولابہا فراوان - و یک چنان است کہ آب از ہرگز کم نشود و زرفای او ناپدید • و درخت زار نازچ تا سی ۱۰ کوه نشاط افزا • بہنگام بارش آہو و گوزن و شیر یکجا بآبادی درآید و مردم بجانشکری برخیزند • بسا دست و پا شکستہ بچار دیوار سر دهند - آہستہ آہستہ بکار برند •

رهناس دڑے است بر فراز کوه آسمان سایی دشوار گذار - دور آن چہارہ کوه و بران کشت و کار شود و فراوان چشمہ بر جوشد و ہر جا کہ سہ چہار گز بر کفند آب پدید آید و بس گولابہا ہنگام بارش - افزون از دویست آبشار چشم و گوش را برافروزد • و هوا بس سازگار •

۱۵ ہفت سرکار و صد و نود و نہ برگنہ بدو گراید • جمع بیست و دو کرور و نوزدہ لک و نوزدہ ہزار و چہار صد و چہار و نیم دام • ازان میان ضبطی صد و سی و ہشت - زمین پیمودہ بیست و چہار لک و چہل و چہار ہزار و صد و بیست بیگہ - زر آن ہفدہ کرور و بیست و شش لک و ہشتاد و یک ہزار و ہفتصد و ہفتاد و چہار دام نقدی • شصت و یک چہار کرور و نود و دو لک و سی و ہفت ہزار و ششصد و سی و نیم دام • ازان میان بیست و دو لک و ہفتاد و دو ہزار و صد و چہل و ۲۰ و ہفت دام میوہ غل - بومی - یازدہ ہزار و چہار صد و پانزدہ سوار - و چہار لک و چہل و نہ ہزار و سیصد و پنجاہ پیادہ - و صد کشتی •

(۲) یعنی برگنہ ۱

(۱) در [۵] نیست ۱۱

سرکار بهار *

- ۴۷ محل * ۹۵۲۵۹۸ بیگه * ۸۰۱۹۶۳۹۰ د نقدی
از قرار ضبطی و نقدی * ۲۲۷۰۱۴۷ د سیورغال
از اقوام مختلفه * ۲۱۱۵ س * ۶۷۳۵۰ پ
ارول * ۵۷۰۸۹ بیگه ۵ بسوع * ۴۲۶۷۸۰ د
۱۰۰۰ پ
لوکهری * ۱۴۷۹۴۰۱ بیگه ۱۰ بسوع * ۳۷۷۹۴۰ د
یکل * ۴۰۴۰۴ بیگه ۴ بسوع * ۳۳۵۲۶۰ د
افغان و زئاردار * ۲۰۰ پ
آمریتو * ۲۴۳۸۷ بگ ۱۹ بس * ۱۸۲۱۳۳۳ د
۱۶۰۳۵ د
انبلو * ۸۴۷۹۲۰ د .. زئاردار * ۲۵۰ پ
انچیا * بگ ۱۰۲۹۰ بس ۷ د ۶۷۰۰۰۰۰ د افغان
۲۰ س * ۳۰۰ پ
انتری * ۱۹۹۸ بگ ۹ بس * ۱۴۷۹۸۰ د کایت
۲۰ س * ۲۰۰ پ
بهار با حویلی قلعہ از سنگ و خشت بختہ دار
۷۰۶۸۳ بگ ۹ بس * ۵۵۳۴۱۵۱ د
۲۵۳۲۰۰ د ۱۰۰ س * ۴۰۰ پ
بہلور * ۴۸۳۱۰ بگ ۳ بس * ۳۶۵۱۶۴۰ د
۹۰۰۰ د ۱۰۰ س * ۵۰۰ پ
بسوک * ۳۵۳۱۸ بگ ۱۸ بس * ۲۷۰۶۵۳۹ د
۱۷۰۸۱۳۰ د ۱۰۰ س * ۳۰۰ پ
پلج * ۳۰۰۳۰ بگ ۱۸ بس * ۲۲۷۰۴۳۸ د
۵۹۱۸۵ د ۱۰۰ س * ۵۰۰ پ

- بلیا * ۲۶۰۰۰ بگ ۱۸ بس * ۲۰۵۶۵۰۲ د
۸۵۷۴۷ د ۱۰۰ س * ۴۰۰ پ
پتنہ * دو قلعه دارن - یکے از خشت بختہ و دیگرے
از خام * ۲۱۸۴۶ بگ ۸ بس
۱۹۲۴۳۰ د ۱۳۱۸۰۷ د ۱۰۰ س
پهلوارى * ۲۰۲۲۵ بگ ۱۹ بس * ۱۵۸۵۴۲۰ د
۱۱۸۱۲۰ د ۱۰۰ س * ۷۰۰ پ
پیرا * ۲۲۸۳ بگ ۶ بس * ۹۴۱۱۶۰۵ د ۱۸۵۶۰۰ د ۱۰۰ س
زئاردار * ۲۰۰ س * ۴۰۰ پ
بهیم پور * ۱۰۸۶۲ بگ ۱۵ بس * ۸۲۴۵۸۴ د
۲۴۴۲۴ د
پنڈاگ * ۷۲۷۶۴۰۵ د ۱۰۰ س * ۲۰۰۰ پ
تلاذہ * ۳۹۰۵۳ بگ ۱۲ بس * ۲۹۲۰۳۶۶ د
۲۳۲۰۸۰ د ۱۰۰ س * ۳۰۰ پ
جرر * ۱۲۹۳۰ بگ ۱۰ بس * ۹۷۹۳۶۳ د
۸۸۰ د ۱۰۰ س * ۵۰۰ پ
چرگلور * ۹۰۴۴۴۰ د ۱۰۰ س * ۳۰۰ پ
جی چنبا * ۶۲۰۰۰۰ د ۱۰۰ س * ۶۰۰ پ
دانر * ۲۶۲۵۰۰ د
دهکنیر * ۲۱۵۶۸۰ د
روح * ۲۵۰۱۰۰ د ۱۰۰ س * ۱۵۰۰ پ
رام پور * ۳۶۳۸۲۰ د
راج گڈہ * ۳۷۵۶ بگ ۱۲ بس * ۲۸۸۲۲۸ د
۱۷۲۲۵ د
سنوت * ۳۶۷۸۰ بگ ۷ بس * ۲۸۲۴۱۸۰ د ۲۰۰ س * ۵۰۰ پ

(۱) در نسخہ کوکهری برخلاف ترتیب حروف تہجی * [گ] اوکهری گوکهری و امروز برگنڈہ اوکهری
در بہار موجودست || (۲) همچنین در [۵] * [ش ض] پندک * [گ] پندرک || (۳) [ض] جبہ ۵ ||
(۴) همچنین در [۵ ض] * [ش] جرز و در نقشہ جرا (یا سردلا) * [گ] جدر || (۵) در نقشہ
چراون || (۶) در نقشہ دکھنیر ||

- سمائی * ۳۲۵۱۴ بگ ۳ بس * ۲۵۳۷۰۸۰ د
۶۲۳۸۰ د ۱۰۰ س * ۲۰۰ پ
سہرہ * ۲۰۷۹۰۰۰ د ۱۰۰ س * ۵۰۰ پ
ساندہ * ۲۴۹۶۲ بگ ۲ بس * ۱۸۸۹۹۵۶ د
افغان * ۵۰۰ پ
سیور * قلعه سنگین بر فراز کوه * ۱۴۱۴۵ بگ ۸ بس
۱۲۵۰۵۹۱ د ۱۰۰ س * ۲۰۰ پ
غیاث پور * ۸۴۲۰۵ بگ ۷ بس * ۵۶۵۷۲۹۰ د
۲۲۷۴۵۴ د
گیدھور * قلعه سنگین بر فراز کوه در میان جنگل
۱۴۵۲۵۰۰ د ۱۰۰ س * ۱۰۰۰ پ
کاتی بہرا * ۷۳۷۵۴۰ د ۱۰۰ س * ۷۰۰ پ
کابر * ۷۴۰۰ بگ ۹ بس * ۵۶۰۸۷۵ د کایت
۳۰ س * ۷۰۰ پ
گوه * ۳۷۴۸۸۰ د ۱۰۰ س * ۱۰۰۰ پ
گہاٹی بہار * ۳۶۰۸۲۰ د ۱۰۰ س * ۳۰۰ پ
کرپور ؟ * ۳۶۳۸۲۰ د ۱۰۰ س * ۳۰۰ پ
گیا * ۹۵۱ بگ ۴ بس * ۷۴۲۷۰ د ۱۴۲۳۵ د ۱۰۰ س
مڈنیر * ۸۹۰۳۹ بگ ۱۵ بس * ۷۰۴۹۱۷۹ د ۱۰۰ س
۳۲۵۳۸۰ د ۱۰۰ س * ۳۰۰ پ
مسودہا * ۶۷۱۶۱ بگ ۱۰ بس * ۴۶۳۱۰۸۰ د ۱۰۰ س
مالد * ۲۸۱۲۸ بگ ۹ بس * ۲۱۵۱۵۷۵ د ۱۰۰ س
۴۹۸۰۵ د ۱۰۰ س * ۳۰۰ پ
- منورا * ۷۷۰۶ بگ ۶ بس * ۵۸۵۵۰۰ د زئاردار
۲۰ س * ۵۰۰ پ
مہیر * ۲۳۹۳۷ بگ ۱۹ بس * ۱۷۷۹۵۴۰ د
۴۷۷۰۰ د ۱۰۰ س * ۲۰۰ پ
نرہٹ * ۳۰۵۵۵ بگ ۷ بس * ۲۳۸۰۳۰۹ د کایت
۵ س * ۲۰۰ پ

سرکار مونگیر *

- سی و یک محل * ۱۰۹۶۲۵۹۸۱ د ..
اقوام مختلفه * ۲۱۵۰ سوار * ۵۰۰۰۰ پ
ابی پور * ۲۰۰۰۰۰۰ د
اوسلا * ۸۹۷۶۰ د
انگو * ۱۴۷۸۰۰ د
انبلو * ۵۰۰۰۰ د
بہاگل پور * ۴۹۶۶۱۱۰ د
بلیا * ۳۲۸۷۳۲۰ د
بہرکیہ * ۳۰۰۰۰۰۰ د
پتہ رازہ * ۱۴۰۹۲۰ د
پسٹی * ۱۳۲۰۰۰ د
تنور * ۸۸۴۲۰ د
چٹنی * ۹۲۸۰۰۰۰ د
چندرنے * ۳۶۰۰۰۰ د
دھرم پور * ۴۰۰۰۰۰۰ د
ڈانڈ سکھوارہ * ۱۳۶۰۰۰ د
روہنی * ۹۵۳۶۰ د

(۱) همچنین در [۵] و در پنجم رپورٹ * [ض گ] کندھور || (۲) [۵] پیرا || (۳) [۵] کابره ||
(۴) [۵] سار * [ش گ] سہار || (۵) یا کرپور بے نقط || (۶) در نسخہ مودہا || (۷) همچنین
در نسخہ * و در نقشہ منورا بنقدیم واو || (۸) در نسخہ ترہٹ برخلاف ترتیب حروف ہجا و برگنڈہ
نرہٹ بنون امروز در بہار موجودست || (۹) همچنین در [۵] * [غ] پھراہ ||

سروهی *	۱۷۷۳۰۰۰ د	...
سکهدرا *	۶۶۰۲۴۰ د	...
سکولای *	۳۶۰۰۰۰ د	...
سورجکده *	۲۹۹۴۴۵ د	...
سکهراسانی؟ [سکهر آبادی] *	۱۶۰۰۰۰ د	...
ستیارای *	۵۸۷۳۰ د	...
کلهگانو *	۲۸۰۰۰۰۰ د	...
کهرهیی *	۶۸۹۰۴۴۵ د	...
کوزره *	۲۶۰۶۰۲ د	...
کهنکی *	۱۶۰۰۰۰ د	...
لکهن پور *	۶۳۳۲۸۰ د	...
مسجد پور *	۱۲۵۹۷۵۰ د	...
مونگیر با حویلی *	۸۰۸۹۰۷۱ د	...
مسدیی *	۲۹۷۲۵ د	...
هندوے *	۱۰۸۰۰۰ د	...
هزارتکی *	۹۱۸۲ د	...

سرکار چنپارن *

سه محل *	۸۵۷۱۱ بگ ۵ بس *	۵۵۱۳۴۲۰ د
		۳۰۰۰۰ س *
سمرون *	۷۲۰۰ بگ ۲ بس *	۵۹۰۰۹۵ د
مسمبی *	۵۶۰۹۵ بگ ۷ بس *	۳۵۱۸۴۳۵ د
مجبوره *	۲۲۴۱۵ بگ ۱۶ بس *	۱۴۰۴۸۹۰ د

(۱) در نسخها سکهراسانی * و پرگنده سکهرآبادی امروز در بنگال پور موجودست || (۲) [ض] کهرئی ||
 (۳) در نقشها کوجره || (۴) [۸] کهنیکي یا کهنیکي || (۵) در نسخها مهبورا برا ||
 (۶) در نقشها بهوسادی * [ض گ] بوساوی || (۷) [۸] دیکهرا || (۸) همچنین در [۸] *
 [گ] گدهسده * [ض] لده سند بلام * در نقشها پرگنده کهرسند نام بکاف در اواسط ترهت * و در پنجم
 رپورت گرسند * و بختمل که غرض مصنف پرگنده گدهسرا باشد که امروز نیز در شمال پرگنده رتی و در غرب
 پرگنده بسارا موجودست || (۹) در نسخها پال پدای فارسی || (۱۰) همچنین در نسخها * و غالبا
 نرهن بنون باشد که امروز نیز در چنپارن موجودست ||

چریند *	۸۴۱۳ بگ ۱۳ *	۶۳۳۲۷۰ د
چوپارا *	...	۴۰۰۰۰۰ د
جوبنه *	۶۶۶۳ بگ ۸ بس *	۳۰۹۲۸۲ د
دیکسی *	۵۸۲۵ بگ ..	۲۷۷۶۳۰ د
سپاه *	۳۶۶۲ بگ ۲۹۰۵۹۲ د	...
کودنه [کوا] *	۲۸۰۴۹ بگ ۳ بس *	۲۰۱۲۹۵۰ د
کلیان پور *	۱۷۴۳۷ بگ ..	۷۷۴۴۹۶۵ د
کشمیر *	۱۶۶۱۵ بگ ..	۱۳۱۴۵۳۹۵ د
مانگجی *	۸۷۵۲ بگ ۱۹ بس *	۶۱۱۸۱۳۵ د
مندهل *	۹۴۰۵ بگ ۷ بس *	۶۹۸۱۴۰۰ د
مکیر *	۱۰۹۳۶ بگ ۱۴ بس *	۸۱۱۰۹۵ د

سرکار ترهت *

هفتاد و چهار محل *	پیموده ۲۶۶۴۹۴ بگ ۲ بس *	...
دلم ۱۹۱۸۷۷۷۷	اقوام مختلفه ۷۰۰ ص *	۸۰۰۰۰ پ *
اهس پور *	۴۸۸۰ بگ ..	۳۰۲۵۵۰ د
اورکهند *	۲۰۶۸ بگ ..	۱۲۸۴۱۲ د
اهل زار *	۱۰۰۱ بگ ۱ بس *	۶۲۲۱۲ د
اوبهی *	...	۶۰۰۰۰ د
اوگهرا *	۸۳۶ بگ ۱۵ بس *	۵۳۹۸۰ د
اٹھایس *	۵۵۹ بگ ۱۷ بس *	۳۴۳۵۶ د
بسری و غیره - ۴ محل *	...	۱۱۲۵۰۰۰ د
بهرواره *	۱۶۱۷۶ بگ ..	۹۴۲۰۰۰ د
بان پور؟ [نان پور] *	۴۰۳۴۷ بگ ..	۸۹۴۷۹۲ د

(۱) در نسخها چوپارا بنون * و امروز پرگنده چوپارا موجودست || (۲) در نقشها دهگنسی ||
 (۳) [ض و در پنجم رپورت] سیاه || (۴) همچنین در نسخها - و ظاهر که غرض مصنف گوا باشد ||
 (۵) در نقشها کسر || (۶) در نقشها مانگهی و مانگهی * [ض] مانگهی || (۷) [ض] اٹھایس ||
 (۸) همچنین در نسخها * بختمل که نان پور بنون باشد || (۹) [ض] پیدر || (۱۰) [۸] بختنی ؟ ||
 (۱۱) در نقشها بغیر بنون غنه || (۱۲) در نقشها نظام الدین پور بگرا || (۱۳) [ض] پورا ||
 (۱۴) همچنین در نسخها * [۸] جهندی * [ض] جهدی ||

بگي؟ [بينگي] * ۵۰۰ بگ ۵ بگ ۳۱۵۵۰ د	کهنولي * ۴۹۴ بگ ۴۰۸۸۰۴ د
بوچهاروار * ۱۸۸ بگ ۱۰ بگ ۱۲۸۷۵ د	گهر چارند * ۵۵۱۰ بگ ۳۴۹۴۸۰۶ د
برساني * ۲۰۰ بگ ۱۸ بگ ۱۲۹۹۵ د	کودا کهند * ۳۸۸۸ بگ ۲۴۳۶۷۷ د
تراني * ۷۱۷۱ بگ ۴۴۳۲۴۲ د	کورادي * ۹۰۰۰۰ د
تلوک چارند * ۲۴۱۱ بگ ۷ بگ ۱۴۹۸۹۶ د	کهندا * ۳۳۰ بگ ۶ بگ ۲۱۴۴۳ د
تاج پور * ۱۳۵۱ بگ ۱۴ بگ ۸۵۴۳۴ د	کدواري؟ [لدواري] * ۲۶۰۹ بگ ۱۴۲۴۹۵ د
تاند * ۱۰۳۸ بگ ۴ بگ ۶۳۷۶۸ د	مهلا * ۱۵۲۹۵ بگ ۹۴۶۰۴۸ د
توسون * ۹۸۰ بگ ۴ بگ ۶۱۱۸۰ د	مورده * ۸۲۸۹ بگ ۵۱۵۴۸۵ د
ترهت با حويلي * ۲۱۳۹۸ بگ ۱۳۰۷۷۰۶ د	منده؟ [مهيند] * ۱۰۷۷ بگ ۱۲ بگ ۶۶۹۹۳ د
جاکپر * ۱۷۱۴۰ بگ ۱۰۶۸۰۲۰ د	مرگا؟ [نرنگا] * ۶۳۲ بگ ۱۸ بگ ۳۹۰۲۲ د
جرايل * ۸۲۹۷ بگ ۵۱۵۷۳۲ د	ملهمي * ۱۵۱ بگ ۱ بگ ۹۷۲۸ د
چکمني * ۵۱۷۳ بگ ۳۲۱۳۲۶ د	نورم * ۲۸۸۱۴۰ د
جکيل * ۳۰۹۲ بگ ۱۹۹۰۲۰ د	نون * ۳۳۸۱ بگ ۷ بگ ۲۰۹۱۵۳ د
جبدی * ۵۴۰۲۵ د	هانبي * ۲۵۶۳ بگ ۱۸ بگ ۱۵۹۷۹۰۶ د
دهرور * ۳۱۶۵ بگ ۲۰۲۸۱۸ د	هرني * ۷۹۶ بگ ۱۷ بگ ۵۰۳۴۲ د
درينگا * ۲۰۳۸ بگ ۱۵۹۰۵۲ د	هابي * ۳۶۶۵ بگ ۸ بگ ۲۳۰۷۰۰ د
رام چوند؟ [رام چارند] * ۷۴۰۹ بگ ۴۷۰۰۰۵۶ د	سرکار رهناس *
سريشنا * ۱۵۴۷۴ بگ ۹۴۱۰۱۰ د	هرده محل * ۷۳۳۴۰ بگ ۱۵ بگ ۴۰۸۱۹۴۹۳ د
سليم پور * ۴۵۸ بگ ۱۴ بگ ۲۹۰۹۴ د	اقوام مختلفه * ۴۵۵۰ بگ ۱۶۲۰۰۰ پ
سليم آباد * ۴۴ بگ ۱۵ بگ ۴۱۸۴ د	آلره * ۵۳۵۱۶ بگ ۱۶ بگ ۴۰۲۸۱۰۰ د
سنجوي تدار * ۲۴۵۰ بگ ۱۵۰۸۴۳۱۰ د	بهوجپور * ۶۶۰۷۸ بگ ۱۷ بگ ۴۹۰۳۳۱۰ د
علاپور * ۸۷۹۶ بگ ۴۴۲۴۶۶ د	پيرو * ۳۴۰۷۸۴۰ د
فقر آباد * ۱۱۷۰ بگ ۶ بگ ۷۲۳۵۵ د	پنوار * ۲۲۷۳۳ بگ ۳ بگ ۱۶۷۷۰۰۰ د

(۱) همچنين در نسخها * امروز پرگنه بينگي || (۲) همچنين در [ض] * [۵] بوچهاروز * در نقشها
 بوچهار فقط || (۳) [۵] پورساني || (۴) در نقشها جکيلپور || (۵) همچنين در نقشها * در نسخها جدي ||
 (۶) [ض] جونده * در نقشها چاوند || (۷) [ض] ندرا || (۸) [ض] فقيرآباد || (۹) در نقشها
 گده چاوند || (۱۰) [ض] کورايي بواو || (۱۱) همچنين در نسخها * در نقشها لدواري بللم || (۱۲) [ض]
 منده * [۵] میده * و پرگنه مهيند نام امروز در ترهت موجودست || (۱۳) همچنين در نسخها * و پرگنه
 نرنگا نام در ترهت موجودست || (۱۴) در نقشها ملهني بئون || (۱۵) در نسخها هاپي * و در نقشها هاپي ||

بدگانو * ۱۰۵۴۰ بگ ۱۷ بگ ۸۴۲۴۰۰ د	سرسوي * ۴۶۷۱۰ بگ ۳ بگ ۲۷۹۹۴۶۶ د
جوند * ۴۵۲۵۱ بگ ۳ بگ ۴۴۴۰۳۶۰ د	سپهرانو * ۳۱۲۲۰ بگ ۱۸ بگ ۲۳۷۰۷۹۰ د
جيدر * ۲۶۵۳۸ بگ ۱۶ بگ ۱۶۳۴۱۱۰ د	فنجپور بهيا * ۵۰۴۷۴ بگ ۱۵ بگ ۳۷۳۶۰۴۰ د
دنوار * ۲۹۱۵۴ بگ ۴ بگ ۲۰۷۶۵۲۰ د	کوترا * ۲۹۱۶۸ بگ ۱۵ بگ ۱۸۲۹۳۰۰ د
دينار * ۳۵۰۰۰۰ د	کوت * قلعه سنگين دارن * ۸۴۷۱۲۰ د
رهناس با حويلي * ۳۴۳۴۰ بگ ۱۹ بگ ۹۲۴۰۰۰ د	منگروور * ۹۲۴۰۰۰ د
۲۲۵۸۶۲۰ د	ننور * ۲۹۶۲۱ بگ ۲۰۰۰۰۰۰ د
۷۸۳۴۲۵ د	

* صوبه الہ آباد *

از اقليم دوم - درازا از سنجپور تا جنوبی کوه صد و شصت کوه - پنهان از گذر چوسا
 تا گهاتپور صد و بیست و دو * شرقي بهار - شمالي اوده - جنوبي باندوهر - غربي آگوه * مهين
 دريا گنگ و جون و ديگر رودها مثل آرنه و کين و سر و برنه و جزآن * آب و هوا ساگر * گوناگون
 ۵ ميوه و گل و تره درو * و درين جايند دولت خريزه و انگور افزايش گيرت * کشت و کار گزيده بود -
 جوايي و لهدره نرود و مونه کباب * پارچه جهولي و مهرکل و جزآن نيک باند خاصه در بنارس و
 جلال آباد و مو * در جونيور و ظفرال و جزآن گلیم نیز برسانند * و گوناگون نخچير بدیده آيد *

الہ آباد - پيشين نام پياگ (بفتح باي فارسي و ياي تحتاني و الف و کاف فارسي) گيتي
 خداوند بدان نام روشناس گردانيد * و سنگين قلعه بانجام رسيد و گزين کاخها افزاخته آمد - اورا
 ۱۰ پادشاه معابد انگارند * نزد آن گنگ و جون و سرستی بهم پيوندند ليکن پسين را پيدائي نبود
 و نزديک قصبه کنتت شکار فيل فراوان * و شگفت آنکه هرگاه مشتري به برج اسد در آيد کوهچه
 از ميان دريايي گنگ پديدار گردد و تا يك ماه بپايد و مردم فراز آن ايزدی نيايش نمايند *

بارانسی به بنارس زبان روزگار - بزرگ شهرست ميان دو رود برنه و اسي * در کهن نامها
 کاسي نويسند * کمان آسا آب و گنگ بسان زه گذرد * در پيشين زمان بتخانه بود - بآئين کعبه طواف
 ۱۵ کرده کارکرد حاج بجا آورده * از ديرباز دارالعلم هندوستان است - گروه گروه مردم از دورستها رسیده
 دانش اندوزند و يکدانش جان و تن بر نشينند - و لخته حال آو گفته آيد * سال چهارصد و دهم هجري
 سلطان محمود غزنوي آمد * لخته در کيش دگرگونگي رفت * سال چهارصد و سيزدهم بار ديگر بدین
 ديار رسيد * نخست قلعه گواليار گرد گيرت و باشتی برخاست - سپس بگرفت قلعه کالنجر پای همت

انشرود * خدیو دژ سیصد فیل فرستاده نیایش نمود و شعرے در ستایش برگذارد * چون شگرفی داشت مرزبانی آن قلعه با چهارده جای دیگر بدو بسپرد *

جونپور بزرگ شهرست - سلطان فیروز مرزبان دهلی بنام عمزاده خود فخر الدین جونه اساس نهاده * طول صد و نه درجه و شش دقیقه - عرض بیست و شش درجه و پانزده دقیقه * چنانچه سنگین قلعه ایست بر فراز کوه - در بلندی و استواری کمهتا - دریای گنگ از پایان آن برگذرد * و دران نزدیکی گروهی از مردم زاد سرو پا برهنه در صحرا بسر برند - بتیراندازی و نخچیرانگنی روزگار گذرانند * و دران صحرا فیل نیز باشد *

کالنجر سنگین دژ است بر کوه آسمان سا * سه آغاز او کس باز نگوید * فراوان بتخانه درو * و آنجا بته امت کالی بهیرون نام بدرازی هزده دست - شگرف داستانها بر سرایند * برین دژ چشمها برجوشد و فراوان گولاب * و پیوست آن درخت زاریست بس انبوه و فیل صحرایی و لاجپن ۱۰ و باشه و دیگر جانوران بدام افتد * چوب آبنوس و میوهایی خودرو بسیار * و کان آهن نیز * دران نزدیکی در هشت گروهی کشاورزان الماس ریزه یابند *

گوبند راجه کیرت سنگ مرزبان دژ شش گوهر والا داشت - دانا برهنه گزین کردار - خوش رو پوره ستوده خو - طوطی آنچه ازو پرسیده پاهن داد و برخه گویند هرچه شنیده یاد گرفته - خنیاگرے بخشو نام در علم و عمل یکتا - دو پرستار حسن افروز نغمه آرا * سلطان بهادر گجراتی ۱۵ پیوند دوستی کرده یک از آنها خواهش نمود - راجه از مردمی و آگهی بخشو را فرستاد * و شیرخان سور آن دو جادو نفس را پژوهش نمود * چون فرستاده ناکام بازگردید قلعه را گرد گرفت و ساباط بر ساخت و کار بر درونیان تنگ شد و از ناامیدی برسم ناموس پرستان هندوستان پر دگیان را خاکستر گردانید و از خرد غنودگی برزندگی ناپایدار دل نهاد و تن بخاکساری داده بکام دشمن غبار آلود نیستی شد * شیرخان را چون سگالش تپاه بود بهنگام کشایش آتش در داروخانه افتاد و خرمن هستی او بسوخت * ۲۰ و در قصبه مودها در که و مه فراوان حسن چهره برافروزد *

ده سرکار - صد و هفتاد و هفت پرگنه - بیست و یک کور و بیست و چهار لک و بیست و هفت هزار و هشتصد و نوزده دام و دوازده لک پان * ازان میان صد و سی و یک ضبطی - زمین پیموده سی و نه لک و شصت و هشت هزار و هزده بیگه و سه بهوه - زر آن بیست کور و بیست و نه لک و هفتاد و یک هزار و دویست و بیست و چهار دام * و چهل و شش پرگنه ۲۵ نقدی - خواسته آن نود و چهار لک و پنجاه و شش هزار و پانصد و نود و پنج دام * ازان میان یک کور و یازده لک و شصت و پنج هزار و چهار صد و هفده دام هیورغال *

برمی - یازده هزار و سیصد و هفتاد و پنج سوار - در لک و سی و هفت هزار و هشتصد و هفتاد پیاده - و سیصد و بیست و سه فیل *

سرکار الهاباس *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۴۸ گذشت]

یازده محل * بگ ۵۷۳۳۱ بس ۱۴ * ازان جمله نه محل
د ۱/۲ * ۲۰۸۳۳۷۴ نقدی * د ۱/۲ * ۷۴۷۰۰۱ سیورغال
اقوام مختلفه * ۵۸۰ س * ۷۱۰۰ پ *
الهاباس با حوبایی - قلعه سنگین * بگ ۲۸۴۰۵۷
د ۹۲۶۷۳۵۹ * د ۲۵۳۲۶۱ * زئاردار *
۱۰۰۰ پ *
به دوی - قلعه از خشت پخته برکنار دریای گنگ *
بگ ۷۳۲۵۲ بس ۲ * د ۳۶۶۰۹۱۸ * د ۳۷۵۳۴۵ *
راجپوت و چند بهر * ۲۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
جلال آباد - قلعه - ادله - بندره - بندران - ۵ محل *
د ۷۳۷۲۲۰ * زئاردار * ۱۰ س * ۴۰۰ پ *
سرانو * بگ ۶۳۹۳۲ بس ۴ * .. د ۳۲۴۷۱۲۷ *
د ۱۶۱۵۲۷ * زئاردار *
۴۰ س * ۱۰۰۰ پ *
سنگور - قلعه از خشت پخته دارن برکنار دریای
گنگ * بگ ۳۸۵۳۶ بس ۶ * د ۱۸۸۵۰۶۶۵ *
د ۷۴۸۸۳ * زئاردار و کایقه و رحمة الهی *
سکندر پور * بگ ۳۴۷۵۶ بس ۸ * د ۱۸۶۷۷۰۴ *
د ۹۲۱۳۸ * زئاردار * ۲۵ س * ۵۰۰ پ *
کننت - قلعه دارد از سنگ بر لب دریای گنگ *
د ۸۵۶۵۵۵ * کبندال * ۵۰ س * ۲۰۰۰ پ *

سرکار غازی پور شرقی *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۴۹ نوشته]

۱۹ محل * بگ ۲۸۸۷۷۰ بس ۷ * د ۳۴۳۱۳۰۸ * نقدی *
د ۱۳۱۸۲۵ * زئاردار *
۱۶۶۵۰ پ *
بلیا * بگ ۲۸۳۴۴ بس ۱۵ * د ۱۲۵۰۰۰۰ * از راجپوت
و سیکهر در دریا دارد و غیر آن * ۲۰۰ س *
۲۰۰۰ پ *
پچوتر * بگ ۱۳۶۷۹ بس ۹ * د ۶۹۸۲۰۴۰ *
د ۲۲۵۰۰ * زئاردار * ۵۰ س * ۲۰۰۰ پ *
بله باباس * بگ ۱۳۳۰۶ * د ۶۵۲۳۶۰ * راجپوت *
۱۰ س * ۲۰۰ پ *

(۱) این مه نام در نسخها خوانده نمی شود * شف در صفحه ۳۴۸ (۲) [ایلوت] سورانو ||
(۳) همچنین در نسخها * و بحتمل که غرض مصنف گهتوال باشد || (۴) همچنین در نسخها * [ایلوت]
کبندال * (۵) همچنین در [۴] * [ض] نهراست * [ف ۱] هراست * [ش] بهرست ب نقط ||
(۶) در نقشهای پرگنه مه هیچ کوه موجود نیست || (۷) این جمله چنین در [۴] *
[ض] از راجپوت و سنگور و زئاردار و غیر آن * [ف ۱] از راجپوت هانسیکر و زور زئاردار و غیر آن *
[ش] از راجپوت سکرو زئاردار و غیر آن ||

سرکار بنارس شرقی *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۴۸ گذشت]

- ۸ محل * بگ ۱۳۶۸۹۹ بس ۱۲ * ۸۸۶۹۳۱۵۵ نقدی *
 ۳۳۸۱۸۴۵ سیورغال * اقوام مختلفه * ۸۳۰ *
 ۸۴۰۰ پ *
 افغان * بگ ۱۰۶۵۵ بس ۶ * ۸۵۳۲۲۶ د *
 ۲۰۰۸۰ سف * زئاردار و راجپوت * ۴۰۰ پ *
 بنارس با حوبلی * بگ ۳۱۶۵۷ بس ۱ * ۱۷۳۴۷۲۱۵ د *
 ۲۲۱۹۰ سف * زئاردار * ۵۰ * ۱۰۰۰ پ *
 بیانسی * بگ ۶۰۹۶۱ بس ۳ * ۵۴۷۶۳۴ د *
 زئاردار * ۲۰ * ۳۰۰ پ *
 پندرها ^(۱) * بگ ۴۹۱۰ بس ۱۵ * ۸۴۴۲۲۱ د *
 ۱۵۸۳۶ سف * زئاردار * ۱۰ * ۴۰۰ پ *
 کسوار * بگ ۴۱۱۸۴ بس ۱۴ * ۲۲۹۰۱۶۰ د *
 ۸۰۱۲۰ سف * زئاردار * ۵۰ * ۲۰۰۰ پ *
 کتیر ^(۲) - قلعه دار از خشت پخته * بگ ۳۰۴۹۵ د *
 بس ۱۴ * ۱۸۷۴۲۳۰ د * ۴۸۰۷۰۰ سف *
 رگه بنسی * ۵۰۰ * ۴۰۰۰ پ *
 هرهور * بگ ۱۳۰۹۸ بس ۳ * ۷۱۳۴۲۶ د *
 ۸۱۴۵ سف * زئاردار * ۳۰۰ پ *

سرکار جونپور شمالی *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۴۸ گذشت]

- چهل و یک محل * بگ ۸۷۰۲۶۵ بس ۴ *
 ۵۳۹۴۱۰۷ نقدی * ۴۷۱۷۶۵۴ سیورغال *
 اقوام مختلفه * ۹۱۵ * ۳۶۰۰۰ پ *
 الدیمو * بگ ۴۶۸۸۸ بس ۱۲ * ۳۰۹۹۹۹۰ د *

(۲) [ض] کتیر

(۱) [لیدو] پندره * [ض] پندهار

- ۸۸۹۷۶۶ سف * راجپوت بچگونی * ۵۰ *
 ۳۰۰۰ پ *
 انگلی * بگ ۴۲۹۹۲ بس ۱۴ * ۲۷۱۳۵۵۱ د *
 ۱۴۴۵۱۶ سف * سادات و راجپوت و
 رحمة اللهی * ۵۰ * ۲۰۰۰ پ *
 بهتری * بگ ۱۷۷۰۳ د * ۸۴۴۳۵۷ د * ۲۵۲۰۱ سف *
 انصاری * ۱۰ * ۱۰۰ پ *
 بهدانو * بگ ۴۳۰۰ د * ۲۲۹۳۱۵۵ د * صدیقی *
 ۱۰ * ۱۰۰ پ *
 تلہنی * بگ ۱۰۹۸۳ بس ۸ * ۶۵۴۳۶۳۵ د * ۲۷۴۵۷۵ سف *
 راجپوت * ۱۰ * ۱۰۰ پ *
 جونپور با حوبلی - قلعه پایان سنگین و از بالا خشت
 پخته بر آوردند * بگ ۶۵۷۳۹ بس ۴ *
 ۴۳۴۷۰۴۳ د * ۸۰۷۸۲۱ سف * راجپوت کوسک
 و کومی و زئاردار * ۱۲۰ * ۲۵۰۰ پ *
 چاندی پور بدھر * بگ ۲۲۸۲۶ بس ۷ * ۱۴۶۷۲۰۵ د *
 ۱۵۷۶۴۱ سف * رحمة اللهی - زئاردار * ۲۰ *
 ۴۰۰ پ *
 چانده * بگ ۱۷۵۹۰ د * ۹۸۹۲۸۶ د * بچگونی * ۲۰ *
 ۳۰۰ پ *
 چرباکوت * بگ ۱۴۱۵۳ د * ۸۰۷۸۴۸۵ د * ۱۳۶۸۹۵ سف *
 راجپوت * ۲۰ * ۲۰۰ پ *
 جکیسر * بگ ۱۴۱۵۵ بس ۱۰ * ۲۸۶۵۸۶ د * صدیقی *
 ۱۰ * ۱۰۰ پ *
 خرید - قلعه از خشت پخته دارد بر کنار سرو *
 ۳۰۹۱۴ بس ۱۰ * ۱۴۴۵۷۱۴۳ د * ۳۱۴۰۰ سف *
 راجپوت کوسک * ۵۰ * ۵۰۰۰ پ *
 خاص پور تانده * بگ ۱۷۳۶۵ د * ۹۸۶۹۵۳ د *
 ۴۰۱۸۹ سف * کایت * ۱۰ * ۳۰۰ پ *
 خان پور * بگ ۶۶۲۸ بس ۱۰ * ۳۰۶۰۲۰۰ د *
 ۵۳۸۷ سف * راجپوت * ۱۵۰ پ *
 دیوگانو * بگ ۱۴۴۵۲۴ بس ۱۸ * ۲۵۸۳۲۰۵ د *
 ۱۹۶۲۳۸ سف * راجپوت گونی ^(۴) * ۲۵ *
 ۱۰۰۰ پ *
 راری * بگ ۲۴۳۶۰ د * ۱۳۲۶۲۹۹ د * ۸۴۵۰۲ سف *
 راجپوت * ۱۰ * ۳۰۰ پ *
 سنجپولی * بگ ۴۶۸۱۵ بس ۳ * ۲۹۳۸۲۰۹ د *
 ۳۳۴۹۳۲ سف * سادات راجپوت و زئاردار *
 ۵۰ * ۱۰۰ پ *
 سکندر پور - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۳۲۵۷۴ د *
 بس ۱۰ * ۱۷۰۶۴۱۷ د * ۵۳۲۵ سف *
 زئاردار * ۱۰ * ۳۰۰۰ پ *
 سکدی * بگ ۱۹۷۹۲ د * ۱۲۷۴۷۲۱۵ د * ۱۰۲۲۲۴ سف *
 راجپوت * ۱۰ * ۲۰۰ پ *
 سرهر پور * بگ ۱۸۸۵۱ د * ۱۱۶۴۰۹۵ د * ۷۰۹۴۵ سف *
 راجپوت * ۱۰ * ۲۰ پ *
 شان باباد * بگ ۳۰۸۴۸ بس ۸ * ۱۷۰۰۷۴۲ د *
 ۱۰۰۲۰۰ سف * راجپوت * ۲۰ * ۴۰۰ پ *
 ظفر آباد * بگ ۲۸۲۴ بس ۹ * ۱۵۶۹۲۶ د *
 ۱۳۸۰۶ سف * راجپوت * ۵۰ پ *

(۱) چنان در [ف] * در [ش] نیست * [ض] و کوبی - و شاید که کوبی یا گونی باشد * [ض] گونی ؟
 (۲) [ض] درزا ؟ (۳) این جمله صرف در [ض] موجود است - و آب سرو همان سرو که گذشت
 (۴) همچون در [ض] * [ف] راجپوت و سیونی * در دیگر نسخها نیست (۵) [ض] گونی
 (۶) [ض] راجپوت فقط (۷) [ض] سادات راجپوت و زئاردار

اورنگ نشینان *

سلطان الشرق - شانزده سال *	سلطان محمود - بیست و یک سال و چند ماه *
مبارک شاه - یک سال و کسری *	محمود شاه - پنج ماه *
سلطان ابراهیم - چهل سال و کسری *	حسین - نوزده سال *
شش تن نود و هفت سال و چند ماه فرمانروائی نمودند *	

پیشتر ازین این دیار بدادگری فرمانروایان دهلی آباد بود * چون فرماندهی سلطان محمود بن سلطان محمد بن فیروز شاه رسید ملک سرور خواجه سرائی را که نیاک او خانجانی داده بود بخطاب سلطان الشرقي بلندپایگی بخشید و بدین مُلک فرستاد * بشناسائی و بردباری و انصاف پزیری و بردباری روزگار را فرخندگی داد و زان سفر واپسین آماده ساخت * چون پیمانته هستی او پر شد پسر خوانده داشت مبارک قرفل نام - بیاوری بزرگان زمانه سر بسروزی برداشت و خطبه و سکه بنام خود گردانید * و چون بملا آگهی رسید لشکرها فراهم آورده از دهلی به پیگار آمد و بر ساحل گنگ باوینزه برنشست و کاره نساخته هر دو ناکام باز گردیدند * چون سلطان درگذشت ابراهیم که بن برادرِ اورا جانشین ساختند و او بقدردانی و کار آگهی داد و دهش فرایندش گرفت و مالش سرتابان را سرمایه ملک آبادی گردانید * دانش را جویا آمد و شناسندگان هر پیشه را روانی شد * دانای هند قاضی شهاب الدین درین روزگار نامور گردید - زادگاه او دولت آباد دهلی است - دران مصر جامع عقلی و ۱۵ نقلی علوم را گردآوری کرد و بهنگام رسیدن صاحبقرانی بهمرای آستاد خود مولانا خواجگی که خلیفه نصیرالدین چراغ دهلی است بجزرپور آمد و آنجا نشو و نما یافت و محمود زمانیان گشت * شاه مداز که از اولیای هند است و سرچشمه سلسله معاصر او بود - چنانچه رسم است که دانش منشان ظاهر را با دیده دران باطن سرگرانی باشد اورا نیز مشرب خیر اندیشی تیرگی داشت * و چون روزگار ابراهیم بسر آمد بیگم خان بزرگ پور اورا سلطان محمود نام نهاده بکلانی برآورده * چون کردار ۲۰ شایسته نداشت رقم عزل بر او کشیده آمد و حسین برادرِ اورا بمرزبانی برداشتند * هنجاروی فرایندش نهاد و بیوند دلها عزیز برشمرد * زمانه بر مراد او خرامش نمود و روزگار به مُناگری در آمد و از افزونی باد هوش ربانی دینی کالیوه شد * با سلطان بهلول کارزار کرد و هزیمتها یافت * سلطان بهلول باریک نهر خود را در جونیور گذاشت و حکومت این بدو باز گردید * و چون سلطان بهلول را گردش سپهر بسر آمد اورنگ نشینی دهلی بساطان سکندر قرار گرفت * سلطان حسین بافتان باریک لشکرها ۲۵ فراهم آورده چند بار بدعای آمد و حکومت شرقیان بدو سپری شد

(۱) همچنین در نسخا * و در دیگر تواریخ محمد شاه - و بن درست باشد (۲) همچنین در نسخا

صوبه اوده *

از اقلیم دوم - درازا از سرکار گورکھپور تا قنوج صد و سی و پنج کوه - پهنا از شمالی کوه تا سده پور صوبه آله آباد صد و پانزده * خاور رویه بهار - شمالی کوه - جنوبی مانگ پور - غربی قنوج * آب و هوا گزین * زمستان و تابستان نزدیک باعتدال * بزرگ رود بارسر و گهگهر و سنی و گودی * در رود نخستین گوناگون آبی جانور پدید آید و شگرف پیکرها نمودار گردد * کشت و کار خوب شود خاصه برنج سکهداس و مدکهر و جهنوه - در سفیدی و نارکی و خوشدویی و گوارائی کم همتا * شالی سه ماه پیشتر از همه جای هندوستان بکارند * و آغاز خشکی شگرف سیلابها از سر و گهگهر برخیزد و پیش از هنگام بارش آب زمین را فروگیرد و هر چند افزاید ساق شالی نیز ببالد و دراز گردد * اگر جوش سیلابی پیش از خوشه گرفتن شود نابود گردد * گل و میوه شکار گوناگون * گارمیش صحرائی فراوان * و چون آب دشت را فرو گیرد جانوران به پشته برآیند و مردم بجانشکری عسرت اندوزند * برخه جاندار روز بآب در شود و شب بخشکی گراید و دمه برکشد *

اوده از بزرگ شهرهای هند - طول صد و هزده درجه و شش دقیقه - عرض بیست و هفت درجه و بیست و دو دقیقه * پیشین زمان بدرازا صد و چهل و هشت کوه و پهنا سی و شش آباد بود * از گزین معابد باستانی برشمارند * بسواد شهر خاک بیزی کنند و طلا بگیرند * بنکه راجه رام چندر بود - در دور تریا فرمانروائی معنوی را با تخت نشینی صوری فراهم داشت * یک کوهی شهر دریای گهگهر دریای سرو پیوسته پایان قلعه بگردد * نزد این شهر دو قبر بزرگ ساخته اند شش و هفت گزی - عامه خوینگاه شیث و ایوب بتمبر پندارند و دیوانسها برخوانند * برخه بر آنکه در رتن پور تربیت کبیر مؤحد - در زمان سکندر لودی بود * تختی در معنی برو کشایش یافت و از فرسوده رسمهای روزگار برکناره شد - فراوان حقایق بشعر هندی زبان ازو یادگار *

بهرایچ بزرگ شهرست بر ساحل دریای سر و - و سواد بس دلکشا و باغ فراوان * سالار مسعود و رجب سالار در آنجا آسوده و عامه هند از پیروان احمدی کیش فراوان اعتقاد کنند و از دوردستها زیارت آیند - زرین علمها برسانند و انجمنها آریند * نخستین خویشاوند سلطان محمود غزنوی است - نقد زندگی بمردانگی سپرد و جارید نام برگذاشت * دومین پدر سلطان فیروز مرزبان دهلی - از آراستگی ظاهر نیکنامی اندرخت *

نزدیک این شهر مرضی است دوگون نام - از دیرباز دارالفلوس *

- د ۱۳۳۹۲۸۹ * ۱۲۳۸۴۷ د سغ * راجپوت *
 ۳ فیل * ۱۵۰۰ پ *
 منگلنسي * بگ ۱۱۶۴۰۱ * د ۱۳۶۰۷۵۳ *
 د ۸۶۵۰۴ سغ * سوم بنسي * ۲۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 نی پور * بگ ۵۹۹۷ * د ۳۰۸۷۸۸ * د ۲۹۱۴۰ سغ *
 اقوام منفرد * ۵۰۰ پ *
 سرکار گورکھ پور *
 [دستور این سرکار در صفحه ۳۵۳ گذشت]
 بیست و چهار محل * بگ ۲۴۶۲۸۳ بس ۱۳ *
 د ۱۱۹۲۶۷۹۰ نقدی * د ۵۱۲۳۵ سیورغال *
 اقوام مختلفه * ۱۰۱۰ س * ۲۲۰۰۰ پ *
 اتولا - قلعه از خشت پخته * بگ ۳۲۰۵۲ *
 د ۱۳۹۷۳۶۷ * ۶۹۳۵ سغ * افغان میانه *
 ۵۰ س * ۱۵۰۰ پ *
 انهولا * بگ ۴۱۱۴ بس ۱۷ * د ۲۰۱۱۲۰ * ۲۱۷۰۰ سغ *
 بسین * ۴۰۰ پ *
 بنایک پور - قلعه از خشت پخته دارد *
 بگ ۱۳۸۵۷ بس ۷ * د ۶۰۰۰۰۰ * راجپوت *
 سورج بنسي * ۴۰۰ س * ۳۰۰۰ پ *
 باندهن پاره * بگ ۶۶۸۸ * ۴۱۴۱۹۴۵ * راجپوت * ۲۰۰۰ پ *
 بهنوا پاره * بگ ۳۱۰۵ بس ۱۵ * د ۱۵۵۹۰۰ *
 بسین * ۲۰۰ پ *
 تیل پور * قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۹۰۰۵ *
 بس ۱۷ * د ۴۰۰۰۰۰ * راجپوت سورج بنسي *
 ۱۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 چارپاره - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۶۵۳۶ *
 بس ۱۴ * د ۲۸۹۳۰۲ * راجپوت * ۲۰۰۰ پ *

- دریپاره - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۳۱۳۵۷ *
 بس ۱۹ * د ۱۵۱۷۰۷۸۵ * ۵۰۶۷ د سغ * بسین *
 ۶۰ س * ۴۰۰ پ *
 دیوپاره و کوتله - ۲ محل * بگ ۱۶۱۹۴ بس ۱۷ *
 د ۷۱۷۸۴۰ * بسین * ۲۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 رهای * بگ ۳۳۱۸۳ بس ۱۹ * د ۱۶۱۸۰۷۴ *
 د ۲۰۸۷۳ سغ * راجپوت بسین * ۱۰۰۰ پ *
 رسول پور و گهوسپی - ۲ محل * بگ ۴۲۰۰ *
 د ۶۲۲۰۳۰ * سوم بنسي * ۵۰۰ پ *
 رام گده و گوری - ۲ محل * بگ ۱۰۷۲۶ * د ۴۸۵۹۴۳ *
 سوم بنسي * داخل بنایک پور *
 گورکھ پور با حویلی - قلعه از خشت پخته دارد *
 برکنار آب رابتي * بگ ۱۲۶۵۶ بس ۸ *
 د ۵۶۷۳۸۵ * ۳۹۱۹ د سغ * سورج بنسي *
 ۴۰ س * ۲۰۰ پ *
 کتهلا - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۹۰۰۰ بس ۱۲ *
 د ۴۰۰۰۰۰ * بسین * ۳۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 کهلاپاره - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۱۶۰۱۲ *
 د ۴۲۵۸۴۵ * بنسي * ۲۰ س * ۳۰۰ پ *
 مهولی - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۲۵۲۳ *
 د ۶۱۸۲۵۶ * بسین * ۲۰۰۰ پ *
 مندوه * بگ ۱۹۰۹ بس ۱۹ * د ۴۵۲۳۲۱ *
 سوم بنسي * ۲۰ س * ۵۰۰ پ *
 مندله * بگ ۱۲۵۲ بس ۶ * د ۵۱۱۰۰ *
 مگهر و رتن پور - ۲ محل - قلعه از خشت
 پخته دارد * بگ ۲۶۰۶۲ * د ۱۳۵۲۵۸۵۵ *
 د ۱۶۷۷۱ سغ * بسین بیس * ۲۰۰۰ پ *

سرکار بهرایچ *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۵۲ گذشت]

- ۱۱ محل * بگ ۱۸۲۳۴۳۵ * ۵۸۵۲۵۵۲۰ نقدی *
 د ۴۶۶۴۸۲ سیورغال * اقوام مختلفه * ۱۱۷۰ س *
 ۱۴۰۰۰ پ *
 بهرایچ با حویلی - قلعه از خشت پخته دارد بر
 کنار دریای سرز * بگ ۶۶۷۲۳۱ * د ۹۱۳۹۱۴۱ *
 د ۴۰۲۱۱۱ سغ * راجپوت * ۶۰۰ س * ۴۵۰۰ پ *
 بهره * بگ ۹۲۶ * د ۳۷۱۳۵۵ * کهنه * ۵۰۰ پ *
 حسام پور - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۱۵۷۴۱۵ *
 د ۴۷۰۷۰۳ * ۱۶۰۱ د سغ * ریکوار - بهالی *
 و طایفه بسین * ۷۰ س * ۹۰۰ پ *
 دانکدون * بگ ۸۴۴۳۶ * د ۴۴۰۵۶۲ * جنوار *
 ۲۰۰۰ پ *
 رجبت * بگ ۴۰۶۴ بس ۱۱ * د ۱۶۶۷۸۰ * جنوار *
 ۱۰۰۰ پ *
 سنجپولی * بگ ۱۲۴۸۱۰ * د ۸۷۷۰۰۷۵ * راجپوت جنوار *
 سلطانپور * بگ ۵۸۱۴۶ * د ۱۶۶۰۰۱ * جنوار * ۷۰۰ پ *
 فخرپور - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۱۹۱۷۲۰ *
 د ۳۱۵۷۸۷۶ * ۵۶۰۳۵۵ د سغ * ریکوار * ۱۵۰ س *
 ۲۰۰۰ پ *
 فیروز آباد - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۱۰۸۶۰۱ *
 د ۱۹۳۳۰۷۹ * ۴۱۰۷۵ د سغ * راجپوت تونور *
 ۲۰۰ س * ۷۰۰۰ پ *
 قلعه نواگده * بگ ۴۱۷۶۰۱ * د ۲۱۴۰۸۵۸۵ * منفرد *
 ۵۰ س * ۱۰۰۰ پ *

- کهرنسا - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۲۸۴۸۹ *
 بس ۱۷ * د ۱۳۱۵۰۵۱ * ۲۶۲۸ د سغ * بیس *
 ۱۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *

سرکار خیرآباد *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۵۲ گذشت]

- ۲۲ محل * بگ ۱۹۸۷۷۰۰ بس ۶ * د ۴۳۶۴۳۸۱ *
 نقدی * ۱۷۱۳۴۲ سیورغال * اقوام مختلفه *
 ۱۱۶۰ س * ۲۷۸۰۰ پ *
 برور انجنه ؟ * بگ ۷۹۶۷۰ بس ۹ * د ۴۳۲۵۲۳۷ *
 د ۱۰۷۰۷۹ سغ * راجپوت و زنادار * ۵۰ س *
 ۲۰۰۰ پ *
 بسره - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۱۳۵۱۱۹ *
 د ۳۵۴۵۶۴۳ * ۱۰۷۹۱۶ د سغ * راجپوت *
 باچل * ۳۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 بالی * بگ ۱۴۶۲۷ * د ۱۸۴۹۲۷۰ * ۳۷۹۴۵ د سغ *
 آسین ؟ * ۳۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 بارن * بگ ۵۶۱۵۶ * د ۱۱۶۱۲۳۵ * ۲۶۴۸۸ د سغ *
 آسین ؟ * ۲۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 بسره * بگ ۶۰۰۶۳ * اقوام منفرد * ۳۰۰ پ *
 بهرواره - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۸۹۷۱ *
 بس ۱۸ * د ۴۳۵۴۳۰۰ * آسین ؟ * ۵۰ س *
 ۲۵۰۰ پ *
 بسرا * بگ ۲۱۷۴۰ * د ۲۷۶۰۶۶ * باچل * ۲۰۰ پ *
 پبلا * بگ ۹۸۱ بس ۱۴ * د ۴۸۲۰۲۵ * آسین ؟ * ۲۰۰۰ پ *
 چپتی پور * بگ ۶۴۷۰۶ * د ۱۷۶۵۶۴۱۵ * ۴۱۰۹۴۵ د سغ *
 راجپوت گزر * ۵۰ س * ۷۰۰ پ *

(۱) همچنین در انترنسخه * [۵] کهیر * (۲) همچنین در [۵ ض] * [۱۳] بهای ب نقطه *

(۳) در نسخه آسین یا آسین یا آسین یا آسین ؟ *

- سندی * بگ ۷۸۵۶ بس ۹ * ۳۹۲۳۱۳۵ * ۳۷۹۲۵۱ *
 راجپوت * ۱۰۰۰ پ *
 سرون * بگ ۵۵۷۶ * ۲۱۰۳۱۶۵ * ۲۸۵۸۵ *
 راجپوت و کهنی * ۱۰۰ پ *
 فتحپور - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۱۹۸۳۰ *
 د ۳۱۶۱۴۴۰ * ۲۶۱۴۴۰۵ * شیخزاده *
 راجپوت * ۲۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
 فتحپور چوراسی * بگ ۱۰۵۹۵۲ * ۹۰۹۱۷۶۵ *
 د ۲۵۹۴۴ * راجپوت و چندیل * ۱۰ س *
 ۵۰۰ پ *
 گده انبهنی - قلعه از خشت پخته دارد * بگ
 ۴۷۳۵۹ * د ۱۸۰۰۰۰۰ * راجپوت بهمن گوتی *
 ۲۵۰ س * ۸۰۰۰۰ پ *
 کرسی - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۸۰۸۱۷ *
 د ۱۶۹۳۸۴۴ * ۶۲۹۱۹۵ * راجپوت *
 ۶۰ س * ۳۰۰۰۰ پ *
 کاکوری - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۳۱۵۷۴ *
 د ۱۱۳۴۴۳۲ * ۱۴۴۳۰۰ * راجپوت *
 بسین * ۳۰ س * ۵۰۰ پ *
 کهنجره * بگ ۲۲۳۰۰ * ۸۱۸۴۷۲۵ * بیس ۱۰۰ س *
 ۲۰۰۰ پ *
 گهاتم پور * بگ ۲۷۳۹۰ * ۵۵۲۵۶۱۵ * زناردار *
 ۵۰۰ پ *
 کچه اندر * بگ ۲۲۰۶۶ * ۴۳۰۵۹۶۶ * ۴۴۶۱۰ *
 چندیل * ۵۰۰ پ *

(۱) [۳ ل] گده امیتهی || (۲) همچون در [ض ۳] * [۱] گوتی بهمن راجپوت بهمنین ||
 (۳) [۱] دهی راجپوت * [۳] حیدروی بی نقطه * [ل] راجپوت فقط || (۴) در
 [۴] نیست || (۵) [۴] بنسی ؟ || (۶) همچون در [ض ۴] بی نقطه * [ل] سوار *
 در دیگر نسخها نیست ||

- مکراید * بگ ۱۷۹۵۹ * ۵۷۶۲۰۰ * ۵۲۴۷۵ *
 راجپوت بیس * ۱۰۰۰ پ *
 هدهه - قلعه از خشت دارد * بگ ۱۶۳۲۶ *
 (۲)
 ۲۴۵۰۵۲۲۵ * ۶۵۰۹۵ * بیس ۱۰۰ س *
 ۱۵۰۰ پ *
 هردونی * بگ ۱۱۷۳۴ * ۳۵۹۷۴۸ * ۶۰۲۶۵ *
 زناردار * ۳۰۰ پ *
 (۳)
 ینهار * بگ ۱۳۱۰۹ * ۳۲۹۷۳۵۵ * بیس ۳۰ س *
 ۵۰۰ پ *

صوبه دارالخلافه آگره *

از دم اقلیم - درازا از گهاتم پور الهاباس تا بلول دلی صد و هفتاد و پنج کوه - پهنای از قنوج تا
 چندیری مالوه * شرقی گهاتم پور - شمالی دریای گنگ - جنوبی چندیری - غربی بلول * فراوان
 رودبار درو - و گزین آن جون و چندیل * نخستین از شمالی کوه آید و پسین از حاصل پور مالوه بر جوشد
 ۱۰ و نزد کالی بیجی در شود * کوه جنوبی جا بجا * در خوبی آب و هوا کم همتا * کشت و کار گزیده *
 گوناگون میوه و گل درو * روغن خوشبو و برگ تندول بس شایسته بهمرسد * خرپزه و انگور بسان
 ایران و توران پدید آید *

آگره بزرگ شهر دست خوش هوا * دریای جون تا پنج کوه میانه گذرد و هر دو سودلکشا کخها
 جانفزا چمنها * گوناگون مردم از هر کیش درو * آباد هنگامه کالای هفت کشور * گیتی خداوند قلعه
 ۱۵ از سرخ سنگ بر ساخت که جهان دیدگان همای او نگذارند - از پانصد افزون سنگین کوشک بشرف
 طرحهای بنگاله و گجرات درو * نقاشان نادر کار و پیکر نگاران نظرفریب کارنامه بر ساخته اند * بدروازه
 باختر سودو فیل سنگین با پیلانان بس نیکو تراشیده اند * دریاستان دهی بود از بیانه - سلطان
 سکندر لودهی پای تخت گردانیده * گیتی خداوند آنرا بر آراست و بیعیال شهره بر روی کار آمد *
 و آن روی آب چارباغی از فرودس مکانی یادگار * زادگاه نگارنده شگرفنامه است - خوابگاه نیا و مهین
 ۲۰ برادر او * شیخ علا الدین مجذوب و میر رفیع الدین صفوی و بسیاری کاراکیان در اینجا غنوده اند * و
 نزدیک شهر بر ساحل دریای جون دهی است رنگه نام بزرگ نیایش جای هند *

فتح پور دهی بود از بیانه سیکری نام دوازده کوهی دارالخلافه * بقدرم کشور خدا از گزین شهرهای
 روزگار شد * سنگین قلعه اساس یافت و دو سنگین فیل بر دروازه او شگفت آورد * والا کخها بانجام
 رسید * اگرچه دولتخانه شاهنشاهی و بنگاه بسیاری بندگان سعادت گرای بر فراز کوه لیکن دشت و صحرا را

(۱) [۴] مکراید (۲) در [۴] نیست || (۳) چونکه نامهای پراگندگات موافق حروف
 تهجی مرتب است اول حرف نام این پرگنه های هوز باشد یا یای تحقانی ||

فراوان منزل و باغ فرو گرفته * و بفرمان گیهان خدا مسجد و مدرسه و خانقاه بر فراز آن کوه انجام یافت * جهان دیدگان بدان نبط کم نشان دهند * پیوست شهر بزرگ گولای است درازده کوه و در کنار آن خدیو عالم والا صفه و مناره و چوگانگاه بر ساخته اند تماشای فیل در آنجا کند * دران نزدیکی کالے است از سنگ سرخ - بهر اندازه که خواهند ستونها و تختها جدا کنند * درین هر دو شهر بتوجه گیتی خداوند گلیم و قماش مهین بافند - و بسا هنریشگان را روز بازار *
 بیانه در باستانی زمان سترگ مصری بود - قلعه دارد - بسا کاخ و ته خانه درو * هفوز مردم ازان دست افزار جنگ و مسین آوند یابند * و مناره ایست بس بلند * گزین انبه پدید آید و برخه از یک سیرے افزون شود * شکو بس سفید سازند * چاه است که بآب آن شکر سفید را بوزن یک سیر کم و بیش قرصا بر بندند و آنرا کندوره گویند (بفتح کاف و نون خفی و فتح دال و سکون واو و فتح را و هاء مکتوب) - و بدیگر آبها بستگی نپذیرد - و بدور دستها ارمغانی برند * و ذیل شایسته ۱۰ شود منی ازده تا درازده رویه * و حنا بس گزین بهم رسد * تربت جایی بسیاریه گزیده گان *
 توده بهیم - در سه کوهی او غارے است آب آمود * ژرفای آن کس نداند * کان مس و فیروزه نشان دهند لیکن خرج بر دخل افزونی کند *

متوره شهر یست بر کنار دریای جون * والا بتخانها درو * از بزرگ پرستش کدها *

کالپی شهر یست بر ساحل جون - خوابگاه بسیاریه از نیکوان * نبات گزیده شود * در هنگام شرفیان بدلهای باج گذاردے - چون قادر خان را دماغ آشفست خود سرب فرایش گرفت سلطان هوشنگ از مالوه آمد و مائش داده بدو باز گذاشت * و سلطان محمود شرقی از نصیر خان پور قادر خان برگرفت *

قنوج در باستان دار الملک هندوستان بود *

گوالیار از نامور دژها و سنگین فیل بر دروازه شگاف افزا * و دران والا عمارات فرماندهان * آب ۲۰

و هرا بس گزین * همواره خنیاگران جادو نفس و خویریان دلریا پدید آیند * و کان آهن درو *
 الور گلیم و شیشه فراوان بر سازند * و در پیرانه کان مس - فراوان سود دهد چنانچه از یک من خاک سی و پنج سیر پدید آید * و معدن نقره نیز نشان دهند لیکن فایده مند نباشد *
 و نزد کوه نازنول چاه است - مردم بدانجا نیایشگری نمایند - و چون نت آمادس بآینه افتد در بر آمد آفتاب لب ریز گردد - و آب بے رسن بر گیرند * و در سنگانه و ادیپور و کوت بوتلی ۲۵ کان مس * و در قصبه کانوری چشمه می سود و گرم فراوان *

سینده سرکار و دیست و سه پوگنه بدو گراید * زمینی پیموده دو کرور و هفتاد و هشت لک

و شصت و دو هزار و صد و هشتاد و نه بیگه و هزده بسره * جمع پنجاه و چهار کرور و شصت و دو لک و پنجاه هزار و سیصد و چهار دام * ازان میان یک کرور و بیست و یک لک و پنج هزار و هفتصد و سه و نیم دام سیورغال * بومی پنجاه هزار و ششصد و هشتاد و یک سوار و پنج لک و هفتاد و هفت هزار و پانصد و هفتاد پیاده * دیست و بیست و یک فیل *

سرکار آگره *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۵۶ گذشت]

سی و سه محل * بگ ۹۱۰۰۷۳۲۴ * نقدی
 د ۱۹۱۸۱۹۲۶۵ * ۱۴۵۶۶۸۱۸ د سیورغال *
 اقوام مختلف * ۱۵۵۶۰ س * ۱۰۰۸۰۰ پ *
 آگره با حویلی * بگ ۸۹۱۹۹۰ بس ۵ د ۱۴۴۹۵۶۴۵۸ *
 د ۸۸۲۴۴۵۴۴ * سغ * گورجت و لوده و غیره *
 ۳۰۰۰ س * ۱۵۰۰۰ پ *
 آثاره - قلعه از خشت پخته بر کنار جون *
 بگ ۲۸۴۱۰۶ * ۱۰۷۳۹۳۲۵ د *
 د ۱۵۱۳۶۲ د سغ * چوهان بهدوریه
 زاندار ۲۰۰۰ س * ۱۵۰۰۰ پ *
 آزل * بگ ۱۵۳۳۷۷ بس ۹ د ۵۵۰۹۴۷۷ *
 د ۸۱۵۴۲ سغ * راجپوت و زاندار * ۱۰۰ س *
 ۱۰۰۰ پ *
 اودیهی * بگ ۲۷۴۰۶۷ د ۲۸۸۴۳۶۵ *
 د ۷۸۱۶۵ سغ * راجپوت زاندار و غیره * ۳۰ س *
 ۵۰۰ پ *
 آرد * بگ ۲۰۳۵۰۵ د ۱۰۰۳۸۴۸ د ۳۶۸۷۰۵ سغ *
 شیخزاده * ۱۰۰ س * ۵۰۰ پ *
 بجواره - قلعه سنگین دار * بگ ۶۶۳۲۳۶ *

د ۱۰۹۶۶۰۶۰ * چوهان * ۱۵۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
 بیانه [با حویلی] - قلعه سنگین دار * بگ ۲۳۵۴۴۲ *
 د ۷۱۱۰۱۰۴ * ۵۶۲۲۰۵ سغ * اهیر و جت *
 ۵۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 باری * بگ ۲۷۶۹۶۴ د ۵۰۶۴۱۵۸ د ۵۷۴۱۴ سغ *
 راجپوت پنوار * ۳۰۰ س * ۷۰۰۰ پ *
 بهوساور * بگ ۳۰۳۵۰۹ بس ۹ د ۵۵۰۵۴۶۰ *
 د ۲۵۵۴۶۰ سغ * راجپوت متفرقه * ۵۰ س *
 ۱۵۰۰ پ *
 بناور * بگ ۱۲۸۸۰ د ۱۵۵۳۶۰ د * بگوجر * ۳۰ س *
 ۴۰۰ پ *
 توده بهیم * بگ ۲۶۴۱۰۳ بس ۱۱ د ۳۷۳۷۰۷۵ *
 د ۱۳۶۱ سغ * راجپوت * ۱۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 بهسکر * بگ ۴۳۰۰۹ د ۲۸۹۱۱۰۰ *
 د ۵۳۲۵ سغ * راجپوت زاندار اهیر *
 ۲۰ س * ۷۰۰ پ *
 جلیسر - قلعه از خشت پخته دار * بگ ۹۰۴۷۳۳ *
 د ۶۸۳۵۴۰۰ د ۱۴۲۰۸۰ سغ * گهلوت سورج
 بانکره * ۴۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *

(۱) در [۵ ض] نیست (۲) همچنین در نسخها (۳) ترتیب حرف بهیم توده خواهد

(۴) [۵] راجپوت تهیتر (یا آتیتر) ؟ [۵] بهیتر ؟ [۵] بیشتر ؟ [ض] سهر ؟

(۵) در نسخها مانکره یا بانکره یا نانکره بے نقط

جغوار - قلعه از خشت پخته بر ساحل دریای جون *

بگ ۷۶۵۲۰۷۰۵ * ۱۱۴۶۲۲۵۰۵ * ۶۰۳۴۲۰۵۶۰۵

چوهان * ۲۰۰ * ۷۰۰۰ * پ *

چوسنبه * بگ ۹۷۴۳۰۹۷۴ * ۱۸۲۰۴۸ * پ *

د ۶۷۴۳۱۵۵ * راجپوت زئاردار جت اهیر *

۵۰ * ۱۰۰۰ * پ *

خانوه * بگ ۱۰۵۳۳۰۵۳۳ * ۲۹۱۲۴۹۵ * ۲۲۲۶۲۸۵ * پ *

راجپوت جت * ۳۰ * ۴۰۰۰ * پ *

دهولپور - قلعه از خشت پخته بر کنار آب چنبل *

بگ ۲۸۴۰۳۷۰۳۷ * ۹۷۲۹۳۱۱ * ۲۵۵۷۴۷۵ * پ *

سکروال * ۲۰۰ * ۴۰۰۰ * پ *

راپری - قلعه از خشت پخته * بگ ۴۷۷۲۰۱۱۱ * ۱۱۰۳۵۰۸۰۳۵ * ۷۳۴۰۷ * چوهان اولاد *

راوت باهن * ۲۰۰ * ۴۰۰۰ * پ *

رجپوهر * بگ ۳۱۸۲۸۰۳۱۸۲۸ * ۱۶۹۴۲۰۳۵ * ۴۸۰۲۳ * پ *

راجپوت * ۲۰ * ۳۰۰ * پ *

سیدونکر سیدونکری * بگ ۹۰۵۹۹ * ۹۸۵۷۰۰ * پ *

۷۸۴۲۵ * راجپوت چوهان * ۷۰ * ۵۰۰ * پ *

فتح پور - قلعه سزگین دار * بگ ۲۰۲۷۲۳ * ۱۸۰۵۵۰۰۵ * ۸۴۹۰۰۰۵ * شیخزادهای *

چشتی راجپوت سنکروال * ۵۰۰ * ۴۰۰۰ * پ *

کهنونمر * بگ ۹۶۷۶۰ * ۷۴۵۹۵۱ * راجپوت جت *

۵۰ * ۳۰۰ * پ *

مهراون - قلعه از خشت پخته دار * بگ ۲۹۰۷۰۳ * ۶۷۸۴۷۸۰ * ۲۸۴۷۸۷ * سادات زئاردار *

و غیره * ۲۰۰ * ۲۰۰۰ * پ *

متبر - قلعه از خشت پخته دار * بگ ۳۷۳۴۷ * ۱۱۵۸۰۷۵ * ۶۹۷۷۰۵ * پ *

مهولپ * بگ ۶۶۶۹۰ * ۱۵۰۱۲۴۶۵ * راجپوت و غیره *

۳۰ * ۵۰۰ * پ *

مذکوتله * بگ ۷۴۹۷۴ * ۱۴۸۰۷۵ * ۷۹۳۵۵ * پ *

راجپوت و غیره * ۲۰ * ۴۰۰ * پ *

منداور * بگ ۱۰۱۹۰ * ۱۳۲۵۰۰ * چوهان *

۱۵۰ * ۸۰۰ * پ *

فرز پور * بگ ۷۱۳۲۸ * ۲۰۰۶۲۵۵ * ۹۲۵۵۵ * پ *

راجپوت * ۲۰ * ۳۰۰ * پ *

هندون * بگ ۴۳۲۹۳۰ * ۹۰۴۹۸۳۱ * ۳۰۱۹۸۰۵ * پ *

راجپوت زئاردار جت * ۱۰۰ * ۱۰۰۰ * پ *

هنگانت - قلعه از خشت پخته دار * بگ ۶۰۶۹۹۱ * ۱۲ * ۵۶۹۳۸۰۷ * ۴۳۲۳۱ * چوهان *

بهدوریا * ۲۰۰۰ * ۲۰۰۰۰ * پ *

هیلک * بگ ۱۳۷۴۲۱ * ۲۷۸۹۴۹۴ * ۳۰۵۳۱ * پ *

راجپوت متفرقه * ۲۰ * ۵۰۰ * پ *

سرکار کالپی *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۵۸ گذشت]

شانزده محل * بگ ۳۰۰۲۳ * ۹۴۵۶۷۳۲۵ * ۹۴۵۶۷۳۲۵ * نقدی * ۲۷۸۲۹۰ * سیرغال * اقوام مختلفه *

۱۵۰۰ * ۳۰ * فیل * ۳۴۰۰۰ * پ *

اولکئی * بگ ۹۵۶۷۷ * ۱۸ * ۱۲۹۷۳۷۹ * پ *

د ۷۲۲۱۳ * راجپوت * ۲۰ * ۵۰۰ * پ *

بلاس پور * بگ ۱۲۶۸۸۸ * ۱۴ * ۳۷۱۴۵۴۷ * پ *

د ۱۳۱۱۰ * کچواها * ۱۰۰ * ۵۰۰۰۰ * پ *

(۱) [۸] چندوار ؟ (۲) همچنین در [۸ ض] * [۱] اولاد و لودت بابا مسین ؟

[۳] اولاد دو لودیت ؟ [۱] اولاد دو لودت اما سین ؟ (۳) همچنین در نسخها

سرکار قنوج *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۵۷ گذشت]

سی محل * بگ ۲۷۶۶۷۳ * ۱۶ * ۵۲۵۸۴۶۲۴ * پ *

د ۱۱۸۴۶۵۵ * اقوام مختلفه * ۳۷۶۵ * پ *

۷۸۳۵۰ * پ *

بهوگانو - قلعه دار - متصل به او حوضی است که آنرا سومنات گویند بر آب است بغایت شیرین * بگ ۳۳۷۱۰۵ * ۳۳۷۱۰۵ * ۴۵۷۷۰۱۰ * پ *

۵۳۳۱۶۵ * چوهان * ۱۰۰۰ * ۱۰۰۰۰ * پ *

بهوج پور * بگ ۱۵۰۹۷۴ * ۱۳ * ۳۴۴۶۷۳۷ * پ *

د ۱۰۴۷۰۵ * کبروال * ۱۵۰ * ۳۰۰۰ * پ *

بلگرانو * بگ ۷۴۱۰۰ * ۱۰ * ۳۳۸۷۰۷۶ * پ *

د ۱۲۸۵۵۸ * راجپوت مسلمان * ۲۰ * ۱۰۰۰ * پ *

بتهور * بگ ۱۷۵۰۴۲ * ۱۲ * ۲۹۲۱۳۸۹ * پ *

چندیل * ۳۰۰ * ۵۰۰۰ * پ *

بلهور * بگ ۶۳۷۷۳ * ۱۴ * ۲۸۲۸۳۴۹ * پ *

د ۲۱۶۷۴۱۵ * راجپوت * ۲۰ * ۱۰۰۰ * پ *

پدیالی * بگ ۱۵۸۶۳۴ * ۱۴ * ۱۸۷۷۶۰۰ * پ *

د ۴۵۶۵۶ * راجپوت چوهان * ۱۰۰ * ۲۰۰۰ * پ *

پتی علی پور * بگ ۳۸۴۱۸ * ۱۱ * ۱۱۵۳۶۳۶ * پ *

د ۸۰۶۰۵ * راجپوت * ۲۰ * ۵۰۰ * پ *

پتی نکیت * بگ ۴۹۲۶۱ * ۱۸ * ۵۶۶۹۹۷ * پ *

د ۲۴۹۷ * سینگره * ۵۰ * ۵۰۰ * پ *

بونه * بگ ۳۴۷۳۶ * ۱۴ * ۴۵۰۰۰۰ * راجپوت *

متفرقه * ۱۰ * ۲۰۰ * پ *

بدهندینه * بگ ۷۲۹۳۰ * ۱۴ * ۱۲۶۰۱۹۹ * پ *

د ۳۴۱۴ * کچواها * ۵۰ * ۲۰۰۰ * پ *

دیراپور * بگ ۱۰۳۰۸۵ * ۱۷۶۰۷۵۰ * ۴۲۲۱۵ * پ *

شیخزاده * ۵۰ * ۲۰۰۰ * پیداد بندوچی *

دیوکلی * بگ ۱۰۹۶۲ * ۱۴۶۶۹۸۵ * ۱۷۰۰۵ * پ *

زئاردار * ۲۰۰ * ۱۰ * فیل * ۲۰۰۰ * پ *

رائه - قلعه از خشت پخته دار * بگ ۵۱۰۹۷۰ * ۱۶ * ۲۷۰۸۹۴ * ۹۲۷۰۸۹۴ * پ *

افغان و ترکمان * ۷۰ * ۹ * فیل * ۳۰۰۰ * پ *

راپور * بگ ۴۳۱۶۶ * ۸ * ۱۲۰۰۰۰ * راجپوت *

۱۰ * ۵۰۰ * پ *

سوگن پور * ۱۵۰۷۸۷۷ * ۵۸۶۶۴ * راجپوت *

بیس * ۲۰ * ۱۰۰۰ * پ *

شاپور * ۸۸۴۳۴۲۰ * ۲۴۵۷۴۷ * چوهان *

و ملک زاده * ۳۰۰ * ۶ * فیل * ۳۰۰۰ * پ *

کانپی با حوبلی * ۴۸۷۱۰۵۳ * ۲۰۳۹۰۹۵ * ۲۰۳۹۰۹۵ * پ *

متفرقه * ۴۰۰۰ * ۱۰ * فیل * ۵۰۰۰ * پ *

کنار * ۴۹۴۳۰۹۶ * ۶۰۸۵ * ۶۰۸۵ * سینگر * پ *

۱۰۰ * ۱ * فیل * ۲۰۰۰ * پ *

کهندوت * ۳۰۲۷۹۱۷ * ۲۷۱۲۱ * پرهار *

۵۰ * ۴۰۰۰ * پ *

کهندیل * بگ ۸۶۰۵۳ * ۱۱ * ۸۷۱۷۳۳ * پ *

د ۱۵۰۰۸ * راجپوت * ۲۰ * ۱۰۰۰ * پ *

محمّد آباد * بگ ۱۸۴۰۸۰ * ۱۶۱۷۲۵۷۵ * ۴۲۶۲۱۰ * پ *

راجپوت کنبی * ۵۰ * ۱۰۰۰ * پ *

هیرپور * بگ ۱۴۰۷۹۷ * ۶ * ۴۸۰۳۸۲۸ * پ *

د ۱۳۲۲۴۵ * کنبی * ۲۰۰ * ۲۰۰۰ * پ *

- بارا * بگ ۸۷۳۹ بس ۱۴ * د ۱۴۰۰۰۰۰ * چوهان *
 ۱۰ س * ۳۰۰ پ *
 پهنوند * بگ ۱۱۱۵۴۶ * ۵۴۳۲۳۹۱ د * ۱۹۳۱۳۵ س *
 سینگره^(۱) * ۳۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 چهبرامو * بگ ۷۶۳۱۸ بس ۷ * ۱۵۲۲۰۲۸۵ *
 ۲۲۱۲۸۵ س * راجپوت چوهان * ۲۰۰ س * ۵۰۰ پ *
 دیوها * بگ ۱۱۹۵۰ بس ۱۲ * ۴۸۳۱۷۱ د *
 د ۷۹۰۴۵ س * چوهان بیس دهاکوه *
 ۲۰ س * ۳۰۰ پ *
 سکیت * بگ ۱۳۲۹۵۵ بس ۹ * ۳۲۳۰۷۵۲ د *
 د ۱۵۸۳۱۰ س * چوهان * ۱۰۰ س * ۳۰۰۰ پ *
 هرنج * بگ ۶۴۰۷۰ بس ۶ * ۱۲۰۰۰۰۰ د * دهاکوه *
 ۲۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *
 سهار * بگ ۷۸۵۷۴ بس ۹ * ۲۵۲۴۴۵۵ د * ۲۱۹۶۹۵ س *
 گوروه * ۲۰ س * ۵۰۰ پ *
 سیولگی * بگ ۱۲۵۲۳ * ۶۲۳۴۷۳ د * راجپوت *
 ۱۰ س * ۳۰۰ پ *
 سکیت پور * بگ ۲۴۵۶۱ * ۶۲۳۴۴۱۵ د * راجپوت بیس *
 ۳۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *
 سکرانو * بگ ۱۹۸۱۷ بس ۱۰ * ۵۴۹۰۵۰۵ د * ۲۲۵۳۵ س *
 راجپوت * ۱۰ س * ۵۰۰ پ *
 سهار * بگ ۲۵۱۹۵ بس ۸ * ۸۴۶۵۵۳۵ د * ۱۶۴۰ س *
 چوهان * ۳۰ س * ۵۰۰ پ *
 سینگره^(۲) * بگ ۱۰۰۸۹ بس ۵ * ۴۶۵۳۲۸۵ د *
 ۷۱۳۷۵ س * چوهان دهاکوه * ۳۰ س * ۴۰۰۰ پ *
 سکندر پور آت هو * بگ ۴۹۶۴ بس ۱۴ * ۲۷۶۹۱۸ د *
 د ۲۲۶۲۴ س * گوروه ژناردار * ۱۰ س * ۲۰۰۰ پ *

سرکار کول *

- [دستور این سرکار در صفحه ۳۵۸ گذشت]
 بیست و یک محل * بگ ۲۴۶۱۷۳۱ *
 د ۴۹۹۲۹۹۴۵ نقدی * ۲۰۹۴۸۴۰ د * سیورغال *
 اقوام مختلفه * ۴۰۳۵ سوار * ۷۸۹۵۰ پیاده *

(۱) در چند نسخه سیکر || (۲) همچنین در نسخها || (۳) [ایوت] بیدرور ؟ ||

- اترولی * بگ ۳۲۰۵۶۹ * ۵۴۵۴۴۵۹۵ د * ۵۴۰۰۴۵۹۵ س *
 راجپوت چوهان افغان * ۵۰۰ س * ۹۵۰۰ پ *
 اکبر آباد * بگ ۱۱۸۳۸۶ * ۳۰۰۳۴۰۹۵ د * ۲۳۰۶۰۰ س *
 راجپوت پندیر * ۵۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
 اهار - قلعه از خشت پخته برکنار دریای گنگ *
 بگ ۴۵۷۶۴ * ۲۱۰۶۵۵۴۵ د * ۸۷۱۴۰ س *
 مسلمان و ژناردار * ۲۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *
 پهاسو * بگ ۵۵۰۶۰ * ۲۵۰۲۵۶۲۵ د * بدگور *
 ۱۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 جلام * بگ ۱۱۱۸۷۸ * ۲۱۳۱۷۶۵ د * ۵۶۱۵۶۱۵ س *
 افغان و چوهان * ۵۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 پچلانا * بگ ۳۹۱۲۸ * ۶۲۴۸۲۵۵ د * راجپوت گوراهر *
 ۲۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
 تپل - قلعه از خشت پخته دارن * بگ ۱۶۳۰۴۶ *
 د ۱۸۰۲۵۷۱ * ۲۵۷۱ د * چوهان * ۱۰۰ س *
 ۳۰۰۰ پ *
 تپانه فریدا * بگ ۶۳۸۴۷ * ۱۱۲۷۵۰ د * راجپوت *
 باچیل * ۲۰ س * ۵۰۰ پ *
 جلالی * بگ ۱۴۵۸۰۱ * ۲۹۵۷۱۰۵ د * ۸۶۳۵۲ س *
 راجپوت پندیر * ۵۰۰ س * ۶۰۰۰ پ *
 چندوس * بگ ۴۲۴۶۹ * ۱۷۴۹۲۳۸۵ د * ۳۶۶۶۲۵ س *
 چوهان * ۱۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 خرجه * بگ ۸۹۷۲۶ * ۳۷۰۳۰۲۰۵ د * ۵۸۳۰۵۶ س *
 بدگور * ۲۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
 دنیپائی - خشتین * بگ ۴۸۵۳۹ * ۲۱۶۹۹۳۹ د *
 د ۷۲۸۶۹ س * بدگور * ۵۰ س * ۱۰۰۰ پ *

سرکار گوالیار *

- سینگره^(۳) محل * بگ ۱۱۴۶۴۶۵ بس ۶ *
 د ۲۹۹۸۳۶۴۹ نقدی * ۲۴۰۳۵۰۵ د * سیورغال *
 اقوام مختلفه * ۲۴۹۰ سوار * ۴۳۰۰۰ پیاده *
 انهنون - قلعه دارن * بگ ۱۰۶۸۹۹ بس ۱۴ *

(۱) همچنین در [۵] * [ض] ۴۰۰۰۴۵۹ نقدی و همین عدد سیورغال || (۲) [۵] سوزی *
 [ض] سوزی * [۲] سوزی * [ف] چوهان و افغان و راجپوت || (۳) در [۵] نیست ||

- د ۲۲۷۷۹۴۷ * تونور * ۲۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *
 بدرهغه - قلعه دارن * بگ ۶۳۹۱۴ بس ۱۸ *
 د ۶۹۶۸۰۰ * راجپوت تونور * ۳۰۰ س *
 ۵۰۰۰ پ *
 چنپار (۱) - قلعه دارن * بگ ۱۴۰۱۴۰ بس ۱۶ *
 د ۱۰۵۱۳۴۱ * ۳۵۹۳۰ سغ * زناردار *
 ۱۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *
 جلودا - قلعه دارن * بگ ۳۲۶۷۷ بس ۱۵ *
 د ۲۱۹۳۰۶ * گوجر * ۱۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 دندرولي * بگ ۱۹۷۳۱۲ بس ۱۱ * ۱۸۰۷۲۰۷۵ *
 راجپوت تونور * ۵۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 راي پور * بگ ۸۷۷۹۷ بس ۱۷ * ۱۰۱۷۷۲۱۵ * تونور *
 ۴۰ س * ۷۰۰ پ *
 سرسیني * بگ ۹۴۲۴۳ * ۸۳۲۱۲۸۵ * سکروال *
 ۲۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
 سمارلي * بگ ۴۶۲۸۴ بس ۸ * ۲۰۰۱۳۴۴۵ *
 باگري * ۵۰ س * ۷۰۰ پ *
 سربنده - قلعه از خشت پخته * بگ ۲۲۱۲۴ بس ۱۷ *
 د ۲۶۷۴۹۷۵ * سکروال * ۲۰۰ س * ۶۰۰۰ پ *
 علا پور * قلعه دارن - چون سلطان علاءالدین بود نام او
 اکهار (۲) (؟) است * بگ ۲۱۱۲۲۹ *
 ۵۱۲۳۷۶۶ * زناردار * ۵۰ س * ۵۰۰ پ *
 گرالپار با حويلي * بگ ۳۴۵۶۵۷ * ۱۲۴۸۳۰۷۲ *
 د ۱۳۸۷۴۹۰ سغ * راجپوت تونور * ۱۰۰۰ س *
 ۲۰۰۰ پ *
- کهنولي - قلعه دارن * بگ ۱۹۸۲۷۰ * ۳۱۰۵۳۱۹۵ *
 د ۶۴۵۰ سغ * جت * ۲۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *
- سرکار ایرج ***
- [دستور این سرکار در صفحه ۳۵۷ گذشت]
 شازنده محل * بگ ۲۲۰۲۱۲۴ بس ۱۸ * نقدي
 ۳۷۷۸۰۴۲۱۵ * ۴۵۶۹۳۵۳ * سیورغال * اقوام
 مختلفه * ۶۱۶۰ سوار * ۱۹۰ فیل *
 ۶۸۵۰۰ پیاده *
 ایرج * بگ ۶۲۵۵۹۷ * ۲۹۲۲۴۳۶۵ * نقدي
 د ۱۰۱۶۶۱۵ * سغ * گایه * ۱۰۰ س * ۱۰۰ فیل *
 ۵۰۰۰ پ *
 برهار - قلعه خشتین دارن * بگ ۷۵۲۷۹۱ *
 ۵۲۳۷۰۹۶۵ * ۱۷۲۳۸۰۵ * سغ * راجپوت *
 ۹۴۰ س * ۵۹ فیل * ۲۰۵۰۰ پ *
 بهانگیر (۴) * بگ ۲۵۷۰۴۲ بس ۱۸ * ۲۵۳۳۴۴۹۵ *
 د ۱۰۰۶۳۸۸ * سغ * افغان گایه * ۵۰ س *
 ۵ فیل * ۲۰۰۰ پ *
 بیچ پور (۵) * بگ ۳۰۶۳۵ * ۱۲۴۱۰۹۷ * تونور *
 ۳۰۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
 پاندور * بگ ۸۹۵۱ * ۴۶۱۱۱۵ * برهار * ۱۰۰ س *
 ۵ فیل * ۲۰۰۰ پ *
 جهترا (۶) - محل - قلعه خشتین * ۱۱۷۸۷۹۰۴ *
 راجپوت * ۴۰۰۰ س * ۷۰ فیل * ۱۵۰۰۰ پ *
 ربابانه - قلعه دارن * بگ ۱۲۰۷۲ * ۵۰۰۰۰۰ *
 کچهواغه * ۵۰ س * ۲۰۰۰ پ *

(۱) [گ] چنپار * [ش] چنپار * (۲) در نسخها اکهار، کهار، سهار، نوشته * در [ض ش]
 نیست * (۳) در [ض] نیست * (۴) [ض] بهاندیر * [ض] بهاندیر * [ش] بهاندیر *
 [ض] بهاندیر * (۵) [ش] بهاندیر * (۶) [گ] جهترا * [ش] جهترا *
 [ف] جهترا * [ض] جهترا * [ض] جهترا * [ض] جهترا * [ض] جهترا *

- شاهزاده پور * بگ ۲۱۲۵۷ * ۳۵۰۷۸۱۵ *
 کهنوله وغیره - محل - قلعه دارن * ۳۰۰۰۰۰۰۰ *
 گوند * ۱۰۰ س * ۲۰ فیل * ۵۰۰۰ *
 کچهواغه (۱) * ۷۵۰۴۰۰ *
 کیدار (۲) * ۱۲۰۰۰۰ *
 کونچ - قلعه دارن * بگ ۱۵۵۳۲۰ * ۱۸۵۱۸۰۲۵ *
 د ۲۷۷۱۲۴ * سغ * کانی * ۵۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 کهنیس - قلعه دارن * بگ ۸۹۲۳۳ * ۱۳۴۳۰۷۳۵ *
 د ۷۶۷۳۰ * سغ * کچهواغه * ۵۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 کانتي * ۲۴۰۰۰۰ * گوند * ۲۰۰ س * ۱۰۰ فیل * ۵۰۰۰ پ *
 کهایره - قلعه خشتین دارن * بگ ۴۲۲۵۵۷ *
 د ۴۷۷۶۳۵۷ * ۴۶۷۲۹۵ * سغ * کچهواغه *
 ۳۰۰ س * ۱۰ فیل * ۵۰۰۰ پ *
 مهبولي (۴) * بگ ۲۶۵۸۱ * ۵۰۲۱۰۲۵ * برهار * ۱۰۰ س *
 ۱۰ فیل * ۱۰۰۰۰ پ *
- سرکار بیانوان ***
- بیست و هفت محل * بگ ۷۶۲۰۱۴ * ۸۴۵۹۲۹۶۵ *
 د ۸۲۶۶۲۵ * سغ * اقوام مختلفه * ۱۱۰۵ س *
 ۱۸۰۰۰ پ *
 انتمري - برگ تفبول خوب میشود و اکثر حاصل
 ازین است * ۹۰۶۱۴۰ * متفرقه *
 ۱۰ س * ۱۰۰ پ *
 امواري * ۲۲۳۰۰۰ * از قوم مازوز و گورو -
 داخل رتن گده شن *
- آتیون * بگ ۳۵۹۵۸ * ۱۶۵۱۶۵۵ * ۵۴۱۱۴۵ * سغ *
 گوند و گورو (۸) * ۱۵ س * ۲۰۰ پ *
 اوتیله (۹) * بگ ۲۹۱۴۹۹ * ۳۲۴۵۵۵ * ۱۲۵۷ * سغ *
 زناردار * ۱۰۰ پ *
 بیانوان * بگ ۸۶۲۴۱ * ۸۰۱۲۷۵۵ * ۲۰۱۶۹۵ * سغ *
 پوندیر و پنوار * ۳۲۰ س * ۳۰۰۰ پ *
 پنوار (۱۱) * بگ ۱۷۳۲۹ * ۴۱۷۴۳۹ * ۶۵۵۸ * سغ *
 زناردار و خدعتیه * ۲۰ س * ۳۰۰ پ *
 پرنچه (۱۰) * بگ ۳۹۸۷۴ * ۳۹۶۱۹۳۵ * ۲۱۵۴۱ * سغ *
 بوندیلا * ۲۰ س * ۵۰۰ پ *
 بدنون * ۲۷۵۰۰۰ * بوندیلا * ۱۰ س * ۲۰۰ پ *
 بهاسندا * ۱۶۹۰۴۰ * پنوار * ۱۰ س * ۳۰۰ پ *
 چنور (۱۲) - قلعه دارن * بگ ۵۰۹۷۳ * ۵۴۸۶۳۱ *
 د ۳۸۰۰۰ * سغ * اهیرو و زناردار * ۱۰ س * ۲۰۰ پ *
 جرهلي * بگ ۱۹۸۶۵ * ۱۴۴۰۵۵۵ * پنوار * ۱۰ س *
 ۳۰۰ پ *
 جگنان (۱۳) * ۱۲۳۶۸۰ * متفرقه * ۱۵۰ پ *
 دهامله - الحال تال کلاست که نیلوفر بسیار
 شون * بگ ۱۳۱۲۷ * ۱۷۳۰۶۵ * زناردار *
 و گوجر * ۲۰ س * ۳۵۰ پ *
 روچانه * بگ ۹۴۲۲۳ * ۴۷۲۸۳۹۵ * ۱۵۷۰۲۵ * سغ *
 گایه و زناردار * ۱۰ س * ۲۰۰ پ *
 رتن گده - قلعه دارن * بگ ۷۰۵۲۳ * ۳۵۵۹۹۵ *
 جت * ۲۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *

(۱) [ف ض] کچهواغه * (۲) [ض] کیدپور * (۳) [ض] کهنیس یا کنکیس * [ش] کهنیش *
 [گ] گنکیس * [ض] کهنیس * (۴) [ض] ۹۲۶۰۵۰۸۱ * (۵) [د گ] سنون ؟ * (۶) [ض]
 عبارت در [ض] نیست * [ض] از قوم زناردار و گورو * (۷) [ک] جیتون * [ش] ابوان * [ض]
 آتیون * (۸) [ض] گورو * (۹) [ض] ادله * [ض] اوتیله * (۱۰) در اکثر نسخها ب نقطه *
 [ض] پرنچه * [ض] پرنچه * [ض] پرنچه * [ض] نیست * (۱۱) در
 [ض] نیست * (۱۲) [ض] چنور * [ض] نیست * (۱۳) در چند نسخه جگنان بنون *
 (۱۴) [ض] دهایله *

- جلال پور * بگ ۱۴۶۳۴۰ * ۳۹۳۵۹۹ د * ۱۰۲۴۵ د * سخ
 خانزادها و میو * ۵۰ پ *
 حسن پور بدوهر * بگ ۶۰۳۵۳ * ۹۴۷۸۷۱ د *
 ۳۰۲۰ د * سخ * خانزادها و میو * ۱۰۰ پ * ۳۰۰ پ *
 حسن پور کوری * بگ ۴۷۷۴۰ * ۱۲۵۹۶۵۹ د *
 خانزادها و میو * ۱۴۰ پ * ۸۰۰ پ *
 حاجی پور - قلعه سنگین دارد * بگ ۲۶۳۹ *
 ۱۴۵۶۷۷۹ د * ۳۱۲۰ د * سخ * چوهران * ۵۰۰ پ *
 ۱۰۰۰ پ *
 دیوئی ساجاری * بگ ۸۳۱۸۸ * ۱۶۰۰۰۰ د *
 بدگوچر * ۱۵۰ پ * ۱۰۰۰ پ *
 ندیکر * بگ ۲۷۰۵۱ * ۶۹۵۲۶۲ د * ۷۳۷۲ د * سخ *
 میو * ۱۵۰ پ * ۱۰۰۰ پ *
 دهر * بگ ۱۲۳۳۸ * ۵۱۲۶۱۳ د * ۵۰۱۵ د * سخ *
 خانزادها و میو * ۱۰۰ پ * ۵۰۰ پ *
 رائه * بگ ۶۰۳۰ * ۲۲۹۷۴۱ د * ۳۷۴۴ د * سخ *
 میو * ۱۰۰ پ * ۱۰۰ پ *
 سکهن * بگ ۱۸۷۹۰ * ۸۰۴۲۶۲ د * چوهران *
 ۱۰۰ پ * ۷۰۰ پ *
 کوهوری رندا * بگ ۲۲۰۸ * ۴۳۵۹۲۷۲ د *
 ۹۶۹۱۹ د * سخ * خانزادها و میو * ۱۰۰ پ * ۵۰۰ پ *
 ۹۰۰ پ * ۵۰۰۰ پ *
 کهلوه * بگ ۵۸۲۷۶ * ۱۴۵۹۰۴۸ د * ۱۴۰۸۸ د * سخ *
 میو * ۱۲۵ پ * ۱۰۰۰ پ *
 کول دهرار * بگ ۳۳۹۵۶ * ۶۲۷۱۰۰ د * راجپوت *
 ۳۰ پ * ۵۰۰ پ *

(۱) در [۵] نیست || (۲) [ض] کورگا || (۳) همچنین در [۵] * [ض] اهت و هت *
 [۱] امین و ده سوب * [د] اهت و دوسر * (۴) [ض] کهلوهرا || (۵) [ض] کول دهورا ||
 (۶) یا سودن * [ش] سودن || (۷) همچنین در [۵] * [ض] هت || (۸) [۵] منداو *
 [۱] منداه || (۹) یا مونکوتا * [۱] مون کوتا (مونگوتا ؟) * [ش] مونکوتا ||

- هرسانا * بگ ۴۰۲۵۰ * ۲۰۸۲۸۱ د * میو * ۴۰۰ پ *
 ۵۰۰ پ *

سرکار تجارت

[دستور این سرکار در صفحه ۳۵۷ گذشت]

- مژده محل * بگ ۷۴۰۰۰ بھ ۵۵ د * ۱۷۷۰۰۴۶۰ د *
 د * ۱۷۶۱۷۶۱ د * سخ * ۱۲۲۷ پ * ۹۶۵۰ پ *
 ایندور - قلعه دارد بالای کوه * بگ ۱۳۴۱۵۰ *
 ۱۹۹۵۲۱۶ د * ۶۰۹۶ د * ۲۰۹۶ د * سخ * خانزادها و
 میوانی * ۴۰۰ پ * ۳۰۰۰ پ *
 اوجینه * بگ ۳۳۹۲۶ * ۴۲۸۳۴۷ د * ۲۲۷۹۶ د * سخ *
 خانزادها و تهر * ۱۴۵ پ * ۱۵۰ پ *
 اورما اومری * بگ ۸۱۰۷ * ۳۰۷۰۳۷ د *
 تهر و میو * ۱۰ پ * ۱۰۰ پ *
 بیسور * بگ ۳۵۷۰۳ * ۲۱۵۸۰۰ د * ۵۳۵۴ د * سخ *
 خانزادها و میو * ۱۰ پ * ۲۰۰ پ *
 پور * بگ ۲۴۷۶ * ۵۴۰۶۱۴۵ د * ۱۵۵۹ د * سخ * تهر *
 ۱۰ پ * ۲۰۰ پ *
 پنگون - قلعه سنگین * بگ ۷۵۱۴۸ * ۱۳۲۹۳۵۰ د *
 ۳۴۳۱۲ د * سخ * میو * ۲۰ پ * ۳۰۰ پ *
 بنوهر - قلعه سنگین * بگ ۵۷۷۷۸ * ۱۴۱۶۷۱۵۵ د *
 ۲۵۴۷۱ د * سخ * میو * ۳۰ پ * ۴۰۰ پ *
 تجارت - قلعه دارد * بگ ۱۳۱۹۶۰ * ۳۶۰۳۵۹۶ د *
 ۲۰۴۴۱۹ د * سخ * میو * ۵۰۰ پ * ۲۰۰۰ پ *
 جهمراوت - قلعه سنگین بالای کوه دارد *
 بگ ۲۲۶۳۲ بس ۱۱ د * ۴۹۶۲۰۲ د *
 ۳۱۲۸۳ د * سخ * میو * ۵۰ پ * ۳۰۰ پ *

- خان پور * بگ ۹۸۹۳ * ۱۹۵۶۲۰۵ د * میو * ۲۰۰ پ * ۱۵۰ پ *
 ساکریس * بگ ۱۲۱۰۶ * ۴۶۰۰۸۸ د * ۵۰۴۱۱ د * سخ *
 میو * ۱۴ پ * ۱۵۰ پ *
 سانهاداری * بگ ۷۷۱۲ بس ۱۱ د * ۴۰۶۸۱۱ د *
 ۲۶۷۴۷۰ د * سخ * میو * ۲۰۰ پ *
 فیروز پور - بدامن کوه واقع است و درین کوه چشمه
 ایدست که در اینجا تمثال مهادیو ساخته آمد
 و همواره جاری میماند (۲) و معبد است *
 بگ ۶۴۱۵۰ * ۳۰۴۲۶۴۲ د * ۶۱۰۴۴ د * ۶۱۰۴۴ د * سخ *
 میو * ۵۰ پ * ۱۰۰۰ پ *
 فتح پور مونگوتا * .. بگ ۴۳۷۰۰ * ۱۱۳۵۱۴۰ د *
 ۱۲۹۵۵ د * سخ * میو * ۱۰۰ پ * ۲۰۰ پ *
 کوئله - قلعه دارد از خشت پخته بالای کوه و دران
 حوضه است که دور آن چهار کوه باشد *
 بگ ۷۱۲۶۵ * ۷۱۲۶۵ د * ۱۵۵۲۱۹۶ د * ۷۰۱۷ د * سخ *
 خانزادها و گوجر * ۳۰ پ * ۷۰۰ پ *
 کرهیره [گهاسیره] * بگ ۹۷۸۵ * ۳۳۰۰۷۶ د *
 میو * ۱۰ پ * ۲۰۰ پ *
 کهورا کا نهانا * بگ ۷۹۴۵ * ۱۶۸۷۱۹۵ د * میو *
 ۱۰ پ * ۲۵۰ پ *
 نگینان * بگ ۷۴۱۵ بس ۱۹ * ۳۷۷۲۵۷ د *
 ۳۵۷۲ د * سخ * میو * ۱۰۰ پ * ۱۵۰ پ *

سرکار نازنول

[دستور این سرکار در صفحه ۳۵۸ گذشت]

- شانزده محل * بگ ۲۰۸۰۰۴۶ * ۵۰۰۴۶۷۰۳ د *
 ۷۷۵۱۰۳ د * سخ * اقوام مختلفه * ۷۵۴۰ پ * ۳۷۲۲۰ پ *

(۱) همچنین در [۵] ش * [۱] پنگون پور || (۲) در [۵] نیست || (۳) [ض] بنوهر *
 [الیوت] بسوهر * (۴) [۵] یا مونکوتا || (۵) همچنین در نسخا || (۶) همچنین در
 نسخا * [۷] ||

- بازمه * پگ ۱۴۶۷۵۴ * ۲۰۹۰۶۶۲ د * چوهان راجپوت
مسلمان و کهندار^(۱) * ۱۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
بابائی * قلعه سنگین و کان مس دار - کوهها
آبجاست * بگ ۷۸۴۲۶ * ۹۲۰۱۷۰ د * پرهار *
۴۰۰ س * ۳۰۰۰ پ *
بروده رعنا * بگ ۴۷۲۶۶ * ۵۹۲۹۹۵ د * چوهان *
۳۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
چال کلانه * بگ ۷۷۴۴۰۲۷ د * ۵۶۱۷۴۴ د *
جت سنگوان * ۲۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
جهوجیون - قلعه سنگین در دامن کوه * بگ ۹۵۳۳۱ *
۲۳۲۹۰۶۹ د * قیامخانی * ۲۰۰۰ س *
۳۰۰۰ پ *
سنگهانه ادینور^(۲) - درین پرگنه کان مس است و
دارالقلوس نیز * از قرار نقدی ۱۱۸۸۱۶۲۹ د *
۳۳۵۱ د * ۳۳۵۱ د * ترنور و پرهار * ۱۰۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
کانوذه - در موضع زیرپور^(۳) ؟ از پرگنه کانوذه معبد
بزرگ هند است * بگ ۱۰۷۲۳ *
۴۳۵۶۱۲۸ د * ۹۱۵۷۷ د * راجپوت
و مسلمان و حالو؟^(۴) * ۱۰۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *
کوت پوتلی - قلعه از سنگ و در موضع بهاند هاره^(۵)
کان مس - معمول است * بگ ۱۷۰۶۷۴ *
۴۲۶۶۸۳۷ د * ۲۹۴۲۵ د * تونور راجپوت
و گوجر * ۷۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *
کانوذه - در سه مواضع سه قلعه دارن * بگ ۱۵۰۲۹۷ *
- ۲۷۲۱۲۶۵ د * تونور * ۱۰۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
کهندیل * از قرار نقدی ۱۳۰۰۰۰۰ د * راجپوت کچهواکه *
۲۰۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
کهودانا^(۶) * بگ ۱۸۴۹۳ * ۸۰۸۱۰۹ د * جت * ۲۰۰ س *
۷۰۰ پ *
لاپوتی * بگ ۸۸۲۸۱ * ۱۵۱۲۴۷۰ د * ۱۶۰۰۰ د *
چوهان * ۱۰۰ س * ۵۰۰ پ *
مواضع دامن کوه که در اینجا کان مس است - در
موضع رای پور کان مس است و دارالقلوس^(۷)
نیز - چشمه ایست که ازو^(۸) آلوده گردن *
بگ ۱۷۶۶۵۰ * ۲۷۴۵۰ د * نریان *
۱۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
نارنول - قلعه سنگین * بگ ۲۱۴۲۱۸ * ۵۹۱۳۲۱۸ د *
۵۴۹۱۶۱ د * ۵۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
نرهر - قلعه سنگین * بگ ۳۵۶۲۹۳ * ۴۲۶۲۸۳۷ د *
۲۹۴۰۵ د * قیامخانی و افغان ماکر^(۹) ؟ *
۵۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *

سرکار سهار *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۵۷ گذشت]

- هفت محل * بگ ۷۶۳۷۴ * ۵۹۱۷۵۶۹ د *
۱۰۹۴۷ د * اقوام مختلفه * ۲۶۵ س *
۱۰۰۰ پ *
پهاری * بگ ۱۰۶۲۲۲ * ۱۲۲۸۹۹۹ د * ۲۶۰۴۵۵ د *
میو و تهبیر * ۲۰ س * ۷۰۰ پ *

- بهتولی * بگ ۲۵۹۸۰ * ۱۴۴۱۸۴۰ د * ۶۸۴۰ د *
جت و غیره * ۱۰ س * ۳۰۰ پ *
سهار - قلعه دارن * بگ ۳۸۵۸۹۵ * ۲۴۸۹۸۱۶۵ د *
۲۱۶۷۸۵ د * باجیل و گوجر و جت و کچهواکه *
۲۰۰ س * ۷۰۰۰ پ *
کامه * بگ ۹۰۵۰۰ * ۵۰۵۷۲۴۰ د * ۱۲۲۱۵ د *
میو و جت و اهیر * ۱۰ س * ۳۰۰ پ *
- کوه سجاد * بگ ۲۳۷۶۹ * ۱۷۰۳۶۵ د * میو و جت *
۴ س * ۲۰۰ پ *
نون هیرو * بگ ۵۰۸۱۶ * ۶۱۸۱۵ د * ۱۷۵۱۵۵ د *
اهیر و جت و میو * ۱۵ س * ۳۰۰ پ *
هونل * بگ ۷۸۵۰۰ * ۴۶۲۷۱۰ د * ۳۳۱۴۰ د *
جت و غیره * ۱۰ س * ۲۰۰ پ *

* صوبه ماله *

از دوم اقلیم - درازا از پایان گدھے تا بانسواره دیوستان و چهل و پنج کوه - پهنا از چندیری تا ندر بار دیوستان و سی * شرقی باندھو - شمالی نور - جنوبی بگلانه - غربی گجرات و اجمیر *
کوه جنوبی * گزین دریا نوده و سپرا و کالی هند و بیتمه و کودی * در هر دوسه کوه رود بس
صاف و سبک - و برکنار آن خود رسته بیدها و گلها رنگ و خوشبو و سنبل و سایه دار درخت *
کولابها و سبززارها فراوان * بسا والا کاخ و دلنشین نشیمن داستان عبرت بخواند * آب و هوا
باعتماد نزدیک * زمستان بجماعت کخته دار و در تابستان بشوره احتیاج کم شود * چهار ماه بارش
لخته بسرمدی گراید و شبها ببالا پوش آرزو افتد * زمین این صوبه بر دیگر مرزها لخته بلند *
و همه کشت پذیر - هر دو فصل گزین شود خاصه گندم و خشکاش و نیشکر و انبه و خربزه و انگور *
۱۰ در حاصل پور تا کت سالی دو بار برود * و برگ تنبول بس گزین باشد * و پارچه گزیده بافتد * تا
سه سالگی که و مه فرزندان خود را افیون بخورش دهند * و کشاورز و بقال نیز به دست افزار جنگ نباشد *
آجین بزرگ شهر دیست بر ساحل سپرا * گزین پرستشگاه بر شمرند * شگفت آنکه گاه گاه
موج شیر برزند - مردم آوردها بر آمایند و بکار برند - بارونگ نشین نیکو نیها رسد * سال چهل
و سیوم الهی که نگارنده حقیقت نامه بفرمان والا سفر دکن گزیده بود چون بدانجا رسید بیشتر از آن
۱۵ بهفته شانزدهم فروردین ماه الهی چهار گهزی از شب گذشته این جوش برزد - خورد و بزرگ
مسلمان و هندو از آن برگشت * و در آن نزدیکی سیصد و شصت نیایش گاه برهمین کیش و جزآن *
و نزدیک این شهر جائی است کالیان نام سرا بس دلکشا - حوض برآمده بگدز - گزین نشیمنها
در گرد آن یادگار باستان *

(۱) [۵] ۱۷۶۹ بگ [۲] [گ] نیم * [۱] نیم [۳] [۵] [ض] برگفت [۱] برگرفت [۱]

(۱) همچنان در [ض] [۱] کدار [۲] [ض] [ادهپور * در [ش] نیست [۳] * چینی
در [ض] [۵] [روبرو نقطه * [۱] از سواد * در [ش] نیست [۴] [حانوی نقطه *
[ض] [حانوی * [۱] جات * در [ش] نیست [۵] [نهادهها * [۱] مواضع تهاه ها *
در [ش] نیست * [ض] [بهاند هاره * [۶] [ش] کنوذا [۷] [صردی پور * [۸] این
جمله صرف در [۵] موجود است [۹] در [۱۵] نیست [۱۰] [۵] [۹۵۱۳۲۱۳ د *
[۱۱] [۵] اهیر و جمعیت آنها [۱۲] [۵] ماکرو نقطه * [ض] ماکر * [ش] غر * [۱] ناکر [۱۱]

گدّه ملکه جداگانه بر درخت - فیل صحرائی فراوان * بزرگترین جهانبانی مهر و پیل برگدار * و از کشت و کار آن دکن و گجرات برآساید *

چندیری از بزرگ شهرهای باستانی - قلعه سنگین دارد - درو چهارده هزار سنگین خانه بزرگ و سیصد و هشتاد و چهار بازار و سیصد و شصت فراخ هوا و دوازده هزار مسجد *

تومون^(۱) قصبه ایست بر ساحل دریای بیتمه - آبی آدم ازان نمودار گردد * و بتخانه ایست ۵ بزرگ - اگر درو نقاره نوازند آواز آن بیرون نشود * و در سرکار بیجاگده دشتی فیل فراوان *

مندور شهرست بزرگ - دوازده کوه^(۲) دور قلعه او - مناره هشت منظری در میان * چندگاه حاکم نشین بود * عمارات عالی یادگار پیشینان * تربت سلاطین خلیج آنجا - شگفت آنکه از سقف گنبد سلطان محمود هوشنگ در تابستان آب تراوش نماید و از دیرباز ساده لوحان بدو گروند - ظرف نگاه داند که حال چیست * تمر هندی بسان نارگیل شود و مغز او بس سفید *

کارآگاهان هندی نژاد بر آنکه درین دیار سنگ پدید آید که هر کانی گذارند چکش پذیر چون بدو رسد زر گردد و آنرا پارس نامند (ببای فارسی و الف و فتح را و سکون سین) و چنان برگردانند پیش از زمان بکرماجیت جیسنکه دیو راجه بود دادگر - زندگانی به نیکویی آباد داشته * دران زمان پیدائی گرفت و سرمایه فراوان خرج گشت * داس کاه بر در کارکردش طلا شد و او بدان نرسیده عیب شمرد * نزد ماندن نام آهنگری بچاره گری رفت * او شناسا آمده بدست آورد - فراوان زر ۱۵ آماده گردانید و سعادتها اندوخت * از نیک کرداری بخاطر آورد چنین گوهر به بها سزاوار فرمانروای وقت است * بدرگاه رفته برگذرانید و راجه آنرا دستمایه نیکوکارها بر ساخت و این قلعه را بدان زر در دوازده سال بانجام رسانید و بخواهش آهنگر پیشتر سنگهای دیوار به پیکر سندان بر تراشیدند * روزی بر ساحل نوبده جشنی آراست و قرار داد که بر همین خود را فراوان خواسته بخشش نماید * چون لخته خاطر از دنیا برگرفته بود همان سنگ بدو داد - او از ناشناسائی و فرومایگی بخشم در شد ۲۰ و آن گوهر به بها را در آب انداخت و بجاوید حسرت در افتاد * از ژرفای آنجا دست بدو نرسید و امروز نیز انداز آن کس نیار گرفت *

قصبه دهار تختگاه راجه بهوج و بسیاری پیشین اورنگ نشینان * تالک در ساله در بار بر دهد - در سر آغاز حوت و اسد - نخستین شیرین تر *

(۱) [ض] تومون * [گ] تومر * [ش] [۱] تومون (۲) همچنین در [ش] * [ض] و در [۱]

و در سرکار هندیه صحرائی فیل فراوان * و در ندر بار خریزه و انگور نیکو شود *

دوازده سرکار - سیصد و یک پرگنه بدو گراید * زمین پیموده چهل و دو لک و شصت و شش هزار و دویست و بیست و یک بیگه و شش بسوه * جمع بیست و چهار کرور و شش لک و نود و پنج هزار و پنجاه و دو دام - ازان میان یازده لک^(۱) و پنجاه هزار و چهارصد و سی^(۲) و سه دام هیورغال^(۳) بومی بیست و نه هزار و ششصد و شصت و هشت سوار - و چهار لک و هفتاد هزار و سیصد و شصت و یک پیاده * و نود فیل *

سرکار آجین *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۸۱ گذشت]

ده محل * بگ ۱۲۵۶۲۲ * ۴۳۸۲۷۹۶۰ نقدی *

۲۸۱۸۱۶ د * اقوام مختلفه * ۳۲۵۰ نفره *

۱۱۱۷۰ پ *

آجین با حوبلی * قلعه دارد در پایان سنگین و از

بالا خشت * بگ ۲۸۹۵۶۰ * ۱۳۸۸۰۳۵ د *

۵۵۳۲۳ د * از قوم^(۴) آجیه و راتپور *

۷۶۰ س * ۲۰۰۰ پ *

انهل * بگ ۵۶۸۴۱ * ۲۷۰۱۹۷۲ د * ۲۰۹۳۵ د *

رجپوت^(۴) آجیه و دهاکره * ۱۳۰ س * ۵۰۰ پ *

بدهنار - قلعه سنگین دارد * بگ ۶۰۰۹۶ *

۳۰۵۶۱۹۵ د * ۱۰۹۵ د * راتپور و غیره *

۵۰۰ س * ۳۰۰۰ پ *

پان بهار * بگ ۳۶۵۶۷ * ۱۹۳۷۵۹۶۵ د * ۲۹۴۰۰ د *

آجیه^(۴) * ۱۰۰ س * ۵۰۰ پ *

دیپالپور * بگ ۹۵۷۰۶ * ۶۰۰۰۰۰۰ د * رجپوت *

آجیه * ۵۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *

رگام * بگ ۹۴۶۶۶ * ۱۴۶۲۱۵۴۰ د * ۲۱۵۴۸ د * سغ *

رجپوت مهترو سوریه * ۵۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *

سانوپر * بگ ۴۶۶۹۴ * ۲۴۱۸۳۷۵ د * ۱۳۳۱۵۶ د * سغ *

رجپوت^(۵) مگوار * ۱۵۰ س * ۳۰۰ پ *

کنیل^(۶) - قلعه سنگین و خشکین دارد * بگ ۵۹۸۰۲ *

۲۹۰۷۸۱۷ د * ۲۳۴۴ د * سغ * رجپوت *

۱۵۰ س * ۴۰۰ پ *

کهاچرو * بگ ۶۶۶۲۶ * ۲۶۵۱۰۴۴ د * رجپوت رودیه^(۷) *

دهر؟ * ۶۰ س * ۱۲۰۰ پ *

نولائی * قلعه خشکین دارد بر کنار دریای چنیل *

بگ ۱۲۶۶۹۴ * ۳۸۵۱۸۸۶ د * ۱۸۰۱۵ د * سغ *

بیس و جادون * ۴۰۰ س * ۱۲۰۰ پ *

سرکار رایسین *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۸۱ گذشت]

اساپوری و غیره - ۴ محل * بگ ۳۲۳۸ *

۱۷۳۰۶۴ د * ۱۷۰ س * ۹۴۵ پ *

بهیلسه * بگ ۴۰۸۱۶ * ۶۰۹۴۹۷۰ د * رجپوت *

۴۸۰ س * ۱۰۰۰ پ *

(۱) در [ش] نیست (۲) [ض] دوازده (۳) در [ض] نیست (۴) در اکثر نسخها بے نقط * [ض] آجیه * [ف] الخیر - الخیر - آجیه * [ض] آنچه و آجیه (۵) [ض] کموار یا مگوار * [۱] مگوار * [ض] کمواته (۶) [افض] کنیل * [گ] کنیل (۷) همچنین در [ض] [ض] رودنه سریر فقط * [۱] اودیه * [ش ف] اودیه (۸) در [گ] این مبلغ در جدول نقدی نوشته * در [ش] نیست * و در [ض] نام این پرگنه اسانوری نوشته بنون و در [۱] بیابوری //

- بارۀ وغیره - ۵ محل * هر پنج پرگنه قلعه دارند -
 از آن جمله چهار سنگین و پرگنه مال (۹)
 خشتین * بگ ۱۲۰۷۴ * د ۶۳۵۰۰۰
 بندبیلۀ وکایتۀ * ۵۰۰ س * ۵۰۰۰ پ
 بدروس (۲) و احک * ۲ محل * بگ ۱۴۹۵۱ * د ۳۰۴۸۰۰۰
 اهر * ۱۰ س * ۱۷۰ پ
 بچار (۳) - قلعه خشتین دارن و یک حوض بزرگ و
 کوچه کوچک آنجاست * بگ ۲۶۰۰
 د ۱۷۴۰۰۰ * زئاردار * ۲۰ س * ۳۰۰ پ
 بیل * بگ ۱۲۵۳ * د ۷۰۰۰۰ * اهر * ۱۰ س *
 ۱۷۰ پ
 تال برودۀ * بگ ۱۸۶۱۹ * د ۱۰۹۰۰۰۰ * مسلمان *
 ۶۰ س * ۳۰۰۰ پ
 نومون - برکنار دریای بیتمه * متوطنان آنجا
 میگویند که درین دریا آدمی آبی است -
 و یک بتخانه ایست * بگ ۶۷۰۴
 د ۳۱۲۵۰۴ * زئاردار * ۱۵ س * ۱۲۰ پ
 نهانبار * بگ ۴۰۳ بس ۱۷ * د ۲۲۵۰۰
 ۵ س * ۱۰ پ
 نهانوارۀ ولت پور و غیره - ۳ محل * قلعه سنگین دارد *
 بگ ۱۰۹۷۷ * د ۶۱۹۹۹۷ * رجپوت
 ساهتی (۹) * ۸۰ س * ۲۰۰۰ پ
 چندیری با حویلی - ۲ محل * قلعه سنگین دارد *

(۱) این جمله صرف در [۵] موجود است ||
 (۲) همچنین در [۵] ض ف ۱ * [۵] که ||
 (۳) [فاض] بچار * [گ] بچار || (۴) یا بیل || (۵) همچنین در [۵] * [ض] بهنا
 و بریار (بای عربی) و نهانوارۀ (بای عربی و نای فوقانی) - و نامهای این دو پرگنه پیش از پرگنه تال
 برودۀ نهاده * [فاض] نهانوارۀ || (۶) [۵] ساهتی یا ساهتی * [ض] ساهتی یا سامنی * [۱] سیاهی *
 [ف] سیاهی || (۷) [فاض] چهارچون * [گ] جاجون || (۸) [۵] خورسنگار *
 [ف] خورسنگار بے نقط || (۹) ماکهانی یا ناکهانی || (۱۰) همچنین در نقشه و [۵] * [ض ف]
 دودمانه * [گ] دودانه ||

- بگ ۳۶۵۲ * ۲۰۶۴۰۰ * رجپوت - گوند *
 ۲۰ س * ۷۰۰ پ
 راگه - قلعه سنگین دارن * بگ ۱۴۸۷ * د ۸۴۰۰۰
 روات بنسی (۱) * ۵۰ س * ۱۵۰ پ
 سررنج - پارچۀ محمودی سفید و خست اعلی (۹)
 در آنجا شود و (۹) * بگ ۱۸۶۴۲۸
 د ۱۱۰۶۵۷۶۵ * ۲۶۹۳۱ * مخ * رجپوت
 اوسکریر (۳) * ۱۰۰ س * ۲۵۰۰ پ
 سهجن و غیره - ۳ محل * بگ ۷۰۲۲۱
 د ۳۹۷۶۷۰۰ * دندر * ۱۵۰ س * ۲۰۰۰ پ
 ساندهوره * نزد آن قصبه کوچه ایست کوچک *
 بگ ۵۸۴۰ * د ۳۳۴۲۹۰ * ماکهانی * ۵۰ س *
 ۱۰۰۰ پ
 گناه - قلعه خشتین دارن * بگ ۱۸۶۱۵ * د ۱۰۹۲۰۶۲۵
 کچی و غیره * ۱۵ س * ۲۵۰ پ
 کرنجیه (۷) - قلعه سنگین دارن برکنار دریای بیتمه *
 بگ ۸۸۳۷ * د ۴۶۸۰۰۰ * دانگی * ۳۰ س *
 ۲۰۰ پ
 کوروی - برکنار دریای بیتمه * بگ ۱۴۹۶
 د ۲۵۲۰۰۰ * زئاردار * ۲۵ س * ۱۵۰ پ
 کانگه - قلعه سنگین دارن بر لب دریای سند *
 بگ ۴۹۷۰ * د ۲۳۹۹۹۰ * مسلمان * ۳۵ س *
 ۱۰۰ پ

- کدرواله (۸) - قلعه سنگین دارن * بگ ۲۹۷۰ * د ۱۶۸۰۰۰۰
 دانگی * ۲۰ س * ۴۰۰ پ
 کولاکوت - قلعه سنگین دارن بالای کوه * بگ ۲۷۷۱
 د ۱۵۶۴۵۹ * کوچه * ۱۵۰ س * ۱۵۰۰ پ
 کوجان - برکنار دریای بیتمه * بگ ۱۲۲۴
 د ۶۹۱۵۲ * اهر * ۱۰ س * ۲۰۰ پ
 لرواله - برکنار دریای بیتمه * بگ ۳۱۴۰
 د ۱۶۸۰۰۰ * بقال * ۱۰ س * ۲۰۰ پ
 مونگوتی (۱۱) - قلعه دارن از خشت * بگ ۲۹۷۵۶
 د ۱۴۴۰۰۰ * کایت * ۷۰ س * ۷۰۰ پ
 میانه - درسه کوهی آن کوه کلانست * بگ ۱۲۱۹۶
 د ۶۸۸۶۰۰۰ * رجپوت کهانی * ۶۰ س * ۳۰۰۰ پ
 مهدپور * بگ ۵۶۱ * د ۱۴۴۰۰۰ * کهانی * ۱۴۰ پ

سرکار سارنگ پور *

- بیتست چهار محل * بگ ۷۰۶۲۰۲ * د ۳۲۹۹۴۸۸۰
 د ۳۲۴۶۱ * اقوام مختلفه *
 ۳۱۲۵ س * ۲۱۷۱۰ پ
 آشته * بگ ۴۸۵۰۲ * د ۳۰۰۰۰۷۹۰ * د ۷۹۰ * مخ
 چوهان و دودهی (۱۳) * ۲۳۰ س * ۱۵۰۰ پ
 اکبرپور * بگ ۳۰۰۹۴ * د ۱۷۰۶۱۰ * منفرد *
 ۴۵ س * ۱۵۰ پ
 آگره * بگ ۷۸۵۲ * د ۴۷۴۳۶۲ * چوهان * ۱۰۰ س *
 ۲۰۰۰ پ

(۱) [۱] تلی روات یا روات * [۵] روات می یا روات ندی بے نقط * [ف] روات فقط || (۲) این عبارت
 صرف در [۵] موجودست لیکن اکثر الفاظ بغایت بارکی نوشته است و خوانده نمی شود || (۳) [۵]
 اوسکریر * [ض] اوسکریر || (۴) [۵] دندریا دندی * [ض] دندیر || (۵) در نقشه شادهورا ||
 (۶) شف صفحۀ ۴۶۰ || (۷) [۵] کرنجیه * [ض] کرنجیه * [ش] کرنجیه * [گ] کیرنجیه *
 (۸) [۵] کدرواله * [ض] کدرواله بغیر الف || (۹) [۵] کوحه * [ض] کوحه * [۱] گوجر ||
 (۱۰) [۵] لرواله بلام * در دیگر نسخه کرواله بکاف || (۱۱) [۱] موتکارلی * در نقشه منگراولی ||
 (۱۲) [۵] چوهان و دودی * [ض] چوهان دودهی ||

- بگ ۹۹۷۴ * ۳۵۳۸۱۹ د * کولی * ۲۴ س *
- * ۵۵۰ *
- سیلوار - قلعه خشتین دارد * بگ ۹۶۲۸ * ۳۲۵۵۴۴ د *
- بهدل * ۳۵۰ س * ۹۰۰۰ *
- سانگوری * بگ ۴۶۰۷ * ۱۷۰۲۱۰ د * ناهل و کرهه *^(۱)
- * ۵ س * ۲۵۰ *
- کسرو - کنار نریده است حوض کلان و کوهچه دارد * بگ ۲۰۴۹۰ * ۱۵۰۵۶۹ د * سوهر -
- سوار و بناده داخل بلکواره *
- کهرگون - قلعه دارد از پائین سنگین و از بالا خشت^(۳)
- پخته بر آورده * بگ ۱۴۵۲۶ * ۷۵۳۱۹۴ د *
- رجپوت سوهر و گناره * ۵۰ س * ۵۰۰ *
- کانه پور * بگ ۵۳۵۸ * ۱۲۶۸۴۶ د * رجپوت سوهر داخل بلکواره *
- کهورگان * بگ ۲۷۳۸ * ۸۵۰۸۲ د * رجپوت کناری *
- * ۵ س * ۲۰۰ *
- لهر پور عرف محمد پور * بگ ۶۷۹۲ * ۲۰۵۷۴۳ *
- رجپوت کهاری * ۵۰ س * ۴۰۰ *
- لوانی کوه * بگ ۲۴۷۶ * ۵۰۰۰۰ د * بهدل * ۵ س *
- * ۳۰۰ *
- منداورة * بنخانه کلان اینجا است * بگ ۱۵۹۴۸ *
- د ۷۷۷۸۸۱ * ۴۱۸۷ د * بهدل * داخل
- سیورانه *
- مهوری - نزدیک نریده * بگ ۸۳۱۸ * ۳۹۵۲۰۶ د *
- بهدل و غیره * ۵ س * ۵۰ *
- موراذه قلعه سنگین دارد * بگ ۹۲۱۱ * ۳۵۵۹۰۲ د *
- رجپوت سوهر * ۵ س * ۷۰ *
- ناروی - قلعه سنگین دارد * بگ ۹۷۷۹ * ۴۰۸۱۶۴ د *
- بهدل *
- نگلوار * بگ ۹۰۵۷ * ۳۷۰۲۰۸ د * باهل * ۵ س * ۵۰۰ *
- سرکار مندو *
- شانزده محل * بگ ۲۲۹۹۶۹ د * ۱۵ س * ۱۳۷۸۸۹۹۴ د *
- د ۲۷۷۳۲۲ * ۱۱۸۰ س *
- * ۲۵۲۶ *
- امچهره * ۳۹۵۴۰۰ د * ۳۸۰۶ د * ۶۰ س *
- برده * بگ ۲۷۳۷۰ د * ۱۹ س * ۱۳۰۷۷۶۰ د *
- د ۳۹۳۶ * ۸۰ س * ۱۵۰ *
- بینمان * بگ ۷۷۸۰ د * ۱۲ س * ۶۵۹۵۵۶ د *
- د ۸۷۵۰ * ۶۰ س * ۱۰۰ *
- چولی مهیسر * بگ ۱۸۱۸۳ * ۹۶۸۳۷۰ د * ۱۰۵۰۰۰ س *
- * ۷۰ س * ۲۰۰ *
- حاصل پور - اینجا انگور در ساله در مرتبه شود و پارچه^(۸) امان و خاصه نیک شود *
- بگ ۴۸۰۵ د * ۱۳ س * ۲۱۰۰۰۰ د * ۴۰ س *
- * ۸۵ *
- دهار - در قدیم شهر بزرگ بود * بگ ۳۸۶۶۰ *
- د ۲۰۷۹۳۰۶ * ۳۶۳۶۴ د * ۱۲۰ س *
- * ۱۵۰ *
- دکتهان * بگ ۱۷۶۴۳ * ۹۵۸۹۸۶ د * ۷۰ س * ۲۰۰ *

(۱) در نقشه سگورا || (۲) [۱۸] ناهل و کرهه * [ض] ناهل و کرهه || (۳) در نقشه کرگون || (۴) در [۸] بے نقط * [ض] کناری || (۵) [گ] لوار کوه || (۶) [ض] مهوری * [اف] مهوری || (۷) [۱۸] پیمان یا بیتمان یا پیتمان * [ض] پیمان یا پیمان * [گ] پیتمان * غالباً قصبه بیتما (پیتمان) باشد || (۸) همچنین در نقشهها ||

- دهرگانو * .. بگ ۳۰۱۸ بس ۱۱ * ۹۱۶۴۲ د *
- سانگور * بگ ۱۲۸۰۷ بس ۱۴ * ۶۸۳۰۸۴ د *
- * ۵۰ س * ۱۵۰ *
- سناسی * بگ ۷۰۲۷۰ * ۳۰۹۷۱۹۰ د * ۲۹۹۶۹۶ د *
- * ۳۰۰ س * ۶۰۰ *
- کوثره * ۲۳۹۳۸۷۱ د * ۳۸۵ د * ۱۶۵ س * ۳۰۰ *
- مندو با حوبلی - ۲ محل * بگ ۵۴۰ بس ۱۷ *
- د ۴۸۳۹۸ * ۱۰ س * ۵۰ *
- منداورة * بگ ۲۰۴۸ بس ۱۰ * ۱۰۲۱۶۴ د * ۲۰ س *
- * ۵۰ *
- نعلچه * بگ ۹۹۴۹ بس ۷ * ۵۴۵۹۵۲ د *
- د ۳۴۱۰۵ د * ۷۰ س * ۲۰۰ *
- نوالی * .. د ۲۲۴۶۰۸ * ۴۵ س * ۱۰۰ *
- سرکار هندیه *
- بیدست و سه محل - اراضی ضبطی بیست محل بگ ۸۹۵۷۳ بس ۱۸ * وجه دیوانی ضبطی و نقدی د ۱۱۶۱۰۹۶۹ * ۱۵۷۰۵۴ د *
- اقوام مختلفه * ۱۲۹۶ س * ۵۹۲۱ د *
- اونچود * بگ ۵۹۴۵ د * ۲۰۳۷۸۷۷ د * ۱۰۸۲۵ د *
- * ۲۰۰ س * ۵۰۰ *
- اول گانو * بگ ۵۴۱۴ د * ۴۲۲۹۴۷ د * ۱۵۰۰۰ س * ۲۰۰ *
- امونده * بگ ۳۹۲ د * ۲۱۸۳۴ د * ۷ س * ۲۰۰ *
- بیجنولا * بگ ۶۰۶ د * ۴۴۴۱۸ د * ۲۵ س * ۱۰۰ *
- بیشه * بگ ۸۷۳ د * ۲۵۲۵۱ د * ۱۰ س * ۱۰۰ *
- بلهیری * .. د ۸۲۵۰ * ۱۵ س *
- چکهورا * بگ ۲۳۱۹ * ۱۵۸۸۷۶ د * ۱۳۳۲۴ د *
- * ۲۰ س * ۸۰ *
- چنپانیر * بگ ۳۱۷ * ۲۰۳۵۰ د * ۲۰ س * ۱۰۰ *
- دیواس * بگ ۱۸۸۲۴۹ * ۶۷۱۸۰۰۰ د * ۴۲۸۳۷ د *
- * ۳۷۵ س * ۲۰۰۰ *
- راجورا * بگ ۳۸۳ د * ۲۵۶۴۱ د * ۷ س * ۲۰۰ *
- ستواس * بگ ۹۷۱ د * ۸۹۰۸۰ د * ۷۵۰۴ د *
- * ۴۵ س * ۱۵۰ *
- سمرنی * بگ ۷۷۵ د * ۵۲۱۱۵ د * ۵۵ س * ۴۰۰ *
- سیام گنده * بگ ۱۶۰ * ۲۰۴۹۴ د * ۱۱۱ س * ۵۵۰ *
- سیونی * .. د ۲۲۵۰ * ۵۰ س * ۵۰۰ *
- کهندوها (سلام پور) * بگ ۲۲۶۳۲ د * ۱۲۹۸۵۸۱ د *
- د ۶۴۰۰ د * ۱۲۰ س * ۵۰۰ *
- مودی * بگ ۳۶۷ د * ۱۹۴۴۳ د * ۷ س * ۲۰۰ *
- مردان پور * .. د ۴۵۰ * ۵۰ س * ۵۰۰ *
- نیمار * بگ ۱۸۲۰۷ د * ۹۴۶۴۶۷ د * ۲۵ س * ۱۰۰ *
- نوگانو * بگ ۱۱۸۷ د * ۷۹۲۶۴ د * ۳۰ س * ۱۲۰ *
- نیمن * بگ ۱۱۶۰ د * ۷۵۱۵۲ د * ۱۴ س * ۵۶ *
- هائده * بگ ۲۹۵۴ د * ۱۴۶۰۴۴ د * ۳۰ س * ۱۰۰ *
- هندیه با حوبلی * قلعه از سنگ بر کنار آب نریده دارد بر زمین هموار * بگ ۵۱۵۴ بس ۱۵ *
- د ۳۵۰۰۵۱ د * ۷۶۱۶۰ د * ۴۰ س *
- * ۱۵۰ *

(۱) [۱۸] سانگور * در نقشه ساگور || (۲) یا نوالی * [ض] نوالی || (۳) در [ض] بیجنولا بغیر بای تختانی || (۴) در نقشه پنامه || (۵) [گ] بلهاسی || (۶) [۸] چکهورا * [ض] جلهودا || (۷) در نقشه چنپانیر || (۸) همچنین در نقشه و [۱] در دیگر نسخا سیولی بلام || (۹) در نقشه موندی بذون غنه || (۱۰) [ض] همین || (۱۱) [۱] هائده - در نقشه هارده ||

- گنگ سین - هشتاد و شش سال *
چندرپال از قوم او - صد سال *
مهندپال - هفت سال *
کرم چند از قوم او - یکسال و یک روز *
هزده کس از قوم پنوار یک هزار و شصت و دو سال و یازده ماه و هفده روز *
- بجی نند - شصت سال *
منج *
بهوج - صد سال *
جی چند - ده سال و دو روز *

- جیت پال تونور - پنج سال *
رانا راجو از قوم او - پنج سال *
رانا باجو - یک سال و سه روز *
رانا جاجو - بیست سال *
رانا جیندر از قوم او - سی سال *
رانا بهادر - پنج سال *
- رای بکهمل از قوم او - پنج سال *
رای سکن پال - پنج سال *
رای کرت پال - پنج سال *
رای انیک پال - شصت سال *
کنورپال - یک سال *

یازده تن از الوس تونور صد و چهل و دو سال و سه روز *

- راجو جگدیو چوهان - ده سال *
جگنانه برادرزاده او - ده سال *
هردیو - پانزده سال *
باسدیو - شانزده سال *
سوی دیو - پانزده سال *
دهرم دیو - چهارده سال *
- بهلدیو - ده سال *
نازل دیو - نه سال *
کیرت دیو - یازده سال *
پتهورا از قوم او - بیست و یک سال *
مالدیو - نه سال *

یازده تن از الوس چوهان صد و چهل سال *

- شیخ شاه - هفتاد سال *
دهرم راج - بیست سال *
علاء الدین پور شیخ شاه - بیست سال *
کمال الدین - دوازده سال *
جیت پال چوهان - بیست سال *
- هرچند - بیست سال *
کیرت چند - ده سال *
اگر سین - سیزده سال *
سورج نند - دوازده سال *
تپرسین - ده سال *

ده تن هفتاد و هفت (۵) سال *

- (۱) [گ] جالو || (۲) [ض] جیندرا * [گ] رانا چندرا || (۳) [گ] این پال ||
(۴) در [گ] نیست || (۵) همچنین در نسخها ||

- جلال الدین - بیست و دو سال *
عالم شاه - بیست و چهار سال *
کهرک سین پور هرسین - هشت سال *
نریاهن - بیست سال *
- بیرسال - شانزده سال *
پورنمل - سی و نه سال *
هرنند - شصت و دو سال *
سکت سنگه - شصت سال *

هشت تن دویست و پنج (۹) سال *

- بهادر شاه - چند ماه *
دلورخان غوری - بیست سال *
هرشنگ شاه - سی سال *
محمد شاه - یک سال و چند ماه *
سلطان محمود عم هوشنگ - سی و چهار سال *
سلطان غیاث الدین - سی و دو سال *
- سلطان ناصر الدین - یازده سال و چهار ماه و سه روز *
سلطان محمود - بیست و شش سال و شش ماه و یازده روز *
قادر شاه - شش سال *
شجاعت خان مشهور به سجاد خان - دوازده سال *
باز بهادر *

یازده تن صد و چهل و دو سال و دو ماه و چهار روز فرمانروایی کردند *

گویند پیشتر از چهارم سال الهی بدو هزار و سیصد و پنجاه و پنج سال و پنج ماه و بیست و هفت روز مهتابه نام ریاضت گریه آتشکده افروخته ایزدی پرستش کرده و در گذارش نفس هزارتنه پای همیت افشوده داشته * پژوهندگان سعادتگرایی بگرد او فراهم و در گذاختن خویش گرم و *
درین میان گروه بوده را جان بدرد آمد و بمهربان روزگار فریاد بردند که درین آتشکده فراوان جانور بآتشین سیلاب در شود - همان بهتر که روش برهمین برآوردند و بجان داری جهانبانی نماید * گفته پذیرائی یافت و مردم را کام و ناکام ازان بار داشت * سوختگان آتشین نفس بپاره سازی برنشتند و به نیازمندی زبردستی را طلبکار شدند تا بوده را از پا دراندازد و کیش ایدان رواج دهد * دادار بیهمال ازان آتشکده دیرین افسرده آدم پیکره پدید آورد - فر ایزدی بر او - شمشیر آبدار در دست * در کمتر فرصتی بر فراز فرمانروایی برنشست و آئین برهمین را از نو روانی بخشید * دهنجی نام گرفت و از

۱. دکن آمده مالوه را تختگاه بر ساخت * دراز زندگی یافت *

چون پتراج پنجمین پور او را فرزندی نبود بزرگان آدیت پنوار را جانشین گردانیدند و سر آغاز مرزبانی درین الوس شد * و چون همرته در آویزه جان سپرد گندهرب نام گزیده را بسر داری

(۱) در آخرین سطر صفحه ۴۹۸ تپرداس بجای تپرداس سهوا طبع آمده || (۲) همچنین در نسخها ||

(۳) در چند نسخه شجاول بشین معجمه * [ض] شاذل ؟ (۵) [ش] دهن اچی || (۴) [ه] همدیرته ||

برداشتند * چنان پندارند که همان همزه است که او را دادار بیهمال در پیکر گندم عرب دیوتا در آورد و پس ازین انسی قالب در پوشانید و بدینی نام شهره آفاق شد و بداد و دهش عالم را آباد ساخت * او را پسرے شد بکرماجیت نام * چراغ نیاکان برافروخت و بسیاری جهان برگرفت * هندی نژاد جلوس او را تا امروز سواغاز تاریخ داند و شگرف داستانشا برگذار * همانا از طلسم و نیرنج خبرے داشت و ساده دلها را بدام آورده بود * چندرپال پایة والای ساطنت یافت و همگی هندوستان بدست آورد *

بجی نند عشرت شکار داشت * ناکه نژد بوتہ منج نوزادے یافت * بغورندی برگرفت و بدان نام برخواند * چون او را هنگام ناگزیر رسید بهوج حقیقی پور او خورد سال بود - منج را جانشین گردانید * او در آویزه دکن زندگی سپرد *

بهوج در سال بانصد و چهل و یک از تاریخ بکرماجیت اورنگ آرا شد و بسیاری عالم برگرفت و بداد و دهش روزگار آباد ساخت * دانش را بر فراز اعتبار برد - گزیده گوهرا را روزگار شد و خورد پزوهان چیدودستی یافتند * بانصد فروهیده مرد حکمت شناس در بزم او هنگامه آگهی آراسته و مرتبه شناسی و انصاف پژوهی را برگرفته * سرآمد اینان بر رج (بفتح با و سکون را و ضم و سکون جیم) - دیگر دهن پال (بفتح دال و های خفی و سکون نون و بی فارسی و الف و لام) * دلاویز سخنان نگاشته اند و حقیقت جویان کار آگاه را ارمغانه گذاشته * چون بهوج نژاد اخترشناسان را لغزشه سترگ رفت یا گذاردگان ساعت را فراموشی شد * ستاره دانان فراهم آمده از نجوست موند برگفتند * غمخوار او را بگزید جانی بیم افزودند * از جان دوستی آن نوباوه اقبال را بخاستن بیکسی انداختند و بزمین ناشناسی افکندند * بے میانجی دست امکن پرورش یافت * حکیم برج که دران هنگام او را از دانش منشان نشمردے زانچہ طالع نوشته ژرف نگهی نموده به بزرگ فرمانروائی مولود و عمر دراز نوید رسانید * نگاشته بر رهگذر راجه انداخت * از دیدن آن مهر بدری بجوش آمد و از شناسندگان انجمن بر ساخت * و چون پیدائی گرفت و هویدا شد که غلط کجا رفته بود خود رفته او را برداشت و از شگرفی تقدیر چشم آگهی برکشود * گویند در هشت سالگی منج را ناتوان بینی کالیوه ساخت و آجان شکری آن بیگناه برانداشید * برخه را زداران را سپرد تا پنهانی ره گرای نیستی سرا گردانند * جان گزایان برو بخشودند و او را پوشیده طرز دیگر را نمودند * هنگام رخصت نامه نرشته بدانها سپرد که چون راجه از من آگهی جوید برو برخوانید * خلاصه مضمون ۲۵ آنکه چگونه آدمی زاد را طبیعت تیرگی از نوبستان خرد دور اندازد و بسکالش ناسزا بخونریزی

بیگنهان دست بر آلاید - هیچ فرمانروای دانش پژوه ملک و مال با خود نیاست بر - همانا ز کشتن من چنان اندیشید که دولت او جاوید خواهد بود و گزندے نخواهد رسید * راجه بشنود نامه از شادخواب غفلت درآمد و از کرده بجانگهی برنشست * فرمانبران چون آثار راستی دیدند سرگذشت را باز نمودند * سجد نیایش بجای آورد و او را بزرگ داشت * بجانشینی خود نامزد گردانید *

و چون پور او حی چند را فرمانروائی بسرآمد در قوم پنوار شایسته تاجداری نبود - جیت پال تنور را که از زمینداران نامور بود بمرزبانی برگزیدند و از نیرنگی تقدیر فرمانروائی بدین خاندان باز گردید * و چون نوبت کنورپال بسرآمد افسر ساطنت گذاری بر سر گروه چوهان نهادند * و در فرماندهی مالدیو شیخ شاه از غزنین آمده مالوه برگرفت و زمانے دراز بزیست * ۱۰ چون روزگار او بسرآمد پور او علاءالدین خردسال بود * دستور او دهرم راج سود جانشین شد * چون علاءالدین بسال آگهی رسید بآویزه برخاست و آن ناسپاس را از هم گذرانید * جیت پال نژاد مانک دیو چوهان نوکر کمال الدین از بدگوهری و زمستی بجان گزائی خداوند خرد رو آورد و بخیال سودمندی جاوید زیان اندوخت *

در نوبت پترسین افغانے تباہ سرشت چندے بدگوهر را با خود یاور گردانید و کمین گرفته ۱۵ در شکارگاه گزند جانی رسانید و خویشان را جلال الدین لقب بر نهاد * و پترسین پور خود را کهرک سین در خانه مرزبان کامرو کدخدا کرده بود * راجه از نیکو خدمتی فرزند خوانده و بی عهد خویش گردانید * او چون درگذشت کهرک سین مسند آرای شد * بکین تیزی لشکر بمالوه آورد * عالم شاه را در نبردگاه روز سپری شد *

در زمان سکت سنگه بهادر شاه نام فرمانده از دکن آمد و طومار زندگی او در پیچید ۲۰ و بدلهی لشکر برد و بآویزه سلطان شهاب الدین گرفتار آمد *

از هنگام سلطان غیاث الدین بلبن تا سلطان محمد پور فیروز شاه فتورے دران نرفت * و چون او درگذشت ساطنت دهلی روی در پراگندگی نهاد * دلاورخان غوری که از جانب او ایالت مالوه داشت آئین سروری فرایش گرفت * سلطان از آنکه در ناکامی وفاداری نموده بودند چهار کس را چهار ملک داد - ظفرخان را گجرات - خضرخان را ملتان - خواجه سرور را جونپور - ۲۵ دلاورخان را مالوه *

پس از وی چهار کس سگالش سری نمودند و زمانه یاور افتاد * و سپس الپ خان پور او را هوشنگ خطاب داده جانشین گردانید * گویند بفرموده او پدر مسموم رفت و جاوید نفرین

اندوخت * سلطان مظفر گجراتی بآویزش آمد و دستگیر ساخت * نصیرخان برادر خود را
بسر داری گذاشت * و چون راه ستمگری بسپرد و قدر رعیت پروری ندانست موسی ابن عم
هوشنگ را بسر داری برگرفتند * سلطان مظفر هوشنگ را از زندان برآورده بدان ملک فرستاد و
احمدخان بسر خود را همراه ساخت * در اندک فرصتی چیده دستی یافت * و چون مظفر
رخت هستی بر دست از ناسپاسی بگجرات رفت و کار ناکرده برگشت و چند بار با سلطان احمد
گجراتی به بیکار برخاست و شرمسار هزیمت آمد * از دستان سرائی بآئین بازارگان بجا بنگر
شتافت * مرزبان آن دیار با چندی بدان قافله رسید و او را دستگیر کرده بادهائی نمود و در
اثنای راه برگشت بسنج فیلان مرا بدین کار داشت - اگر مردم بآویزه در آیند نخست کار تو بانجام
میرسد * شایسته فیلان را طلب داشته بسپرد و رهائی یافت * با مبارک شاه بن خضرخان حاکم دهلی و
سلطان ابراهیم شرقی و سلطان احمد دکنی او را کارزارها رفت * و چون رخت هستی بر دست ۱۰
مرا بنابر وصیت نصیرخان پور او را محمدشاه لقب نهاده جانشین گردانیدند * محمودخان پسر عم
سلطان هوشنگ از بیسعادت ساقی را بفریفت و آن زربنده بدسیرشت سلطان را شراب زهرآلود داد *
سران لشکر پنهان داشته بخیال آن نشستند که مسعودخان پور او را برگزیند و بطلب محمودخان
فرستادند * او جواب داد که دنیا بردام سرد شده - اگر در کنگاش ناگزیر باشم همین جا بیایم * از
خام طبعی بخانه او رفتند و در بند افتادند و بیادری زردستان به آرم به بزرگی مالوه قرار گرفت * و سلطان ۱۵
محمود شهره آفاق گشت * با چنین بدگوهی از نیرنگی روزگار زمانه شکر خندگی نمود و شکوه
صورت او را بغرورگی برد * با سلطان محمد بن مبارکشاه فرمانروای دلی و سلطان احمد مرزبان
گجرات و سلطان حسین شرقی و رانا کرنه کارزارها نمود * و خواجه جمال الدین استرآبادی از جانب
سلطان ابوسعید میرزا با گزین ارمغان پیش او آمد و سرمایه افزایش آبروی او شد *

محمود دوم از دست ستمگاری برگزینگان خویش بنگامی افتاد و بدستگیری سلطان مظفر
گجراتی بار دیگر کامیاب آمد * و از به پروائی طبیعت پرستی در آویزه رانا گرفتار شده و او مردمی
بجای آورد باز بملک مالوه فرستاد * و در پیگار سلطان بهادر گجراتی دستگیر کرده بچاپانیر
می بردند * در میان راه نقد زندگی سپرد و مالوه بگجرات گرائید تا آنکه جهانبانی جنت آشیانی
بدان دیار چیده دستی یافتند * و چون با گره بازگشت شد ملو نام از خویشان سلطان محمود قادر شاه
خطاب کرده مالوه برگرفت *

و در چیده دستی شیرخان آمده دید و پاسبانی آن ملک بشجاعت خان نامزد شد * و در هنگام

(۱) همچنین در نسخا || (۲) [گ] حسین خان پور او را محمد شاه الخ || (۳) [د] محمود ||

سلیمخان سرکشی نمود و در نوبت مبارزخان استقلال یافت * و چون درگذشت بایزید پسر بزرگ او
بار بهادر نام نهاده جانشین شد تا آنکه کوکب اقبال شاهنشاهی بدرخشید و این آباد ملک بر قلم و افزود *
آمید که این روزافزون دولت طراز جاوید یابد و عالمیان بکام دل ابدی نشاط برگیزند *

* صوبه دانلیس *

این آباد بوم را خاندیس میگفتند * چون آسیر کشایش یافت و این ملک بشاهزاده والا مهر
سلطان دانلیال بازگردید بدین نام روشناس آمد * از دوم اقلیم * درازا از بورگانو که بهندیه پیوسته
است تا تلنگ^(۱) که متصل بولایت احمدنکر است هفتاد و پنج کوه - پنجا از جامود که پیوست برار
است تا پال که بمالوه پیوندد پنجاه کوه و برخی جا بیست و پنج * خاروسر برار - شمالی مالوه -
جنوبی گالنه - باختر سومالوه * کوه جفونی * و ردبار فراوان - گزین تالی^(۲) (۳) از میان برار و گوندوانه
۱۰ برجوشد - و تپتی از همان سوبرخیزد - و پورنی نیز گویند - و گرنی نزد چوپره * هوای دلکشا دارن
و زمستان بس معتدل * و بیشتر کشت و کار جویی * و در برخی جا ساله سهار بر دهد و تنه آن
چنان نازک و خوش مزه که از میوه بر شمارند * برنج گزیده شود * گل و میوه فراوان * برگ تنبول
بسیار * پارچه نیک بافند - سریصاف و بهیرون از دهرن گانو برخیزد *

آسیر مرزبان نشین - دژ بیست بر کوه آسمان سا * سه قاعه دیگر در گرد آن باستانی و بلندی
۱۵ کم همتا * پایان آن بزرگ شهر بیست آباد *

برهان پور سترگ مصر بیست سه کوهی آن بر ساحل تپتی - عرض بیست و یک درجه
و چهل دقیقه * فراوان باغ دارد و مندل نیز شود * و گوناگون مردم زاد دران * و هر پیشه ور را روز بازار
در تابستان بس گرد برخیزد و در بارش گل شود *

عادل آباد از گزین قصبات * نزد آن گولابیست - گزین پرستش جا بر شمردند و لغزش راجه
۲۰ جسرت درین نیایشگاه چاره پذیرفت * همه سال لبالب باشد و فراوان کشت و کار ازو سیراب *
چانگ دیو دیه است - نزد او تپتی و پورنا بهم پیوندند و بزرگ نیایشگاه دانند و
چکر تیرنه نامند * دران نزدیکی بیکر مبادیز * چنان بر سرایند که نابینائی صورت مبادیو با خود
داشته و هر روز فیایش کرده * بدین سرمزل آن بیکر از دست بشد * لخته سراسیمه گشت و از
رنگ بدانسان صورتی فراهم آورد و جامه بر فراز داشته بدان تخیل نیارمندی بجای آورد * و از
۲۵ نیرنگی تقدیر آن سنگ شد و امروز موجود * نزد آن چشمه برجوشد و آنرا گندا بر شانسند *

(۱) همچنین در [۴] * در اکثر نسخا تلنگ || (۲) [۴] تابی * [۵] مالی * [۶] ش [۷] نالی ||
(۳) [۴] تپتی * [۵] پیشین || (۴) [۵] پورنی || (۵) همچنین در نقشها
و در نسخا چایک دیو || (۶) [۷] چکل تیرنه || (۷) [۸] جامه * [۹] جایی ||

ریاضت‌گره بایزدی نیرو ازین سرمزل هرروز بگنگ رفتی و باز آمدی * شب آن دریا بخواب آمد
که اینهمه رنج نباید کشید - در همان زاریه تو میجویم * بامدادان تراوش نمود و امروز روانی دارد *
جامود گزین پرگنه ایست * پیدل^(۱) دول دران نزدیکی قلعه بر کوه بس بلند *
دامرنی^(۲) قصبه ایست آباد - نزد آن حوضه است - ازو همواره آب گرم بر جوشد و بدو
نیاز مندی بجای آرند *

چوبه بزرگ قصبه ایست آباد * دران نزدیکی معبدیست رامیسر نام * دریای گرینی و
تپتی باهم پیوند - از در دستها به نیایشگری آیند * و قلعه ملکامد نزد آن *
تهالیر^(۳) لخته بنگاه فاروقیان بود * قلعه او اگرچه بر زمین بس استوار *
سی و دو پرگنه دارد * از کشت و کار کم خالی و بسا ده او بشهر ماند * کشاورز فرمان پذیر و
کارگذار * بومی کولی و بهیل و گوند * در میان اینان شیر را رام گردانند - فرمان پذیرد * و شگرف ۱۰
داستانها بر گزارند *

جمع او یک کرور و بیست و شش لک و چهل و هفت هزار و شصت و دو تنگه برآری
چنانکه در جدول نگاشته آید * و چون آسیر کشایش یافت بران جمع ده پانزده افزودند * و هر
تنگه او بیست و چهار دام اعتبار کردند * [چهل و پنج کرور و پنجاه و دو لک و نود و چهار هزار و
دصد و سی و دو دام اکبری (؟) *]

* سرکار داندیس *

سی و دو میل * .. نقدی ۱۲۶۷۰۶۲ تنگه *	بورمال - غربی * .. ۱۶۲۸۳۰ ت *
آسیر - شمالی برهانپور * .. ۱۰۹۰۲۲۱ ت *	بودیر - میان مشرق و جنوب * .. ۱۸۳۵۴۰ ت *
انران - جنوبی * .. ۲۶۴۲۴۹ ت *	۵۸۵۱۱ ت *
ارندویل - شرقی مایل بجنوب * .. ۵۴۳۳۲۸ ت *	۲۴۶۱۱۲ ت *
انملندیرا * .. ۲۴۰۶۱۸۰ ت *	۲۹۰۳۱۱ ت *
برنگانو - شرقی مایل بجنوب * .. ۲۱۵۵۰۴ ت *	بیکدگانو (؟) - جنوبی * .. ۲۵۶۳۳۱ ت *
پاچره - میان شمال و جنوب * .. ۲۰۶۷۲۸ ت *	بتارد - جنوبی * .. ۳۲۰۷۸۲ ت *

(۱) در نقشه پیدر دول || (۲) [ض] و امرنی * [ف] و امیرنی * [ا] و امیرنی * [ش]
دامرنی * [گ] دمرنی * در نقشه دمبرنی || (۳) این جمله در [۵ گ ش اف] نیست * و اگر
بجای ۳۵۵۲۹۴۳۲ دام اکبری ۴۵۵۲۹۳۱۳۲ دام نوشته یک تنگه برای ۳۶ دام اکبری میبود *
(۴) [ض] ازندویل * [ش] آزندهل * در نقشه ازندول || (۵) [ش ض] انملیر بغیر نون و الف ||
(۶) در نقشه بورنار || (۷) در نقشه بودور بسکون دال || (۸) این دو خانه در هر نسخه خالی
است || (۹) همچنین در [ض ۳۲] * [۵] بکنکاو ب نقطه * [۴] بیلاگا * در [ا ش] نیست ||
(۱۰) [ض] بیارد * در دیگر نسخه ب نقطه ||

بایر - میان مغرب و جنوب * .. ۵۹۵۱۶۸ ت *	رین پور - شرقی * .. ۸۲۰۹۷۱ ت *
تهالیر - میان مغرب و جنوب * .. ۵۹۴۲۳۹ ت *	ساردا - جنوبی * .. ۴۳۰۰۰۸ ت *
جامود - شرقی * .. ۱۷۵۸۴۴ ت *	سندرنی - میان مشرق و جنوب * .. ۱۰۴۷۵۴ ت *
جامنیر - میان مشرق و مغرب * .. ۴۷۰۰۴۲ ت *	عادل آباد - میان مشرق و جنوب * .. ۵۲۷۲۲۳ ت *
چاندسر - جنوبی * .. ۱۹۸۹۰۰ ت *	لذگ - جنوبی * .. ۳۵۲۹۴۴ ت *
جلود - جنوبی * .. ۳۱۷۲۰۵ ت *	لوهارا - جنوبی * .. ۲۴۷۹۶۵ ت *
چوپو - غربی * .. ۷۳۰۹۶۵ ت *	مانچرو - شرقی * .. ۱۰۴۹۶۵ ت *
دانگری - جنوبی * .. ۳۱۴۳۵۵ ت *	نصیرآباد - جنوبی * .. ۸۲۴۹۴۵ ت *
دامری - غربی * .. ۳۵۲۳۰۰ ت *	۳۱۶۳۳۸ ت *
رانویر - غربی * .. ۸۸۳۶۵۵ ت *	

در باستان این سرزمین بیشتر خراب بود * بر دژ آسیر لخته مردم بسر بردی * و این را جای
اشوتهاما برگذارید و نیایشگری نمودی * گویند ملک راجی نهمین نیای بهادر بگردش ناکامی
از بیدر بدین حدود آمد و در دیه کورندای تهالیر بنگاه ساخت و از بومیان آزاده بدلی رفت
و بخدمت سلطان فیروز سعادت اندوخت * در میدافکنی چابکدست بود - فرمان روا پسندید و چون
بخشش بر خواهش او باز گذاشتند آن ده را برگرفت و بتدبیر درست دیگر جاها بدست آورد
و بسیار خرابه آباد گردانید * سال هفتصد و هشتاد و چهار در تهالیر سر بکلانی برداشت و عادل شاه
خطاب بر نهاد و هفده سال بجزرگی زندگانی بسر برد * سپس غزنی خان پور او جانشین شد و نصیر شاه
لقب بر نهاد * و ازان باز این سرزمین بخاندیس زبان زد * چهل سال و شش ماه و بیست و
شش روز داددهی کرد * و چون زندگی بسر آمد پور او میران شاه بکار ملک پرداخت * برخه نام
او عادل شاه گویند * سه سال و هشت ماه و بیست و سه روز کامروا بود * سپس پور او مبارک شاه
چوکندهی سلطان هفده سال و شش ماه و بیست و نه روز گذرانید * پور او عادل شاه عینا نام احسن
خان چهل و شش سال و هشت ماه و دو روز به نیکوئی بسر برد و ببران پور آمد و آسیر
برگرفت * و سلطان احمد گجراتی که احمد آباد اساس نهاده اوست او را داماد ساخت * و چون
رخت هستی بر بست داود شاه برادر او هفت سال و یک ماه و هفده روز کامروائی نمود * عادل شاه
بن حسن خان بگجرات پناه برد * سلطان محمود بیکره راجی قبه دختر سلطان مظفر را بدو

(۱) [ف] رس پور * [گ] رنپور || (۲) در چند نقشه نلنگ بنون || (۳) این خانه در هر نسخه خالی
است || (۴) [ف] غزین * [ض] غریب خان ؟ || (۵) [ش] عبا * [ا] عبا * [ض] عبا ||
(۶) همچنین در نسخه || (۷) همچنین در [۵ ض] * [ش] بن حسین خان الخ * [ف] بن حسن
خان گجراتی پناه بگجرات برد ||

داد * بیداری او بدان ملک آمد - بدو سپرده باز گردید * سیزده سال داد گسترده نمود * میران محمد شاه از دو پسر بود او و مبارک * سلطان بهادر را با نخست پیوند دوستی شد و ولی عهد خود گردانید و محمود برادرزاده خود و مبارک را بدو سپرد و او از مرتبه دانی و دوران دیشی گزند نرسانید و بمزبانی خاندیس خرسند گردید و محمود را گسیل کرد تا بسلطنت گجرات رسید * شانزده سال و در ماه و سه روز سربرآرائی نمود * و چون پیمانۀ زندگي او پر شد سران ملک راجی پور او را بکلانی برگرفتند * ۵ میران مبارک شاه ازو بستد و خود جانشین برادر شد * سی و یک سال و شش ماه و پنج روز بکار ملک پرداخت * سپس پسر او میران محمد سری یافت - نه سال و نه ماه و پانزده روز بسر برد * و چون کار او سپری گشت برادر خورد او راجه علیخان را بمزگی برگرفتند و عادل شاه خطاب بر نهادند * بعقل معاش کار پیش برد * در آویزه دکن از جانب فیروزی سپاه شهادت یافت * در برهانپور بخاک سپردند * بیست و یک سال و سه ماه و بیست روز کام دل برگرفت * سپس ۱۰ خضرخان پور او جانشین شد و بهادرشاه نام بر نهاد * نیز بخت او تیرگی پذیرفت * در سال چهل و پنج الهی آن ملک ازو برگرفته آمد چنانچه در جای خویش گذارش یافت *

* صوبه برار *

اصلی نام وردانت - وردا رودیست و ت کنار * از دوم اقلیم * درازا از بئاله تا بیدراگده دریست کرده * پهنای از بیدر تا هندیه صد و هشتاد * خاور رویه بیدراگده پیوست بستر - شمالی هندیه - ۱۵ جنوبی تلنگانه - باختر مهاباد * ملکیت میان دو کوه جنوبی * یکی را بنده گویند - گویل و نرناله و میل گده برو * دیگر سهپا^(۳) - ماهور و رام گده بر فراز آن * آب و هوا و کشت زکار گزین * فراوان رود درو * گزیده گنگ گوتمی - گوداوری نیز خوانند * گنگ هندوستان را بمهادیو نسبت دهند و این را بگوتم - و شگوف افسانها برگذارند و بس نیایش کنند * از کوه سهپا نزد ترنگ بر جوشد - از ولایت احمدنکر شده به برار در آید و به تلنگانه رود * و چون مشتری باسد آید مردم از دوردست ۲۰ به نیایشگری آیند * و دیگر تالی^(۴) و تهتی بهر دو نیز نیایش کنند * و دیگر پورنا از نزد دیول گانو برتراند و دیگر وردا ده کوه بالاتر از چشمه تالی بر آید * دیگر نیقا^(۵) - نزد دیول گانو جوش برزند * درین ماک چودھری را دیسمکه گویند و قانونگرا دیس پانده و مقدم را پدیل و پتواری را کل کرنی * ایچ پور بزرگ شهر است پای تخت * بنفش گلیست در آنجا بس خوشبو - بهوین چنپه گویند * بیوست زمین بروید * هفت کوهی او گویل بزرگ قلعه ایست کم همتا * درو چشمه ۲۵ ایست که حربه را بدو آب دهند *

(۱) [۴] سربرآرائی (۲) [ش] پتیاله (۳) [ف] مها یا مهسیا یا سهسا
(۴) [۴] تالی [۱] پاتی * [ف] پاتی * [گ] تالی (۵) [۴] دیول فقط

پنار سنگین قلعه ایست بر پشت - سه طرف او را در رود گرفته * کهرله سنگین حصار است بر زمین * در میان آن کوهچه ایست بدو نیایش کنند * در چهار کوهی آن چاه است - استخوان هر جاندار که درو افتد سنگ شود * و آن خرمنه آساست لیکن خردتر * در شرقی او زمیندار است چاتوا نام - خدیو دو هزار سوار و پنجاه هزار پیاده و افزون * از صد فیل * و بسان او زمیندار است دادھی راو - دویست سوار و پنج هزار پیاده با او * و در شمالی ناهر راو بومی است - دویست سوار و پنج هزار پیاده * پیشتر دران نزدیکی زمیندار بود هتیا راو نام - اکنون بر بوم او نیز چیدو دست آمد * و همه قوم گوند * فیل صحرایی در زمین ایشان پیدا شود * و همواره بحاکم مالوه نیز نیایش کرده * نخستین بمزبان گده و دیگران بسرکار هندیه * نرناله بزرگ قلعه ایست فراز کوه * فراوان عمارت درو * اینجا راو بومی است دران نزدیکی - ۱۰ دویست سوار و پنج هزار پیاده * دیگر دونگرخان - پنجاه سوار و سه هزار پیاده * هر دو از الوس گوند * نزدیک بالا پور دو رود * و در حواشی آن گوناگون سنگهای خوش رنگ پدید آید * ازان برتراشیده نگاهدارند * و در شش کوهی او شاهزاده سلطان مراد بنگاه بر ساخت - گزین شهره چهره برافروخت شاه پور نام *

نزدیک میل گده چشمه ایست - چوب و جز آن هرچه درو افتد سنگ گردد * کلم از گزین شهرهای باستانی است - گارمیش گزیده شود * نزدیک آن بومی است بچیدو نام - از الوس گوند و بچاندا زبان در روزگار * هزار سوار و چهل هزار پیاده بدو گراید * بیدراگده که کان الماس دارد و گزین پارچه صورت ناک و جز آن بانند در تصرف اوست * اندک زمان شد که از بومی برگرفت * فیل صحرایی فراوان * نزد بسم بومیان بسر برند و ایخان را هتکران گویند - صد هزار سوار و پنج هزار پیاده * بیشتر ۲۰ نخوت فروش و تمر گزین * دیگر زمیندار است بنجاره گویند - صد سوار و هزار پیاده - و امروز زله سردابی کند * هر دو قوم راجپوت * ماهور گزین قلعه ایست فراز کوه * دران نزدیکی بتخانه ایست به درگا منسوب و او درین دیار بجنگتها روشناس * گارمیش گزین شود و نیم من شیر و افزون بر دهد * بومی اندرجیر راجپوت - صد سوار و هزار پیاده - اورا رانا گریند * مانگ درگ گزین قلعه ایست بر کوه و فراوان جنگل گرد او * بچاندا نزدیک * هنوز بعمل در نیامده ۲۵

در سرکار پتهری جینتور قصبه ایست - همواره جواهر و نفایس خرید و فروخت شده •
 تلنگانه از ملک قطب الملک بود - از چندین بتصرف مرزبان برار درآمد •
 و در ایندور و نرمل کان فول و جز آن - سنگین آورندهای دگر نیز برتراشند • و گار بس گزیده
 شود • شگفت آنکه خروس چنان شود که استخوان و خون سیاه نام باشد • چنانچه بومی است^(۱)
 دیمکه - بگزین خوها آراسته • سیصد سوار دارد •
 رانگر [رامگر] استوار قلعه بر کوه و بس جنگل گز او • صحرانی فیل بسیار • هنوز بعمل
 در نیا - ده •

کنار تپه ایست از مهر - بزرگ پرستش سو • برهنه اورا بشن گیاره • و گیاره جاست که
 خیر کردن دران سرمایه سنگاری نیاکان پندارند - گیاهی بهار به برهما نسبت دهند - و گیاره که به رودر
 منسوب سازند نزد پنجابور - و این • حوضی است چشمه دار بس ژرف بدرازا و پهنای یک کوه - و ۱۰
 گرد او بلند کوه • آب شور دارد • اگر از درونه یا کنار او بر کنند شیرین بر آید • مایه آبگینه و صابون
 و شوره از بدید آید و فراوان محصول دهد • و بر فراز کوه چشمه ایست • دهانه او پیکر گاو ساخته
 اند • از آن هرگز آب بدین نرسد • و چون آماوس روز در شنبه افتد آن آب بدین حوض بزرگ
 در آید • میمون فراوان • دران نزدیکی بومی است - آنرا وایله خوانند - از گروه راجپوت • درصد سوار
 و در هزار پیاده • دیگر سرکنده از گروه راجپوت - صد سوار و هزار پیاده •

بنیاله استوار قلعه ایست بر فراز کوه • پتال نگری از مضافات او • بیست و چهار بنخانه
 در کمر کوه تراشیده اند و شگرف تنها از هر یک • بومی میدنی رار راجپوت - دویست سوار و
 هزار پیاده • دیگر کاماجیو راجپوت - صد سوار و هزار پیاده •

سینده سرکار صد و چهل و دو پرگنه بدو گزید • از دیر باز نسقی است و چون تنگه این
 دیار هشت تنگه دهلی است در اصل جمع سه و نیم کروز تنگه بود که پنجاه و شش کروز دام باشد • ۲۰
 برخی دکنیان افزوده سه کروز هفتاد و پنج لک و بیست و پنج هزار و چهار صد و پنجاه تنگه ساختند •
 در زمان سلطان مراد بیست و شش لک و سی و هفت هزار و چهار صد و پنجاه و چهار تنگه براری
 افزودند • جمله چهار کروز و یک لک و شصت و دو هزار و هفتصد و چهار تنگه براری • این اصل
 و اضافه بجدول آورد • همگی شصت و چهار کروز و بیست و شش لک و سه هزار و دویست و
 هفتاد و دو دام دهلی • از آن میان هشت پرگنه از سرکار کلم داخل چاند است که جمع او نرسیده ۲۵
 و بیست و دو از سرکار کهرله - چانوا و برخی زمینداران دارند •

(۱) [ض] جیابری »

• سرکار گاریل •

۴۹ پرگنه • ۱۳۴۶۶۱۱۴۰ د • ۱۲۸۷۴۰۴۸ د • مغ
 حویلی ایلیچ پور • قلعه سنگین و خشتین بر زمین دارد •
 ۱۴۰۰۰۰۰ د • ۲۸۰۰۰۰۰ د • مغ
 آشقی • ۳۸۰۰۰۰۰ د •
 آرون^(۱) • ۳۲۰۰۰۰۰ د •
 آنجی • ۱۶۰۰۰۰۰ د •
 انجی گانو • ۳۲۰۰۰۰۰ د •
 قریات پاییل^(۲) • ۶۰۴۰۰۰ د •
 قریات باری • ۱۱۴۳۶۸ د • ۸۲۳۶۸ د • مغ
 بهاد گانی • ۳۲۰۰۰۰۰ د •
 بیاردا^(۳) • ۱۲۸۰۰۰۰ د •
 بصرولی • ۷۰۰۰۰۰ د • ۶۰۰۰۰۰ د • مغ
 پلسکیر • ۹۶۰۰۰۰ د •
 قریات پالا^(۴) • ۸۰۰۰۰۰ د • ۱۰۰۰۰ د • ۴۰۰۰ د • پیاده گونده
 برور • ۱۲۸۰۰۰۰ د •
 قصبه ملکی گانو^(۵) • ۸۱۷۳۵۰ د • ۱۷۷۳۵۰ د • مغ
 قصبه پومنه • ۹۱۴۶۰ د • ۵۹۴۶۰ د • مغ
 بدهرامنی^(۶) • ۴۸۲۵۳۰ د • ۱۶۲۵۳۰ د • مغ
 تیوسه • ۸۰۰۰۰۰ د •
 تهر گانو • ۵۶۰۰۰۰۰ د •

چکهای^(۷) • ۲۴۰۰۰۰۰ د • پنجاب و گونده • ۴۰۰ د •
 ۲۵۰۰ د •
 دریا پور • ۶۴۰۰۰۰۰ د •
 دهموری • ۲۷۱۸۵۴۰ د • ۱۱۱۸۵۴۰ د • مغ
 رید هپور • ۶۳۰۰۰۰۰ د •
 سرس گانو • ۵۲۹۶۰۰۰ د • ۴۹۶۰۰۰ د • مغ
 قصبه سرالا • ۱۸۳۵۳۹۰ د • ۱۰۱۵۳۹۰ د • مغ
 سرسون • ۴۸۰۰۰۰۰ د •
 سالو^(۸) • ۳۴۰۰۰۰۰ د •
 قریات شیر پور • ۴۸۰۰۰۰۰ د •
 کرهنگورم^(۹) • ۲۴۰۰۰۰۰ د •
 کهل پور • ۴۸۷۰۱۱۴۰ د • ۷۰۱۱۴۰ د • مغ
 کارنجا - بد هونا - ۲ محل • ۴۸۰۰۰۰۰ د •
 کرنج گانو و قصبه کهر - ۲ محل • ۵۲۳۲۰۰۰ د •
 کمر گانو • ۶۴۰۰۰۰۰ د •
 کارنجا بیلی • ۴۲۰۰۰۰۰ د • ۱۴۰۰۰۰۰ د • مغ
 کورها • ۴۸۰۰۰۰۰ د •
 مانده • ۴۸۰۰۰۰۰ د •
 منبده • ۸۰۰۰۰۰۰ د •
 مانچر کهر • ۶۴۰۰۰۰۰ د •
 مالک کهر • ۴۸۰۰۰۰۰ د •

(۱) همچنین در [ض گ] • در نقشه آری • [ا ف ش] اوزن • (۲) همچنین در نقشه و
 در [گ] • در [ه] بیل یا بایل بے نقط • [ض] بایل • [ا ف] میل • (۳) [ض] یادوا •
 (۴) [ض] باما • (۵) [ش] نلی گانو • (۶) [ه] بدرا هتی بے نقط • [ض ش] بدهرامنی •
 [گ] بیهرائی • (۷) [ض] جیکی • [ش] جکلی • (۸) [ض] سالور • [ش] سالود •
 و در [ه] ۳۰۴۰۰۰۰ دام • (۹) همچنین در [ه] • [گ] کهریگورم • [ض] کرسیکورم • [ش]
 کرمتورم • و در [ه] این نام بعد از رید هپور نوشته •

- منگلور [منگول] * ۲۸۰۰۰۰۰۰ د
 مورجی * ۴۸۰۰۰۰۰۰ د
 نندگانو پیدنه * ۶۶۳۳۸۲۶ د ۲۳۳۸۲۶ د مغ
 نندگانو * ۳۲۰۰۰۰۰۰ د
 برگنه ندر * ۳۲۰۰۰۰۰۰ د ۱۶۰۰۰۰۰۰ د مغ
 هاتگانو * ۱۶۰۰۰۰۰۰ د
 * سرکار پتار *
 پنج برگنه * ۱۳۴۴۰۰۰۰ د
 حویایی پتار * قلعه سنگین بلند دارن . سه طرف آب
 د ۴۰۰۰۰۰۰ د
 سیون بارها کانت بارها * ۶۴۰۰۰۰۰ د
 سیلو * ۱۶۰۰۰۰۰۰ د گوند ۱۰ س ۴۰۰۰ پ
 کپیل جهری * ۲۴۰۰۰۰۰۰ د رچیوت ۱۰۰ س ۵۰۰ پ
 ماندگانو - گزر * ۴۸۰۰۰۰۰۰ د رچیوت ۲۵ س ۴۰۰ پ
 * سرکار کپیرله *
 سی و پنج برگنه * ۱۷۶۰۰۰۰۰ د
 انذیر * قلعه سنگین دارد بر زمین * ۳۲۰۰۰۰۰ د
 رچیوت ۱۰۰ س ۲۰۰۰ پ
 آشفته * ۱۶۰۰۰۰۰۰ د
 پتن * ۱۴۰۰۰۰۰۰ د
 بهیس دهی * ۱۶۰۰۰۰۰۰ د رچیوت ۱۰۰ س
 ۲۰۰۰ پ
 بور * ۲۸۰۰۰۰۰۰ د چاندجی مالی؟ ۲۰ س
 ۵۰۰ پ
 باسد [ماسد] * ۴۸۰۰۰۰۰ د زبازدار - گوند ۱۰ س
 ۱۰۰ پ
 پونی * ۴۰۰۰۰۰۰ د رچیوت ۵۰ س ۵۰۰ پ
 حویایی کپیرله * ۳۲۰۰۰۰۰ د رچیوت - لوهاری -
 گوند ۵۰ س ۲۰۰۰ پ
 ساتنیر اتنیر - ۲ محل * ۱۶۰۰۰۰۰ د گوند
 ۱۰۰ س ۲۰۰۰ پ
 سائین کپیر * ۲۰۰۰۰۰۰ د
 قصبه جرور * ۴۸۰۰۰۰۰ د
 منڈوی * ۴۸۰۰۰۰۰ د زبازدار - گوند ۱۰ س
 ۱۰۰ پ
 مولدانی *
 دنگه *
 نازنگ واری *
 مالابیل *
 مالی *
 منکا *
 سیوه *
 جام کپیر *
 بیل وایی *

- (۱) [۳] سته بے نقط [۳] نبسه * در نقشها نندگانو پیدنی * [۴] تبه || (۲) [۳]
 بارها کات بارها میون * [۴] باره کات لون * [۳] بارها کات سون بارها || (۳) همچین در [۳]
 (۴) [۳] حاجی مالی ؟ || (۵) [۳] دوکه * [۳] درکه || (۶) [۳] نانک واری *
 [۴] مانک واری || (۷) [۳] بے نقط || (۸) [۳] جام کپیر * ||

- سی راس *
 چکلی *
 کهار *
 والد *
 باری *
 وایی گانو *
 دیرنهانا *
 بوری *
 سلو *
 رام جوک *
 جنابلک ؟ *
 جومار *
 حابیان پور ؟ *
 * سرکار نرناله *
 سی و چهار برگنه * ۳۰۹۵۴۷۶۵ د نقدی
 ۱۱۰۳۸۴۲۲۵ د
 آنکوت * ۶۴۷۰۰۶۶ د ۷۰۰۶۶ د مغ
 آدگانو * ۸۰۰۰۰۰۰ د دوکر گوند ۵۰ س
 ۳۰۰۰ پ
 امنیر و جلیبی - ۲ محل * ۴۸۰۰۰۰۰ د
 آنکوله * ۱۱۲۰۰۰۰۰ د
 بلاپور * ۲۴۰۰۰۰۰۰ د ۳۳۰۰۰۰۰۰ د مغ
 پنجر * ۲۰۰۰۰۰۰۰ د
 باری نانکلی * ۲۸۶۴۰۰۰۰ د
 پیل گانو * ۲۴۰۰۰۰۰۰ د
 پاتر شیخ بابو * ۳۷۰۰۰۰۰۰ د ۵۰۰۰۰۰۰ د مغ
 قصبه باری گانو * ۱۶۰۰۰۰۰۰ د ۶۴۰۰۰۰۰ د مغ
 باترره ؟ * ۳۳۴۲۵۰۰ د ۱۲۶۲۵۰۰ د مغ
 بان پور * ۱۵۶۸۰۰۰ د ۶۰۸۰۰۰ د مغ
 بدنیر پور لچي * ۲۷۶۴۵۰۰ د ۳۶۴۵۰۰ د مغ
 بدنیر کادکا * ۴۸۱۳۷۰۰ د ۱۳۸۰۰ د مغ
 جل گانو * ۱۰۰۰۰۰۰۰ د ۲۰۰۰۰۰۰ د مغ
 جی پور * ۴۰۰۰۰۰۰ د
 چاندور * ۳۸۸۷۰۰۰ د ۸۷۰۰۰ د مغ
 دهارور * ۱۴۰۰۰۰۰ د
 دهیندا * ۵۶۰۰۰۰۰ د
 لوهن کپیر * ۲۰۰۰۰۰۰۰ د
 راجور * ۱۰۰۰۰۰۰۰ د ۵۲۰۰۰۰۰ د مغ
 شیدولا * ۶۴۰۰۰۰۰ د
 شیرپور * ۴۸۰۰۰۰۰ د
 کوند کپیر * ۲۴۰۰۰۰۰۰ د ۸۰۰۰۰۰۰ د مغ
 کوتهل * ۱۴۰۹۰۰۰۰ د ۲۰۹۰۰۰۰ د مغ
 کونهای * ۶۴۰۰۰۰۰ د
 میگانو ؟ * ۴۸۰۰۰۰۰۰ د

- (۱) [۳] کناور بنون * [۳] کناور || (۲) [۴] رام جک || (۳) [۳] حقایک * [۳]
 حامک * [۴] هلبانک * [۴] هلبانک || (۴) [۴] چمار || (۵) [۳]
 حابیان پور * [۳] حامیان پور * [۴] ا بمان پور || (۶) همچین در [۳] در [۳]
 بے نقط * [۴] پابره || (۷) [۳] بے نقط * [۳] کاکا || (۸) [۳] سنولا *
 [۳] شیدولا * و در نقشها شیولی || (۹) در [۳] نیست || (۱۰) [۳] میگانو یا ملیگانو *
 [۳] میگانو * [۳] میگانو ||

مهرین * ۶۰۰۰۰۰ د ۲۸۰۰۰۰۰ صغ	لاذکبیر * ۱۶۰۰۰۰۰ د
ملکابور * ۱۱۲۰۰۰۰۰ د	نای گانو * ۹۶۰۰۰۰ د
میلگده * از حاصل راهداری د ۹۴۳۶۰	ناچن گانو * ۶۴۰۰۰۰ د
قریات راجور * ۱۷۰۳۵۶۵ صغ	یونت لوهارا * ۱۲۸۰۰۰۰ د
نادوره [ناندوره] * ۱۲۰۰۰۰۰ د	ترک چاندا ازین زمیندار متصرف است *
قصبه هت گانو * ۱۵۰۰۰۰۰ د ۳۰۰۰۰۰۰ صغ	مال بوری * ۸۰۰۰۰ د
سرکار کلم *	چاندور *
سی و یک پرگنه * ۳۲۸۲۸۰۰۰ د نقدی	لهوبائی *
ایندوری * ۱۲۰۰۰۰۰ د	سرکار باسم *
امروئی * ۱۲۰۰۰۰۰ د	هشت پرگنه * ۳۲۶۲۵۰۰ د نقدی ۱۸۴۵۲۵۰ صغ
اندی * ۱۶۰۰۰۰۰ د	اونده * ۴۸۱۶۰۰۰ د ۹۴۰۰۰ صغ
پونه * ۳۶۰۰۰۰۰ د	باسم حویلی * ۸۱۶۱۲۵۰ د ۱۶۱۲۵۰ صغ
بوری * ۱۲۰۰۰۰۰ د	رجپوت * ۱۰۰۰ س ۱۰۰۰ پ
بیله * ۲۷۰۰۰۰۰ د	باتی * ۲۴۰۰۰۰۰ د
تلی گانو * ۱۰۰۰۰۰۰ د	چارتهانه * ۴۸۰۰۰۰۰ د ۱۶۰۰۰۰۰ صغ
تلی گانو-وای گانو * ۴۸۰۰۰۰۰ د	کلنبه نوری * ۳۲۰۰۰۰۰ د
دونگر * ۱۶۰۰۰۰۰ د	کرری و بمنی * ۱۲۰۰۰۰۰ د
والی گانو * ۲۰۰۰۰۰۰ د	منگلور * ۳۲۰۰۰۰۰ د
سالور * ۳۲۰۰۰۰۰ د	نرسی * ۴۸۰۰۰۰۰ د
کورهار * ۱۶۰۰۰۰۰ د	سرکار ماهور *
قصبه کلم * ۵۰۰۰۰۰۰ د	بیست پرگنه * ۲۸۸۵۴۴۴۰ د نقدی ۱۷۸۴۴۰ صغ
کھیلا پور * ۱۲۰۰۰۰۰ د	انسنگه * ۹۶۰۰۰۰۰ د

(۱) [ض] مهین * [ع] مهین پور * [ک] مهیر || (۲) [ع] لاجور * [ض] راجور ||
 (۳) [ع] بیست گانو * [ک] هت گانو || (۴) درنسخه ے نقط * [ک] اینی || (۵) [ع] کورهار ||
 (۶) [ع] نوبت لوهارا * [ض] نوبت لوهارا * و در نقشه یزنت محل و لوهارا * [ک] نوبت لوهارا ||
 (۷) این عبارت در [ع] موجود است * [ض] برک چاند فقط * [ک] بڑک هند فقط || (۸) [ع] مال بوری * [ض] مال پور || (۹) [ع] لهوبائی * [ض] کبوماسی || (۱۰) [ض] باتی * [ع] در [ع] ے نقط * [ک] باتی || (۱۱) [ک] کرری دهنی || (۱۲) [ع] نهرسی ||

امرکبیر * ۶۴۰۰۰۰۰ د	بہان * ۲۰۰۰۰۰۰ د
پرسد * ۴۰۰۰۰۰۰ د	چاندور * ۲۴۰۰۰۰۰ د
تاسا * ۲۱۷۷۸۴۴ د	جایر * ۱۶۰۰۰۰۰ د
چکھنی * ۳۲۰۰۰۰۰ د	راجور * ۲۴۰۰۰۰۰ د
چچولی * ۲۴۰۰۰۰۰ د	کورته * ۲۰۰۰۰۰۰ د
حویلی مهور با قصبه سوره * ۳۶۸۰۰۰۰ د	نیر * ۱۶۰۰۰۰۰ د
دهارہ * ۲۴۰۰۰۰۰ د	سرکار پاتھری *
دهانکی * ۳۲۰۰۰۰۰ د	هژده پرگنه * ۸۰۷۰۵۹۵۴ د نقدی ۱۵۸۰۹۵۴ صغ
سیوالا * ۲۴۰۰۰۰۰ د	اردها پور * ۱۶۰۰۰۰۰ د
سیونی * ۶۴۰۰۰۰۰ د	حویلی پاتھری * ۲۵۱۱۴۷۴۰ د ۵۰۱۴۷۴۰ صغ
گرولی * ۳۲۰۰۰۰۰ د	پرنی * ۸۰۰۰۰۰۰ د
کهنوت * ۱۳۰۰۰۰۰ د	پانچل گانو * ۲۰۰۰۰۰۰ د
کورته * ۴۸۰۰۰۰۰ د	بلهور * ۲۴۰۰۰۰۰ د
مینہ * ۲۴۰۰۰۰۰ د	بسمت * ۱۱۲۰۰۰۰۰ د
مہگانو * ۱۶۰۰۰۰۰ د	بارر * ۱۶۰۰۰۰۰ د
نانداپور * ۲۰۰۰۰۰۰ د	تانکلی * ۶۴۰۰۰۰۰ د
ہلد بدھونا *	جندور * ۱۲۰۰۰۰۰ د ۳۶۰۰۰۰۰ د
سرکار مانک درگ *	جہری * ۱۶۰۰۰۰۰ د ۴۰۰۰۰۰۰ د
ہشت پرگنه * ۱۴۶۰۰۰۰۰ د نقدی	سیولی * ۳۶۰۰۰۰۰ د ۱۲۰۰۰۰۰ صغ
بہارل * ۳۴۰۰۰۰۰ د	کوسری * ۳۲۰۰۰۰۰ د
	لوه گانو * ۴۸۰۰۰۰۰ د ۱۶۰۰۰۰۰ صغ

(۱) همچین در نقشه * درنسخه چکھلی || (۲) همچین در [ض] * [ع] با قصبه رسور
 [یا رسور] و سوره * [ک] با قصبه دھور و سوره || (۳) [ع] سیولی * [ض] سیولی * [ک]
 سورتی || (۴) نام این پرگنه در [ض] نیست || (۵) [ض] مینہ * [ع] منٹہ * [ک] مہنتہ *
 در نقشه مینہ بسین || (۶) [ض] ناواپور * [ک] ناداپور || (۷) [ض] ہونا ہلدند * [ک] ہلدھونا ||
 (۸) [ع] ابرنی * [ض] برنی * در نقشه پرنی || (۹) [ع] بارر * [ض] گ * با ار * در نقشه
 بارت || (۱۰) نام این پرگنه در [ض] نیست * و در نقشه کوسدی نوشہ ||

مکت مدّه کهر * ۲۴۰۰۰۰۰ د	کهرکا * ۶۴۰۰۰۰۰ د
ماترگانو * ۳۸۰۰۰۰۰ د ۱۶۰۰۰۰۰ صغ *	کوسم نلکه ^(۸) * ۶۶۴۰۰۰۰ د
ناندیر * ۶۸۷۱۲۰۳ د ۲۷۱۲۰۹ د ۴۷ صغ *	لوهگانو * ۱۱۲۰۰۰۰۰ د
وسا ^(۳) * ۴۰۰۰۰۰۰ د	مدهول * ۶۴۰۰۰۰۰ د
هاتا * ۱۲۰۰۰۰۰ د ۲۴۰۰۰۰۰ صغ *	نرمل * ۶۴۰۰۰۰۰ د

سرکار تلنگانه *

نوزده پرگنه ۷۱۹۰۴۰۰۰ د نقدی * ۶۶۰۰۰۰۰ صغ *	پنچ پرگنه * ۹۶۰۰۰۰۰ د نقدی *
ایندور * ۴۸۰۰۰۰۰ د	بل عرب ^(۹) * ۸۰۰۰۰۰۰ د
اوله * ۸۰۰۰۰۰۰ د	حویلی رامگر * ۲۵۶۰۰۰۰ د
بودن ^(۳) * ۸۰۰۰۰۰۰ د ۴۴۰۰۰۰۰ صغ *	چینور * ۳۲۰۰۰۰۰ د
بهاسر * ۱۶۰۰۰۰۰ د ۴۰۰۰۰۰۰ صغ *	کهندوه ^(۱۰) * ۲۲۴۰۰۰۰ د
بهیسا ^(۴) * ۶۴۰۰۰۰۰ د	مول مرک ؟ ^(۱۱) * ۸۰۰۰۰۰۰ د
بالکندا * ۶۴۰۰۰۰۰ د	
بیمگل * ۲۴۰۰۰۰۰ د	سرکار مهکر *
بانورا ^(۵) * ۳۲۰۰۰۰۰ د	چهار پرگنه * ۴۵۱۷۸۰۰۰ د نقدی * ۳۷۶۰۰۰۰ صغ *
بهوکر * ۱۶۰۰۰۰۰ د	حویلی مهکر - هشت تپه دارد * ۲۵۶۰۰۰۰۰ د
تمورنی ^(۶) * ۱۶۰۰۰۰۰ د	تمرنی * ۷۲۰۰۰۰۰ د
قربات خداوند خان * ۶۴۰۰۰۰۰ د	دیول گانو * ۵۶۰۰۰۰۰ د
دهکوار * ۹۶۰۰۰۰۰ د	سکر کهرله * ۶۷۷۶۰۰۰ د ۳۷۶۰۰۰۰ صغ *
راجور * ۱۶۰۰۰۰۰ د ۸۰۰۰۰۰۰ صغ *	سرکار بتیاله [بیتال واری]
کوت گیر ^(۷) * ۲۲۰۰۰۰۰ د ۱۰۰۰۰۰۰ صغ *	نه پرگنه * ۱۹۱۲۰۰۰۰ د ۴۸۰۰۰۰۰ صغ *
	اودن گانو ^(۱۲) * ۴۰۰۰۰۰۰ د

- (۱) [۵] مکت بدّه کهر * [ض] مکت مدّه کهر * [گ] مکت بدّه گیر * در نقشها مدّه کهر فقط ||
 (۲) [ض] دیا || (۳) [ض] بورن || (۴) [۵] مکت بدّه کهر * در نقشها بهیسا بغیر لام ||
 (۵) [ض] بانورا * [۵] گ [۵] بانورا || (۶) [۵] گ [۵] تمورنی * [ض] بیمورلی || (۷) [ض]
 کوت کر * [۵] گ [۵] گرگوت || (۸) [۵] گ [۵] کوسم پلته * [ض] کوسم منه || (۹) [۵] دبل عرب نقطه ||
 (۱۰) [۵] کهندوه * [ض] کندها * [گ] کندهد || (۱۱) [ض] مرک مول || (۱۲) [۵] اودل گانو ||

اناران ^(۱) * ۴۰۰۰۰۰ د	دهاد ^(۳) * ۴۸۰۰۰۰۰۰ د
بتیاله باری * ۱۲۰۰۰۰۰۰ د	دهاور ^(۴) * ۲۶۰۰۰۰۰۰ د
چاندور ^(۲) * ۱۲۸۰۰۰۰۰ د	سیونا * ۶۴۰۰۰۰۰ د
چکهای * ۲۰۰۰۰۰۰۰ د	سانولد باره * ۱۶۰۰۰۰۰۰ د

این ولایت از مرزبان دکن بود * در زمان سلطان محمود که پنج سردار ناهپاسی نموده زندانی گردانیدند بفتح الله که عمادالملکی داشت قرار گرفت * چهار سال زمانه مهلت داد * و چون او در گذشت پور او علاءالدین آن نام برگرفت و چهل سال بدادگری گذرانید * سپس پسر او درباخان جانشین شد و پانزده سال کام دل برگرفت * و بعد از پور او را برهان که خورده سال بود بکلانی برداشتند و امرا به تبه سگالی کار ملک از پیش خود گرفتند تا آنکه مرتضی نظام الملک چیره دست آمد بر ملک
 ۱۰ احمد نگر انزوده شد *

* صوبه گجرات *

از اقالیم دوم - درازا از برهان پور تا جگت سیصد و دو کوه - پهنا از جالور تا بندر دمن دویست و شصت * دیگر از ایدر تا بندر کنیهایت هفتاد * خاور رویه خاندیس - شمالی جالور و ایدر - جنوب بندر دمن و کنیهایت - باختر سو جگت که بر ساحل دریای شور است * کوه جنوبی * گزین رودبار -
 ۱۵ شوزدیا - سابرمی - باترک - مهندری - نیده - تپتی - سرستی - و در چشمه که آنرا جمه و گنگه گویند * هوا نزدیک باعتدال * از ریگ بومی هنگام بارش گل نشود * و بیشتر کشت و کار جواری و باجوه - و مدار خورش بران * ربیع کمتر شود - گندم و برنج حبوب از مالوه و اجمیر آید و برنج از دکن * بیشتر نسقی - و پیمایش کم رود * و گرد کشت و کار و پیولامون باغ زقوم بر نشانند - گزین حصاره گرد * ازین رو این ملک بس دشوارگذار * از فزونی درخت زار انبه و جز آن یک بستان توان
 ۲۰ شمرد * از پتن تا برده که صد کوه باشد انبه زار بالیده و شیرین بردهد - و برنج از خامی شیرینی آرد * و انجیر گزیده پدید آید - و خربزه بزمستان و تابستان نشاط آرد - و هر دو بار دو ماه فراوان * انگور میانه * و گل و میوه بسیار * و از درخت انبوهی بشکار جانور عشرت نتوان اندوخت * صحرایی یوز افزون * سقف خانها بیشتر کهریل - و دیوار از خشت پخته و چونه * و بوخه از پیش بینی سنگین بنیادهای پهناور و دیوارهای میان کاراک بر سازند و نهانی راهی آماده دارند * بسا سواری
 ۲۵ برپهل باشد * نقاشان و خاتم بندگان و دیگر هنریشگان بمر صدف را چنان کار بندند که خط

- (۱) [۵] اناران * [ض] ابادان * [گ] اناران || (۲) در نقشها چندول || (۳) در نقشها دهودا *
 (۴) [۵] دهاور * [ض] دهاور * در نقشها دهاور ||

خوش نمودار گردد و قلمدان و صندوقچه و جزآن برسانند * زرتاري پارچه از چیره و فوطه و جامه وار و مخمل و زریفت و خارا گزیده بافند * گوناگون تماشای روم و فرنگ و ایران را تقلید نمایند * شمشیر و جمدهر و کهنه و تیر و کمان شایسته برسانند * خرید و فروخت جواهر شود * نقره از ولایت روم و عراق و جزآن آورند *

نخست پای تخت پتن بود و چنده چانپانیر و امروز احمدآباد * بزرگ شهرست ۵
بگزین طرح آباد - برکنار ساهرمی * عرض بیست و سه درجه * در خوش خوانی و یافت گزیده کالای هفت اقلیم کم همتا * دو قلعه دارد - بیرون آن سیصد و شصت معموره بر نمط خاص * هریک را پوره نامند * فاگیر شهرها در هریک پیدا * و امروز تا هشتاد و چهار آباد * و در آن هزار سنگین مسجد و در هر کدام دو مناره و شگرف کتابها * در پوره رسول آباد مزار شاه عالم بخاری * و پتوه قصبه ایست سه گروهی احمدآباد - خوابگاه قطب عالم پدر شاه عالم و دیگر بزرگان * و گزین باغها در آن ۱۰
نزدیکی * پارچه باندازه دست بدرگاه قطب عالم افتاده است برخه چوب و لخته سنگ و پاره آهن - شگرف داستان از برکنارند * و نیز سه گروهی موضع است سرکچ - دروشین احمد کتو آسوده * و سلطان احمد که احمدآباد بنام اوست و بسیار سلاطین غنوده اند * نیل گزیده بهم رسد - برومستان و جز آن برند *

و در دوازده گروهی محمودآباد - شهرست بنا کرده سلطان محمود * دلنشین کاخها چهار ۱۵
کوره در چهار - پیرامون آن دیوار کشیده اند و در هر نیم کوره باغ و سر منزل - آهو و گوناگون نخچیر در هر داده *

مرزبان ایدر بومی است نراینداس نام - بس ریاضت گر - غله نخست بگو دهد و دانه از سرگین او برچیند و غذا سازد - و برهمین بس گزیده شمرد * و او را در الوس را تهور کلانتر دانند * پانصد سوار و ده هزار پیاده بدو گردد *

بندر گهوه و کنیهایت بدین سرکار گراید * و پسین بزرگ و گوناگون بازرگان و فراوان عمارت و کلا درو * جهاز از گهوه راهی شود و در آنجا فرود آید و بجزو کشیها که آنرا توری نامند بکنیهایت آورند *

و در کوی گل گزیده شود - جفته سیصد رویه و افزون از ده - خوش سنجی و تنومندی و نکورفتاری هر چند بیش گران از تر *

(۱) [۸] بتوه * [ش] پتوه * [ض] بتوره || (۲) [۸] عمارت و کلا * [ض] عمارت کلا * [ش] عمارت فقط || (۳) [۸] فرود آید و بحر و کشیها * [ش] فرود آید کلا بخرو کشیها ||

جهالواره در قدیم ملکه جداگانه بود و هزار و دویست قریه بدو باز گردد * درازا هفتاد کوره بهنا چهل - ده هزار سوار و بهمین شماره پیاده * و امروز دوهزار سوار و سه هزار پیاده * مرزبان او بحاکم گجرات نیاشگری کرده * چهار بخش بود * بیشتر الوس جهاله را نشستجا * و امروز از سرکار احمدآباد یک پرگنه برشمارند و قصبات او و تپجات چنانچه جدول برگذارد *

جهالواره کلان *

بیرمگانو - حاکم نشین * هلون * بدھوان * کوها * درنگ دهره * بیجانا * پاتری - دران نمکسار شود * سهالا * بروده * جهنجهوارا * سنجان * دهولهر * منزل *

پرگنات مچو کهنقا *

۱۰ موربی * رانیور * تنکارا * کهنجریا * مالیا * کزور (۹) - نزدیک آن مروراید برآید * دهنسر * امرول *

پرگنات جانبوجی *

جانبو * لیمری * سیانی *

پرگنات جوئسی بنگاه قوم پرمار *

موربی - سی و شش موضع * چوتلا - پنجاه و پنج موضع * و امروز موربی با هفت تپه داخل سورت شده *

۱۵ پتی دو قلعه دارد - سنگین و خشتین * طول صد و هفده درجه و ده دقیقه - عرض بیست و سه درجه و سی دقیقه * گزیده گل برآید - نیمه روز پنجاه کوره در نوردد * قطنی نیکو باندند و در دستها بارمغانی برند *

سدهپور قصبه ایست برکنار سورتی و بزرگ پوستش جا *

بزرگ بزرگ شهرست باستانی - سیصد بعخانه درو - نزد هریک گولای * و فراوان ۲۰ برهمین آباد *

چانپانیر گزین دویست بر کوه بس بلند - دو نیم کوره ازان دشوارگذازد - چند جا دروازا برنشاندند و یکجا قریب شصت گزیده تخته بند گردانیده اند و بهنگام کار پدیدند * میوه خوب شود *

سورت از نامور بنادر * دریای تپتی نزد او بگذرد * هفت گروهی بدریای شور پیوندند *

(۱) [۸] کلان * در [ش] نیست || (۲) همچین در نقشها * در نسخها دانگ دهره || (۳) [ض] سینجانا || (۴) در نسخها مورلی || (۵) یا رانیور || (۶) [۸] کنور یا کسور * [ض] کدور || (۷) در نقشها امرون || (۸) [۸] جونبی یا جونبی * [ض] جومسی * [ض] جومسی بے نقط || (۹) [۸] دیار بے نقط * [ش] پرمار * [ض] دیار یا دیار ||

رانیدر آن طرف آب بندریست از توابع او - در قدیم شهره بزرگ بود * و بندر کهنديري و بلسار نیز از مضافات او * میوه خاصه انناس فراوان شود * هرگونه روغن و خوشبو گزین بدید * و زردشتی کیش از فارس آمده بنگاه ساخته اند * ژند و پانزد برخوانند و دخمها برسانند * از صلح کل گیتی خداوند هر طایفه کامیاب گردید * از بے پروائی کارپردازان دولت و سپهسالاران سرحد بسیاریه ازین سرکار هنوز بدست فرنگ - چون دمن و سنجان و تاراپور و ماهم و بسه که هم شهر و هم بندر اند *
بهرچ گزین قلعه دارد - آب نریده از کنار او شده بشور دریا در شود * و از مہین بنادر شمرند * و بندر کاپی و گندهار و بهابوت و بهنگورا از توابع او *

نزدیک قصبه هانسون شکارگاه است بدرازی هشت کوه و پنهان چهار - فراوان آهو و دیگر جانور درو * و آن جنگله ایست سبز و شاداب بر ساحل دریای نریده - نشیب و فراز ندارد *

سوار سورت (بضم مجهول سین و سکون واو و فتح را و تایی هندی و های خفی) ملکی ۱۰ جداگانه بود * پنجاه هزار سوار و یک لک پیاده * بزرگی قوم گهلو داشت * درازا از بندر گهلوگه تا بندر آرامرای صد و بیست و پنج کوه - پنهان از سردهار تا بندر دیو هفتاد و دو * شرقی احمد آباد - شمالی ولایت کچه - جنوبی و غربی شور دریا * هوای او سازگار * میوه و گل فراوان - انگورو خربزه نیز شود *

و این سرزمین نه لحت باشد - هر جا آلو سے بدین نمط * ۱۵

پرگنات سورت جدید *

جونه گده با حویلی * سلطانپور * بروا * هانسانور * چورا رانپور * کندولنا * هست جنی *
اونڈ * بکسرا * مهندرا * بیانترور * غیره *

پرگنات سورت قدیم که ناگهر گویند *

پتن سومنات * اونه * دیلواره * مذگلور * کوری ناز * مول مہادیو * چوروار * دیو * غیره * ۲۰

پرگنات گوهلواره *

لاٹبی * لولیانه * بهیم راور * جس دھون * ماندیری * بیرائی * سیهور *

پرگنات والاک *

مہوہ * تلاجا * پالی تانه * غیره *

(۱) [۵] بهکورا * [ض] بهکور * [ش] بهکور * [۲] [ش ض] سروا * [۳] [ض] کندولنا *
(۴) [۵] هست جنی * [ض] هست جنی * [ش] هست جنی * [۵] [ض ش]
اونڈ * [۵] اونه * [۶] [ض] مهندرا * [۷] [ض] بنارور * [۸] [ش] باکھر *
(۹) [ض ش] بهیم راور *

پرگنات باتھیلہ *

جگت (که اورا دوارکا گویند) * آرامرای * دھارہ (؟) * غیره *

پرگنات برزا *

برزا * گوم لی * غیره *

پرگنات قوم باگھیلہ *

سوردهار * گوندهل * رایت * دهانک * غیره *

پرگنات واجی که صحرانشین اند *

جهانچیمیر *

پرگنات الوس تونیل *

۱۰ نخستین که بسورته جدید نامور از افزونی درختزار و درهم پلچیدگی کوهستان بدو کسے بی نبرده - ناگه تجرد گزین را گذاره افتاد - ازو آگهی یافتند * سنگین دژیست بگونه گده زبان زد روزگار * سلطان محمود پیشین بزور برگرفت و در پایان آن قلعه از سنگت بر ساخت * اوسم قلعه ایست در هشت کوهی به بالای کوه - امروز خرابست و سزاوار آبادی * و همدان نزدیکی بر فراز کوه گرنال قلعه ایست - فراوان چشمه درو * بزرگ معبد جین * و بندر کوندی کویات دران نزدیکی - در موضع ۱۵ است بدوری یک کوه * بندر بدان منسوب * و نیز در عقب جونه گده جزیره ایست سیال کوه نام - بدرازا و پنهان چهار کوه * پیوست آن جنگله است سی کوه درسی * خودرو میوها درو * و برخه کویان را بنگاه * و آن سرزمین را گر گویند * و نزد موضع تونک گوشا دریای بهادر با دریای شور پیوندد * ماهی چنان نازک شود اگر زمانے بافتاب دارند بگذارد * شتر گزین و اسب بالیده تراز گوت بهمرسد *

۲۰ و در دومین قسم پتن شهریست برکنار شور دریا * سنگین قلعه دارد * آن را پتن سومنات خوانند * بندریست بزرگ و قصبه اورا نه قلعه از سنگ بر زمین در سه کوهی دریای شور * شمشیر گزین شود * دران نزدیکی چاه است از آبیاری او دریش افزاید * بندر مذگلور و دیوپر بندر و کوری ناز و احمدپور و مظفر آباد درین سرزمین * چشمه سرستی از فزن سومنات برآمده * و پرستشده

(۱) همچین درهر نسخه * یحتمل که سنکو دهار باشد || (۲) در نسخ بوم لی - و در نقشها گوملی ||
(۳) [۵] رابت نه نط || (۴) نامهای پرگنات در هیچ نسخه مشخص نیست || (۵) [۵ ض]
اوسم * [ش گ] ادهم || (۶) [۵] لومری * [ض ش] کوندی * [ک] کوندی لکيات || (۷) [۵ ض]
سیال کوه * [گ] سیال کوه * [ش] مال کوه * [ض] سیال کوه || (۸) در نقشها تونکرا گوسا ||
(۹) همچین در نسخها || (۱۰) امروز جعفر آباد ||

برهمن فراوان - ازان میان سومنات و پراچی و کوزی نار را بس سترگ برشمارند * و درین نزدیکی میان دریای هرن و هرسنی پیش ازین چهار هزار سال و کسری پنجاه و شش کرور جادوان^(۱) با یکدیگر خنداخند باویژه افتادند * همه را دران آشوبگاه روزگار سپری شد - و شگرف داستانها برگویند * و دو نیم گروهی پتن سومنات بهالکا تیرته - درانجا بکشن تیر رسید و در کنار دریای هرسنی زیر درخت پیدل فرود شد * آنرا پیدل سرگویند * و این هردو جا را بزرگ معبد اندیشند * ۵ شگفت آنکه در قصبه مول مهادیو بتخانه ایست مذسوب بمهادیو * هر سال پیش از برسات روز معین جانورے که بزبان هند اورا مکه گویند پدید آید - اندک خوردتر از کیوتر و نولش گنده تر - سفید و سیاه - بر فراز بتخانه نشینند و اختی عشرت کند - سپس بغلطد و نقد زندگی بسپرد * آن روز مردم شهر فراهم آیند و گوناگون خوشبو بسوزند * و از مقدار سیاهی و سفیدی او اندازه بارش برگیرند - از سیاهی بارندگی و از سفیدی خشکی * درین سرزمین جوار ساله سه بار شود * ۱۰ نزد اونه دو حوض است یک را جمه گویند و دیگری را گنگه * آب از درون برجوشد و رود بارے شود * همگی ماهیان این دو چشمه سه چشم - سیومین در پیشانی *

و میان منگلور و چووار زمین است که موج دریای شور فرو گیرد * در سال روز معین آب شیرین آید * چنان برگرداند در باستانی زمان یک را باب گنگ احتیاج افتاد - مرتاض اشارت بآن مرزمین کرد و شیرین آب تراوش نمود * ازان باز در همان روز این شگرف نمودار حیرت افزاید * ۱۵ و در هردو قسم الوس راجپوت از قوم گهلوت بسر برد * کلانی این دیار بدیشان گراید * و امروز هزار سوار و دو هزار پیاده * و جمعی اهیر نیز باشند * ایشان را بابریه خوانند * دو هزار سوار و سه هزار پیاده *

و در سیومین در پایان کوه ستر^(۲) قلعه ایست بزرگ و بر فراز آن کوه قلعه پالی تپانه * اگرچه آبادی ندارد لیکن سزاوار آن * و بزرگ معبد جین * و بندر گهوگه بدین زمین گراید * ۲۰ و جزیره بیرم پیشتر حاکم نشین بود - درازا و پهنا نه کوه * کوهچه ایست در میان دریا * زمیندار از قوم گوهل - دو هزار سوار و چهار هزار پیاده *

در چهارمین بندر مهوه و تلاجا * طایفه والی بسر برند * سیصد سوار و پانصد پیاده * در پنجمین جگت - آنرا دوارا نیز گویند * کشی از متها آمده آنجا بنگاه ساخت و دران

(۱) همچنین در نسخها * و صاحب ترجمه مراکات اسکندری چاره نوشته ۱۱ (۲) [۵] نپکه یا سکه *

[ض] بیکه بے نقط [ک] بیکه * و صاحب حقیقت هندوستان مکه نوشته ۱۱ (۳) [۵] که در ۱۱

(۴) [۵] سترچه * [ش] شیرچه بے نقط * [گ] سرونج [ض] سرونجه * و در نقشها ستروجه ۱۱

رخت هستی برست * بزرگ نیایشگاه برهمن * و جزیره سنکودهار - طول و عرض چهار کوه - داخل این بوم برشمرند * نزدیک آرامرای جزیره ایست بدرازا و پهنا هفتاد کوه * مقدار نیم کوه زمین است بیشتر سنگین * اگر اورا بکنند در هر چهار طرف او دریای شور بگردد * ملک ایاز خاصخیل نخستین محمود گجراتی چهارم بخش برکند * بندر آرامرای بر بسیاری بنادر سرکوب * ۵ قوم بادعیل درانجا بسر برند * هزار سوار و دو هزار پیاده *

و در ششمین بره کساریست بزرگ و درخت راز انبوه و فراخ درها - لشکرها ننگند * گروه جینوه بسر برند * هزار سوار و دو هزار پیاده *

در هفتم باگیله باشند - دویست سوار و همین قدر پیاده * و درین ولایت کاتهی فراوان * ذات ایشان اهیر * تیمار اسپ کنند * شش هزار سوار و شش هزار پیاده * برخه اینان را تازی نژاد ۱۰ پندارند * عیار و مهمان دوست باشند و بخت هر کیش خورند * حصن فراوان * درین گروه چون جاگیردار رود نخست چنین پیمان برگیرند که از ناپارسانی زن و مرد را نپرسد * و نزد کاتهی کنار آب دوندی گروه باشند از اهیر آنرا پورنجه^(۲) گویند - سه هزار سوار و همین قدر پیاده * همواره بجام در آورند *

و در هشتم جهانجه میر بندر است کنار دریا شور * قوم واجی^(۳) بسر برند * دویست سوار و دو هزار پیاده *

و در نهم قوم چارن * مهادیو از عرق جبین خود چارن نام آدم پیکرے آفرید * و تیمار گاو خود بدو سپرد * شعر بر گفته و ستایش سرانیدے و از گذشته و آینده آگاهی دادے * نژاد اورا بدان نام خوانند * و بیشتر ستایش برگویند و نصب نامها بر خوانند و هنگام کارزار داستان دلاوری گذارش نمایند و دل بدو نهند و لخته را از عیب گوئی نیز بهرے باشد * در هندوستان کم بزرگی باشد ۲۰ که چنده ازینها با او نبود * درین سرزمین پانصد سوار و چهار هزار پیاده * و بهات (ببا و های خفی و الف و تایی فوقانی هندی) نیز در آفرین خوانی و دلیری و معرکه آرائی و تاریخ گوئی بدیشان همتا * اگرچه در اعتبار ازینها زیاده باشند لیکن در شمشیر چارن * و برخه چنان سرانند که چارن بمجرد خواهش طراز هستی گرفت و بهات از مهادیو * شگرف داستانها گذارش نمایند *

و میان جهاوار از سرکار احمد آباد و پتن و سورته نشیب گاهے است بدرازا نود کوه * و پهنا ۲۵ از هفت تا سی - آنرا رن نامند (بفتح را و سکون نون) * پیشتر از موسم باران شور دریا بجوشد و این

(۱) [ض] جشوه * [گ] چیتور ۱۱ (۲) [۵] پورنجه بے نقط یا پورنجه * [ش] پورنجه

بے نقط یا پورنجه * [گ] پورنجه ۱۱ (۳) [ض] واجی ۱۱ (۴) [۵] بردهند ۱۱

سرزمین را فرو گیرد و بارش یاور افتد * و چون ریش ابر فرو نشیند روی در کمی نهد - بسیار جا خشک گردد و نمک فراوان شود * و در پرگنه جهالواره وجه این فراهم گردد * احمدآباد مشرق این بوم - و مغرب روی آن ولایت است بزرگ جداگانه آنرا کچه گویند (بفتح کاف و جیم فارسی مشدد و هاء پنهان) درازا دویست و پنجاه کوه * و سند مغرب رویه اوست * و پنهان صد کوه * بیشتر دشت و ریگستان * اسپ گزیده و تازی نژاد دانند و شتر و بز بسیار و خوب شود * بزرگ آن سرزمین از گروه جادون است * امروز بجایجه مشهور * سپاه این الوس ده هزار سوار و پنجاه هزار پیاده * مردم نیکو و بلندبالا و دراز ریش * حاکم نشین شهر بهج * دو قلعه استوار دارد چهاره و کنت کوت * گجرات رویه جانب جنوب زمیندار است بزرگ - اورا جام گویند - ببومی مذکور خویشتانند * پیشتر ازین شصت سال راول جام را پس از آویزه دو ماه از ولایت بر آورد و او در سورته میان ولایت جیتوه و باذ هیل و چارن و تونبیل بنگاه ساخت * و دیگر زمینها برگرفت ۱۰ و شهر نوانگر اساس بر نهان * این زمین را کچه خرد خوانند * و امروز سترسال نبیره او جانشین * قصبات و زمین کشت و کار بسیار دارد * حاکم نشین نوانگر * هفت هزار سوار و هشت هزار پیاده بدو گراید * و شتر و بز خوب شود * و از دیرباز دستور هر دو احمدی کیش *

و بدوسته مورا و منگریج ولایت است آنرا پاك [پال؟] گویند * دریای مهندری میانه بگذرد گجرات رویه * حاکم جداگانه دارد * بنگاه دونگریور * و مالوه سو بانسواله * و آن نیز مرزبانان جدا ۱۵ داشت * در هر دو پنج هزار سوار و ده هزار پیاده * هر دو سیسوده * از خوششان رانا بزرگی بدیشان بود و از دیرباز دگرگون است *

و متصل بسرکار پتن ولایت است - حاکم نشین قصبه سروهی * خداوند دو هزار سوار و پنج هزار پیاده * و بر فراز کوه سترگ قلعه ایست ابوگده نام * دوازده موضع درو آباد * و علف فراوان * ۲۰

و نیز ولایت است شرقی نذر بار شمالی مندو جنوبی نادوت غربی چانپانیر - درازا شصت کوه و پنهان چهل * بومی چوهان * حاکم نشین قصبه آلی موهان * فیل صحرایی فراوان * ششصد سوار و پانزده هزار پیاده *

میان سرکار سورت و نذر بار کوهستان است آباد - آنرا بگلانه گویند (بفتح با و سکون کاف فارسی و لام و الف و فتح نون و هاء مکتوب) بومی رانهور * سه هزار سوار و ده هزار پیاده * ۲۵ شفتالو و سیب و انگور و انناس و انار و ترنج بسیار خوب شود * هفت قلعه نامور دارد * ازان میان مولیرو سالیبریس گزین *

میان سرکار نادوت و نذر بار کوهستان است - درازا شصت کوه پنهان چهل * الوس گوئل از گروه راجپوت بسر برند * و امروز برهمه است تواری نام - مدار معامله برو - و از راجه جز نامی نگویند * در قصبه راج بیپله و کهلوا بسر برد * سه هزار سوار و هفت هزار پیاده * آب این سرزمین بس زبون * برنج و عسل گزین شود *

نه سرکار و صد و نود و هشت پرگنه بدین صوبه گراید - ازان میان سیزده بندر * جمع چهل و سه کرور و شصت و هشت لک و بیست و دو هزار و سیصد و یک دام * و یک لک و شصت و دو هزار و بیست و هشت محمودی و سه ربع حاصل بنادر * زمین پیموده غیر سورته که نقدیست یک کرور و شصت و نه لک و سی و شش هزار و سیصد و هفتاد و هفت بیگه و سه بسوه * ازان میان چهار لک و بیست هزار و دویست و هفتاد و چهار دام سیورنغال * بومی دوازده ۱۰ هزار و چهار صد و چهل سوار و شصت و یک هزار و صد پیاده *

* سرکار احمدآباد *

۲۸ محل * بیگه * ۸۰۲۱۴۵۳ * دام ۲۰۸۳۰۶۹۹۴	بگ ۵۱۶۳۷۰ * ۱۷۷۰۹۱۲ * ۵۰۷۷۴ د سغ *
د ۲۵۱۱۴۴۱ سوزغال * اقوام مختلف *	مولنکی * ۵۰۰ * س * ۵۰۰۰ پ *
۴۱۲۰ سوار * ۲۰۵۰۰ پیاده *	ایدر * از قرار نسق - ۱۶۱۶۰۰۰ * راجپوت گراسینه *
بلده احمدآباد * ۱۵۰۰۰۷۳ * ۱۴۶۸۰ د سغ *	۱۰۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
۱۰۰ س * ۳۰۰ پ *	بپیل * ۳۷۵۶۷۵ * ۶۹۸۸۹۲۰ * ۶۱۰۰ د سغ *
حویلی احمدآباد بگ * ۳۷۰۰۸۷ * ۲۳۹۹۳۷۱ د	۱۰۰ س * ۲۰۰ پ *
۴۲۰۱۷۸۳ د سغ * گراسینه *	باره سدیوه * بگ * ۸۴۹۶۰ * ۲۸۱۴۱۲۴ * ۵۶۰۸ د سغ *
ارهمانتر - کنار دریای برولی ؟ * بگ ۱۴۵۳۸۴ *	راجپوت لودی * ۵۰ * س * ۱۰۰ پ *
۹۶۶۲۷۵۴ * ۱۶۰۹۳۸ د سغ * چوهان *	بیرپور - قلعه دارن پرکنار مهندری * بگ ۱۷۳۳۸۵ *
۱۰۰ س * ۲۰۰ پ *	راجپوت کهریا و بونه (؟) * ۱۷۷۸۳۰۰ د سغ *
احمدنگر - قلعه سنگین دارد از چونه بر آورده اند *	۳۰۰ س * ۶۰۰ پ *

(۱) [هگ] تواری * [ش] تواری * [غ] نوازی || (۲) [گ ش] ارهمانتر * [غ] اترادهر ||
 (۳) [د] برولی یا برملی * [غ] درولی * [ش] نرومی || (۴) [د] نیست || (۵) در نقشه
 بهیول || (۶) [د] بهودی * [غ] بهودی * [ش] بهودما || (۷) [د] لودی * [غ] دودی *
 [ش] دادودی || (۸) [د] کهریالومه * [غ] کرپالونه * [ش] کرپالودیر ||

- پیلون .. بگ ۳۹۹۳۰ * ۱۴۹۳۲۴۹ د * رجیوت *
 ۵۰ * ۱۰۰ * پ *
 پرانتي * بگ ۱۵۹۲۷۳ * ۲۰۷۶۵۷۴۵ د * اول *
 ۱۰۰ * ۲۰۰ * پ *
 بندر سوله * .. از قرار نقدی ۶۰۰۰۰۰ *
 پتلاد * .. ۷۷۱۹۶۰۵ د * ۱۲۸۹۹۰۵ د *
 تهمانه * .. از قرار نقدی ۶۰۰۰۰۰ *
 جهالابارها - قلعه خشتین دارد لیکن قدرے پاشیده *
 بگ ۴۳۲۸۳ * ۳۴۹۰۸۲۴۰۵ د * ۲۳۲۸۶۰۵ د *
 کولی * ۲۰۰ * ۱۰۰۰ * پ *
 جهالواره - قلعه از سنگ و چونه * نمک شور از
 حاصل شون * بگ ۵۷۹۸۷۷ * ۴۸۲۵۳۹۲ د *
 ۵۶۲۷۵ د * ۲۰۰ * ۵۰ * پ *
 دهولقه - نزدیک این دریای سابرمی میگذرد *
 بگ ۸۳۴۹۰۶ * ۱۶۵۰۰۰۰ د * ۱۸۸۱۶۰۵ د *
 پنوار * ۵۰ * ۱۰۰ * پ *
 دهندهلک - قلعه سنگین از چونه * بگ ۴۰۳۵۲۳ *
 ۱۱۳۰۷۷۰۴۴ د * ۴۰۰ * ۵۰۰ * پ *
 سرنال * .. بگ ۸۰۶۴۶ * ۲۵۲۸۶۳۲ د *
 گراسیه مهتر؟ * ۱۰۰ * ۳۰۰ * پ *
 کرب * .. بگ ۹۳۶۸۳۷ * ۳۰۱۲۵۷۸۸ د *
 ۳۹۴۹۶۳ د * ۳۰۰ * ۱۰۰۰ * پ *
 کندهایت * .. بگ ۳۳۶۸۱۳ * ۲۲۱۴۷۹۸۶ د *
- ۱۶۰۴۰۵ د * ۱۰۰ * رجیوت باره * س *
 ۲۰۰ * پ *
 کدرنج - قلعه سنگین از چونه * ۳۰۱۲۵۷۷۸ د *
 ۲۷۳۰۹۵ د * ۱۰۰ * ۵۰۰ * پ *
 منده * ۲۲۱۴۷۹۷۳ د * ۳۰۱۳۲۰۵ د * کولی *
 ۵۰ * ۵۰۰ * پ *
 موراسه - قلعه از خشت * بگ ۵۰۷۳۷۰ * ۱۰۵ د * ۴۲۳۵ *
 ۱۶۰۶۲ د * ۱۰۰ * ۲۰۰ * پ *
 محمودآباد - اینجا معبدیست منسوب بمهادیو *
 بگ ۴۵۵۹۰ * ۱۷۴۸۰۸۰۵ د * ۱۲۰۰۸۸ د *
 چوهان *
 مسعودآباد - قلعه از خشت دارد * بگ ۲۱۳۸۰۵ د *
 ۱۴۰۰۰۰۰ د * اول *
 منگریج - قلعه سنگین از چونه * بگ ۷۶۶۲۹ *
 ۱۲۱۷۶۲ د * چوهان * ۱۰۰ * ۳۰۰ * پ *
 نریان * بگ ۲۰۲۰۶۲ * ۸۱۰۳۰۹۸۵ د * ۴۹۴۷۸ د *
 گراسیه * سوار و پیاده داخل پرگنه سرنال *
 هر سرز * .. بگ ۴۰۰۰۲۷ * ۷۵۲۲۰۲۵ د * کولی *
 ۲۰ * ۱۰۰ * پ *

سرکار پتن - شمالی *

- ۱۴ محل * بگ ۳۸۵۰۱۵ * ۶۰۰۳۲۵۰۹۹ د * نقدی *
 ۲۱۰۶۲۷ د * ۷۱۵ * سوار *
 ۶۰۰۰ * پیاده *

- پتن - دو قلعه دارد * ۹۵۷۴۶۲ * ۱۴۳۸۶۲ د *
 رجیوت کولی کنبی * ۱۵۰ * ۳۰۰۰ * پ *
 بیجاپور * بگ ۲۹۰۵۵۴ * ۶۰۰۱۸۳۲ د * ۲۸۳۲ د *
 کولی * ۲۰۰ * ۵۰۰ * پ *
 پالهن پور * ۵۲۸۶۱۱ د * ۳۶۰۰۰۰۰ د * کولی *
 ۵۰ * ۵۰۰ * پ *
 بدنگر - قلعه سنگین دارد * بگ ۳۷۶۰۰ * ۱۳ *
 ۱۸۴۴۳۲۴ د * ۱۷۴۹ د * ۱۷۴۹ د * کولی * سوار و
 پیاده داخل بیجاپور *
 بیسلنگر * بگ ۱۳۲۸۱ * ۶۷۴۳۴۸ د * رجیوت جادون *
 ۲۰ * ۱۰۰ * پ *
 تهرار - قلعه از خشت پخته * بگ ۲۴۰۰۵۲ * ۱۱ *
 ۴۰۰۰۰۰۰ د * رجیوت باره * ۵۰ * ۲۰۰ * پ *
 تهرواره - قلعه خشتین * بگ ۲۹۴۵۱۶ * ۱۷ *
 ۲۱۳۰۰۰۰ د * کولی * ۵۰ * ۱۰۰۰ * پ *
 حویلی پتن * بگ ۱۴۷۸۷۵۰ * ۲۰۰۵۴۰۴۵ د *
 ۸۶۲۱۰۴ د * ۱۰۰ * ۵۰۰ * پ *
 رادهن - قلعه خشتین دارد * بگ ۲۵۷۷۰۹ * ۶ *
 ۴۰۰۰۰۰۰ د * کولی * ۱۰۰ * ۲۰۰ * پ *
 سمی - اینجا معبدیست معتبر اهل هند *
 بگ ۰۷۲۹۸ * ۱۲۶۶۹۹۸ د * کولی * ۲۰ * ۲۰۰ * پ *
 ساتل پور * .. بگ ۳۴۲۶۷ * ۲۸۷۳۴۰ د *
- کپرالو * بگ ۱۴۱۰۱۹۴۹ * ۱۴۱۰۱۹۴۹ د *
 لاکر بیجی * بگ ۱۱۲۳۳۸ * ۱۳۱۲۵۹۰ د * کولی *
 سوار و پیاده داخل تهرار *
 مونچپور * بگ ۵۱۸۱۴ * ۵۱۸۱۴ د * ۹۰۹۶۳۰ *
 کولی * ۲۵ * ۱۰۰ * پ *
 مورواره * بگ ۴۷۷۷۷ * ۳۲۰۰۳۰۵ د * کولی * ۲۰۰ * ۲۰۰ * پ *
 ویسه [ویسه؟] - قلعه از خشت پخته * بگ ۲۸۸۲۷۰ *
 ۱۶۰۰۰۰۰ د * کولی * ۵۰ * ۲۰۰ * پ *

سرکار نانوت - شمالی *

- ۱۲ محل * بگ ۵۴۱۸۱۷ * ۱۶ * ۸۷۹۷۵۹۶ د *
 ۱۱۳۲۸ د *
 امرولی * بگ ۱۵۵۴۸ * ۱۶ * ۱۴۳۶۲۰ د *
 اودها * .. بگ ۱۴۹۰۰ * ۱۷۰۷۶۵ د *
 بسراپی * بگ ۱۵۳۶۹۶ * ۵۲۰۶۱۳۶۸ د * ۱۱۳۴۸ د *
 بدال * .. بگ ۴۰۶۶۳ * ۲۷۲۶۴۵ د *
 تلکواره * .. بگ ۵۵۸۵۹ * ۱۵۹۵۵۲۵ د *
 تها * .. بگ ۷۳۲۶۳ * ۱۶۵۵۰۰ د *
 جمون گانو * .. بگ ۲۱۴۴۴ * ۴۱۲۰۹۳ د *
 کهار * .. بگ ۱۴۹۰۳ * ۸۰۳۰۸۵ د *
 مرغدره * .. بگ ۱۵۰۲۸ * ۶۲۳۲۸ د *
 ماندن * .. بگ ۵۴۰۲ * ۱۶۰۰۰ د *
 نادوت با حویلی * بگ ۱۲۸۰۲۱ * ۳۹۲۹۳۳۰ د *
 نترنگ * .. بگ ۱۵۱۸۸ * ۴۰۷۹۸ د *

(۱) همچنین در نسخا || (۲) در [۵] نیست || (۳) [۵] بهراو * [۵] گش [۵] تهرار * در نقشها تهراد ||
 (۴) [۵] ۵۲ (؟) سوار داخل لاکر بیجی || (۵) [۵] کهار * [۵] گش [۵] کفار * [۵] کیدارا ||

(۱) در [۵] نیست || (۲) [۵] جهالوار || (۳) [۵] پنوار * و نامهای گراسیه مهتر در خانۀ
 کرب نوشته || (۴) [۵] ۲۰۰۸۱۰۶۵ د [۵] ۳۰۱۲۵۹۸۷ د [۵] ۳۰۱۲۵۷۸۸ د * و در [۵]
 میورغال در خانۀ کندهایت نوشته || (۵) [۵] کسرنج یا کیرنج * [۵] کسرنج * در نقشها کپرونج
 بسکون را || (۶) [۵] اول - صد سوار * [۵] کولی || (۷) [۵] سوار و پیاده داخل اهرم مائر شده ||

سرکار بروده - جنوبی *

- ۴ محل * ... بگ ۹۲۲۲۱۲ * ۴۱۱۴۵۸۹۵۵
 ۳۸۸۳۵۸۵۸ * اقوام مختلف * ۹۰۰ س
 * ۵۸۰۰ پ
 بروده باحویلی - قلعه از خشت بخته بگ ۵۰۰۹۲۰ *
 ۲۰۴۰۳۴۸۵۵ * ۳۸۴۰۹۳۵۵ * پنوار کبریا و غیره
 وچپوت * ۲۰۰ س * ۴۰۰ پ
 بهادرپور - قلعه خشتین * بگ ۱۶۸۰۹۵۰ * ۶۲۴۳۲۸۰
 وچپوت * ۵۰۰ س * ۵۰۰ پ
 دیهویی - قلعه سنگین * بگ ۱۶۷۰۹۰ * ۶۲۵۲۵۵۰
 ۴۵۶۲۵۰ * وچپوت باره * ۵۰۰ س * ۵۰۰ پ
 سینور - آب نریده از شمال برآمده در ته قصبه
 میگردد * بگ ۱۴۸۱۵۰ * ۵۷۴۶۵۸۰
 وچپوت لاده * ۵۰۰ س * ۵۰۰ پ

سرکار بهروچ - جنوبی *

- ۱۴ محل * بگ ۳۴۹۷۷۱ * ۲۱۸۴۵۶۶۳۵ * ۴۱۸۲۰۵۵
 اقوام مختلف * ۹۹۰ س * ۸۶۰۰ پ
 اوربار * ... بگ ۱۸۶۲۰ * ۱۶۵۵۸۷۷
 اکتیسر * ... بگ ۱۳۸۳۷۶ * ۵۵۸۰۱۰
 اکتیسر * بگ ۹۰۳۳۳ * ۳۰۷۷۳۷۵ * گوالیا * ۵۰ سوار
 ۴۰۰ پیاده

بهروچ - خشتین قلعه دارد بر کنار نروده - آنجا

- معبد اهل هند است * بگ ۶۴۶۶۰^(۱۲)
 ۴۵۶۲۳۰ * وچپوت * ۵۰۰ س * ۵۰۰ پ
 ترکیسر * ... بگ ۸۷۵۲ * ۵۶۵۱
 چهرمندوی * ... بگ ۴۴۸۲۱ * ۱۲۲۷۹۵۵^(۱۴)
 حویلی بهروچ * ... بگ ۵۲۹۷۵ * ۷۰۲۲۶۹۰
 ۶۴۵۱۰ * س
 دهیج بارها * ... بگ ۴۲۶۶۴ * ۱۱۷۴۵۴۰
 کادی [کادی ؟] * بگ ۱۷۷۹۳۹ * ۴۲۷۵۰۰
 ۱۲۶۵۰ * وچپوت باره * ۲۰ س * ۳۰۰ پ^(۱۳)
 کله * بگ ۱۵۱۸۱ * ۳۵۳۶۷۰ * وچپوت گراسیه * ۳۰۰ پ^(۱۳)
 گندهار - بندر است و اکثر سفرگاه چهار است^(۷)
 ۲۴۰۰۰ * س
 لورک - کنار دریای شور واقع است^(۹) * بگ ۳۱۷۶۰^(۸)
 ۱۲۷۷۲۵۰ * س
 مقبول آباد - کنار دریای شور و نمک شور حاصل^(۱۰)
 آنجا شون * بگ ۸۱۷۵۰ * ۱۹۱۲۰۴۰
 وچپوت مسلمان * ۲۰ س * ۱۰۰ پ^(۱۰)
 هانسوت - بندر است از بنادر این دیار *
 بگ ۷۷۵۶۰ * ۲۴۳۹۱۵۸ * وچپوت باگپله^(۱۱)
 ۴۰۰ س * ۳۰۰ پ

(۱) [ض] سده بے نقط * [ض ش] باره || (۲) سده بے نقط * [ض] بلیه بے نقطه * [ش] وچپوت فقط ||
 (۳) این عبارت صرف در [ض] موجود است || (۴) صاحب ترجمه مراک اسکندری چارمندوی نوشته ||
 (۵) [ض] باره ؟ * [ش] سرسرمانیه ؟ * در [ض] نیست || (۶) در نقشها گله در کنار تپتی جنوبی ترکیسر || (۷) این جمله در [ض] بعد از نام پرگنه لورک نوشته || (۸) [گ ش] نورک بنون || (۹) این جمله در [ض] بعد از نام پرگنه مقبول آباد نوشته || (۱۰) این جمله در [ض] بعد از نام پرگنه حویلی بهروچ نوشته - و در همین نسخه خانه حویلی بهروچ پس از مقبول آباد داخل شده برخلاف حروف تهجی || (۱۱) همچنین در [ض ش] * [ض] بکنه یا کسر بے نقط || (۱۲) در [ض] نیست ||

سرکار چانپانیر *

- ۹ محل * بگ ۸۰۰۳۳۷ بسوه ۱۱ * ۱۵۰۰۹۸۸۴۵
 ۱۷۳۷۳۰ * وچپوت مختلف * ۵۵۰ س
 ۱۶۰۰ پ
 آرازه * ... بگ ۱۹۱۲۹ * ۴۸۲۰۹
 چانپانیر با حویلی - در قلعه سنگین دارد بک برکوه
 که آنرا پاره گویند و در زمین در پائین کوه^(۱)
 بگ ۱۵۹۵۹۰ * ۱۴۲۹۶۴۹۵ * ۱۷۳۷۳۰ * س
 وچپوت راول * ۵۰۰ س * ۱۰۰۰ پ
 چند آواره * ... بگ ۲۷۳۲۰ بسوه ۸ * ۲۱۵۳۰
 چوراسی * ... بگ ۱۰۷۷۱۴ * ۲۲۱۵۲۷۵
 دهر - قلعه از سنگ * بگ ۶۸۲۴۹ * ۱۲۸۳۳۰۰
 دهرل * ... بگ ۳۲۰۱۴ * ۱۷۲۹۹۲۵
 دلوره * ... بگ ۱۸۱۲۹ * ۴۸۶۲۸
 سونکپیوه * ... بگ ۲۴۰۳۱۳ * ۲۹۹۹۶۹۶
 سانویس - قلعه سنگین مضبوط دارد * بگ ۱۲۰۳۹۱
 بسوه ۱ * ۲۳۰۰۰۰۰ * وچپوت * ۵۰۰ س^(۳)
 ۱۰۰ پ^(۳)
- سرکار سورت *
- ۳ محل * بگ ۱۳۱۲۸۱۵ بسوه ۱۶ * ۱۹۰۳۵۱۸۰
 ۱۸۲۳۷۰ * وچپوت مختلف * ۲۰۰۰ سوار
 ۵۵۰۰ پ
 اناول - قلعه سنگین * بگ ۹۵۸۱ * ۴۲۴۳۵۵
- پارچول ... * بگ ۵۵۹۲۰ * ۱۵۰۸۰۰۰
 بلسار - لب دریای شوراست * بگ ۷۴۷۰۲
 ۱۲۸۱۴۲۰ * ۱۹۷۸۵۵ * س * ۱۰۰ پ
 بلیسر * بگ ۸۶۴۲۰ * ۱۰۱۶۰۴۵ * ۱۵۰۳۵۵ * س
 بیازره - قلعه از سنگ دارد نزدیک دریای تپتی *
 بگ ۵۳۶۵۹ * ۵۵۴۳۲۰ * وچپوت *
 ۲۰۰۰ س * ۵۰۰۰ پ
 بلواره - قلعه سنگین و اینجا معبدیست که آب
 بسیار گرم دارد * بگ ۴۱۶۵۰ * ۴۷۸۶۲۰
 بهیسروت * ... بگ ۲۱۱۷۰ * ۴۲۵۰۵۵
 پانیر * ... بگ ۵۴۶۶۰ * ۲۷۷۴۷۵
 بهوتسر * ... بگ ۱۲۰۷۵ * ۱۴۶۲۳۰
 بالور * ... بگ ۲۱۴۳۵ * ۵۹۲۱۸۰
 تیلاری * بگ ۳۵۰۹۱ * ۹۱۷۸۹۰ * ۹۰۹۳۵ * س
 تینبا * بگ ۵۱۰۲۹ بسوه ۱۹ * ۲۳۶۳۹۰ * ۲۳۰۴۰۵ * س
 چکلی - بر لب دریای شور و کان آهن
 اینجا است * بگ ۳۳۷۶۱۳ * ۳۸۹۳۲۰
 دهموری - کنار آب تیمی^(۴) * بگ ۴۰۹۹۴ بسوه ۱۹
 ۷۶۷۵۲۰
 راندر^(۵) * بگ ۵۵۲۳ * ۶۳۶۹۲ * ۱۳۰۶۲ * س
 سورت با حویلی - قلعه سنگین دارد * بگ ۵۰۷۳۸
 محصور سایر جهات * ۵۵۳۰۱۴۵
 سوپا * بگ ۳۷۵۹۴ * ۷۳۱۵۱۰ * ۸۷۲۰ * س

(۱) همچنین در [ش] * عبارت نسخه [ض] خوانده نمی شود * [ض گ] دو قلعه سنگین فقط ||
 (۲) در نقشها چندبواره || (۳) در [ض] نیست || (۴) [ض] تیمی * در [گش] نیست ||
 (۵) در نقشها راندر مقابل شهر سورت ||

سرنهون .. بگ ۶۴۲۱۷ بسو ۱۸ * ۶۰۱۲۵۷ د
 کهولوري ^(۱) .. بگ ۴۰۲۱۴ * ۲۶۷۶۰ د
 گهنديوي * بگ ۴۵۲۴ * ۸۳۵۳۳۰ د * ۴۳۱۰ د سځ
 کهړنآ - آب نیمې ؟ ^(۲) * بگ ۴۲۰۱۹ * ۶۲۹۳۱۰ د
 کړونده * بگ ^(۳) ۳۰۰۷۰ * ۳۸۳۲۴۰ د * ۲۴۵۲۰ د سځ
 کامريچ * .. بگ ۶۸۰۴۴ * ۳۲۸۲۰۵ د
 کوس - قلعه سښکين دارود * بگ ۹۷۷۱ * ۲۲۸۳۹۰ د
 لوهاري ^(۴) * .. بگ ۵۹۲۸ * ۸۵۲۸۰ د
 مرولي ^(۵) - کنار دريای شور * بگ ۱۷۰۴۴ * ۳۰۰۴۱۰ د
 مهوه - کنار دريای شور ^(۶) * بگ ۱۵۰۱۶ * ۱۰۰۲۹۰ د
 نارنولي * .. بگ ۱۶۲۹ * ۶۵۲۰ د
 نوساري - روغن خوشبو انجا سازند که در هيچ جا نشود * بگ ۱۷۳۵۳ * ۲۹۷۲۴۰ د
 نريان - کنار دريای شور * بگ ۷۶۹۰ * ۱۳۰۷۰۰ د
 سړکار گودهرا *

سړکار سورته *

۷۳ محل - ازان جمله سيزده بندر * ۶۳۴۳۷۳۶۶ د
 ۱۷۰۰۰ س * ۳۶۵۰۰۰ پ
 اونه * .. ۷۶۳۰۳۸۸ د
 ارزېچجا ؟ ^(۱۱) * .. ۷۸۰۵۰۰ د
 امريلي * .. ۱۷۸۴۱۶۰ د
 اپليته ^(۱۲) * .. ۱۲۱۴۵۹۲ د
 پتن ديو * .. ۴۴۵۳۹۱۲ د
 بان واره * .. ۲۰۴۹۳۴۰ د
 بيلکها * .. ۱۴۰۰۰۰ د

۱۲ محل * .. بگ ۵۳۵۴۵۵ * ۳۴۱۸۶۲۴ د
 اقوام مختلف * ۱۰۰۰ س * ۵۰۰۰ پ
 اونه * .. بگ ۱۷۸۷۷ * ۱۸۴۹۳۵ د

(۱) [۵] کهولوري * [گ] کهولوري * در [ش ض] نيست || (۲) [ش] تپني * در [۵] نيمی بے نقط || (۳) [۵] بگ ۶۸۵۴۴ * ۳۲۸۲۰۵ || (۴) در نقشها بهاري نزديک دريای پورنا - وقصبه ديگر لوهيري نام نزديک دريای بلسار || (۵) [۵] مروالی * و در نقشها مروالي جنوبی سورت || (۶) [۵] کنار فقط * وقصبه مهوه کنار دريای پورنا واقع است کنار دريای شور || (۷) [۵] ۱۰۴۰۲۳۲۴۰ || (۸) در نسخها پيرا * ويحتمل که پيرا يا بهيرا درست باشد || (۹) [۵] دهامدود بے نقطه * [گ] دهامدود بنون || (۱۰) [۵] مهديواره || (۱۱) [۵] ارنججار بے نقطه * [گ] ارنججا * [ض] ارنججا || (۱۲) [۵] بلسر يا ابلنده بے نقطه * [گ] اپليته * [ض] ايتهه ||

بلسار * .. ۵۰۹۷۶۰ د	دانک * .. ۴۱۴۱۰ د
بيري ^(۱) * .. ۱۴۵۶۰۰ د	دونگر * .. ۷۶۰۴۰۰ د
بيروا ^(۲) * .. ۵۰۶۶۴ د	دهروار * .. ۵۹۷۹۲ د
بنده * .. ۸۴۹۶۰ د	دهانتور ^(۶) * .. ۲۵۲۰۴۸ د
بان دور ^(۳) * .. ۱۴۰۶۰ د	دهاري * .. ۶۴۴۲۷۰ د
بهيم زاده * .. ۲۸۳۴۰ د	رانپور * .. ۱۶۱۲۷ د
پالي تهايه * .. ۲۴۰۵۹۲ د	رال گن ^(۷) * .. ۱۱۶۴۸۰ د
بگسرا * .. ۵۶۳۴۰ د	رامرت * .. ۲۸۳۴۰ د
برر * .. ۷۳۴۷۹۰ د	سيوزر * .. ۴۲۴۸۰ د
بروارا * .. ۷۴۷۹۲ د	سرنبي * .. ۴۹۳۶ د
بهادي ^(۴) * .. ۱۴۱۶۰ د	سلطان پور * .. ۴۲۴۸۰۰ د
تلاجا * .. ۲۴۳۵۵۲۰ د	گارنادهار * .. ۶۲۳۰۴۰ د
چونکه * .. ۴۵۳۱۲۰ د	کوري نار * .. ۴۵۲۸۵۶۰ د
جيت پور * .. ۱۲۸۳۲ د	گهوگه - سوالي بندر * .. ۶۶۶۵۶۰ د
جگت * .. ۸۰۳۲۰۰ د	کيدانابنايرا ^(۸) * .. ۴۲۴۸۰ د
چروار * .. ۹۳۶۹۶۰ د	کنهر ^(۹) * .. ۱۲۷۴۸۰ د
چورا * .. ۹۷۲۸۸ د	گري دهري ^(۱۰) * .. ۵۹۸۷۰۴ د
جهدي ^(۵) * .. ۱۰۷۱۶۶۰ د	گوندل * .. ۵۶۶۴۰ د
جسدهون * .. ۹۸۵۶۰ د	کوتيانا * .. ۱۷۹۷۲۵۶ د
حديلي سورت * .. ۹۳۲۰۰۰ د	کندولنا ^(۱۱) * .. ۱۹۸۴۳۲ د
دولت آباد * .. ۳۵۷۴۲۴ د	لوليانه * .. ۱۴۲۳۰۸۰ د

(۱) [۵] بری || (۲) [ض] بردا * در [ش] نيست || (۳) [۵] بان دو بے نقطه || (۴) [۵] تهاويل * [گ] بهادي * [ض] بهادي * و در نقشها بهادلی || (۵) در [۵] بے نقطه * [گ] جيتهري || (۶) [۵] دهاورر || (۷) در نقشها رال گند مغربی تلاجا || (۸) [۵] کهاناسادرا * [گ] گهاٹاسايرا * [ض] کيدانابنايرا || (۹) [گ] کنکر || (۱۰) [ض] کوری دهري * و در نقشها گوري دهري - در هالار || (۱۱) [۵] کيدولنا * [گ] کندولنا * [ض] کندولنا * و در نقشها کوندلا شمالي بندر مظفر آباد ||

لیمورا باتوا * ۴۸۷۵۷۶ د	میدره * (۳) ۲۲۰۸۱۶۰ د
لاټھی * ۲۹۶۱۵۲ د	موری * ۲۶۰۳۳۶ د
ملکاپور * ۹۹۵۰۴۸ د	میانه * ۱۴۱۰۶ د
مہوہ * (۳) ۲۰۵۱۱۳۶ د	ناگسری * ۷۵۵۳۷۶ د
مندری * ۱۲۷۴۶۰ د	ہنسہنی * (۴) ۱۰۱۲۵۹۲ د
منگلور * ۱۶۶۸۹۴۷۲ د	

حاصل بنادر *

بندر منگلور * ۲۷۰۰۰ م	بندر مہوہ * ۱۰۰۰ م
بندر پتن دیو * ۲۵۰۰۰ م	میلکور ؟ * ۳۰۰۰ م
بندر کوری ناز * ۱۰۰۰ م	دونگر * ۱۰۰۰ م
بندر ناگسری * ۱۰۰۰۰ م	بندر تلاجا - ۴ محل * ۷۰۰۰ م
پور بندر * ۲۷۲۲۸ م	بندر ارنہ * ۱۵۰۰۰ م

* فرمان فرمایان *

سراج چاورہ - شصت سال *	بحر سنگہ - بیست و پنج سال * (۶)
جوگر جاج - سی و پنج سال *	رتنادت - پانزدہ سال * (۷)
بہیم راج - پنجاہ و دو سال *	سامنت - ہفت سال * (۸)
بہور - بیست و نہ سال *	

ہفت تن ۱۹۶ سال پور پر پور فرمانروائی نمودند *

(۱) [گ] بانوا || (۲) [۵] مہوہ بے نقطہ * [گ] مہوہ * [ض] مہوہ || (۳) در نقشہا
میدردہ یا میندرہ || (۴) در [۵] بے نقطہ * در دیگر نسخہ ہستنی بتقدیم سین || (۵) [۵] سراج
چاورہ * [ض] برج جادون * [گ] بنس راج * [ش] پتراج چاورہ * شف صفحہ ۵۰۲ || (۶) [۵]
بحر سنگہ * [ض] بجی سنگہ * [ش] بجی سنگہ || (۷) [۵] رتنادت * [گ] رشادت *
[ش] رسادت || (۸) در صفحہ ۵۰۲ سامنت بنون ||

مولاج سولنکی - پنجاہ و شش سال *	کرن - سی و یک سال *
جامند - سیزدہ سال *	جیسنگہ - اورا سدھراج نیز گویند - پنجاہ سال *
بلبہ - شش ماہ * (۱)	کمار پال نبیرگہ عم - بیست و سہ سال *
درلبہ برادرزادہ او - یازدہ سال و شش ماہ *	اجیپال برادرزادہ او - سہ سال *
بہیم برادرزادہ او - چہل و دو سال *	لکھمول - ہشت سال *

دہ تن از قوم سولنکی ۲۴۴ سال فرماندہی کردند *

ہردمول باگہیلہ - دوازدہ سال و پنج ماہ * (۳)	ارجن دیو - دہ سال *
بلدیو - سی و چہار سال و شش ماہ و دہ روز *	سازنگ دیو - بیست و یک سال *
بہیم برادرزادہ او - چہل و دو سال *	کرن - شش سال و دہ ماہ و پانزدہ روز *

شش تن از قوم باگہیلہ ۱۲۶ سال کارکیائی داشتند *

سلطان مظفر تانگہ - سہ سال و ہشت ماہ و شانزدہ روز *	سلطان سکندر پور او - دہ ماہ و شانزدہ روز * (۵)
سلطان احمد نبیرگہ او - سی و دو سال و شش ماہ و بیست روز *	نصیر خان برادر او - چہار ماہ *
محمد شاہ - پور او - ہفت سال و نہ ماہ و چہار روز *	سلطان بہادر پسر سلطان مظفر - یازدہ سال و نہ ماہ *
قطب الدین احمد شاہ - ہفت سال و سیزدہ روز *	محمد شاہ - خواہر زادہ او - یک و نیم ماہ *
داؤد شاہ - عم او - ہفت روز *	سلطان محمود نبیرگہ سلطان مظفر - ہزدہ سال و دو ماہ و چند روز *
محمود شاہ پسر محمد شاہ مذکور - پنجاہ و پنج سال یک ماہ و چہار روز *	سلطان احمد - از اولاد سلطان احمد - ہشت سال *
سلطان مظفر پور او - چہار دہ سال و نہ ماہ * (۵)	سلطان مظفر - دوازدہ سال و کسرے *

چہار دہ تن ۱۶۰ سال و کسرے کارکیائی کردند *

(۱) [۵] بلہ بے نقطہ یعنی بلبہ یا بلبہ - و همچنین در جلد دوم اندین انکوتیس تصنیف پرنسپ صاحب
صفحہ ۲۵۶ * [ض] بیلہ * [گ] بیسر ؟ * [ش] بلبہ || (۲) [ض] کمار پال * [۵] کمال پال بدعہ عم *
[گ] کامادر پال * [ش] کنور پال کمار پال بڑہ ؟ || (۳) [۵] ہرد مول * [ض] ہردھون *
[گ] بردمول - ۱۲ سال فقط * [ش] رومول || (۴) [۵] ناک بے نقطہ * [ش] ناک * [ض]
باریک * در [گ] نیست || (۵) در [۵] نیست || (۶) [ض] ہفت سال و شش ماہ و سیزدہ روز ||

هندي نامها چنان برگذارد سال هشتصد و دو از تاريخ بگرامجيت صد و پنجاه و چهار هجري نخستين سراج^(۱) شمع دولت افروخت و گجرات جداگانه سلطنت شد * راجه سري بهورديو مريزان قنوج سامت سنگه نام پرستاره را از بدگوهري و بداندبشي و فتنه انگيزي او بگو نيسي فرستاد و خان ومان يغمائي ساخت * زنش آبستن بود * خار ناکامي در پا بگجرات آمد و در صحراوي بيکسي بزد * سيل^(۲) ديو نام را که از وارستان^(۳) چين بود پرو گذر افتاد و دلش بدر آمد و بيک از گروندگان خود سپرد و او براد هنبور برده به تيمارداري همت گماشت * چون کلان سال شد بهمنشيني^(۴) فرومايگان تباه انديش دل آزاري و رهزني پيش گرفت و هنگامه بدکاران فراهم آمد * خزينه گجرات که بقنوج ميرفت بدست آورد و از انجا که سعادت سرشت بود چانبا بقال بدر پيوست * شمشير را خرد رهنمون آمد و از بدکاري بخوب کرداري گرائيد * در پنجاه سالگي فرماندهي يانت پتر آباد کرده اوست * گویند برای تختگاه ژرف ننگی بکار برد و سخت تگادو نمود * انهل نام ۱۰ گلوچران گفت شگفت زمين ديده ام - اگر بنام من آن شهر آباد گردد رهنموني کنم - پذيرفتند * او بدرخت زارے نشان داد که خرگوشه باوبزه سگ در شده بود و به نيروی بازو رهائي يافته * راجه آن سرزمين را آباد گردانيد - انهل پور نام بر نهاد * اخترشناسان برگذارند چون دو هزار و پانصد سال و هفت ماه و نه روز و چهل و چهار گهري مپوشود خرابه گردد * و از زبان فرسودگي و زبان گردني نهرواله گفتند * چون بزبان آن ديار گزيده را پتر گویند بدین نام زبان زد روزگار شد * ۱۵ راجه سامنت^(۵) سنگه دختر خويش را به سري دندک^(۶) مولنکي از نژاد راجه دهلي کدخدا کرده بود * نزديک بزدان درگذشت - شکم دريده فرزند را برآوردند * ماه در شانزدهم منزل بود - اهل هند آنرا مول خوانند * بدین جهت مولراج نام نهادند * راجه سامنت سنگه بفرزني برگرفت و به تيمارداري همت بست * چون بزرگ شد از دستاوي خراب دروان به تباه اندبشي افتاد * راجه در مستي سلطنت بدر نامزد ميکرد و در هشياري باز ميگرديد * آن شوریده مغز را ۲۰ کالويه تر ميساخت تا آنکه آن نانفرام جانشکوي^(۷) ولي نعمت نمود و نام بزرگی بر خود نهاد *

در زمانِ چامند چهارم و شانزدهم هجری و هزار و شصت و چهار بکرماجیت سلطان محمود غزنوی برین دیار چیره دستی یافت لیکن در گذاشتنِ مرزبانانِ خود به دیدنِ ندانست ^(۵) بیک از نژاد راجه سپرد و هرساله پیشکش قرار داده از راهِ سند بازگشت * شگفت آن که بخواجهش او یک از ان

(۱) [س] سراج * [ض] پنہراج * [ش] منراج * [ک] بنسراج * شف صلعتہ ۵۰۰ ॥ (۲) [ک] میل * [ض] میل ॥ (۳) [س] حسی بے نقط [جینی ؟] * [ش] چین یا جین * [ک ض] آجین ؟ ॥ (۴) معذہنیں در نسخہ ॥ (۵) در حاشیہ [ض] نوشتہ یکہ مؤرخان فارسی اورا دابشلم نامند چنانکہ در فوشہ درج است ॥

نژاد بای‌بند همراه آورد - و چون چندی برگشت و از بیمناکی و دوراندیشی او را طلب نمود چون نزدیک رسید پیشتر روانه شد تا بدگوه‌ران بدر نه پیوندند * همان‌روز که بجا خواهد شد زیر درختی زمانه بغنود * شکاری جانور چشم او در یود * دران عهد کورو نابینا را فرمانده نساخته - سپاه ناسپاس همان بندی را بجای او برگزیدند و او را دستگیر ساختند *

۵. **کمار پال** سولنکی از بیم جان آزادی راه تجرد برگرفت * چندانکه جیسنگه را پیمانۀ زندگی
پر گشت درین هنگام از محرمی ناکامی در رسید و جانشین شد و بسیاریه ملک برگرفت * اجپیل
از بدسرشتی ولی نعمت خود را زهد داد و برای دنیای ناپایدار جاربۀ نفرین اندوخت *

لکھنول را پسرے نبود - شایسته از گروه باگپیلہ گزیدند •

در فرمان راونی کون سپاه سلطان علاؤالدین گجرات برکشود * او هزیمت یافته بدکن پناه برد *

۱۵ اگرچه پیشتر از بن معزالدین سام و قطب الدین ایبک نیز بدین دیار آمده بودند لیکن از زمان سلطان علاءالدین بهلی باز گردید *

در زمانِ محمد بنِ فیروزشاه نظام مستخرج که اورا راستی خان گفتند به نیابتِ او حکومت کرد * چون بیدادی او دلنشین آمد معزول ساخته ظفر خان پورِ وجیه‌الملک^(۱۲) را ایالت داد و نخستین از ناسپاسی در آویزه رختِ هستی بر بست * و اندازد این مدت از حالِ فرماندهانِ دهلی گرفته آید * و پورِ اتاتارخان بدگوهر و تبه‌سرشت بود * دران هنگام که سلطان محمد درگذشت و اورنگ نشینی دهلی بساطان محمود رسید روزگارِ لخته بر آشفست * ظفر خان فرا گوشه نشست و اتاتارخان اسبابِ بزرگی فراهم آورد و بدلهی روانه شد * همانا بفروموده پدر مسموم درگذشت * از پیغوله برآمده خطبه و سکه بنام خود ساخت و بساطان مظفرشهره آفاق شد * باز سلطنتِ جداگانه گشت و حکومتِ این دیار بالوس^(۱۳) قرار گرفت * پدر او وجیه‌الملک را از کیشِ برهن برآورده بودند * و پورِ اتاتارخان احمد بجانگزان^(۱۴) بزرگ نیای خود همت بست و بر جای او نشست و زبان‌زدگی جارید اندوخت * احمد آباد اساس نهاد او * بابل طرازی و دستان سرائی از دنی برکنار میزبست * روز جشن که هنگامه شادخواب غفلت بود دوازده عم خود را از هم گذرانید * پس بجد پرداخت و بجای پشیمانی در شد و تا نفسِ واپسین بدادگری و کاسازی پایِ همت افشرد *

(۱) [ؤ ش] کما بال • [ش] کمپرهار- و در حاشیه کما بال • [گ] کما دریاں || (۲) [ؤ تانک] •
 [ض] تانک • و گائیے مجهول بارک اصلاح کرده • [گ] تانک • [ش] تانک || (۳) [ؤ تانک] •
 [ض] تانک • [ش] تانک ||

چون داور را از ناشایستگی بکنج خمول بردند فتح خان بن محمد شاه را بکلانی برداشتند و سلطان محمود لقب نهادند * بیایه شناسی و دادگری نام برآورد * بخشش و بخشایش را حصار خود ساخت * ملک شعبان که خطاب عمادالملکی داشت شگرف یاورها نمود. و در عنفوان دولت زمرستان^(۲) اعتبارگزین در جانشکری خدایند خویش حیل اندیشیدند و نخستین برانداختن این فروهیده مرد اخلاصمند بخاطر آوردند * باکین پخته کاران سخنان ساخته بسطان رسانیدند * از آنجا که دنیا داران بر خویشتن بلرزند آن یکتای جهان عقیدت را برنشانند و در بسیج جانشکری شد * نزدیک بود که کار بانجام رسد * ملک عبدالله داروغه فیلخانه که بسطان راه سخن داشت پاکدامنی آن سعادت سگال و تبه اندیشی بدگوهرا گذارش نمود * سلطان بلطایف الحیل او را رهائی داد * و فرومایگان پرده آرم دریده باو نیزه برخاستند * چندی از خاصه خیلان و غلامان با داروغگان پیل پای همت افشردند و پیلان نیز در مالش بدگوهرا را بار آمدند و آبروی ناسپاسان ریخته شد و هر یک برنگی بادافرا یافت * چون روزگار او ۱۰ بسر آمد بدستیارچی امرا مظفرخان پور او جانشین گردید و سلطان مظفر خطاب یافت * به نیکوئی بسربرد * شاه اسمعیل صفوی گزیده کالی عراق بارمغانی فرستاد و او نیز نیایش و مردمی بجا آورد * و چون درگذشت پسر او سلطان سکندر لقب نهاده مسند آرا شد * عمادالملک نافر جام او را در کمتر فرصتی از هم گذرانید و نصیر خان برادر او را بصری برنشانند * امرا در کمین او برنشتند * از فردوس مکانی گیتی ستانی مددکاری خواست و عرض داشت اگر فیروزی سپاه بیادری آید ۱۵ بندر دیب با توابع و چند کور تکه پیشکش شود * چون ناسپاس بود پذیرش نداشت * درین هنگام بهادر پور سلطان مظفر بخواجهش بابرین از دهلی^(۳) دیار رفت و امرا بدر گریزند * در زمان پدر از رشک برادر نیارست بود * پیش سلطان ابراهیم لودی بدلهی آمد * صحبت در گرفت * امرای جونپوری بسری طلب داشتند * سگالش آن طرف داشت * درین هنگام هواخواهان عریض از گجرات فرستاده نیایشگری کردند * او بخواجهش طبیعت رهگرای بنگاه شد و کامیاب آمد و بداد و دهش چهار چمن ۲۰ دولت را شاداب گردانید * از کوتاه حوصلگی باده دنیی لختی از هوش برده باو نیزه جنت آشیانی برخاست و شکست یافته بنگامی بر نشست * و چون رخت هستی بسیلاب نیستی در داد میران محمد مرزبان خاندیس که خواهرزاده سلطان و در زندگی او را جانشین خود ساخته بود امرا غایبانه بنام او خطبه خواندند در کمتر زمانی بگجرات^(۴) رسید و روزگار او بسر آمد * محمود نییره سلطان مظفر که اسیر بند بود بجای او نشست * برهان نام بدگوهره با چندی نزدیکان او را از هم گذرانید ۲۵

(۱) در [۵] نیست || (۲) [ض] از پرستان || (۳) [گ] قبیله بابیان ؟ || (۴) [ض] باز ||
(۵) [۵] نویسنده روزگار * [ض] نویسنده که روزگار * [ش] نویسنده و روزگار ||

و به بهانه طلب سلطانی دوازده امیر را نامه زندگی در پیچید * اعتماد خان از پیش بدینی نرفت و بامدادان یک جهتیان را فراهم آورده به پیگار برآمد و آن شایان نیستی را از هم گذرانید * و رعی الملک نام از نژاد سلطان احمد نخستین را سلطان احمد خطاب داده بگوشه برنشانند و کارفرمایی از پیش خود برگرفت * چون کلان سال شد اندیشه دیگر در سر آمد * اعتماد خان بخانه یک از مسلمانان خود برده رهگرای نیستی ساخت و خردساله ناشناس را دست گرفت و سرگندها خورد که پسر ۵ سلطان محمود پسین است * بدستان سرانی بر او نام بزرگی بر نهاده - و سلطان مظفر خطاب داده و ستمایه حکمرانی گردانید تا آنکه شاهنشاه^(۱) وانشوه سایه دادگری بدین دیار انداخت و این آباد ملک بدین جاوید دولت بازگشت *

امید که طراز همیشگی گیرد و که و مه ابدی نشاط اندوزند *

* صوبه اجمیر *

۱۰

از درم اقلیم * درازا از موضع بهکو و مضافات انبیر تا بیکانیر جیسلمیر صد و شصت و هشت کوه - بهنا از نهایت سرکار اجمیر تا بانسوازه صد و پنجاه * خاوروبه دارالخلافه - شمالی قصبات دهلی - جنوبی گجرات - باخترسو دیپالپور ملتان * بوم ریگستان - آب دور برآید و سرمایه کشت و کار بریزش ابر * زمستان نزدیک باعندال - تابستان بسیار گرم * ربیع کم شود - جواری و لهره و موته فراوان * ۱۵ هفتم یا هشتم بخش غله بدیوان گذارند و نقد کم * عامه در نیی بستی خرگاه آسا بسربرند * کوه جنوبی - و جامعی دشوار گذار درو *

و این صوبه از میوار و مازرا و هاقوتی فراهم آمده * بنخستین ده هزار گزاید و همگی سرکار چیتور ازو * درازا چهل کوه و سی بهنا * و سه قلعه بس نامور - چیتور حاکم نشین - کونیهلمیر مانند * در موضع چادر از مضافات گوگنده کلن جسد (؟) * و در چین پور و جزآن از توابع مانندل معدن مس ۲۰ فراوان سون دهد *

و سردار بومی را پیشتر راول گفته و از دیوبار رانا گویند * از قوم گهلوت - خویشتن را از نژاد نوشیروان عادل برشمارد * بزرگ نیای اینان از نیرنگی روزگار بولایت برار افتاد - بمرزبان^(۲) نرناله روشناس گشت * پیش ازین بهشتصد سال نرناله را غنیمت گرفت و بسیار فروشند * باپا^(۳) نام خردسال را مادرش ازان آشوبگاه گرفته بمیوار آمد و بر اچه مندلیکه بهیل پناه برد * و چون کلان سال شد گلوچرانی ۲۵ و نخچیرافکنی پیشه بر ساخت - چندانکه بزان مردی نام برآورد از نزدیکان راجه گشت و اعتماد

(۱) [۵] پیکر * [ش ض] پیکر * [گ] بیکر || (۲) [۵ ض] چاور * [ک] چورا * [ش] جاورا ||
(۳) [ض] نرناله * [گ] نرناله ؟ || (۴) [۵ ض] پاتا - و در [۵] کاتب مجهول بابا اصلاح کرده -
و این درست باشد * [گ ش] پاتا ||

دولت آمد * چون راجه سفر واپسین نمود چهار برادرزاده او در جانشینی با یکدیگر گفتگو کردند - آخر همه را رای برین شد که بابا کلانتر باشد و از فرموده او درنگ نرند * او سر باز میزد * روزه یکی ازان چهارتن را خون از انگشت برآمد - ازان تشقه برو کشید و دیگران نیز او را بکلانی برگرفتند و خود رایت استقلال برافراشت * و تا امروز روائی دارد هرکرا رانا سازند تشقه از خون آدمی برکشند * و آن ناسپاس هر چهار را بفرامشخانه نیستی فرستاد * و در صحرانوردی هر^(۱)چ نام ریاضت وره را جانور اندیشیده تیر در کمانخانه نهاد * از صفای ضمیر دریافته آگاه ساخت و او بشرمساری رو بخدمتگری آورد و گاه بیگانه پرستاری نموده * روزه او را نوید راجگی داد * شگرف داستان باز گذارند * چون در موضع سیسودا بنگاه ساختند این الوس را سیسودی^(۲)ه گفتند * و چون در آغاز کار برهنه بتیمار اینان پرداخت ازان گروه دانند *

چون راول رتن^(۳) سی را روزگار سپری شد ارسى خویش او را بر اراجگی برنشانند و رانا خطاب ۱۰ دادند و او دهم پشت رانایه که امروز امرا نام دارد - حمیر - کی^(۴)تا - لاگها - موکل - کونیهار - رایمل - سانکا - اودیسنگه - پرتاب - امرا *

دامتان سرایان باستانی چنان برگذارند که سلطان علاءالدین خلجی فرمانروای دهلی شنید که راول رتن سی مرزبان میوار پدمنه دارد * بخواهش او درآمد * او سر باز زد * بمالش لشکر کشید * او در چیتور دژ نشین آمد * زمانه دراز رنج برد - سودمند نیامد * از حیل اندوزی در آشتی و دوستی ۱۵ برزد * راجه پذیرفته بفکر مهمانی در افتاد * سلطان با مخصوصان بر فراز قلعه برآمد و انجمن یکجتهی گرم شد * قابو دیده راجه را برگرفته روانه شد * گویند صد کس نام برده همراه گرفته بود و سیصد نامور بسان خدمتگر - تا فراهم شدن مردم راجه را بارو آورد * غریو از جهانیان برخاست * سپس راجه را در تنگنای بند داشته در طلب مقصود کوشش نمود * کار بدگان حقیقت منش برگذارند که سلطان راجه را نیازارد - آنچه خواهش رفته با دیگر شایستگان شهبستان ۲۰ می آوریم - عرض داشته از جانب آن عفت پناه نیز بر ساخته برگذارند و انسانه غنودگی برخواندند * سلطان دل خوش شد * دست از آزار باز داشت و به نیکوئی پیش آمد * گویند هفت صد کددار بآئین زنان بدولی برنشتند و بسیج درگاه سلطان پیش گرفتند و چنان وا نمودند که رانی با پرستاران بسیار بدرگاه می آید * چون نزدیک دربار بودند بعرض رسانیدند خواهش آنست که رانی راجه را دیده بشکوی دولت رود * از شاد خواب بپروائی راجه را بدیدن فرستاد * درین اثنا قابو ۲۵

(۱) در [۵] بے نقط * [ش] هرنج * [غ] مریج * [گ] هرنج * (۲) [غ] رتن سین * (۳) [گ] حمیر - مالاگها - موکل - گونها - رایمل الی * و در کتب نواری حمیره - کبهیت - لاکهشا - موکلجی - کونیهار - الی نوشته * (۴) او را در نواری رانا کیکا گویند *

دیده ازان لباس برآمدند و راجه را برداشته روانه شدند * مرتبه بمرتبه راجپوتان ایستاده آویزشهای شگرف مینمودند و تا فروشدن چنده راجه لخته راه میسپرد * آخرین بار گورا و بادل چوهان ایستاده جانفشانی کردند و راول بسلامت بچیتور آمد و عالم بشگفت زار افتاد * سلطان چون فراوان محنت دیده بود کار ناساخته بدملی باز گردید * پس از چندگاه همان اندیشه در سر گرفت و ناکام برگشت * راول ازین محاصرها دل تنگ شده بود * چنان بخاطر آورد که اگر درین هنگام سلطان را به بیند دوستی رو دهد و از کشاکش روزگار رهایی یابد * برهنمون^(۱)ی یکی از فروماگان بهفت کوهی رفته سلطان را دید و او از نامردی او را از هم گذرانید *

و درین آشوبگاه راول ارسى خویشاوند او را جانشین کردند و سلطان باز گشته بمحاصره رو آورد و قلعه را برگرفت * او در آویزه فرو شد * و زنان همه بسوختند *

۱۰ حمیر پور او دران کوهستان بسر می برد * سلطان محمد^(۱) خونی مالدیو چوهان حاکم جالور را ایالت چیتور داد * و چون بآبادی ملک در ماند حمیر را طلب داشته دامان خود ساخت و برسیله او ولایت معمور شد * و چون در گذشت فرزندان او را نابود ساخته خود علم استقلال برافراشت * جمعیت این بومی شانزده هزار سوار و چهل هزار پیاده * لیکن بسیاری دیگر زمینها برگرفتند چنانچه سانکا را یک لک و هشتاد هزار سوار ملزم بود و پیاده فراوان *

۱۵ مازوا^(۲) درازا صد گروه - پنهان شصت * سرکار اجمیر و جوده پور و سرهوی و ناگور و بیکانیر داخل این * و از دیوار الوس رانهور را بنگاه * چون معزالدین سام از کارزار پتهورا واپراخت پیگار جیچند راجه قنوج در سر گرفت * راجه در گریز بانی بگنگ دشت و بسیلاب نیستی رفت * نژاد او بناکامی افتاد * سیاه برادرزاده او که در شمس آباد می بود نیز با بسیاری بعدم آباد شتافت * و سه پسر او سوتیک و اسوتها^(۳)ما و اج بسیج گجرات فرایش نهادند * در پالی نزدیک سوجهت دم آسایش ۲۰ بر کشیدند * درین شهر گره برهنه می برد و از دست قوم صینه آزارمند * چنده درین هنگام بتاراج آمدند * این غربت گزینان بیرون شده دای مردانگی دادند و شکست بر غنیم افتاد * برهنمان اینان را گرامی داشته بگوناگون نیایشگری نگاه داشتند و گرد ناکامی لخته ستوده شد * چون اسباب دنیی فراهم آمد تیز سستی نموده ولایت^(۴) کپیر از قوم گوئل گرفتند و کارشان بلند گرای شد * سوتیک جدا شده ایدر را از مینهها برآورد * و اج به بگلانه شتافته آن ملک را از کولی بستد و ازان پس تا امروز ۲۵ نژاد اینها درین ملک * و اسوتها^(۳)ما که در مازوا ماند کار فرزندان او رفته رفته بلندی گرفت چنانکه

(۱) [گ] جونی ؟ [۲] [۵] سیها * [ش] سینها یا بتقدیم نون * [گ] سیکا * [غ] سها * (۳) [۵] اسوتها * [غ] اسوتها * [گ] [۵] اسوتها * [ش] شیوسنگه و اسوتها * (۴) [۵] ض کپیر * [ش] کپیر ؟ [گ] کونیهار *

مالديو كه شانزدهم پور اوست بسيار بزرگ شد * شيرخان را نزديك بود كه در آويزه او كار سپري شود *
اين ولايت فرازان قلاع دارد ليكن قلعه اجمير و جوده پور و بيكانير و جيسلمير و امرکوت
و ابوتكده و جالور بس كزيده *

هاترني سرکار ناگور را گويند * قوم هاته باشند *

هفت سرکار و صد و نود و هفت پرگنه بدین صوبه گرايد * زمين پيموده دو كرور و چهارده لک ۵
و سي و پنج هزار و نه صد و چهل و يك بيگه و هفت بسوه * جمع نقدي بيست و هشت كرور و
هشتاد و چهار لک و يك هزار و پانصد و پنجاه و هفت دام * ازان ميان بيست و سه لک و بيست
و شش هزار و سيصد و سي و شش دام سيورغال * بومي هشتاد و شش هزار و پانصد سوار - و سه لک
و چهل و هفت هزار پياده راجپوت *

سرکار اجمير *

[دستور اين سرکار در صفحه ۳۶۴ گذشت *]

۲۸ پرگنه * بيگه ۵۶۰۵۴۸۷ * دام ۶۲۱۵۳۹۰ نقدي *
دام ۱۴۷۵۷۱۴ سيورغال * كچه راه افغان
چوهان * ۱۶۰۰۰ سوار * ۸۰۰۰۰ پياده *
اجمير باحويلي - قلعه از از قلاع معتبر هند است
بني كوه * بگ ۷۹۵۳۳۵ * ۶۲۱۴۷۳۱ د
د ۸۰۲۴۴۰ *
اندير - قلعه سنگين بالاي كوه دار * بگ ۱۱۳۵۰۹۵ *
۱۲۲۵۶۲۹۷ د
آراين * ۱۷۵۵۹۶۰ د * ۱۷۹۵۷۳۳ د
پريت * ۲۲۰۰۰۰۰ د * ۳۷۹۲۹۵ د
بياكري * ۹۰۴۸۸ د * ۴۸۶۱۶۱ د
بهناي * ۳۴۹۷۷۴ د * ۱۴۰۰۰۰ د
بهرايه * ۶۸۷۱۲ د * ۲۷۱۲۵۶۵ د
بوال * ۱۶۸۷۱۲ د * ۷۴۹۷۷۳ د
بافل * بگ ۸۱۹۱۴ بس ۱۱ * ۶۰۰۰۰۰ د
باندن سندی * بگ ۱۵۵۲۲ د * ۴۳۵۶۶۴ د
۱۵۶۸۴ د
بهرندا * ۲۴۲۲۰ د * ۲۷۰۰۰۰ د
توسينا * بگ ۳۵۱۷۷۹ بسوه ۱۲ د * ۳۰۰۰۰۰۰ د
جونيير * ۱۳۸۷۱۸ د * ۲۱۴۴۴۲ د
جهاك * بگ ۲۷۰۹۲ بسوه ۱۸ د * ۵۰۱۸۴۴ د
ديركانو * بگ ۵۹۰۶۴ د * ۱۲۰۰۰۰۰ د
روشن پور * بگ ۷۱۳۵۶ د * ۶۹۲۵۱۲ د
ساندهر - قلعه سنگين دار * بگ ۷۶۵۴۸ * ۹۶۴۹۹۴۷۵ د
۲۷۷۵۳۷ د
سوار - قلعه از خشت دار * بگ ۱۹۴۰۶۴ د
۱۶۱۶۸۲۵ د
سينهلا * بگ ۲۴۵۱۳۶ د * ۱۲۷۰۰۰۰ د * ۱۶۰۲۷۵ د

(۱) [۵] پريت ۶ نقطه * [۵] پريت * [۵] پريت * [۵] پريت * [۵] پريت *
[۵] باگوري * [۵] پريت * [۵] پريت * [۵] پريت * [۵] پريت *
لوني * [۵] جونيير * [۵] جونيير * [۵] جونيير * [۵] جونيير * [۵] جونيير *

سليمان آباد * ... بگ ۷۲۶۹۸ * ۱۸۶۰۰۱۶۵ د
كيكري * ... بگ ۱۴۷۹۲۳ * ۱۸۰۸۰۰۰ د
كهيرو * ... بگ ۵۰۶۴۰ * ۷۰۲۰۳۴۷ د
ماهروت * ... بگ ۲۵۲۸۷۱ * ۵۷۵۶۴۰۴ د
موز آباد * ... بگ ۱۲۴۳۶۱ * ۱۳۵۹۵۷۷۵ د
مسعود آباد * ... بگ ۲۵۱۹۷۳ * ۱۵۸۷۹۹۰ د
نراينه * ... بگ ۲۶۶۶۱۴ * ۴۶۶۰۱۵۹ د
۲۶۰۱۰۰ د
هرسور - قلعه از خشت * بگ ۱۶۳۲۷۳ * ۱۲۰۰۹۲۶ د
۹۲۶۵ د

سرکار چيتور *

۲۶ پرگنه * بگ ۱۶۷۸۸۰۰ بسوه ۱۷ * ۳۰۰۴۷۶۱۹۵ د
۳۹۰۷۳۷ د
۴۲۰۰۰ سوار * ۸۲۰۰۰ پياده *
اسلام پور عرف رام پور * بگ ۱۰۱۵۲۶ * ۷۰۰۰۰۰۰ د
اودپور - انيجا گولايه كلانست - دور آن شانزده كروه
تخمينا باشد - رزاعت گندم ازان ميشود *
از قرار نقدي د ۱۱۲۰۰۰۰ د
اپرمال * بگ ۲۷۸۰۵ د * ۲۸۰۰۰۰۰ د
ارتود * بگ ۴۴۷۲۰ د * ۲۰۰۰۰۰۰ د
اسلام پور عرف موهن * از قرار نقدي د ۱۲۰۶۰۰ د
بودهنور - قلعه از سنگ دار * بگ ۱۱۳۲۶۵ د
۴۳۱۱۵۵۱ د * ۵۹۸۱۵ د
پهوليا - قلعه از سنگ دار * بگ ۴۵۷۴۸۱ د
۲۸۴۳۴۷۰ د * ۴۳۴۷۰ د
بنيهرا * بگ ۵۸۰۳۸ * ۳۲۹۹۲۰۰ د * ۲۴۴۰۰۰۰ د
پور * بگ ۱۹۹۲۰۹ * ۲۶۰۱۰۴۱ د * ۱۳۴۵۲ د
بهين سرور - قلعه سنگين دار * ... د ۱۲۰۰۰۰۰ د
باگور * ... بگ ۱۷۵۴۴ بس ۱۷ * ۳۹۵۵۵۰ د
بيگون * ... بگ ۲۳۴۸۰۴ * ۱۱۷۵۷۲۹ د
برسي حاجي پور - قلعه سنگين دار * بگ ۳۵۰۹۸ د
۱۳۷۵۰۰۰ د
چيتور باحويلي ۲ محل - قلعه از سنگ دار و از
سرحد هند است * بگ ۱۴۵۱۱۱۸ د * ۸۰۰۰۰۰۰ د
جيون * ... بگ ۳۹۲۱۸ د * ۱۹۸۵۲۵۰ د
سانورگهاني * ... د ۴۷۰۲۹۴ د
ساندري - قلعه سنگين دار * بگ ۵۹۹۱۱ د * ۴۰۰۰۰۰۰ د
سيمبل با مزرعه * از قرار نقدي د ۱۰۰۰۰۰۰ د
كوسيانه * ... بگ ۵۲۷۱۳ د * ۲۶۳۸۱۲ د
ماندل گده - قلعه دار از سنگ بالاي كوه * از قرار
نقدي د ۳۳۸۴۷۵۰ د
ماندل - قلعه از خشت پخته دار * بگ ۱۸۸۴۸ د
۴۴۷۰۹۰ د
مداريا * ... از قرار نقدي د ۱۶۰۰۰۰۰ د
نيميچ وغيره - ۳ محل * بگ ۲۱۴۱۶ د * ۷۱۹۲۰۲ د
سرکار و نته پور *

۷۳ محل * بگ ۲۰۲۴۱۹۶ بس ۱۱ * ۸۹۸۲۴۵۷۶۵ د
۱۸۱۸۳۴ د * ۹۰۰۰ سوار
۲۵۰۰۰ پياده
آلهن پور * بگ ۱۸۴۸۱ د * ۱۵۹۲۲۳۹ د * ۲۰۲۰۹ د

(۱) [۵] منور آباد * (۲) [۵] هرپور * (۳) [۵] برسي حاجي پور * [۵] پتي حاجي پور *
[۵] حاجي پور فقط *

- اونديارا * بگ ۵۷۳۰۸ د ۱۲۳۷۱۶۹ د *
 اتاڅا * بگ ۴۵۳۴۹ د ۷۷۰۵۲۵ د *
 آتون * بگ ۱۴۵۸۴ د ۶۰۰۰۰۰ د *
 اسلام پور * بگ ۵۱۹۱ د ۷۷۵۰۰ د *
 امكهپوره * از قرار نقدي د ۱۶۰۰۰۰ د *
 انگرده * بگ ۱۶۶۱۷۳ د ۱۵۰۰۰۰۰ د *
 ايوان بوسامير * بگ ۲۵۷۴۷ د ۱۲۰۰۰۰۰ د *
 بوندي - قلعه سنگين داره بالاي كوه * بگ ۳۳۱۶۱ د ۱۶۲۰۰۰۰ د *
 بولي - قلعه سنگين داره بگ ۲۵۱۳۳۰ د ۲۶۲۲۷۴۷ د *
 د ۲۲۷۴۷ د *
 بروده * بگ ۲۶۷۳۲۶ د ۴۵۷۱۰۰۰ د *
 برزازه * بگ ۱۶۳۲۴۶ د ۱۹۶۹۷۶۶ د *
 پائن * بگ ۱۳۹۲۸۰ د ۲۸۰۰۰۰۰ د *
 بهدلون * بگ ۹۶۸۸۵ د ۲۶۸۶۳۸۹۵ د *
 بکلانت * بگ ۱۴۹۰۸۷ د ۱۲۰۰۰۰۰ د *
 پلاتيده * بگ ۲۹۳۰۲ د ۱۴۰۰۰۰۰ د *
 بهوسوز * بگ ۴۰۶۷۷ د ۶۰۰۰۰۰۰ د *
 بنهتا * بگ ۲۱۲۵۷ د ۵۴۲۳۵۶۵ د *
 بيلونه * بگ ۳۱۶۱۵ د ۴۵۶۴۷۹۵ د *
 بشچري * بگ ۱۵۵۹۴ د ۳۳۴۸۹۰ د *
 بالاكهپوري * بگ ۳۳۹۳۰ د ۳۰۰۰۰۰۰ د *
 بهوري بهاري * بگ ۱۶۸۴۵ د ۱۱۰۰۰۰۰ د *
 باران * بگ ۲۴۲۱۰۷ د ۸۸۰۰۰۰۰ د *
 تونك * بگ ۵۰۲۴۰۲ د ۷۵۰۰۰۰۰ د *
- تودا * بگ ۴۳۳۰۲۸ د ۵۸۵۹۰۰۶ د *
 تودري * بگ ۴۰۰۷۶۸ د ۵۴۵۶۸۴۰ د *
 تلان * بگ ۲۲۵۰۹ د ۴۲۳۲۸۸ د *
 جيت پور * بگ ۲۳۰۱۴ د ۹۲۸۵۰۰ د *
 چاتسر * بگ ۵۱۶۵۲۵ د ۷۵۳۶۸۲۹ د *
 جهلاوه * بگ ۱۳۱۸۰ د ۵۰۰۰۰۰۰ د *
 جهلين * بگ ۳۷۷۵۳ د ۴۷۵۰۰۰ د *
 خليجي پور * بگ ۳۰۸۱۳ د ۱۲۰۹۸۸۶ د *
 دهرې * بگ ۹۷۸۶۱ د ۱۸۰۰۰۰۰ د *
 ديلاوه * بگ ۵۴۶۶۸ د ۴۰۹۲۶۰ د ۹۲۶۰ د *
 ديلاوه * بگ ۱۳۱۸۰ د ۷۳۳۴۰۰ د *
 رننجهپور با حويلي * بگ ۳۷۱ د ۱۵۶۷۹۵ د *
 د ۱۵۰۵ د *
 ريواندهنه * بگ ۴۹۷۴۵ د ۴۳۰۳۵۴۵ د ۶۲۹۲۵ د *
 سوي سوي * بگ ۴۹۴۰۷۰ د ۵۰۴۱۳۰۶ د *
 سارسوپ * بگ ۳۶۶۳۶ د ۱۰۵۸۸۷۶ د *
 سهندساري * بگ ۲۸۵۷۵ د ۳۰۰۰۰۰۰ د *
 کوتا - قلعه سنگين داره بالاي كوه - دريای چنبل
 نزديك آن ميگردد * بگ ۳۶۰۳۷۸ د ۳۰۰۰۰۰۰ د *
 كهنگدار - قلعه سنگين داره بالاي كوه * بگ ۹۰۲۴۶ د ۴۰۰۰۰۰۰ د *
 كهنگره * بگ ۲۲۰۳۵۰ د ۱۵۱۱۹۹۴ د ۱۱۹۹۴ د *
 كهپري * بگ ۳۵۴۳۳ د ۵۲۸۱۷۸ د ۲۶۷۴۴ د *
 كهاتولي * بگ ۲۳۸۹ د ۲۰۰۰۰۰۰ د *

(۱) [ض] انكهوره * و در نقشها امگورو (۲) در صفحه ۳۶۴ بهوري پيازي ||
 (۳) [غ] تالو || (۴) [د] جهلاوه || (۵) [د] ديلاوه (بباي عربي) شمالي بوندي ||
 (۷) [غ] كهنگره || (۸) [ض] كهپري * (۹) [ش] كهاتولي * [ض] كهاتولي ||

- كڅواره * بگ ۶۹۳۰۵ د ۱۲ د ۱۸۸۰۹۵ د *
 كروړ - قلعه سنگين بالاي كوه داره * بگ ۶۳۷۷ د ۲۰۰۰۰۰۰ د *
 لاکهري - قلعه سنگين بالاي كوه داره * بگ ۳۵۲۳ د ۸۰۰۰۰۰۰ د *
 لوند * بگ ۱۷۴۰۰ د ۲۵۰۰۰۰۰ د *
 لوهرواره * بگ ۲۰۳۳۴ د ۲۵۰۰۰۰۰ د *
 لهاره * بگ ۳۶۷۸ د ۱۲۵۰۰۰۰ د *
 موميدانه - ۱۹ محل * ۴۱۰۰۰۰۰ د *
 ملازنه * بگ ۱۷۲۶۹۳ د ۳۲۹۹۲۴۱ د *
 مانگرور * بگ ۱۴۰۷۹۹ د ۱۰۰۴۳۴۸ د *
 نواهي * بگ ۳۳۹۳۷ د ۹۳۰۰۰۰۰ د *
 نگر * بگ ۳۲۹۵۰ د ۱۰۰۰۰۰۰ د *
- سرکار جودهپور *
- ۲۲ محل * ۱۴۵۲۸۷۵۰ د راتهور * ۱۵۰۰۰ د *
 ۵۰۰۰۰ د *
 آسوپ - قلعه از خشت پخته * ۶۰۰۰۰۰۰ د *
 ايندراوتي * ۸۰۰۰۰ د *
 پهولودهي - قلعه از سنگ داره * ۶۴۰۰۰۰۰ د *
 پلپاره * ۱۴۶۳۰۰۰ د *
 بيلارا * ۳۱۴۰۰۰۰ د *
 پايي وغيره - ۳ محل - از سنگ قلعه مختصر داره * ۲۵۰۰۰۰۰ د *
 باهله * ۱۸۰۰۰۰۰ د *
- بوده - قلعه از سنگ داره * ۴۶۰۰۰۰ د *
 بهادر اجون - قلعه سنگين بر زمين هموار داره * ۸۰۰۰۰۰۰ د *
 جودهپور با حويلي - قلعه سنگين بالاي كوه داره * ۲۸۰۰۰۰۰ د *
 جيتارن - قلعه مختصر از سنگ داره * ۳۰۰۰۰۰۰ د *
 دوتارا - قلعه از سنگ داره * ۱۰۰۰۰۰۰ د *
 سوجهيت - قلعه سنگين داره بالاي كوه * ۲۸۱۲۷۵۰ د *
 ساتل مير - قلعه از سنگ داره بالاي كوه * ۵۶۰۰۰۰۰ د *
 سيوانا - قلعه سنگين بر كوه داره - از قلاع معتبر هندست * ۱۲۰۰۰۰۰ د *
 كهپورا * ۲۲۰۰۰۰۰ د *
 كهيون سر - قلعه از سنگ داره * ۱۷۲۰۰۰۰ د *
 كوندوج - قلعه از سنگ داره * ۹۰۰۰۰۰۰ د *
 مهيوه * ۹۶۰۰۰۰۰ د *
- سرکار سرههي *
- ۶ محل * ۴۴۰۷۷۴۳۷ د رجبوت گهلوت افغان * ۸۰۰۰۰ د *
 ابوگده و سرههي - ۲ محل - در قصبه سرههي قلعه
 ايست سنگين محكم * ۱۲۰۰۰۰۰۰ د *
 رجبوت * ۳۰۰۰۰ د * ۱۵۰۰۰ د *
 بانسوازه - ولايت است دلکشا - قلعه از سنگ داره * ۸۰۰۰۰۰۰ د *
 جالور - سانچور - ۲ محل - قلعه سنگين در غايت

(۱) (۵) كڅواره * [ض] كڅاود * در [ش] نيست || (۲) اين جمله در [۵] نيست || (۳)
 [۵] نونده بنون * [ش] لونه || (۴) همچنين در [ش] * و پهولودهي شمالي جودهپور نزديك
 سرحد جيسلمير || (۵) [ض] بلهاره || (۶) [ش ض] بوده || (۷) در نسخ دوتارا بتاي
 فوقاني || (۸) در نقشها ساتلانو ||

استحکام دارد * ۱۴۰۷۷۴۳۷ د * افغان *

* ۲۰۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *

دونگرپور * ۸۰۰۰۰۰۰ د * رچپورت گهلوت *

* ۱۰۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *

سرکار ناگور *

* ۳۱ میل * بگ ۸۰۳۷۴۵۰ بس ۱۴ * ۴۰۳۸۹۸۳۰ د *

۵۰۸۰۵ د * اقوام مختلف * ۴۵۰۰ س *

* ۲۲۰۰۰ پ *

امروسنابین * بگ ۸۱۴۹۸۰۹ * ۷۰۲۹۳۷۰ د *

* ۲۰۰۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *

اینده * بگ ۲۶۲۳۰۲ * ۱۳۱۳۰۰۶ د * ۱۴۷۹ د * س *

بهدهانه * بگ ۵۴۴۳۴۰ * ۱۲۷۱۹۶۰ د *

* ۷۰۴۶۰ د * س *

بلدو * بگ ۸۷۹۱۴۷ * ۵۷۰۰۰۰ د *

باتوندها * بگ ۱۴۱۳۷۰ * ۳۲۲۸۱۶ د *

بروده * بگ ۲۶۲۰ * ۲۲۰۳۶۳ د *

بار کاین * بگ ۲۳۰۳۷۹ * ۵۸۰۰۰ د *

جایل * بگ ۲۹۳۰۶۶ * ۹۵۵۲۷۳ د * ۳۲۰۰ د * س *

جاردوه * بگ ۱۴۱۵۹۲ * ۸۷۴۲۸۴ د * ۲۱۴۷ د * س *

جاکهره - در اطراف و جوانب او ریگستان است *

* ۱۳۷۷۵۷ د *

خارج کهنو - قلعه از سنگ دارد - کان سنگ سفید *

انجاست * بگ ۷۷۵۷۷ * ۳۴۸۸۱۴ د *

دیندوانه - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۳۶۵۳۱ * ۳۱۰۰۰ س *

* ۴۵۸۶۸۲۸ د * ۱۵۲۱۵ د * س *

دون پور * بگ ۲۱۹۶۹۸ * ۷۸۰۰۸۵ د *

ریواسا * بگ ۳۰۱۱۷۱ * ۱۹۹۵۸۲۴۵ د *

رون * بگ ۶۱۵۲۱۲ * ۹۱۳۲۶۱ د *

رسول پور * بگ ۱۴۹۵۸ * ۷۰۴۳۰۶ د *

رهوت * بگ ۴۵۲۶۹ * ۱۸۳۱۳۷ د *

سادیله * بگ ۱۵۳۰۳۲ * ۱۲۶۹۳۰ د *

فتخپور جهنجهون - قلعه سنگین دارد * بگ ۱۵۲۲۰۰ د *

* ۱۲۳۳۲۲۲ د * قیام خانی * ۵۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *

کاسلی * بگ ۲۸۷۴۰۷ * ۱۵۸۷۱۵۷ د *

کهایله * بگ ۱۱۴۹۵۵ * ۵۵۸۵۶۰ د *

کوجوره * بگ ۲۷۰۴۹۰ * ۴۶۹۸۹۰ د *

کولیده * بگ ۱۲۷۴۸ * ۳۵۲۳۰۵ د *

کمپاری * بگ ۴۶۹۸۸۱ * ۴۳۵۶۰۴ د * ۳۲۰۰ د * س *

کپیرن * بگ ۲۶۰۸۳ * ۵۷۱۶۰ د *

لادون * بگ ۱۴۹۷۶۰ * ۷۸۰۸۴۲ د * ۴۳۳۷ د * س *

میرته - قلعه از سنگ دارد * بگ ۲۱۴۴۷۷۳ د *

* ۷۷۰۱۵۲۲ د * ۴۵۴۳۷ د * س *

منوهنگر * بگ ۱۲۹۸۹۵ * ۲۹۰۳۳۸۶ د *

نوکها * بگ ۸۳۰۷۶ * ۳۸۰۷۵۶ د *

ناگور باحویلی - قلعه از خشت پخته دارد *

بگ ۵۷۷۵۵ بسوه ۱۴ * ۳۱۳۵۸۱ د *

* ۱۱۴۴۴۰ د * س *

سرکار بیکانیر *

* ۱۱ میل * ۴۷۵۰۰۰۰ د * از قوم بهائی * ۱۲۰۰۰ س *

* ۵۰۰۰۰ پ *

بکم پور *

برسل پور *

باهر میل *

پوکل *

بارکل *

پوکرن *

بیکانیر - رائهر *

جیسلمیر - بهائی *

چپوتن *

کوترا *

دیوادر *

* صوبه دهلی *

از سیوم اقلیم - درازا از پل تا لودهیانه که بر ساحل دریای ستلج است مد و شصت و پنج کوه -
پهنا از سرکار ریواری تا کوه کمان مد و چهل - دیگر از حصار تا خضر آباد مد و سی * خاررویه دارالخلافه
۱۰ آگره - میان مشرق و شمال پیوسته بخیر آباد صوبه اوده - شمالی کوهستان - جنوبی صوبه آگره و اجمیر -
غربی لودهیانه * گزین دریا گنگ و جون - آغاز پیدائی این هر دو رودبار درین صوبه - گهگر - و دیگر
رودها فراوان * بیشتر کوه شمالی * آب و هوا باعتدال نزدیک * زمین بسیار سیلابی * برخه جا کشت و کار
سه فصله شود * میوه ایرانی و تورانی و هندی - و گوناگون گلهای فراوان * و عمارات عالی از سنگ
و خشت نروغ افزای چشم و عشرت افزور دل * و در یانت گزیده کالای هفت اقلیم کم همتا *

۱۵ دهلی از مهین دیرین شهرها * نخست اندر پیت نام داشت * طول مد و چهارده درجه و سی و هشت
دقیقه - عرض بیست و هشت درجه و پانزده دقیقه * اگرچه برخه از اقلیم دوم انگارند همانا لغزش رفته
و عرض از حال آگهی بخشد * و سر آغاز کوه جنوبی ازان شناسند * سلطان قطب الدین و سلطان شمس الدین
در قلعه پتورا بسر می بردند * سلطان غیاث الدین بلبن قلعه دیگر اساس نهاد و آنرا مرزغن اندیشید *
و عمارت دلکشا بر ساخت و گنکار چون در شده رهائی یافت * معز الدین قیقباک بر ساحل دریای
۲۰ جون شهره دیگر آباد گردانید و آنرا کیلوکهری گویند * امیر خسرو در قران السعدین این شهر و قصر را
بر می ستاید - و امروز خوابگاه جنت آشیانی - و والا عمارت نو بران اساس یانت * سلطان علاء الدین
شهر دیگر بنیاد نهاد و قلعه نو بر ساخت - آنرا سیوری گویند * و تغلق آباد از آثار تغلق شاه * و سلطان
محمد پور او مصره دیگر فراهم آورد و بلند ایوانه برانراخت و هزار ستون از سنگ رخام بکار رفت
و دیگر منازل دلکشا بروی کار آورد * و سلطان فیروز بنام خود شهره بزرگ آباد گردانید و دریای جون را
۲۵ بریده بنزدیک روانه ساخت - و سه کورهی فیروز آباد کوشک دیگر برانراشت جهان نما نام - سه

(۱) در نقشها بالمر * [ش] باهر میر * (۲) [ش] پوکل * [ض] بوکل * [ه] یوکل * و در نقشها

قصه پوکل نام * (۳) [ه] یاد کل * (۴) در نقشها گودرا مغربی بالمر * (۵) [ش] دیوادر *

(۶) [ش] شاهجهان آباد ؟ (۷) [ش] اندر پرست * (۸) مرزغن بمعنی گورستان * (۹) [ش] سر ؟ *

(۱) در صفحه ۳۶۵ بکدو * و در نقشها موضعی بیدو نام * (۲) در نسخ جایل * و جایل در نقشها مشرقی

ناگور * (۳) در [ه] نیست * (۴) یحتمل که کوچون درست باشد * (۵) [ه] کون * [گ] گیدن *

(۶) در نقشها لادنو *

فراخ نقب زده بود با پردگیان سواره بر گذشتی - بدریا مو پنج جریب - و بجهان نما دو کوه - و بدلهی قدیم پنج کوه * جنت آشیانی قلعه اندر پست را تعمیر فرمود و دین پناه نام نهاد * و شیرخان دهلی علائی را ویران کرده جدا شهره برآراست * اگرچه آثار این شهرها شیوازیانی نماید و مهین اندر زها برخواند لیکن امروز پسین دهلی بیشتر خراب * و گورستان فراوان آباد - خواجه قطب الدین اوشی و شیخ نظام الدین اولیا و شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهلی و ملک یار پیران و شیخ صلاح و ملک و کبیر اولیا و مولانا محمد و حاجی عبدالوهاب و شیخ عبداللہ قریشی و شیخ شمس ترک بیابانی و شیخ شمس اوتاد و امیر خسرو و بسیاری ایزدشناسان حق پرست درین سرزمین خواب واپسین دارند * و سلطان شهاب الدین غوری و سلطان شمس الدین و سلطان ناصر الدین غازی^(۲) و سلطان غیاث الدین و سلطان علاء الدین و سلطان قطب الدین و سلطان تغلق و سلطان محمد عادل و سلطان فیروز و سلطان بهلول و سلطان سکندر لودی را خوابگاه * و بسازندگان برای خواب واپسین دل گزین جاما و ۱۰ باغها بر ساخته اند * طبعیت پڑهان را سرمایه شاد خواب عشرت و خرد بندگان را داروی بیداری *

در کوه اسلام آباد چشمه ایست بس ژرف - همواره آب گرم بر جوشد آنرا پر بهاس کند گویند و گزین پرهش جا دانند * و بسوا متر که یسر سی بیگانه کوه را بزرغا کنده عبادتگاه ساخته بود امروز بر همان منوال کهنگی این رباط برگزید *

۱۵ بدان از سترگ شهرهای باستانی * فراوان اولیا درو آسوده اند *

لخته از شمالی کوه این صوبه را کمارن نامند * کان طلا و نقره و سرب و آهن و مس و زر نینج و تنگاردو * و آهوی مشکین و گاز قطاس و کرم پیل و باز و شاهین و دیگر شکاری جانور و عسل و اسب گوت بس انبوه *

در سرکار سنبیل فراوان شکار * و کرگدن نیز باشد - جانور پست بمثابه خرد فیل بے خرطوم شاخ بریشانی - بدان جانور بشکود * از پوست او سپرو از شاخ او زهگیر و جزآن بر سازند * و در شهر ۲۰ سنبیل هر منقل نام برهمن را پرستش جا و از نژاد او دهم اوتار اینجا پدید آید *

هانس باستانی شهر پست - شیخ جمال خلیفه شیخ فرید شکر گنج را خوابگاه *

نزد قصبه سهند گولابست فراز کوه همواره آب گرم بر جوشد * همانا فیرنگی کان گوگرد باشد *

حصار سلطان فیروز آباد ساخت و آب جون بریده بدو نزدیک گردانید * الهی پرستارے نوید فرماندهی داد - بخواجهش او این رود آورد * شگفت آنکه نزدیک قصبه سرسا بگولای در شده ۲۵

(۱) [۵] اوتالا * [۶] اوتاد * [۷] اوتا * [۸] غازی برای مهمله فتأمل *

[۹] ناصر الدین و سلطان معزالدین غازی و سلطان غیاث الدین الخ * [۱۰] نصیر الدین غازی و سلطان

غیاث الدین الخ * [۱۱] [۱۲] خردمندان را //

ناپدید شود و آن حوض را بهندرا گویند * و شگرف داستانی برگذارند * درین بوم رودبار کم بود و آب چاه بس دور برآید *

سهرند از نامور شهرها * و باغ حافظ رخنه نشاط افزای نظارگیان *

تهانیدر را بزرگ معبد بر شمرند و دریای سرهتی نزد او برگردد و هندی نژاد را فراوان گرایش

۵ بدو * و نزدیک آن گولای است کرکیت نام - از دور دستها به نیایش آیند و تن شونی کنند و خیرات بردهند * و آویزه مهابهارت در اینجا شد در نیمه پسین دواپر *

در قصبه هسناپور راجه بهرت سرپرآرا بود * بهادگری و رعیت پروری سعادت می اندوخت از خیر سگالی و خوب کرداری فرمان روائی در خاندان او دیر بماند * و پور پر پور او را دولت یازوی کرد * و در هشتمین پشت راجه گر پدید آمد * کرکیت بنام او روشناس * و پس از شش واسطه ۱۰ او را فرزند بزرگ بزاز بچتر بیرج نام * از دو پسر شد یک دهر تراشتر * صد و یک پسر از و پیدائی گرفت - بزرگ اینان راجه در جودهن * از کوزوان این گروه برخوانند * دیگر پندو * اگرچه نخستین بزرگ پور بود لیکن از نابینائی راجگی بدرادر خرد قرار گرفت و پایه والای سلطنت یافت * فرزندان او را پندوان گویند * پنج تن بودند - جدشتر و بهیم سین و ارجن و نکل و سهدیو * چون پندو رخت هستی برست حکومت بدهر تراشتر رسید * اگرچه نام فرمان روائی داشت در معنی در جودهن مسند آرا

۱۵ بود * از اینجا که دشمن گدازی رسم بزرگان دند است در جودهن همواره از پندوان بیمناک بود و چاره جان نژائی در سر گرفته * چون دهر تراشتر آویزه یکدیگر در افزایش دید بنگاه برادر زادگان شهر بر نوازه اندیشید و کارگاهان فرستاده منازل اساس فرمود * کار برداران بدستان سرائی در جودهن از لاک و قیر خلوت خانه پنهانی بر ساختند تا هنگام فرصت شعله آتش سراپای اینان خاکستر گرداند * جائیکه حمایت الهی پاسداری نماید اندیشه ناتوان بیدان چه کنند رساند * چون جدائی گزیده بدان سرزمین ۲۰ آرامش گزیدند از آن حیل آرائی آگهی شد * قضا را زنه با پنج پسر همسایه بود * پندوان خانه را آتش زده با مادر خویش راه صحرا برگرفتند و رخت هستی همسایگان خاکستر شد * در جودهن سوختن پندوان انگاشته انجم شادی برآراست * پس از سرگذشت بسیار از خرابه بمعمره آمدند و در شهر کنبلا بر نشستند * در اندک زمان آواز مردانگی و بخشش و بخشایش و کار آگهی اینان عالم را فرا گرفت و کسی نام و نژاد نمیدانست تا آنکه در جودهن از شاد خواب غفلت بیدار شد و سوختن پندوان

۲۵ اراجیف بر شمرند * و چون پڑهش سزاوار نمود اندیشیده پیدائی گرفت * بلبه گری بر نشست و بآئین دوستی پیش خرد آورد بو که بدین روش کام دل برآید * دهلی را با نصف ولایت بدینان

(۱) [۱] کرکیت * [۲] کرکیت * [۳] دهر تراش * [۴] دهر تراش //

(۲) [۵] دهر تراش * [۶] دهر تراش * [۷] دهر تراش * [۸] دهر تراش //

(۳) [۹] دهر تراش * [۱۰] دهر تراش * [۱۱] دهر تراش * [۱۲] دهر تراش //

(۴) [۱۳] دهر تراش * [۱۴] دهر تراش //

داد و هستناپور را با نیمه دیگر خود گرفت * از نیک سگالی و روشن اختری جدشتر را ایزدی تانید
بیازری برخاست و دولت بخد متگری آمد * کوروان بهرستاری گزایدند و در کمتر فرصتی هفت
کشور فرمان پذیر شد * و دیگر برادران فرماندهان روزگار را بخد مت آوردند * درجودهن از دید شکوه
فرمانروایی از خود رفت و بیماری حسد کالیوتر ساخت * از حیل سازی بزم آراست و پندوان را
مهمان طلبید و چوپربازی فرایش گرفت و قرعه نازاست در میان آورد و بدین دستمایه هرچه
داشتند برگرفت * آخر گرو برین بستند اگر پندوان را باشد آنچه بای داده باشد همه را باز ستانند
و گرنه دوازده سال جهان آباد در گذشته بلباس فقر در صحرا غربت گزینند و سپس بمعمره در آیند
و یکسال چنان بسر برند که کس نشناسد - اگر بجا نیاید باز بمدت مذکور در بیابان بسر برند *
بر دغل بازی آگهی نیافتند و از راست کاری بناگامی افتادند * از آنجا که مراد در کنار نهادن غرور
آورد درجودهن بگران خواب غفلت بغنود و پندوان برهنه نمودی دادار بهمال پیمان انجام رسانیدند * ۱۰
درجودهن بے آزر می پیش گرفت و فراوان گفتگو شد چندانکه پندوان به پنج موضع خرسند شدند
که بے آویزه بدست آید * درجودهن از راه نخوت پذیرفته بکارزار برخاست و نزد کرکیت ناورگاه
قرار گرفت * از آنجا که انجام فریب گزینان ناگامی است درجودهن با یاوران خویش آواره نیستی سرا
گردید و جدشتر هزده روز جنگ کرده فیروزی یافت *

در آخر دراپر که از کلجک صد و سی و پنج سال مانده بود این هنگامه حیرت انزود و ۵
عبرت نامه بیادگار گذاشتند * درین سال چهل الهی چهار هزار و هشتصد و سی و یک سال می شود *
گرویند درین کارزار سترگ یازده کوهنی لشکر از کوروان بود و هفت از پندوان * کوهنی
(بضم کاف و سکون واو و ها و کسر نون و سکون یای تحتانی) عبارت است از بیست و یک هزار
و هشتصد و هفتاد و فیلسوار و بهمین شماره گردون سوار و شصت هزار و سیصد و ده اسپ سوار و
یک لک و نه هزار و سیصد و پنجاه پیاده * درین کارزار شگرف از هر دو سویارده کس زنده ماندند - ۲۰
چهار از لشکر درجودهن جان سلامت برده در پناه جدشتر آمدند - کرپاچار برهنه که استاد
هر دو سو بود و بدانش و مردانگی نامور - اشوتهمان او نیز آن صفات داشت - و کرت برمان جادون
از آزاد مردان نامور - سنجی با وجود دانش به بهلبانی دهر تراشتر عزت می اندوخت * و از جانب
پندوان هشت کس - پنج برادر - سانک جادون بمردانگی و فرزانی روشناس - و ججش برادر
غیر مادر درجودهن - کشن * سپس سی و شش سال جدشتر فرمانروایی باستقلال نمود و از ۲۵
نیک اختری و سعادت سرشتی بیوفائی دنی در پناه کناره گرفت و آن عجزه عاجزش را مردوار

(۱) [۵] يك لك || (۲) [ش] شصت و پنجهزار و ششصد و ده || (۳) [گ] دوازده || (۴) [ش] هفت ||

(۵) [ش] حجه * [ض] ججش || (۶) [ش] پس از گذشتن در جودهن * [ض] پس فقط ||

بگذاشت * با برادران راه تجرد بسپرد و هوشمندانه نقد زندگی دریاختند *
این پیگار سترگ با هزاران داستان در مهابهارت در يك لك بيت گذارش یافته و بفرموده
گیتی خداوند فارسی بر ساختند و به رزم نامه روشناس شد * و در هزده پریه نگارش پذیرفته (بفتح
بای فارسی و سکون را و فتح با و های خفی) بمنزله باب * و فصل اول در احوال کوروان و پندوان
و فهرست کتاب * دوم فرستادن جدشتر برادران را بجهان کشائی و سپس جگ راجسوی کردن و
آراستن کوروان مجلس قمار و جزآن * سیوم در رفتن پندوان بصحرای ناگامی و دیگر حوادث *
چهارم در آمدن پندوان از صحرا در شهر بیرات و پنهان شدن * پنجم در آشکار شدن پندوان و میانجی
ساختن کشن و پذیرفتن و فراهم شدن در کرکیت و آراستن فرجهها * ششم در آغاز آویزه هر دو
سورزمی شدن بهیکم و کشته شدن بسیاری پسران دهر تراشتر و حال ده روزه جنگ * هفتم در کنکش
۱۰ کردن درجودهن و سردار ساختن درون و فروشدن او و دیگر احوال پنج روزه * هشتم در احوال دوازده
دیگر پیگار و سردار ساختن درجودهن کرن را و کنداوری او و گریختن جدشتر از پیش او و کشته شدن
کرن از دست ارجن روز دوم * نهم در بیان سردار شدن شل بهلبانی و فروشدن او و پنهان شدن
درجودهن در حوض و سپری شدن روزگار او و بسیاری یلان * دهم در خاتمه کارزار و آمدن کرت برمان
و اشوتهمان و کرپاچار در رزمگاه نزد درجودهن که لخته از هوش داشت و سگالش او شبخون کردن
۱۵ و جزآن * یازدهم گریستن زنان هر دو سو و نفرین گندهاری مادر درجودهن کشن را * دوازدهم در
حال جدشتر پس از فیروزی و خواهش ترک اسباب نمودن و باند زگویی بیاس و کشن تسلی شدن
و بسا سخنان دل پذیر بهیکم درینجا شمع آگهی انزود و آداب سلطنت صوری برگذارد * سیزدهم
در خبر کردن بهیکم * بخاطر می رسد که دوازدهم و سیزدهم را در يك پریه بایسته کرد چه هر دو متضمن
نصایح بهیکم است و پریه نهم را دو پریه ساختن یک در حال شل دیگر در بیان فروشدن درجودهن *
۲۰ چهاردهم در جگ اشمید * پانزدهم در وارستگی دهر تراشتر و گندهاری و کنتی مادر جدشتر *
شانزدهم در زبان زدگی الوس جادوان * هفدهم تجرد راجه جدشتر با برادران و در شدن بدرنزار *
دوازدهم رفتن جدشتر با بدن بعالم بالا و گسیختن عنصری پیوند دیگر برادران * خاتمه به هربنس
نامزد در گذارش حال جادوان *

درین نامه اگرچه فراوان دیوانسانه نگاشته اند و بسا خیالی داستان نوشته لیکن بسیاری سخنان
۲۵ دلاویز آگهی و فراوان آزمون را گزین فهرست *

هشت سرکار و دویست و سی و دو برگنه بدو گراید * زمین پیموده دو کروز و هشتاد و
پنج لك و چهل و شش هزار و هشتصد و شانزده بیگه و شانزده بسوه جمع شصت کروز و شانزده لك و

پانزده هزار پانصد و پنجاه و پنج دام * ازان میان سه کرور و سي لک و هفتاد و پنج هزار و هفصد و سي و نه دام سيورغال * بومي سي و یک هزار و چهارمصد و نود سوار و دولک و چهل و دو هزار و سيصد و ده پياده *

سرکار دهلي *

[دهتور اين سرکار در صفحه ۳۶۸ گذشت]

۴۸ محل * بيگه ۷۱۲۶۱۰۷ بسو ۱۷۵۸۰ دام * ۱۲۳۰۱۲۵۹۰ *
دام ۱۰۹۹۰۲۶۰ سيورغال * اقوام مختلف *
۲۰۰۰ سوار * ۲۳۹۸۰ پياده *
اسلام آباد پاکل - قلعه سنگين دارن بالاي کوه *
بگ ۹۷۰۶۷ بس ۱۹ * ۱۷۷۹۴۰۷۵ * ۳۱۴۶۲۵ *
رجپوت ساند * ۵۰ * ۱۰۰۰ پ *
آده * ... بگ ۱۴۹۱۲ بس ۸ * ۵۱۳۰۸۱ *
د ۴۵۴۰۴۵۰۰ * ۲۰۰ * ۲۰۰ پ *
پاني پت - قلعه از خشت پخته دارن *
بگ ۵۹۸۴۴۰۰ * ۱۰۷۵۶۶۴۷ * ۱۰۷۵۴۰۶۳۲ *
افغان گوجر رنگر * ۱۰۰ * ۲۰۰۰ پ *
پالم * بگ ۲۴۵۲۴۰ * ۵۷۲۶۷۸۷۵ * ۱۲۳۱۸۸۰۰ *
جت * ۷۰ * ۱۰۰۰ پ *
برن - قلعه دارن از خشت پخته بکنار کالي ندي *
بگ ۱۷۱۱۶۰ * ۳۹۰۷۶۲۸۵ * ۱۵۳۱۹۰۰ *
۳۰ * ۳۰۰ پ *
باغپت - ميان دو آب بکنار جون * بگ ۲۰۰۵۱۵ *
د ۳۵۳۲۳۶۸ * ۱۸۰۲۵۹ * چوهان زئاردار *
۲۰ * ۲۰۰ پ *
پُل - قلعه دارن از خشت پخته و بر بلندي

واقع شد * بگ ۲۳۴۷۸۳ * ۱۷۶۹۴۹۳ *
د ۲۱۸۶۶۵ * ۲۵۰۰ * ۵۰۰۰ پ *
برناره * بگ ۱۴۵۰۰۰ بس ۴ * ۱۳۷۹۱۲۵ *
د ۵۰۷۵۹ * ۲۵ * ۲۰۰ پ *
پوت - قلعه دارن از خشت پخته * بگ ۴۸۱۹۱ *
د ۶۲۱۷۴۹۵ * ۷۲۴۳۵ * ۶۰ * ۶۰۰ پ *
بيري در بلدين * ... بگ ۱۱۹۰۰۲ بس ۱۹ *
د ۱۴۰۴۲۵۰ * ۱۴۰ * ۸۰۰ پ *
تليپت - قلعه دارن از خشت پخته * بگ ۱۱۹۵۷۸ *
د ۳۰۷۷۹۱۳ * ۲۵۸۳۵ * ۱۲۰۰ * ۴۰۰ پ *
تاندنه بېگوان [تاندنه پيوگانه] - بکنار جون واقع است *
بگ ۵۱۶۶۹ * ۲۸۹۳۰۶۵ * ۱۱۳۶۶۵ *
افغان * ۲۵ * ۲۰۰ پ *
تل پيگم پور * بگ ۱۴۲۳۷ بس ۷ * ۳۷۰۳۷۴ *
د ۱۵۷۵۴ * ۱۰ * ۱۰۰ پ *
جهر * ... بگ ۱۲۸۴۱۷ * ۱۴۲۲۴۵۱ *
د ۳۰۶۴۹۱ * ۳۰ * ۶۰۰ پ *
جهرسه * در موضع دهانه قلعه سنگين دارن که
سلطان فيروز اساس نهاده بکنار درياي سده *

(۱) [۵] درمان نوارو جت ؟ * [ش] حسب امان ديوار ؟ * [ض] جت فقط (۲) [۵]
سده ۲ نقطه * [ش] سيد * در [ض گ] نيست * و موضع دهانه نام در نقشها در پرگنه سهنده نزديک
سرحد پرگنه جارسه واقعست ليکن هيچ دريا موجود نيست ||

بگ ۸۷۹۲۳ * ۳۶۰۵۲۲۸ * ۱۷۶۰۷۹ *
بدگوجر * ۶۰ * ۲۰۰ پ *
جيور * بگ ۱۳۳۷۴۹ * ۱۸۷۸۳۷۸ * ۸۵۴۳۹۵ *
رجپوت چوکر * ۴۰ * ۴۰۰ پ *
جېنجهانه * بگ ۵۷۹۲۳ بس ۱۶ * ۱۷۰۰۲۵۰ *
د ۱۰۰۲۵۰ * ۳۰ * ۲۰۰ پ *
چېهرولی - ميان دو آب است * بگ ۳۲۷۰۱ بس ۱۲ *
د ۱۱۳۸۷۵۹ * ۵۷۱۹۵ * ۲۰ * ۲۰۰ پ *
جلال آباد - ميان دو آب است و ميان او جنگل
بسيار * بگ ۹۶۱۸۹ * ۱۳۳۳۷۱۱ *
د ۹۰۹۹ * ۵۰ * ۶۰۰ پ *
جلال پور بروت - جنگل بسيار دارن * بگ ۴۲۰۶۱ بس ۱۷ *
د ۱۰۰۱۸۷۵ * ۱۷۷۵۵ * ۲۰ * ۲۰۰ پ *
حربلي قدیمی * بگ ۱۲۸۴۱۷ * ۱۴۲۲۴۵۱ *
د ۳۰۶۴۹۰ * ۱۰ * ۴۰۰ پ *
حربلي جديدی * بگ ۳۶۴۴۷ * ۳۶۳۵۳۱۵ *
د ۵۹۵۹۸۴ * ۲۵ * ۳۰۰ پ *
دارالملک دهلي * بگ ۹۷۱ * ۷۳۶۴۰۶۵ *
د ۱۸۷۸۳ * ۱۳۵ * ۱۵۰۰ پ *
داسنه - ميان گنگ و جون * بگ ۲۸۴۷۷۷ *
د ۴۹۳۳۳۱۰ * ۱۶۲۵۳۵ * ۱۰ * ۲۰۰ پ *
ديوارست (؟) * ۶۰ * ۳۰۰ پ *

دادري طاهي * بگ ۱۷۹۷۸۹ * ۴۳۲۶۰۵۹ *
د ۱۱۸۵۷۷ * ۲۰ * ۴۰۰ پ *
دنکور بکنار آب جون * بگ ۱۲۸۵۶۳ * ۱۰۱۶۹۸۲ *
د ۴۳۳۴۰ * ۲۰ * ۲۰۰ پ *
رهنگ (۲) - قلعه دارن از خشت پخته * بگ ۶۳۶۸۳۵ *
د ۸۵۹۹۲۷۰ * ۴۲۸۰۰۰ * ۲۰ * ۲۰۰ پ *
د ۱۰۰ * ۲۰۰۰ پ *
سونی پت - قلعه دارن از خشت پخته * بگ ۲۸۳۲۹۹ *
د ۷۷۲۷۳۲۳ * ۷۷۵۱۰۵ * ۲۰ * ۲۰۰ پ *
د ۷۰ * ۱۰۰۰ پ *
سفيدون - قلعه دارن از خشت پخته * بگ ۸۱۷۳۰ *
د ۱۹۷۵۵۹۶۵ * ۹۹۶۴۷ * ۲۰ * ۲۰۰ پ *
د ۶۰ * ۶۰۰ پ *
سکندر آباد * بگ ۶۶۹۰۷ بس ۱۵ * ۱۲۵۹۱۹۰ *
د ۱۷۸۴۴ * ۵۰ * ۴۰۰ پ *
سراوه - قلعه دارن از خشت پخته * بگ ۱۴۲۳۸۷ بس ۱۲ *
د ۱۵۸۳۸۹۹ * ۳۱۹۱۴۵ * ۳۰ * ۳۰۰ پ *
د ۴۰ * ۳۰۰ پ *
سينته * ... بگ ۳۹۱۴۷ بس ۹ * ۸۵۴۱۹۱ *
د ۴۸۲۰۷ * ۳۰ * ۳۰۰ پ *
سيانه - ميان دو آب است * بگ ۱۶۶۴۰۷ بس ۱۷ *
د ۸۴۹۰۹۰ * ۴۹۵۹۵ * ۵۰ * ۴۰۰ پ *
د ۴۰۰ پ *
شکريوز بگ ۵۲۱۳۹ * ۲۱۱۱۹۹۶ * ۷۸۰۳۰۵ *
چوهان * ۲۰ * ۲۰۰ پ *

(۱) [۵] درمان کهلوت دنوارست [دلواريه ؟] * [ض] درمان کهلوت نور است * [ش] کهلوت مولا ||
(۲) [۵] روهنگ || (۳) [۵] موال يا سوال ب نقطه * [ش] سوال * [ض] سوال ||

- اسلام پور بھور * بگ ۶۶۰۹۶ * د ۱۳۳۰۶۴۰ *
 د ۱۲۱۳۳ * صغ * بشنوی * ۱۰۰ * س * ۲۰۰ * پ *
 اوجھاری * .. بگ ۱۲۵۲۲۱ * د ۶۶۷۶۰۹ *
 د ۲۷۸۸۵ * صغ * جت * ۲۰ * س * ۲۰۰ * پ *
 اکبر آباد * .. بگ ۵۳۷۹۰ * د ۶۴۰۲۶۴ *
 د ۲۸۳۶۰ * صغ * ۵۰ * س * ۲۰۰ * پ *
 اسلام پور درگو * بگ ۱۱۲۱۷ * د ۴۲۹۶۷۵ *
 د ۶۷۵ * صغ * ۲۰ * س * ۲۰۰ * پ *
 اسلام آباد * .. بگ ۲۵۲۶۱ * د ۳۴۶۳۴۸ *
 د ۳۶۹۴ * صغ * جت * ۵۰ * س * ۵۰۰ * پ *
 بجنور * بگ ۶۰۳۶۲ * د ۳۳۵۵۴۲۵ * د ۱۸۱۵۴۵ *
 نگا زئادار * ۶۰ * س * ۵۰۰ * پ *
 بچہ پزان * بگ ۱۱۵۲۲۶ * د ۸۲۸۳۲۲ *
 د ۳۶۳۲ * صغ * نگا * ۵۰ * س * ۳۰۰ * پ *
 بروئی * بگ ۱۵۰۲۷ * د ۱۵۰۰۰۰ * د ۱۵۰۰۰۰ * کوفی *
 د ۲۵ * س * ۱۰۰ * پ *
 بسارا * بگ ۳۰۰۳ * د ۲۰۰۰۰۰ * د ۲۰۰۰۰۰ * خسیہ ؟ *
 د ۲۵ * س * ۱۰۰ * پ *
 چاند پور * بگ ۸۷۲۷۳ * د ۴۳۱۰۷۱ * د ۲۵۹۹۵۹ *
 نگا جت و غیرہ * ۵۰ * س * ۲۰۰ * پ *
 جلال آباد * .. بگ ۴۹۳۹۳ * د ۱۴۷۰۰۷۲ *
 د ۱۲۲۶۳ * صغ * جت * ۲۵ * س * ۱۰۰ * پ *
 چوپیلہ * بگ ۱۰۱۶۱۹۹ * د ۱۳۴۰۸۱۲ * گور *
 د ۱۰۰ * س * ۵۰۰ * پ *
 جہانور * بگ ۲۶۷۹۵ * د ۲۳۷۸۰۹ * د ۳۴۹۱۶ *
 جت * ۵۰ * س * ۴۰۰ * پ *
- جکوار * .. بگ ۷۶۷۵۷ * د ۸۲۸۳۴۹ *
 بڈگوجر * ۵۰ * س * ۲۰۰ * پ *
 حویلیع سنہیل * بگ ۲۰۶۴۵۰ * د ۳۳۲۲۴۴۸ *
 د ۱۴۳۷۳۹۵ * صغ * نگا زئادار و غیرہ * ۱۰۰ * س *
 ۵۰۰ * پ *
 دیورہ * بگ ۹۹۹۶۵ * د ۱۹۲۴۸۳۷ * د ۲۵ * س *
 ۲۰۰ * پ *
 دھاکہ * بگ ۱۵۸۱۳۰ * د ۶۷۰۳۶۴ * د ۱۶ *
 د ۶۴۸۷ * صغ * رئیس ؟ * ۲۵ * س * ۲۰۰ * پ *
 دہبارسی * بگ ۸۲۶۹۲ * د ۲۸۰۳۰۶ * د ۱۱ *
 د ۲۵ * س * ۲۰۰ * پ *
 دردیله * .. بگ ۳۰۱۳۰ * د ۲۱۰۰۰۰ *
 کوفی * ۲۰ * س * ۱۰۰ * پ *
 راجپور * بگ ۱۸۹۳۹۰ * د ۷۰۰۰۰۰ * د ۷۰۰۰۰۰ * رچپوت کوکر *
 ۵۰ * س * ۴۰۰ * پ *
 رجب پور * .. بگ ۴۰۳۴۶ * د ۶۱۲۹۷۷ *
 د ۲۲۸۸ * صغ * شیخزادہ * ۲۵ * س * ۱۵۰ * پ *
 سنہیل - قلعه دار از خشت پختہ * بگ ۴۶۹۰۰ *
 د ۸۵۰۹۵۳ * د ۶۳۴۰۴ * صغ * کوکر * ۵۰ * س *
 ۴۰۰ * پ *
 سیوہارہ * بگ ۲۷۹۴۵ * د ۱۳۳۳۷۳۲ * د ۱۴۱۸ *
 نگا * ۵۰ * س * ۳۰۰ * پ *
 سرسی * .. بگ ۵۲۴۰۰ * د ۹۵۸۷۶۹ *
 د ۱۵۲۳۱۴ * صغ * سادات و غیرہ * ۲۰ * س *
 ۲۰۰ * پ *
 سہنس پور * بگ ۵۴۸۴۴ * د ۹۶۴۳۰۴ * د ۱۰ *

(۱) [حسمہ ؟] (۲) [چوپالہ] (۳) [گوجر] (۴) [الیوت] دھاکہ (۵) [شیخزادہ]
 (۶) [رچپوت کوکر] (۷) [ش] کوکر

- د ۱۰۳۸ * صغ * نگا * ۵۰ * س * ۴۰۰ * پ *
 سرسارہ * بگ ۳۷۵۰۲ * د ۳۰۸۰۶۵ * د ۱۵ *
 ۴۰۰ * پ *
 شیرکوت * .. بگ ۱۹۸۷۰ * د ۴۹۲۱۰۵۱ *
 د ۲۱۸۱۵۷ * صغ * ۱۰۰ * س * ۱۰۰۰ * پ *
 شاہی * بگ ۸۰۴۱۷ * د ۹۰۰۴۹۶ * د ۴۷۲ *
 گور * ۲۰ * س * ۲۰۰ * پ *
 کندرکی * بگ ۸۶۱۶۴ * د ۶۷۴۹۳۶ * د ۷۴۹۳۶ *
 گایتہ * ۵۰ * س * ۴۰۰ * پ *
 کرت پور * .. بگ ۸۰۹۷۳ * د ۲۴۱۰۶۰۹ *
 د ۱۶۶۲۱۸ * صغ * نگا جت * ۱۰۰ * س * ۵۰۰ * پ *
 کچہ * بگ ۹۹۸۶۸ * د ۱۲۴۸۹۹۵ * د ۵۷۶۵ *
 ۲۰ * س * ۲۰۰ * پ *
 گندور * .. بگ ۱۸۵۷۶ * د ۷۵۱۵۲۰ *
 د ۳۴۲۷۰ * صغ * نگا * ۳۰ * س * ۲۰۰ * پ *
 کلبہ * .. بگ ۳۳۳۲۲ * د ۵۶۶۵۳۹ *
 د ۱۶۰۱۹ * صغ * چوہان * ۵۰ * س * ۴۰۰ * پ *
 گنور * .. بگ ۵۱۰۰۵ * د ۲۶۷۹۱۹ *
 د ۱۷۷۱۹ * صغ * مسلمان * ۱۰ * س * ۱۰۰ * پ *
 کہانکھری * بگ ۳۱۵۴۶ * د ۲۰۰۰۰۰ *
 د ۱۰ * س * ۱۰۰ * پ *
 لکھنور * .. بگ ۲۴۹۴۴۰ * د ۲۴۹۹۲۰۸ *
 د ۳۲۹۸۳ * صغ * گور * ۱۰۰۰ * س * ۵۰۰ * پ *
 لیسوہ * بگ ۱۸۷۱ * د ۱۰۰۰۰۰ * د ۱۰۰ *
 مغول پور * .. بگ ۱۶۸۳۷۴ * د ۳۵۸۰۳۰۰ *
 د ۸۰۳۰۰ * صغ * نگا * ۱۰۰ * س * ۵۰۰ * پ *
- منجھولہ * بگ ۱۴۲۶۱ * د ۱۷۳۷۵۵۶۵ * د ۶۹۷۰ *
 بڈگوجر * ۴۰۰ * س * ۸۰۰۰ * پ *
 مندارور * بگ ۶۵۷۱۰ * د ۱۲۵۶۹۹۵ * د ۲۰۴۵۵ *
 بیس * ۲۵ * س * ۳۰۰ * پ *
 ندینہ * .. بگ ۹۹۲۳۳ * د ۲۶۴۷۲۴۲ *
 د ۲۸۱۴۳۶۸ * صغ * اہیر * ۵۰ * س * ۵۰۰ * پ *
 نہتور - درین پرگنہ شادتوت در کمال بزرگی
 و شیرینی شود مقدار وجب * بگ ۳۵۹۷۴ *
 بس * ۱۲ * د ۱۷۳۸۱۶۰ * د ۴۹۸۵ *
 نگا * ۵۰ * س * ۳۰۰ * پ *
 نیوہنہ * بگ ۲۰۹۶۲۰ * د ۹۰۴۶۷۵ *
 گور * ۱۰۰ * س * ۵۰۰ * پ *
 نرولی * بگ ۱۸۱۶۲۱ * د ۱۴۰۸۰۹۳ * د ۴۳۲۱۲ *
 بڈگوجر * ۵۰ * س * ۴۰۰ * پ *
 ہتمندہ * بگ ۵۷۰۲ * د ۲۵۰۰۰۰ * د ۵۰ *
 ۵۰ * س * ۴۰۰ * پ *

سرکار سہارنپور

- ۳۴ محل * بگ ۳۵۳۰۳۷۰ * د ۸۷۸۳۹۹۵۹ *
 د ۱۴۸۵ * صغ * اقوام مختلف * ۳۹۵۵ *
 ۲۲۲۷۰ * پ *
 اندری - قلعه از خشت پختہ دارد - نزدیک دریای
 جون * بگ ۱۴۳۹۰۰ * د ۷۰۷۸۳۲۶ *
 د ۶۹۱۹۰۳ * صغ * رنگہر نگا * ۵۰ * س * ۱۰۰۰ * پ *
 انپتہ * بگ ۱۷۷۶۴ * د ۳۲۴۵۶۰ * د ۱۰۰ *
 ۲۰ * س * ۳۰۰ * پ *
 بدھانہ * .. بگ ۱۵۵۶۳۳ * د ۳۶۹۸۰۴۱ *

(۱) [کورہ] در [ش] نیست (۲) [الیوت] کندرکی (۳) [الیوت] نگینہ (۴) این
 سہ لفظ در [ش] نیست (۵) ہمچنین در نسخہ

- د ۱۳۱۷۸۰ سغ * نكا و جت * ۴۰ س * ۳۰۰ پ *
 بيدولې * .. بگ ۱۱۲۲۶ * ۳۱۱۵۱۲۵ *
 د ۱۴۰۰۲۵ سغ * سادات * ۶۰ س * ۳۰۰ پ *
 بيت كنجار * بگ ۱۷۳۴۷۱ * ۲۶۷۶۴۰۷ *
 د ۱۴۶۷۴۹ سغ * نكا بارهه * ۵۰ س * ۵۰۰ پ *
 بهوگپور - قلعه داره از خشت پخته بر كنار درياي گنگ
 معبد هند است * بگ ۹۴۴۲۸ * ۲۳۳۸۱۲۰ *
 د ۱۹۱۴۱ سغ * رجپوت سريو؟ * ۲۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 پرچپار * .. بگ ۸۶۹۴۹ * ۲۱۹۱۴۹۰ *
 د ۱۲۰۴۳۸ سغ * ۲۰ س * ۲۰۰ پ *
 بېونه * بگ ۶۷۴۵۱ * ۲۱۳۵۴۹۶ * ۲۱۳۵۴۵۳ سغ *
 سادات * ۲۰۰۰ س * ۷۰۰۰ پ *
 بگپرا * بگ ۵۰۳۹۰ * ۱۹۱۳۱۹۶۵ * ۷۴۸۴۰ سغ *
 جت * ۳۰ س * ۲۰۰ پ *
 بهنده * بگ ۴۹۲۸۸ * ۱۳۲۱۴۴۰ * ۸۶۵۰ سغ *
 نكا * ۲۰ س * ۲۰۰ پ *
 تيانه بهيم * .. بگ ۲۷۱۳۷۷ * ۳۵۷۸۵۴۰ *
 د ۳۱۷۳۶۰ سغ * رجپوت سدبار * ۲۰ س * ۵۰۰ پ *
 تغلق پور * .. بگ ۸۱۸۵۶ * ۲۲۲۲۷۷ *
 د ۱۲۸۸۵۳ سغ * جت * ۲۰ س * ۳۰ پ *
 جراسي * .. بگ ۲۱۱۷۵۱ * ۲۴۷۱۲۷۷ *
 د ۷۱۲۹۷ سغ * بيدر؟ * ۲۰ س * ۲۰۰ پ *
 جولې * بگ ۴۵۶۵۳ * ۱۳۱۰۰۵۷ * ۱۵۲۳۹۶۵ سغ *
 سادات * سوار داخل پرگنه سروت *
 چرتهارل * .. بگ ۳۵۹۱۶ * ۱۶۶۸۸۸۲ *
 د ۶۸۸۷۲ سغ * نكا * ۲۰ س * ۲۰۰ پ *
 حويلې - قلعه داره از خشت پخته - پارچه سفيد از
 حاصه چوتار خوب شود * بگ ۲۱۲۳۳۵
 بسوه ۱۶ * ۶۹۵۱۵۴۵ * ۷۰۶۴۴۸ سغ *
 افغان كلال نكا * ۱۰۰ س * ۸۰۰ پ *
 ديوبند - قلعه از خشت پخته داره * بگ ۳۳۵۸۹۱
 د ۶۴۷۷۹۷۷ * ۶۴۱۹۴۶ سغ * گوجر نكا *
 ۶۰ س * ۳۰۰ پ *
 رامپور * بگ ۷۹۴۱۹ * ۱۷۷۷۹۰۸ * ۷۸۵۹۷۵ سغ *
 سدبار؟ نكا * ۵۰ س * ۴۰۰ پ *
 ركي * بگ ۲۷۶۸ * ۱۶۲۸۳۶۰ * ۸۳۶۱ سغ *
 رجپوت سدبار نكا زناردار * ۲۵ س * ۲۰۰ پ *
 راي پور تانار * بگ ۴۶۸۸ بس ۸ * ۳۶۹۰۸۰ سغ *
 نكا * ۱۰ س * ۲۰۰ پ *
 سيكري بهوگرهيري * بگ ۱۸۳۲۱۱ * ۳۰۰۳۶۱۱ سغ *
 د ۱۱۰۶۱۱ سغ * جت * ۴۰ س * ۲۰۰ پ *
 سراسوه - قلعه از خشت پخته داره * بگ ۱۰۶۳۰۰ *
 د ۲۵۱۶۱۶۵ * ۱۶۱۶۵ سغ * نكا * ۳۰ س *
 ۲۰۰ پ *
 سروت * بگ ۹۰۶۱۷ * ۲۲۰۷۷۷۹ * ۵۱۵۷۱ سغ *
 نكا * ۵۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 سردهنده * .. بگ ۱۱۳۷۸۰ * ۱۵۹۰۶۰۶ *
 د ۴۳۳۴۲ سغ * نكا اهير * ۳۰ س * ۳۰۰ پ *
 سنبليدرا * .. بگ ۳۱۹۶۳ * ۱۰۱۱۰۷۸ سغ *
 د ۱۱۰۷۸ سغ * سادات * سوار داخل بهونه *
 (۶) سغ * نكا * ۲۰ س * ۲۰۰ پ *

(۱) [اليوت] بدولي || (۲) [رجپوت فقط] || (۳) [اليوت] بهونه || (۴) همچنين در [ض] * [ش] *
 ۲۰۰۷ [۵] ۷۰۰۰۰ || (۵) [مدورباي نقطه] || (۶) [۵] ۶۸۰۰۰ || (۷) همچنين در [ض] * [ش] *
 صدر || (۸) در نسخ سنبليدرا يا سنبليدرا * [گ] سنبليدرا || (۹) [۵] بهو نقطه * [ش] سونه * در [ض] نيست ||

- سورن پلري * .. بگ ۱۰۶۴۸ * ۵۷۴۳۲۰ *
 د ۲۲۶۲۸ سغ * جت * ۴۰ س * ۲۵۰ پ *
 كهاتولي * .. بگ ۱۰۴۴۷ * ۳۶۲۴۵۸۸ *
 د ۱۹۰۹۱۹ سغ * نكا كلال * ۴۰ س * ۳۰۰ پ *
 كهوندي * .. بگ ۸۵۶۱۸ * ۲۵۱۴۶۷۳ *
 د ۵۸۹۰۲ سغ * جت نكا * ۵۰ س * ۴۰۰ پ *
 كيرانه * بگ ۷۱۲۴۵ * ۲۰۲۵۲۳۸ * ۲۲۳۵۷۹ سغ *
 گوجر * ۲۰ س * ۲۰۰ پ *
 گنگوه * بگ ۵۲۱۳۷ * ۲۰۲۹۰۳۲ * ۳۲۲۵۱۵۵ سغ *
 تركمان * ۳۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 كهونتي * .. بگ ۷۹۶۹۴ * ۱۷۹۶۰۵۸ *
 د ۷۶۹۰۲ سغ * تركمان * ۳۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 مظفرآباد * بگ ۸۱۳۰۵ بس ۱۵ * ۴۰۷۴۰۶۴ سغ *
 د ۷۱۸۹۹ سغ * رنگهر سنبدير * ۲۰ س * ۲۰۰ پ *
 منگلور - قلعه داره از خشت پخته * بگ ۶۰۹۸۷ *
 د ۲۳۵۰۳۱۱ سغ * زناردار بدگوجر *
 ۴۰ س * ۳۰۰ پ *
 سلهي پور * بگ ۸۱۰۱۰ * ۲۲۴۴۰۷۰ * ۲۳۰۷۷۵ سغ *
 افغان نكا زناردار * ۱۰۰ س * ۵۰۰ پ *
 نكور * .. بگ ۶۵۶۱۲ بس ۱۰ * ۱۳۸۷۰۷۰ سغ *
 د ۲۶۱۰۴ سغ * افغان زناردار * ۴۰ س * ۳۰۰ پ *
 فانوته * بگ ۲۹۲۲۴ * ۷۲۴۱۵۳ * ۱۸۶۸۴ سغ *
 افغان * ۴۰ س * ۳۰۰ پ *
 سرگر ويواري *
 د ۷۳۹۲۶۸ سغ * ۱۰ بس ۱۱۵۵۰۱۱ *
 د ۲۱۷۵ س * ۱۴۶۰۰ پ *
 بابل * بگ ۱۱۰۳۷۵ * ۴۱۱۴۷۵۳ * ۱۶۲۷۴۵ سغ *
 رجپوت اهير جت * ۱۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 پاتونهي * بگ ۶۱۱۷۰ * ۲۲۷۰۰۰۸ * ۵۲۶۰۵ سغ *
 جت رجپوت اهير * ۵۰ س * ۵۰۰ پ *
 بهوهرة * بگ ۳۸۵۴۷ * ۷۵۵۵۴۳ * ۳۴۵ سغ *
 اهير * ۱۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 نارز - قلعه داره از خشت پخته * بگ ۳۵۸۵۸ *
 د ۹۸۹۲۲۸ * ۵۱۵۷۳ سغ * مسلمان خيلدار *
 ۵۰ س * ۵۰۰ پ *
 ريواري با حويلې - قلعه داره از خشت پخته *
 بگ ۴۰۵۱۰۸ * ۱۱۹۵۶۸۴۷ * ۱۴۰۴۱۰۰ سغ *
 تهتر اهير جت * ۴۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 رتائي جتائي * .. بگ ۵۲۱۲۰ * ۲۸۹۶۰۳۵ سغ *
 د ۵۲۳ سغ * ۴۰۰ پ *
 كوت قاسم علي * .. بگ ۸۰۴۱۰ * ۳۳۵۷۹۳۰ سغ *
 د ۱۱۰۳۳۰ سغ * رجپوت اهير * ۲۵ س * ۴۰۰ پ *
 گهلوت * .. بگ ۲۷۲۷۰ بس ۱۰ * ۶۵۶۶۸۸ سغ *
 رجپوت تهتر * ۷۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 كوهانه * بگ ۱۵۲۶۴ * ۴۲۱۴۴۰۰ سغ * رجپوت تهتر *
 ۵۰ س * ۵۰۰ پ *
 سهنه - قلعه داره از سنگ بالاي كوه و اينجا
 گولابيدست از آب گرم - معبد هند * بگ ۲۵۱۷۳۸ *
 د ۳۹۲۸۳۶۴ * ۱۵۰۵۶۳۵ سغ * رجپوت تهتر *
 ۲۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 نيمرانه - قلعه سنگين بالاي كوه * بگ ۳۵۰۴۷ *
 د ۶۸۲۲۵۹ * اقوام مختلف * ۵۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *

(۱) [۵] سدره * شايد كه بنديدر درست باشد || (۲) [ض] ملهي پور اكرمو || (۳) [اليوت] بهوره ||
 (۴) [خلدان] * [ض] خيلدار * [ش] جلداز || (۵) [۵ ض] به نقطه || (۶) در [ض] نيست ||

سرکار حصار فیروزه *

- ۲۷ محل * ... بگ ۱۳۴۹۷ * ۵۲۵۵۴۹۰۵ د
 ۱۴۰۶۵۱۹ د * اقوام مختلف * ۶۸۷۵ س *
 ۶۰۸۰۰ پ *
 (۱) اگروده - شکار خوب است - اقسام جانوران خصوصاً
 شکار باشد * بگ ۱۴۵۷۱۷ * ۱۷۴۳۹۷۰۵ د * ۱۶۵۴۵۴۵۴۵
 (۲) جاتو جت * ۲۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 اهرونی * بگ ۱۹۵۳۷ * ۸۵۷۳۵۷ د * ۱۶۰۰۳۳۵۴۵
 گوجر جت * ۱۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 (۳) انکهره - قلعه دارد از خشت پخته - معبد هند که
 آنرا گوردهن گویند * بگ ۳۲۹۹۱ * ۱۵۷۶۲۰۰۵ د *
 جت تونور * ۲۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 بهنگی وال * ۱۸۰۰۰۰۰۵ د * رجپوت راتهور جت پونیه *
 ۲۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 پونیان * ۱۲۰۰۰۰۰۰ د * جت پونیان * ۱۵۰ س *
 ۳۰۰۰ پ *
 بهارنگی * ۸۸۰۸۳۲ د * راتهور جت * ۲۰۰ س *
 ۲۰۰۰ پ *
 برواله * بگ ۱۳۶۷۹۹ * ۱۰۹۷۸۰۷۵ د * ۱۰۹۰۵۲۵ د *
 سادات ملک زاده بقال * ۱۰۰ س * ۱۵۰۰ پ *
 بهتو * ۴۰۰۲۸۰ د * جت * ۵۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 بررا * بگ ۶۲۵۴ * ۶۴۶۸۰۰ د * جاتو جت * ۲۵ س *
 ۳۰۰ پ *

- بهتدیر - قلعه خشتین دارد * بگ ۱۵۹۸۳ * ۹۳۳۰۴۲۵ د *
 راتهور رجپوت * ۵۰۰ س * ۱۰۰۰۰ پ *
 توهانه - قلعه دارد از خشت پخته * بگ ۱۸۰۷۴۴ *
 ۱۴۶۹۳۵۴۴ د * ۱۵۰۶۸۰۰ د * ۱۵۰۶۸۰۰ د * ۱۵۰۶۸۰۰ د *
 ۴۰۰ س * ۳۰۰۰ پ *
 توشام * بگ ۵۱۱۰۷۵ * ۱۰۶۸۵۴۸۵ د * ۲۶۸۶۵ د *
 راتهور رجپوت جت * ۲۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 جیند - سه گروهی از قصبه در موضع پنداره
 معبد هند است * ... بگ ۲۸۱۵۸۴ *
 ۱۷۴۹۵ د * ۱۴۳۰۸۰۰ د * ۱۲۳۰۸۰۰ د *
 ۵۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *
 جمال پور - در بعضی مواضع آن آب گهر میگذرد *
 بگ ۱۴۲۴۵۵ * ۱۴۲۷۷۴۶۱ د * ۸۱۴۶۱ د *
 تونور جت * ۷۰۰ س * ۴۰۰۰ پ *
 حصار با حوبلی - دو قلعه دارد یکی خشتین دوم
 سنگین * بگ ۱۷۶۵۱۲ بس ۱۸ * ۳۹۸۹۵ د *
 ۱۸۳۸۷۹ د * ۱۳۸۷۹ د * جاتو رنهر سواران سانگران
 ۵۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 دهاترت - قلعه خشتین دارد * بگ ۲۹۲۰۷ بس ۱۸ *
 ۹۷۸۰۲۷ د * ۹۷۸۰۲۷ د * ۹۷۸۰۲۷ د *
 ۱۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 سرسا - قلعه دارد از خشت پخته * بگ ۲۵۸۳۵۵ *
 ۱۴۳۹۱۳۶۸ د * ۱۴۳۹۱۳۶۸ د * ۱۴۳۹۱۳۶۸ د *
 ۵۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *

(۱) [لیوت] اگروده در نسخ اگروده (۲) [ض] حاتوه [ش] جالو (۳) همچین در [ش و لیوت] *
 [ض گ] انکهره (۴) [ض] کورس یا کورس ب نقطه * [ض] کوردهن * [ش] کودرس
 یا کورتداس * [گ] کورس (۵) [ش] راتهور فقط * و لفظ پونیه در [ض] صاف خوانده نمی شود *
 (۶) [ض] افغان لوهانی حدان (۷) [ض] بنداره * [ض] سدرة * [ش] سدرة (۸) همچین
 در نسخ * بحتمل که سیوران درست باشد (۹) [ش] جونه * بحتمل که جوهیه درست باشد *

- (۱) سیوران * ۴۰۰۰۰۰ د * جت سیوران * ۱۰۰۰ س * ۱۰۰۰۰ پ *
 سیدهمکه - اکثر زمین اینجا ریگستانست * ۱۷۱۳۷۲۵ د *
 رجپوت راتهور جت * ۵۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
 سیوانی * بگ ۴۸۵۱۲ * ۷۶۷۵۰۰ د * رجپوت جاتو *
 ۱۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 شالزده قریات * ... بگ ۲۹۷۴۰ د * ۹۶۰۱۱۱ د *
 ۱۴۵۸۶۵ د * رجپوت تونور * ۲۰۰ س * ۱۵۰۰ پ *
 فتح آباد - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۳۳۶۶۱ *
 ۱۱۸۴۳۹۲۵ د * ۸۱۸۶۷ د * ۸۱۸۶۷ د *
 جت * ۲۰۰ س * ۳۰۰۰ پ *
 گوهانه * بگ ۶۸۹۵۱ * ۲۸۷۶۱۱۵۵ د * ۱۶۱۴۶۵ د *
 جت دره ده دایه * ۳۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 کهانه - در اینجا حوض کلانست که هندوان بتیم
 و تبرک دران غسل کنند * بگ ۱۹۴۳۸ *
 ۱۱۱۹۳۹۴ د * ۱۴۹۷۸ د * جت گدی *
 ۱۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 مهم - قلعه دارد از خشت پخته و بنا (۴) (۵) اعلی
 شود * بگ ۱۸۸۰۸۰ * ۴۹۵۸۶۱۳۵ د * ۸۴۲۰۲۵ د *
 رجپوت تونور جت * ۷۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 هانسی - قلعه دارد از خشت پخته * بگ ۸۳۶۱۱۵ *
 ۵۴۳۴۳۸۵ د * ۱۳۰۰۵۶ د * رجپوت ملتانیان
 جاتو جت * ۵۰۰ س * ۷۰۰۰ پ *
 سرکار سرهند *

۳۳ محل * بگ ۷۷۲۹۴۶۶ بس ۷۷ * ۱۶۰۷۹۰۵۴۹ د *

- ۱۶۹۸۳۳۰ د * اقوام مختلف * ۹۲۲۵۰۰ س * ۵۵۷۰۰۰ پ *
 انباله * ... بگ ۱۵۴۷۶۹۱ د * ۱۴۱۹۸۰۹۴ د *
 ۳۲۱۴۸۸ د * ۱۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 بنور * ... بگ ۴۲۰۳۳۷ د * ۱۲۵۴۹۹۵۳ د *
 ۱۰۸۷۲۰۹۵ د * رنهر افغان * ۷۰۰ س * ۳۰۰۰ پ *
 پابل - قلعه دارد از خشت پخته * بگ ۵۲۵۹۳۲ د *
 ۷۳۲۲۲۶۰ د * ۱۶۲۲۶۷ د * رنهر جت *
 ۲۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 بهودر [بهودر] * بگ ۸۶۸۷۷ د * ۳۱۰۳۲۶۹ د *
 ۱۴۰۶۱۰۶ د * ۱۴۰۶۱۰۶ د * (۶) جت * ۵۰ س *
 ۷۰۰ پ *
 بهتدیر (۷) د * ۳۱۲۵۰۰۰ د * بهتی * ۴۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 پوندیری * بگ ۳۳۱۹۰ د * ۶۸۹۸۷۰۵ د * ۷۱۵۲۷۱۵۲ د *
 رنهر * ۲۰۰ س * ۳۰۰۰ پ *
 تهاڑه - قلعه از خشت پخته دارد بر کنار دریای
 ستلج * بگ ۲۷۳۳۶۶ د * ۷۸۵۰۸۰۹ د *
 ۲۳۶۹۸۴۱ د * ۲۳۶۹۸۴۱ د * (۸) منج جت * ۱۵۰۰ س *
 ۱۰۰۰۰ پ *
 تهازیسر - قلعه دارد از خشت پخته * بگ ۲۲۸۹۸۸ د *
 بس ۱۷ * ۷۸۵۰۸۰۳ د * ۷۸۵۰۸۰۳ د * ۲۰۶۹۸۴۱ د *
 رنهر جت * ۵۰ س * ۱۵۰۰ پ *
 چپت - بر ساحل گهر واقعست * بگ ۱۵۸۷۴۹ د *
 ۷۵۰۹۹۴ د * ۴۹۸۶۰ د * ۴۹۸۶۰ د *
 ۶۵۰ س * ۱۱۰۰ پ *

(۱) همچین در نسخ [لیوت] شیورام (۲) همچین در [ض] * [ض] جت و سر [یا بر نقطه]
 داد و هالانسه * [ش] جت فقط (۳) همچین در [ض] * [ض] کری (۴) این الفاظ
 صرف در [ض] موجودست ب نقطه (۵) [ض] ملان (۶) [ض] جت سور * [ش] صولی
 رله و جت * [ض] صورتی ده [یا واه] و جت (۷) [ض] بهتدیر - قلعه از خشت پخته دارد *
 (۸) [ض] سر؟ * [ض] منج * [ش] شیخ *

- چرب * بگ ۶۳۶۸۳ * ۱۵۳۸۰۹۰ د * ۲۱۶۱۹ د * ۴۲۷۰۳۵ د * سلطان پور * بگ ۱۳۷۳۶ * ۴۲۷۰۳۵ د
- جت * ۲۰ * س * ۳۰۰ پ * ۳۲۷۵۹ د * رجپوت چوهان * ۲۰ س * ۳۰۰ پ
- خضریان - قلعه دار از خشت * بگ ۳۳۴۸۹ * ۱۲۰۵۹۹۱۸ د * ۵۲۸۱۷۰ د * بهتې جت * شاه آباد * ۱۳۴۱۴۶ د * ۶۷۵۱۳۶۸ د * ۷۶۱۵۸۷ د * زاردار رجپوت چوهان * ۲۰۰ س * ۱۵۰۰ پ
- دورال * بگ ۶۵۷۶۸ * ۲۱۸۸۴۴۳ د * ۸۶۷۱۰ د * ۲۱۸۸۴۴۳ د * ۸۶۷۱۰ د * ۲۱۸۸۴۴۳ د * ۸۶۷۱۰ د * ۲۱۸۸۴۴۳ د * ۸۶۷۱۰ د
- دهوت * بگ ۷۱۳۵۷ * ۱۶۰۱۳۶۹ د * ۱۳۴۶ د * ۱۳۴۶ د * ۱۳۴۶ د * ۱۳۴۶ د * ۱۳۴۶ د * ۱۳۴۶ د
- دیرزان * بگ ۱۲۳۳۹ * ۵۸۰۹۸۵ د * ۱۷۳۸۵ د * ۱۷۳۸۵ د * ۱۷۳۸۵ د * ۱۷۳۸۵ د * ۱۷۳۸۵ د * ۱۷۳۸۵ د
- روبر - قلعه دار از خشت پخته * بگ ۶۶۱۴۴ * ۶۶۱۴۴ د * ۶۶۱۴۴ د * ۶۶۱۴۴ د * ۶۶۱۴۴ د * ۶۶۱۴۴ د * ۶۶۱۴۴ د * ۶۶۱۴۴ د
- سرهند باحويلي - قلعه دار از خشت پخته * بگ ۸۲۸۴۵۸ * ۱۲۰۸۲۶۳۰ د * ۶۰۳۵۳۶ د * ۶۰۳۵۳۶ د * ۶۰۳۵۳۶ د * ۶۰۳۵۳۶ د * ۶۰۳۵۳۶ د * ۶۰۳۵۳۶ د
- سمانه * بگ ۹۰۴۶۱۱۰ * ۱۲۸۲۲۲۷۰ د * ۷۸۲۰۰۰ د * ۷۸۲۰۰۰ د * ۷۸۲۰۰۰ د * ۷۸۲۰۰۰ د * ۷۸۲۰۰۰ د * ۷۸۲۰۰۰ د
- سنام - قلعه خشتین دار * بگ ۹۸۸۵۶۲ * ۷۰۰۷۶۹۶ د * ۷۶۹۶ د * ۷۶۹۶ د * ۷۶۹۶ د * ۷۶۹۶ د * ۷۶۹۶ د * ۷۶۹۶ د
- سادهور - قلعه دار از خشت پخته * بگ ۳۴۳۶۱۵ * ۴۲۹۸۰۶۴ د * ۲۷۳۲۶۵ د * ۲۷۳۲۶۵ د * ۲۷۳۲۶۵ د * ۲۷۳۲۶۵ د * ۲۷۳۲۶۵ د * ۲۷۳۲۶۵ د

(۱) [ض] بهتې برا جت (۲) همچنين در [ض] در [ش] نیست * [خ] رجپوت و مسرهي و کھوري ده؟ (۳) [ش] برا * [خ] برا * [ض] سبراه (۴) [خ] برا (۵) [خ] کھورن بے نقطه * [ش] کھوري اوان (۶) در [خ] نیست (۷) [ض] ۳۲۶۹۹۰

- منصور پور * بگ ۱۱۶۲۴۲ * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د
- مالير * بگ ۱۰۳۴۴۴ * ۲۶۰۵۸۳ د * ۲۶۱۷۶ د * ۲۶۱۷۶ د * ۲۶۱۷۶ د * ۲۶۱۷۶ د * ۲۶۱۷۶ د * ۲۶۱۷۶ د
- ماچھيوآزه - قلعه خشتين دار * بگ ۱۷۲۷۲ * ۱۷۲۷۲ د * ۱۷۲۷۲ د * ۱۷۲۷۲ د * ۱۷۲۷۲ د * ۱۷۲۷۲ د * ۱۷۲۷۲ د * ۱۷۲۷۲ د

* اورنگ آريان *

- انگيال تونور - هژده سال * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د
- باسديو - نوزده سال و يك ماه و هژده روز * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د
- گهنگو - بيست و يك سال و سه ماه و بيست و هشت روز * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د
- گوبال - هژده سال و سه ماه و پانزده روز * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د
- سلکهن - بيست و پنج سال و دو ماه و دو روز * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د
- جيبال - شانزده سال و چهار ماه و سيزده روز * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د
- کنوريال - بيست و نه سال و نه ماه و يازده روز * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د
- انگيال - بيست و نه سال و شش ماه و هژده روز * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د
- بجيبال - بيست و چهار سال و يك ماه و شش روز * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د
- مهببال - بيست و پنج سال و دو ماه و سيزده روز * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د
- اکنپال - بيست و يك سال و دو ماه و پانزده روز * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د
- پرتھيراج - بيست و دو سال و سه ماه و شانزده روز * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د * ۱۸۳۰۰۲۵۵ د

بيست تي ۴۳۷ سال و ۱ ماه و ۲۸ روز فرماندهي نمودند *

(۱) [خ] رنگهر * [ض] سرا * در [ش] نیست (۲) [ض] منح و نام پرگنه مالنير * [ش] مسج * [خ] مهر (۳) [خ] کھوري و * [ض] کھوري و * [ش] کھوري و * [خ] کھوري و * [ش] کھوري و * [خ] کھوري و * [ش] کھوري و * [خ] کھوري و

يا کھنکھو بے نقطه * [ض] ش [کھنکھور] * [ض] کنکيو * [آثار الصناديد - صفحه ۲۰] کنکيال * [خ] گنگو (۵) [صناديد] پرتي پال (۶) [صناديد] هريال (۷) [صناديد] اودي راج * [ض] آوديراج * [ش] ادرة ۲۶ سال و ۸ ماه و ۱۵ روز (۸) [خ] يک * [ش] نیک * [ض] انیک پال * [صناديد] انک پال (۹) [ش] کريال (۱۰) [خ] سکال بے نقطه * [خ] رنکھيال * و در [ض] بيست و چهار ماه و چهار روز * [صناديد] ۲ سال ۲۴ روز (۱۱) [ش] پانزده روز (۱۲) [ش] نجبال يانچيال (۱۳) [خ] ميھتسال (۱۴) [خ] کنڊال بے نقطه * [ش] اکنيپال * [ض] و [صناديد] اکريال * [خ] اکسال (۱۵) [ش] يک ماه و پنج روز * [خ] صناديد] دو (۱۶) همچنين در نسخ

- بیلدیز چوهان - شش سال و یک ماه و چهار روز *
 امرنگو - پنج سال و دو ماه و پنج روز *
 کهریال - بیست سال و یک ماه و پنج روز *
 سومیر - هفت سال و چهار ماه و دو روز *
 (۱)

هفت تن نود و پنج سال و هفت ماه شمع فرمانروائی افروختند *

- سلطان معزالدین محمد سام غوری - چهارده سال *
 قطب الدین ایبک - چهار سال *
 آرام شاه پور او - بسال می رسید *
 شمس الدین ایلتمش - بیست و شش سال *
 رکن الدین فیروز شاه پور او - شش ماه و ۲۸ روز *
 رضیه خواهر او - سه سال و شش ماه و شش روز *
 سلطان معزالدین بهرام شاه برادر او - دو سال و یک ماه و پانزده روز *

یازده تن از غوریان نود و شش سال و شش ماه و بیست روز فرماندهی کردند *

- سلطان جلال الدین خلجی - هفت سال و چند ماه *
 سلطان علاء الدین خلجی برادرزاده او - بیست سال و چند ماه *
 سلطان شهاب الدین عمر پور او - سه ماه و چند روز *
 سلطان قطب الدین مبارک شاه برادر بزرگ او - چهارده سال و چهار ماه *
 سلطان ناصر الدین خسرو خان - شش ماه *
 سلطان غیاث الدین تغلق شاه - چهار سال و چند ماه *

سیزده تن از خلجیان صد و بیست و نه سال و ده ماه و نوزده روز کامرانی کردند *

(۱) [صنادید] سمیر || (۲) [ض] [جامره] * [ش] [چاهر] - ۴ سال و ۱ ماه و ۵ روز * [صنادید] [چاهرا] || (۳) [ش] [۴ سال و ۱ ماه و ۱ روز] || (۴) [همچنین] [ض] * [ش] [هفتاد و سه سال] || (۵) [گ] [هشت] || (۶) [همچنین در نسخ] * [ش] [چهارده روز] * [صنادید] [۵ سال و یک ماه و ۲۷ یوم] || (۷) [صنادید] [۸ روز] || (۸) [همچنین در نسخ] * [صنادید] [۳ سال و ۵ ماه و چند یوم] ||

- خضرخان سادات - هفت سال و دو ماه و دو روز *
 مبارک شاه - سیزده سال و سه ماه و شانزده روز *
 محمدشاه - ده سال و چند ماه *
 سلطان علاء الدین عالم شاه - هفت سال و یک ماه *
 سلطان بهلول لودی - سی و هشت سال و هشت ماه و هشت روز *
 سلطان سکندر پسر او - بیست و هشت سال و پنج ماه *
 سلطان ابراهیم پور او - هفت سال و چند ماه *
 حضرت بابر پادشاه - پنج سال *

چهارم و بیست و نهم بکرماجیت اندک بال از قوم تونور لوی دادگری برانراخت و دهلی را آباد گردانید * و هشتصد و چهل و هشت ازان سال مه نوز آن بزرگ شهر میان پرتیراج تونور و بیلدیز چوهان هنگامه آویزه گرمی پذیرفت و فرمانروائی بدین گره باز گردید * در فرماندهی راجه پتهورا سلطان معزالدین سام از غزنین چند بار بهند آمده و کاره ساخت * هندی نامها برگزیده هفت بار سلطان پیکار آراست و شکست داد * پانصد و هشتاد و هشت هجری نزدیک تهناسر هشتم بار در نبرد گرفتار شد * راجه را مد گو نامور ملازم بود - هر یکی را سامفت گفته * شگرفکاری اینان در کالبد گفت و رنگیند و عادت و خرد نپذیرد * گویند درین پیکار از آن ناموران کسی نبود و راجه از طبیعت دوستی بمشکوی دولت بسر برد و گرامی افلاس را بنابایست گذرانید و بکار ملک نپرداخته و از حال سپاه خبر نگرفت *

چنان بر گذارند راجه جیچند را پتهور فرمانروای هندوستان در قنوج دادگری کرد * و دیگر راجهها تخت نیایش بدو نمود و از فراخی مشرب بسیاری ایرانی و تورانی پرستار بود * سگالش جگ راجسو فرایش گرفت و در سرانجام آن شد - و ناگهان او آنست که راجهها بخد متگرمی قیام نمایند تا دیگ شوئی و آتش افروزی بدینها باز گردند - و نیز دران انجمن گزین دختر خود را به بهین راجه پیوند بخشد * راجه پتهورا نیز سگالش رفتن داشت * ناگاه یکی را بر زبان رفت با وجود سلطنت چوهان اندیشه راجسو او را سزاوار نبود * راجه آتش حمیت بر افروخت و باز ماند * راجه جیچند بلشکر کشی رو آورد * کاریدگان درازی کار و نزدیکی ساعت گذارده باز آوردند و بچاره انجام این

جشن بیکر راجه پتهورا از طلا ساخته بدربانی نشانند * راجه ازین آگهی برآشت و با پانصد گزیده مرد بطور ناشناسی ره نوردید و ناگهانی بدان هنگامه در پیوست * آن تمثال را برداشت * فراوان مردم راجان بشکرده بپاد پیمائی بازگردید * دختر راجه که آماده دیگر بود از شنید داستان مردانگی شیفته پتهورا شد و تن بدان نداد * پدر رنجیده از شبستان بیرون آورد و از برای او منزله جداگانه بر ساخت * پتهورا ازین آگهی بر شویید و بخواهش پیوند بر گشت * و بدین قرار گرفت که چاندا ۵۰ بادنوش که از دمسازان بایریست (۱) بعنوان نیایشگری پیش جیچند رود و راجه با برخ گزیده مردم بآئین ملازمان همراه باشد * شوق اندیشه بکردار آورد و بدین طلسم هوشمندی و جادوی مردانگی جویای آرزومند را برگزنت و بشگرفکاری و تیزدستی بملک خود بازگردید * و آن صد سامنت را بگونگون لباس همراه داشت * یک پس از دیگر ایستاده فوجها بر شکست - نخستین گویند رای گهات بچنگ ایستاد و کارنامها بجا آورده فروشد * هفت هزار کس در آویزه اوبسیلاب نیستی در شدند * ۱۰ سپس نرسنگه دیو و چاندا و پندیر و هارد هول سولنگی و بالهن دیو کچهواکه با دو برادر اولین روز یک پس از دیگر شگرفکاریها کرده نقد زندگی بمردانگی سپردند و آن رادمردان کارزار همه در راه فرو شدند * راجه با چاندا بادنوش و دو برادر او عروس بدهلی آورد و جهاے بشگفت زار افتاد * از بخت برگشتگی راجه بدان مهین بانو شیفته شد و از همه واپرداخت * چون ساله برین گذشت سلطان شهاب الدین ازین داستان با راجه جیچند طرز دوستی پیش نهاد * سپس لشکرها فراهم آورده به پیگار ۱۵ برآمد * بسیاری جا برگرفت * کس را یارای گذارش چه که دسترس نبود * آخر اولیای دولت فراهم آمده چاندا را از هفت در گذرانیدند و او بحرم سرا در شده لخته راجه را بشورش در آورد * و از غرور فیروزی بسان هر بار قدری لشکر فراهم آورده کارزار پیش گرفت * چون دلازان والایسی درین مرتبه نبردند و کار سلطنت از رونق افتاده بود و جیچند که همواره کمک میکرد برخلاف پیشین مددگار غنیم شد درین ناورده راجه گرفتار آمد و سلطان دستگیر کرده بغزنین برد * چاندا از حقیقت منشی و وفاداری ۲۰ بغزنین شتافت و سلطان را ملازمت نمود و نوازش یانت و بختکاری راجه را دریافت و در زندان دمسازی نمود * گفت چنان بخاطر میبرد که من نزد سلطان تیراندازی ترا برگزیم - او میل تماشا خواهد کرد - دران زمان کار او بساز * قرارداد بجای آمد - و سلطان را تیردوز گردانید * هواخواهان راجه و چاندا را از هم گذرانیدند *

فارسی نامها خلاف این برگذار و فروشدن راجه در آویزه گاه نشان دهد * جهان نیرنگساز که ۲۵ خزانه دار عجایب است ازین گونه فراوان یاد دارد * کو بختمنده که عبرت بگیرد و بکار بندد *

(۱) [۵] بایریست * [ش] بایریست و در حاشیه بلفظ بدله - بابلی * [ض] خواهریست ۱۱

(۲) [ش] ساد هول ۱۱ (۳) [ش] سیمین ۱۱

چون سلطنت چوهان سپری شد خلاصه هندوستان بدست سلطان معزالدین غوری درآمد و ملک قطب الدین را که از غلامان او بود در موضع گهرام گذاشت و خود شمالی کوه تاراج کنان بغزنین باز گردید * و او در همین سال دهلی و بسیاری محال برگرفت و شگرف کارها نمود * و چون سلطان درگذشت غیاث الدین محمود پور غیاث الدین محمد از فیروزکوه بجهت ملک قطب الدین ۵ چتر و امارات پادشاهی فرستاد و او در لاهور اورنگ آرا گشت و بدادهای و بخشایش و مردانگی نام برآورد و در چوگان بازی نقد زندگانی در باخت *

امرا آرام شاه پور او را بر مسند فرماندهی نشانند * برخه چیره دستان ملک الیتمش را که زرخید و داماد و پسر خوانده سلطان قطب الدین بود برگزیدند * آرام شاه شکست یافته بکنج ناکامی شتافت * و او بسلطان شمس الدین نام برآورد * گویند پدر او برخه قبایل ترکستان را بزرگ بود * ۲۰ برادر و برادران را ناتوان بینی کالیوه ساخت و آن نوباره آگهی را یوسف وار بفروختند * از نیرنگی روزگار چند جا دستگردان شد * بازگانه او را بغزنین آورد * سلطان معزالدین سام در خریداری شد * خداوند آن گرم بازاری پیش گرفت و گران نرخ بر نهاد * سلطان بخشم رفت و فرمود که او را کس نخره * قطب الدین چون پس از فتح گجرات بغزنین رفت دستور بر گرفته بگرامند مبلغ بر خرید و بغزندی برگشت * خواجه قطب الدین اوشی در زمان او فیض رسان صورت و معنی بودند * ۲۵ و چون درگذشت پور او جانشین شد * دولت مندی را طبیعت پرستی بر شمرد و پیوند دلها را آسان دانست * و انتظام ملک بمادر او که شاه ترکان گفته بازگردید * دنیا داران رو بر تافته رضیه دختر سلطان شمس الدین را بفروماندهی برگزیدند * سلطان نیز پیشتر او را ولیعهد خود ساخته بود * همانا برخه نزدیکان پرسیده باشند که با وجود فرزندان این سگالش چگونه باشد * چنان پاسخ گذار شد که پسران به باده پیمائی گرفتار شایانی این پایه ندارند *

۳۰ و در زمان معزالدین بهرام شاه سپاه چنگیز خانی لاهور را خراب گردانیدند * تباہ اندیشان بدگوهر او را زندانی ساخته از هم گذرانیدند *

و در عهد سلطان علاء الدین مسعود شاه لشکر مغول به بنگاله آمد * همانا از خطا یا تبیت رسیده باشد و او سپاه فرستاده بر شکست * و نیز از ترکستان باج لشکر آمد - سلطان بدان صوب نهضت فرمود * بر ساحل بیاه خبر برگشتن مخالف آمد - بدهلی بازگردید و بهمنشین فرمایگان ۳۵ خوش آمدگو ناهنجاری پیش گرفت و بزدان سرا درگذشت *

ناصر الدین محمود راه آگهی می سپرد و بداد و دهش می بود * بزمان او نیز مغول پنجاب آمد و از آواز کوچ او برگشت * طبقات ناصری بنام اوست * فراوان شایستگی داشت *

و غیاث‌الدین بلبن را که غلام و داماد پدر او بود وزارت داد و بخطاب الخانی سربلند گردانید * او منصب را بگزیدگی رواج داد و بیاسبانی خلیق حق‌پروایی نمود *

چون ناصرالدین نقد زندگی سپرد و فرزندے نداشت آن وزیر خیرسگال را بگلانی برگرفتند *

بروباری و سنگینی را سرمایه افزایش شکوه گردانید و گرامی وقت را بذبابست نفروخت و بکار آگهی و قدردانی و آدم‌شناسی و ایزدپرستی چهارچمن گیتی را شاداب ساخت * بدگهران نافرجام بکنج ۵

خمول نشستند و نیکوان سعادتمنش را روزی‌آزار شد * پنجاب را به پسر بزرگ خود محمد داد و بخان شهید ازو تعبیر رود * از مردانگی و هشیاری او ملک پنجاب ایمنی یافت * میرخسرو و میرحسن با او بودے * بے سار پیگار از ملازمت پدر میروفت - لشکر مغول در رسید و میان دیبالپور و لاهور در آریزه نقد زندگی بسپرد * میرخسرو به بند افتاد و بلطایف الحیل رهائی یافت *

بغراخان پسر خرد خود را بنگاله داده بود *

چون گردش سپهر نیرنگ‌ساز بر او بسرآمد امرا کبخسرو پسر خان شهید را که ولیعهد ساخته بود بملتان فرستادند و پسر بغراخان را سلطان معزالدین کیقباد خطاب دادند و سلطنت دهلی برو قرار گرفت * پدر او در بنگاله سلطان ناصرالدین لقب کرده دهلی روانه شد و ازین طرف کیقباد لشکر کشید * هر دو گروه بر ساحل سرو نزدیک قصبه اوده فراهم آمدند و بکوشش بدورنای تباہ‌سرشت ملاقات کرده به بنگاله رفت و سلطنت دهلی بپسر قرار گرفت * عجب که امیرخسرو ۱۵

در ستایش این ملاقات قرآن‌السعدی را برشته نظم در کشیده‌اند * کار آن ناسپاس پدرآزار از باده‌کشی بجانگهی افتاد * برخه پور او را شمس‌الدین خطاب داده بچاره‌گزینی نشستند و آن نافرجام را بآب چون سردادند و شمس‌الدین را بکنج ناکامی بر نشانند * و باتفاق کاریدگان سلطنت بگروه خاچ رسید * جلال‌الدین که عارض ممالک بود اورنگ نشین آمد و از ساده‌لوحی نیرنگی بدگهران نشناخت *

ملک علاءالدین برادرزاده و پرورش کرده او از کره بدکن رفت و فراوان مال انداخت و از زمستی ۲۰

سرکشی پیش گرفت * سلطان بدستان سرائی نفاق‌پیشگان از دهلی بکره شنافت * آن نافرجام او را از هم گذرانید و خود را سلطان علاءالدین لقب بر نهاد * از شگرفی تقدیر با چنین تباہ‌کاری سلطنت بزرگ یافت و آئینه‌های شگرف بر نهاد * چند بار با مغول آریزهای بزرگ روی داد و فیروزمند آمد *

و میرخسرو خمس خود را بنام او ساخته و قصه دول‌رانی بنام پور او خضرخان * و از نامساعدی روزگار آخر کار آگهی بگذاشت و شیفته خواجہ‌سرا ئے شده مدار معاملات برو نهاد * و بسخن‌سازی آن ۲۵

بدگهر خضرخان و شادی‌خان و مبارک‌خان پسران او زندانی شدند * و چون درگذشت بسعی او پسر خرد او را سلطان شهاب‌الدین نام نهاده مسند نشین گردانیدند - میل در چشم برادران کشید *

و بایزیدی حمایت مبارک‌خان رهائی یافت * روزے چند نگذشته بود که آن تباہ‌نهاد را به نهانخانه نیستی فرستادند و مبارک‌خان که در بند بود بوزارت نشست *

سپس برادر خرد خود را رقم عزل کشیده زندانی ساخت و خود را سلطان قطب‌الدین نام نهاد *

گجرات و دکن برگرفت * از ناشناسانی و طبیعت دوستی حسن نام کهین ذاتے را بحسن صورت ۵

برگزیده و خسروخانی داده - هر چند خیراندیشان دولتخواه بدگهری و تباہ‌سگالی از بعرض رسانیدند حق‌گذاری را از داستان ناتوان‌بینی باز نشناخت تا آنکه کمین یافته بجانشکری ولی نعمت خود چیره‌دستی نمود و ناصرالدین لقب نهاده بر جای او نشست و نژاد سلطان علاءالدین بر انداخت و بے آزر می از اندازه گذرانید * غازی ملک که از بزرگ امرای علائی بود نقش هستی او را بستر و بیازری بزرگان وقت سر برآرا شد و سلطان غیاث‌الدین تغلق شاه لقب نهاد - مهمات بنگاله انتظام داده ۱۰

بدهلی می‌آمد * محمدخان پور او در سه‌گروهي دهلی در سه روز کوشه بر ساخت و بخواش فراوان سلطان را بدان سرمنزله برد * سقف خانه فرو افتاد و کارش سپری شد * اگرچه بزنی در بیگناهی او میکوشد لیکن منزله بدان شتابی ساختن و بچنان خواش عزیزے را بمهمانی بردن یاد بدگهری دهد *

چون سلطان محمد درگذشت فیروز بن رجب عمزاده او بحکم وصیت اورنگ‌نشین شد ۱۵

و شایستگی و کارآگهی پیش گرفت و نکوئیها یادگار گذاشت * و از درگذشتن او کار هند لخته بر آشفست * چندی تغلق‌شاه نبیره او را جانشین ساختند و در کمتر فرصتے از دست ناشناسان خواب و ابسین نمود * ابوبکر نبیره دیگر را برگرفتند *

در نوبت سلطان محمود مدار معامله بر ملوک خان بود * خطاب اقبال‌خانی داشت و از خرابیدگی خرد و غنودگی بخت شایسته نظام نتوانست داد * شورش در رنگی برخاست *

۲۰ برخه نبیره سلطان فیروز را خطاب نصرت‌شاهی داده فتنه افزودند و همواره نزد دهلی آمیزه پیگار بود تا آنکه سال هشت صد و یکم صاحب‌قرانی نزول همایون فرمودند سلطان محمود بگجرات رفت و هر یک بکنجی درشد *

چون صاحب‌قرانی بازگردیدند خضرخان را که درین آمدن دیده‌بود ملتان و دیبالپور گذاشتند *

تا دو ماه دهلی ویرانی داشت * نصرت‌شاه که در میان دو آب خزیده‌بود دهلی آرا شد * سپس ۲۵

اقبال‌خان آمده دهلی را گرفت و او گریخته بمیوات شنافت * و پس ازین سلطان محمود از گجرات آمد و اقبال‌خان بخدمتگذاری منافقانه روی آورد * سلطان شیه بستوه آمده تنها پیش سلطان ابراهیم

شرقی شنافت و اورا توفیق مردمی و یاورى نشد * بناچار از آنجا برآمد و اقبال خان پیدگار او برخاست و کاره برنساخت * و در جنگ خضرخان گرفتار آمد و بیاسا رسید * و سلطان محمود آمده دهلی را گرفت و چندگاه بآریزه مردم بسر می برد تا آنکه از بیماری درگذشت و سلطنت خلیجان بدو انجام پذیرفت *

روزه چند مردم بدولت خان^(۱) - امه خیل گرویدند * آخر خضرخان از ملتان آمده دهلی گرفت * ملک مردان دولت خان از امرای سلطان فیروز که سلیمان پدر او را به پسرى گرفته بود از آن باز از ناشناسدگی امارت یافت * و از سپاس گذاری نام سلطنت بر خود نهاده خود را رباب^(۲) اعلی نامیده و خطبه را بنام صاحبقرانی مزین داشت و از آن پس بنام میرزا شاه رخ - و آخرها دعای او نیز میگردند * بحکم وصیت مبارک شاه پور او جانشین شد * هنگامیکه سلطان ابراهیم شرقی و هوشنگ باهم آریزه داشتند عزیمت کالپی و آن حدود نمود * نزدیک دهلی چنده از ناسپاسان^(۳) کمینجویی از هم گذرانیدند * محمدشاه که بقول پور فرید بن خضرخان است و بروایت پسر او بکلانی برگرفتند * سلطان علاءالدین از رشد نصیب نداشت - بنشایستگی در شد *

بہلول علم بزرگی برافراشت * او برادرزاده سلطان شه لودی است - از گروه شاهوخیل * بہرام پدر او با پنج پسر در زمان سلطان محمود از حدود بلوت بملتان آمد و بتجارت روزگار زندگ میگذرانید * سلطان شه ملازم خضرخان شد - خطاب اسلام خانی یافت و سرهند در مواجب او^(۴) دادند * بہلول پور برادرزاده او در سرهند بناکامی رسید و اعتبار یافت و بفروندی برگشت * مولد او ملتان است * و در ماهی که امید زادن بود شهنیر خانه برشکست و مادرش را روزگار بسر آمد - شکم دریده برآوردند و زمانه بپرورش برخاست * اگرچه ولی نعمت را که آئین گوشه نشینی داشت بحال گذاشت لیکن از به آزرمی جای بزرگان گرفت * و روزگار را لخته بشایستگی گذرانید و آگهی و قدردانی بکار بست * در هشتاد سالگی بیماری درگذشت * ایزدپرست خدانشناس را^(۵) بدو نظر افتاد * حقیر خواسته با او بود - آن روشن ضمیر بزبان آورد کیست که سلطنت دهلی را باین مبلغ بخرد * همراهان طغز بزدند و انوسوس بر گرفتند و او بکشاده پیشانی همگی مبلغ را بدو داد و نیایشگری نمود و کامیاب آمد * او را با شرقیان آویزها رفت و ماجرا گذشت چندانکه جونپور بدست آمد و سلطنت شرقیان سپری شد * پور خون بارنگ را بجونپور گذاشته دهلی بازگردید * در آن هنگام که از یورش گوالیار دهلی میرفت نزدیک قصبه سکنه بیماری درگذشت *^(۶) پور او نظام خان بیارویی امرا فرماندهی یافت و سلطان سکندر خطاب شد * قدرانی و آگهی پیش

(۱) در نسخ نهاده || (۲) [گ] آیات * [ش] ربابات || (۳) [ض] نیک ا

گرفت * شهر آگره را دار الخلافه گردانید * در نصد و یازدهم رزله عظیم افتاد - و بناهای عالی فرونشست * بحسن صورت و سیرت آراسته بود و بداد و دهش خرسندی داشت *

چون پیمانہ زندگی او پر شد پور او سلطان ابراهیم بر تخت دهلی برآمد و تا سرحد جونپور بدو باز گردید * و پسر دیگر جلال خان را سلطنت جونپور دادند و لخته با یکدیگر در افتادند چندانکه جلال خان آواره شد و بمزین گوالیار^(۱) رفت و از ناسازگاری پیش سلطان محمود بمالوه شنافت و آنجا هم نیک بر نیامد * بجانب گوندوانه میرفت - هراخواهان گرفته بدرگاه آوردند و کارش سپری شد * و در زمان او بسیاری از امرا برگشتند چنانچه دریخان لوهانی حاکم بہار و پور او بہادر خان خطبه و سکه بنام خود ساخت - دولتخان لودی بکابل رفته پناه بفردوس مکانی بابر بادشاه برد و رهنمونی هندوستان نمود و کارها دلخواه شد *

* صوبہ لاہور *

از سیوم اقلیم - دراز از آب ستلج تا دریای سند صد و هشتاد کوه - پہنا از بہنبر تا چوکندی از مضافات سنگر هشتاد و شش * خاور رویہ سرهند - شمالی کشمیر - جنوب بیکانیر اجمیر - باخترسو ملتان * شش دریا بس گزین - همه از شمالی کوه برآید * ستلج - باستانی نام شددر (بفتح شین مذقوہ و ضم تائی فوقانی مشدد و دال و سکون را) سرچشمہ آن کوه کاهلور^(۱) - روپرو ماچھیوارہ و لودھیانہ بر کنار این * و در گذر بۂ بیہا پیوندند * و بیہا - پیشین نام بیہا (بکسر با و بای فارسی و الف و شین مذقوہ و الف) * سرآغاز آنرا بیہا کند نامند - نزدیک کوه گلو * سلطانپور نزدیک این دریابار^(۲) - راوی - نام آن ابروتی (بکسر ہمزہ و سکون یای تحتانی و را والف و فتح وار و کسر تائی فوقانی و سکون یای تحتانی) از کوه بہدرال بر جوشد - دارالملک لاہور بر ساحل او * چناب - نام پیشین چند رہا (بفتح جیم فارسی و نون خفی و فتح دال و سکون را و باوهای خفی و الف و کاف فارسی و الف) فراز کوه کھتوار^(۳) دو چشمہ خوش گوار برزند - یک را چندر - دوم را بہاگا خوانند - و نزد کھتوار باهم آمیخته بدان نام زبان زد گردد و بر بہلول پور و سودھرہ و ہزارہ گذارہ کند * بہت - پیشین بدست گفتہ (بکسر با و فتح دال و سکون سین و تائی فوقانی و الف) * سرآغاز آن حوض است از برگنہ ویر در کشمیر * از میان سری نگر دارالملک کشمیر گذشتہ بہندوستان درآید * بہیرہ بر کنار او * سندہ - سرآغاز او میان کشمیر و کاغھر نشان دھند و بر خہ درختا * از حدود سواد و اٹک بنارس و چوپارہ بہ بلوچستان گذرد * گیتی خداوند میان ستلج و بیہا را بیتہ جالندھر نامید - و میان بیہا و راوی را باری - و میان

(۱) [ض] کلہور || (۲) در نقشہا بویور بفتح با || (۳) [۵] بہدر بغیر لام || (۴) [ض] کھتوارہ *

[ش] کشتوارہ - و در حاشیہ بلفظ نسخہ کھتوار || (۵) [۵] بیہیرہ || (۶) [۵] بیتہ یا بیتہ *

[گ] بیت * [ش] تپہ یا پتہ * و در صفحہ ۵۳۹ بیت ||

راوی و چناب را رچنا - و میان چناب و بهت را جهت^(۱) - و میان بهت و سنده را سنده ساگر *
از ستلج تا بیا پنجاه کوه - و از بیا تا راوی هفده - و از راوی تا چناب سی - و ازو تا بهت
بیست - و ازو تا سنده شصت و هشت *

آباد ملکی است * آب و هوای آن بس سازگار - و در کشت و کار کم همتا * و بیشتر آن بآبباری چاه
سرمبز * سرما اگرچه بسان ایران و توران نیست لیکن از دیگر جاهای هندوستان افزون * و از توجه^۵
گیهان پیرای گزیده کلاهی توران و ایران و هندوستان فراهم دارد * و خریزه تمام سال باشد - نخست در نور و
جوزا و برخه در سرطان و اسد نشاط افزایش - و چون روی در انجام آورد از کشمیر آید - سپس از کابل و
بدخشان و توران زمین * و از شمالی کوه همه سال برف آورده عشرت اندوزند * اسپ عراقی مانا شود^(۲)
و بس گزیده برآید * و در بعضی جا ریگ شرنی نمایند * طلا و نقره و مس و روی و جست و برنج^(۳)
و شیشه برآید * و گوناگون هنرمندان نادره کار باشند *

۱۰ لاهور سترگ شهر بیست میان دوابه باری * در بزرگی و انبوهی مردم کم همتا * در باستانی زبجات
به لاهور تعبیر رود * طول صد و نه درجه و بیست و دو دقیقه - عرض سی و یک درجه و پنج دقیقه -
درین دولت ابد پیوند قلعه و ارک او از خشت پخته ساخته اند * و چون چندگاه پای تخت شد
والا کاخها برافراخته آمد و دلکشا باغها شادابی دیگر بخشید * و گوناگون مردم هر شهر را بنگاه شد
و شگرف کارها بوساختند و در انبوهی و بزرگی از اندازه گذشت *

۱۵ نگرکوت شهر بیست بر کوه * قلعه آنرا کنگره گویند * فراز بلند کوه * نزدیک شهر زیارتگاه مهمانی
و آنرا نمودار ایزدی دانند * از دور دست زیارت آیند و کام دل برگینند * شگفت آنکه بخوارش روانی
زبان را ببرند - برخه را در چند ساعت و طایفه را در یک دور روز باز درست شود * اگرچه حکمت پیشگان
زبان را روینده پندارند لیکن بدین زودی بس شگرف * او را در افسانها همخوانیه مهادیو برگذارند -
و دانایان این گروه قدرت او را بدین نام برخوانند * گذارش رود که او از دیدن ناملایم خود را از هم ۲۰
گذرانید و پیکر او چهار جا افتاد * سر و بعضی اعضا در شمالی کوه کشمیر در طرف کامراج - آنرا ساردها
نامند * و برخه نزد بیجاپور دکن - آن را تلجابهوانی گویند * و آنچه بخوار رفت نزدیک کامرو
به کامچها زبان زد * و آنچه بجای خود ماند آنرا جالندهری گویند و این سرزمین پندارند * و در نزدیک
آن چند جا مشعل آسا شعله برزند و برخه بسان سروسوز^(۸) * مردم زیارت روند و گوناگون اجناس بشعله

(۱) همچنین در [لاگ] * [ش] جهت * [ض] جهت * تهارتن گزیند چچ || (۲) [ض] اسپ عراقی
به همتا || (۳) [ض] جسد چنانچه در صفحه ۵۰۵ گذشت || (۴) [ض] ش کم همتا ||
(۵) در نسخه کامرو * [گ] کامرو (یعنی کامروپ) - و این درست باشد * [ض] بکانور || (۶) [ش]
کامان چیا || (۷) [ش] سرزمین را مدار پندارند || (۸) همچنین در [ض] * [لاگ] بسان بسان
سروسوز * [ش] بسان پر * [گ] بسان چراغ ||

در دهند و از آن خجستگی چشم دارند * و بر فراز آن والا گنبدی اساس نهاده اند و هنگامه شگرف
فراهم آید * همانا معدن گوگرد است و عامه خارق پندارند *

و میان سنده ساگر نزدیک شمس آباد ریاضتکده بالذاته جوگی است * آنرا تله بالذاته
خوانند * ریاضتوران هندوستان آنرا بزرگ دانند و زیارت آیند خاصه جوگیان *

۵ نمک سنگ نیز درین نواحی پدید آید * بدر از بیست کوه کوه است - ازو نمک بریده
جدا سازند و برخه برداشته بکنار آورند * و آنچه حاصل شود سه حصه کنندگان را باشد و یک حصه
دست مزین برآوردگان * و بازرگان از نیم دام تا دو دام منی خریده بدور دستها برد * و زمیندار سر مردم
ده دام برگیند و بازرگان در هفده من یک روپیه بدیوان دهد * و بسیاری هنر پیشگان از آن طبق و سرپوش
ورگانی و چراغدان بر تراشند *

۱۰ پنج دوابه - دویست و سی و چار پرگنه بدین صوبه گراید * زمین پیموده یک کرور و شصت
و یک لک و پنجاه و پنج هزار و شش صد و چهل و سه بیگه و سه بصوه * جمع پنجاه و پنج کرور و
نود و چهار لک و پنجاه و هشت هزار و چهار صد و بیست و سه دام * از آن میان نود و هشت لک
و شصت و پنج هزار و پانصد و نود و چهار دام سیورغال * بومی پنجاه و چهار هزار و چهار صد و
هشتاد سوار - و چهار لک و بیست و شش هزار و هشتاد و شش پیاده *

* سرکار دوابه بیست جالندهر *

[دستور این سرکار در صفحه ۳۷۷ گذشت *]

شصت محل * بیگه ۳۲۷۹۳۰۲ بسوه ۱۷ *	۵ ۱۰۲۳۲ هخ * نارو * ۲۰ س * ۳۰۰ پ *
نقدی ۱۲۴۳۶۵۲۱۲ دام * ۲۶۵۱۷۸۸ سیورغال *	بجواره * بگ ۱۲۳۶۳ * ۲۴۲۵۸۱۳۵ * ۶۸۹ د * هخ *
قوم مختلف * ۴۱۵۵ سوار * ۷۹۵۳۶ پیاده *	کهوری واهه * ۳۰ س * ۲۰۰ پ *
اسلیم آباد * بگ ۲۷۳۵ * ۴۵۸۱۲۲ د * افغان *	بهلون - قلعه سنگین دارد * بگ ۳۲۷۶۱ *
اس ۲۰۰ پ *	۵ ۱۳۰۵۰۰۶ د * دهادوال * ۷۰ س * ۱۰۰۰ پ *
پتی دهینات * بگ ۵۷۸۶۶ * ۳۶۰۱۶۷۸ د *	بروه * بگ ۱۳۶۱۱ * ۶۶۸۰۰۰۵ *
۵ ۸۰۶۰۷ د * نارو * ۳۰ س * ۴۰۰ پ *	پالکواه * بگ ۴۵۳۲ * ۲۰۰۰۰۰۰ د *
بهونگا * بگ ۵۱۰۸۹ بس ۱۳ * ۲۷۶۰۵۳۰ د *	بچه ریو * بگ ۴۲۱۵ * ۱۶۰۰۰۰۰ د *

(۱) [۵] دهینات ب نقطه * [ش] دهینات * [گ] دهینات * [ض] دهینات || (۲) [ش]
نارو || (۳) [ش] بارد || (۴) [ض] دوال || (۵) پالکواه * [گ] پالکواه * [ض] پالکواه *
[ش] پالکواه * و در نقشها پالکواه (بضم لام و کاف فارسی) شمالی مان سوال || (۶) در نقشها
بچه ریو * و در [۵] دو سوار و ده هزار پیاده نیز نوشته ||

- بیسالی و کپته - ۲ محل * بگ ۱۱۴۰۵ * ۵۶۶۳۶۶ د *
 تلون * ۲۰۱۴۵۰ * بگ ۶۷۸۰۳۳۷ د *
 ۸۰۴۳۸۹ د * سن ۷۰ * مئین * ۷۰۰ پ *
 تاتارپور - قلعه سنگین دارد * بگ ۳۴۵۸۸ * ۱۷۰۳ د *
 جالندهر - از خشت پخته قلعه دارد * بگ ۴۷۴۳۰۸ *
 ۱۴۷۵۱۶۲۶ د * ۷۷۳۱۶۷ د * سن ۷۷۳۱۶۷ د *
 ولوهانی و قوم رنگهر * ۱۰۰ * سن ۱۰۰۰ پ *
 چوراسی * ۹۶۳۳۰ * بگ ۵۴۶۳۹۱۳ د *
 ۲۵۵۵۱۶ د * سن ۵۰ * سن ۱۰۰۰ پ *
 جیورا * بگ ۴۸۱۲۴ * ۲۴۷۴۸۵۴ د * ۲۳۵۲۷ د *
 بهتی * ۵۰ * سن ۳۰۰ پ *
 جسون بالا کونی - قلعه از سنگ دارد * بگ ۱۵۰۵۴ *
 ۶۰۰۰۰ د * جسون که بیکانیر نیز گویند *
 ۵۰۰ * سن ۳۰۰۰ پ *
 چنور * ۳۱۳۰۰۰ د * سوم بنسی * ۱۰۰ * سن ۲۰۰۰ پ *
 حاجی پور ساریانه * بگ ۵۹۲۵۵ * ۲۶۹۳۸۷۴ د *
 دارک * بگ ۴۹۷۲۰۲ * سن ۱۱ * ۹۷۰۷۹۹۳ د *
 ۹۲۱۵۳ د * سن ۱۵۰ * سن ۴۰۰۰ پ *
 دیسوهه - قلعه از خشت پخته دارد * بگ ۱۵۷۹۶۲ *
 ۴۴۷۴۹۵۰ د * ۶۷۲۴۹ د * سن ۶۰ *
 ۳۴۱۵۰ * بگ ۳۴۱۵۰ *
 ۱۶۵۰۰۰۰ د * سن ۳۰۰ * سن ۴۰۰۰ پ *
 ۱۲۰۰۰۰۰ د * سن ۳۰۰ * سن ۴۰۰۰ پ *
 ۲۹۴۴۴ * بگ ۲۴۱۸۲۳۲ * ۲۴۱۸۲۳۲ د *
 ۱۵۰۵۴ * بگ ۱۵۰۵۴ * ۶۰۰۰۰۰ د *
 ۱۰۰۰۰۰ د * سن ۱۰۰ * سن ۱۰۰۰ پ *
 ۱۱۴۹۰ د * سن ۱۱۴۹۰ د *
 ۷۲۰۰۰ د * بگ ۱۸۸۰ *
 رحیم آباد * بگ ۸۷۵۰ * ۲۴۸۰۶۳۹ د * ۱۳۶۳۱۵ د *
 کپوری واهه * ۳۰ * سن ۲۰۰ پ *
 راجپور پتن - قلعه سنگین دارد * ۱۸۰۰۰۰ د *
 سلطانپور - قلعه از خشت پخته دارد *
 بگ ۱۰۱۸۶۵ * ۱۴۰۲۰۲۳۲ د * ۵۸۳۰۰۰ د *
 بهتی * ۲۰۰ * سن ۱۰۰۰ پ *
 سانکرینوت * بگ ۵۹۹۵۲ * ۲۵۳۳۲۵۵ د * ۶۴۸۵۵ د *
 کپوری واهه * ۵۰ * سن ۵۰۰ پ *
 سکیت مندوی - چند کان مس و آهن دارد *
 بگ ۴۲۱۵۰ * ۱۶۸۰۰۰۰ د * سوم بنسی * ۱۰۰ *
 ۸۰۰۰ پ *
 سوپر * بگ ۲۴۵۸۳ * ۱۰۰۰۰۰۰ د * سن ۱۰۰ *
 ۲۰۰۰ پ *
 سیچیه - قلعه دارد از سنگ * بگ ۸۱۱۴ * سن ۱۸ *
 ۸۰۰۰۰۰ د * سن ۲۰۰ * سن ۲۰۰۰ پ *

(۱) همچنین در [ش] [ض] بیفالی و کپسه * [ش] بالساتی و کنه || (۲) [ش] جسون
 ب نقطه || (۳) [ض] جوال || (۴) در نسخ چنور یا چیتور * و در نقشها چنور نزدیک آب بیلا ||
 (۵) [ض] دوبال * و قلعه در [ش] مذکور نیست || (۶) [ش] سسه * [ش] سورج بنسی ||
 (۷) [ش] ۴۲۴۲۳۲ * [گ] ۲۴۱۸۲۳۲ * و در [ش] در میان مطرها لفظ هوده نوشته || (۸) [ش] بنوت *
 [ش] هودت ب نقطه * این پرگنه در [گ] نیست * در نقشها پرگنه ایست گده شانکر نام || (۹) [ش]
 سکیت * در دیگر نسخ سکیت * و در نقشها سکیت و مندوی || (۱۰) در [ش] نیست * [ض] سسه وال
 یا سسه وال || (۱۱) [ش] سسه وال * [ش] سینه وال * [ض] سسه وال ||

- سورن * ۲۱۳۳۳۳ (۱) * ۹۷۱۷۳ * بگ ۴۷۲۲۶۰۴ د * ۵۲۶۳۹۵ د *
 شیخوپور * بگ ۹۷۱۷۳ * ۴۷۲۲۶۰۴ د * ۵۲۶۳۹۵ د *
 بهتی * ۱۵۰ * سن ۲۰۰۰ پ *
 شیرگده * ۳۶۴۰ * بگ ۱۹۴۲۹۴ د *
 عیسی پور * ۳۴۹۶۶۷۵۰۰ د *
 کوتهی * بگ ۱۱۶۲۸۹ د * ۵۵۴۶۶۶۱ د * ۳۰۶۷۰ د *
 جت * ۳۰ * سن ۴۰۰ پ *
 گده دنیاله * بگ ۵۸۰۸۳ * ۲۶۷۰۰۸۷ د * ۴۵۳۰۰ د *
 جت * ۲۰ * سن ۲۰۰ پ *
 کرته * بگ ۴۲۱۵۲ * ۱۶۸۰۰۰۰ د * جسر تیهه *
 ۳۰۰ * سن ۴۰۰۰ پ *
 کوت لهر - قلعه دارد از سنگ * بگ ۳۲۹۳۲ * سن ۱۶ *
 ۱۳۱۰۸۴۷ د * کوت لهریه * ۲۰۰ * سن ۳۰۰۰ پ *
 کهرک دهار * بگ ۴۲۰۴۳ * سن ۱۲ * ۴۸۰۰۰۰ د *
 کپیرن کپیرا - قلعه از سنگ دارد * بگ ۱۶۰۲۱ * سن ۱۶ *
 ۲۴۰۰۰۰ د * قوم جوال - داخل نکرده *
 گنگروت - قلعه دارد از سنگ * بگ ۶۰۲۱ * سن ۱۶ *
 ۲۴۰۰۰۰ د * جوال *
 کپیره * بگ ۶۰۲۱ * سن ۱۶ * ۲۴۰۰۰۰۰ د * سورج بنسی *
 ۲۰ * سن ۴۰۰۰ پ *
 گهواسن * ۵۸۶۹۰۶ د * ۱۴ * بگ ۱۴۷۴۲ *
 لونی دهیری * بگ ۱۵۵۹ * سن ۸ * ۵۳۶۴۱۴ د *
 ۱۷۸۱۰ د *
 لعل سنگی * ۵۹۳۷ * بگ ۲۳۶۸۵۰ د *
 میانی نوریه * ۶۸۲۴۹ د * ۲۱۰۶۱۵۶ د *
 ۶۱۵۶ د * سن ۲۰ * سن ۴۰۰ پ *
 میلسی * بگ ۵۴۶۵۳ * سن ۱۷ * ۱۸۲۳۵۵۹ د *
 ۱۴۱۷ د * سن ۲۰ * سن ۳۰۰۰ پ *
 محمدپور * بگ ۳۸۲۳۱ * ۱۸۰۲۵۵۸ د * ۱۰۵۵۳ د *
 رنگهر مئین * ۱۰۰ * سن ۱۰۰۰ پ *
 مان سوال * ۶۶۶۸ د * ۲۸۶۶۶۷ د *
 ملوت * ۶۴۱۲ د * ۴۶۰۳۶۲۰ د *
 مندهوت * ۱۳۲۸۰ د * ۴۲۶۳۶۷ د *
 نکور * بگ ۷۸۷۳۱ * ۳۷۱۰۷۹۶ د * ۹۷۵۷ د *
 مئین * ۲۰ * سن ۱۰۰۰ پ *
 ننگل * ۴۸۰۸ د * ۲۶۷۲۸۰ د *
 نکرده * بگ ۳۲۶۴۲ * ۱۳۰۰۰۶۱ د * جوال *
 ۵۰۰ * سن ۵۰۰۰ پ *
 نوننگل * بگ ۴۶۱۸۰ * ۲۳۱۵۳۶۸ د * بلوچ جت *
 ۳۰ * سن ۳۰۰ پ *
 نندون * بگ ۱۳۳۴۳۹ * ۵۳۰۰۰۰۰ د * نگر کوتیه *
 ۱۰۰ * سن ۱۵۰۰ پ *
 هر هانه با انبر آباد - ۲ محل * بگ ۶۲۶۸۸۹ *
 ۶۰۳۲۰۳۲۵ د * ۴۹۶۵۰ د * سن ۴۰۰۰ پ *
 ۴۰۰ * سن ۴۰۰۰ پ *
 هادی آباد * بگ ۱۷۱۲۶ د * ۵۱۹۴۶۷ د * ۲۰۶۷۵ د *

(۱) [گ] دام * و در نسخ درخانه اراضی نوشته || (۲) همچنین در نسخ * و در نقشها گده دیواله || (۳) در
 [ش] نیست * و امروز پرگنه از نورپور کپیرن نام و تپیرا از نندون || (۴) در [ض] نیست * در [ش] این الفاظ درخانه
 پرگنه گنگروت نوشته || (۵) در [ش] نیست * و همین اراضی و نقدی در پرگنه کپیره || (۶) [ش] گهواس *
 [گ] گهواس || (۷) [ش] نوریه یا نوریه * [ض] نوریه * [گ] نوریه || (۸) [ش]
 الهی پور مروت || (۹) در [گ] نیست || (۱۰) [ض] نکرده * و در نقشها قصبه موجودست نکرده نام ||

- د ۲۶۸۴۱۳۴۵ * مختلف * ۶۷۹۵ * پ
 * ۹۹۶۵۲ * پ
 امرای بهتی * بگ ۷۰۷۵۲ * ۸ * ۱۹۴۶۰۶۵ * پ
 د ۸۶۷۳ * س * بهتی * ۵۰ * ۱۰۰۰ * پ
 اراضی باغ رای بوچه * بگ ۲۶۸۳ * ۵۲۸۳۷ * پ
 امناباد - قلعه دارد از خشت پخته .. *
 بگ ۵۱۶۷۵ * ۵۱۶۷۵ * ۲۴۸۵۳۰۰۶۵ * ۴۹۸۴۸۰ * پ
 کهر و چیمه و غیره * ۵۰۰ * ۵۰۰۰ * پ
 پنچنگر * بگ ۳۱۷۴۱ * ۱۱۸۱۶۲۲۵ * ۲۷۸۷۹۵ * پ
 جت * ۵۰ * ۵۰۰ * پ
 پرسرور * بگ ۵۰۹۸۵۸ * ۲۷۹۷۸۵۸۳ * پ
 د ۴۸۶۵۵۱ * جت باجوره و تیل *
 و غیره * ۲۰۰ * ۴۰۰۰ * پ
 بدوهندال * بگ ۲۳۷۵۲ * ۱۸ * ۱۶۱۱۸۸۲۵ * پ
 د ۴۶۹۷۹۹ * پ
 پتی ظفرال - قلعه دارد * بگ ۶۱۰۸۱۴۸ * پ
 د ۳۶۹۷۳۳۸ * ۱۵۰۸۶۵ * جت بهولرون *
 ۵۰ * ۲۰۰۰ * پ
 پتی ترملی * بگ ۲۹۰۵۶ * ۵۲۵۹۵۳ * کولرا *
 ۲۰ * ۴۰۰۰ * پ
 بهلوت * بگ ۲۰۳۱۲ * ۱۰ * ۸۱۸۱۸۲۵ * پ
 مناس * ۱۰۰ * ۲۰۰۰ * پ
 بهدران - بالای کوه واقع شده * ۲۴۰۰۰۰ * مناس *
 (۱) [ض] [بجنگر] (۲) [ض] [ماحد و سله] [ش] [باجره و یبله] (۳) [ض] [بدو هندال] (۴) [ظفرال] و بیگه یک لک و شصت و یک هزار و هشت هزار الی (۵) [بهورون] [ض] [بهوران] [ش] [بهوران] (۶) [برهلی] [ش] [برملي] (۷) [بلیناس یا بلیاس] [ض] [ملاس] (۸) [بهدان] (۹) [ملناس] [ض] [ملناس] (۱۰) [همچنین در نسخ و در] [ض] [چیمه چته نوشته] (۱۱) [ض] [چندن درک] (۱۲) [ض] [جبودهدی] [ش] [جبودهدی] [ک] [جبودهدی] (۱۳) [ض] [سنگین] (۱۴) [ض] [حبوهر] [ش] [جبودهدی] [ض] [حنویر]

- (۱) جسر و بنا .. ملناس * ۴۰۰ * ۵۰۰۰ * پ
 (۲) چری چنبا .. بگ ۲۰۲۱ * ۶ * ۲۴۰۰۰۰ * پ
 گولای * ۱۰۰ * ۱۰۰۰ * پ
 حافظ آباد * .. بگ ۱۶۹۴۹۹ * ۴۵۴۸۰۰۰ * پ
 د ۴۸۰۰۰ * جت بلن [بهر] * ۱۵۰ *
 ۱۵۰ * پ
 اراضی خانپور * .. بگ ۴۰۲ * ۲۷۰۲۸ * پ
 دولت پور * بگ ۴۷۷۹ * ۱۰ * ۱۱۵۰۵۰ * پ
 دازد بهندال برهی * بگ ۲۳۱۴۲ * ۱۷۲۵۰۸۹ * پ
 د ۲۳۷۰۸۲ * پ
 دولت آباد * بگ ۱۴۳۶۸ * ۲۴۱۷۴۰ * جت سله *
 ۱۰۰ * ۱۰۰ * پ
 روپنگر * .. بگ ۶۷۰۵ * ۴۱۰۵۱۳ * پ
 رینبا * بگ ۵۸۸۵۰ * ۲۷۵۵۰ * ۵۴۵۱۵ * پ
 زاردار و باغبان *
 رچنا * بگ ۳۰۲۰۷ * ۸۶۸۰۷۴۲۵ * ۴۴۴۲۰۸۲ * پ
 ۷۰۰ نفر * ۷۰۰۰ * پ
 ساهرمالی * .. بگ ۱۵۲۳۹۱ * ۵۵۷۴۷۶۴ * پ
 د ۱۸۳۵۳ * ۴۰ * ۱۲۰۰ * پ
 سده پور * بگ ۱۰۸۹۲۳ * ۳۱۲۷۲۱۲۵ * ۷۶۹۷۲۵ * پ
 جت مرالی * ۱۰۰ * ۲۰۰۰ * پ
 سیالکوٹ - قلعه از چشت پخته دارد - بر بلندای واقع
 است کنار جوی بید کونه * بگ ۱۰۲۰۳۵ * پ
 د ۲۲۰۹۰۷۰۲ * ۸۴۳۰۵۵ * جت گهن
 و چیمه * ۵۰۰ * ۷۰۰۰ * پ
 سحر (۷) .. بگ ۵۶۲۷ * ۷ * ۳۶۲۳۲۶ * پ
 د ۴۸۰۳ * چیمه * ۱۰۰ * ۱۰۰۰ * پ
 سوده - بر کنار دریای چناب واقع شده - یک مناره
 عالی از خشت پخته اینجا است *
 بگ ۲۱۷۲۱ * ۷۰۹۶۷۱۰۵ * ۹۷۳۱۵ * پ
 چیمه * ۱۰۰ * ۱۰۰۰ * پ
 شانزده هنجراو * بگ ۶۴۱۴۰ * ۱۵۳۹۴۸۰ * جت
 هنجراو * ۵۰ * ۱۰۰۰ * پ
 شور * بگ ۱۰۷۳۴۷ * ۲۲۷۸۹۴۰ * ۵۰۶۱ * پ
 جت لنگه سنال [سهاول] * ۱۰۰۰ * ۵۰۰۰ * پ
 فتو بهندال برهی * بگ ۷۸۲۶ * ۷ * ۶۱۳۹۱۷ * پ
 د ۵۸۴۲ * پ
 فضل آباد * .. بگ ۲۱۱۵ * ۷ * ۱۳۶۵۲۸ * پ
 گویندوال * .. بگ ۵۵۰۶۹ * ۱۲۵۳۹۵۷ * پ
 د ۱۹۴۶۲۲ * ۵۰ * ۳۰۰ * پ
 کاتهرها * بگ ۱۲۶۵۹۸ * ۱۲ * ۵۸۸۲۵۴ * پ
 کاموال * ۲۰ * ۱۰۰۰۰ * پ
 (۱) [ش] [جرونا] [ک] [جفرونا] و در [ض] [اراضی و نقدی و در] [ش] [نقدی موجود نیست] [ش]
 ۱۵۰۴۳۰ * بگ [ش] [پنجاه هزار بیست و یک لک دام چهار صد و سی بیگه و نوزده بسره] (۲) [ش]
 چری چنبا * [ض] [چری چنبا] [ک] [چری جینا] (۳) [ش] [ملسین] (۴) [ش] [سد]
 (۵) در [ش] [یک کونه به نقطه] [ش] [بیک (یا پیک) کونه] [در] [ض] [نیست] و در نقشها ایک ناله
 بفتح الف (۶) [ش] [کهنه به نقطه] [ش] [کیمس] [ض] [کیمن] (۷) [ش] [سجراو]
 [ک] [سجراو] [ض] [سجراو] (۸) در [ض] [نیست] (۹) [ش] [جت سحر] [ش] [ش]
 چیمه (۱۰) [ش] [شانزده هنجراو] [ش] [شاهزاده سنجراو] [ض] [شاهزاده هنجراو] [ک] [شانزده
 سنجراو] (۱۱) [ش] [سجراو] [ض] [سجراو] (۱۲) [ض] [کاموال] [ش] [کاهوال]

- گوجران برهي * بگ ۲۶۳۱ بس ۱۴ د ۶۷۰۹۳۶ د *
 * ۱۱۷۸۷ د
 کلا پند .. بگ ۲۸۰۱ بس ۱۹ د * ۲۰۳۹۶۴ د *
 * ۲۱۷۰۲ د
 کار نري عرف سانیا * .. بگ ۲۷۶۶۵ بس ۴ د
 * ۱۵۰۰۰۰۰ د * ۱۰۰ س * ۳۰۰ پ *
 کهرلی نرلی * د ۷۶۸۰۰۰ د
 لکهنور * .. بگ ۱۷۱۶۱ بس ۱ د ۶۸۱۸۱۸ د
 منگواله * .. بگ ۱۳۱۵۸۳ د * ۳۸۱۹۶۹۰ د
 ۵۷۷۸۸ د * جت * ۵۰ س * ۳۰۰ پ *
 محمد بری دکرار * .. بگ ۱۶۶۱ بس ۶ د
 * ۱۱۲۷۹۰۳ د * ۳۳۶۸ د * جت *
 مهرور * .. بگ ۱۰۲۵۸۶ بس ۴ د * ۳۰۰۵۶۰۲ د
 * ۶۶۰۲ د * ۵ س * ۵۰۰ پ *
 مینگوي * بگ ۶۲۲۹۳ د * ۱۴۷۵۲۲۵ د * ۵۷۴۸ د
 سلهریا و گوجر * ۲۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 منگوت - منضمین چهار قصبه است که هریک
 قلعه سنگین دارد * بگ ۱۳۱۲ د * ۸۵۱۱۹ د
 منهای * ۳۰ س * ۱۲۰۰ پ *
 ون * بگ ۱۴۰۲۳۴ د * ۳۷۱۵۵۳۳ د * ۲۰۲۷۸ د
 جارک سلهر * ۵۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 همینگر * .. بگ ۱۴۱۰۶۳ د * ۸۳۹۱۰۸۷ د
- د ۵۹۵۴۱ د * جت * ۳۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 هندیال^(۵) * بگ ۶۲۰۱ بس ۶ د * ۲۴۰۰۰۰ د * هندیاله
 * ۳۰۰ س * ۲۰۰ پ *
 * دوابه چنهت *
 ۲۱ محل * بگ ۲۶۳۳۲۱۰ بس ۵ د * ۶۴۵۰۲۳۹۴ د
 د ۵۱۰۷۰ د * اقوام مختلف * ۳۷۳۰ س *
 * ۴۴۲۰۰ پ *
 اندرهل * بگ ۳۱۰۷۰ د * ۴۸۵۴۱۸ د * گکهر *
 * ۲۰۰ س * ۳۰۰۰ پ *
 اکهندور انباران * بگ ۹۸۶۶ بس ۵ د * ۳۹۲۰۰۰ د
 منهای * ۳۰۰ س * ۳۰۰۰ پ *
 بهنیر - برکنار بهنیر واقع است * بگ ۹۱۲۱۰۷ د
 بس ۷ د * ۱۹۹۱۰۰۰۰ د * ۵۳۶۰۵ د * ۷۰۰ س *
 * ۱۰۰۰۰ پ *
 بهلول پور - بر ساحل دریای چناب واقع است *
 بگ ۱۷۰۶۰۷ د * ۳۸۳۰۵۷۵ د * ۱۰۵۸۳ د * ۱۰۰۰۰ س *
 جت * ۱۰۰ س * ۵۰۰ پ *
 برلیت * بگ ۸۷۴۸ د * ۴۰۰۰۰۰۰ د * ۵۰ س * ۳۰۰۰ پ *
 بهنیر - بر کنار نهر واقع شد * .. بگ ۲۸۶۶۸ د
 * ۱۲۰۰۰۰۰ د
 بهدو * بگ ۴۷۱۷ د * ۱۹۲۰۰۰۰ د * جت بهندوال^(۸) *
 * ۳۰ س * ۱۲۰۰ پ *

(۱) [۵] کارنری عرف سانیا * [۶] کارنری عرف سانیا * [۷] کارنری عرف سانیا * [۸] کارنری عرف سانیا *
 (۲) در [۵] نیست || (۳) [۵] میگری * [۶] میگری * [۷] منکری * [۸] مینکوی ||
 (۴) [۵] جارک * [۶] خارک سلهریا * [۷] حارک || (۵) [۵] هندیال * [۶] هندیال || (۶) [۵] هندیال
 که نامهای دوابهای پنجاب مرکب است از اول حروف نامهای دریاها چنانچه نام بیست جالندهر یا بیت
 جالندهر مرکب است از با (یعنی بیلا) و ست یا ت (یعنی ستلی) * و همچنین دوابی باری از بیلا و
 راوی و دوابی رچناو از راوی و چناب و چنهت از چناب و بهت * و امروز دوابی چنهت دوابی چچ نام دارد
 و این لفظ نیز مرکب است از جهيلم (یعنی بهت) و چناب || (۷) [۵] بهنیر * [۶] بهنیر * [۷] بهنیر *
 بهنیر و بهنیر نزدیک دریای بهت واقع شده || (۸) [۵] بهندوال * [۶] بهندوال * [۷] بهندوال ||

- برهني * بگ ۲۸۷۴ د * ۵۷۲۲۲ د * منگروال^(۱) *
 * ۱۰۰ س * ۱۰۰ پ *
 سایلا و دودیال^(۲) - محل * بگ ۲۷۴۲۱ د * ۷۳۵۷۴۱۵ د
 * کهرکر * ۲۰۰ س * ۸۰۰ پ *
 شور پور * بگ ۱۹۹۸۷۴ د * ۳۱۲۱۵۴۹ د
 د ۸۴۸۷ د * جت کهرکر جندیر *
 * ۱۰۰ س * ۱۰۰ پ *
 شکرپور * بگ ۷۶۸۴ د * ۱۰۵۰۸۱۹ د
 گجرات * بگ ۲۸۵۰۹۴ د * ۸۲۶۶۱۵۰ د * ۱۲۰ س *
 * ۱۰۰۰ پ *
 کربالی * بگ ۵۷۸۱۸ د * ۲۶۳۳۲۷۰ د * ۶۶۳۳۵ د
 * ۱۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 کهرکر * قلعه دارد از خشت پخته * بگ ۹۲۸۲۶ د
 د ۲۳۲۰۵۹۴ د * ۵۸۴۱۰ د * کهرکر *
 * ۱۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
 گهری * برکنار دریای بهت * بگ ۲۰۱۷۶ د
 د ۲۵۰۵۲۴۱ د * کهرکر * ۲۰ س * ۲۰۰ پ *
 لولور - که از خوشاب علیحد شده * بگ ۱۹۲۲۵۳ د
 د ۳۷۴۶۱۶۶ د * ۱۱۲۹۰۵ د * کهرکر و مینک *
 * ۲۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 منگلی * .. بگ ۲۸۳۹ د * ۴۳۲۰۰۰ د * منهای *
 * ۴۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *
 ملوت رای کیداری - بالایی کوه * بگ ۱۷۰۰۷ د
 د ۳۷۰۵۴۹ د * منگروال * ۴۰ س * ۴۰۰ پ *
- هریو * بگ ۲۴۷۸۷۸ د * ۹۱۵۰۸۴۸ د * ۷۶۳۲۱ د
 جت بروانج^(۴) * ۳۰۰ س * ۳۰۰۰ پ *
 هزاره * از خشت پخته قلعه دارد * بگ ۲۷۰۳۹۲ د
 د ۴۶۸۹۱۳۶ د * ۲۱۹۵۳۶ د * کهرکر جت
 بروانج^(۵) * ۷۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
 * سندس ساگر *
 ۴۲ محل * بگ ۱۴۰۹۹۷۹ د * ۵۱۹۱۲۲۰۱ د
 د ۴۶۸۰ د * اقوام مختلف * ۸۵۵۳ س *
 * ۶۹۷۰۰ پ *
 اکبرآباد ترکمیری^(۶) * بگ ۲۰۴۳۸۱ د * ۵۴۹۱۷۳۸ د
 گکهر * ۲۰۰۰ س * ۱۵۰۰۰ پ *
 اٹک بنارس * بگ ۵۴۱۸ د * ۳۲۰۲۲۱۶ د * حاصل گذر *
 کهرکر که سلاسه گویند^(۷) * ۱۰۰۰ س * ۵۰۰۰ پ *
 اولان - اینجا باری خوب پیدا میشود * بگ ۱۰۰۹۶ د
 د ۴۱۵۹۷۰ د * اوان * ۵۰ س * ۵۰۰ پ *
 بهرهاله * قلعه سنگین دارد - دریای قلعه آب سواری^(۹)
 [سوهان] روان است * بگ ۱۹۲۲۴۷ د * ۵۱۵۸۱۰۹۵ د
 بیل غاریخان * .. بگ ۱۷۴۲۶ د * ۳۴۰۰۰۰ د
 جانوهه * ۱۰۰ س * ۱۵۰۰ پ *
 بالا کهر * بگ ۵۸۲۵ د * ۱۰۰۰۰۴۰ د * کهر * ۲۰ س *
 * ۱۰۰ پ *
 پروکهر * بگ ۱۱۹۵ د * ۴۸۰۰۰ د
 بلوکی دهن * بگ ۷۶۷۹ د * ۱۳۱۶۸۰۱ د * گکهر *
 * ۱۰۰ س * ۵۰۰ پ *

(۱) [۵] منگروال || (۲) [۵] دودمال || (۳) [۵] مینک * [۶] سنک * [۷] مینک ||
 (۴) [۵] تروانج ب نقطه || (۵) همچنین در [۵] * [۶] تروانج || (۶) [۵] برکیری *
 و در نقشه ترک پتری * [۷] ترکمیری || (۷) [۵] کهرکر ب نقطه * [۸] کران که هلاسه *
 و در [۵] سلاسه یا سلاسه || (۸) [۵] بازی * [۹] ست بازی || (۹) [۵]
 دریای قلعه آب سوای روان است * [۱۰] [۵] دریای قلعه آب سوای اوست || (۱۰) [۵] پرو * [۱۱]
 بیرو * [۱۲] بر * و امروز ملک کهر مشتمل است بر هر و کهر و نالا کهر ||

(۱) **تهرچک دامی *** بگ ۶۰۸۲ د * ۲۵۰۵۷۵ د * گنهر *

۱۰۰ س * ۱۰۰۰ *

حلیله، رهناس - در قلعه سنگین دارد در پائین
ار آب کهان جاردست * بگ ۱۲۰۸۸۴ *

د ۶۰۴۰۳۱۴۰ د * ۶۷۰۵۲ د * سنگ * گنهر بگیال *

۵۰۰ س * ۳۰۰۰ *

خوشاب - نزدیک دریای بهت واقع است و اکثر
زمین آن جنگل دارد * بگ ۷۳۰۸۶ *

د ۲۷۰۲۵۰۹ د * افغان نیازی و عیسی خیل *

۵۰۰ س * ۷۰۰۰ *

دان گزی * بگ ۱۴۷۶۴۷ د * ۳۳۰۱۲۰۱ د * گنهر *

۱۵۰۰ س * ۱۰۰۰۰ *

دهنکوت - گذار دریای مهران یعنی سنده واقع
است - کان نمک دارد * بگ ۸۹۲۷ د * ۴۸۰۰۰۰ د *

اوان ۱۵۰ س * ۴۰۰۰ *

دریند * مایه ارام (؟) از قرار نقدی د ۳۱۰۰۰۰۰ *

جانوهه * ۲۵۰ س * ۵۰۰ *

دهراب * بگ ۲۳۳۰ د * ۹۶۰۰۰ د * جانوهه * ۲۵۰ س *

۱۵۰ *

دو دوت * بگ ۲۳۳۰ د * ۹۶۰۰۰ د * جانوهه * ۲۵۰ س *

۳۰۰ *

دریشان * بگ ۱۱۹۵ د * ۹۲۴۹۶ د * اوان ۱۰ س *

۲۰۰ *

شمس آباد * بگ ۲۴۹۶۴ د * ۷۰۳۴۵۰۳ د * گنهر (۴) *

۵۰ س * ۵۰۰ *

(۳) **پتلا *** بگ ۱۱۱۴۹ د * ۶۲۴۰۰۰ د * جانوهه * ۱۰۰ س *

۱۵۰۰ *

فتخپور کالوری * بگ ۱۵۷۰۴۲ د * ۴۲۶۱۸۳۱ د *

گنهر * ۵۰۰ س * ۱۰۰۰۰ *

کل بهلک * بگ ۴۰۹۱۳ د * ۲۸۸۳۲۵۳ د * ۸۱۷۶۵ د * سنگ *

بلوچ * ۳۰ س * ۲۰۰ *

(۵) **گهیب *** بگ ۱۶۹۶۱ د * ۹۳۴۱۶۱ د * کپتره * ۳۰۰ س *

۲۰۰ *

کهار دروازه * بگ ۴۳۱۶ د * ۲۴۵۴۱ د * جانوهه *

۵۰ س * ۳۰۰ *

کرجهالک * بگ ۲۱۴۹۱ د * ۹۶۱۷۵۵ د * جانوهه *

۱۰۰ س * ۱۵۰۰ *

کچاکوت - دریگ کوهی این پرگنه چشمه ایست
که آنجا حسن ابدال است * ۵۸۴۵ د *

۳۴۰۰۰۰ د * راوله ترین افغان * ۵۰ س *

۲۰۰۰ *

کاهوان - قلعه دارد از سنگ * بگ ۴۶۶۰ د *

۱۹۲۰۰۰ د * جانوهه * ۱۰ س * ۲۰۰ *

کانبیت * بگ ۲۳۳۰ د * ۹۶۰۰۰ د *

(۶) **لنگهیندار *** بگ ۲۳۳۰ د * ۹۶۰۰۰ د * ۱۰۰ س *

ماکپاله - بالای کوه قلعه سنگین دارد - آب کم
دهد و کان نمک دارد و معبد است * بگ ۹۳۲۰ د *

۸۳۴۰۰۰ د * جانوهه * ۱۰۰ س * ۱۵۰۰ *

مراپی - در دامن کوه واقع است * بگ ۵۸۲۵ د *

۲۴۰۰۰۰ د * ۱۵ س * ۵۰۰ *

(۱) [گ] تھرجک • در [ش] ے نقط • [ض] بھرجک ॥ (۲) [ش] کھوکھر ॥ (۳) [س] پٹالا •
[ش] پٹالا • [ض] میالا - وھمہ برخلاف ترتیب حروف تہجی • [گ] شنبالا ॥
کانوری بھون ॥ (۵) [س] تھیب • [ش] کسپ • [ض] کھیت • [گ] کھیس ॥
ے نقطہ • [ض] ہٹیاری • [گ] ہسپاری • [ش] لھکا میاری ॥

ملوت - قلعه دارد از سنگ بالای کوه * بگ ۳۲۶ *
 د ۱۳۳۳۳ * جانوه * ۱۰^(۱) س * ۲۰۰ پ *
 نندن پور - قلعه دارد از خشت پخته بر کوه *
 لگ ۴۰۹۹۷ * ۲۴۱۰۵ * ۴۱۰۵ س * جانوه *
 ۲۰ س * ۱۵۰ پ *
 فیلاب - زمین داخل بنارس است * بگ ۸۷۸۷ *
 ۴۸۱۳۰۵ د *
 نارمی - بر کناره سند است * بگ ۹۹۷ * ۳۸۰۹۱۵ *
 گنهر - داخل اکبرآباد *
 نوکو سیرال کهنر * بگ ۹۲۶ * ۳۸۰۹۲۵ * کهنر *
 ۱۰ س * ۵۰ پ *

هزاره قرتق * بگ ۲۱۴۱۳۲ * ۱۸۰۵۳۴۲۵ * ۵۳۴۲۵ س *
 دلازاک افغان * ۱۰۰ س * ۵۰۰ پ *
 هتیار لنگ * بگ ۷۲۸۱ * ۳۰۰۰۰۰۵ * بکری کهنری *
 هزاره گوجران * بگ ۶۵۷۵ * ۲۷۰۸۹۶۵ *
 سوار پیاده داخل اکبرآباد *
 همت خان کرمون * بگ ۱۶۵ * ۴۸۰۰۰۰۵ * گنهر -
 داخل اکبرآباد *

بیرون پنجند *

بیلوت * ۳۲۲۷۴۰۵ * بلوچ * ۱۰۰ اس * ۱۰۰۰۰ پ *
 سہلور * ۱۷۰۰۰۰۰۵ * چندیل و غیران * ۴۰ س * ۷۰۰ پ *
 کاهلور * ۱۸۰۰۰۰۰۵ * چندیل * ۵۰ س * ۱۰۰ پ *

* صوبہ ملتان *

از اول و دم و سیوم اقلیم فراهم * بیشتر از آنکه تته برین صوبه افزایش درازا از فیروزپور تا سیوستان
چهارصد و سه کوه - پهنای از خط پور تا جیسل میر صد و هشت * سپس طول تا کچه و مکران ششصد
و شصت کوه * خاور رویه پیوسته بسرکار سهند - شمالی بشور - جنوبی بصوبه اجمیر - باختر سر کچه
و مکران * لیکن برای کار آسانی هر دو را جداگانه می نویسد * گزین آبها - همان شش دریای
پیشین * بهت نزد پرگنه شور پنجاب پیوندد و بیست و هفت کوه گذشته نزد ظفر پور برای رسد
و هر سه يك رود بار شود - و بشصت کوهی نزد ارچ بسند در شوند * در دوازده کوهی نزد يك
فیروز پور بپا و ستلج در آمیزند - و از آن بس نامها برگیرد - هر هاری^(۹) دند نورنی - نزد يك ملتان
بدان چهار آمیخته آمیزش یابند * هر دریا که بسند در آید سند نام گیرد * و در تته مهران گویند *
کوه شمالی * و هوا بسان صوبه لاهور * و بیشتر چیز بدان ماند لیکن در ملتان بارش کم شود و گرما بسیار *
ملتان از کهن شهرهای هندوستانست - طول صد و هفت درجه و سی و پنج دقیقه - عرض
بیست و نه درجه و پنجاه و در دقیقه * خشتین قلعه و بلند مغارے حسن افزوده * شیخ بهار الدین
زکریا و بسیاری از اولیا را خوابگاه *

(۱) در [۵] نیست || (۲) [گ] مندن پور || (۳) [۵] قرق * [ض] قراق * [گ] فریق * در [ش] از نندن پور تا انتهای این صوبه نیست || (۴) [۵] بهکر بر کهری است * [ض] بهکره کهری || (۵) [گ] هر - هاری - داند - نورنی ؟ ||

بهرگزین در پست و آنرا در کهن نامها منصوره نویسد * هر شش دریا یکتائی گزیده از نه
او گذرد و حصه از جانب جنوب قلعه و یک بخش از شمال * باران کم شود و میوه گزین *

میان سیوی و بهرگزین دشته است - بهنگام تابستان سه ماه سموم وزد *

دریای سند در هر چند سال از جنوب بشمال گراید و آبادی دیها نیز از پی شقاید * ازین رو

خانه از چوب و خس سازند *

سه سرکار و هشتاد و هشت پرگنه بدو گراید * همه ضبطی * زمین پیموده سی و دو لک و
هفتاد و سه هزار و نهصد و سی و دو بیگه و چهار بسوه * جمع پانزده کرور و چهارده لک و سه هزار
و ششصد و نوزده دام * ازان میان سی لک و پنجاه و نه هزار و نه صد و چهل و هشت دام سیورغال *
بومی هزار و هفصد و هشتاد و پنج سوار و یک لک و شصت و پنج هزار و ششصد و پنجاه پیاده *

سرکار ملتان - چهار دوابه *

۴۷ محل * بیگه ۵۵۸۶۴۹ بسوه ۴ * دام ۵۳۹۱۶۳۱۸ * ۷۵۰۰۰ * ۵۷۴۱۲۰۰ * کچی و جونه
دام ۵۴۹۴۳۹۶ سیورغال * ۸۹۶۵ سوار *
۱۰۶۵۰ پیاده *

دوابه بیت جالندهر *

۹ محل * بگ ۵۲۰۹۰ * ۱۷۲۴۰۱۴۷۵ * ۱۴۱۰ س *
۱۷۱۰۰ *
آدم ران * بگ ۵۳۸۶ * ۳۶۹۴۵۵ * قوم حشر *
۳۰ س * ۷۰۰ *
جلال آباد * بگ ۵۰۰۰ * ۲۹۹۷۹۸ * بهیم ۱۰۰ *
۲۰۰ *
دنیا پور * بگ ۲۷۸۸۹۶۵ * ۱۸۷۶۸۶۲۵ * ۱۹۹۸ *
اوقی رانو * ۵۰ س * ۴۰۰ *
راچپور * بگ ۱۳۶۸ * ۹۰۳۹۷ * جونه ۲۰ س *
۳۰۰ *

دوابه باری *

۱۱ محل * بگ ۱۳۷۶۲۹ بس ۱۳ * ۹۸۶۳۴۱ *
۲۰۷۳۸۲ * ۷۷۵ س * ۱۴۵۵۰ *
اسلام پور - قلعه خشتین دارد * بگ ۲۳۰۸۵ *

(۱) [۵] پت یا پیت یا پیت || (۲) [۵] دامن یا وامن یا وامن * [۵] دامن * [۵] دامن * [۵]
والین || (۳) [۵] جهر یا جهر || (۴) [۵] اوقی * [۵] اونی * در [۵] نیست || (۵) [۵]
نهانه بے نقطه * در [۵] بے نقطه * [۵] نهانه || (۶) [۵] کهردر || (۷) [۵] بولدی * [۵] بولدی *
[۵] ش * لولدی || (۸) [۵] سروینو بے نقطه * [۵] سروینو * [۵] سروینو یا نهو ||

۱۵۵۰۸۹۶۵ * ۶۰۳۹۴۵ * بهیم و مرل *
۱۰۰ س * ۳۰۰۰ *
اسمعیل پور * بگ ۱۰۰ * ۴۹۹۳۲ * مرل * ۵۰ س *
۵۰ *
بلده ملای - قلعه خشتین دارد * بگ ۲۳۲۴ *
۱۷۱۹۱۶۸ * ۸۸۹۸۰۵ * بهیم و شیخزادها *
۵۰ س * ۱۰۰۰ *
تلغیه * بگ ۱۹۳۱۰ * ۱۲۰۰۷۷۸ * ۱۵۷۶۶۵ *
سوهو * ۳۰۰ س * ۵۰۰۰ *
مراض پرگنه چوکندی * بگ ۲۹۲۷۵ * ۱۹۱۰۵۴ *
حویلی شهر * .. بگ ۳۵۹۲۵ * ۲۲۸۸۳۵۴ *
۳۷۴۶۳ * بهیم *
مراض پرگنه خطپور * بگ ۲۴۸۷ * ۱۴۹۵۷۸ *
مراض دیگ راوی * بگ ۸۱۷ بس ۱۴ * ۵۰۱۴۶۵ *
شاه عالم پور * بگ ۲۴۱۲۱ * ۱۵۵۵۵۶۳ * ۱۱۸۰۵ *
۲۰۰ س * ۴۰۰۰ *
مراض پرگنه کهای بولدی * بگ ۷۵۸۴ بس ۱۹ *
۴۹۰۶۵۴ *
متیله * بگ ۴۰۶۸ * ۶۰۸۴۱۸ * ۳۵۹۸ *
جت ۲۰ س * ۵۰۰ *
دوابه رچناو *

دوابه سنده ساگر *
۴ محل * بگ ۳۴۸۱۲ * ۲۱۷۸۱۹۲۵ * ۱۳۳۹۹۵ *
۲۲۰ س * ۲۰۰۰ *
مراض اسلام پور * .. بگ ۵۷۷۵ * ۳۷۳۳۵۷ *
رنگپور * بگ ۲۲۹۰۷ * ۱۴۱۰۷۳۷ * ۱۰۷۳۷ *
جت ۲۰۰ س * ۲۰۰۰ *
راوی پور کنکئی * .. بگ ۵۵۰۰ * ۳۵۶۰۶۸ *
۲۶۶۲ * بهیم ۲۰ س * ۵۰۰ *
موضع از مواضع متفرقه - یک محل * بگ ۶۰۰ *
۳۸۰۳۰ *
بیرون پنچن *

۱۷ محل * بگ ۲۰۵۸۹۳ بس ۱۳ * ۱۸۸۲۰۲۵۵ *
۳۸۶۸۸ * ۵۸۰۰ س * ۵۷۶۰۰ *
اوباره * بگ ۱۱۳۲۰ * ۹۱۵۲۵۶ * ۱۴۶۸۴۵ *
دهر * ۳۰ س * ۵۰۰ *
اوج * .. بگ ۲۹۰۵۶ * ۱۹۱۰۱۴۰ *
شیخزادها و سادات بخاری * ۱۰۰ س * ۴۰۰ *

(۱) در [۵] بے نقطه || (۲) [۵] برج پور * [۵] ایراج پور || (۳) [۵] رنگپور - قلعه
(۴) در [۵] نیست || (۵) [۵] اوباره * [۵] گ [۵] اوباره ||

سرکار دیپالپور *

- ۲۹ محل * بگ ۱۳۳۷۶۷ بس ۸ د ۱۲۹۳۳۴۱۵۳ د
 ۲۰۷۹۱۷۰ د * بگ ۵۲۱۰ س ۵۳۳۰۰ پ
 (۶) —————
 دوا بے بیت جالندھر *
 ۱۰ محل * بگ ۷۱۰۹۳۶ بس ۱۰ د ۸۸۸۰۸۸۵۵ د
 ۱۴۸۱۵۶۳ د * بگ ۲۴۰۰ مختلف
 ۲۰۴۰۰ پ
 پتن - قلعه خشتین دارن * بگ ۴۹۰۱۴ د ۲۶۲۸۹۲۸ د
 ۵۹۹۹۹۹۹ د * بگ ۱۰۰ س ۲۰۰۰ پ
 دیپالپور لکھی - قلعه خشتین دارن *
 بگ ۲۴۲۳۳۴ بس ۱۱ د ۱۳۵۱۴۰۵۹ د
 ۴۹۹۵۳۵ د * بگ ۷۰۰۰ وکھوکر وکسو و بهتی
 ۵۰۰ س ۷۰۰۰ پ
 (۸) دهکشا - قلعه خشتین دارن * بگ ۶۰۹۷۶ بس ۱
 ۳۴۸۳۷۵ د * بگ ۳۷۱۵۲۲ د ۳۷۱۵۲۲ د * بگ ۴۰۰ پ
 دیوتیر * بگ ۴۰۷۳۰ د ۲۴۸۹۸۵۰ د ۲۴۸۹۸۵۰ د * بگ ۲۳۴۰۰ د
 ۱۰۰۰ س ۱۰۰۰ پ
 رحمت آباد * بگ ۳۸۲۸۵ د ۱۸۲۵۰۰۹ د * بگ ۱۸۲۵۰۰۹ د
 کھوکر * ۱۰۰ س ۲۰۰۰ پ
 (۱۰) قلعه خشتین دارن * بگ ۸۶۶۱۵ بس ۱۲
 ۴۸۰۳۸۱۷۵ د * بگ ۱۰۰۰ رومی ؟
 (۱۱) ۲۰۰۰ پ
 قیام پور لکھی - قلعه دارن * بگ ۵۴۶۷۸ بس ۱۹
 ۲۰۰۸۲۷۴ د * بگ ۳۸۸۵۵ د * بگ ۳۸۸۵۵ د * بگ ۳۸۸۵۵ د
 ۳۰۰ س ۲۰۰۰ پ

(۱) [گ ش] دامن * [ض] دامن (۲) [د] نودی یا نودی - و ۴۳۰۰۸۰۳۷ [ض] بروی
 یا بروی * در [ش] نیست (۳) [د] دوائی یا دوائی (۴) [د] مچلول * [ض] مچلول
 [ک] ملوت (۵) [د] مهند * [ض] هند * [ش] مند (۶) [ش] مچنین در نسخ (۷) [ش] کسوتھی
 (۸) [د] دهکشا لے نقط * [ک] دهکشا (۹) در [د] نیست (۱۰) [ک] لکھی قبوله (۱۱) [ش] جوبه

- کلفانی لکھی * بگ ۵۵۲۴۳ بس ۳ د ۲۳۸۵۹۶۹ د
 ۱۳۸۰۹ د * بگ ۵۰۰ س ۱۰۰۰ پ
 کھوکر لکھی * بگ ۲۱۱۳۰ د ۱۰۱۱۷۱۵ د
 ۳۵۳۸۳ د * بگ ۱۵۰ س ۱۰۰۰ پ
 (۱) لکھی لوسقانی * بگ ۶۱۵۱۹ بس ۱۶ د ۳۱۵۶۷۵۹ د
 ۵۹۵۹۵ د * بگ ۱۰۰ س ۲۰۰۰ پ
 دوا بے باری *
 ۴ محل * بگ ۱۹۳۹۵ بس ۹ د ۱۱۷۵۳۹۳ د
 اقوام مختلف * ۱۱۰۰ س ۱۴۰۰۰ پ
 (۲) بهر پال * بگ ۱۸۷۱۷ بس ۹ د ۱۱۷۵۳۹۳ د * بگ ۱۱۷۵۳۹۳ د
 ۵۰۰ س ۵۰۰ پ
 بابا بهوج - قلعه دارن * بگ ۳۹۳۸۵ د ۲۰۴۰۴۵۶ د
 ۳۰۲۵۶ د * بگ ۱۵۰ س ۲۰۰۰ پ
 (۳) چینی * بگ ۲۵۹۹۳ د ۱۲۰۰۹۰۰ د ۱۲۰۰۹۰۰ د * بگ ۶۰۰ د
 سادات و غیره ۵۰ س ۲۰۰۰ پ
 رحیم آباد * بگ ۲۴۳۲۹ د ۱۱۸۶۷۱۴ د * بگ ۱۱۸۶۷۱۴ د
 ۵۰۰ س ۵۰۰ پ
 صدکھو * بگ ۵۹۴۴۷ د ۳۵۵۱۶۳۰ د ۳۵۵۱۶۳۰ د * بگ ۲۰۹۷۶ د
 تھول و بلوچ ۳۰۰ س ۴۰۰۰ پ
 مندهالی * بگ ۲۵۶۲۴ د ۲۷۰۳۴۲۹ د * بگ ۲۷۰۳۴۲۹ د
 ۵۰۰ س ۵۰۰ پ
 دوا بے رچناو *
 ۷ محل * بگ ۱۴۲۸۵۶ بس ۲ د ۸۵۳۴۹۱۵ د
 ۵۸۰۸ د * بگ ۷۱۰ س ۶۳۰۰ پ
 خانپور * .. بگ ۱۹۵۹۶ بس ۱۸ د ۱۲۸۵۷۴۰ د
 ۸۰۳۸۰ د * بگ ۳۰ س ۵۰۰ پ
 داسی چندھر * بگ ۹۱۵۳ بس ۱۲ د ۶۰۵۵۵۷ د
 ۱۶۲۰ د * بگ ۵۰ س ۱۰۰۰ پ
 شهزاده بلوچ * بگ ۱۲۷۴۹ بس ۱۲ د ۷۸۹۷۴۲ د
 بلوچ ۱۰۰ س ۱۰۰۰ پ
 عابدی آباد * بگ ۵۹۷۵ د ۳۴۳۹۳۲ د * بگ ۳۴۳۹۳۲ د
 ۱۰۰ س ۳۰۰۰ پ
 فرید آباد * بگ ۱۸۷۰۸ د ۱۰۹۸۹۹۴ د * بگ ۱۰۹۸۹۹۴ د
 ۲۰ س ۱۰۰۰ پ
 کھول * بگ ۳۳۷۳۲ د ۱۹۰۷۰۹۹ د ۱۹۰۷۰۹۹ د * بگ ۲۸۰۰ د
 کھری ۳۰۰ س ۲۰۰۰ پ
 مهندس * بگ ۴۲۹۴۵ د ۲۵۰۴۱۸۲ د ۲۵۰۴۱۸۲ د * بگ ۲۰۰ س
 ۵۰۰ پ
 پیروزی پنچند *
 ۴ محل * بگ ۳۸۶۷۰ بس ۷ د ۲۰۵۸۰۷۷ د
 ۵۴۹۷۲۲ د * بگ ۱۰۰ س ۱۲۳۰۰ پ
 جلال آباد * .. بگ ۳۴۶۷۵ بس ۷ د ۱۷۳۲۸۹۵ د
 رنگر بهتی جت ۵۰ س ۱۰۰۰ پ
 جنگل * بگ ۱۸۰۱۶ د ۶۵۳۵۱۶۵ د ۶۵۳۵۱۶۵ د * بگ ۳۰۰ س
 ۴۰۰۰ پ
 عالم پور * .. بگ ۳۱۰۰۸ بس ۱۰ د ۱۵۷۹۵۵۸ د
 رنگر جت ۵۰ س ۱۰۰۰ پ
 فیروز پور * بگ ۲۱۷۷۱۰ بس ۱۷ د ۱۱۴۷۹۴۰۴ د
 ۱۹۹۴۰۴ د * بگ ۵۰۰ س ۳۰۰۰ پ
 مواضع لکھی قبوله * بگ ۲۹۰۸۵ د ۱۶۳۶۵۵۰ د
 محمد دوت * بگ ۵۶۶۱۴ بس ۱۳ د ۳۴۹۲۴۵۴ د
 ۵۶۸۰۵۶۸ د * بگ ۱۰۰ س ۳۶۰۰ پ

(۱) [گ ش] یوسفانی * [ض] لوسقانی * [د] لوسقانی یا یوسفانی (۲) [ض] پال بهر
 [ک] بهر پال (۳) [ض] چینی (۴) [ض] بهتی [ش] لے لے نقط - و یکتا که لکھی درست باشد

- بهروزی واهن * .. بگ ۱۶۹۹۶ د ۱۳۳۶۰۲۹ د
 ۱۳۵۶۴ د * بگ ۲۰۰۰ س ۲۰۰۰ پ
 جمشیر * بگ ۴۳۳۴ د ۳۴۸۰۳۷ د
 بلوچ بهر لکھی و نودی (۲) ۱۵۰ س ۲۰۰۰ پ
 دودای - قلعه خشتین دارن * بگ ۴۰۵۲۰ بس ۱۱
 ۲۴۰۰۰۰۰ د * بگ ۴۰۰۰ دودای (۳)
 ۳۰۰۰۰ پ
 دیوار اول * بگ ۲۷۱۸ د ۱۴۰۰۰۰ د * بگ ۱۴۰۰۰۰ د
 ۵۰۰ س ۵۰۰ پ
 دود خان * بگ ۱۷۸۹۰ د ۱۴۰۰۰۰ د
 مواضع راجپور * بگ ۴۵۲ د ۲۹۸۵۴ د
 زری * بگ ۱۴۰۷۵ د ۱۰۸۰۰۰۰ د
 سیت پور * بگ ۴۵۳۸ بس ۸ د ۴۶۰۸۰۰۰ د
 افغان ۱۰۰۰ س ۲۰۰۰۰ پ
 سیور اخی * بگ ۵۱۲۴ د ۲۸۸۰۰ د ۲۸۸۰۰ د * بگ ۲۰۰ س
 ۱۰۰ پ
 مواضع فتح پور * بگ ۵۲۲۴ د ۳۳۰۷۷۹ د
 مواضع کھور * بگ ۱۳۸۴ د ۸۷۲۸۹ د
 (۴) مچلول غازیپور * .. بگ ۴۰۵۲۱ د ۲۴۰۰۰۰۰ د
 موه - قلعه خشتین دارن * بگ ۹۰۸۳ د ۷۰۷۰۶۹ د
 ۲۰۴۴۰ د * بگ ۵۰ س ۱۰۰۰ پ
 مرورت - قلعه خشتین دارن * بگ ۵۴۵۶ د
 ۲۰۴۰۰۰ د * بگ ۲۰۰ س ۱۰۰۰ پ
 (۵) مهند * بگ ۹۳۳۶ بس ۱۲ د ۸۰۱۴۰۰۰ د ۸۰۱۴۰۰۰ د * بگ ۲۰۰ س
 ۱۰۰۰ پ

سرکار بهکر *

۱۲ محل * .. بگ ۲۸۲۰۱۳ د ۱۸۴۳۹۴۷ د	سنکر * بگ ۱۰۰۸۱۸ د ۱۸۰۸۹۲۸ د ۳۲۳۳۲ د
د ۶۰۰۴۱۹ د ۶۰۰۴۱۹ د ۶۰۰۴۱۹ د	سپنجه * ۵۰۰ س ۱۰۰۰ پ
الور - قلعه دارد * بگ ۱۳۳۷۰۰ د ۱۱۳۲۱۵۰ د	سیوی * ۱۳۸۱۹۳۰ د ۵۰۰ س ۱۵۰۰ پ
د ۲۰۵۵۰ د ۲۰۵۵۰ د ۲۰۵۵۰ د	نکچپور * .. بگ ۸۰۵۰ بس ۱۰ د ۴۷۷۸۵۹ د
بهکر - قلعه مستحکم دارد * ۷۴۳۶۲ د ۷۴۳۶۲ د	سپنجه و دهارجچه * ۲۰۰ س ۱۰۰۰ پ
د ۲۰۰ س ۱۰۰۰ پ	کچانه * .. بگ ۱۰۰۶۳ د ۶۴۵۲۰۵ د ۱۰۰۰ پ
چاندوله * بگ ۵۵۷۸۴۷ د ۳۱۰۲۷۰۹ د ۳۱۰۲۷۰۹ د	کهره کاکن * .. بگ ۱۵۴۱۵۱ د ۲۷۳۳۳۳۱ د
جهته * ۴۰۰ س ۸۰۰ پ	د ۱۳۸۶۰۸ د ۱۳۸۶۰۸ د ۱۳۸۶۰۸ د
جتوی * بگ ۱۷۹۸۲۱ د ۱۴ د ۲۳۴۶۸۷۳ د	کاکهری * بگ ۱۷۸۳۳۸ بس ۱۶ د ۲۱۰۶۴۳۱ د
د ۱۵۶۸۴۱ د ۱۵۶۸۴۱ د ۱۵۶۸۴۱ د	د ۱۳۲۰۸ د ۱۳۲۰۸ د ۱۳۲۰۸ د
دربيله * بگ ۱۲۱۱۴۶ د ۱۲۶۲۷۶۱۵ د ۱۲۶۲۷۶۱۵ د	مانهله * .. بگ ۱۲۸۰۷۸ د ۱۳۵۳۷۱۳ د
بهتی * ۲۰۰ س ۵۰۰ پ	د ۲۸۹۴۴ د ۲۸۹۴۴ د ۲۸۹۴۴ د

تخت نشینان *

شیخ یوسف - ۲ سال *	سلطان حسین پور سلطان فیروز - ۱ سال *
سلطان محمود شاه - ۱۷ سال *	شاه حسین حاکم سند *
سلطان قطب الدین پور او - ۱۶ سال *	میرزا کامران *
سلطان حسین پور او - ۳۰ سال *	شیرخان *
سلطان فیروز پور او - ۱ سال *	سلیم خان *
سلطان حسین مذکور *	سکندر خان *
سلطان محمود پور سلطان فیروز - ۲۷ سال *	

برخی در تصرف فرمانروایان دهلی بود و تخت بزرگان سند دست چیرگی می کشیدند و چنده غزنویان داشتند * از آن باز که این صوبه بتصرف سلطان معزالدین سام درآمد پیوسته دهلی باج گذارده * در سال هشتصد و چهل و هفت که سلطنت دهلی بسلطان علاءالدین رسید و کار فرمانروایی

(۱) [ض] دهر لجه بے نقط * [ش] سر لجه * (۲) [ض] جنه یا جنه * (۳) [ض] سپنجه
یا سپنجه * [ض] سپنجه * [ش] سپنجه * (۴) [ک] گهر جانہ * (۵) [ض] کاکری *
(۶) [ش] هارجچه * (۷) [ک] محمده * (۸) [ض] شاه حسین ارغون *

از رونق افتاد هر یک از زمستان آرزوی سری پیش گرفت * تخت بدگهران شورانرا شیخ یوسف قریشی را که مجاور شیخ بهاءالدین زکریا بود بسروری برگرفتند * و سپس رقم عزل بر ناصیه حال او کشیده آمد و بسخت تگپو خود را بدلهی پیش سلطان بهلول رسانید * و مرزبانی بیک از لنگهان بازگردید و سلطان محمود شاه لقب نهاد * گویند این بومی نخست دختر بدو داد - بدین پیوند گاه تنها بدین آمده تا آنکه شب به بخته کاری چنین شعله بازی نمود *

و در هنگام سلطنت سلطان قطب الدین سلطان محمود خلجی از مالوه به تسخیر ملتان آمد و ناساخته کار برگردید * و برخه گویند نخستین نگاه که سروری یافت قطب الدین بود * و در زمان سلطان حسین بهلول باریک شاه را با جمعی بیاروی شیخ یوسف فرستاد و بے بهره بازگردید * چون دست فرسود کهن سالگی گشت و هرزه درایان فراوان پور بزرگ خود را که فیروزخان نام داشت سلطان فیروز شاه لقب نهاد * جانشین گردانید و خود بر کنار نشست * وزیر او عماد الملک بکین پسر او را زهر بخورش داد و سلطان حسین بار دیگر بر مسند فرماندهی نشست و محمودخان ابن سلطان فیروز را ولعهد گردانید * و چون سلطان حسین سی و چهار سال یا سی حکومت کرده در گذشت سلطان محمود کلانی یافت * در زمان او چندبار لشکر مغل گرد شورش برانگیخت و ناکام بازگردید * بدگهران نافرمان از ناتوان بینی میان جام بایزید که از دیر باز وزارت داشت و سلطان غبار دوتی برانگیختند و از راه های دوردست بآئین بخته کاری سخندان غلا انداز بر ساختند و کار بآویزه کشید * دستور جدائی گزیده از ملتان به شورش رفت و خطبه سلطان سکندر لودی برخواند * چون در گذشت پور خرد سال او را سلطان حسین خطاب داده بر تخت نشاندند * میرزا شاه حسین از تنه آمده ملتان برگرفت و به لنگر خان سپرد * میرزا کامران ازو در تصرف خویش آورد * و سپس شیرخان و سلیم خان و سکندر پایه چیره دستی یافتند * و چون بغرغ دادگری جهانبانی جنت آشیانی ۲۰ هندوستان نور آگین شد ایمنی افزود * امروز بدادگری شاهنشاهی آسایش جای عالمیان *

* سرکار تنه *

از دیر باز ملکی جداگانه بود و اکنون بر قلمرو افزود * درازا از بهکر تا کچ و مکران دیست و پنجاه و هفت کوه - پهنای از قصبه بدین تا بندر لاهری صد * دیگر از قصبه چاندو از توابع بهکر تا بیکانیر شصت * خارو و گجرات - شمال بهکر - و سوی جنوبی شور دریا - باختر و کچ و مکران ۲۵ از اقلیم دوم * طول صد و دو درجه و سی دقیقه - عرض بیست و چهار درجه و ده دقیقه * نخست برهمناباد پای تخت * بزرگ شهره بود - قلعه او هزار و چهارصد برج داشت و

(۱) در [ض] نیست * (۲) [ض] لنگر خان * در دیگر نسخ لشکر خان * (۳) همچنان در نسخ *

دورتي مياني هردو يك طناب و امروز از برج و باره او فراوان نشان * سپس الور و امروز تته - و دييدل
آنها گويند * شمالي كوه چند شاخ شده - يكي تا قندهار كشيده است و ديگر از دريای شور تا قصبه
كوه بار و اين را رام گر نامند - بسيوستان انجامد و آنجا را لگهي خوانند الوس بزرگ بلوچ آنجا است
و ايشان را كلماني گويند - بيست هزار خانه - از انجمله هزار سوار * گزيده شتر از انجا برخيزد * و
ديگر از سيهوان تا سيوي - آنها كهتر نام بود * گروه نه مردمي را بنگاه - سيصد سوار و هفت هزار ۵۰
پياده * و در پايان اين گروه ديگر از بلوچ اند به نظري زبان زد روزگار - هزار كس * گزيي اسب از انجا
بر آيد * ديگر كوه است يك سر او پيدوسته بگچ و ديگر بمردم كلماني آنها كاره گويند * چهار هزار
بلوچ را بنگاه *

زمستانش محتاج پرستين نيست و تابستانش بجز سيوستان معتدل * گوناگون ميوه شود
خاصه انبه كه بس خوب باشد - و در صحرای او خرد خريزه خودرو بهم رسد * گل فراوان شود * شتر ۱۰
بسيار و خوب بر آيد * مدار بر كشتي * و بسيار گونه شود و از خرد و بزرگت چهل هزار * گورخرو
خرگوش و كوتنه پاچه و خوك و ماهی شكار كنند *

و اين ولايت غله بخش است - سيم حصه از كشاورز برگيرند * و كان نمك و آهن درو * شمالي
بسيار و گزيي پديد آيد * و در شش گروهی تته كان سنگ زرد * دراز و كوتاه بپرند و بعمارات كار برند *
مدار خورش بر برف و ماهی است * قاق سازند و كشتيها بر آمده به بنادر و ديگر شهرها برده سود ۱۵
برگيرند * و از ماهی روغن كشند و بكار كشتي آيد * قسمی است از ماهي كه پلوه گويند - به نيكرني
و خوش مزگي نم همتا - از دريای شور بسند آيد * جغرات گزيده شود - تا چهار ماه بپايد *
نزد يك سيهوان بزرگ كولاييست - درازا دو روزه راه - آنها منچور گويند - بر فراز آب زمينها
ساخته برخه ماهی گيران زندگي بسر برند *

از شگرف سوانح حال جگرخوار است * او آدمی است - بنظر و افسون جگر رباید * برخه ۲۰
چنين گويند گاه گاه او را حالتی رو دهد - بر هر كس كه نظر اندازد بيخود شود * دران هنگام مانند
انار دانه چيزی از آدمي برياید و لخته درون ساق پا نگاهدارد * درين ايام جگر بوده مدهوش باشد *
و چون از چاره نااميد شوند بر بالاي آتش اندازد - طبق وارے پهن شود و با هم پيشگان بخش كرده
بخورد و پيدمانه زندگي آن بيخود لبريز گردد * و هر كرا خواهد مانند خود سازد - پاره ازين بخورند
دند و افسوني برآموزد * و چون گرفتار آيد ساق پای او شكافته آن انار دانه آسا را بر آورند * و بخورد ۲۵

(۱) [ع] كوره يار * و صاحب مآثر الامراء كوه مار نوشته || (۲) [ع] نظري بزيان زد * [ش]
بنظري زنان زد * [ض] به ظهري زبان زد * [ك] به نظري زبان زد || (۳) در [ع] نيست *
[ش] شير || (۴) [ض] كونه پا || (۵) [ض] رسنها ||

آنت رسیده دهند - بهی پذیرد * بیشتر زنان باشند * و در کمتر زمان از دور دستها خبر آورند * و
اگر سنگها بسته بدریا اندازند فرو نشود * و چون خواهند كه ازين روش بر آرد بر هر دو شقيقه و بندهاي
او داغ نهند و چشم بنمك انباشته در خانه زير زمين چهل روز آويخته دارند و طعام بے نمك
بخوردش دهند و برخه افسون خوانند * درين هنگام او را دهچره نامند (بقلم دال هندی و هاي
خفي و سكون جيم فارسي و فتح را و هاي مكتوب) * اگرچه آن نيزو نماند ليكن شناسايي جگرخوار
باشد و بدیده وري او آن جانگزا گرفتار آيد و بخواندن افسون يا خوراندن چيزی تندرستي بخشد *
ازو شگرف داستانها گذارش كنند و شگفت آرد *

و اين ملك چهارم سرکار است از صوبه ملتان * از حدرد اوچ تا تته شمال رويه كوه های بلند خارا
و اندران الوس بلوچ گروه گره * و جانب جغوب از اوچ تا گجرات كوه هاي ريگ - از احشام
۱۰ بهتي و جز آن گوناگون * و از بهتر تا نصير پور و امر كوت مردم سوده و جاربچه و ديگران را بنگاه *
پنج سرکار و پنجاه و سه برگنه بدو گرايد * جمع شش كور و شصت و يك لك و پنجاه و دو
هزار و سيصد و نود و سه دام *

* سرکار تته *

۱۸ محل * ۲۵۹۹۹۹۱۵	سرسي جام * ۱۴۲۹۳۱۵
بندر لاهری * ۵۵۲۱۴۱۹۵	کرهر * ۳۳۲۸۴۷۶۵
بنوار * ۴۹۳۲۳۸۶۵	ليكن كهيرة * ۵۳۵۷۹۵۵
بهرام پور * ۱۳۱۱۶۱۲۵	ملجه * ۱۱۰۵۶۰۶۵
بوري * ۴۳۴۳۰۵۵	مانجر * ۱۲۲۱۷۵۲۵
جگر * ۳۴۸۴۶۲۵	نظام پور * ۳۵۲۷۲۴۵
جارا * ۸۲۳۹۰۵	سرکار حاجكان *
درک * ۲۹۷۰۴۴۱۵	۱۱ محل * ۱۱۷۸۴۵۸۶۵
دنكري * ۳۱۵۹۲۱۵	باغ فتح * ۳۴۰۱۷۳۵
رتنه * ۸۴۲۱۴۴۵	بيله * ۶۵۹۳۱۷۵
سانكوره * ۲۱۰۸۰۹۷۵	حاجكان * ۵۵۵۶۹۹۵

(۱) [ع] حشام || (۲) [ض] سوده * [ك] سوره * [ش] سوده || (۳) [ك] دويست ||
(۴) [ع] بنوار * [ض] بنوار * [ك] بنوار || (۵) [ك] درك || (۶) [ش] ف ||
(۸) [ع] ملجه * [ض] ملجه * [ك] موجه ||
ديكري || (۷) [ك] كركر ||

و چون به نهانخانه نیستی فرو شدند و راجه نیز رخت هستی بر بست بصری برخاست * زربندگان بدو گرویدند و رانی را بزنی برگرفت و زبان زدگی جاوید اندوخت - لیکن در آبادی ملک و افزونی آن کوشش نمود و بر کج و مکران چیره دستی یافت *

در زمان عمر خطاب مغیره ابی العاص از راه بحرین بدیبل آمد. * سپاه آنجا بچنگ ایستادند * مغیره دران ناوردگاه فروشد * و در خلافت عثمان آگاه خردی را به پژوهش احوال سنده * فرستادند و در سرانجام لشکر شدند * فرستاده چنان رسانید اگر لشکر بسیار رود ازوق نرسد و کم کاره نماند * و فراوان آهو برگذارد * امیر المؤمنین علی لشکر فرستاد * لخته سرحد دیبل را برگرفتند و از آگهی درگذشتن خلیفه لشکر باز گردیده بمکران شتافت * و معاویه دو بار لشکر بسنده فرستاد و هر دو بار بیشتر در آویزش فرو شدند *

و چچ چهل سال کامرانی نموده خواب واپسین کرد * سپس داهر پسر خرد چچ بر مسند بزرگی نشست * و در زمان ولید بن عبد الملک چون حجاج امارت عراق یافت از جانب خود محمد قاسم که هم این عم و هم داماد بود بسنده فرستاد * چند بار با داهر آویزشهای سترگ نمود * آخر روز پنجشنبه دهم رمضان نود و نه هجری در نورد نقد زندگی به سپرد و ملک تنه در تصرف آن گروه در آمد * دو دختر رای داهر را که در بند افتاده بودند با دیگر نقایس نزد خلیفه فرستاد * آن حیل اندوزان بکین توی پیش خلیفه و انمودند که محمد قاسم دست تصرف برکشاده است - خلیفه از نزدیکی پرهیز نموده بخشم رفت و فرمان فرستاد که در پوست خام کرده بدرگاه فرستند * بهنگامیکه میخواست بر سر رای هر چند والی قنوج دست بردی نماید منشور خلیفه رسید * از فرمان پذیری تن در داد * چون بدان آئین بدار الخلافه بردند خلیفه بدان دختران نمود * برگرفتند کام دل یافتیم و کشنده پدر خویش را بدین حال دیدیم * بر رای خلیفه شگفت آمد که چگونه بے ژرف نگهی چنین فرماید * آئین بزرگان دادگر آنست که بگفته کسی از جا نروند و در پژوهش در برین بکار برند که راستی بس کم باب و ناراستی فراوان خاصه در باره برکشیدگان خود که عالمیان بے دشمنی بر اینان جوش ناتوان بینی نمایند - و از آباد برونان خواب درون بسیار اندیشند که بسا بدگهران شوزانگیز بحرب زبانی خود را بگوان ارجی بفروشدند و بدستان سرائی بخوابی نیکوکاران برنشینند *

پس از محمد قاسم چندگاه بزرگی این ناحیت در اولاد بنی تمیم انصاری بود * و بعد از آن الویس سومره فرمان روائی کردند * سپس بقوم سیه باز گردید * خود را از نژاد جمشید شمردند

و هر یک خود را جام نامد * و در عهد جام پانهمین سلطان فیروز شاه سه بار از دهلی بر سر او لشکر برده شایسته پیکارها نمود * بار سیوم او را برگرفت و بدعلی آورد و سنده را بملازمان خود سپرد * و چون آثار نیک دانی و کاردانی از پیشانی او برخواند بایالت آن دیار فرستاد * و چون جام تغلق در گذشت پده داره میارک نام بیاروی هرزه درایان شورافزا بجای او نشست * و پس سکندر بن جام فتح خان مسند آرا شد *

و در زمان جام نندا شاه بیگ ارغون از قندهار آمده سیوی برگرفت * سلطان محمد برادر خود را آنجا گذاشته بقندهار باز گردید * و جام مذکور بر سر او لشکر فرستاد * او دران آویزه فروشد * شاه بیگ بار دیگر بدین ولایت آمد * سیهوان و بسیاری سنده بدست آورد و بمردم خود سپرده برگشت *

در عهد فیروز صلاح الدین نام از خویشان بآویزه برخاست و چون کاره از پیش رفت پناه بسلطان محمود گجراتی برد * سلطان مقدم او را گرامی داشته کومک همراه ساخت * دریاخان وزیر جام فیروز از بقیه بدو هم داستان شد و ملک سنده بچنگ بدست جام صلاح الدین افتاد * پس از چندگاه دریاخان مذکور بدستگیری جام فیروز که خمول گزیده بود همت برگماشت و باز حکومت بدو رسید * صلاح الدین بار دیگر از گجرات از سلطان لشکر آورده ملک برگرفت و فیروز بقندهار رفت و شاه بیگ کومک همراه گردانید و نزد سیاهوان جنگ پیوست و صلاح الدین با پسر پیمانده زندگی برگشت و بزرگی بر جام فیروز قرار گرفت * در سال نهصد و بیست و نه شاه بیگ آمده سنده را بدست آورد و جام فیروز بجرات رفت و دختر خود را بسلطان بهادر داد و در سلک امرای او در آمد * و حکومت سنده بشاه بیگ باز گردید * او پسر میر ذوالنون بیگ سپهسالار سلطان حسین میرزا است * قندهار در اقطاع او بود * و چون شیدک خان اوزبک به پسران سلطان حسین میرزا جنگ کرد او دران آردگاه مردانه فروشد * حکومت قندهار به پسر رشید او رسید * در مردانگی یکتائی و با علم رسمی آشنائی داشت * چون در گذشت پسر او شاه حسین بجای او نشست و ملتان را از سلطان محمود برگرفت * پس از او میرزا عیسی پسر عبدالعلی ترخان و پاینده محمد * چون ربودی داشت بکار ملک نپرداخته - میرزا جانی بیگ پسر او انتظام ده آن دیار برد تا آنکه عساکر منصوره شاهنشاهی بآن دیار رفته معدلت آراشد و میرزا جانی بیگ در سلک بندگان شاهنشاهی درآمد *

* صوبه کابل *

از سیوم و چهارم اقلیم فراهم * کشمیر - پکلی - بنبر - سواد - بچور - قندهار - زابلستان که پای تخت آن پیشتر غزنه بود و امروز کابل *

* سرکار کشمیر *

ازین صوبه کشمیر از سیوم و چهارم اقلیم * درازا از قندوروتر تا کشن گنگ صد و بیست کوه - پهنای ده تا بیست و پنج * شرقی پرستان و دریای چناب - شرقی جنوبی بانها و کوه جمو - شرقی شمال تبت کلان - مغربی پکلی و دریای کشن گنگ - مغربی جنوبی ولایت گهر - مغربی شمالی تبت خرد * هر چهار سو شمالی کوه * از هندوستان بیست و شش راه رود لیکن راه بهنیدهر و پکلی گزیده تر و بیشتر سواره توان رفت * نخستین نزدیکتر و چند شعبه دارد سه گزین - هستی وتر پیشتر در آمد لشکرها ازین راه - پدو پنجال - گیتی خداوند سه بار ازین راه به گلشن سرای کشمیر در آمد * اگر بران کوهسار گارے یا اسپر بکشند در ساعت ابر و باد برجوشد و برف و باران ریزد - تلت تله * دلکشا ملکه است - اگر یک باغ همیشه بهار با یک قلعه آسمانی بایه برخوانند سزاوار - و اگر عشرتگاه سبکروحان و خلوتگاه گوشه نشینان برگزیند درخور * آبهای خوشگوار و آبشارهای سامه افروز و هوا سازگار * برف و باران بسان توران و ایران و هنگام بارش هندوستان نیز ریزش ابر شود * زمین آبی و للمی چلکهای (؟) روح افزا * بنفشه گل سرخ نرگس خرد در صحرا صحرا * شماره گلها اندازه ۱۵ بر نقاب * بهار و خزان بسان شگرف * خانها همه چوبین - چهار آشیانه و افزون سازند * دیوار بند رسم نباشد * بر فراز سقف لاله کارند و در بهار شگفت نمایش دهد * در آشیانه پائین چاروا و برخه اسباب - دوم آسایش جا - سیومین و چهارمین برخه رخت خانه * و از بسیاری چوب و فراوانی جنبش زمین کاخ سنگین و خشتین نساوند لیکن باستانی بتخانها شگفت آور * امروز بسیاری خراب * گوناگون پشمینه بشایستگی انجام گیرد خاصه شال که بهفت کشور ارمغانی برند * و زیورترین این مرز آدمی * و شگفت آنکه باوجود بسیاری مردم و کمی سرمایه زندگی دزدی و درویشگری کم * بغیر شاه آلو و شاه توت فراوان میوه شود - خربزه و سیب و شفتالو و زرد آلو بس نیک - انگور اگرچه بسیار است لیکن گزیده کم و بیشتر بر درخت توت بردهد * توت را کم خورند * برگ او بکرم پبله کار

(۱) [ک] قندوروتر || (۲) [۸] پرستان || (۳) [۸] هستی وتر * [ک] هستی وتر * [ض] هستی ویز * [ش] بستی و بری نقطه * [ف] پستی ویز || (۴) در اکثر نسخه پیر پنجال || (۵) در [ک] نیست || (۶) همچنین در نسخ - و در حاشیه [ش] نوشته للمی بمعنی خشک || (۷) [۸] چلکهای * [ش] فن چلکهای ||

آید * و تخم از گلگت و تبت خرد آورند و از نخستین افزون و گزین برآید * بیشتر خورش برنج و شراب و ماهی و گوناگون سبزی * پسین خشک کرده نگاهدارند * برنج پخته را شب گذارند بخورند * با انبوهی شالی گزیده بهم نرسد * گندم ریزه و سیاه نام و کم بود و کمتر خورند * نخود و جو بمس ناپدید * کدی آسا گوسفند بود - آنرا هذکر گویند (بفتح ها و فون خفی و ضم دال هندی و سکون واو) بمس نازک و خوش مزه و گوارا * بیشتر پوشش پشمین * یلک جامه را چند سال بکار برند * ریزه اسپان زور آور گریده گذار بسیار * فیل و شتر نباشد - گاو سیاه رنگ بدسنجی لیکن شیر و روغن بس شایسته * گوناگون هنر پیشه که شهرهای بزرگ را سزاوار پیدا * رسم بازار کمتر - در بنگاه خویش هنگام خرید و فروخت گرم داوند * مار و کژدم و دیگر جانوران جان آزار در شهر نبود * کوه است مهادیو نام - هر جا که قلعه او دیده شود مار پیدائی نگردد * کبلک و سپش و پشه و مگس فراوان * از افزونی گریده کمان گنجشک بس ناپدید * و آنرا یلک زه برسانند - و بر زور قها سوار شده بکولها چالش نمایند * شکاری جانوران مرغابی را از هوا برداشته بر کشتیدا آورند - و گاه در زیر پای خود در میان آب داشته بر فراز آن نشینند و بس شگفت نماید * شکار گوزن و کبک نیز شود و بلند را هم بشکوند * مدار بارکشی بر کشتی و آدم گران بارها بر پشت گریده وردی نماید * ملاح و درودگرا دکان بس گرم * قوم برهمن فراوان *

اگرچه آن ملک را زبان است خاص لیکن دانش نامها بزبان سنسکرت * و نیز خط جداگانه دارند - بدان کتابها نویسند * و بیشتر بر توت که پوست درخت است و باندک کارکرد ورق بر سازند بنگارند و سالها بماند و همگی کهن نامها بر آن نوشته - و سیاهی چنان سرانجام یابد که بشست و شو فرود * اگرچه در باستانی زمان هندی دانش روائی داشت لیکن امروز گوناگون دانش و دانائی روزگار درانجا * و پزشکی و اخترشناسی هند آسا * جاماندگان چهار دیوار تقلید بسیاری سنی و برخه ۲۰ امامی و نوربخشی - آریزه دشمنی میان اینان - بیشتر از تورانی و ایرانی * خدایگران فراوان لیکن بیلک آهنگ سرایند و با هر یک ناله ایست که ناخن بر جگر زند * و شایسته کردار این بوم گریده برهمن * اگرچه از تقلید گزینی و عادت پرستی رهائی نیافته اند لیکن بی ساختگی بایزیدی نیایش پردازند - بر مخالف کیش زبان بیغاره نکشایند و زلف خواهش و پای نگاه ندارند * درختان میوه دار برنشانند و سرمایه روزی مردم شود * گوشت نخورند و زن نکنند * نزدیک دو هزار کس ۲۵ ازین گروه باشند *

(۱) [۸] کرک * [ش] کلک * [ض] گلگشت * [ک] کبلک || (۲) [۸] ش ف کدی * [ض] کوهی * و در حاشیه [ش] ف نوشته که کدی آسا بقدر قامت مانند ماده خرمی ؟ || (۳) [۸] سنسکرت ||

و تولجه را درین ملک شانزده ماشه اعتبار کنند هر ماشه شش سرخ • مهر طلا بوزن شانزده دانی و هردانی شش سرخ • از مهرهای متعارف دهلی چهار سرخ افزون • رب ساسنو سیمین نقدیست نه ماشگی • پنجوهر از مس • چهارم بخش دام و آنرا کسیره گویند • باره گانی نیمه آن • شکری چهارم بخش او • چهار کسیره راهت گویند و چهل کسیره را ساسنو • و یک و نیم ساسنو را سکه و صد ساسنو را یک لک • بشماره شاهنشاهی یک هزار دام شود •

همگی ولایت را هندی حکیم پرستش جا اندیشد • از آن چهل و پنج را خاص مهادیو شمارد و هشت و چهار را بهشن و سه به برهما و بیست و دو به درگا و هفتصد جا پیکر مار کشیده اند و بدان نیایش کنند و شگرف داستانها برگذارند •

سری نگر دارالملک • درازا چهار فرسنگ • دریای بهت و مار و لچه مکمل از میان گذرند • پسین خشک شود - دومین چنده کم شود و کشتی نکود • از دیربار این شهر آباد و گوناگون صنعت گرا بنگاه • شال گزین بافند و سقلاتی از پشم برسانند بس ملایم • درمه و پدو و دیگر پشمینه آماده گردن لیکن گزیده از تبت آورند • میر سید علی همدانی روزی چند در آن شهر بود - خانقاهی از ایشان یادگار • شرتی بلند کوهچه ایست بکوه سلیمان مشهور • و پیوست شهر دو کولاب بزرگ - همه سال پر آب • شکست آنکه با لطافت و گوارائی آب او بر روزگاران گنده نشود • همانا رستنگاه اگر است •

و بد قصبه بزرگ دراز دره ایست و در آن حوضی است بطول و عرض هفت گز - دروا بقدر آدمی • برگ پرستشگاه انگارند • شگرف آنکه یازده ماه خشک باشد و در آردی بهشت ماه الهی از دو جا آب بر جوشد • نخست در یک کنج آن • بطرز هاون گوه است سنده براری گویند (بفتح سین و نون خفی و فتح دال و های خفی و فتح با و را و الف و کسر را و سکون یای تختانی) • چون برگردد آغار تراوش از کنج دیگر شود • این را ستمریشی نامند (بفتح سین و تالی فوقانی و های مکتوب و کسر را و سکون یای تختانی و کسر شین منقوطه و سکون یای تختانی) • آن حوض ازین دو چشمه لبریز گردد - گاه یک پهر بر جوشد و گاه لحظه • سپس روی در کمی نهد چنانکه قطره نماند • و در روز سه بار بیفزاید صبح نیمروز شام • رنگارنگ گل بنام هر دو چشمه جدا جدا اندازند -

(۱) [۵] ساسو • [ش] رب ساسنو • [گ ض] ساسنو ۱۱ (۲) [ض] تنکه • [ش] چهار کسیره را جب گویند و چهل کسیره را ساسو را تیکذه و صد ساسو را الح • و در حاشیه [ش] برای ساسنو و پنجوهر ساسو و پونسو نوشته - و کسیره بفتح کاف عجمی و کسر سین بزبان کشمیر دموی را گویند که چهار حصه فلوس باشد ۱۱ (۳) [۵] بطرز هاوکوی است • [ض] نظر زوهاون کوهی است • [ش] بطرز هاون کویت سنده براری ۱۱

پس از فرود شدن آب گلهایی هر کدام بدانجا در شود • همانا پسان جام عدل ساخته باستانیاست و دام نیایشگری ساده لوحان • و نیز در آن نزدیکی چشمه ایست - شش ماه خشک باشد • روزی معین کشاورزان بدان سرزمین بنیایش روند و گوسفند و بز را به پاس گذاری بکار برند • آب بر جوشد و کشت و کار پنج دبه سیراب گردد • چون بزیادتی گراید بآئین پیش نیازمندی نمایند و آب خویشتن را بکشد • دیگر در آنجا چشمه ایست کوکرنای نامند • آب بس سبک و سرد و گوارا • اگر گرسنه بنوشد سیر گردد و در سیری اشتها آورد • و نیز هفت چشمه باندک دروی عشرت افزاید و در میانه شگرف بتخانه سنگین • ریاضت کیشیان چنانکه از در تابش گرما گرد خود فراوان آتش افروزند و مردانه وار خاکستر شوند و آنرا سرمایه ایزدی تقرب انگارند • و چشمه ایست که آنجا سنگ محک برآید • و شمالی او کوهی است بس بلند - کان آهن درو •

۱۰ موضع پنج براره از مضافات اینچ سترگ پرستش جا انگارند • در پیشین زمان بزرگ شهره بود و شگرف بتخانها داشت • در آن نزدیکی اولنگه دلکشا - نغدی مرگ نامند • همواری آن سرزمین یازگود یا خوبی سبزه و ریاحین او بسرآید یا آب و هوای او برگردان یا فیض بخشی آنرا لخته نویسد • و در موضع پربور از مضافات و بهی ده دوازده هزار بیگه زمین زعفران زار - و نظرفریب دشوار پسندان • آخر ماه فروردی و همگی اردی بهشت هنگام کشت و کار آن زمین را قلبه رانده نرم گردانند ۱۵ و بکلند قطعه قطعه زمین آماده کشت گردانند و پیازهای زعفران بخاک در نشانند • بیلک ماه سبز گردد و در آخر مهرماه الهی بکمال رسد و از یک وجب زیاده بنالد • تنه سفید نام باشد و چون یک انگشت بالش نماید آغار گل کند و یک پس از دیگری تا هشت گل عشرت آورد • و شش برگ سوسنی دارد • بیشتر میانه شش تار سه زردگون و سه لعل فام - و زعفران عبارت از سه پسین • و چون گل سپری گردد سبزی بر تنه پدید آید • و از یکبار کشتن شش سال گل بردهد - در سال اول ۲۰ کم شود و در دوم ده سی آید و در سیموم بکمال رسد تا شش سال و پیدار بچها بر کنند • اگر همانجا نگاهدارند پایه پایه کمی پذیرد لیکن برآورده بدیگر جا بکار برند •

و در موضع ربن چشمه و حوضی است • آنرا معبد شمرند چنانچه پندارند که تخم زعفران از آن چشمه پدید آمده • و در آغار کشت و کار بدان چشمه سار نیایش نمایند و شیر گارد درو ریزند - اگر این ریخته بآب فرو نشینند فال نیکو برگیرند و زعفران دلخواه شود و اگر بر روی آب ماند نچنان • و در موضع کهرزو سید و شصت چشمه عشرت افزاید و هریک را دستمایه ایزدی پرستش

(۱) [۵] شدی یا نندی • [گ ش ف] نندی • [ض] هندی ۱۱ (۲) [ف] و هی • [ض] دیهی ۱۱ (۳) [ش گ ف] تار • [ض] نار • [۵] بار ۱۱ (۴) [گ] ریون • [ش ف] زون • [ض] بلون ۱۱

دانند * و گان آهن نزد آن *

مروادون به تبت کلان پیوسته و درانجا هندو گزیده و بالیده پدید آید و بسیار بارکشد *
نزد او کوه است چترکوت خوانند - فراوان مار بر فراز او و کس بدانجا نتواند شد * و نیز بلند کوه
است دشوار - برابر او حوضی است بزرگ * هرکس بدو راه نیابد و بسا هنگام از چشم ناپدید شود * و
در هر چندگاه از سنگ بلور آسا پیکره‌های مهادیو در راه دامنۀ این کوه بیابند و سرمایه شگفت آید *
و در نزدیکی اچمدل از مضافات کهنار چشمه ایست - تا یکدست بالا بر جوشد * سردی
و سبکی و گوارایی کم همتا * بیماران چون از آب برخوردارند و کتبی مداومت نمایند تندرستی باز آرد *
و در موضع کوتهر چشمه ایست بس ژرف * گرد او سنگین بتخانها * و چون آب کمی
پذیرد صورت مهادیو از صندل ظاهر گردد * و درو تغییر نبرد *

در نزدیکی آلر کوه است بس بلند * گوزن فراوان باشد * و نمکین چشمه درو *
مثن بر تلۀ آباد - بتخانۀ بزرگ داشت * بر فراز آن خرد حوضی است * آب او کمی نپذیرد *
برخی درانجا چاه بابل پندارند و امروز بجز گره از آن نشانی نه * در نشیبگاه آن چشمه ایست - حوضی
بر سر آن ساخته اند * فراوان ماهی درو * از بزرگ داشت کس گزیده نرساند * و پهلوی او غاریست -
بایان او ناپدید *

در کهور پاره چشمه ایست - آب او سرایشب آید و غریب شگرف دهد *
در موضع اش خلوتکده بابا زین الدین ریشی است - در کمر کوه واقع * گریزند در باستانی
زمان این کوه آب نداشت - چون نشیمن ایشان شد چشمه تراش نمود * دوازده سال درین خلوتکده
بودند - آخر گران سنگ بدر غار نهاده بیرون نیامدند و هیچکس نشان نیافت *

قصه دچهر پاره پیوسته به تبت کلان در دامنۀ کوه واقع و همان چشمه پیشین آب دهد *
و در میان تبت کلان و پرگنه مذکور غاریست و در آن از یخ پیکره است امرنات نام * بزرگ
پرستش جا انگارند * چون ماه از تخت الشعاع بر آید در آن غار حباب‌واره از یخ پدید آید و هر روز
قدری افزاید تا پانزده روز و زیاده بدو گز الهی رسد * و چون ماه بکمی گراید آن صورت فیز کاستن
گیرد چنانچه انجام ماه اثری نماند * پیکر مهادیو انگارند و بر آمد کارها را دسانه دانند * و نزد آن غار

(۱) [ش ف] مروادون * [ض] مروادون * [گ] مروادون * و در نقشها مرو وردون (۲) [ش]
بالیده (۳) [ش] چترکوت (۴) [ش] دشوار برابر او * [ش] دشوار نزد او * [ف] دشوار
بر آن نزد آن * [ض] دشوار بر روی او (۵) [ش] مهادیو دامنۀ او * [ف] راه و دامنۀ او * [ض]
در راه دامنۀ او (۶) [ش ف] کوتهر * [ض] کوتهر * [گ] گونهر (۷) [ش] الو * [گ]
آلر * [ش] او * [ض] الز * و اولر نام کرلابه بزرگ (۸) در [ض] لفظه متن نیست و در [ش]
در حاشیه (۹) [ش] اش * [ش] ایش * [ض] ابس * [ف] آس (۱۰)

جوی آببست امراتی نام * گل او بسیار سفید و خجسته دانند و نئ اندایند * و بر ف آن کوهستان
هیچگاه کمی نپذیرد و از فزونی سرما و تنگی راه و دشواری گزیده مردم رنج زده بر آیند *

و در موضع داکهامون چشمه ایست - هرگاه آب بجوشد و تیره شود و خس و خاشاک
از آن در آن ملک گرد خلاف برخیزد * گان سنگ سلیمان در نزدیکی او و از آندها بر سازند *
و نزد پرگنه بهاک گوناگون رستنی دارد * پیوست آن دل نام کرلابه است بزرگ * یک
طرف آن شهر پیوسته * و در آن کول زمینهای ساختگی فراوان - کشت و کار نمایند و برخی بدگوه‌ران
لخته از آن بریده بگوشه دیگر برند * سلطان زین العابدین میان این تال از شهر تا بدان پرگنه از گل
و سنگ سده بر بسته بطول یک کوه * و نیز در آن نزدیکی چشمه ایست - رنجوران از او بنوشند
و تنومندی یابند *

و در موضع نهد هفت چشمه یکجا بر آمیزد - بس دلکشا * اطراف آن نشیمنهای سنگین
یادگار باستانیان * و نیز چشمه ایست در زمستان گرم و در تابستان فراوان سرد *

و در قریۀ باروال آبشاری از کوتل شاهکوت - بشگرف شوشه فرود آید * آنرا شاله مار گویند *
شکار ماهی فراوان بود * در جوی آب از دو طرف پنجرها نهند و چون آب نماند ماهی بدست افتد *
و در ایشه بلاری چشمه ایست پرستش جای اهل هند - نام آن سوریسر (۵) * اطراف آن سنگین

بتخانها * شکرناک چشمه ایست همه سال خشک باشد * ماهی که تاریخ نهم او روز جمعه افتد
در آن روز بر جوشد - از صبح تا شام روان باشد * برای تیمن فراوان مردم فراهم آیند * و در موضع
رنبل چشمه و حوضی است * حاجتمندان جوز را درو اندازند - اگر بر روی آب مانند نالی کاسروائی
بر گیرند و اگر فرو نشینند نگویند بر شمرند *

در بانهای بتخانه ایست درگاه نام * هرکه از حال خود و دشمن آگاهی طلبد ببرزخ بخته
۲۰ در آوند بر سازد - یکی بنام خود و دیگری بنام مخالف و درون آن نهد و در آنرا بر بندد * روز
دیگر نیایش کنان پژوهش حال نماید * از هرکه بگل و زعفران برآمده بود کار او بشایستگی گراید
و آنکه به خس و خاشاک باشد حال او تباه گردد * شگفت آنکه در خصوصت که شناسائی حق
دشوار باشد هر دو کس را دو مرغ یا دو بز داده بدین معبد فرستند و هر دو جاندار را مسموم گردانند
و هر کدام دست بدان مالد * هر که حق با اوست زهر آلود او بزید و دیگری بمیرد *

(۱) [ش] بنده (۲) [ش] تهریر * [ف] ریشه بر (۳) [ش] اشاله مار (۴) [ش]
گویش بلاری (۵) [ش] سوریسر * [گ] سوریسر * [ف] سوریش * [ش] سوریسر * در [ض] این
جمله نیست (۶) [ش] رنبل * [ض] زنبیل * [گ] زنبیل * [ف] رنبل (۷) [ش] جوزرا (۸)

در زمین ویر سرچشمه دریای بهت * حوضه است يك جریب * بشگرف آرا بر جوشد * و
 ورفا ناپدیدار * آنرا ویرناک گویند * اطراف او بسنگ گرفته اند * خاور و ریه آن سنگین بتخانها *
 در موضع تنبر چشمه ایست بون سنده نام - در فصل بهار دو ماه بر جوشد - زمان زمان پر شود و کمی
 نه پذیرد *

و در دیوسر بده بالو حوضه است پهلوناک نام - بیست گز در بیست * آب از درونه او
 بر جوشد * گرد او سبزه زارهای چشم افروز و درختان سایه دار * هر کس از آبادی سال و از نیک و
 بد حال خویش آگهی جوید - دیگ سفالین پر از برنج کرده نام خود بر کنار آن نویسد و سوبسته درون
 چشمه اندازد - پس از چندگاه آن دیگ بخود می خورد بر روی آب آید - آنرا بکشایند - اگر برنج
 خوشبو و گرم بر آید سال شایسته و حال خجسته باشد - و اگر گل و لای و خس و خاشاک
 انباشته بود حال دگرگون شود *

و دیگر وسی نام جوئی است که از دهنة کوه می آید و نشاط بخشد * و و نیز آنجا
 فرازگاهیست که از بیست گز بلندی آب بشگرف شورش فرو ریزد * ریاضتوران هذد خود را از بالای
 آن بیابان اندازند و نقد زندگی را مردانه بسپارند و آنرا دستمایه برآمد خواهش اندیشند *

کوتاه چشمه ایست یازده سال خشک باشد * و هرگاه مشتری به اسد آید روز پنجشنبه
 بجوشد و در هفت روز خشک گردد و در پنجشنبه دیگر باز بر آب ماند * تا يك سال چنین باشد * ۱۵
 در موضع متهامه درخت زاریست - عقاب بران نشیند و پر ککلی ازینجا برگیرند و هموار
 خورش بدان جانوران مقرر *

و نزد شکوه کوهچه ایست بر فراز آن چشمه ایست - همه سال بر جوشد و زیارتگاه حق پرستان *

و ریزش برف بران کهنایه نشود *

و در ناکامو چشمه ایست نیلناک نام * حوض او چهل بیگه - آب بغایت صاف کبود ۲۰
 مینماید * و آنرا نیایشگاه انگارند و در گرد او بسیاری رخت هستی بآتش در دهند * و شگفت
 آنکه ازو فال برگیرند - جوی را چهار بخش کرده دران اندازند - اگر طاق بر فراز ماند نیکو شمرند ورنه
 تباه انگارند * و همچنین شیر اگر فرو شود فرخی بار آورد و گرنه نکوهیده پندارند * و در پیشین زمان
 کتابی ازان پدید آمد آنرا نیل مننه خوانند - چگونگی کشمیر و احوال و خواص معابد بتفصیل
 درو * چنین گویند در زیر آن آب شهریست آباد و عمارات عالی دارد * و در زمان بدشاه برهمنه ۲۵

(۱) [ه] بون سنده * [ف] بهون سنده * [گ] بیون سنده * [ض] بون سنده * [ش] بهوسند ۱۱
 (۲) [ض] دیوسر بده بالو * [ش] دیوسر بده بالو ۱۱ (۳) [گ] اوکر ۱۱

در میشد * بعد از دو سه روز بدر می آمد و تحفه می آورد و خیرها میداد *

و در موضع باروا چشمه ایست که مبروصان روز یکشنبه سحرگاه بآب او تن شویند و تندرستی
 یابند * و دران نزدیکی آنگه است چراگاه ستوران و گاه آنجا فریبی بخش *

در پرگنه ایچه بموضع هل تهل درخت لزان - هر ضعیف شاخه که ازو بر جذباند همه
 بلرزند در آید *

۵ فر بکهار تبیت کلان پیوسته * شمال او کوهی است بس بلند بر همگی ملک مشرف -
 فراز او آسان نتوان شد * و در دامنه آن دو چشمه - دو گز از یکدیگر دور * آب یک فراوان سرد و دیگری
 بس گرم * آنرا پرستش جا شمرند و استخوانی کالبد را در آنجا خاکستر گردانند * و میان کوه کولابیست
 بزرگ - استخوان و خاکستر مرده در آنجا اندازند و آن را وسیله الهی تقرب پندارند * و اگر درو گوشت
 ۱۰ جانور افند برف و باران سخت در گیرد * و نیز رودباریست بس گوارا - آنرا سده برخوانند -
 از تبیت جوش برزند و از صفای آب ماهی نمودار باشد * باهنی سیخها بشکوند و دیگر روشها نیز
 بکار رود * و شهاب الدین پور کنار آب بهت است * نزد آن سترگ چنارها و بس جای نزه * و آن
 رود بدریای بهت درینجا پیوندد *

و در تیله موله قطعه زمینی است نزدیک صد بیگه * بهنگام بارش سیلاب دران فرو نشیند
 ۱۵ و چون بخشی گراید لخته تری برو ماند * مردم چوب یک گزی کم و بیش فرو برده جذبش
 دهند و سپس دست بآن سوراخ برده ماهی دوسیری و افزون بر آورند و بیشتر خرد بر آید *

و در ست پور حوضه است - کس ژرفای او را نیدارد گزنت * او را بس گرمی دارند و نیایش
 نمایند * دیگر بهوتیسر نام معبدیست منسوب بمهادیو * هر که بزیارتگری رود آواز آلات پرستش
 بگوش رسد و کس نداند که از کجاست *

۲۰ و در کهوریه هامر که پیوسته به تبیت خرد است کولایه است بزرگ اوکر نام * دوره بیست
 و هشت کوه * دریای بهت درو بریزد و لخته ناپدید گردد * و در همانجا سلطان زین العابدین والا
 نشیمن بر افراخته و آنرا زین الگ گویند * کشتیهای پر از سنگ و شاخهای درخت بزیب آب فرو برزد *
 چون سه چهار ماه بگذرد بر پسمان کشیده بر آورند * فراوان ماهی که خانه ساخته باشد ازو بر آید *
 شکار مرغابی بس شایان شود * و در موضع اجس بسیار گوزن بسوی کول برانند و بشکوند *
 ۲۵ و نزد ماچهامو جزیره ایست پر درخت - هرگاه درختان از باد بجذبش در آید جزیره نیز بلرزد *

(۱) [ه] چه سحرگاه ۱۱ (۲) [ض] ایچه * [ش] ایچ * [گ] لیچه ۱۱ (۳) [ض] بل تهل ۱۱
 (۴) [ش] کهوریه * و درگزار کشمیر کوبهامه ۱۱ (۵) [ه] اجس یا احسن * [گ] شاحسن * [ض] اجس ۱۱

در پرس پور نیز زعفران شود * بلند بتخانه داشت - سکندر پدر سلطان زین العابدین و بنوان
ساخته مسین لوحه پدید آمد - بهندی نگارش یافته پس از سپری شدن هزار و صد سال سکندر
نامی بر اندازد و فراوان و بال اندوزد *

و در پرگنه کمرج موضع تراه گلو که بنگاه چکان است چشمه ایست چترناگ نام بس گوارا *
و در میان سنگین خانه دیر سال * ماهی بزرگ شود - هر که بشکود بگزند بیدار گردن *
و نزدیک کرگانو دره ایست سویم نام * درانجا ده جریب زمین است - چون مشتری باسد
آید تا یکماه چندان گرم باشد که درخت بسوزد * دیگ پر کرده بر زمین گذارند و بزد * و نیز درو قصبچه
ایست آباد * از کمرج دره او یکسو بکاشغر پیوند و باخترویه بکلی * درانجا طلا یابند * در گذرهای
آب پوست بزلند مو بگسترند و در اطراف آن سنگ نهند تا آب نبرد پس از سه روز برداشته
بآفتاب گذارند * چون خشک شود برفشانند - زمین ریزها تا سه تولگی بر آید * و دره دیگر بدو ۱۰
پیوسته گلگت نام * این نیز بکاشغر پیوند * درانجا طلا بخاک شوئی بدست آورند *
و دو روزه راه از های هامون دریائے است که از ولایت دارو می آید پدمتی نام * ازو طلا
برستانند * و بر کنار آن سنگین بتخانه ایست آنرا شاردا گویند بدرگا منسوب * بص بزرگ دانند
در هر تنه اشمین شکل بچه بجنبش در آید و بس شگفت آورد *

همگی بوم نسقی غله بخش * ضبط زمین و دادوستد زر و سیم رسم نباشد * و جزو از سایر ۱۵
جہات نقدینه * و نقد و جنس را بخروار شالی برآورند * اگرچه از دیوار نام سه توده بزند لیکن
از دو بخش بیشتر برداشته * بدانگویی شاهنشاهی نیمه بازیافت شود * و از قرار قاضی می لک
و شصت و سه هزار و پنجاه خروار و یازده ترک * هر خروار سه من و هشت سیر اکبرشاهی *
سنگی است بوزن دو دام آنرا پل گویند - و نیمه و چهارم بخش نیز بکار برند و هفت و نیم پل را سیر
برشمرند و دو سیر را نیم من و چهار سیر را یک ترک و شانزده ترک را یک خروار * و ترک بوزن ۲۰
شاهنشاهی هشت سیر بود * او چندین ساله نرخ را بدست آورد و فراهم ساخته قسمت نمود -
خروار بیست و نه دام افتاد و خروار نقدی را سیزده دام و هشت حصه بآئین پیش مقرر
داشت * پس جمع مبلغی هفت کور و چهل و شش لک و هفتاد هزار و چهارصد و یازده دام *

(۱) [۵] دارد و ازو می آید * [گ ض] دارد || (۲) [۵] متی * [ض گ] پدمتی *
[ش] بدمتی || (۳) [۵] شاردا * در [گ] نیست * [ش] سارد - و در حاشه شاردا * [ض]
ساردا || (۴) [۵] مرتبه * [گ] تبه * [ش] هر تنه * [ض] تنه || (۵) [ش] تام *
[ف] ستوده ؟ [گ] سه یک || (۶) [۵] و از قرارش قاضی * [ض] و از ارش قاضی * [ش]
و ارسی قاضی - و در حاشیه و از قرار * [ف] و از قرار و ارسی ||

ازان میان نه لک و یک هزار و ششصد و شصت و سه خروار و هشت ترک از رهگذر نقدینه -
یک کور و بیست لک و بیست و دو هزار و یک صد و هشتاد و سه دام * و جمع که آصف خان
مقرر ساخت سی لک و هفتاد و نه هزار و چهارصد و چهل و سه خروار - از انجمله ده لک و یازده
هزار و سیصد و سی و نیم خروار نقدی * زر باج و تمغابقرمان مقدس بخشش یافت * و ازین شصت
و هفت هزار و هشتصد و بیست و چهار خروار ربع کمی پذیرفت - هشت لک و نود و هشت
هزار و چهار صد دام گشته شد * و برای آسودگی کشاورز پنج دام در ارج خروار بخشیده آمد * اگرچه
بخروار جمع آصف خان شانزده هزار و سیصد و نود و دو خروار و پنج ترک از جمع قاضی علی افزون
لیکن بشماره نقد پس از کاستگی بخشوده هشت لک و شصت هزار و سی و چهار و نیم دام کمی کزد *
ازانست که او خروار نقدی که کم بهاست بیشتر اندیشیده * در جمع که قاضی علی بدفترخانه
۱۰ عالی سپرد چهل و یک پرگنه و در نسخه آصف خان سی و هشت که در اصل همان سی و هشت
پرگنه بود * قاضی علی از ملاحظه حال دو موضع پرگنه کمرج که کرنا و دران باشد جدا بپرساخته
و نیز پرگنه سایر مواضع را دو بخش ساخته دو پرگنه شمرند * و در باستان موضع چند از هر پرگنه
گزیده سایر المواضع نام نهاده بودند خالصه میداشتند * قاضی علی چهل موضع جانب مرراج را
پرگنه حوبلی نام نهاد و هشتاد و هشت موضع کمرجی را بدستور پیش پرگنه سایر المواضع
۱۵ مقرر داشت *

و همگی ملک را پیشینیان دو بخش گردانیده اند - مشرقی را مرراج و مغربی را کمرج *
امروز که بیشتر سپاه کشمیر بر آمده است بومی چهار هزار و هشتصد و نود و دو سوار و نود و دو هزار
و چهارصد پیاده *

* سرکار کشمیر *

۳۸ محل * ۳۰۱۱۶۱۸ خروار ۱۲ ترک * زراين
۶۲۱۱۳۰۴۰ دام * از انجمله نقدی ۹۳۵۰۰۶
خروار ۱۴ ترک - و مبلغ این ۱۲۵۰۱۸۸۰ دام *
اقوام مختلف * ۳۲۰۲ سوار * ۲۷۷۶۵ پیاده *
طرف مرراج *

۲۲ محل * ۱۷۹۲۸۱۹ خروار و زراين ۳۵۷۹۶۱۲۲ دام

(۱) [گ] پانزده || (۲) [ض] در اصل * [ش ف] داخل || (۳) [ض] درادو *
[ش گ] درادو * [ف] راو * در گلزار کشمیر کرنا و درادو || (۴) [ش گ] هشت فقط ||

برگشت شرقی سري نگر - ۳ محل *

اینچ * ۱۴۴۱۰۲ خروار * نقدی ۲۶۰۳۴ خروار ۴ ترک
 ۵ سوار * ۵۰ پیداد
 بزنگ * ۷۸۸۳۴ خروار ۴ ترک * نقدی ۸۷۶۹ خروار ۸
 ترک * قوم زینه و کهمش ؟ ۶۸ س * ۱۰۰۰ پ
 رنهي * ۲۰۹۶۳۲ خروار ۸ ترک * ۱۶۱۹۶۸
 خروار ۸ ترک * قوم بت - يعني زناردار * ۱۲ س
 ۴۰۰ پ

شرقي شمالي - ۷ محل *

ارلر * ۱۲۸۶۵۶ خروار ۴ ترک * نقدی ۱۲۶۰۵ خروار
 ۸ ترک * قوم درده و شال * ۲۰ س * ۲۰۰ پ
 پهاک * ۷۱۱۱۱ خروار ۱۲ ترک * نقدی ۱۷۴۰۲ خروار
 ۸ ترک * بومي اوصاحب جمعيت نيست
 دچين پاره * ۷۵۱۵۳ خروار * نقدی ۶۹۰۲ خروار
 ۱۲ ترک * قوم خان * ۲۰ س * ۱۰۰ پ
 کهار پاره * ۴۵۲۲۶ خروار ۸ ترک * نقدی ۳۵۷۵ خروار
 ۸ ترک * قوم کهاور * ۱۰۰ س * ۵۰۰ پ
 کهنار * ۳۷۴۷۱ خروار ۴ ترک * نقدی ۳۲۲۱ خروار
 ۱۲ ترک * قوم درد * ۱۵ س * ۳۰۰ پ
 مرزادون * نقدی ۵۰۴۱ خروار * ۲۰۰ نیمه تیرانداز * ۲۰۰ پ
 مدرن * ۱۶۰۴۳۶ خروار * نقدی ۱۸۶۲ خروار
 قوم بت * ۲۰ س * ۱۰۰ پ

شرقي جنوبي - ۱۱ محل *

آدون * ۱۰۱۴۳۲ خروار ۴ ترک - مبلغ ۱۴۸۱۵ خروار
 ۱۶ ترک * قوم درد * ۱ س * ۱۰۰ پ
 اینچه * ۹۸۳۶۹ خروار * نقدی ۱۴۳۷۷ خروار ۴ ترک
 قوم زناردار * ۶ س * ۳۰۰ پ
 بانهاال * ۶۴۳۵ خروار - ۴۰ اسپ * قوم سيهره * ۴۰۰ س
 ۴۰۰ پ
 بائو * ۳۵۱ خروار - سواي راهداري که معاف شد
 نقدی ۴۲۳۵ خروار ۸ ترک * قوم نايک * ۵۰ س
 ۳۰۰ پ
 ديسوس * ۸۵۶۱۴ خروار ۸ ترک * نقدی ۸۲۲ خروار
 ۸ ترک * قوم زینه * ۳۰۰ س * ۰۰۰ پ
 زبنه پور * ۱۵۸۷۵ خروار ۴ ترک * نقدی ۱۷۹۰ خروار
 ۱ ترک * ۲۰ س
 سوپرسمن * ۶۱۳۳ خروار - سواي حاصل خطباني
 ۲۰۰۳ خروار ۴ ترک * کنبه ؟ ۷۰ س * ۲۰۰ پ
 شاداره * ۳۹۱۶۷ خروار * نقدی ۸۵۵۰ خروار ۱۲ ترک
 قوم نهخر - جمعيت ندارد
 شکوره * ۴۵۲۲۴ خروار * نقدی ۱۲۷۵۷ خروار ۸ ترک
 قوم اشوار * ۲۰ س
 ناکام * ۱۸۹۷۷۰ خروار ۱۲ ترک * نقدی ۲۴۵۷۶ خروار
 ۴ ترک * قوم بت * ۱۵ س * ۱۰۰ پ

(۱) [۵] همچنين در [۵] * [ش] و سه کهمش * [ف] سه قوم و کشمش * در [ض] گ [نيست]
 (۲) اين جمله در [ض] گ [نيست] (۳) [ف] دوازه شال * در [ض] گ [نيست] (۴) [ض]
 حاوه يا حاده * و در گلزار کشمير و چين پاره بواو نوشته * (۵) [ش] کاهو * (۶) [۵] سيهره * [ش]
 سهر * [ض] سنجر * (۷) [۵] نايک * [ض] نايک * [ش] نايک * (۸) [۵] زينه * [ش]
 رسمه * [ف] ريذه * [ض] رتيه * (۹) [۵] ف گ [سوپرسمن * [ض] سوپرسمن * [ش] سوپرسمن *
 (۱۰) [۵] مایي * (۱۱) [۵] کها * [ش] کهه * [ض] کنبه * [ف] کهنه * (۱۲) [۵] گ ف
 شاوره * [ض] گلزار کشمير * شاداره * [ش] شاداره * (۱۳) [۵] قهر * [ض] بهکر * [ف] نکهه * ۱۱

ويبر * ۱۲۲۷۰ خروار ۸ ترک * نقدی ۸۳۸ خروار
 قوم سهسه * ۵۰۰ س * ۵۰۰ پ

طرف کمرج *

۱۶ محل * ۱۲۱۸۷۹۹ خروار ۱۲ ترک * زر آن
 ۲۶۳۱۶۹۱۸ دام * نقدی ۲۷۲۹۵۴ خروار * زر آن
 ۳۶۱۶۶۳۲ دام * ۱۵۹۰ س * ۱۶۹۶۵ پ

شمالي غربي *

زينه کمر * ۱۳۲۵۳ خروار * نقدی ۳۲۵۵ خروار
 بت و مسلمان * ۵۰ س * ۱۰۰ پ
 کوبه هامون * ۸۳۶۷۰ خروار ۱۲ ترک * نقدی ۱۵۵۲۲
 خروار * قوم زینه * ۵۰ س * ۱۰۰۰ پ

جنوبي غربي *

اندرکول * ۹۵۵۳ خروار ۴ ترک * نقدی ۷۲۳۸ خروار
 قوم بت
 پرس پور * ۱۸۸۳۰ خروار ۱۲ ترک * نقدی ۳۳۵۲ خروار
 ۸ ترک * قوم سيهاي
 پتن * ۴۷۹۹ خروار ۴ ترک * نقدی ۵۲۳ خروار * بت
 و مسلمان * ۳۰ س * ۱۱۰ پ

بانکل * ۱۱۵۲۳۳ خروار ۱۲ ترک * نقدی ۲۰۴۸۰ خروار
 ۴ ترک * قوم باکري * ۲۰۰ س * ۵۰۰ پ
 بروي * ۵۷۰۹۸ خروار ۱۲ ترک * نقدی ۱۳۳۸۳ خروار
 قوم کهاو * ۳۵ س * ۳۰۰ پ
 تيلکام * ۱۵۴۱۵ خروار ۱۲ ترک * نقدی ۴۴۳۵ خروار
 ۴ ترک * قوم پندت * ۳۰ پ
 دينسو * ۵۳۲۱۹ خروار * نقدی ۱۷۰۳۸ خروار
 قوم دوني * ۱۵۰ س * ۴۰۰ پ
 دچين کهاور * ۳۶۲۲۲ خروار ۴ ترک * نقدی ۲۰۶۵۳
 خروار * کهي و کنکو و زينه * ۲۵ س * ۳۰۰ پ
 ساير المواضع * ۱۹۲۶۱۴ خروار ۴ ترک * نقدی ۱۸۵۵۳
 خروار ۱۲ ترک
 کهوئي * ۱۲۹۴۵ خروار * نقدی ۳۷۰ خروار
 قوم راوير * ۱۵ پ
 کمرج * ۳۴۲۸۴۴ خروار ۴ ترک * نقدی ۱۰۳۷۲۵ خروار
 ۴ ترک * چک * ۱۰۰۰ س * ۱۰۰۰۰ پ
 کروهن * ۱۱۵۴۷۴ خروار * نقدی ۲۹۷۷۹ خروار ۱۲ ترک
 ۱۱۰ پ

(۱) [۵] سهسه * [ف] سهه * [ض] سنسه * (۲) [ف] کهويه هامون * و در گلزار کشمير کوبهنامه *
 (۳) [۵] زينه * [ش] رسو * [ف] اهير * در [ض] نيست * (۴) [ض] بهت * (۵) [ش] اکبري *
 [ف] کهسيري * (۶) [ش] کهار * (۷) [۵] دينسو * [ش] دنيو * و در گلزار کشمير دنسيو و در
 مقامه ديگر دنسو نوشته * (۸) [۵] کنکو و زينه * [ض] کهکريينه * [ش] کهي و کنکو و دينه * [ف]
 کهکي کهکو * (۹) [۵] کهوئي * [ض] ف [کهوسي * [گ] کوهر * (۱۰) [ض] گردهن * و در گلزار
 کشمير گردهن *

* فرماندهان *

اوگند * دامودر - پور او * بال - پسر اوگند * بعد ازین سی و پنج تن دیگر حکومت کردند - نامهای آنها معلوم نیست * (۱) لوه * (۲) کشن - پور او * کهگهندر - پور او * سوزدر - پسر او * گودهر - از قوم دیگر *	سورن - پسر او * جنک - پسر او * شچی ^(۳) - پسر او * اشوک - پسر عم جنک * جلوک - پسر او * دامودر - از اولاد اشوک * هشک ^(۴) - زرشک - کنشک - هرسه برادر آئین بوده داشتند * ابهمن *
--	--

پنججاه و سه نفر مدت یک هزار و دویست و شصت و شش سال کامروا بودند *

راجه گزند - سی و پنج سال * ببیهکن - پسر او - پنججاه و سه سال * اندرجیت - پسر او - سی و پنج سال و شش ماه * راون - پسر او - سی سال * بدهیکن ^(۵) - پسر او - سی و پنج سال و شش ماه * نر ^(۶) که اوزا کهر نیز گویند (پور او - سی و نه سال و نه ماه * مده - پسر او - شصت سال * اوت پلاچه ^(۷) - پسر او - سی سال و شش ماه * هرنبا - پسر او - سی و هفت سال و هفت ماه *	هرن کل - پسر او - شصت سال * ابسکها - پسر او - شصت سال * مهرکل - پور او - هفتاد سال * بک - پسر او - شصت و سه سال و سیزده روز * کهن نذد - پسر او - سی سال * وس نذد - پسر او - پنججاه و دو سال و دو ماه * نر - پسر او - شصت سال * اچ ^(۸) - پسر او - شصت سال * گوپادت ^(۹) - پسر او - شصت سال و شش روز * کرن - پسر او - پنججاه و هفت سال و یازده روز *
--	--

(۱) [۸ گ] لو || (۲) [۸] کسی || (۳) [گ] نجیر ؟ || (۴) [۸] هشک یا پیشک *
[ض] هشک * [گ] پیشک || (۵) در نسخها بهیکن || (۶) [۸] نرکه اوزا کهر نیز * [ض]
نرکه اوزا کهر نیز گویند * [پرزسپ] نرکه اوزا کهر نیز * [گ] نرکه اوزا کهر نیز || (۷) [۸] اوت بلاچه *
[ض] اوت بلاچه به نقط * [گ] اوت بلاچه || (۸) در نسخها اچ || (۹) در نسخ کوپارت ||

نرندرات - پسر او - سی و شش سال و سه ماه و ده روز * | جدشهر - پسر او - چهل و هشت سال و ده روز *

بیست و یک تن یک هزار و پانزده سال و بیست و نه روز فرمانروایی نمودند *

پرتاپادت - بعضی گویند که او از اجداد بکرمادت است - سی و دو سال * (۱) جلوک - پسر او - سی و دو سال * (۲) [تنجینه] پسر او - سی و شش سال *	بجی - از نسل نجیر - هشت سال * (۳) جیذدر - پسر او - سی و هفت سال * آربراج - چهل و هفت سال *
---	--

شش کس یکصد و نود و دو سال حکومت کردند و گذشتند *

میگهواهن - از نیاور جدشهر - سی و چهار سال * سرشت سین - پسر او - سی سال * هون - پسر او - سی سال و دو ماه * ماترگیت برهن - چهار سال و نه ماه و یک روز * پرورسین - از اولاد میگهواهن - شصت و سه سال * جدشهر - پسر او - سی و نه سال و سه ماه *	لک همن که او را نندرات نیز گویند - سیزده سال * (۵) رنات - برادر خورد او - سیصد ^(۶) (؟) سال * بکرمادت - پسر او - چهل و دو سال * بالادت - برادر خورد او و ازو پسرے نماند - سی و شش سال *
---	--

ده نفر پانصد و نود و دو سال و دو ماه و یک روز سلطنت کردند *

درلبه وردن - داماد بالادت - سی و شش سال * پرتاپادت - نبیره دختر او - پنججاه سال * چندراپیت - پسر بزرگ او - هشت سال و هشت ماه * تاراپیت - برادر او - چهار سال و بیست و چهار روز * للتادت - برادر دیگر او - سی و شش سال و هفت ماه و یازده روز * کولیاپیت - پسر او - یک سال و پانزده روز *	بجرات - برادر او - هفت سال * پرتهاپیت - پسر او - چهار سال و یک ماه * سنگراپیت - نبیره پسر اللتادت - هفت سال * (۷) جیاپیت - نبیره پسر اللتادت - سی و یک سال * جج - خسر پور او - چند ماه * للتاپیت - پسر او - دوازده سال * سنگراماپیت - برادر او - سی و هفت سال *
--	---

(۱) [۸] حکوک * [گ] جگوک || (۲) [۸] نجیر به نقطه اول * [ض] نجیر به نقطه ثالث * [گ]
نجیر * در پرزسپ تنجینه * و بعد از آنکه نجیر تصحیف باشد || (۳) [گ] چندر || (۴) [۸] ماترگیت ||
(۵) [۸] زیادت || (۶) همچنین در نسخها || (۷) در پرزسپ نام این راجه بعد از جج نوشته شده ||

برهسپت بن لکنایه - دوازده سال *
 اننگاپیت بن سنگراماپیت - سه سال *
 اجپاپیت بن پریهوپاپیت - سی و شش سال *

هفده نفر در بیست و پنج سال و پنج ماه و بیست روز حکومت کردند *

(۲) اونت ورم - از طائفه چماران - بیست و هشت سال و سه ماه و سه روز *
 سنگوروما - پسر او - هفده سال و هفت ماه و نوزده روز *
 گوپال ورم - دو سال *
 سنگت که شهرت برادری دارد - ده روز *
 رانی سنگدها - مادر گوپال مذکور - دو سال *
 پارتی بن نرجت ورم بن سکه ورم پانزده سال و ده روز *
 نرجت ورم بن سکه ورم برادر او - یک سال و یک ماه *
 چکر ورم - ده سال و پانزده روز *

پانزده نفر هشتاد و نه سال و یک ماه و هفده روز فرمان رانی نمودند *

جسور دیو که یک از رعایا بود - نه سال *
 بورت که از بنی اعمام او بود - یک روز *
 سنگرام دیو - پسر جسور دیو - شش ماه و هفت روز *
 پروگیت که از جمله رعایای او بود - یک سال و چهار ماه *
 کهدی گیت - پسر او - هشت سال و شش ماه *
 ده نفر شصت و چهار سال و سه ماه و چهارده روز حکومت کردند *

سنگرام بن ادیراج - برادرزاده رانی - بیست و چهار سال و دو ماه *
 هر راج - پسر او - بیست و دو روز *
 اننت - پسر او - پنج سال و پنج ماه *

(۱) [۵] اجپاپیت (۲) در پرنسپ آدت (۳) [۵] سکندرها (۴) این لفظ در پرنسپ نیست (۵) در پرنسپ سورورما (۶) نام این راجه در پرنسپ نیست (۷) [گ] ۶ سال ۶ ماه ۷ روز (۸) [گ] ۲ ماه فقط

(۱) رده بن سده که یک از قاتلان این بود - یک شب و یک پهر *
 سلبن - برادر اچل - سه ماه و بیست و هفت روز *
 سسلها - برادر سلبن - هفت سال و ده ماه *
 بهیکیاچر - پسر هرس - شش ماه و دوازده روز *
 راجه سسلها - برادر دیگر - دو سال و سه ماه *
 جیسنگه بن سسلها - بیست و هفت سال *
 پرمالک بن جیسنگه - نه سال و شش ماه و ده روز *
 دنئی - پسر او - هفت سال و دو ماه *
 بنئی دیو - پسر او - نه سال و چهار ماه و هفده روز *
 جسدیو - برادر خورن او - هفده سال و سیزده روز *
 چکدیو بن جسدیو - چهارده سال و دو ماه *
 راجدیو - پسر او - بیست و سه سال و سه ماه و هفت روز *
 سنگرام دیو - پسر او - شانزده سال و ده روز *

بیست و هفت نفر سیصد و پنجاه و یک سال و شش ماه و هفده روز حکومت کردند *

سلطان شمس الدین که ملازم سینه دیو بود - دو سال و یازده ماه و بیست و پنج روز *
 سلطان جمشید - پسر او - یک سال و ده ماه *
 سلطان علاء الدین بن شمس الدین - دوازده سال و هشت ماه و سیزده روز *
 سلطان شهاب الدین - برادر او - بیست سال *
 سلطان قطب الدین بن حسن الدین - پانزده سال و پنج ماه و دو روز *
 سلطان سکندر - پسر او - که سنگار نام داشت -

بیست و دو سال و نه ماه و شش روز *
 علیشاه - پسر او - شش سال و نه ماه *
 سلطان زین العابدین - برادر خورن علیشاه - پنجاه و دو سال *
 سلطان حاجی حیدر شاه - پسر او - یک سال و دو ماه *
 سلطان حسن خان - پسر او - دوازده سال و پنج روز *
 سلطان محمد شاه - پسر او - دو سال و هفت ماه *
 فتح شاه - پسر آدم خان بن سلطان زین العابدین - نه سال و یک ماه *

(۱) در پرنسپ نیست (۲) در پرنسپ ملها (۳) همچنان در پرنسپ * در نسخ متبیل یا متبیل یا متبیل (۴) در پرنسپ پرمانه (۵) در پرنسپ بنی دیو * [گ] دلجی دیو (۶) در پرنسپ بنی دیو * [گ] بهتی دیو (۷) همچنان در نسخ * در پرنسپ سینه دیو

- سلطان محمد شاه - باز مرتبه دوم - نه ماه و نه روز *
 باز دیگر سلطان فتح شاه - يك سال و يك ماه *
 سلطان محمد شاه مرتبه سيوم - يازده سال و يازده ماه و يازده روز *
 سلطان ابراهيم بن محمد شاه - هشت ماه و بيست و پنج روز *
 سلطان نازك شاه بن فتح شاه - يك سال *
 باز سلطان محمد شاه مرتبه چهارم - سي و چهار سال و هشت ماه و ده روز *
 سلطان شمسى ابن سلطان محمد شاه - ده ماه *
 اسماعيل شاه - برادر او - دو سال و نه ماه *
 باز نازك شاه بن فتح شاه - هيزده سال و نه ماه *
 باز اسماعيل مذکور - يك سال و پنج ماه *
- سي و دو نفر دويست و هشتاد و دو سال و پنج ماه و يك روز كامروائي نمودند و گذشتند *
- ميرزا حيدر گورگان - ده سال *
 باز نازك شاه مذکور - يك سال *
 غازنخان بن كاجى چك - ده سال و شش ماه *
 حسين چك - برادر او - شش سال و ده ماه *
 علي چك - برادر او - هشت سال و نه ماه *
 يوسف شاه - پسر او - يك سال و بيست روز *
 سيد مبارك شاه كه از امرای او بود - يك ماه *
 و بيست و پنج روز *
 لوهركچك بن سكندر بن كاجى چك - يك سال و دو ماه *
- باز يوسف شاه - پنج سال و سه ماه *
 يعقوب خان - پسر او - يك سال *

يكصد و نود و يك تن در مدت چهار هزار و يكصد و نه سال و يازده ماه و نه روز فرمانروائي نموده درگذشتند *

چون رايات همايون بار اول دران بستان سراى هميشه بهار برانراخته آمد كتاب بهنلى زبان راج ترنگني نام به پيشگاه حضور آوردند كه احوال چهار هزار ساله و كسرى از مسند نشينان بازگويد * دران ديار رسم بود كه پاسبانان ملك چنده از فروهيده مردم را بتاريخ نويسى برگماشته *
 شهر يار آگهى جوبى زبان دانان هشير مغز را با ترجمه آن بازگماشت و در كمتر زمانه حسن انجام گرفت * درو چنان برگذارند كه اين كه سار را آب فرو گرفته بود * آنرا سنى سرگفتند - سنى (بفتح سين و كسر تاي فوقاني و سكون ياي تحتاني) نام زن مهاديرو - و سر (بفتح سين و سكون را) حوض را گویند * در هر روز برهما چهارده منونتر بسر آيد - در سال چهارم الهى از منونتر هفتم كه زمان آغاز آبادي كشمير است بيست و هفت بار چهار دور مذکور گذشته و از بيست و هشتم سه دور ۱۰

(۱) [گ] هشت ۱۱ (۲) ۵۵ [گ] نيست ۱۱ (۳) [گ] يك سال و يازده ماه ۱۱

و از چهارم چهار هزار و هفصد و يك سال شمسی * و چون بداستان كه برگذارند لخته از آب برآمد نخست كشب (بفتح كاف و كسر شين منقوطه و فتح باي فارسی) كه از نامور رياضتگران برشمردن برهمنان را آورده دين نوزمين آباد ساخت * چون مردم فراوان شدند بفرمان رواي دادگر آرزومند گشتند * كار آگاهان خيرسگال انجمن بر ساختند و يك را كه در آگهى و فراخي حوصله و مهرباني عام و شجاعت ذاتي يكتا بود بسري برگرفتند * و از ان پس آئين فرماندهي پديد آمد چندانكه نوبت فرمانروائي ارگند رسيد * امروز كه چهارم سال الهى است چهار هزار و چهل و چهار سال گذشته * در آريزه كه جراسنده راجه بهار در متهره با كشن نمود بدست بلبهر بزرگ برادر كشن به نيستى سرا در شد * برخه خوشاوندان كشن بيزم عروسي بقندهار مى شتافتند * دامودر بكن توري لشكر بآن صوب كشيده و بر ساحل سند كارزار نموده فرود شد * و چون زن او آستين بود و ۱۰ اختر شناسان از پسر آگهى دادند كشن مرزباني را نامزد او گردانيد * و سپس سي و پنج تن مسند آراى دولت گشتند * از ستمگارى نام و نشانه از ايشان نماند *

و چون لوه افسرخديو شد دادگري را هنگامه گرمي پذيرفت و كارها بر شناسائي نهاده آمد * در كامراج بزرگ شهره لوه پور نام آباد كرد و امروز نشان او پيدا - گویند هشتاد و چهار كرور خانه داشت * حكيم گنجه خوش ميسرايد *

۱۵ از سپاهان شنیده ام تا رى * خانه در خانه شد تنیده چون نى

بام بر بام گرشده خواهان * گویه از رى شده با سپاهان

گر يقين از ممت بگفتن نيست * عهده بر راوى است بر من نيست

و چون فرماندهي باشوك پسر عم راجه چنك باز گرديد كيش برهمن انداخته آئين جين برگرفت * شايسته كردارى پرايئه حال او بود * پور او راجه جلوك بمعذلت گستري نام بر آورد و تا كنار ۲۰ دريای شور برگرفت * و در بازگشت از قنوج دارالملك هندوستان دانش منشان آگاه دل آورد * از ديده و روى و پايشناسي هفت كس را برگزيد * نخستين را بدادگري برگماشت - دوم را ديوان بر ساخت - سيم خزانه سپرد - چهارم به تيمار سپاه نامزد فرمود - پنجم بدخشورى قرار داد - ششم را مير سامان گردانيد - هفتم را برازگداري اختر بر نشانند * از كيميا آگهى داشت * گویند بزرگ ماره فرمان پذير ساخته بود - برو سوار شده در آب زمانه دراز فرورفت - گاه پيروگاه برنا پديد آمده * ۲۵ شگرف كارها ازو برگويند * و آئين بوده دران زمان رواي يافت *

دامودر را گروه از نژاد اشوك شمارند و برخه بيگانه * عبادت گزين و نيابيشگر بود * بنفريين

رياضتگرى بپيكر مار برآمد *

در زمانِ راجه نر بوهمان بر بوده چیره دست آمدند و پرستش جای آنان خاک توده گشت *
 راجه مهرکل ستمگاره و بے آزر بود * از فیرنگی سرنوشت بسیار جهان برگرفت * چون بگریوه
 هستی و تر بار گردید فیله لغزش یافت * او را آواز فیل و طرز افتادن خوش آمد - صد فیل را چنین
 بگو نیستی فرستاد * ازان نام اختصاص یافت چه هستی فیل را گویند و وتر زیان را * در زمان او
 سنگ سترگ گذرگاه رود بارے گرفت - هر قدر که می بردند شب باز دستور پیش درست شد *
 چاره سگالان در ماندند * آواز آمد اگر ز پارسا گوهر دست رساند سنگ برخیزد * مرتبه مرتبه زنان
 زنان همی آمدند - چون نشانه ازان ظاهر نشد زنان را بتهمت بدکاری و پسران را بحرامزادگی
 و شوهران را برواداری گزند جانی می رسانید - و سه کرور آدم را بگو نیستی فرستاد تا آنکه از دست
 پارسا زنه کوزه گر آن کار شگرف برآمد و سرمایه شگفت افزائی شد * و کار او بکوناگون رنجوری
 کشیده خود را بآتش انداخت *

۱۰ راجه گوپادت فراوان آگهی داشت * بدست آویز دادگری جهان برگرفت * در قلمرو او
 تسلیع نمیشد - که و مه از گوشت پرهیز کرده * بتخانه که امروز بر کوه سلیمان است اساس نهاده
 دستور اوست *
 راجه جدشتر لخته در عذقوان فرماندهی بدادگری نشست * در کمتر زمان از
 طبیعت پرستاری و همزیانی بدگوهران مردم ازو میدند و فرمانده هندوستان و تبت آهنگ او ۱۵
 نمود * سران کشمیر او را بزندان نشانند *
 در زمان راجه بنجر [^(۱) تنجینه] در اسد برف بارید - کشت و کار نابود شد و قحط شگرف
 شورش آورد *

راجه جیندر وزیر داشت دانش منشی درست اخلاص پارسا گوهر - لایه گری و در روزی
 ندانسته * همسران جوش ناتوان بینی برزدند و خراب درونان ظاهر آباد بکین او روی آوردند و از ۲۰
 دوردست سخنان بر ساختند * از آنجا که بزرگان را درین هنگام لغزش رود و ژرف نگهی بکار نبردند و
 حسدناهمای پیشین بیکار نیارزند آن فروهیده مرد را از پای انداخت * آواره دشت ناکامی شد - و چون
 از فیرنگی تقدیر لخته آگهی داشت غم پیرامون خاطر او نمی گشت و بشادمانی چهره زندگی
 می افروخت * بدسگالان نافرجام چنان وانمودند که او اندیشه سری دارد * راجه از ناشناسائی او را
 بر دار کشید * پس از روزگارے پیر او را گذر راه افتاد - از استخوان پشانی چنان برخواند بناکامی ۲۵

(۱) [۵] نحوه نقط * [ش گ] بنجر * [ض] بلخیر * صفحہ ۵۷۵ ||

گراید و بزندان رود و بر فراز دار جان سپرد و سپس زنده شود و بسلطنت برسد * ازین آگهی بشگفت
 افتاد - او را برگرفته بگوشه نگاهداشت و بایزدی نیایش پرداخت * شبی نزد او روحانیان فراهم
 شدند - بافسوس سرائی جان بر میدند و در کمتر فرصت بر سریر فرماندهی نشست * و از کار آگهی
 خود را بر کنار کشید *

۵ میگه واهن بذیکوئی بلندنامی گرفت و هندوستان را تا کنار دریای شور آسایش جا ساخت *
 راجه هرن را چون پیدانه زندگی لبریز شد و ازو فرزندے نماند سران کشمیر براجہ بکرماجیت
 مرزبان هندوستان گردیدند *

راجہ ماترگیت کشمیری برهمنے بود دانشور * بکرماجیت والا دانش او را بر خرید و بکار
 دنیای او نپرداخت * هنگام رخصت اندک خرجی داده گسیل نمود و نوشتہ سر بهمرد سپرد
 ۱۰ که بکشمیر رساند * بدل شکستگی راه می سپرد * چون بدان دیار رسید نامه را برکشودند * نگاشته بود
 که نامه بر بسیاری خدمت درگاه کرده است و ناکامی بسیار دیده - بمحور آگهی بزرگی آن دیار بدو
 سپارند و از قهر پادشاهی اندیشیده فرمان پذیر گردند * کار آگاهان انجمن بر ساختند و فرمان پذیر شدند *
 راجه پرورسین غربت گزیده به هندوستان پیغوله گزین بود * یکی از ایزدی بندگان آگاه دل بدر مرده
 فرمانروائی داد * ازین رو بحدود نگر کوت آمد و آنرا برگرفت * چون بکرماجیت مرده بود
 ۱۵ ماترگیت ازین آگهی ترک سلطنت نموده به بنارس شتافت و کفج خمول برگزید * او بعدل و داد
 جهان را برگرفت * سری نگر که دارالملک آن دیار است اساس نهاده او * دران هنگام سی
 و شش لک خانه درو آباد کرد * واز والا همتی یازده ساله محصول کشمیر را بماترگیت فرستاد * او
 بر آرزومندان بخش کرد *

راجہ رنات دادگری نمود و عالم برگرفت * در نواحی کشتوار نزد آب چناب با زه و زاد
 ۲۰ و بسیاری خواص خود بغارے در شد و ناپدید گشت * ازو داستانهای شگفت افزا برگزید *
 راجا بالادت بر هندوستان چیره دستی نمود و تا شور دریا قلمرو خود گردانید *
 در زمان راجه چندرا پید برهمن زنه دادخواه آمد که شوی مرا کشته اند و جان شکر ناپدید *
 پاسخ داد بهیچ کس گمان داری * گفت شوی من خوی گزیده داشت - کسی را بدو دشمنی نپرد
 لیکن در پژوهش حکمت با یک در گفتگو شده * او را چون حاضر کردند خویشتن را پس دور
 ۲۵ کشید و بآتش و آب سوگند را دادن مدعی نپذیرفت مبادا از ایزدی افسون کار بیش برد * راجه
 خویش را از خواب و خور باز گرفت * یکی از دانشمندان آگاه دل در مثالی نمایش افسونه
 بر آموخت که بر برنجین آرد خوانده بهن سازد و با هر که گمان باشد بر گذارد - اگر در هنگام گذشتن

نقش پای دو کس پدید آمد دست از دامن او باز ندارد * بدین آگهی شناسای حال آمد و بادافراه سرانجام شد * و چون برهن را جان نشکوند انسی بیکرے بے سراز آهن ساخته پیشانی را نشان مند گردانید *

راجه للتاد بملک آبادي برنشست و بنديري ايزدي تائيد ايران و توران و فارس و هندوستان و خطا و همگي معموره برگرفت و دادگري فرايدش نهاد * و در شمالي کوه در گذشت * ۵
گویند بنفري مرتاض سنگ شد و برخ طرز ديگر سرايند *

راجه جياپيد بزرگي سترگ يافت و بسيارے عالم برگرفت * در بنارس نود و نه هزار و نهصد و نود و نه اسپ خيرات کرد - و همچنين فراوان خواسته بازروندان بخشيد * از کهن سالان پرسيد که لشکر للتاد جدي من بيشتر بود يا از من * پاسخ دادند لشکر تو هشتاد هزار سکهپال است و دران معرکه یک لک و بيست و پنج هزار بود - ديگر حشم را ازين اندازه برگير * چون ۱۰
راجه دورتر رفت چه خسرو را او در کشمير آهنگ سري پيش گرفت * امرای راجه بجهت پيوند زن و فرزند راه بيوفائي سپردند و عرض صوري بر بے ناموسي حقيقي کردند * راجه باکين تجرد به بنگاله شتافت و بسپاه آنجا بنگاه خود را برگرفت و چه در آويزه فروشد *

راجه للتاپيد فرومايگان را بذواخت و هزل سرايان اعتبار برگرفتند و کارانايان دانش منش کنج خمول برگرفتند * دستور چون اندرگوئي کارے برنساخت ترک دنيد نمود * ۱۵
راجه سنکروما گجرات و سند برگرفت و بر دکن چيره دستي يافت و بمربيان آنجا بازگذاشت * اگرچه از عاقوان دولت راه نکوئي بسپرد ليکن نتوانست بسربرد - بدمستي دنيا اورا بتداه خوئي شيفته گردانيد *

در زمان راجه جسکرويو برهنه را هميان صد اشرفي کم شد * از خشمناکي بجانشکري خود برنشست * دزد ازين آگهي گفت اگر پيدا سازم چند بر گيري * گفت هرچه تو خواهي * ۲۰
او ده اشرفي پيش آورد * برهن دل آزرد بداد خواهي پيش راجه آمد و حقيقت حال گذارش نمود * راجه اورا طلبداشته بدان نود اشرفي اشاره فرمود * مقصود ازين سخن آنست که هرچه ترا برای خود خواهش رود بخش او باشد *

در زمان سينه ديوشاه مير نام احمدی کيش که نسب خود را بارجن پانده ميرسانيد ملازم شد * همدزين زمان بخشي مربيان قندهار دلجو نام دست بردی نمود و ملک را يغمائی ۲۵
گردانيد * بتنگ ناي کوهستان پناه برد و از رعايا زرها بزرگرفت و آنرا بدو فرستاده لابه گري نمود و از بيمناکي سرما بازگرديد * بسيارے باشوبگه برف در شدند * و همدران روزگار زنجي نام پسر مربيان

تبت تاخت آورد و ملک سترگ و براني يانت * چون راجه درگذشت سلطنت آن ديار برنجي قرار گرفت و بداد و دهش قام برآورد * و شاه مير مذکور را وزير خود گردانيد و بهمنشيني و دمسازي کيش او برگرفت *

و چون راجه ادنديو را روزگار بسر آمد شاه مير مذکور بدستان سرائي و حيله سازي زن راجه را ۵
بزي گرفت * در هفصد و چهل و دوم هجري خطبه و سکه بنام خود گردانيد و شمس الدين لقب نهاد و خراج شش يک برستد از آنکه بکشمير آيد * در عالم مثال نموده بودند که سلطنت کشمير بدو خواهد رسيد *

و سلطان علاؤالدین حکم فرمود که زن ناپارسا ميراث شوهر نيابد *
سلطان شهاب الدين چراغ آگهي برافروخت و لواي معدلت افراشت * برنگرگوت و تبت ۱۰
و ديگر بلاد چيره دستي نمود *

و در روزگار سلطان قطب الدين مير سيد علي همداني بکشمير آمد * سلطان بس گرامي داشت *

سلطان سکندر تقليد درست و تعصب پيشه بود * بزرگ بتخانها برانداخت و مخالف کيشان را ۱۵
بناکامي برنشاند * در زمان او صاحبقران کشايش هندوستان فرمود و دو فيل بدو فرستاد * او بارش ملازمت در سر گرفت * ميانه راه آگهي آمد در همابون محفل مذکور ميشود که مربيان کشمير هزار اسپ پيشکش خواهد آورد - ازين ناشناسائي بازگرديد و پوزش خواست * علي شاه زين العابدين را جانشين خود ساخته سفر حجاز گرید * از همزباني هرزه لايان نافرجام و ناستوراي عزيمت بسگالش کشمير بازگرديد و بياوري مربيان جمو بران ملک چيره دستي يانت * زين العابدين به پنجاب آمد و بجسرت کهوهر پيوست * علي شاه فراوان لشکر فراهم آورده به پنجاب شتافت و ۲۰
آويزه سترگ روي داد * آخر گردآمود هزيمت شد * پيغوله نشين آمد و حکومت کشمير بسطان زين العابدين بازگرديد * و جسرت از کشمير رخصت گرنته آهنگ دهلي فرايدش نهاد و از سلطان بهلول لودي شکست خورده بکشمير رفت و بياوري لشکر سلطان ولايت پنجاب را برگرفت * و سلطان بر تبت و سند چيره دست آمد * دانش منش خردپژوه بود - از صالح کل فراوان نصيبه داشت *
که و مه اورا از ايزدي بندگان خاص بر شمارند و بولايت ياد کنند * و نيروي خلع بدن بدو نسبت ۲۵
دهند * ميگفت در زمان چکن مربياني ازين گروه برآيد و بدست فرمان رواي هندوستان در آيد * پس از چندين سال گذارده پيدائي گرفت * از مهرانزوني و رعيت پروري رسم جزيه و کارکشي را برانداخت * رسم جرمانه و پيشکش و مانند آن برخاست * جريب را لخته برافزود * خرچ خاصه

ازگان مس بود * داروی بیشتر خود کرده و دشوار سوانح را باسانی کشوده * دزدان را در زنجیر داشته بعمارت فرستاده * از مهربان دلی مردم را از شکار بازداشت و گوشت نخورده * و فراوان نامه را از عربی و فارسی و کشمیری و هندی ترجمه کرد * در زمان او سازندهای ایران و توران بکشمیر آمدند - از آن میان ملا عودی شاگرد بیواسطه خواجه عبدالقادر مشهور از خراسان آمد و ملا جمیل که در خوانندگی و نقش بستن یکتای روزگار بود * سلطان ابوسعید میرزا اسپان تازی و شتران بختی از خراسان بزمغانی فرستاد و سلطان بهلول لودی حاکم دهلی و سلطان محمود گجراتی بدو پیوند دوستی کردند *

سلطان حسن لشکر فراهم آورده پنجاب آمد و به تانارخان آویزشها نمود و بتاخت و تاراج آن ملک را خراب ساخت *

و در عهد فتح شاه میر شمس الدین از مریدان شاه قاسم انوار از عراق آمد و آئین نوربخشی ۱۰ روائی داد * از آن پس شورش سنی و شیعه درین دیار هنگامه افروخت * و در ایام محمد شاه بار سیرم که بملک سلطان سکندر فیروزی یانمت فردوس مکانی فتح هندوستان نمود *

و در نوبت سلطان ابراهیم ابدال ماکری بعرض فردوس مکانی رسانید که بکمر کوشش کشمیر بدست می آید * شیخ علی بیگ و محمدخان و محمودخان را بدان دیار فرستادند و ۱۵ چیره دستی یافتند لیکن بحیله سازی آن بومی نتوانستند بود * پیشکش گرفته برآمدند و سلطنت به نازک شاه قرار گرفت * و در نوبت چهار محمد شاه جنت آشیانی سربرآرا بودند و هنگامه که میرزا کامران در لاهور بود پیشین رفتگان دلنشین کردند که کشمیر بکمر توجه گرفته خواهد شد * میرزا محرم کوکرا با آن گروه بدان دیار گسیل فرمود و کشمیر گرفتند * فراوان کششها شد و از ستم ناهنجار رعایا بر جوشید و امرای چغتای آمان گرفته باز آمدند * در سال نهصد و سی بفرمان سلطان سعیدخان کاشغری سکندر خان پور او و میرزا حیدر با ده هزار کس از راه تبت و لاری کشمیر درآمدند و فراوان غنیمت گرفته باشتی در کمتر زمانه باز گردیدند * و در سال نهصد و چهل و هشت هجری میرزا حیدر بار دوم بفرموده جنت آشیانی جهانپانی و رهنمونی برخه بومی بکشمیر درآمد چنانچه در پیشین داستانها گذارده شد و لخته تبت بزرگ را برگرفت * کاجی چک بهندوستان آمد و از شیرخان کمک برد و با میرزا حیدر آویزش نموده شکست یافت * میرزا کشمیریان را ۲۵ باشتی و دوستی از خود ساخت چنانچه کشمیریان خطبه نازک شاه هم در آن روزگار میخواندند

(۱) [ش] ماکری در [ک] نیست * در دیگر نسخ باکری یا ناگری || (۲) در [ک] نیست || (۳) [ک] لاهور ؟ ||

و میرزا بنام جنت آشیانی مذکور و سکه را بر آراسته * و امروز بدواری شاهنشاهی آسایش جای گوناگون مردم ایرانی و تورانی و کشمیری نشاط افزوز * سرکار پکلی *

دارازا سی و پنج کوه و پنهان بیست و پنج * خاور رویه کشمیر - شمالی کتور (۲) - جنوبی بنگاه الوس ۵ گهر - باختر سو انگ بنارس * صاحبقرانی چنده را بیاسپانی گذاشته بودند - امروز از نژاد آن * بکوهستان او همواره برف بارد و بدشت گاه گاه سرما از گرما افزوز * و ریزش ابر هند آسا * از سه دریا فیض برگیرند - کش گنگ - بهت - سنده * زبان این دیار نه بکشمیر ماند و نه بهندوستان و نه بزابستان * نخود و جو بیشتر شود - و زرد آلو و شفتالو و چهارمغز خود رو باشد - و میوه کشتن رسم نبود * جانور شکاری و اسب و شتر و گاو میش میانه - بز و خروس فراوان * و بیشتر مرزبانان اینجا بکشمیر نیایشگری کرده *

سرکار سواد (۱)

درو سه ولایت - بنبر - سواد - بجور * نخستین را دارازا شانزده کوه - پنهان دوازده * شرقی پکلی - شمالی کتور و کاشغر - جنوبی انگ بنارس - غربی سواد * از هندوستان دو راه رود - گریوه شیرخانی - کوتل بلندری * اگرچه هر دو دشوار گذار لیکن اولین سخت تر *

دوم دارازا چهل کوه - پنهان از پنج تا پانزده * برآمد آفتاب بنبر - شمالی کتور و کاشغر - جنوب ۱۵ بگرام - فرود آمد آفتاب بجور * فراوان دره دارد * و نزدیک دره دماغ که بکاشغر پیونده قصبه منگلور حاکم نشین * از هند دو راه رود - گریوه ملکندج - شیرخانه * گرما و سرما بسیار نشود - برف بارد لیکن در دشت زیاده از سه چهار روز نبود * و در کهسار همه سال زمستان * بهار هنگام بارش هندوستان - ریزش ابر شود و بهار و خزان اوبس شگفت آور * گلهای توران و هندوستان درو - بنفشه و نرگس خود رو صحرا صحرا * گوناگون میوهها خود رسته - شفتالو و ناشپاتی خوب شود * باز و جره و شاهین گزیده بهمرسد * و کان آهن درو * سیوم دارازا بیست و پنج کوه - پنهان از پنج تا ده * خاور سو سواد - شمال کتور و کاشغر - جنوب ۲۰ بگرام - باختر کتور نورکل * از کابل فراوان دره درو *

(۱) نامهای پرگنجات این سرکار مشخص نیست || (۲) [ک] کیور * [ک] ض [ک] کتور * [ش] کتور || (۳) [ک] ض [ک] کتور * [ش] کتور یا کتور * [ک] کتور || (۴) [ک] سرخانی * [ک] سرخانی * [ش] ض [ش] شیرخانی || (۵) [ک] ملندری * [ش] مکندری - و در حاشیه بلندی || (۶) [ک] دره و مغار که * [ش] دره مغار که * [ش] دره دماغ || (۷) [ک] دره دماغ * [ش] ملکندج (یا به) شیرخانه * [ک] ملکند شیرخان * [ش] ملک رنج (یا رنج) و شیرخانه || (۸) [ک] ض [ک] کتور * [ک] ض [ک] کتور || (۹) [ک] کتور بزرگ * [ش] کتور نورکل * [ک] گز نورکل * [ش] کسر و نورکل (یا کسر و نورکل) || (۱۰) [ک] فراوان دره دره کبه باستانی * [ش] فراوان دره دره کبر (و در حاشیه کبه) باستانی * [ش] فراوان دره دارک باستانی * [ک] فراوان دره دارک باستانی ||

کبه باستانی قلعه استوار دارد و حاکم فشین گویند * امیر سید علی همدانی در بنجا رخت هستی بر بست و بحکم وصیت بخندان بودند * هوای او سواد آسا لیکن سردی و گرمی لخته افزون * بیش از سه راه ندارد * یکی از هندوستان رود - آنرا راه دانش کول نامند * و دو از کابل - یکی را سمج و دیگر کخیل و نورکل * و آسان ترین دانش کول * پیوست این دشته است میان کوه و دریای کابل و سنده درازا سی کوه - پهنا از بیست تا بیست و پنج *

همگی این سرکار از کوه و دشت یوسف زئی را بنگاه * در زمان میرزا الغ بیگ کابلی از کابل بدین سرزمین رسیدند و از سلطانان که خود را دختر ی نژاد سکندر ذوالقزنین میگیرند برگرفتند * گویند سلطان برخی خزاین خود را با بعضی خربشان درین بلاد گذاشته بود و هنوز چندی ازین گروه درین کوهستان بسر برند و نسب نامه سکندری در دست * درین دولت جاوید طراز بدگهران این مرز برخی بنیستگاه سرنگون افتادند و جرقه باسیری رفتند و گروه سعادت ایل^(۳) اندوختند *

سرکار دورونبون و عیسی خیل *

ولایت است جنوبی و مشرقی کابل * همگی افغان نشین - بیشتر بنگاه قوم شرانی^(۵) - کرانی - وزیري *

سرکار قندهار *

از سیوم اقلیم * درازا از قلات بنجاره تا غور و غرجستان سیصد کوه - پهنا از سند تا فو ۱۵ دویست و شصت * آفتاب برآمد سند - شمال غور و غرجستان - جنوب سیوری - نشسته آفتاب فو - کابل و غزنین میان شرق و شمال * اگرچه در شهر برف کمتر بارد لیکن در کپسار پیوسته * هزده دینار را تومان گویند - هر تومان هشتصد دام * تومان خراسان سی روپیه و تومان عراق چهل * بیشتر حبوب را بخروار برگذارند و آن چهل من قندهار و ده من هندوستان * قندهار دار الملك - طول صد و هفت^(۶) درجه و چهل دقیقه و عرض سی و سه درجه و ۲۰ چهل دقیقه * در تله دارد * سخت گرم شود و سرما کم لیکن در دی و بهمن یخداها بر آمایند * پس از سه چهار سال^(۷) ریزش برف نشاط آورد * گل و میوه فراوان * گندم آن بس سفید - بدور دستها ارمغانی برند * در پنج کوهی کوه است - آنرا از کوه گویند و شگرف غارے درو مشهور

(۱) [۵ گ] خندان - و همچنان در نوازه اولیا * [ش ض] جیلان || (۲) [۵] کنیر و نورکل * [ش] کرد نورکل * [ض] کرو نورکل * [گ] گزنورکل || (۳) [۵] ایللی * [ض] ابدی || (۴) [۵ گ] دورنیان و * [ض] دورونبون و * [ش] دورونبون عیسی خیل || (۵) [۵ گ] شرانی * [ش] شرانی * [ض] شیرانی || (۶) [ش] بیست * [گ] هفتاد || (۷) [ش] ماه ||

بغار جمشید * چراغاها برافروخته در شوند و از گرفتگی هوا اندازه نیازند گرفت * و در هشت گروهی قلات بزرگ کوه است * در کمر آن شگرف غارے - آنرا غار شاه گویند * دران میان دو ستون خدا آفرین - یک پیوسته بسقف غار ببلندی سی گز * آب از بالای او بیابان آید و در حوضه که نزد اوست بریزد * و دیگر یازده گزی * آب هر مند از دامنه برین گذرد - میان بلخ و کابل سرچشمه آن * و معنی هر مند برکت مند * مولانا معین الدین در تاریخ خراسان آورده هزار جو ازو سیراب * شانزده کوهی کوه است - در دامن آن زمینی که آنرا نقیل گویند * پیشین^(۴) زمان کاریز بهیار داشت * خروار فراوان و خوب شود * و شاداب چشمها ازین کوه بر جوشد * و کان آهن آنجا - در دامنه آن آهنین نفورے برای بخن آهین ساخته پیشینیان *

غریبی قندهار گرم سیر ملکی است طولانی^(۶) * آب هر مند از میان بگذرد * یک طرف پیوسته بزمین دارو دیگر بیستان * هر دو جانب آب فراوان قلعه و گوناگون کشت و کار * دران نزدیکی بزرگ شهرے بود - سلاطین غور را بنگاه * از عمارات فرماندهان پیشین بس نشان * میان هر مند و قندهار میمند از بلاد مشهور روزگار - کهن زیچات حال او باز گوید *

گندم و جو را سفیدبری گویند * و جریب شصت گزی پیمایند لیکن سی گز را حجازی اعتبار کنند هر یک بیست و چهار انگشت و نیمه بگز معمول آنجا - مجموع پنجاه و چهار گز قندهاری ۱۵ شود * در خالصه از ده خروار دو بدیوان بصیغه مال و جهات بارستانند * و کشت و کار بر هفت گونه شمارند * در دفتر اعلی را بعین نشانمند گردانند - و در هر جریبه سه خروار حاصل اعتبار نموده بیست و چهار من آنجا بستانند * و اعلی و اوسط را بعین و طا - از جریبه دو خروار و نیم اندازه کرده بیست من گیرند * و اوسط را بطا - جریبه دو خروار پنداشته شانزده من خواهش رود * و اوسط و ادنی را بطا و دال - جریبه یک و نیم خروار خیال کرده دوازده من طلب دارند * و ادنی را بدال - جریبه را ۲۰ یک خروار اندیشیده هشت من بازخواست رود * و ادنی و ادنای ادنا را بدال و دالین - جریبه سی من پنداشته شش من برستانند * و ادنای ادنا بدالین - جریبه را هشت من تصور کرده چهار من پژوهش نمایند * و اگر بزرگ را نیروی ضبط نباشد بسه توده عمل شود - دوحصه از خداوند زراعت - و سیوم را سه قسم گردانند و بسرکار دیوان رود و دیگر را در اخراجات حکمی و استصوابی شماره کنند *

(۱) در حاشیه [ش] اندازه پایان آن || (۲) [۵ ش] هرچند || (۳) [۵] برین * [گ ش] بنیزی * [ض] دایعه سوسن گذرد || (۴) [۵] نقیل یا نیل * [ش] نیل یا نیل * [ض] بنسینیل یا بنیل * [گ] بنیل || (۵) [ش] زمین || (۶) [ش] بحوالی آب هر مند || (۷) [۵ ض] شود و حصه || (۸) [۵ ض] شود و حصه || (۹) [گ] سفیدنوی ||

و انگور نیز بقرار و ضبط عمل شود * و در پسین چنده دیده‌وران کاردان حاصل باغ را تخمین کنند -
در يك خروار چهار بابري باز گیرند * و در زمان فردوس مکانی و جدت آشیانی دو بابری و چهار
تنگه آنجا مقرر بود - هر بابري يك مثقال و دو نیم او بیک روپیه * در غیر این سه چیز (و آنرا
سبزبری گویند) در نه چیز بجز هفت بابری و نیم گیرند و بیشتر پنج بابری گرفته - شالی - خربزه -
تربوز - بادزنگ - پیاز - شلغم - زردک - خشخاش - کاهو * و در غیر این بجز بیشتر دو بابری
طلب کرده و ترکمانان سه *

و در گرم سیر در سفیدبری سه توده بآئین قندهار * و در ضبطی همه مزروعات بعین و طامقید
باشد و از جریبه پنجاه من گرم سیر که بیست من قندهار بود طلب دارند * و خروار گرم سیر صد من که
ده من هندوستانست * و در انگور قندهار آسا بکار برند * و در سبزبری جریبه بدو بابری گیرند در هر چیز *
و در زمین داور در سفیدبری از قرار سه توده بپیشین دستور در خالصه در چهار جریب ۱۰
يك خروار سنگ زمین داور که يك خروار ده من قندهار باشد و در غیر از سه جریب يك خروار *

سرکار قندهار *

۲۴ محل * ۱۱۴۴ تومان * ۳۹۶۰۰ دینار * ۴۵۷۷۵
گوسفند * ۴۵ راس اسپ بلوچی * ۳۷۵۲۹۷۷ خروار
غله * ۴۲۰ من برنج * ۲ خروار آرد * بیست من
روغن * ۱۳۸۷۵ سوار * ۲۵۲۶۰ پیاده *
شهر قندهار * ۵۲۷۰ تومان نقد * ۳۵۱۲۰ خروار غله *
۵۵۰ س * ۱۰۰۰ پ *

توابع شرقی قندهار *

ولایت درکي - قلعه از خشک خام دارد *
۶ تومان نقد * ۱۸۰۰ خروار غله * ۱۲۰۰۰ گوسفند *
۱۵ اسپ بلوچی * افغان از الوس ترین و کاکر *
۵۵۰ س * ۱۰۰۰ پ *

(۱) [۵] بیکه * [ش ک] تنگه * [ض] سکه || (۲) [۵] سبزبری * [ش] نرتی ||
(۳) همچین در [۵ ض ش] || (۴) همچین در [۵ ض] || (۵) همچین در [۵] * [غی]
کاسی بلوچت || (۶) همچین در [۵] * [ض] کاسی بلوچت * [ش] افغان و سوخت ||
(۷) در [۵] خوانده نمی شود * [ض] خیل کوی * [ش] جهل کوی * [گ] چهل گزی ||

الوس پنی^(۱) * ۶۰ گوسفند * قریب از افغان * ۱۰۰۰ س *
۱۰۰۰ پ *
الوس ابدالی - در قدیم جمع ۱۰۰۰ گوسفند بود
و در زمان قزلباشیه ۱۰۰ تومان مقرر شد *
۴۰۰ س * ۶۰۰ پ *

الوس ابدالی^(۲) * ۲۸۰۰ گوسفند و ۵ خروار روغن زرد
افغان * ۲۰۰۰ س * ۳۰۰۰ پ *

الوس جمندی * ۱۱ تومان و ۴۰۰۰ دینار جواب گویند *
گروه افغان * ۳۰ س * ۲۰ پ *

سرخ رباط بلوچان - جمع داخل بلد قندهار است *
۵۰ س * ۵۰ پ *

جنوبی قندهار *

قلا ت بنجاره - قلعه گلین مستحکم دارد * ۳۰ اسپ
بلوچی و ۳۰ شتر * بلوچ * ۵۰۰ س * ۵۰۰ پ *
شورابک^(۵) * ۱۲۰۰ گوسفند * افغان * ۲۰۰ س *
۱۰۰ پ *

الوس بیسکه^(۶) * ۲۲۵ گوسفند * افغان * ۲۰۰ س *
۳۰۰ پ *

الوس میرخانی^(۷) * ۹ تومان نقد * ۳۶۵۰ گوسفند *
افغان * ۲۰۰ س * ۴۰۰ پ *

الوس مسوانی^(۸) * ۲۰۰ گوسفند و ۷ من روغن *
افغان * ۵۰ س * ۱۰۰ پ *

شمالی قندهار *

ولایت قلات نرتوک - قلعه گلین بغایت استحکام دارد *
۵۲۰ تومان و ۹۶۰۰ دینار نقد * ۴۳۴۶ گوسفند *

۱۱۷۱ خروار * ۱ من روغن * ۱ خروار برنج *
افغان غلزي * ۲۲۰۰ س * ۳۸۲۰ پ *

هزاره دهله * ۴۵۴ گوسفند * ۲۰ خروار غله * ۲۰۰ س *
۵۰۰ پ *

هزار بنجه بنجی^(۱۱) * ۱۶۰ گوسفند * ۱۵ س * ۵۰۰ پ *
ولایت تریین - قلعه مستحکم دارد * ۱۵۰۰۰ گوسفند *

۱۰۰۰ خروار غله * قوم هزاره * ۱۵۰۰ س *
۳۰۰۰ پ *

غربی قندهار *

ولایت گرمسیر * ۶۰۲ تومان و ۸۰۰۰ دینار نقد *
۱۲۰۰۰ خروار غله * ۲۰۰ س * ۲۰۰۰ پ *

ولایت زمین داور * ۱۲۰۰ س * ۱۰۰۰ پ *
الوس سیاه خانه * ۴۲ تومان * ۳۰ س * ۷۰ پ *

قلعه کُشک نخود - قلعه گلین دارد - جمع این
داخل قندهار است *

(۱) [ض] پنی * [ش] سی || (۲) [گ] ابدال * [ش] ابدانی || (۳) [۵] سرخ رباط بلوچان *
[ض] بلوچان سرخ رباط * [ش] رباط بلوچان سرخ * [گ] رباط بلوچان فقط || (۴) این سرکار در [ش]
نیست || (۵) [۵] شورابک * [ض] شورابک * [گ] شورابک || (۶) [۵] سکه * [گ] بیسکی * [ض]
هیکه || (۷) [۵] مرغ حالی || (۸) [۵ ض] مسوانی یا مسوالی * [گ] مستیوانی || (۹) [۵]
بروک * [گ] بروک * [ش] قلا یسترلوک * [ض] نورتک || (۱۰) [۵] هزاره دهله * [گ] هزاره دهله *
[ض] هزار دهله || (۱۱) [۵] سلجه لخی * [گ] دهجر بنجی * [ش] سکر سخی * [ض] بنجه بنجی ||

سرکار کابل *

از سیوم و چهارم اقلیم فراهم * درازا از اټک بنارس که بر ساحل سنده است تا هندوکوه صد و پنجاه کوه - پهنای از قرا باغ قندهار تا چغان سرا صد * خاور رویه هندوستان - غربی شمالی کوه و غور - درین میان شمالی اندراب بدخشان و هندوکوه در میانه - جنوبی فرمل و نغر * ستایش آب و هوا نیروی قلم بآن بر نیاید * با آنکه زمستان بیرون از اعتدال گزندے نرساند * گرم سیر و سرد سیر بدانسان که در یک روز از عالم به عالم گذاره افتد * بدین نزدیکی ییلاخ و قشلاخ در معموره کم نشان دهند * و در دشت و کوه ریش برف شود - در نخستین از قوس و در پسین از میزان * فردوس مکانی چنان بر گذارده بصوب هندوستان تا کوتل بادام چشمه بارد - همانا دران ایام چنین بود ورنه درین هنگام تا سر کوتل نیمه بلک تا گریوه خیبر بارش کند * تابستانی شهابه بوشش نغنون * گوناگون میوه نشاط افزاید لیکن خربزه بدان شایستگی نشود * زراعت نیز نیکو نبالد * هر چهار سو کوه بلند ۱۰ و زود زود در آمدن غنیمت بس دشوار *

میان کابل و بدخشان و بلخ هندوکوه واسطه * و هفت راه است که تورانیان آمده و رشد نمایند * سه از پنج پیر - بلندتر کوتل خوالک - از ان پایانتر طول - سپس بازارک * بهترین طول لیکن لخته دراز چنانچه نام از ان برگزید - و راست ترین کوتلها بازارک * در میان کوه کلان و پروان هفت کوتل دیگر است هفت بچ گویند * از اندراب در راه برآمده در پایان کوتل کلان یک شود - از راه هفت بچ بیرون آید - فراوان رنج بکار رود * و سه راه دیگر در غوریند برای پروان - نزدیکتر راه کوتل بایکی بول پولیان و خنجان فرود می آید * دیگر کوتل قباچاق - این راه نیز لخته آسان * دیگر کوتل شیرنو - در تابستان هنگام افزایش آبها ازین کوتل فرود آمده برای بامیان و تالقان روند و زمستان راه آبدرد گزینند * درین هنگام تا چهار پنجه ماه جز این همگی راهها بستگی پذیرد *

و راهی که از خراسان می آید بقندهار میرسد - و این راه راست است کوتل ندارد * ۲۰ و از هندوستان پنج راه * کربه - پس از نور دیدن دو کوتل گذاره بجلال آباد افتد * فردوس مکانی این راه ننگشته - همانا دران ایام روانی نداشت * راه خیبر - بیشتر لخته دشواری داشت * بفرمایش گیتی خدیو چنان شد که عرابه باسانی رود * امروز آمده شد تورانی و هندی بدین راه * بنگش از گذر دهنکوت دریای سنده بگذرند * راه نغر * راه فرمل از گذر چوپاره از ان دریا عبور شود *

(۱) [ش] قلم بر نقابده (۲) همچین در نسخها (۳) [ض] پنجر * در نقشها پنج شیر (۴) [ض] بیرون آن * [گ] و پیرومون آن ؟ (۵) در [ش] نیست (۶) [ش] در غور آید برای بیرون (۷) [ه] بانکی * [ش ض] وایکی * در [گ] نیست (۸) [ه] شیرنو * [ض گ] شیرنو

یازده زبان واگونه این دیار و هر طایفه زبان خویش بسرائد - ترکی - مغولی - فارسی - هندی افغانی - پشانی - پراچی - گبری - برکی - لمغانی - عربی *

ایمات بزرگ هزاره و افغان * علف زار این دیار بدست این دو گروه * هزاره از لشکر چغتایست - منکو قان بیابری هلاکو خان فرستاده بود - و او آن جماعه را همراه پسر خود نکودار اعلان بدین حدود نامزد فرمود * از غزنین تا قندهار و از میدان تا نواحی بلخ بنگاه اینان * زیاده از صد هزار خانه و سیوم بخش او سوار * اسب و گوسفند و بز دارند * هر جوتی در بند آز مانده * گروه گروه شده اند و با هم نزد دروئی بازند و گرگ آشتی نمایند *

افغان خود را از بنی اسرائیل شمرد * و افغان نام بزرگ نیایک داند * گویند او را سه پسر بود * یک سرین - الوس سرینی منسوب بدو * دوم غرغشت است - طایفه غرغشتی نسبت بار ۱۰ درست سازند * سیوم بتن - قوم بتنی سلسله خود را بار رسانند * ازین سه شاخها پدید آمد و قبیلها شد - هر کدام بنام یک از نیایان خود روشناس - الوس ترین - بریج - میانه - خرشین - شرانی - اورمر - کاسی - جمند - خویشگی - کتانی - خلیل - مهندزنی - داوودنی - یوسف زنی - کلیانی - ترکلانی - به سرین پیوندند * سوزانی - جیل - وک زنی - آفریدی - جگانی - ختکی - کرانی - باور - منسوب - کاکر - ناغر - بانی - مسوانی - پنی - تارن - بغرغشت گراید * غلزی - لودی - ۱۵ نیازی - لوحانی - سور - بنی - سروانی - ککپور - به بتن نسبت دهند *

بر گذارند مست علی غوری که افغانان متنی گفته بیک از فرزندان بتن دامن آلاعی عصیان شد * چون این راز سر بسته نزدیک آمد که کشوده گردد او را بدو پیوند بیوگانی داده پرده ناموس برآستند و ازو سه پسر شد - غلزی - لودی - سروانی *

و برخی افغان را قبطی پندارند * دران زمان که بنی اسرائیل از بیت المقدس باز گردیده ۲۰ بمصر آمد این طایفه را گذاره به هندوستان افتاد * این داستان درازتر از آنکه در تنگنای گذارش گنجد - لخته برای شادابی سخن گذارده آمد *

خواجه خضری - قاقشال - میدانی - اوزبک - کلکی - پرانچی - نیل پورچی - بکبری - بهسودی - سیدی بای - تفک انداز - عرب - کله بان - توق بای - و دیگر صحرانشینان فراوان لیکن نه بدان اندوهی * و امروز بیشتر در جاگیرداران در آمده *

(۱) [گ] پشوتی (۲) [ه] سرین * [ش] پیرین * [ض] سرین بفتح شین و را و یا * [گ] سرین (۳) [ش] خرشین - شیرانی * و در ترجمه مخزن افغانی تصنیف دورن صاحب خوشین (۴) [دورن] گلیانی (۵) [ش] سروانی (۶) [دورن] ککپور

شهر کابل از چهار اقلیم * طول مد و چهار درجه و چهل دقیقه - عرض سی و چهار درجه و سی دقیقه * از گزین مصرهای باستان نیست * گویند در زمان پشنگ اساس یافته * دو گلین قلعه استوار دارد * نیرت رویه آن قلعه کوهچه ایست فیض بخش - همانا یک از فرمانروایان پیش عمارت اساس نهاده بود و بدان نسبت آن کوهچه را شاه کابل گویند * ارب این معموره بر فراز آذست و بنگاه ^(۱) جدا شده * آنرا عقابین نامند * برخه ازین مشرف بود - بخسروی فرمایش درآوردند * و در دامنه آن النگاهی دلقریب چمنزارهای روح افزا باغهای دلاویز - خاصه شهرآرا * در جوی شاداب درمی شهر عشرت افزاید * یک از لندرز آید و بشهرآرا شده از شهر بگذرد - آنرا جوی خطیبان گویند * دیگر از ننگی دیه یعقوب از پیش دروازه دهلی بدیه معموره شتابد - آنرا جوی پل مستان خوانند * گوارا و صاف تر از اولین * و نیز دران نزدیکی ماهم ^(۲) انکه جرعه بر آورده - بس سودمند * پیوست آن محله ایست گلکنه نام - دیده و دل ازان فیض گیرد * و از کوه سه چشمه بصوب شهر ۱۰ رن * بر سر یک خواجه ^(۳) همو نام مزار نیست * و در دیگر قدمگاه خواجه خضر بپندار عامه * و دیگر روبروی خواجه عبدالصمد - خواجه روشنائی نامند *

خودپژوهان باستان کابل و قندهار را دو دروازه هندوستان برشمردند * از یک به توران روند و از
دیگر به بلخ * و از نگاهانی این دو فراهانی هندوستان از بیگانه ایمنی یابد و نیز جهان نوردی
بدین دو راه سزاوار *

درین دیار بسان سمرقند و بخارا پرگنده متضمن تیجات و قربات را تومان گویند *

تومان بگرام را پرشاور خوانند * بهارش نشاط انگیز * و در اینجا معبدیست بزرگ کور کهری
نام * مردم خاصه جوگیان از دور دست بغیابش آیند *

تومانِ نیک‌نهاد^(۴) از لمغانات * داروغه‌نشین در زمان پیشین آدینه‌پور بود و امروز جلال آباد *
 برف نبارد - سرما بدان پایه نبود * و نه درد کشت و کار را سرسبز و شاداب دارد * انار بیدانه شود *
 و نزد جلال آباد باغِ مفا یادگارِ فردوس مکانی * نزدیک آدینه‌پور باغِ وفا نیز از آثار آن خدیو آگاه *
 جنوب کوه سفید حیرت افزاید و برف هیچگاه کم نشود * ازین جهت بدان نام روشناس * و درین
 حدود کوهچه ایست هرگاه در کابل برف باران بران نیز ریزش شود *

تومارِ مندراور * میمون فراوان * رودِ عالی‌شنگ و رودِ انگار یکجا شده بآب باران پیوند
و آب چغان سرای میان شرق و شمال گذشته به کشور درآید *

(۱) [۵] بیني کاهي * [ش] بني کاسه • [ض] بنگاهے ॥ (۲) این نام انگہ اکبر شاه است ॥
(۳) [۵] همو * [ش ض] سمو ॥ (۴) [گ] نیک نهار ॥

در گردِ تومانی علی شنگ کوههای بزرگ برف‌آمود * و درو سرچشمهٔ رود علی شنگ *
 بومی آنرا کافر گویند * دران نزدیکی قبره^(۱) است - مردم برآنکه از لم پدر نوح است و لمک نیز
 گویند * و بیشتر مردم اینجا کافرایی برخوانند - و لمغان ازین جهت گذارش یابد *

۵ کہستانِ تومان^(۲۱) نیز پراز کافرانست * مردم بجای چراغ چو چلغوزہ سوزند و روشنی افزاید * جانوریست اورا ربیع پُران گویند - از نشیبگاه یک گز اندازہ پرواز کند * و نیز موشے باشد کہ بوی مشک از آید *

چرخ مرفعی است از تومان لوگر - مولانا یعقوب چرخي بدان منسوب • و سجانند نیز از قریات مشهور او •

و در کوهستانِ تومانی بدر او بنگاهِ کافر و صحرانشین هزاره و افغان *
تومانیِ السا واسطه ایست میانِ گرم سیر و سرد سیر * اولِ بهار گذر جانوران در اینجا شود- مردم
عشرت شکار کنند *

تومان بنکش - هفت هزار سوار و هشتاد و هفت هزار و هشتصد پیاده - ههمنده هزار کس از ان پانصد سوار - خلیل پانصد سوار و شش هزار و پانصد پیاده - داور دژنی سه هزار سوار و سی و هفت هزار پیاده - گیبانی پانصد سوار و چهار هزار و پانصد پیاده - محمد زنی چهارصد سوار و چهار هزار ۱۵ پیاده - صانی مد سوار و یک هزار و چهار صد پیاده - آتمان خیل پنجاه سوار و هشتصد و پنجاه پیاده - غلزی مد سوار و دو هزار و نهصد پیاده - خضر خیل سی سوار و نهصد و پنجاه پیاده - شیرزاد بیست سوار و هزار و چهار صد پیاده - خرگونی ده سوار و دویست پیاده - خنکی دویست سوار و چهار هزار پیاده - عبدالرحمانی مد سوار و دو هزار و پانصد پیاده - آفریدی پانصد سوار و ده هزار و پانصد پیاده - وروک پانصد سوار و پنجم هزار و پانصد پیاده *

۲۰ - تومان گردیز قلعه استوار دارد * بیشتر عمارات سه طبقه و چهار طبقه •

غزنویان از سیوم اقلیم و زابل عبارت ازین * پای تخت سلطان محمود و سلطان شهاب الدین و
برخ دیگر * این ولایت را پیشتر ابلستان گفتند * برخه قندهار را داخل این بلاد شمرند * حکیم
سنائی و بسیاریه اولیایا خوابگاه * زمستان او برابر سمرقند و تبریز نشان دهند * رودی از شمال
بجنوب می رود و کشت و کار بدان سرسبز و شاداب * و کشاورزان رنج بسیار برند * هر سال خاگ نو آورند
۲۵ تا کشت بدین شود - و بیشتر از اراضی کابل بر دهد * رونین فراوان شوق - از اینجا به هندستان برند * و در

(۱) [ض] قیرست کافر سبت مردم الخ ॥
 (۲) [ة] لجزاو بے نقط * [ض] لجزاو •
 (۳) [ض] خرنولی ॥
 [ض ی] بغراد ॥

زمانِ فردوس مکانی قبری بود که چون درود برو خواندے در جنبش آمدے • از پڑهش دیده‌وران
آگاه‌دل روشن شد که دستان سرائی دگانداران استخوان فروش است • و سرچشمه ایست که اگر
قذورات درو افند شورش ابر و برف و بارندگی پدید آید •
در تومانی دامن کوه فراوان گل - و بهار و خزان بے همتا •
در تومانی غوربند رنگ آمیزی ریاحین از گفتار بیرون - سی و سه گونه لاله بردمد • و از قسم
بوی گل سرخ برآید - آنرا لاله گلبو خوانند • و کان نقره و لاجورد درو • نزدیک کوه ریگ زاروست -
آنرا خواجه ریگ روان گویند • در تابستان آواز نقاره و دهل ازین ریگ زار بشنوند •
در تومانی ضحاک و بامیان قلعه ضحاک از آثار پیشینیان آباد - و حصار بامیان خراب •
دوازده هزار سیم در پنجا - در میان کوهستان جاها کنده اند و آنرا گچ و نقاشی کرده بدان نام خوانند •
در باستانی زمانه موسم زمستان مردم آنجا بسر بردے • و سه بت شگرف در انجا - یک صورت ۱۰
مردیست بقدر هشتاد گز - دیگر تمثال زن ببلندی پنجاه گز - سیم پیکر خورده سالیست بقامت
پانزده گز • شگفت آنکه در سیم قبریست - در میان آن تابوتی نهاده اند و دران یک از غنودگان
خواب واپسین کهن سالان آگاه‌دل • سر آغاز آن ندانند لیکن بزرگ برشمرد • در زمان باستانی برخه
داروها ساختن و بدن را بدان اندودے و بر زمینهای سخت بخاک سپردے • ساده لوحان ازین فریفته
شدے و ارا دت آوردے •

بیسست تومانی بدین ولایت گراید • جمع این را فردوس مکانی در واقعات خود با وجوه تمنا
بیسست لک شهرخی نگاشته اند که سه لک و بیست هزار روپیة اکبرشاهی شود - روپیة بنرخ چهل
دام - یک کرور و بیست و هشت لک دام • امروز با وجود بخشش گوناگون باج از میامین دولت
جاوید طراز جمع شش کرور و هفتاد و سه لک و شش هزار و نهصد و هشتاد و سه دام قرار گرفته •
همانا دگرگونی از انست که آبادی بدین پایه نبود و نیز پرشاور و اشتغرو برخه دیگر را دران نشمرده ۲۰
اند و کاروانان عمل پرداز نیز بدینسان طراز شایستگی نداشتند •

* سرکار کابل *

۲۲ محل • دام ۸۰۵۰۷۴۶۵ نقدی • دام ۱۳۷۱۷۸
میورغال • سوار ۲۸۱۸۷ • پیاده ۲۱۲۷۰۰
شهر کابل • د ۱۲۷۵۸۴۱۰ • س ۷۰۰۰ • پ ۱۵۰۰۰
مضافات شرقی کابل •
تومانی بگرام • د ۹۶۹۲۴۱۰
تومانی نیک نهال^(۱) [ننگ نهال] • د ۱۱۸۹۴۰۰۳
د ۲۲۴۴۵ • س ۲۰۰ • پ ۵۰۰۰
بلوک کامه - نامشخص •

(۱) [۵ گ] نیک نهال //

(۲) [۵ گ] ملوک //

* شمالی *

تومانی مندرار^(۱) • د ۲۶۸۴۸۸۰ • س ۵۰ • پ ۵۰۰
تومانی علیشنگ • د ۳۷۰۱۱۵۰ • س ۱۹۴۸ • پ ۱۰۰۰
از قوم علیشنگ • س ۵۰ • پ ۵۰۰۰
تومانی النگار • د ۱۵۴۶۷۰ • س ۱۰۰ • پ ۱۰۰۰
پولک نجرار • د ۲۰۴۵۴۵۱ • س ۳۰۰۰ • پ ۳۰۰۰
تومانی لوکهر^(۲) • د ۳۱۹۳۲۱۴ • س ۲۲۹۶۰ • پ ۵۰۰
تومانی بدرار • د ۳۱۳۸۸۵ • س ۵۰ • پ ۵۰۰
تومانی السای • د ۶۰۰۰۰ • س ۵۰۰ • پ ۵۰۰
تومانی پنجهیر • د ۴۶۱۹۴۰ • س ۳۵۰۰۰ • پ ۳۵۰۰۰
تومانی بنگش • د ۳۳۲۴۴۷ • س ۷۰۸۷ • پ ۸۷۸۰۰
تومانی کوهت^(۴) • د ۷۰۱۶۴۰ • س ۷۰۱۶۴۰ • پ ۷۰۱۶۴۰
تومانی غری

تومانی فرمل • د ۳۴۵۷۱۶ • س ۱۰۰۰ • پ ۵۰۰۰
تومانی دامن کوه • د ۱۶۴۶۱۷۸۵ • س ۵۰۰۰ • پ ۳۰۰۰
تومانی غوربند • د ۱۵۷۴۷۶۰ • س ۱۰۰۰ • پ ۵۰۰۰
تومانی ضحاک بامیان • د ۸۶۱۷۵۰ • س ۲۰۰ • پ ۱۰۰۰

* جنوبی *

عبدالملک بن مروان سال هفتاد و هفت هجری امیه بن عبداللہ را از حکومت خراسان
بارداشته بحجاج بن یوسف ثقفی داد و عبداللہ بن ابی بکر را بسیستان فرستاد و از انجا لشکرها سرانجام
داده با ویزه رن تهیل مرزبان کابل شد • چون توانائی پیکار نداشت گریوها گزید و او از کارطلبی و
نادوتائی رشتہ حساب دانی از بی در آمد و برمیان آن سرزمین تنگناها را سنگ چین ساخته راه
برگرفتند • کار بر لشکر بیگانه دشوار شد و از نایابی خورش بعجز گرائیدند • ناگزیر هفتصد هزار درم که
سه لک روپیة حال باشد عبداللہ داده برآمد • شریح بن هانی بر آشفت • با آنکه کهن سال بود
بجنگ شتافت و مردانه فروشد • حجاج ازین آگهی سرزنش نمود و امارت باز گرفت • و در سال
هشتاد عبدالرحمن بن محمد اشعث را با ویزه رن تهیل نامزد فرمود و سیستان و آن نواحی بدو

(۱) [۵ گ] مندرار // (۲) [۵ گ] لوکهر // (۳) در نسخ بے نقط // (۴) [۵ گ] کوهت
[۵ گ] کریست // (۵) [۵ گ] نغز // (۶) [۵ گ] شاهوخیل // (۷) در [۵ گ] نیست //

داد * عبدالرحمن چون حدود کابل آمد طرز پیشین برگزید * از کارشناسی در هر تنگه برخه مبارزان را برگذاشت و چیره دستهای شگرف نموده فراوان غنیمت بدست آورد * و از دشواری آن ملک را نیدارست نگاهداشت * بازگشتن را حجاج نپسندیده بعتابنامه نكوهش نمود و چنان بر نوشت هر چند درین سال تردد فراوان شد لیکن سزای برگشتن ناهنجار آنکه بمحضر رسیدن نامه باز گردد و آن ملک را بتصرف درآورد - و اگر از خود رانی و خویشی دوستی بدین نگراید و کار را بسال دیگر اندازد او را معزول فرمودیم - عمو لشکر اسحق بن محمد را سردار خود دانسته بفرموده او گرایند * عبدالرحمن از زمستی و بدگویی با سران لشکر یکنادل شده از حجاج روی بر تانت و بحاکم کابل آشتی کرد و بجنگ حجاج شد * و چنان قرار یافت اگر فیروزمند آید بهیچ وجه پیرامون کابل نگردد و هیچ تکلیف نکند - و اگر درین کارزار بناگام باز گردد پناه دهد و دستگیری نماید * حجاج ازین شورش برآشت - و در ظاهر تمبر آوردگاه آراسته گشت * عبدالرحمن فیروزی یافت و حجاج ببصره بازگردید * و بار دیگر هنگام کارزار برآراست و آن ناسپاس را آبرو ریخته شد * بقلعه بست که گماشته اوداشت پناه برد * آن خسرو زده دین و دنیا باندیشه تقرب حجاج عبدالرحمن را دستگیر گردانید و خواست که او را پیش حجاج فرستد * مرزبان کابل ازین آگاهی تیزدستی نمود و عبدالرحمن را خلاص ساخته بمالک خود آورد * و چند بار دیگر بیآوری او آویزش نمود و کاره برن ساخت * در هشتاد و چهار هلالی رن پهل بسخر شیرین و وعدهای دلاویز حجاج فریفته شد و او را بسته پیش او فرستاد * او از غیرتی که داشت در اثنای راه از فرازگاه انداخته سفر نیستی اقلیم گزید * و در سال صد و هفت هجری در حکومت هشام بن عبدالملک امین بن عبداللہ قشری (حاکم خراسان) غور و غرجستان و ملک فیروز و کابل را بدست آورد و حاکم نشین خود ساخت * و ازان پس همواره در زمان بنی امیه و بنی عباس حاکم خراسان داشت تا آنکه در زمان سامانیان الپتگین نام غلام آن خاندان جدا شده غزنین و کابل را متصرف شد و دم استقلال برزد * و چون ۲۰ در گذشت سبکتگین پدر محمود بکلانی این دیار قرار گرفت * و همچنین در تحت تصرف غزنویان بود * سپس بغوریان - و پس ازان بغلامان آنها که یک ازان تاج الدین یلدوز بود * و پس ازان بخوارزمیان * و لشکر قان بزرگ چنگیزخان استیلا یافت * و ازانجا بصاحب قرانی باز گردید و فرزندان دولت افزای او معدلت آرا شدند *

مید که روزگار از عدل بر دوام و لطف بے دریغ و آگاهی روز افزون شاهنشاهی سعادت جاوید اندوزد * ۲۵

آئین کروه *

پدمودن و اندازه برگرفتن سرمایه آبادی روزگار * گیتی خداوند فراوان توجه برگمارد و مسافتها را برسجد - و بکروه اندازه برگزید * و آنرا بصد طناب بر سخت * هر کدام پنجاه گز الهی * و نیز بچهارصد بانس ازو برگذارند - هر يك درازده ونیم گز * هر دو به پنج هزار گز باز گردد * ۵
هرگاه چالش شاهشاهی شود احتیاطمندان بدان بانس پیمایش نمایند و بدیدبانی داروغه و مشرف رشته شماره دوتائی گیرند *

شیرخان کروه را بشصت جریب قرار داده بود * هر کدام شصت گز سکندری و در دهلی دیار معمول * و در مالوه نود طناب شصت گزی * و در گجرات کروه گاو برگذارند یعنی مسافتی که بانگ گاو بزبان آرامش رسد - و آنرا کارگاهان به پنجاه جریب قیاس کنند * و در بنگاله کروه دهپیه گردند ۱۰
(بفتح دال و های خفی و سکون بای فارسی و فتح یای تحتانی و های مکتوب) - و آن قدر راهی که تیزگمان بیلک نفس زدن بسپزند * برخی برآنکه برگ سبز بر سر داشته بشتابند چندانکه خشک گردد *

در فرسنگ نامه های باستانی در بیان ابعاد و اجرام چنان برگذارند محیط کره زمین هشت هزار فرسخ بروش پیشین حکیم - و بطرز بسین شش هزار و هشتصد * و باتفاق هر فرسخی سه کروه * و آن بطور نخستین کروه سه هزار گز - هر گز سی و دو انگشت * و نزد آن دیگر چهار هزار گز - هر گز بیست و چهار انگشت * و انگشت نزد هر دو طایفه مقدار پهنای شش جو معتدل که شکم هر یک بیشت دیگره پیوسته باشد و پهنای هر جو باندازه شش تار موی پال ترکی اسپ * ظاهرنگان کم بین را گمان افتد که اینان را در مضمون کروه دگرگونگی باشد و بر بینش سواران دورنگه پیدا که باهم یکنائی دارند * و نمایش تفاوت بسبب اختلافیست که در شماره انگشت رفته - و از اربع متناسبه ۲۰ دلنشین آید * و آن چهار عددیست که نسبت اول با دوم چون سیوم با چهارم باشد چنانکه دو با چهار چون هشت با شانزده * از خواص او آنست که حاصل ضرب طرفین و ضرب وسطین یک بود چنانکه از مثال مذکور پیدا * در نزد هم شکل هفتم مقاله اقلیدس دلیل گفته شد - بنابراین نقش اختلاف نما زده گردد * نسبت سه هزار با چهار هزار چون نسبت بیست و چهار با سی و دو * و اگرچه هر چهار عدد اینجا معلوم لیکن حاصل ضرب سه هزار در سی و دو که طرفین اند همان که از ۲۵ ضرب چهار هزار در بیست و چهار که وسطین اند و آن نود و شش هزار * پس میل نزد هر دو طایفه

یک باشد و اختلاف در شماره دراع بسبب اختلاف عدد اصابع * پس هر فرسخی درازده هزار گز باشد بدراع منتهی و نه هزار گز منتهی *
و این اعداد را خواص و مزایا بسیار است * از آن جمله هرگاه احد الطرفین مجهول باشد

و سطین را در یکدیگر ضرب کرده بر طرف معلوم قسمت کنند - خارج قسمت طرف مجهول باشد چنانچه در مثال مذکور اگر دو که طرف اول است مجهول باشد و سطین را که چهار و هشت است در یکدیگر ضرب کنیم سی و دو حاصل گردد - چون آنرا بر طرف معلوم که شانزده است قسمت کنیم خارج قسمت طرف مجهول بود * و همچنین اگر طرف دیگر که شانزده است مجهول باشد حاصل ضرب و سطین بر دو که طرف معلوم است قسمت کنیم خارج قسمت شانزده باشد * و اگر مجهول احد الوسطین باشد حاصل ضرب طرفین را بر وسط معلوم قسمت کنیم خارج قسمت وسط مجهول باشد چنانچه چهار که وسط اول است اگر مجهول باشد حاصل ضرب طرفین که سی و دو است ۱۰ بر وسط معلوم که هشت است قسمت نمائیم خارج قسمت چهار آید * و اگر وسط دوم که هشت است نامعلوم بود حاصل ضرب طرفین بر چهار قسمت شود خارج قسمت هشت باشد *

و نیز ازین دوری و بلندی که بمسقط الحجر او توان رسید دانسته شود * چوبی بدرازی معلوم ایستاده کنند - سپس سایه او و سایه آن بلندی پیمایند - نسبت سایه چوب با او چون نسبت سایه بلندبست بدو و بدانچه گذارش یافت اندازد بلندی پیدائی گیرد * و نیز چوبی در برابر ۱۵ بلند ایستاده کنند و از جائی بنگرند که خط شعاعی از سر چوب گذشته بسر آن بلند رسد - نسبت بعد موضع نظر از پایان چوب با آن چون نسبت بعد آن موضع از قدیم بلند بدوست * و اگر بآئینه و آب و مانند آن ارتفاع گیرند بجائی ایستند که خط منعکس بسر مرتفع رسد - نسبت بعد موضع انعکاس از پای ناظر بقدر آن چون نسبت بعد آن موضع از طرف پائین مرتفع بقدر مرتفع باشد * و اگر پز رهش ژرفای چاه رود جائی ایستند که خط شعاعی از لب چاه گذشته بکنار مقابل بیننده از پایانی ۲۰ سطح رسد - نسبت بعد لب چاه از پای بیننده بدو چون نسبت پهنای چاه با عمق اوست * و برخی اندازد مسافت به برید نمایند * آن سه فرسخ باشد - فرسخی سه میل - میل دوازده هزار باغ - باغ چهار گز - هر گز بیست و چهار اصبع - هر اصبع شش جو - و هر جو شش موی دم استر *

و نزد هندی حکیم چون هشت جو پوست کنده را بر عرض نهصد یک انگشت باشد و بیست ۲۵

و چهار انگشت را یک دست نامند - و چهار دست را دند (بفتح دال هندی و نون خفی و سکون دال هندی) - و دهنگ نیز گویند (بفتح دال و های خفی و فتح نون و سکون کاف) * و دو هزار دند یک کوه باشد - و آنرا کوس گویند (بضم کاف و سکون واو و سین) * و چهار کوه را جوجین نامند (بضم جیم و سکون واو و فتح جیم و سکون نون) * برخی بقدم زن که در کنار او بچه باشد و بر سر کوزه آب راه سپرد اندانه گیرند و مقدار هزار قدم چنین را یک کوه دانند *

المنته لله

که آنین ملک آبادی انجام گرفت و بیارویی ایزدی توفیق حال قلمرو نگارش یافت * در شماره سپاه ایمات و گذارش سال مع فرماندهان پیشین و برخی حال سخت تکاورنت * و از دیگر گویی گفتار نزدیک بود که خود را ازین برگذراند لیکن از سرنوشت چگونه توان سر باز کشید و ۱۰ آنچه باندازه شناسائی گزین دانست برنگاشت بو که از اندیشه آبادی بر لغزش نگیرند و فروغ پذیرش دلها باید *

تمت جلد اول

از کتاب مستطاب

آئین اکبری تصنیف ابوالفضل

علامی فهامی

فهرست اسماء جغرافيه واقع در آئين اكبري

بترتيب حروف تهجي *

---●●●---

اترولي ٤٤٧	(١)	آب باران ٥٩٢
اتريجي [سكندرپور] ٤٤٧		ابتهورا ٤٠١
اتك شف اٲك		ابدالي آلوس ٥٨٩
اتليسر ٤٩٧		آب دره ٥٩٠
اتنير ٤٨٠ *		ابراهيم آباد ٣٥٢ - ٤٣٥
اتهرين ٣٤٩ - ٤٣١		ابراهيم پور ٣٩٤
اتيون ٤٤٩		ابراهيم پور بازار ٤٠٧
اٲاره ٣٥٧ - ٤٣٣ - ٤٥٩		ابلاهنه ٤٧٣
اٲك بنارس ٢٧ - ٥٣٧ - ٥٤٧ - ٥٨٥ - ٥٩٠		ابوگده ٥٩٢ - ٥٠٨ - ٥١١
اٲكپوره ٣٢٩ - ٥٢٧		ابهی پور ٤١٩ - ٥٤٢
اٲلاراره ٤٩٨		ايتهي ٣٥٣ - ٤٣٨ - شف گده انبهئي
اتون ٥١٠		ايرمال ٣٧٤ - ٥٠٩
اٲهايس ٤٢١		ايلينه ٤٩٨
اٲه گره ٤١١		اتاقا ٣٧٤ - ٥١٠
اچانور ٣٧٩ - ٥٢٠		اٲاره [اٲاره] ٤٤٣ - ٤٥٩
اچس ٥٧٩		اتران ٤٧٤
اچميه ٢٧ - ١٤٠ - ١٤٧ - ٣٧٤ - ٤٥٥ - ٤٨٥ -		انرولا ٣٥٣ - ٤٣٧
٥٠٥ - ٥٠٧ - ٥٠٨ - ٥٣٧ - ٥٤٩		

۳۹۵	لجور	اراضی خانپور	۵۴۵
۳۹۷	آجیل پور	اراضی کلا پنڈ	۳۷۷
۳۹۴	آجیل گہاتی [آجیل کھالی]	آرامروای	۴۹۱ - ۴۸۹ - ۴۸۸
۴۹۷ - ۴۳۰ - ۳۴۹	اجی گڑھ	آرادہ	۴۹۷
۳۹۹ - ۲۷ - ۴۵۵ - ۴۵۷	آجین	آرائیں	۵۰۸ - ۳۴۴
۳۹۵	اچاری خانہ	اربہ بجا ؟	۴۹۸
	اچھوٹ	ارپور	۵۵۸
۳۹۴	اچلا	ارتود	۵۰۹ - ۳۴۴
۵۶۶	اچھ دل	ارخنگ	۳۸۸
۲۰۳ - ۹۵ - ۹۳	آجین [آجی]	اردھاپور	۴۸۳
۴۶۰	احک ؟	آرسا	۴۰۸
۴۷۴ - ۳۸۹ - ۱۰۱ - ۴۰۱ - ۴۷۴	احمد آباد	آب آرنڈ	۴۳۰ - ۴۲۳
۵۰۳ - ۴۸۷ - ۴۸۷		ارندریل	۴۷۴
۴۸۹	احمد پور	ارول	۵۴۳ - ۴۲۸ - ۴۱۸ - ۳۴۹
۴۰۲	تعلیق احمد خان	ارون	۴۵۹
۴۹۳ - ۴۷۳ - ۴۷۶ - ۴۸۵	احمد نگر	آرون	۴۷۹
۵۵۰	آدم واهن	آرہ	۴۲۲ - شف آلرہ
۳۹۷	ادنیا	ارہو ماتر	۴۹۳
۴۰۱	ادھوا	ارھنگ	۶۸
۴۵۹ - ۴۴۲	آدیپور [سنگھانہ]	اژدرکوتہ	۵۸۶
۵۹۲	آدینا پور	اساپوری	۳۸۱ - ۵۵۷
۴۸۱	آد گانو	آسکھ	۴۱۱
۵۷۲	آدون	اسلام آباد [شف اسلام آباد]	۵۲۲ - ۵۱۴
۴۴۶	آدھو [سکندر پور]	اسلام آباد پائل	۵۱۸ - ۵۱۴
۵۱۸ - ۳۶۸	آدھہ	اسلام پور	۵۵۱ - ۵۵۰ - ۵۱۰ - ۵۰۹ - ۴۶۵
۵۴۴	اراضی باغ رای بوجہ	اسلام پور بہرو	۵۲۲ - ۳۷۰
۳۷۷	اراضی پنج بری شاہ پور	اسلام پور درگو	۵۲۲ - ۳۷۰

۵۳۹ - ۳۷۰	اسلم آباد	اگواسی	۴۳۰ - ۳۴۹
۵۵۱ - ۴۵۱ - ۴۰۷ - ۳۵۷	اسمعیل پور	آل	۴۱۱
۵۱۱ - ۴۶۷ - ۳۶۴	اسوپ	الپ شاہی	۴۰۴
۴۳۸ - ۳۵۳	اسولی	الپور	۲۰۷
۴۰۰	اسونجا	آل جہات	۴۰۵
۴۳۸ - ۳۵۳	اسوہا	الدمو	۴۲۶ - ۳۴۸
۴۷۴ - ۴۷۳	آسیر	الر	۵۶۶ - شف اولر
۴۳۸ - ۳۵۳	اسیون	آلرہ [آرہ]	۴۲۲
۵۶۶	اش	السابی	۵۹۵ - ۵۹۳
۳۸۷	آشام	آل گانو	۴۰۱
۴۸۰ - ۴۶۱	آشتہ	النگار	۵۹۵ - (۵۹۲) - (۵۹۱)
۴۷۹	آشتی	الور	۴۵۱ - ۴۴۲ - ۲۷
۳۹۴	اشرف نہال	الور [درسندہ]	۵۶۰ - ۵۵۹ - ۵۵۶ - ۵۵۴
۵۲۱ - ۳۷۰	اعظم پور	الوس ابدالی	۵۸۹
۴۲۶	افراد	آلوس بیسکھ ؟	۵۸۹
۳۷۰	افغان پور	الوس پنی	۵۸۹
۵۴۱ - ۵۲۲ - ۴۴۷ - ۳۷۷	اکبر آباد	الوس تونبیل	۴۸۹
۵۴۷	اکبر آباد برکیٹیری	الوس جمندی	۵۸۹
۴۶۶ - ۴۶۱ - ۴۲۰ - ۴۰۸ - ۳۹۶	اکبر پور	الوس سیاه خانہ	۵۸۹
۴۰۶	اکبر شاہی	الوس کلمانی	۵۵۶
۳۹۵	اکرا	الوس مسوانی	۵۸۹
۴۹۶	اکلیسر	الوس میٹر خانی	۵۸۹
۴۴۸	اکھار ؟	کوتہ الوند	۴۲۵
۵۴۶	اکھنڈ واندیاران	الہ آباد یا الہاس	۴۲۵ - ۴۲۳ - ۳۴۸ - ۲۰۲ - ۲۷
۵۲۶ - ۳۶۹	اگرودہ	آل ہات	۴۰۱
۵۳۷ - ۴۶۱ - ۴۴۳ - ۴۰۱ - ۳۵۶	آگرہ	الہ آباد پور	۴۰۱
۳۹۴	آگ محل	الہن پور	۵۰۹ - ۳۶۴

آلي موهان	۴۹۲	انباري	۴۰۳
امچهره	۴۹۴ - ۳۸۲	انباله	۵۴۲ - ۵۲۷ - ۳۹۹
آمده	۳۹۷	انبلاگچهي	۴۰۱
امراکي بهتي	۵۴۴ - ۳۷۷	انبلو	۴۱۹ - ۴۱۸
امراوتي	۴۸۲	انبوده ها	۴۳۵ - ۳۵۲
آب امراوتي	۵۹۷	انبهته	۵۲۳ - ۳۹۹
امرسرناين	۵۱۲ - ۳۹۵ - ۲۰۷	انبهتي	۳۵۳ - شف ابهتي و گده انبهتي
امركوت	۵۵۸ - ۵۵۷ - ۵۰۸	انبير	۵۰۸ - ۵۰۵ - ۳۹۴
امركهبر	۴۸۳	انبيل	۴۰۳
امرن	۴۵۱ - ۳۵۷	انترده	۵۱۰ - ۳۹۴
امرنات	۵۹۹	انقري	۴۱۸ - ۴۰۹
امروز	۴۸۷ - ۴۰۳	انتهله هابرو	۳۵۷ - ۴۵۱
امرواي	۴۹۵	انجری	۴۹۲
امروهه	۵۲۱ - ۳۷۰	انجن گانو	۴۷۹
آمرينو	۴۱۸	آنجي	۴۷۹
امريل	۴۵۸	انچها	۴۱۸
امريللي	۴۹۸	انچهرة	۵۴۲
امكهورة	۵۱۰ - ۳۹۴	اندر	۴۲۰
امذاباك	۵۴۴	اندراب	۵۹۰
امخير	۴۸۱	اندرارين	۴۰۷
امواري	۴۴۹	اندرپت	۵۱۳
امود گده	۴۵۸	اندرکلی	۳۹۷
امونده	۴۹۵	اندرکول	۵۷۳ - ۹۸
آنم	۴۳۸ - ۳۵۳	اندرهل	۵۴۹ - ۳۷۷
انوان	۴۸۵	اندری	۵۲۳ - ۳۹۹
اناول	۴۹۷	اندل گانو	۴۰۱
انباران	۵۴۹	اندوزة	۵۴۲ - ۳۷۷

اندهر	۴۰۱	اوترکهنڈ	۴۲۱
انسنگه	۴۸۲	اوتيله	۴۴۹
آنکوت	۴۸۱	اوجنواس	۴۹۹
انکوله	۴۸۱	اوجهاري	۵۲۲ - ۳۷۰
انگچهي	۳۹۴	اوجين	۳۸۱ - شف اجين
انگلي	۴۲۷ - ۳۴۸	اوجينه	۴۵۳ - ۳۵۷ - ۳۵۹
انگو	۴۱۹	اوج	۵۵۷ - ۵۵۱ - ۵۴۹
انگرچه	۴۰۳	اود	۴۴۳
انله ؟	۴۲۵	اودر	۵۴۲
انليا	۴۰۷	اودن	۵۲۱
انملندرا	۴۷۴	اودنبر	۳۹۴
انوتمپور	۳۹۷	اودن گانو	۴۸۴
انوريان	۴۰۱	اوده	۵۳۴ - ۴۳۵ - ۴۳۳ - ۳۵۲ - ۲۷
انورپور	۴۰۸	اودها	۴۹۸ - ۴۹۵
انور ملک	۴۰۱	اودينپور	۳۹۴ - ۵۰۹ - شف ادپور
آنوله	۵۲۰ - ۳۹۹	اوديهي	۴۴۳ - ۳۵۹
ان هتي	۴۰۹	اوديسه	۴۰۹ - ۳۹۱ - ۳۸۷ - ۲۲۱ - ۱۳۲
انهل	۴۵۷ - ۳۸۱	اورمال	۴۹۹
انهليور	۵۰۲	اوژپار	۴۹۹
انهولا	۴۳۹ - ۳۵۳	اوسلا	۴۱۹
انهون	۴۴۷	اوسم	۴۸۹
انهونه	۴۳۵ - ۳۵۲	اوکڑا	۴۰۸
اوان	۵۴۷ - ۴۹۳	اوکپري	۴۱۸
اوباوره	۵۵۱	اوگهارا	۴۲۱
اوبهي	۴۲۱	اول	۴۴۳ - ۳۵۹
اوتر شاهپور	۴۰۵	اولا [شف اوله]	۴۰۷
اوتر عثمان پور	۴۰۵	اولر [آلر]	۵۷۲ - ۵۹۹ - ۵۹۹

اول گانو	۴۹۵
اوله [شف اول]	۴۸۴
اولئي	۴۴۴
اومرا اومري	۴۵۳ - ۳۵۷
اونبه	۵۴۳
اوتنگر	۴۵۰
اونچود [آچهود]	۴۹۵ - ۱۳۲
ارنچه گانو	۴۳۹ - ۳۵۳
اونده	۴۸۸
اونده	۴۸۲
اونه	۵۰۰ - ۴۹۸ - ۴۹۰ - ۴۸۸
اونيارا	۵۱۰ - ۳۶۴
اهار	۴۴۷
اهروني	۵۲۶ - ۳۶۹
اهس پور	۴۲۱
اهل وار	۴۲۱
اهور	۴۶۷
اهير راره	۴۲۹ - ۳۴۸
ايسا	۴۳۱ - ۳۴۹
انچه	۵۷۲ - ۵۶۹
انچهي	۴۳۱ - ۳۴۹
ايتير	۵۰۷ - ۴۹۳ - ۴۸۹ - ۴۸۵
ايران	۲۱۵ - ۶۷ - ۱۰
ايرارتي	۵۳۷
ايرج	۴۴۸ - ۳۵۷
ايرچ پور	۵۵۱
ايرن	۴۵۹
ايسراچاچ	۳۹۶
ايشه بلاري	۵۶۷
آب ايلک ناله [بيک]	۵۴۵
ايکل	۴۱۸
ايکنود	۴۶۶
ايکي بول پوليان ؟	۵۹۰
ايلچ پور	۴۷۹ - ۴۷۶
اينچ	۵۷۲
ايندانه	۵۱۲ - ۳۶۵
ايندراوتي	۵۱۱ - ۳۶۴
ايندور	۴۸۴ - ۴۷۸ - ۴۵۳ - ۳۵۷
ايندوري	۴۸۲
اين روي آب	۴۲۹
اينهار	۳۵۳ - شف ينفار
ايني ؟	۴۸۲
ايوان بوسامير	۵۱۰ - ۳۶۴

(ب)

بابابھوج	۵۵۳
بابائي	۴۵۴
بابهن بهوم	۴۱۰
بابهن کرلا	۳۹۷
بابيل	۴۷۹
باتر	۵۵۸
باترره ؟	۴۸۱
آب باترلک	۴۸۵
بانگان	۳۹۷
باتوا	۵۰۰

باتوها	۵۱۲ - ۳۶۵
باته کرا	۴۰۵
باته نان	۳۹۷
باتهي	۴۸۲
باتو	۵۷۲
باج پتاري	۴۰۱
باجل پور	۴۶۲
باجوا بياجو	۴۰۶
بادام چشمه کوتل	۵۹۰
بادي بهوسادي	۴۲۱
باقهاديا	۳۹۶
باقهيله	۴۸۹
بارا	۴۴۶ - ۴۲۰ - ۳۵۷
باران	۵۱۰ - ۳۶۴
بارا شکور	۴۳۹ - ۳۵۳
بارانسي	۴۲۳
بارا نيکو	شف بارا شکور
باريلک آباد	۴۰۳ - ۳۹۰
باريلک پور	۳۹۶ - ۴۰۱ - ۴۰۳ - ۴۰۸
باريلک سنگه [باريلک سيل ؟]	۴۰۶
بارر	۴۸۳
بارسي نانکلي	۴۸۱
بارکل	۵۱۳
بارنگ پور ؟	۴۰۳ - شف باريلک پور
باروا	۵۶۹
بارزه	۴۱۰ - ۴۲۰
بارزه سيوه	۴۹۳
بارزه کابن	۵۱۲ - ۳۶۵
بارهم	۴۵۸ - ۴۵۴
باري ۲۰۵ - ۲۰۷ - ۳۵۳ - ۳۵۶ - ۴۳۹ - ۴۴۳ -	
۴۵۸ (شف درآبه)	
باري گانو	۴۸۱
باري گهير	۴۰۳
بازار	۴۰۹
بازار ابراهيم پور	۴۰۷
بازار جديد	۳۹۵
بازار چهانگهاگ	۴۰۱
بازار قديم	۳۹۵
بازارک	۵۹۰
بازار يوسف	۳۹۶
بازر کهورا	۳۹۵
بازوال	۵۶۷
بازو چپ	۳۹۷
بازو راست	۳۹۷
بازو ظفرشاهي	۴۰۱
بازو فولادشاهي	۴۰۱
بازوها	۳۸۶ - ۳۹۰ - ۴۰۴
باسد	۴۸۰
باسدول	۴۰۳
باسم	۴۸۲ - ۴۷۷
باسنيه	۴۶۳
باسي گانو	۴۰۰
باغبانان	۵۵۸
باغبيت	۵۱۸ - ۳۶۸

باغ راي بوجه	۵۴۴	بالور	۴۹۷
باغ صفا	۵۹۲	بالهته	۴۵۱ - ۳۵۷
باغ فتح	۵۵۷	بالي بهنگا	۴۰۷
باغ وفا	۵۹۲	بالي شاهي	۴۰۹
باکهر	۴۵۱	باليناته تعلق	۴۰۱
باکهره	۴۵۸	بامن پور	۴۰۱
باگروند	۴۵۱	باميان	۵۹۴ - ۵۹۰
باگوان	۴۰۸	بان بهر	۴۸۱
باگور	۵۰۹ - ۳۹۴	بانبهن پاره	۴۳۶ - ۳۵۳
باگها	۴۰۶	بانبهن گانو	۴۶۳
باگه مارا	۳۹۹	بانپور	۴۱۲
باگهوتيا	۳۹۷	بانچ مانکا	۴۰۱
بال	۴۲۰	بانديور	۴۹۹
بالبهت	۴۵۸ - ۳۸۱	باندهن سندري	۵۰۸ - ۳۹۴
بالپور	۴۸۱ - ۴۷۷	باندهو	۴۵۵ - ۴۲۳
بالکوتی	۵۴۰	بانسندا	۴۰۹
بالاکهتر	۵۴۷	بانسوازه	۵۱۱ - ۵۰۵ - ۴۵۵
بالاکهتری	۵۱۰ - ۳۹۴	بانسواله	۴۹۲
بالاگچه	۴۲۰	بانلک	۴۱۰
بالتاپور	شف پالتاپور	بانکل	۵۷۳
بالکا ؟	۴۰۱	بانوارا	۴۹۸
بالکندا	۴۸۴	بانورا	۴۸۴
بال کوهسی [بالکوتھی]	۴۰۹	بانهاال	۵۷۲ - ۵۶۷ - ۵۶۲
بال گدهی	۴۰۹	بانس تالي	۴۰۹
بالذاته	۵۳۹	بانيان	۴۶۲
بالندا	۴۰۸	بارل	۵۲۵ - ۳۹۹
بالو	۵۹۸	بارن	۴۳۷ - ۳۵۲

باهراري	۳۹۴	بچه ريتو	۵۳۹
باهرميل	۵۱۳	بچه نور	۴۲۱
باهل	۵۰۸ - ۴۷۴ - ۳۹۴	بچه رين	۵۴۰ - ۹۶
باهله	۵۱۱ - ۳۹۴	ببخارا	۵۹۲
باير	۴۷۵	بدال	۴۹۵
بايزيدپور	۴۰۳ - ۴۰۱	بدانون	۵۲۰ - ۵۱۴ - ۳۹۹ - ۲۷
بيلي ؟	۴۰۹	بخشان	۵۹۰ - ۱۴۰ - ۶۷
بيئي	۴۵۹	بدرار	۵۹۵ - ۵۹۳
بتاله	۵۴۲ - شف بتاله	بدراس	۴۶۰
بتاود	۴۷۴	بدرهته	۴۴۸
بتن	۵۵۸	بدریا	۴۶۳
بتندا	۳۷۰ - شف بهتنده	آب بدستا	۵۳۷
بتورا	۵۵۷	بدمار ؟	۴۰۴
بتوه	۴۸۶	بدنون	۴۴۹
بتپور	۴۴۵ - ۳۵۷	بدنير بهولجي	۴۸۱
بتپولي	۴۳۹ - ۳۵۳	بدنير کاتکا	۴۸۱
بتيداله	۴۸۴ - ۴۷۸ - ۴۷۶	بدوبهتندال	۵۴۴
بتيداله باري	۴۸۵	بدوکهر	۴۰۳ - ۴۰۰
بتاله	۳۷۷ - شف بتياله	بدوهر	شف حسن پور
بتانا	۴۸۷	بدهانه	۵۲۳ - ۳۹۹
بتنور	۵۲۲ - ۴۳۹ - ۳۷۰	بدهارتي ؟ [بدمارتي]	۳۸۸
بتوارا	۵۳۹ - ۴۴۳ - ۳۵۶ - ۱۴۰	بدهتيلي	۳۹۹
بتور ...	۵۸۵ - ۵۶۲ - ۴۶۲	بدهرامني	۴۷۹
بتهار	۴۶۰	بدهنارور	۴۵۷ - ۳۸۱
بتهره	۴۵۱ - ۳۵۷	بدهنيده	۴۴۵
بتحي پور	۴۵۰	بدهوان	۴۸۷
بتپرازن	۵۲۲ - ۳۷۰	بدهول	۴۲۹ - ۳۴۸

بدھونا	۴۷۹ - ۴۸۳	برسي حاجي پور	۵۰۹
بدین	۵۵۵	برکھ مناولي	۵۵۸
بدین جملہ	۳۹۷	برمہ پور	۳۹۷
بدکھل	۴۲۳	برمہ پتر	۴۰۸
بدگانو	۴۰۰ - ۴۲۳	برن	۳۶۸ - ۵۱۸
بدلگا	۴۰۰	برنارہ	۳۶۸ - ۵۱۸
بدنگر	۴۸۷ - ۴۹۵	برنگ	۵۶۶ - ۴۱۱ - ۵۶۶
بدھر	۴۲۷	برنگانو	۴۷۶
بدہ گنگل	۳۹۴	برنہ	۳۵۷ - ۴۴۵
براقی	۳۹۷	آب برنہ	۴۲۳
برار	۱۳۲ - ۳۸۶ - ۴۷۳ - ۵۰۵	بروا	۳۶۹ - ۴۱۰ - ۴۵۰ - ۴۸۸ - ۴۹۹ - ۵۲۶
براري پنچر	۳۹۵	بروارا	۴۹۹
برالته	۴۶۶	بروارہ	۳۶۴ - ۵۱۰
براروہ	۴۶۶	بروالہ	۳۶۹ - ۵۶۲
براي	۴۲۰	بروت	۵۱۹
بربريا	۴۰۳	برودہ	۴۶۳
تعلق برہاکر	۳۹۴	برودہ ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۸۲ - ۴۶۰ - ۴۶۴ - ۴۶۷	
برپدا	..	۴۸۵ - ۴۸۷ - ۴۹۶ - ۵۱۰ - ۵۱۲	
برچندي	..	برودہ رعدا	۴۵۴
بردوان	۴۰۶	برودہ فتح خان	۳۵۷ - ۴۵۱
برديا	۴۰۵	برودہ ميرو	۳۵۷ - ۴۵۱
برر	۴۹۹	برور	۴۷۹ - ۴۸۰
برزا	۴۸۹ - ۴۹۱	برور انجنہ	۳۵۲ - ۴۳۷
برساني	۴۲۲	آب برولي	۴۹۳
برسر	۳۶۹ - ۵۲۱	بروہ	۵۳۹
برسلا	۴۰۱	بروي	۵۷۳
برسل پور	۵۱۳	بروئی	۳۷۰ - ۴۵۰ - ۵۲۲

برهان پور	۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵ - ۴۸۵	بسندھري	۴۰۷
برھمارت	۴۳۴	بسوترا	۴۲۱
آب برہم پتر	۳۸۹	بسوتھي	۳۵۲ - ۴۳۵
برہم گيا	۴۱۷	بسوت	۴۱۸
برہن ؟	۴۲۰	بسوہ	۳۵۲ - ۴۳۷
برہي	۵۴۲ - ۵۴۵ - ۵۵۸	بشن گيا	۴۷۸
بري ڈوگراو	۵۴۵	بصوہ	۹۶ - ۵۹۶
بري سابلک بالا	۴۰۱	بغل	۳۰
بري گھوڑا گھات	۴۰۱	بگٹھا	۳۵۲ - ۴۳۵
بريدھتي	۴۰۸	بکدو	۳۶۵ - شف بلدو
بريل	۴۲۱	بکرم پور	۴۰۵
بريلي	۳۶۹ - ۵۲۱	بکلانت	۳۶۴ - ۵۱۰
برئي	۴۲۱	بکم پور	۵۱۳
بزنگر	۴۸۷ - ۴۹۵	بکريا	۴۰۸
بسارا	۳۵۲ - ۳۷۰ - ۴۲۰ - ۴۳۷ - ۵۲۲	بکھريا بازو	شف پکھريا بازو
بسانہ	۳۵۷ - ۴۵۱	بکھن گانو	۴۶۳
بساہرہ	۴۶۶	بگڈا	۴۲۱
بساي ديورمار ؟	۴۱۱	بگڈي	۴۰۹
قلعہ بست	۵۹۲	بگرام	۵۸۵ - ۵۹۲ - ۵۹۴
بستر	۱۳۲ - ۴۷۶	بگسرا	۴۸۸ - ۴۹۹
بستول	شف بستول	بگلا	۳۹۰ - ۴۰۰
بستوہ	۵۲۱	بگلانہ	۴۵۵ - ۴۹۲ - ۵۰۷
بسراڻي	۴۹۵	بگھرا	۳۶۹ - ۵۲۴
بسرولي	۴۷۹	بگي ؟ [پينگي]	۴۲۲
بسروہ	۳۵۲ - ۴۳۷	بلاس باري	شف پلاس باري
بسري	۴۲۱	بلاس پور	۴۴۴
بسمت	۴۸۳	بلاس کاٹھي	۴۰۵

۵۴۴	بلازہ	۵۴۲	بلین
۴۵۰	بلاولی	۴۸۲	بمئی
۵۹۱ - ۵۸۶	بلخ	۵۴۴	بن
۴۰۵	بلداکپال	۵۸۲ - ۴۲۶ - ۴۲۳ - ۳۴۸ - ۲۷	بنارس
۵۱۲ - شف کدو	بلدر	۴۵۸	بناکر
۴۴۷	بلرام	۴۴۳ - ۳۵۶	بناور
۴۹۹ - ۴۹۷ - ۴۸۸	بلسار	۴۳۶ - ۳۵۳	بنایکپور
۴۸۴	بل عرب ؟	شف بھنیر	بنبر
۳۵۳ - شف جلالپور بلکر	بلکر	شف ثلاث	بنجارہ
۴۶۳	بلکوارہ	۴۱۱	بنجو
۴۳۹ - ۴۴۵ - ۴۳۴ - ۳۵۷ - ۳۵۳	بلگرانو یا بلگرام	۴۵۹	بندر جھلا
۵۸۵	کونل بلندری	۴۹۴	بندر سرلہ
۴۹۷	بلوارہ	۵۵۷ - ۲۰۳	بندر لاهری
۵۳۶ - ۳۷۷	بلورت	۴۲۵	بندریہ
۵۳۷	بلوچستان	۳۹۷	بندوال
۳۹۶	بلور	۴۰۰	بندول
۵۹۴	بلوک کامہ	۴۹۹	بندہ
۵۴۷	بلوکی دھن	۴۷۶	کڑہ بندہ
۴۲۵ - ۳۴۹	بلہاباس	۴۰۰	بنکت
۴۵۱ - ۳۵۷	بلہار	۳۸۸	بنگ
۵۲۱	بلیتی	۴۰۸	بنگباری
۴۶۵ - ۴۳۵ - ۳۵۲	بلہری	بنگالہ ۲۷ - ۷۶ - ۱۳۲ - ۱۵۰ - ۱۹۰ - ۲۰۲ - ۳۸۷	
۴۸۳ - ۴۴۵ - ۳۵۷	بلہور	۵۳۴ - ۵۳۳	
۴۲۵ - ۴۱۹ - ۴۱۸ - ۴۰۸ - ۳۴۹	بلیا	۴۰۳	بنگانو
۳۹۵	بلیسر	۴۳۹ - ۳۵۳	بنگرمو
۴۹۷	بلیسر	۵۹۵ - ۵۹۰	بنگش
۴۷۹	بلی کانر	۴۳۹ - شف پنگوان	بنگوان

۴۶۳	بنگیلہ	۵۹۸	آب بون سندھ
۴۰۸	بنوا	۵۱۰ - ۳۶۴	بوندی
۴۰۱	بنوار کاجر	۵۳۷	بوہ
۵۲۷ - ۳۶۹	بنور	۵۴۷	بوہتی
۴۵۳ - ۳۵۷	بنوہرا	۴۸۸	بندر بھابھوت
۵۱۰ - ۳۶۴	بنہتا	۵۱۳ - ۳۸۷	بہاتی
۴۰۶	بنیان چنگ	۴۰۶	بہات سیلا
۵۰۹ - ۳۶۴	بنڈیرا	۴۸۹	آب بیدار
۵۰۸ - ۳۶۴	بوال	۵۱۱ - ۳۶۴	بہادر اجون
۴۰۵	بوالیا	بہادر پور ۳۵۷ - ۳۹۴ - ۴۰۰ - ۴۲۱ - ۴۵۱ -	
۴۰۰	بوترا	۵۴۲ - ۴۹۶	
۴۲۲	بوچہوار	۳۹۴	بہادر شاہی
۴۸۴	بودن	۴۷۹	بہادکلی
۴۶۶	بودہ	۴۹۹	بہادیلی
۴۵۱	بودہ تہل	۵۷۹ - ۵۳۷ - ۴۱۸ - ۴۱۷ - ۴۱۶ - ۴۱۱ - ۹۷	بہار ۹۷
۵۰۹ - ۳۶۴ - ۳۵۷	بودھنور	۵۲۶	بہارنگی
۴۷۴	بودیر	۴۸۴	بہاسر
۴۰۸	بودھن	۴۴۹	بہاسندا
۴۲۱	بور	۵۲۱	بہاکسا
۴۷۳	بورگانو	۴۱۹ - ۳۹۶	بہاگلپور
۴۷۴	بورمال	۳۹۹	بہال
۵۵۷ - ۴۸۲ - ۴۸۱	بوزی	۴۲۱	بہالا
۴۲۰	بوسادی	۳۹۹	بہالکا
۵۱۰ - ۳۶۴	بوسامیر	۴۹۰	بہالکا تیرتہ
۵۵۸	بوسیکان	۴۸۳	بہان
۵۱۰ - ۴۵۰ - ۳۶۴	بولی	۴۶۶	بہانبیر
۵۴۶	بولیت	۴۸۸	بہانقرور

بہاند ۳۹۹	بہاند ۵۲۷
بہاندھارہ ۴۵۴	بہاندھارہ ۳۶۸-۴۲۵
بہانگیر ۴۶۸-۳۵۷	بہانگیر ۳۹۹
بہاول ۴۸۳	بہاول ۴۲۱
آبِ بیت - ۵۳۷ - ۵۴۷ - ۵۴۸ - ۵۴۹ - ۵۴۲	بہاولپور ۴۵۵-۳۵۷
۵۸۵ - ۵۶۹ - ۵۶۸ *	بہاولپور ۵۵۷-۴۰۴
بہتال [بہتال ؟] ۳۹۴	بہوانہ ۵۰۸-۳۶۴
بہتری ۴۲۷-۳۶۸	بہرائچ ۴۳۷-۴۳۳-۳۵۲-۵۳
بہت کنجاور ۵۲۴-۳۶۹	بہرکول ۴۵۱-۳۵۷
بہتو ۵۲۶-۳۶۹	بہرکوندہ ۴۰۶
بہتور ۴۶۶	بہرلی ۵۴۲-۳۷۷
بہت گھورا ۴۳۰	بہرنگر ۴۰۳
بہتیا ۳۹۵	بہرو ۵۲۲
بہتاپور ۴۶۶	بہروارہ ۴۳۷-۴۲۱-۳۵۲
بہت گانو ۴۵۸	بہروچ ۴۹۶-۴۸۸
بہت گڈہ ۵۲۷-۳۷۰-۲۰۷-۱۶۶	بہروز ۴۰۶
بہت نیر ۵۲۶-۲۰۷-۱۶۶	بہروزپور ۴۵۱-۳۵۷
بہتی ۵۵۷-۵۵۱-۵۴۴-۵۴۳	بہرندا ۵۰۸-۳۶۴
بہدانو ۴۳۵-۴۲۷-۳۶۸	بہرہ ۴۳۷-۳۵۲
بہدانہ ۵۱۲-۳۶۵	بہوہ پال ۵۵۳
بہدرا ۵۱۵	بہریاباد ۴۲۶-۳۶۹
کوہ بہدرال ۵۳۷	بہریمو شف بہریمو
بہدران ۵۴۴	بہسار شف بہسار
بہدرک ۴۱۰	بہسکر ۴۴۳-۳۵۶
بہدالون ۵۱۰-۳۶۴	بہکتی ۵۲۱
بہدو ۵۴۶	بہکمر ۵۵۷-۵۵۵-۵۵۴-۵۵۰-۵۰۵-۶۷-۲۷
	بہلاور ۴۱۸

٥٣٨ - ٤٩٥ - ٢٢١	بہیچاپور	٤٩٧	بہیچسروت
٤٩٢ - ٤٥٩ - ٣٨١ - ١٣٢	بہیچاگڈہ	٥٢١	بہیچن دیوار
٤٥٣	بہیچانگر	٤٩٣	بہیل
٤٤٨ - ٣٥٧	بہیچپور	٤٥٧ - ٣٨١	بہیلسمہ
٥١٥ - ٣٩٤	بہیچری	٥٤٢ - ٣٧٧	بہیلوال
٤٩٥	بہیچنولا		بہیم
٤٧٦	بہیدر	٤١٨	بہیمپور
٥٢٤ - ٣٩٩	بہیدولی	٤٩٩	بہیمزادہ
٤٩٨	بہیرا	٤٨٨	بہیمزاور
٤٥١ - ٤٤٢	بہیرات	٥٠٩ - ٣٩٤	بہیمزور
٤٧٧ - ٤٧٦ - ٤٥٩	بہیراگڈہ	٤٥١ - ٣٥٧	بہیوان
٤٨٨	بہیرائی	٤٩٥	بہیشہ
٤٠٩	بہیربھوم	٥٠٨ - ٣٩٤	بہیگوی
٤٩٣	بہیرپور	٤٢٩ - ٣٤٨	بہیسلی
٤٩٠ - ٤٨٧	بہیرم گانو [بہیرم]	٤٤٩ - ١٣٢	بہیوان
٤٤٣	بہیرور	٤٤٣ - ٤٤٢ - ٣٥٩	بہیانہ
٥٥٣ - ٥٥١ - ٥٤٩	بہیرون پنچند	٤٧٩	بہیاددا
٤٩٩	بہیری	٤٤٢ - ٤٥٨	بہیاور
٥١٨ - ٣٦٨	بہیری دویلدهن	٤٩٧	بہیازہ
٥٤٠	بہیسالی	٥٤٢	بہیاء
٣٩٧	بہیست بریا	٥٤٩ - ٥٣٧	آب بہیاء
٤٥٣ - ٣٥٧	بہیسرو	٥٣٧	بہیاء کند
٥٨٩	بہیسکہ (؟) الوس	٥٩١	بہیت المقدس
٤٩٥	بہیسل نگر	٥٣٧ - ٥٣٧	بہیت جالندھر
٣٩٧	بہیسی	٤٨٤	بہیتالاری
٥١٢ - ٥٠٨ - ٥٠٧ - ٥٠٥ - ٣٦٥ - ١٤٦	بہیکانیر	٤٩٤	بہیتمان
٥٥٥ - ٥٣٧ - ٥١٣		٤٩١ - ٤٩٠ - ٤٥٩ - ٤٥٩ - ٤٥٥	آب بہیتمہ

٥٤٥	آب بیک [ایک نالہ]	٤٥٧	پاچنور
٤٧٤	بیکدگانو ؟	٤٧٤	پاچورہ
٣٥٧ - ٣٥٧	بیکگوان	٤٩٧	پاچول
٥٠٩ - ٣٩٤	بیکگن	٤٩٩	پارنار
٥١١ - ٣٩٤	بیلارا	٤٩٧	پارنیر
٣٩٥	بیلباری	٤٩٢	پاک ؟
٣٩٦	بیلپہولیا	٣٩٦	پاگور
٥٤٧	بیل غاربخان	٤٠١	پاگدوار
٤٩٨	بیلکھا	٤٩٢ - ٤٧٣	پال
٤٠٨	بیلگانو	٤٧٩	پالا
٣٩٧	بیلگسی	٤٠٣	پالتاپور
٤٠١	بیلگہانی	٥٣٩	پالکواہ
٣٩٧	بیلواری	٥٤٣ - ٥١٨ - ٣٦٨	پالم
٥٤٩	بیلوت	٤٩٥	پالہنپور
٤٨٠	بیلولی	٥١١ - ٥٠٧ - ٤٣٧ - ٣٦٤ - ٣٥٢	پالی
٥١٥ - ٣٦٤	بیلونہ	٤٩٩ - ٤٩٠ - ٤٨٨	پالی تھانہ
٥٥٧ - ٤٨٢	بیلہ	٤٥٧ - ٣٨١	پانہار
٤٦٠	بیلی	٤٨٣	پانچل گانو
٤٨٤	بیم گل	٤٤٨	پاندور
	(پ)	٤٠٥	پانہتا
٤٠١	پاتال دیہ	٥١٨ - ٣٦٨	پانی پت
٤٨١	پاترشینخ باہر	٤٩٧	پاوتہ
٤٨٧ - ٣٨٧	پاتری	٤٢٩	قریات پایگاہ
٥٢٥ - ٣٦٩	پاتودھی	٥٢٧ - ٣٦٩	پایل
٤٨٣ - ٤٧٨	پاتہری	٤٩٤	پیلود
٣٩٧	پاتی کامارا	٤٩٢	پیلون
٥١٠ - ٤٣٩ - ٣٦٤ - ٣٥٣	پاتن	٤٠٩	پیلی

٥٤٨	پتلا	٥٢١ - ٤٢٥ - ٣٤٩
٤٧٨	پتال نگر	٤٢١
٣٩٧	پتکباري	٤١١
٤٢٠	پتکبرا	٤١١
٤٩٤	پتلاد	٤٣٥ - ٣٥٢
پتن - [شف پتن] ٢٧ - ٢٠٧ - ٤٨٠ - ٤٨٥		٤٢١
٤٨٧ - ٤٨٧ - ٤٩٤ - ٤٩٥ - ٥٠٢ - ٥٤٠		٣٨٨
٥٧٣ - ٥٥٢	آب پدماتي [بدھاتي ؟]	٥٧٠
٥٠٠	آب پدمتي	٤٢١
پتن ديوب	پدري	٣٩٧
پتوہ	پران پور	٤٩٤
پتھارا	پرانتي	٤٤٩
پتيار	پرانچہ	٤٦٠
پتيالي	پرانچي	٤٧٤
پتي باروڪ ؟	پرايه	٥٠٨ - ٣٧٤
پتي نرملي	پريت	٤٠٩
پتي حاجي پور	پريدا [بريدا]	٤٨٣
پتي دھينات	پريزي	٥١٤
پتي ظفروال	پريباس کنتہ	٤٠٤
پتي علي پور	پرتاب بازو	٤٠٩
پتي نکھت	پرتاب گدہ	٢٠٣
پتي هيبت پور	پرتگل	٤٠٥
پتن ديوب	پرچندي	٥٧٣ - ٥٧٠ - ٩٨
پتن سومنات	پرس پور	٥٧٢
پتنہ	پرستان	٥٤٢ - ٣٧٧
پٹھان	پرسروز	٣٣٩ - ٣٥٣
پچلانا	پرسندن	٣٩٢ - ٣١١
پچ لکھ	پرسوتم	

٥٩٢	پزشاور	٣٧٧ - ٢٩٢ - ١٥١ - ٧٩ - ٧٧ - ٢١
٣٩٩	پرمودر پتاجارچ	٥٨٣ - ٥٣٤
٥٩٠	پروان	٥٩٥
٥٤٧	پروکتر	٣٧٧
٣٧٠	پروهي ؟	٤٨١
٤٥٩ - ٤٤٨ - ٣٥٧	پرھار	٤٠٣
٤٢٩ - ٣٤٩	پرھاري	٥٥٣ - ٥٥١ - ٥٤٩
٤٢١	پرھار پور	٥٩٥ - ٥٩٠
٤٢١	پرھار پور جيدي	٤٧٩
٤٢١	پرھار راگھو	٤٠٩
٤٠٣	پحتول	٥٤٢ - ٣٧٧
٤١٩	پھئي	٥٤٤ - ٣٧٧
٥٨٨	پشنگ	٥٢٩
٥٨٥ - ٥٧٠ - ٥٧٢ - ١٥٢	پکلي [پکھلي]	٤٢١
٤٠٤	پکھريارو	٤٢٩ - ٣٤٨
٥١٠ - ٣٧٤	پلاينه	٤١٨
٤٠١	پلاس باري	٤٠٧
٥١١ - ٣٧٤	پلپاره	٥٤٠٠
٤١٨	پلچ	پنگوان [پنگوان] ٣٥٣ - ٤٣٩ - ٤٥٣ - شف پنگوان
٤٧٩	پلسکھير	٣٨٢
٥٩٢	جوي پل مستان	٤٤٩ - ٤٢٢
٤٢١	پلواري	٤٠٨
٥١٨ - ٥١٣ - ٤٤١ - ٣٧٨	پلرل	١٣٢
٤١٩	آب پن پن	٥١
٤٨٠ - ٤٧٧	پغار	٣٣٩ - ٣٥٣
٤٥١ - ٣٥٧	پنائين	٥٨٩
٥٩٥ - ٩٨	پن پور	٥٤٢ - ٣٧٧

پوته	۵۱۸ - ۳۶۸	پهتل	شف پهتل
پوتکا	۳۹۹	پهرا	۴۱۸
پودهه	۵۱۱ - ۳۶۴	پهړکيه	۴۱۹
پور	۵۰۹ - ۳۵۷ - ۳۶۴	پهړهاله	۵۴۷
پورب بهگو	۴۲۱	پهړيمو	۴۳۹ - ۳۵۳
پورب ديگه	۴۱۱	پهړي	۴۰۵
پوربندر	۵۰۰	پهړکا	۴۰۸ - شف بهلکا
پورچپار	۵۲۴ - ۳۶۹	پهړلاري	۵۴۲ - ۴۱۸ - ۴۰۱ - ۳۹۴
آب پورزی	۴۷۳ - ۴۷۶ *	پهړکانه	شف تانده
پورنیه	۴۰۰	پهړلجي	شف بدنير
پورق	۴۰۸	پهړلرا	۵۴۲
پوسته	۴۷۹	پهړل ناگ	۵۶۸
پوسد	۴۸۳	پهړلودهي	۵۱۱
پوکل	۵۱۳	پهړلي	۴۰۰
پوکهرن	۵۱۳	پهړليا	۵۰۹ - ۳۶۴
پولارهار	۴۰۳	پيگ	۴۲۳
پولک نجراو [شف نجراو]	۵۹۵	پيپرا	۴۲۱
پوله	۳۹۹	پيپل بریا	۳۹۷
پوند	۵۲۱ - ۳۶۹	پيپل دول	۴۷۴
پوندري	۵۲۷ - ۳۷۰	پيپل سر	۴۹۰
پونه	۴۸۲	پيپل گانو	۴۸۱
پونزي	۴۸۰	پيراته يا پرات	۳۵۷ - شف بيرات
پونيان	۵۲۶	پيربنجال	۵۶۲
پهاري	۴۵۴ - ۳۶۴ - ۳۵۷	پيرو	۴۲۲
پهاسو	۴۴۷	پيلا	۴۳۷ - ۳۵۲
پهالک	۵۷۲ - ۵۶۷	پيگو	۳۸۸ - ۲۰۳
پهپوند	۴۴۶ ۳۵۷	پينگي	۴۲۲

[ت]

تجاره	۴۵۳ - ۳۵۷	آب تابي [تاي]	۴۷۶ - ۴۷۳
ترآني	۴۲۲	تاتارپور	۵۴۰ - شف رای پور
تراه گانو	۵۷۰	تاج پور	۴۲۲ - ۴۰۵ - ۴۰۰ - ۳۹۴
تريښي	۳۸۸	تاجپل	۴۰۱
ترسون	۴۲۲	تارا آجيل	۳۹۷
ترکستان	۵۳۳	تاراپور	۴۸۸
ترکول ؟ [ترکوا]	۴۱۰	تاراگنځيا	۳۹۷
ترکيږي	۵۴۷	تارل	۵۴۴ - ۳۷۸
ترکي	۴۰۵	تاشولي	۳۹۸
ترکيسر	۴۹۶	تال	۴۶۶
ترملي	۵۴۴	تالا	۳۹۹
ترنبلک	۴۷۶	تال بروده	۴۶۰
ترهت	۴۲۲ - ۴۲۱ - ۴۱۷	تال دوار	۴۰۰
ترين	۵۸۹	تالقان	۵۹۰
تستر	۵۹۶	تال گانو	۴۰۶
تعلق احمد خان	۴۰۲	آب تالي	شف تابي
تعلق بالناتپه	۴۰۱	تامسا	۴۸۳
تعلق برهباکر	۳۹۴	تانده	شف تانده
تعلق برمودر بهتاجارچ	۳۹۹	تانکلي	۴۸۳ - شف بارسلي
تعلق حسين	۴۰۱	تارزو	۵۲۵ - ۳۶۹
تعلق سري پت کبراج	۳۹۹	تبت - ۳۲ - ۱۴۰ - ۵۳۳ - ۵۶۲ - ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۵۶۴	
تعلق سري رنگ	۳۹۹		۵۸۴ - ۵۸۳ - ۵۸۰ - ۵۶۹
تعلق سيوان	۴۰۱	آب تپتي	۴۹۷ - ۴۸۷ - ۴۸۵ - ۴۷۶ - ۴۷۴ - ۴۳۳
تعلق کاسيناتپه	۳۹۹	تپرو	۳۸۸ - ۳۸۷
تعلق کسائي	۴۰۱	تپل	۴۴۷
تعلق ميس مندل	۳۹۹	تته [تتهه]	۵۵۷ - ۵۵۴ - ۵۵۵ - ۵۴۹ - ۲۰۲ - ۱۴۶
تغلق آباد	۵۱۳		

تغلق پور	۵۲۴ - ۳۶۹
تگسي	۴۰۳
تلاجا	۵۰۰ - ۴۹۹ - ۴۹۰ - ۴۸۸
تلاہ	۵۱۰ - ۳۶۴
تلاذہ	۴۱۸
تل بیکم پور	۵۱۸ - ۳۶۸
تلپت	۵۱۸ - ۳۶۸
تلجابهوني	۵۳۸
تلسي گهاٽ	۴۰۱
تلکوارہ	۴۹۵
تلنبہ	۵۵۱
تلنگانہ	۴۸۴ - ۴۷۸ - ۴۷۶
تلوارہ	۵۴۲
تلوک چارند	۴۲۲
تلون	۵۴۰ - ۳۷۷
تلوندي	۵۴۴
تلہ بالناٿہ	۵۳۹
تلہندي	۴۲۹ - ۳۴۹
تلہني	۴۲۷ - ۳۴۸
تلہي	۵۲۱ - ۳۶۹
تلي گانو	۴۸۲
تلي گانو - واي گانو	۴۸۲
تليں	۴۶۲
تليہ	۴۱۰
تنبولک	۴۱۰
تنکارا	۴۸۷
تنگ تلہ	۵۶۲

تومان مندراور	۵۹۵ - ۵۹۲
تومان ميدان	۵۹۵
تومان نجرار	۵۹۵ - ۵۹۳
تومان نغز	۵۹۵
تومان نيک نہال [ننگ نہار]	۵۹۴ - ۵۹۲
تومون	۴۶۰ - ۴۵۶
تونگاگرشا	۴۸۹
توہانہ	۵۲۶ - ۳۶۹
تہارہ	۵۲۷ - ۳۷۰ - ۱۴۰
تہالنير	۴۷۵ - ۴۷۴
تہامنہ	۴۹۴
تہانہ بہدانو	۴۳۵ - ۳۵۲
تہانہ بہيم	۵۲۴ - ۳۶۹
تہانہ بيہيون ؟	۳۶۹
تہانہ فريدا	۴۶۷
تہانہ ميرخان	۴۵۸ - ۳۸۱
تہانيسر	۵۳۱ - ۵۲۷ - ۵۱۵ - ۳۷۰
تہنابريار	۴۶۰
تہتہ	شف تہہ
تہد	۵۶۷
تہراز	۴۹۵
تہرجک دامی	۵۴۸
تہروارہ	۴۹۵
تہندرت	۵۴۲ - ۳۷۷
تہنوارہ	۴۶۰
تہوا	۴۹۵
تہوگانو	۴۷۹
تياگہاتي	۳۹۷
تیکري	۴۶۳
تيلاري	۴۹۷
تيل پور	۴۳۶ - ۳۵۳
تيلروہ	۴۶۶
تيلکلم	۵۷۳
تيل ھتي	۳۹۶
تيلہ مولہ	۵۶۹
آب تيمي ؟	۴۹۸ - ۴۹۷
تيوسہ	۴۷۹

(ت)

ٿانڌہ - ۲۷ - ۳۴۸ - ۳۹۴ - ۴۲۲ - ۴۲۹ - شف
خاصپور ٿانڌہ

ٿانڌہ بھگوان [ٿانڌہ بھوگانہ] .. ۳۶۸ - ۵۱۸

ٿلسرہ .. ۵۵۸

ٿمرني - ٿمورني .. ۴۸۴

ٿردا .. ۲۰۵ - ۳۶۵ - ۵۱۰ - شف ٿردہ

ٿوري .. ۳۶۵

ٿرنک .. ۳۶۵ - ۵۱۰

(ج)

جاجپور .. ۴۱۱

جاجمو .. ۳۴۹ - ۴۳۰

جاجنگ .. ۴۷۲

جاجوي .. ۳۸۱ - ۴۵۸

جارا .. ۵۵۷

جاروہ .. ۵۱۲

جاکھر .. ۴۲۲

چاکره ۵۱۲ - ۳۶۵	جرهلي ۴۶۹
چالندهر ۵۴۰ - ۳۷۷ - ۲۷	جره ۵۲۱
چالندهري ۵۳۸	جستن بازو ۳۹۸
چالور ۵۱۱ - ۵۰۸ - ۵۰۷ - ۴۸۵ - ۳۵	جسدھون ۴۹۹ - ۴۸۸
چام کھير ۴۸۰	جسرونا ۵۴۵
چامنير ۴۷۵	جسون بالا کوتي ۵۴۰
چامود ۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵	جش ۴۱۱
چانبو ۴۸۷	جکټان ۴۴۹
چانبوجي ۴۸۷	جکدل ۴۰۴
چاندوله ۵۵۴	جکر ۵۵۷
چارر [چادر ؟] ۵۰۵	جکرام ۵۲۱
چارن ۵۲۱	جکهل ۴۲۲
بندر جاوه ۹۶	جکت ۴۸۵ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۴۹۹
چاير ۴۸۳	جکيسر ۴۲۷
چايس ۴۲۹ - ۳۶۹	جکټانه ۳۹۲
چايل ۵۱۲	جکټانه پور ۳۹۷
چبدي ۴۲۲	جلال آباد - ۳۴۸ - ۳۶۸ - ۳۷۰ - ۳۷۷ - ۳۸۲ - ۴۲۵ -
جبوت هڏهي ۵۴۴	۴۶۳ - ۵۱۹ - ۵۲۲ - ۵۴۲ - ۵۵۰ - ۵۵۳ -
جٺائي شف رٺائي ۵۹۲ [کابل] -	
جتوي ۵۵۴	جلال پور ۳۵۷ - ۳۶۸ - ۳۹۷ - ۴۵۲
جنگر ۵۴۲	جلال پور بروت ۵۱۹
جندکر ۴۹۸	جلال پور بلکهر ۳۶۹ - ۴۲۹
جڏوار ۳۷۰ - ۵۲۲	جلالي ۴۴۷
جرايل ۴۲۲	جلپي ۴۸۱
جرجيه ۵۴۳	جل گانو ۴۸۱
جرر ۴۱۸	جلود ۴۷۵
جروز ۴۸۰	جلودا ۳۸۱ - ۴۵۸

جليسر ۳۵۶ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۴۳	جونيئر ۳۶۴ - ۵۰۸
جماري [شف چماري] ۵۴۲ - ۳۷۷	جوت مکند ۴۰۷
جمال پور ۵۳۶	جودھپور ۱۴۹ - ۲۰۷ - ۳۶۴ - ۵۰۷ - ۵۰۸ - ۵۱۱
غار جمشيد ۵۸۷	جوراسي شف چوراسي
جمشير ۵۵۲	جور پوري ۴۰۲
جمندي الوس ۵۸۹	جور سنگار ۴۶۰
آب جمنه شف آب جون	جوگا [چوگانو] ۴۰۳
جمو ۵۴۴ - ۵۶۲ - ۵۸۳	جوکچري ۴۱۰
جمون گانو ۴۹۵	جوگي ديا ۴۰۵
جمپارا ۴۶۶	جولي ۳۶۹ - ۵۲۴
جٺابک ؟ ۴۸۱	جومار ۴۸۱
جناسو شف چناسو	جون [قصبة در سنده] ۵۵۸
جٺٺ آباد ۳۹۰ - ۳۹۵	آب جون - ۵۱ - ۳۸۸ [در بنگاله] - ۴۲۳ - ۴۳۱ -
جنٺور ۴۷۸ - ۴۸۳	۴۴۱ - ۴۴۲ - ۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۱۸ - ۵۱۹ -
جنجه ۵۵۸	۵۲۰ - ۵۲۳
جنڌلائي شف چنڌلائي	جونگهاتي ؟ [چونگهاتي] ۳۹۴
جنکي ۴۰۷	جونييسي ۴۸۷
جنگل ۵۵۳	جونيور - ۲۷ - ۳۶۸ - ۴۲۴ - ۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۳۲ -
جنوار ؟ [چنڌوار] ۳۵۶ - ۴۴۴	۵۳۷ - ۵۳۹ - ۵۰۴
جنور ۴۴۹	جونڌ ۴۲۳
جوار بندر سٺارگانو ۴۰۵	جونگه گڏه ۴۸۸ - ۴۸۹
جوار درسرت ۳۹۵	جوي پل مستان ۵۹۲
جوار دهی کورت ۳۹۵	جوي خطيبان ۵۹۲
جوار راموتي ۳۹۶	جوينه ۴۲۱
جوار سر سآباد ۳۹۶	جهاپرنال ۴۰۰
جوار مالده ۳۹۶	جهاجرون ۴۶۰
جواسه ۴۶۰	جهارسه ۳۶۸ - ۵۱۸

جہا کیند	۱۳۲۰	جہنجہون	۲۰۷ - ۵۱۲ - ۳۹۵
جہارہ	۴۹۲	جہنجورارا	۴۸۷
جہاسند [جیاسند]	۴۰۳	جہرجیون	۴۵۴
جہاک	۵۰۸ - ۳۹۴	جہاروکی	۳۹۷
جہالابارہا	۴۹۴	جیاسند	شف جہاسند
جہالوارہ	۴۸۷ - ۴۹۱ - ۴۹۴	جیپور	۴۰۷ - ۴۸۱
جہالوارہ کلان	۴۸۷	جیتان	۳۹۴ - ۵۱۱
جہالو	۳۷۰ - ۵۲۲	جیتپور	۳۹۴ - ۴۹۹ - ۵۱۰
جہالون	۴۹۸	جیتگدہ	۴۵۹
جہاماہر	۴۵۸	جیتہا	۴۵۹
جہانجمیر	۴۸۹ - ۴۹۱	جیتجٹ	۴۶۶
جہان نما [دہلی]	۵۱۳ - ۵۱۴	جی چنپا	شف جی چنپا
جہار دیا	۳۹۷	جیدر	۴۲۳
جہا این	۵۱۰ - ۳۹۴	جیدیا	۳۹۸
جہتانوی	۳۸۱ - ۴۵۸	جیدیبڑیا	۳۹۷
جہترا	۳۵۷ - ۴۴۸	جیرام پور	۴۰۰
جہتری	۴۹۹	جیرن	۳۹۴ - ۵۰۹
جہجہر	۳۹۸ - ۵۱۸	جیسا ؟	۴۰۶
جہرگون	۴۶۰	جیسر	۳۹۹
جہری	۴۸۳	جیسلمیر	۱۴۶ - ۲۰۷ - ۵۰۸ - ۵۱۳ - ۵۴۹
جہکوار	۴۵۱	جیفتی ؟	۳۹۴
آب جہلا	۴۱۶	جیمہ چنہ	شف جیمہ
جہلاوہ	۳۹۴ - ۵۱۰	جینتور	۴۷۸ - ۴۸۳
جہلوتر	۳۵۳ - ۴۳۹	جینتیا	۴۰۶
جہلوتا	۴۴۸	جیند	۳۹۹ - ۵۲۶
جہمراوت	۳۵۷ - ۴۵۳	جیور	۳۹۸ - ۵۱۹
جہنجہانہ	۳۹۸ - ۵۱۹	جیورا	۵۴۰

(ج)

چرنہاول	۳۹۹ - ۵۲۴	چائسو	۳۹۴ - ۵۱۰
چرخ	۵۹۳	چانگانو	۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۹۱ - ۴۰۶
چرک	۵۲۸	چادر ؟	شف جاور
چرگانو	۴۱۸	چار باغ برہی	۵۴۲
چرن لکھی	۴۹۶	چار تہانہ	۴۸۲
چرولا	۳۹۹	چاروندہ	۳۹۵ - شف جاروندہ
چرہائی	۳۹۶	چال کلانہ	۴۵۴
چریاکوت	۳۴۸ - ۴۲۷	چالون	۴۰۳
چری چنپا	۵۴۵	چانپانیر ۹۵	۴۶۵ - ۴۷۲ - ۴۸۶ - ۴۸۷ - ۴۹۷
چرنند	۴۲۱	چاندا	۴۷۷ - ۴۷۸ - ۴۸۲ - شف چاندہ
چغان سرا	۵۹۰	چاند پرتاب بازار	۴۰۴
آب چغان سرا	۵۹۲	چاند پور	۳۷۰ - ۳۹۴ - ۴۰۵ - ۴۵۹ - ۵۲۲
چکرہالہ	۵۵۸	چاندسر	۴۷۵
چکمنی	۴۲۲	چاندو	۵۵۵
چکھی	۴۷۹	چاندور	۴۸۱ - ۴۸۲ - ۴۸۳
چکھلی	۴۸۱ - ۴۸۵ - ۴۹۷	چاندور	۴۸۵
چکھنی	۴۸۲	چاندور	۴۸۵
چکھودا	۴۶۵	چاندہ	۲۳۷ - ۳۴۸ - شف چاندا
چکیسر	۳۴۸ - شف چکیسر	چاندی پور بکھر	۳۴۸ - ۴۲۷
چلوپارہ	۳۵۳ - ۴۳۶	چانگ دیو	۴۷۳
چماري [شف چماري]	۴۶۳	چایل	۳۹۵ - شف چایل
آب چناب - ۵۱ - ۵۳۷ - ۵۴۵ - ۵۴۹ - ۵۶۲ - ۵۸۱		کوتہ چترکوت	۵۶۶
چناتہ	۳۴۸ - ۴۲۴ - ۴۲۹	آب چترناگ	۵۷۰
چناسو	۴۰۳	چتوا	۴۰۹
آب چنیل	۴۰۱ - ۴۴۴ - ۴۵۱ - ۵۱۰	چتیار	۴۴۸
چنپارن	۴۱۷ - ۴۲۰	چچولی	۴۸۳
چنپانگری	۴۰۹	چرامنی	۴۳۴

چنپانیر	۴۹۵ - شف چانپانیر	چورزار	۴۸۸ - ۴۹۰ - ۴۹۹
چنداوارة	۴۹۷	چوسا	۳۴۹ - ۴۱۴ - ۴۲۳ - ۴۲۴
آب چندربهاگا	۵۳۷	چوسته	۳۵۴ - ۴۴۴
چندراو	۵۴۲	چوگه	۴۹۹
چندنورك	۵۴۴ - ۳۷۷	چوگهندي [شف چوگهندي]	۵۵۱ *
چندنوت [شف چندنوت]	۳۷۸	چوگانو	شف جوكا
چندوار [جنوار ؟]	۴۴۴	چولى	۵۲۱
چندوس	۴۴۷	چولى ميسر	۴۴۴
چندياحر ؟	۴۰۵	چومها	۴۰۷
چندبري-۱۳۲-۳۸۱-۴۴۱-۴۵۵-۴۵۹-۴۶۰	۴۶۰	چوناكهاى	شف جوناكهاى
چندلاى	۴۰۳	چونگ نديا	۳۹۴
چندرنى	۴۱۹	چهارتال -	شف چهارتال
چنوار	۳۵۹ - شف جنوار	چهاروبا ؟ [چهاروبا]	۳۹۷
چنور	۵۴۰	چهارماز	۳۵۷ - ۴۴۴
چنمت	۵۳۸ - شف درآبه	چهاررلي	۳۶۸ - ۵۱۹
چنيت	۵۴۴ - شف چندنوت	چمت	۳۶۹ - ۵۲۷ - ۵۴۲
چوبيس كوت	۴۱۱	چهاركيات بازار	۴۰۱
چوبارا	۴۲۱	چهارپتيا گولاب	۳۹۰
چوباره	۵۹۰	چهاره	۳۵۷ - شف چهاره
چوباله	شف چوباله	چهارياپور	۳۵۲ - ۴۳۷
چوپره	۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵	چهرمندوي	۴۹۴
چوبله	۳۷۰ - ۵۲۲	چهنديابازو	۴۰۳
چوتلا	۴۸۷	چهنكي	۵۲۱
چورا	۴۰۳ - ۴۹۹	چهنئي	۵۵۳
چورا رانپور	۴۸۸	چهورن	۵۱۳
چوراسى	۳۶۹ - ۳۷۷ - ۴۹۷ - ۵۲۴ - ۵۴۰	چهورنى پور	۴۰۷
چوراگده - [چورآله ؟]	۴۵۹	چهورثا هر	۵۴۴

چهرگهندي [شف چوگهندي]	۴۰۵	حسين شاهى	۴۰۴
چيلرا	۳۹۹	حصار فيروز [حصار]	۵۱۳ - ۲۰۷ - ۵۳ - ۲۷
چيلئي	۴۱۹	۵۲۹ - ۵۱۴	
چيتور - ۳۶۴ - ۴۸۴ - ۵۰۵ - ۵۰۴ - ۵۰۷ - ۵۰۹		حضرت پور	۳۹۹
چى چنبا	۴۱۸	حنواد ؟	۳۷۷
چيمه چنه	۵۴۴	خوز بهت	۴۵۹
چين	۳۸۸ - ۹۵ - ۹۲	خويلي اكر	۳۹۵
چين پور	۵۰۵	خويلي جديني	۵۱۹
چينور	۴۸۴	خويلي شهر	۴۰۸
(ح)		خويلي قديمي	۵۱۹
حابيان پور ؟	۴۸۱	(خ)	
حاجكان	۵۵۷	خارج كهتو	۵۱۲ - ۳۶۵
حاجي پور - ۳۵۷ - ۳۶۴ - ۳۷۷ - ۳۹۴ - ۴۰۸ - ۴۱۶ - ۴۱۹		خاص بارى	۴۰۲
۴۱۷ - ۴۲۰ - ۴۵۲ - ۵۰۹		خاص پور تانده	۳۶۸ - ۴۲۷
حاجي پور ساريانه	۵۴۰	خالص پور	۳۹۸ - ۳۹۹
حاجل پور	۳۸۲ - ۴۴۱ - ۴۵۵ - ۴۹۴	خان بالغ	۳۸۷
حافظ آباد	۵۴۵	خاندپور - ۳۴۸ - ۳۵۷ - ۳۸۲ - ۳۹۴ - ۴۲۷ - ۴۵۳	
حالون	شف چالون	۵۴۲ - ۵۴۵ - ۵۴۳	
حاملا	۴۰۲	خانديس - ۲۸ - ۷۴ - ۳۸۶ - ۴۷۳ - ۴۷۶ - ۵۰۴	
حسام پور	۴۳۷ - ۴۵۲	خالوة	۳۵۴ - ۴۴۴
حسن پور بدوهر	۴۵۲ - ۳۵۷	ختا -	شف خطا
حسن پور كوري	۳۵۷ - ۴۵۲	ختلان	۵۸۹
حسين آباد	۳۹۴	قريات خداوند خان	۴۸۴
حسين اجيال	۳۹۸ - ۴۰۷	خراسان	۵۸۴ - ۵۹۰ - ۵۹۵ - ۵۹۹
حسين پور	۴۰۷ - ۴۰۸	خرجه	۴۶۷
حسين تعلق	۴۰۱	خرم پور	۳۹۸
حسين سنگه	۴۰۵	خريد	۳۶۸ - ۴۲۷

خضرآباد	۵۲۸ - ۵۱۳ - ۳۷۰
خضرپور	۴۰۵ - ۳۹۹
خضرخانی	۳۹۸
خط	۵۵۸
خطا	۵۳۷ - ۵۳۳
خطپور	*۵۵۱ - ۵۴۹
جوي خطیبان	۵۹۲
خلیجی پور	۵۱۰ - ۴۹۲ - ۴۵۸ - ۳۸۱ - ۳۴۴
خلیفه آباد	۳۹۹ - ۳۹۰
خنجان	۵۹۰
خواجہ ریگ روان	۵۹۴
خوالک کوتل	۵۹۰
خوت مکند	شف جوت مکند
خوشاب	۵۴۸ - ۵۴۷ - ۳۷۸
خیبر کوتل	*۵۹۰
خیرآباد	۵۱۳ - ۴۹۹ - ۴۳۸ - ۴۳۷ - ۳۵۲
خیرآبادی	۴۰۲
خیل گری ؟	۵۸۸
(د)		
دابہاروالہ	۵۴۲ - ۳۷۷
داتیا	۳۹۹
دادر	۴۱۸
دادریک	۵۴۰ - ۳۷۷
دادری طاهیا	۵۱۹ - ۳۹۸
داردو	۵۷۰
داسنہ	۵۱۹ - ۳۹۸
داکھامون	۵۹۷
داگ دودھالیا	۴۹۷
دامرنی	۴۷۴
دامری	۴۷۵
دامری کوه	۵۹۴ - ۴۵۴
داندرا	۴۰۵
داندیس [شف خاندیس]	۴۷۳ - ۴۷۴
دانش کول	۵۸۹
دانک	۴۹۹
دانکدرن	۴۳۷ - ۳۵۲
دان کڑی	۵۴۸
دانگری	۴۷۵
دانگ مہوڑی	۴۵۱
دانیہ ؟	شف داتیا
داود بہندال برہی	۵۴۵
داؤد پور	۴۰۴
داؤدشاہی	۳۹۴
دارر شور بہوم	۴۱۰
دبلانہ	۵۱۰ - ۳۹۴
دبہارسی	۵۲۲ - ۳۷۰
دبہت ؟	شف دبہت
دبہڑی	۴۹۹
دچہن پارہ	۵۷۲ - ۵۶۶
دچہن کھارو	۵۷۳
ددہ	۳۵۳ - ۳۹۹
ددگہ	۴۸۰
ددہ پور	۴۰۹
درادر	۵۷۱

دران	۴۸۷
درہند	۵۴۸
درہنگا	۴۲۲
درہیلہ	۵۵۴
درہیہ	۵۴۰
درہی	۵۴۰
درسرک	۳۹۵
درسن پارہ	۳۹۴
درک	۵۵۷
درکڑہ	۴۵۹
درلیہ پور	۳۹۸
درنگ درہ	۴۸۷
درہ	۵۴۳
درہ دیگر	۵۴۳
دریاباد	۴۳۵ - ۳۵۲
دریابارہ	۴۳۹ - ۳۵۳
دریابور	۴۷۹
دسکھادی بازو	۴۰۴
دکھتان	۴۹۴ - ۳۸۲
دکھن - ۱۴ - ۷۹ - ۹۶ - ۹۷ - ۱۵۰ - ۱۹۰	
دکھن دیکہ	۵۸۲ - ۵۳۵ - ۴۵۷
دکھن شاہ پور	۴۱۱
دکھن عثمان پور	۴۰۵
دکھن چہی	۴۰۵
دکھن چہی	۳۹۴
دکھن چہی	۳۹۸
دکھن چہی	۵۹۷
دلور پور	۴۰۵ - ۴۰۰
دلورہ	۴۹۷
دلچہی چندہر	۵۵۳
دل مال پور	۴۰۰
دل مو	۴۲۹ - ۳۶۹
دلی بہتی	۵۵۱
درہ دمنار	۵۸۵
بندر دمن	۴۸۸ - ۴۸۵
دمودہ [دمودہ ؟]	۴۵۹
دنبالہ	۵۴۱
دنبہائی	۴۶۷
دندرولی	۴۴۸
دنکری	۵۵۷
دنکور	۵۱۹ - ۳۹۸
دنوار	۴۲۳
دنیا پور	۵۵۰
دوآب [میان دوآب]	۵۳۵ - ۵۱۹
دوآبہ باری - ۳۷۷ - ۵۳۷ - ۵۴۲ - ۵۵۰ - ۵۵۳	
دوآبہ بیت جالندہر - ۵۳۷ - ۵۳۹ - ۵۵۰ - ۵۵۲	
دوآبہ چنہت	۵۴۹ - ۵۳۸
دوآبہ رچنار - ۳۷۸ - ۵۳۸ - ۵۴۳ - ۵۵۱ - ۵۵۳	
دوآبہ سندہ ساگر - ۵۳۸ - ۵۵۱ - ۵۳۹ - ۵۴۷	
دوارکا	۴۹۰ - ۴۸۹
دوارہ کوت	۵۲۱
دوب جاکر	۴۹۰
دوبلدھن	۵۱۸
دوت	۴۱۰

دوتارا	شف درنارا	دھارہ	۴۸۳
دودای	۵۵۲	دھارہی	۴۸۹
دود خان	۵۵۲	دھاری	۴۹۹
دودوت	۵۴۸	دھارسہ	۴۰۷
دودیل	۵۴۷	دھاملہ	۴۴۹
دودیلہ	۵۲۲ - ۳۷۰	دھام نگر	۴۱۰
دورالہ	۵۲۸ - ۳۶۹	دھاموڑی	۴۷۹
دورالہ	۴۶۰	دھامونی	۴۵۸ - ۳۸۱
سرکار دورونیون	۵۸۶	دھانبون	۴۹۸
قربات دوستپور	۴۲۸	دھانتور	۴۹۹
دوستینہا	۳۹۸	دھانک	۴۸۹
دوکون	۴۳۳	دھانکی	۴۸۳
دوکی	۵۸۸	دھانہ	۵۱۸
دولت آباد	۵۴۵ - ۴۹۹	دھانیان	۴۰۷
دولت پور	۵۴۵	دھانیہ	۴۵۸ - ۳۸۱
دورنارا	۵۱۱ - ۳۶۴	دھارہ	۳۹۴
دون پور	۵۱۲ - ۳۶۵	دھاریر	۴۸۵
دونگر	۵۰۰ - ۴۹۹ - شف دونگر	دہ بالو	۵۶۸
دونگر پور	۵۱۲ - ۴۹۲	دھرا	۴۵۲ - ۳۵۷
دونگرولہ	۴۵۹	دھراب	۵۴۸
دون ناگور	۵۴۰	دھرم پور	۴۱۹
دوہار	۴۰۵	دھرم گانو	۴۹۵ - ۳۸۲
دھاترت	۵۲۶	دھرن گانو	۴۷۳
دھاد	۴۸۵	دھروار	۴۹۹
دھار	۴۶۴ - ۴۵۶ - ۳۸۲	دھروڑ	۴۲۲
دھارمن	۴۰۴	دھری	۵۱۰ - ۳۶۴
دھارور	۴۸۱	دھکنیر	۴۱۸

دھکوار	۴۸۴	دھولقہ	۴۹۴
دھکھ	۵۲۲ - ۳۷۰	دھولہر	۴۸۷
دھلت جلال پور	۳۹۸	دھولی	۳۹۸
دھلت	۳۸۹	دھومرہات	۳۹۸
دھل گانو	۳۹۶	دھیچ بارہا	۴۹۶
دھلی	۲۱ - ۲۷ - ۱۵۰ - ۲۲۰ - ۳۶۸ - ۴۳۲	دھیر پور	۳۹۶
	۵۰۲ - ۵۱۳ - ۵۱۸ - ۵۱۹ - ۵۳۴ - ۵۳۵	دھیری	۵۴۱
	۵۳۶ - ۵۵۴ - ۵۵۵ - ۵۶۱	دھی کرت	۳۹۶ - ۳۹۵
دھلی جدیدی	۵۱۹	دھینات	۵۳۹
دھلی قدیم	۵۱۴ - ۵۱۹	دھیندا	۴۸۱
دھلی پور	۴۰۸	دھیل	۵۴۰ - ۵۵۶
دھموری	۴۹۷	دھیل پور	۳۸۱ - ۳۸۲ - ۴۵۷ - ۵۰۵ - ۵۳۴
دھمیرا	۴۵۹		۵۵۲ - ۵۳۵
دھمیری	۵۴۳ - ۴۵۹	دھیل پور لکھی	۵۵۲
دھناسری	۲۰۳ - ۹۵	دیسرہ	۵۴۰ - ۳۷۷
دھن پور	۳۹۵	دیسہ	۴۹۵
دھندھولک	۴۹۴	دیکھا	۴۰۳
دھنسر	۴۸۷	دیکھوارہ	۴۵۸ - ۳۸۱
دھنکشاہ	۵۵۲	دیگراوی	۵۵۱
دھنکائی	۵۴۰	دیلواریہ	۵۱۰ - ۴۸۸ - ۳۶۴
دھنکوت	۵۹۰ - ۵۴۸	دینار	۴۲۳
دھوار	شف کول دھوار	دین پٹا [دھلی]	۵۱۴
دھوتہ	۵۲۸ - ۳۶۹	دیندوانہ	۵۱۲ - ۳۶۵
دھود	۴۹۷	دینسو	۵۷۳
دھوس	۴۲۹ - ۳۴۸	دیو	۴۸۸
دھول	۴۹۷	دیو پاریہ	۴۳۶ - ۳۵۳
دھولپور	۴۴۴ - ۳۵۶	دیواندر	۵۱۳

دیوار اول	۵۵۲	دیہبا	۳۴۹ - ۴۲۹
دیواس	۴۶۵	دیہت	۴۰۰
دیوبند	۵۲۴ - ۳۶۹	دیہ معمورہ	۵۹۲
دیوپر	۴۸۹	دیہ یعقوب	۵۹۲
دیوتھانا	۴۸۱	(د)	
دیوتیر	۵۵۲	دآدہ	۵۴۰
دیورا	۴۰۳ - ۳۹۸	دآند سکھوارہ	۴۱۹
دیورانہ	۵۲۸ - ۳۶۹	دآدیال	۵۴۰ - ۳۷۷
دیورکھہ	۴۳۹ - ۳۵۳	دآبکر	۴۵۲ - ۳۵۷
دیوررد	۴۵۸ - ۳۷۰	دآندپات	۴۱۱
دیورہ	۵۲۲ - ۳۸۱	دآوکراو	۵۴۶
دیوسر	۵۷۲ - ۵۶۸	آب دآوندی	۴۹۱
دیوسہ ؟	۳۷۷	دآونگر	۴۸۲ - شف دونگر
دیوکلی	۴۴۵	دآونگروہ	۴۵۹
دیوگانو	۵۰۸ - ۴۵۹ - ۴۲۷ - ۴۰۶ - ۳۶۴ - ۳۴۸	دآونگری	۴۵۱
دیوگڈہ	۴۵۹	دآہکبارو	۴۰۴
دیولا کھتیا	۴۶۳	دآیرپور	۴۴۵
دیولا نرھر	۴۶۳	دآیگسی	۴۲۱
دیول گانو	۴۷۶ - ۴۸۴	(ر)	
دیولی ساجاری	۴۵۲ - ۳۵۷	رآبری	۳۵۶ - ۴۴۴ - شف رآبری
دیوہا	۴۴۶ - ۳۵۷	رآٹھہ	۴۵۲ - ۴۴۵ - ۳۵۷
دیوہار	۴۵۹	رآچپور	۵۵۲ - ۵۵۰ - ۵۲۲ - ۳۷۰
دیوہری خورد	۴۶۰	رآچپور پتن	۵۴۰
دیوہری کلان	۴۶۰	رآچ پیٹلہ	۴۹۳
دیوی	۴۳۹ - ۳۵۳	رآجگڈہ [رآج گر]	۴۱۸ - ۴۱۷
دیویا	۳۹۵	رآج مہندہ	۴۱۱
دیویاپور	۳۹۴	رآجاری	۵۳

راجور	۴۸۸ - ۴۸۳ - ۴۸۱	رانیر	۴۹۷ - ۴۸۸
راجورا	۴۶۵	رانی هانت	۴۰۸
رادھن	۴۹۵	آب رادی	۵۴۹ - ۵۳۷
رادھن پور	۵۰۲	رآہ بان	۵۵۸
راری	۴۳۱ - ۴۲۷ - ۳۴۹ - ۳۴۸	رآی بریلی	۴۲۹ - ۳۴۹
راگہ	۴۶۱	رآی پور - ۴۰۵ - ۴۱۰ - ۴۴۵ - ۴۴۸ - ۴۵۴ - ۴۶۶	
راگھوپور	۴۲۹ - ۳۴۸	رآی پور تاتار	۵۲۴ - ۳۶۹
رال گن	۴۹۹	رآی پور کٹکی	۵۵۱
رالی گانو	۴۸۲	رایت	۴۸۹
رامپور	۳۶۴ - ۳۶۹ - ۳۹۴ - ۴۱۸ - ۵۰۹ -	رایسہ [راینہ]	۴۰۷
رامجگ	۴۸۱	رآی سمو	۵۲۸
رامچوند ؟	۴۲۲	رایسین	۴۵۸ - ۴۵۷ - ۳۸۱ - ۱۳۲
رامچارند	۴۲۲	رانکا ؟	۴۱۰
وام چند رپور	۴۱۰	رایکماٹی ؟ [رنگماٹی]	۳۹۵
وام کورت	۴۳۹ - ۳۵۳	رآی کیداری	۵۴۷
وام گڈہ - ۳۵۳ - ۴۳۶ - ۴۵۹ - ۴۷۶ -	راینہ	شف رایسہ
وام گر	۵۵۶ - ۴۸۴	رآبری	۵۵۲ - شف رآبری
واموت	۴۹۹	رتائی جٹائی	۵۲۵ - ۳۶۹
واموتی	۳۹۶	رتن بلاھر	۴۵۱
رامیسر	۴۷۴	رتن پور	۴۵۹ - ۴۳۶ - ۴۲۳ - ۳۵۳ - ۱۳۲
رانپور	۴۹۹ - ۴۸۷	رتن گڈہ	۴۴۹
رانڈیر	شف رانیر	رتنہ	۵۵۷
رانگ دیا	۳۹۹	رتی	۴۲۰
ران گڈہ	۴۵۹	رتیلا	۵۲۱
رانگر	۴۸۴	رٹلام	۴۵۷ - ۳۸۱
رانوبیر	۴۷۵	رجب پور	۵۲۲ - ۳۷۰
		رجہت	۴۳۷ - ۳۵۲

روح	۴۱۸	۳۵۶ - ۴۴۴
روح النگار	۵۹۲	۳۷۷ - ۵۳۸ - ۵۴۵ - شف درآبه
روح علي شنگ	۵۹۲	رحمت آباد
روح هي	۴۴۰	رحيم آباد
روشن پور	۵۰۸ - ۳۶۴	ردولي
رون	۵۱۲ - ۳۶۵	رزكي
روهن كهير	۴۸۱	رس كوي
روهني	۴۱۹	رسن
روهيرة	۴۵۰	رسول آباد
رهتاس	۳۷۷ - ۱۳۲ - ۴۱۶ - ۴۲۲ - ۵۴۸ - ۴۲۳	رسول پور
رهنگ	۵۱۹ - ۳۶۹ - ۳۶۸	رسوليا
رهلي	۴۳۶ - ۳۵۳	رعنا
رهوت	۵۱۲ - ۳۶۵	رکن پور
ريابانه	۴۴۸ - ۳۵۷	رمنا
ريد پور	۴۷۹	آب رن
ريشان	۵۴۸	رن بر پور
رين	۴۱۰	رنبل
رين پور	۴۷۵	رنقده پور
رينها	۵۴۵ - ۳۷۷	رنکته
ريواراي	۵۲۵ - ۵۱۳ - ۳۶۹	رنگامائي
ريواسا	۵۱۲ - ۳۶۵	رنکپور
ريواندهنه	۵۱۰ - ۳۶۴	رنود
ريون	۵۶۵	رويس پور
(ز)		روپر
زابل [غزنين]	۵۹۳	روپنگر
زابلستان	۵۹۳ - ۵۸۵ - ۵۶۲ - ۶۷	روچانه

زمين داور	۵۸۹ - ۵۸۸ - ۵۸۷	ساکهات	۴۰۸ - ۴۰۲
زير پور	۴۶۲	سالباهن	شف کوت سالباهن
زير باد	۹۵	سالود	۴۷۹
زير پور ؟	۴۵۴	سالور	۴۸۲
زين لنگ	۵۶۹	سالي بريا	۳۹۸
زينه پور	۵۷۲	ساليور	۴۹۲
زينه گر	۵۷۳	ساليسر بهي	۳۹۹
(س)		سالي سري	۴۰۵
آب سابومتي	۴۹۴ - ۴۸۶ - ۴۸۵	ساليमान	۴۰۶
سات سيکا	۴۰۷	سانا	۴۵۸
ساتگانو	۴۰۸ - ۳۹۱ - ۳۸۹ - ۲۰۳ - ۱۳۲	سانبهر	۵۰۸ - ۳۶۴
ساتل پور	۴۹۵	سانتي پور	شف ساتن پور
ساتل مير	۵۱۱ - ۳۶۴	سانتاداري	۴۵۳ - ۳۵۷
ساتن پور	۴۳۹ - ۴۳۵ - ۴۰۹ - ۳۵۳ - ۳۵۲	سانچور	۵۱۱
ساتنير	۴۸۰	ساندري	۵۰۹ - ۳۶۴
ساتور	۳۹۸	سانقل	۴۰۶
سادگهاتي [سادگهالي]	۴۰۸	سانکده	۴۱۹
سادهوره	۵۲۸ - ۴۶۱ - ۳۷۰	ساندي	۴۳۸ - ۳۵۲
ساديله	۵۱۲ - ۳۶۵	سانکر بنوت	۵۴۰
ساردها	۵۳۸	سانکوره	۵۵۷
سارسوپ	۵۱۰ - ۳۶۴	سانکور	۴۶۵ - ۳۸۲
سارن	۴۲۰	سانگوري	۴۶۴
سارنگپور	۴۶۲ - ۴۶۱ - ۴۵۹ - ۳۸۱ - ۲۷	سانورگهاتي	۵۰۹ - ۳۶۴
ساروتيا	۳۹۸	سانولدياره	۴۸۵
ساريانه	۵۴۰	سانوير	۴۵۷ - ۳۸۱
ساسبير	۴۰۳	سانويس	۴۹۷
ساکرس	۴۵۳ - ۳۵۷	سانهي پور	۴۰۲

۵۲۲ - ۳۷۰	منہس پور	۴۹۷	سونکھپوٹہ
۴۱۱	سہنسو	۴۹۹	سونہل
۵۲۵ - ۵۱۴ - ۳۹۹	سہنہ	۴۰۷	سونیا
۴۰۹	سہوا	۵۱۹ - ۳۹۸	سونی پت
۴۷۹	کوتہ سہیا	شرف گھاٹ سرون	سرون
۵۵۸	سیار	۵۴۷ - شرف سوارہی	آب سوارہان
۴۱۰	سیاری	۴۹۷	سوہت
۵۴۵ - ۳۷۷ - ۲۷	سیالکوٹ	۴۵۰	سوہندی
۴۸۹	سیال کوکھ	۴۲۸	قربات سویتہ
۴۹۵	سیام گڈہ	۵۱۰ - ۳۹۴	سوی سوہر
۵۱۹ - ۳۹۸	سیانہ	۵۷۰	ڈرہ سوہم
۴۸۷	سیانی	۴۵۵ - ۴۵۴ - ۴۴۹ - ۳۵۷	سہار
۵۸۹	سیانہ خانہ الوس	۴۹۲	سہار بابا حاجی
۵۴۰	سیبہ	۵۲۳ - ۳۹۹ - ۲۷	سہار نیور
۵۲۱	سیتاچور	۴۸۷	سہالا
۵۵۲ - ۴۰۲	سیت پور	۴۳۹ - ۳۵۳	سہالی
۴۵۹	سیتلپور	۴۴۹ - ۳۵۷	سہارر
۵۰۸	سیتھلا	۵۴۵	سہجراو
۴۲۹ - ۳۴۹	سید پور نمڈی	۵۲۱	سہجگر
۳۷۷	سیدھپور	۴۹۱	سہجن
۵۲۷	سیدھمکھ	۳۹۹ - شرف سرھند	سہرند
۴۹۳	سیدھوا [سندھوان]	۴۱۹	سہوہ
۴۴۷ - ۴۳۹ - ۳۵۳	سیدھوپور	۴۰۷ - ۳۹۹	سہس پور
۴۳۹ - ۳۵۳	سیدھور	۴۲۳	سہسرانو
۵۴۹	سیرال کھٹر	۵۲۱	سہسوان
۴۱۱	سیران	۵۴۹	سہلور
۴۸۱	سی رالے	۵۱۰ - ۳۹۴	سہنساری

۳۹۳	سیورانہ	۳۹۵	سیورھر
۵۵۲	سیور اھی	۵۱۳	سیری
۴۵۰	سیور پوری	۵۹۵	سیستان
۵۵۸ - ۵۵۶ - ۵۴۹	سیوستان	۵۰۵	سیسودا
۴۶۶	سیو کھمڑہ	۴۰۰	سیسہرا
۴۸۳ - ۴۴۶ - ۳۵۷	سیولی	۴۴۱	سیگری
۴۸۵	سیونا	۵۲۴ - ۳۶۹	سیگری بہوگرہیری
۴۸۰	سیون بارہا گانت بارہا	۴۰۳ - ۴۰۲	سیکھ شہر
۴۴۶ - ۳۵۷	سیونرکھ	۴۰۴	سیل پوس
۴۴۴ - ۳۵۶	سیونگر سیونگری	۳۴۹	سیلپور
۴۸۳ - ۴۶۵	سیونی	۴۳۵ - ۳۵۲	سیلک
۴۸۰	سیوہ	۳۹۶	سیل کھریا
۵۲۲ - ۳۷۰	سیوہارہ	۴۸۰	سیلو
۵۸۶ - ۵۵۶ - ۵۵۴ - ۵۵۰	سیوی	۴۶۴	سیلوارہ
۴۹۸	سیہرا	۲۰۷	سیمالوی
۵۵۶	سیہوان	سیمبل با مززعہ - ۵۰۹ - شف سمدیل	
۴۸۸	سیہور	۴۰۹	سین بہوم
۴۳۴ - ۴۳۳ - ۴۲۹	آب سنی	۵۱۹ - ۳۶۸	سینتہ
(ش)			۴۹۶	سینور
۵۷۲	شاردہ	۴۳۰ - ۳۴۹	سیندھا [سیندھا]
۳۹۶	شادمندری	۴۸۳	سیوالا
۴۲۷ - ۳۴۸	شادیاباد	۴۰۱	سیوان تعلق
۴۳۰ - ۳۴۹	شادیپور	۵۱۱ - ۳۶۴	سیوانا
۵۷۰	شاردا	۵۲۷ - ۴۵۸ - ۳۸۱	سیوانی
۵۸۸	شال	۴۰۵	سیوچال
۵۶۷	شالہ مار	۴۹۹ - ۴۱۹	سیور
۳۹۶	شالیسری	۵۲۷	سیوران

شازنده قریات	۵۲۷ - ۳۴۹
شازنده هنجراو	۵۴۵ - ۳۸۲
شاه آباد	۵۲۸ - ۳۷۰
شاهپور	۴۰۹
شاه آجیل	۳۹۸
شاه آجیل بازو	۴۰۴
شاه بالا	۳۹۵
شاهپور	۳۷۷ - ۳۸۱ - ۴۰۰ - ۴۰۵ - ۴۵۸
شاهزاده پور	۴۵۹ - ۴۷۷ - ۴۵۹
شاه عالم پور	۴۴۹ - ۴۰۰ - ۳۹۵ - ۳۵۷
شاه کابل	۵۹۲
کوتل شاه کورت	۵۹۷
شاه لیسری	۳۹۵
شاهی	۵۲۳ - ۳۷۰
شیرتو	۵۹۰
شندر	۵۳۷
شجاع پور	۴۶۲
شروان	۱۴۰
شریف آباد	۴۰۶ - ۳۹۱
شکار پور	۴۴۷ - ۴۰۴
شکر پور	۵۴۷ - ۵۱۹ - ۳۷۸ - ۳۶۸
شکرة	۵۷۲ - ۵۶۸
شمس آباد	۵۴۸ - ۵۳۹ - ۴۴۶ - ۳۷۸ - ۳۵۷
شمس پور	۴۰۵
شمس خانی	۳۹۴
شور	۵۵۵ - ۵۴۹ - ۵۴۵ - ۳۷۸
شورایک	۵۸۹
شورپور	۵۴۷ - ۳۷۸
شهاب الدین پور	۵۶۹
شهباز پور	۳۹۷ - ۳۹۵
شهرآرا	۵۹۲
شهزاده بلوچ	۵۵۴ - ۳۸۲
شیخ پور	۴۰۶
شیخوپور	۵۴۱ - ۳۷۷
شیرپور	۳۹۴ - ۳۹۵ - ۳۹۸ - ۴۰۴ - ۴۷۹
شیرپور بری	۵۴۳ - ۴۸۱
شیرپور عطائی	۳۹۸
شیرپور کوی باری	۴۰۷
شیرپور مرجه	۴۰۲
شیرپور شیرخانی	۴۰۵
شیرکوت	۵۸۵
شیرکوت	۳۹۴
شیرکوت	۵۲۳ - ۳۷۰
شیرکوت	۵۵۰ - ۵۴۱ - ۴۰۹ - ۴۱۱
شیرلا	۴۸۱

(ص)

(ض)

(ط)

طالقان [تالقان]	۵۹۰
طاه	۵۹۵ - ۵۹۴
شف دادری طاه	۵۵۵ - ۵۴۹ - ۵۴۵ - ۳۷۸

طاهری پور	۴۰۴
طول	۵۹۰
(ظ)		
ظفرآباد	۴۲۷ - ۳۴۸
ظفرآجیل بازو	۴۰۴
ظفرپور	۵۴۹
ظفرشاهی	۴۰۱
ظفرال	۵۴۴
ظهور آباد	۴۲۶ - ۳۴۹
(ع)		
عابدی آباد	۵۵۳
عادل آباد	۴۷۵ - ۴۷۳
عادل پور	۴۰۰
عالم پور	۵۵۳ - ۴۰۷
عراق	۱۵۲ - ۱۴۰
عظمت پور	۴۰۷ - ۳۹۸
عقابین	۵۹۲
علاپور	۴۴۸ - ۴۲۲
تومان علی شنگ	۵۹۳
روان علی شنگ	۵۹۳ - ۵۹۲
عمادپور	۴۲۰ - ۳۹۹
عمرپور	۴۰۷
عیسی پور	۵۴۱
عیسی خیل	۵۸۶
(غ)		
غار جمشید	۵۸۷
غار شاه	۵۸۷
غازی پور	۳۴۹ - ۳۷۷ - ۴۲۵ - ۴۲۶ - ۵۵۲ - ۵۵۸
غربت دارون	۵۴۳
غرجستان	۵۹۶ - ۵۸۶
غزنی پور	۳۹۸
غزنین	۵۹۵ - ۵۹۳ - ۵۹۱ - ۵۸۶ - ۵۳۳ - ۵۳۲ - ۴۷۱
غور	۵۹۶ - ۵۹۰ - ۵۸۷ - ۵۸۶
غوربند	۵۹۵ - ۵۹۴ - ۵۹۰
غیاث پور	۴۶۶ - ۴۱۹ - ۳۹۵
(ف)		
فتح آباد	۵۲۷ - ۳۹۶ - ۳۴۹
فتح پور	۳۴۵ - ۳۵۶ - ۳۵۳ - ۲۰۷ - ۱۹۸ - ۱۰۱
فتح پور	۳۷۰ - ۳۹۶ - ۴۰۲ - ۴۰۸ - ۴۰۰ - ۴۰۱
فتح پور	۵۵۴ - ۵۵۲ - ۵۵۰ - ۵۲۸ - ۴۴۴
فتح پور بهیا	۴۲۳
فتح پور جهنجهون	۵۱۲
فتح پور چوراسی	۴۴۰ - ۳۵۳
فتح پور سیکری	۴۴۱
فتح پور کالوری	۵۴۸
فتح پور مونگرتا	۴۵۳ - ۳۵۷
فتح پور نوسیکا	۳۹۸
فتح پور هندسوه	۴۳۱ - ۳۴۹
فتح سنگه	۴۰۷
فتح پور بندال برهی	۵۴۵
فتح پور	۴۳۷ - ۳۵۲
فراسر گهر	۴۰۸
فرحت پور	۳۹۸
فرمل	۵۹۵ - ۵۹۰

۵۸۶	قربان سويته	۳۴۸ - ۴۲۸
فریدا	قربان شيرپور	۴۷۹
فرید آباد	قربان کراره [کراره]	۴۲۹ - ۳۴۹
فضل آباد	قربان متو	۴۲۸ - ۳۴۸
فقر آباد	قربان ميندهه	۴۲۸ - ۳۴۸
فانصور	قصبه	۳۹۹
فیروز آباد	قصور	۵۴۳ - ۳۷۷
فیروز پور	قطب پور	۴۱۰ - ۳۹۸
۵۴۹ *	قلا بنجاره	۵۸۹ - ۵۸۷ - ۵۸۹
(ق)	قلا ترنوک	۵۸۹
قاضي پور	قنبرویر	۵۹۲
قاضي هتي	قندهار	۵۸۲ - ۵۹۲ - ۵۹۱ - ۵۵۹ - ۶۷
قبا ز پور		۵۸۹ - ۵۸۷ - ۵۸۸ - ۵۸۹ - ۵۹۰ - ۵۹۱
قبحاق		۵۹۳ - ۵۹۲
قبوله	قنوج	۴۴۵ - ۴۴۲ - ۴۴۱ - ۴۳۳ - ۳۵۷ - ۲۷
قربان قندهار		۴۴۹ - ۵۹۰ - ۵۳۱ - ۵۰۷ - ۵۰۲ - ۴۴۹
قرغز	قيام پور	۴۹۹
قربان اين روي آب	قيام پور لکهي	۵۵۲
قربان بابل	قلزم	۹۹
قربان باري	قيصور	شف فنصور
قربان پالا	(ك)	
قربان پاگه	کابر	۵۲۳ - ۴۱۹ - ۳۷۰
قربان پلي	آب کابل	۵۸۹
قربان خداوند خان	کابل	۵۸۹ - ۵۸۵ - ۴۰۲ - ۲۵۱ - ۲۱۰ - ۲۷
قربان دوست پور		۵۸۷ - ۵۹۰ - ۵۹۲ - ۵۹۳ - ۵۹۴ - ۵۹۵
قربان راجور		۴۸۲
قربان راي سمو	کابل پور	۵۲۸ - ۳۶۹

۴۵۵	کالياده	۴۰۹
۴۵۵	آب کالي سنده	۳۹۴
۴۰۴	کالي کلي	۵۴۵ - ۳۷۷
۴۰۴	کالي گاي کوتيا	۴۱۹
۵۲۰ - ۵۱۸	کالي ندي	۴۰۸
	کامتا	۳۹۵
۵۳۸	کامچيا	۴۹۹
	کامراج	۴۷۹
	کامروپ [کامرو]	۴۷۹
۴۹۸	کامريچ	۵۴۹
۵۹۴ - ۴۵۵ - ۳۵۷	کامه	۵۵۹
۵۴۸	کانبت	۵۵۸
۵۲۱	کانت	۵۱۲ - ۳۶۵
۴۴۹ - ۳۵۷	کانتي	۵۲۰ - ۳۶۸
۵۲۰ - ۳۶۸	کانهله	۴۲۳
۳۹۴	کانک جول	۴۱۰
۴۰۲	کانک سکر	۳۹۹
۵۴۳ - ۵۳۸ - ۴۹۱	کانگره	۵۸۵ - ۵۵۷ - ۵۳۷
۴۵۴	کانرته	۳۹۴
	کانورو	۳۹۵
۴۴۲ - ۴۵۴	کانوري	۴۹۵
۵۴۳ - ۳۷۷	کانو واهن	۴۴۰ - ۳۵۳
۴۹۴	کانه پور	۵۵۴
۴۹۲	کانهر	۵۴۹ - ۳۷۷
۴۹۹ - ۴۸۸	کاوي	۵۳۶ - ۴۴۵ - ۴۴۴ - ۴۴۲ - ۴۴۱
۵۵۸	کاهان	۴۳۰ - ۴۲۴ - ۴۲۳ - ۳۶۹
۵۴۹ - ۵۳۷	کاهلور	۵۴۸
	کالوري	

۵۹۰ کوتل بادام چشمه	۳۵۷ - ۴۴۹ کنفیل
۵۹۰ کوتل بازارک	۵۱۵ کنفلا
۵۸۵ کوتل بلندری	۴۲۵ ۴۲۳ کنت
۵۹۰ کوتل پروان	۴۹۲ کنت کوت
۵۹۰ کوتل خراک	کنجار کنجار
۵۹۰ کوتل خیبر	۵۲۳ - ۳۷۰ کندرکی
۵۸۹ کوتل دانش کول	۴۹۹ - ۴۸۸ کندولنا
۵۸۹ کوتل سمج	۴۱۰ کندهار
۵۹۷ کوتل شاهکوت	۳۹۸ کندي نوئي
۵۹۰ کوتل شبرتو	۴۰۸ کندالیا
* ۵۸۵ کوتل شیرخانه	۳۹۸ کندلیا
۵۹۰ کوتل طول	۴۰۲ کندي باري
۵۹۰ کوتل قنچاک	۵۵۱ کنکي
۵۹۰ کوتل کرپه	۳۹۹ کنگیس تعلق پرماند
۵۸۹ کوتل کنیر و نورکل	۳۹۴ کنور پرتاب
۵۸۵ کوتل ملکند بچ	۴۵۰ کنوله ؟
۵۹۰ کوتل نیمله	۴۰۲ کنهال
۵۹۰ کوتل هفت بچ	۵۸۹ - ۵۸۵ کنیر نورکل
۴۳۱ کوتلا	۴۵۷ - ۳۸۱ کفیل
کوتله - ۳۵۳ - ۳۵۷ - ۴۳۹ - ۵۴۳ - شف کوتله	۴۰۰ کوارپور
کوتوالی ۳۹۹ - ۴۰۸	۴۰۲ کواکچهي
آب کوتهار ۵۹۸	۴۲۵ - ۳۴۸ کوالئي
کوتهری ۴۰۹	۴۰۸ کویندا
کوتهل ۴۸۱	۴۲۹ - ۳۴۹ کوپاچیت
کوتلمی ۴۸۱	۵۲۳ کوت پور
کوتبی ۵۴۱ - شف کوتبی	۵۱۳ کوترا
کوتیعا ۴۰۴	۴۷۷ - ۳۸۱ کوتری پرایه

کوتيا	۳۱ - ۳۹	کوراڻي	۳۸۱ - ۳۵۸
کوتيانا	۹۹	کورته	۳۸۳
کوت	۲۳	کورڙه	۳۹ - ۳۳۹
کوت ٻوٽي	۵۴ - ۴۴	کورڙي	۴۱
کوت ديس	۱۱	کورها	۷۹
کوت سالباهن	۲۱	کورهار	۸۲
کوت قاسم علي	۲۵ - ۳۹	کورڙي	۴۹۹ - ۴۵۲
کوت گير	۸۴	بغدر کورڙي ناز	۴۸۸ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۴۹۹ - ۵۰۰
کوت لهر	۴۱	کورڙه	۲۰
کوتنا	۱۰ - ۳۹۴	کوس	۹۸
کوترا	۲۳	کوسا	۹۷
کوتڙه	۹۵ - ۳۵۲	کوسدا	۰۸
کوتله	۳۴۹ - ۳۴۶ - ۴۵۳ - ۵۴۱ - شف	کوسري	۸۳
کوتهر	۹۹	کوسم دلد	۸۴
کوتهي	۰۲ - شف	کوسون	۳۱ - ۳۴۹
کوجان	۶۱	کوسيانه	۰۹ - ۳۹۴
کوجوڙه	۱۲ - ۳۹۵	کوکرن	۰۲
کوج بهار	۸۹ - ۳۸۷ - ۱۴۰	کوکرننگ	۵۵
کودا کهنڌ	۲۲	کول	۴۷ - ۴۴۹
کودسا	۹۸	کولارس	۵۰
کودلا	۰۷	کولاکوت	۶۱
آب کودي	۴۳ - ۴۵۵	کول بريا	۹۸
کودانگر	۴۰	کول دهرار	۵۲
کودنه [گوا]	۲۱ - ۳۴۸	کوله	۲۸ - ۳۴۸
کوديه	۲۸	کوتئي بازار	۰۲
کورا	۰۲	کوليپوه	۱۲ - ۳۹۵
کورادي	۲۲	کوما	۹۸

کپیر ۵۰۷	کیدارپور ۴۵۹
کپیرا ۴۵۸-۳۸۱	کیدار کهنڈ ۴۱۰
کپیرالو ۴۹۵	کیدال ۵۵۸
کپیرتہلی ۴۵۲-۳۵۷	کیراپور ۴۰۵
کپیرلہ ۴۸۰-۴۷۷	کیرتپور شف کرتپور
کپیرن [کیرن] ۵۱۲-۳۶۵	کیرن شف کپیرن
کپیروا ۵۱۱-۳۶۴	کیرنپور کنار ۴۳۱-۳۴۹
کپیروہ ۵۰۹-۳۶۴	کیرانہ ۵۲۵-۳۶۹
کپیروہ ۵۴۱-۴۷۹	کیسورہ ۴۵۸ ۳۸۱
کپیری ۴۳۸-۴۳۴-۳۵۲	کیکری ۵۰۹-۳۶۴
کپیری گڈہ ۴۳۸-۳۵۲	کیلوکھڑی ۵۱۳
کپیری ہات ۴۵۰	کیموس ۵۲۱
کپیتور ۳۹۵	آب کین ۴۳۰-۴۲۳
کپیکس ۳۵۷-شف کپیکس	کدرنج ۴۹۴-شف کپرنج
کپیلپور ۴۸۲	
کپیل پھاتی ۳۹۸	
کپیل جھری ۴۸۰	
کپیون ۴۵۰	
کپیون سر ۵۱۱-۳۶۴	
کپیون کپیرا ۵۴۱	
کیارہ ۴۵۲-۳۵۷	
کیارہ سندھ ۳۹۰	
کیانابنایرا ؟ ۴۹۹	
کیت ۴۰۹	
کیتھل ۵۲۸-۳۶۹	
کیداباری ۴۰۳	
کیدار ۴۴۹-۳۵۷	

(گ)

گاریا دھار ۴۹۹
گاگرون ۴۶۷-۴۶۶-۳۸۱
گالندہ ۴۷۳
گاریل ۴۷۹-۴۷۶
گجرات-۷۶-۹۵-۹۶-۱۰۱-۱۵۰-۴۸۵
۵۰۲-۵۰۳-۵۰۷-۵۳۳-۵۳۵-۵۴۷
۵۸۲-۵۶۱-۵۵۷
گڈوارہ ۴۴۸-۴۲۸-۵۱۱-شف کڈارد
گڈہ انبہٹی ۴۴۰
گڈہ دنبالہ ۵۴۱
گڈہ مکتیسر ۵۲۰-۳۶۸

گڈھہ-۱۳۲-۴۱۶-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۸-۴۵۹	گڈھار ۴۸۸-۴۹۶-شف کڈھار
۴۷۷	گڈھا ۴۲۶-۳۴۹
گڈھی ۳۸۷-۳۹۶-۴۱۶	گڈکڑہ ۳۹۴
گڈھیا ۴۰۲	آب گنگ-۳۲-۳۸۸-۴۱۶-۴۱۷-۴۲۴
گڈریور ۵۲۱	۴۲۵-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۴۱
گڈرہات ۴۰۴-شف گرہات	۴۴۶-۴۷۳-۴۷۶-۵۰۷-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۴
گر ۴۸۹	آب گنگ گرتھی ۴۷۶
گرچھاٹ ۵۴۸	گنگاپٹ ۳۹۵
گُردیز ۵۹۵	گنگرار ۴۶۷
گرہات ۴۰۴	گنگلپور ۳۹۵
گرمسیر ۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹	گنگوت ۵۴۱
گرنال ۴۸۹	گنگوہ ۵۲۵-۳۶۹
گرنڈا ۳۵۳-۴۴۰	گنگیر کپیرہ ۵۲۰-۳۶۸
آب گرنی ۴۷۳-۴۷۴	گنگیری ۴۴۷
گرلی ۴۸۳	گنور ۳۶۸-۳۷۰-۵۲۰-۵۲۳
گرھنڈ ۳۹۶	گنیر ۳۴۹-۴۳۱
گری دھری ۴۹۹	گوا ۴۲۱
گریوہ شیرخانی ۵۸۵-شف کوتل	گوارچہ ۳۵۲-۴۳۵
قربات گزارہ ۴۲۹	گوالیار-۲۷-۵۳-۱۶۹-۳۵۷-۴۲۳-۴۴۲
گگناپور ۴۱۰	۴۴۷-۴۴۸-۵۳۶-۵۳۷-۵۴۳
گلگت ۵۶۳-۵۷۰	گویندپور ۴۰۴
کوہ گلو ۵۳۷	گویندپور کھڈ ۴۰۲
گلکنہ ۵۹۲	گویند وال ۳۷۷-۵۴۵
گڈا ۴۶۱	گوپالپور ۴۲۸-۳۴۸
گنچ ۴۰۴	گوپال نگر ۴۰۰
گنچ ساکھمالا ۴۰۲	گوپامو ۳۵۲-۴۳۸
گندور ۳۷۰-۵۲۳	گوجران برہی ۵۴۶

۴۷۶	آب گودادری	۴۲۲	گهرچارند
۴۹۸	گودھرا	۵۴۷	گهری
۴۳۳-۴۳۴-شف کودی	آب گودی	۴۲۸-۳۴۸	گهسوة
۳۹۰-۳۹۵-۴۱۳	گور	۵۸۵-۵۹۲	ولایت گهر
۳۵۳-۴۳۳-۴۳۶	گورکھپور	۵۲۷-۵۲۹-۵۱۳	آب گهگر- (در پنجاب)
۵۹۲	گورکھتری	۵۲۵-۳۹۹	گهلوت
۳۵۳-۴۳۶	گوری	۵۵۰	گهلو کھارہ
۴۰۲	گوکل	۴۱۶	آب گھندک
۴۰۲	گوکن بارا	۴۹۸	گھندیوی
۴۰۱	گوگھرا	۵۴۱	گھواسی
۵۲۱	گولہ	۳۹۰-۱۳۲-۴۰۱	گھواگھات
۴۸۹	گوملی (یا بوملی)	۴۷۷-۴۳۶-۴۲۸-۳۵۳-۳۴۸	گھوسی
۴۹۹	گوندل	۴۹۹-۴۸۶-۴۸۸-۴۹۰	گھوگہ
۵۳۷-۴۷۳-شف گڈھہ	گوندوانہ	۵۴۸	گھیب
۴۸۹	گوندھل	۴۷۸-۴۱۹	گیا
۴۱۹	گورہ	۴۰۲	گیاپور
۵۲۷-۳۹۹	گورھانہ	۴۱۹	گیدھور
۴۸۸	گورھوارہ	(ل)	
۳۵۷-۴۵۲	گھات سوون [سیون]	۴۵۴	لاپوتی
۳۴۹-۳۵۳-۴۲۳-۴۳۱-۴۴۰-۴۴۱	گھاتم پور	۵۰۰-۴۸۸	لاتھی
۴۰۲	گھات نگر	۴۰۶	لادو (یا لود)
۴۶۷	گھاتی	۵۱۲-۳۶۵	لادون
۴۱۹	گھاتی بہار	۴۸۲	لاکھیر
۴۰۶	گھاتی نڈھی	۵۸۴-۵۶۹	لار
۴۰۴	گھاس	۵۵۸	لاکھوات
۴۵۳	گھاسیوہ	۵۱۱-۳۶۴	لاکھری
۵۳۳-۵۲۸-۳۶۹	گھرام	۴۵۹	لانچی

۳۹۸	لانیان	۳۸۲	لکھیا ؟
۴۰۶	لود	۴۹۰	للت پور
۳۵۲-۳۸۱-۴۳۸-۴۵۸-۴۹۴	لھر پور	۵۹۲	لنڈر
۵۵۷-۲۰۳	لھری	۴۷۵-۴۷۳	لنگ
۱۰۱-۱۰۴-۲۰۲-۳۷۷-۵۳۴	لھور	۵۹۳-۵۹۲	لمغان و لمغانات
۵۳۷-۵۳۸-۵۴۲-۵۴۹-۵۸۴		۴۷۸	آب لُزار
۵۶۴	آب لچھمکل	۵۴۸	لنگھتیار
۴۲۲	لدواری	۴۶۲	لوائی کورہ
۴۶۱	لروالہ	۵۳۷-۵۲۸-۵۱۳-۳۶۹	لودھیانہ
۳۵۳-۴۴۰	لشکر	۴۹۶	لورک
۴۰۴	لشکر پور	۳۷۷	لوسدہ
۵۴۱	لعل سنگی	۵۹۵	لوگر
۴۲۰	لکھن پور	۵۴۷	لولور
۲۷-۳۵۳-۴۳۴-۴۳۸-۴۴۰	لکھنو	۴۹۸-۴۸۸	لولیانہ
۳۶۹-۳۹۰-۳۹۵-۵۲۵	لکھنوی	۵۵۸	لوند
۵۴۶-۵۲۳-۳۷۰	لکھنور	۵۱۱-۳۶۴	لوندہ (لوندہ)
۳۴۹-۴۲۶	لکھنسر	۳۹۸	لون کوهال
۵۵۶	لکھی	۵۲۰-۳۶۸	لوفی
۳۸۲-شف بابا بہرچ	لکھی بابا بہرچ	۴۷۵	لوھارا
۳۸۲-شف جنگل	لکھی جنگل	۴۹۸	لوھاری
۳۸۲-شف چھنی	لکھی چھنی	۵۷۹	لوہ پور
۳۸۲-شف رحیم آباد	لکھی رحیم آباد	۵۱۱-۳۶۴	لوہروارہ
۳۸۲-شف عالم پور	لکھی عالم پور	۴۸۳-۴۸۴	لوہگانو
۵۵۳	لکھی قبولہ	۵۴۱-۳۷۷	لوئی دھیری
۳۸۲-شف قیام پور	لکھی قیام پور	۵۱۱-۳۶۴	لہار
۳۸۲	لکھی کلنارکی	۵۳۸	لہاور
۳۸۲-۵۵۳	لکھی لوسقانی [بوسقانی ؟]	۴۶۴	لہر پور

لهستانی	۴۸۲	مالوي	۴۸۰
ليصرو	۵۲۳ - ۳۷۰	ماليا	۴۸۷
ليکن کپړه	۵۵۷	مالير [مالنير]	۵۲۹ - ۳۷۰
ليمرې	۴۸۷	مالي کانو	۳۹۶
ليمورا باتوا	۵۰۰	مانجر	۵۵۷
(م)														
ماترکانو	۴۸۴	مانجرورد	۴۷۵
ماچهامر	۵۶۹	ماندگانو	۴۸۰
ماچپوړه	۵۳۷ - ۵۲۹ - ۳۷۰	ماندن	۴۹۵
ماچين	۳۸۷ - شف مهاچين	ماندوتپي	۵۲۰ - ۳۶۸
آب مار	۵۶۴	ماندوري	۴۸۸
مارکندن	۵۵۸	ماندل	۳۶۴ - ۵۰۵ - ۵۰۹ - شف مندل
مارهه	۴۴۷	ماندل گده	۵۰۹ - ۳۶۴
مازراز	۵۰۷ - ۵۰۵	مان سوال	۵۴۱
ماسد	۴۸۰ - شف باسد	مانلک پتن	۴۱۱
ماکياله	۵۴۸	مانلک پور	۳۴۹ - ۳۹۶ - ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۳
مال	۴۶۰	مانلک درگ	۴۸۳ - ۴۷۷
مالابيل	۴۸۰	مانکوت	۵۴۶ - ۳۷۷
مالبوري	۴۸۲	مانلک هتي	۴۰۸ - ۳۹۸
مالچپتا	۴۱۰	مانگچي	۴۲۱
مانچي پور	۴۰۴	مانگروژ	۵۱۱ - ۳۶۸
مالده	۴۱۹ - ۳۹۶	مانگور گهات	۴۰۰
مالکپير	۴۷۹	مانه	۴۷۹
مالنچي	۴۰۴	مانله	۵۵۴
مال نير	شف مالير	ماهورت	۵۰۹ - ۳۶۴
مالو - ۷۶ - ۹۷ - ۳۸۱ - ۴۵۵ - ۴۶۹ - ۴۷۳	ماسمند	۴۵۸ - ۳۸۱
۴۷۷ - ۴۸۵ - ۵۳۷ - ۵۵۵	ماهه	۴۸۸

ملهور	۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۸۲ - ۴۸۳	محمود شامي	۳۹۸
ماهي نگر	۴۹۶	مدارن	۳۹۱ - ۴۰۹
ماهي هتي	۴۰۹	مداريا	۳۶۴ - ۵۰۹
مبارک آجيل	۴۰۵	مذناوتي	۳۹۵
مبارکپور	۴۵۲ - ۳۵۷	مدن بنارس	۳۴۹ - ۴۲۶
مقلهامة	۵۷۸	مدوبي	۵۵۸
متن	۵۷۲ - ۵۶۶	مدهريا	۴۰۰
متيرا - ۲۰۵ - ۳۵۶ - ۴۴۲ - ۴۴۴ - ۴۹۰ - ۵۷۹	مدهوديا	۳۹۹
متياري	۴۰۹	مدهول	۴۸۴
متيله	۵۵۱	مديانو	۳۵۳ - ۴۰۰
کوه مجاهد	۴۵۵	مذکورين	۳۹۵ - ۳۹۷ - ۴۰۸ - ۴۱۱
مجلول غارپور	۵۵۲	مدرات	۳۷۷
مچوري	۴۱۱	مرالي	۵۴۸
مجهان	۴۳۱ - ۳۴۹	مرادلي	۴۹۸
مجهواره	۴۲۹ - ۳۴۹	مردان پور	۴۶۵
مجهورا	۴۲۸ - ۳۴۸	مرراج	۹۸ - ۵۵۱
مجهوره	۴۲۰	مرزغن	۵۱۳
مچه رهنه	۴۳۸ - ۳۵۲	مرغدره	۴۹۵
مچه رهنه	۴۸۷	مرکا	۴۲۲
محببت پور	۴۰۲	مرزادون	۵۷۲ - ۵۶۶
مُحسن پور	۴۳۱ - ۳۴۹	مروث	۵۵۲
محمد آباد - ۳۴۸ - ۳۴۹ - ۴۲۶ - ۴۲۸ - ۴۴۵	مروسور	۴۶۶
محمد بري دکرار	۵۴۶	مسجد اندرخاني	۴۰۲
محمد پور - ۳۷۷ - ۴۰۸ - ۴۶۲ - ۴۶۴ - ۵۴۱	مسجد پور	۴۲۰
محمد روت	۵۵۳ - ۳۷۷	مسجد حسين شاهي	۴۰۲
محمود آباد	۳۹۰ - ۳۹۷ - ۴۸۶ - ۴۹۴	مسدي	۴۲۰
محمود پور	۴۰۴	مسدها	۴۰۴

۳۹۷	ملارو	۳۵۳ - ۳۶۰
۵۲۰	-	۵۰۹	-	۴۹۴	-	۳۶۸ - ۳۶۴	مسعود آباد
۵۸۹	ملتان - ۲۷ - ۳۸۲ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۳۷ - ۵۴۹	محوانی الوس
۴۱۹	۵۵۵ - ۵۵۱ - ۵۵۰	مسودها
۵۲۸	-	۳۶۹	محننگن
۵۸۸	مشتنگ
۵۲۸	-	۳۷۰	مصطفی آباد
۵۲۵	-	۴۸۹	-	۳۶۹	مظفر آباد
۴۰۹	مظفر پور
۴۰۷	مظفر شاہی
۳۹۹	معروف قبیہ
۳۹۹	معزالدین پور
۴۰۶	معظم پور
۵۲۳	مغول پور
۴۹۶	مقبول آباد
۴۸۴	مکت مدہ کبیر
۵۶۰	-	۵۵۹	-	۵۵۵	-	۵۴۹	مکران
۴۴۱	-	۳۵۳	مکرایڈ
۳۹۶	مکراین
۳۹۷	مکورگانو
۳۹۸	مکینا
۴۲۱	مکیر
۴۰۲	مکت پور
۴۰۹	مکورا
۴۳۶	-	۳۵۳	مکھر [منکھر]
۵۲۱	مکچور
۵۱۱	-	۳۶۴	ملارنہ

۴۹۴	-	۳۵۶	منگولہ
۵۵۳	منگھالی
۴۵۲	منداور
۴۸۷	منڈل
۴۵۹	-	۴۵۹	منڈلا
۴۵۰	منڈلاپور
۴۰۹	منڈل گھاٹ
۳۵۳	-	۴۳۶	منڈلہ
۳۵۳	-	۳۵۳	منڈوہ
۵۴۰	-	۴۸۰	منڈوی
۴۲۱	منڈھل
۵۴۱	منڈھونہ
۳۴۸	-	۳۴۸	منڈیاہو
۴۱۹	منروا
۴۰۴	من سالی
۵۲۹	-	۳۷۰	منصور پور
۵۵۰	منصورہ
۴۸۰	منکا
۵۴۶	-	۳۷۷	منگترالہ
۴۲۳	منگور
۴۸۰	منگول
۴۹۴	-	۴۹۲	منگریچ
۳۹۵	منگل پور
۴۳۶	-	۳۵۲	منگلسی
۴۸۹	-	۴۸۸	-	۴۸۲	-	۴۸۰	منگلور - ۳۶۹
۵۸۵	-	۵۲۵	-	۵۰۰	-	۴۹۰	منگلور
۵۴۷	منگلی

مولگر ۴۰۸	آب مهران .. ۵۴۸ - ۵۴۹ - شف آب سنده
مول مرگ ؟ ۴۸۴	مهرکول ۴۰۹
مول مهادیر ۴۹۰ - ۴۸۸	مهرتخوی ؟ ۳۵۳
مولیر ۴۹۲	مهرور ۵۴۳ - ۵۴۴ - شف مهرور
مولیسر ۳۹۵	مهرزده ۴۰۴
مومیدانه ۵۱۱ - ۳۹۴	مهریسا ۴۰۰
مولچپور ۴۹۵	مهرور ۳۷۷ - شف مهرور
مولندی ۳۸۲	مهرسون ۴۰۱
مولنڈاگاچه ۴۰۰	مهرسی ۴۲۰
مولنڈاگاچه ۴۰۹	مهرکر ۴۷۶ - ۴۷۸ - ۴۸۴
مولنونا ۴۵۲ - ۳۵۷	مهرکانو ۴۸۳
مولنگرتی ۴۶۱	مهرلا ۴۲۲
مولنگرا ۴۲۸ - ۳۴۸	مهرلند ۴۰۷
مولنگرا (فتح پور) ۴۵۳	مهرم ۳۶۹ - ۵۲۷
مولنگیر ۴۱۹ - ۴۲۰ - شف منگیر	مهرمان شاهی ۳۹۸ - ۴۰۵
موله ۵۵۲	مهرندرا ۴۸۸
مولهان ۳۵۳ - ۴۰۴	آب مهرندری ۴۸۵ - ۴۹۲ - ۴۹۳
مولهن ۳۶۴ - ۵۰۹	مهرند ۵۵۲
موله ۳۴۸ - ۴۲۵	مهرازی ۳۴۹ - ۴۳۰
مهاچین ۳۸۷ - شف ماچین	مهرایا ۳۴۹ - ۴۳۰
مهار ۴۰۹	مهرولی - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۷ - ۴۳۶ - ۴۴۴ - ۴۴۹
مهاکان گهاٹ ۴۱۰	مهرون [مهرسون] ۴۰۱
آب مہاندی ۳۹۲	مهرونه ۳۵۳ - ۴۰۰
مہاون ۳۵۶ - ۴۴۴	مهره ۴۸۸ - ۴۹۰ - ۴۹۸ - ۵۵۰۰
مہالچ ۳۴۹ - ۴۳۰	مهرئی ۳۴۹ - ۴۳۰ - ۴۶۴
مہدپور ۴۶۱	مهری چال ۴۰۹
مہدوار ۴۹۸	مهریر ۴۱۹

مہیس ۵۵۳	میناباک ۴۰۹
مہیسر (چولی مہیسر) ۳۸۲ - ۴۶۴	مینگری ۵۴۶ - شف میگری
مہیسرپور ۳۹۸	میوات ۱۴۰ - ۱۸۸
مہیس مندل ۳۹۹	میوار ۵۰۵ - ۵۰۶
مہین ۴۸۴	میومحل ۳۹۵
مہیند ۴۴۲	(ن)
مہیوہ ۳۶۴ - ۵۱۱	ناچن گانو ۴۸۲
مہیلانہ ۴۶۱ - ۵۰۰	نادوت ۴۹۳ - ۴۹۵
مہیانی نوریہ ۳۷۷ - ۵۴۱	نادورہ ۴۸۲
مہینہ ۴۸۳	نارمی ۵۴۹
مہیدان ۵۹۱ - ۵۹۵	نارنگ واری ۴۸۰
مہیدرہ ۵۰۰	نارنول ۴۴۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴
مہیدنی پور ۴۱۰	نارنولی ۴۹۸
مہیدنی مل ۴۰۹	ناشی پور ۳۹۹
مہیرال ۴۹۸	ناکام ۵۷۲
مہیران پور ۳۹۷	ناکامو ۵۶۸
مہیرپور ۳۹۸	ناگسری ۵۰۰
مہیرخان ۴۵۸	ناگور - ۲۷ - ۱۴۶ - ۲۰۷ - ۴۰۹ - ۵۰۷ - ۵۰۸
مہیرخانی الوس ۵۸۹	۵۱۱ - ۵۱۲
مہیرتہ ۳۶۵ - ۵۱۲	ناگہر ۴۸۸
مہیرتہ ۲۰۷ - ۳۶۸ - ۵۲۰	نانامو ۳۵۷ - ۴۴۶
مہیری ۳۷۷ - شف میذکری	نان پور ۴۲۱
میگانو ؟ ۴۸۱	نانداپور ۴۸۳
میلسی ۳۷۷ - ۵۴۱	ناندورہ ۴۸۲
میلمور ؟ ۵۰۰	ناندیر ۴۸۴
میلمڈہ ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۸۲	نابرتہ ۳۶۹ - ۵۲۵
میلمند ۵۸۷	ناوری ۴۶۴

ناھت ۳۹۵	نرھر ۴۵۴ - ۴۶۳
ناھرگڙهه ۴۵۲ - ۳۵۷	نرھن ۴۲۰
نايرل ۴۰۸	نرياد ۴۹۸ - ۴۹۴
نامي گانو ۴۸۲	نسلڪ ۴۰۷
نبييا ؟ ۴۰۸	نسلڪ ۴۰۸
آب نيٽا ؟ ۴۷۶	نصرت آباد ۴۰۱
نتران ۴۰۷	نصرت اُجڀال ۴۰۵
نترنگ ۴۹۵	نصرت شاهي ۴۰۵ - ۴۰۴ - ۳۹۹
نقو پور ۴۲۸ - ۳۴۸	نصيب پور ۳۹۵
نقيل ؟ ۵۸۷	نصير آباد ۴۷۵ - ۴۲۹ - ۳۴۹
نجرارو ۵۹۵ - ۵۹۳	نصير پور ۵۵۸
نڊيا ۴۰۹	نظام آباد ۴۲۸ - ۳۴۸
نڊينه ۵۲۳ - ۳۷۰ - شف نڊينه	نظام پور ۵۵۷ - ۴۰۴
ننڊربار ۴۹۲ - ۴۶۶ - ۴۵۵	نعلچھ ۴۶۵ - ۳۸۲
نوابن پور ۴۱۰ - ۴۰۶	نعمت پور ۳۹۷
نواينھ ۵۰۹ - ۳۶۴	نغر ۵۹۰
آب نريدا - ۴۱۶ - ۴۵۵ - ۴۵۴ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴	نقليسر ۳۹۷
۴۹۶ - ۴۸۸ - ۴۸۵ - ۴۶۵	نكرهه ۵۴۱
نرسی ۴۸۲	نکودر ۵۴۱ - ۳۷۷
نرمل ۴۸۴ - ۴۷۸	نکور ۵۲۵ - ۳۶۹
نرناله ۵۰۵ - ۴۸۱ - ۴۷۷ - ۴۷۶	نکھت شف پتي فکھت
نرنگا ۴۲۲	نگر ۵۱۱ - ۳۶۴
نروت ؟ ۳۷۷	نگريانگا ۳۹۹
نور ۴۵۵ - ۴۵۰ - ۱۳۲	نگرچال کورتيا ۳۹۹
نورولي ۵۲۳ - ۳۷۰	نگرکوٽ ۵۸۳ - ۵۸۱ - ۵۳۸
نورون ؟ ۳۴۹	نگين ۴۰۸
نرھت ۴۱۹	نگيندان ۴۵۳ - ۳۵۷

نڳينه [نڳينه] شف نڊينه	نوڪو سيرال ڪهٽر ۵۴۹
نلدئي ۳۹۹	نوڪها ۵۱۲ - ۳۶۵
نلواکوٽ ۴۰۶	نوڪام (نوگانو - نوگانون) ۳۵۷ - ۴۵۲ - ۴۶۲ - ۴۶۵
نمورهي ۴۶۶	نولائي ۴۵۷ - ۳۸۱
ننڊگانو ۴۸۰	نومي ۴۳۰
ننڊگانو پيٽه ۴۸۰	نونيگل ۵۴۱ - ۳۷۷
ننڊن پور ۵۴۹ - ۳۷۷ - ۱۳۲	نون هيرو ۴۵۵ - ۳۵۷
ننڊرون ۵۴۱	ننهور ۵۲۳ - ۳۷۰
ننڊهرا ۴۰۲	نه جون باتور ۴۰۲
ننڊي مرگ ۵۶۵	نهرواله ۵۰۲ - شف پٽن (گجرات)
ننگل ۵۴۱	ني پور ۴۳۶ - ۴۲۰ - ۳۵۲
ننگلوري ۴۶۴	نيچلي ۴۵۸
ننگ نهار ۵۹۴ - ۵۹۲	نير ۴۸۳ - ۴۸۰ - ۴۶۶
ننڊور ۴۲۳	نيڪ نهال شف ننگ نهار
نواپارا ۴۰۶	نيڪون ۴۲۸ - ۳۴۸
نواگڙهه ۴۳۷ - ۳۵۲	نيلاب ۵۴۹
نوالي ۴۶۵ - ۳۸۲	نيلگر پريت ۳۹۲
نوانگر ۴۶۲ - ۳۹۵	نيل نگر ۴۰۱
نواهي ۵۱۱ - ۳۶۴	نيلون ۴۰۱
نوبي ؟ ۳۷۷	نيله ناگ ۵۶۸
نوبدار ۵۵۸	نيمارو ۴۶۵
نوپارا ۴۰۲	نيم تهور ۴۶۷
نوتن ۴۲۲	نيمرانه ۵۲۵ - ۳۶۹
نوج ۴۴۷	نيمروز ۵۹۹
نورڪل ۵۸۵	نيم ڪهار ۴۳۸ - ۴۳۴ - ۳۵۲
نورم ۴۲۲	نيمله ۵۳
نوساري ۴۹۸	نيمله ڪوتل ۵۹۰

۴۸۰	هات گانو	۴۶۵	نیمین
۴۰۹	هات گهاتی	۵۰۹ - ۳۶۴	نیمین
۴۲۲	هاتپی	۵۲۳ - ۳۷۰	نیوردهنه
۴۰۹	هاتپی کندها	(و)						
۴۸۴	هاتا	۴۸۹	واجی
۵۴۱ - ۳۷۷	هادی آباد	۴۰۳	واکر حاضر
۴۲۵ - ۳۴۸	هادی باباس	۴۸۸	والاک
۵۰۸ - ۵۰۵	هاتوتی	۴۸۱	والده
۴۶۵	هاند	۴۸۲ - ۴۸۱	وای گانو
۴۸۸	هانسار	وتر
۴۸۸ - ۴۹۶	هانسوت	۴۰۳	دچی
۵۲۷ - ۵۱۴ - ۳۶۹	هانسی	* ۴۷۶	آب وردا
۵۷۰	های هامون	۴۷۶	وردانت
۳۹۹	هتایان	۴۴۴ - ۴۰۴ - ۳۵۶	فزیور
۴۰۷	هتران ؟	۴۸۴	وسا
۵۰۰	هتسنی	۵۶۸	آب وسی
۴۴۴ - ۳۵۶	هتکانت	۵۶۶ - ۳۷۷	ون
۴۸۲ - ۴۳۱ - ۳۴۹	هتگانو	۵۴۳	ونبه
۵۲۳ - ۳۷۰	هتمنه	۴۰۳	وهرایب
۳۶۸	هتناور	ویر
۳۹۶	هتندا	۵۶۸	ویرناک
۵۴۹	هتیارلنگ	۴۹۵	ویسه ؟
..	هتیاگده	۵۷۲ - ۵۶۵	ویهی
۴۴۱ - ۳۵۳	هدهه	(ه)						
۴۵۲ - ۳۵۷	هرپور	۴۲۲	هابی
۳۹۱	هریه	۵۲۹ - ۳۷۰	هابری
۵۱	هرودار	۵۲۰ - ۳۶۸	هاپور

۴۴۱ - ۳۵۳	هردونی	۵۸۰ - ۵۶۲	هستیوتر
۴۵۹	هرریا	۵۴۳ - ۳۷۷	هشیار کرنا
۴۵۳ - ۳۵۷	هرسانا	۴۰۹	هفت چور
۵۰۹ - ۴۹۴ - ۳۶۴	هرسور	۵۶۹	هل تهل
۴۵۲ - ۳۵۷	هرسوری	۳۹۹	هلدا
۳۵۷	هرسونی	۴۸۳	هلد بدهونا
۴۳۸ - ۳۵۲	هرگرانو	۴۸۷	هلود
۵۸۷	آب هرمنده	۴۰۹	همتبارو
۴۹۰	آب هرن	۵۴۹	همت خان کرمون
۴۰۹	هرنگر	۳۹۹	هم تن پور
۴۲۲	هرنی	۴۴۵	همیر پور
۵۴۱ - ۳۷۷	هرهانه	۵۴۶ - ۳۷۷	همینگر
۴۲۶ - ۳۴۸	هرهوا	۵۴۶	هنتیال
۱۳۲	هریاگده	هنجراو
۴۰۵	هریال بازو	هند - و هندوستان
۵۴۷	هریو	۵۹۳ - ۵۹۲ - ۵۸۵ - ۵۸۳ - ۵۸۱						
۵۸۹	هزار بنجه بنچی	۵۹۰	هندو کوه
۴۲۰	هزار تکی	۴۲۰ - ۳۹۵	هندوی
۵۱۳	هزارستون	۴۴۴ - ۳۵۶	هنتون
۳۹۷	هزارهتی	هندیه - ۱۳۲ - ۳۸۱ - ۴۵۷ - ۴۶۵ - ۴۷۳ - ۴۷۶ -
۵۴۷ - ۵۳۷ - ۳۷۸ - ۲۱۰	هزاره	۴۷۷						
۵۸۹	هزاره دهله	۴۳۱ - ۳۴۹	هنسوه
۵۴۹	هزاره قرق	۳۹۹	هوال گهاتی
۵۴۹	هزاره گوجران	۴۵۵ - ۳۵۷	هوتل
۴۸۸	هست جتی	۳۹۹	هوسی پور
۳۹۵	هست گنج پور	هوشیار
۵۲۰ - ۵۱۶ - ۵۱۵	هستناپور	۱۳۲	هوشنگ آباد

(ي)	هولگلي
۳۹۱	هياگده ؟ [هتياگده]
۴۰۹	هيبت پور
۴۰۱	هيسولي
۳۹۷	هيلك
۴۰۵	هيلكي
۴۰۹	هياگده ؟ [هتياگده]
۴۰۱	هيبت پور
۳۹۷	هيسولي
۴۰۵	هيلك
۴۰۹	هيلكي

ملحقات

هولگلي (گولگلي) ۴۸۹

حسن ابدال ۵۴۸

80 copies printed

Institut für Geschichte der Arabisch-Islamischen Wissenschaften
Beethovenstrasse 32, D-60325 Frankfurt am Main
Federal Republic of Germany

Printed in Germany by
Strauss Offsetdruck, D-69493 Hirschberg